

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



**مجموعه مقالات برگزیده**  
**اولین همایش ملی حکمرانی اسلامی**  
**(جلد پنجم)**

دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی و تحقیقات راهبردی  
مرکز انتشارات راهبردی  
تهران - ۱۳۹۹

سرشناسه:

عنوان و نام پدیدآورنده: مجموعه مقالات برگزیده اولین همایش ملی حکمرانی اسلامی /  
مشخصات نشر: تهران، انتشارات دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی و تحقیقات راهبردی، ۱۳۹۸  
مشخصات ظاهری: تعداد صفحه

شابک:

فهرست نویسی: فیبا.

یادداشت:

موضوع:

موضوع:

موضوع:

موضوع:

موضوع:

موضوع:

شناسه افزوده: دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی و تحقیقات راهبردی. انتشارات

رده‌بندی کنگره:

رده‌بندی دیویی:

شماره کتابشناسی ملی:



## مجموعه مقالات برگزیده اولین همایش ملی حکمرانی اسلامی

ناظر ویراستار: مرتضی چشمه‌نور

صفحه‌آرا: علی مهدی‌زاده

طراح جلد:

نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۹

ناشر: انتشارات دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی و تحقیقات راهبردی

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه -

شابک:

قیمت: ریال

همه حقوق چاپ و نشر این کتاب محفوظ است.

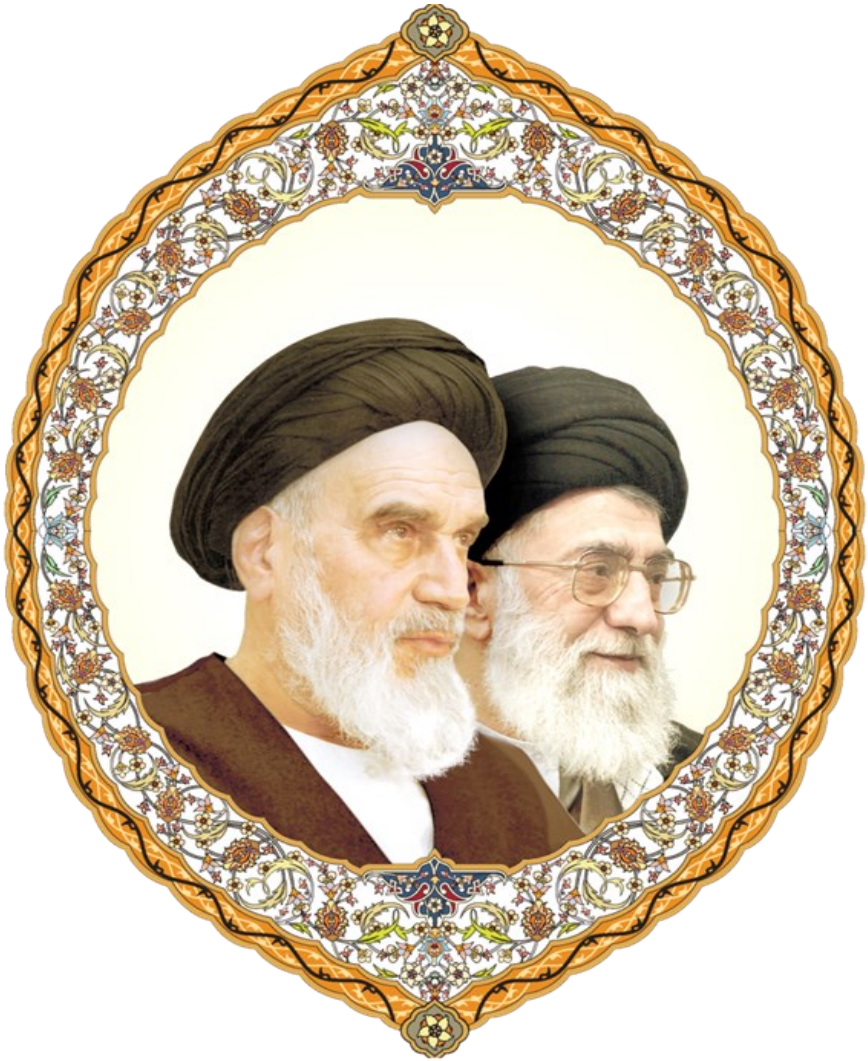
دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی و تحقیقات راهبردی

مرکز انتشارات راهبردی

نشانی انتشارات: تهران. ضلع شمالی بزرگراه شهید بابایی، بعد از اتوبان هنگام،

دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی و تحقیقات راهبردی، انتشارات دانشگاه عالی دفاع ملی

تلفن ۲۲۹۷۰۳۴۳ نشانی اینترنتی: [www.sndu.ac.ir](http://www.sndu.ac.ir)



مسئولیت محتوای مقالات بر عهده‌ی نویسندگان است

## سخن ناشر

دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی و تحقیقات راهبردی به‌عنوان سازوکاری علمی و سازمانی در توسعه ادبیات راهبردی و آموزش مدیران عالی کشور در حوزه مسائل راهبردی، دفاعی و امنیتی، با بهره‌گیری از بنیان‌ها و نظریه‌های بومی، در صدد تدوین راهبردهای تعالی‌بخش به منظور تحقق اهداف منبعث از رسالت و مأموریت علمی خویش است.

این دانشگاه و پژوهشگاه از مراکز علمی کلیدی و حساس در عرصه مسائل راهبردی است که از بدو تشکیل و راه‌اندازی آن پس از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی در صحنه آموزش مسائل دفاعی - امنیتی به‌منظور کادرسازی متناسب با اهداف مقدس جمهوری اسلامی در سطوح مدیران عالی کشوری و لشکری پیش‌قدم بوده و وظیفه خطیر خود در جهت آموزش فرماندهان و مدیران عالی‌رتبه کشور را سرلوحه تمامی برنامه‌ها قرار داده است.

این امر هنگامی مهم‌تر می‌نماید که نگاهی پژوهشی و عمیق به پیرامون کشور، منطقه و جهان داشته باشیم؛ چراکه با ظهور تهدیدات نوین در عرصه بین‌الملل، لزوم داشتن چنین کانونی برای به‌هنگام نگاه‌داشتن مدیران عالی و فرماندهان نظامی کاملاً ملموس خواهد بود. از سوی دیگر ایده ایجاد تمدنی بزرگ موجب می‌شود تا این تلاش و تعهد موجب توسعه همکاری‌ها و ترغیب سازمان‌هایی گردد که برای پیروی از این هدف متعالی و ایجاد تحول در برنامه‌ها و فعالیت‌ها تولید و توزیع ادبیات راهبردی را یاری نمایند.

با نگرش به این رویکرد و اهمیت موضوع، لزوم تولید و توزیع ادبیات راهبردی در دانشگاه و پژوهشگاه که ماحصل تلاش اساتید و فرهیختگان متخصص در علوم راهبردی و دانش‌آموختگانی است که با نهایت تلاش و کوشش مدت‌زمان مفیدی از دوران زندگی خود را جهت فراگیری مفاهیم و اصول علوم راهبردی و تدوین رساله دکتری در دانشگاه و پژوهشگاه طی نموده‌اند، نمایان می‌گردد.

در این راستا مرکز انتشارات راهبردی دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی و تحقیقات راهبردی در سه حوزه مدیریت راهبردی، دفاع ملی و امنیت ملی با اهتمام به برنامه‌ها و در چارچوب اهداف و مفاهیم عالی نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران و تدابیر رهبر معظم انقلاب اسلامی و فرماندهی کل قوا حضرت امام خامنه‌ای ظله العالی، سعی در انتقال مفاهیم و آموزه‌های خود به سطوح مختلف مدیران و ارکان جامعه داشته و در این بستر دست‌های پرتوانی که نیل به این اهداف را تسهیل می‌نمایند به گرمی می‌فشارد.

**و ما توفیقی اِلَّا بالله علیه توکلت و الیه اُنیب**  
**دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی و تحقیقات راهبردی**



## اعضای هیئت علمی همایش:

دکتر احمد وحیدی

دکتر مهدی غضنفری

دکتر حبیب‌الله سیاری

دکتر علیرضا علی احمدی

دکتر محسن دانایی فرد

دکتر علی اصغر پور عزت

دکتر محمدحسین صنیعی

دکتر محمد مهدی نژاد نوری

دکتر ناصر پورصادق

دکتر سید شمس‌الدین حسینی

دکتر محمدرضا جمشیدی

دکتر خسرو بولحسینی

دکتر سید جواد امینی

دکتر حسین اصلی پور

دکتر مهدی عبدالحمید

دکتر محمدصادق امامیان

دکتر میرسامان پیشوایی

دکتر ابراهیم عزیزی

دکتر غلامرضا سلیمی

دکتر محمود صفری

دکتر ناصر عباس زاده

ابوالفضل انصاری

دکتر محمدرضا سنجری

مهندس منوچهر معصومی

دکتر زینب قربانی

دکتر مسعود باغستانی

دکتر فرزاد رستمی

دکتر محمدرضا موحدی

دکتر محمد شاه محمدی

دکتر محمدرضا صفری نژاد

### اعضای کمیته اجرائی همایش:

دکتر محمدرضا جمشیدی؛ دبیر اجرائی همایش  
سرهنگ موسی‌الرضا قائمی؛ رئیس دبیرخانه همایش  
ابوالفضل انصاری؛ عضو دبیرخانه اجرایی  
جواد قاصد نظامیان؛ عضو دبیرخانه اجرایی  
دکتر رحمان نجفی سیار؛ عضو دبیرخانه اجرایی  
مهندس محمدرضا زنگنه اینالو؛ عضو دبیرخانه اجرایی  
مهندس داریوش زنگنه؛ عضو دبیرخانه اجرایی  
مهدی سیاوشی؛ عضو دبیرخانه اجرایی  
حسام‌الدین کنونی؛ عوامل اجرایی  
رضا کریمی مقدم؛ عوامل اجرایی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ  
الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى

خداوند به کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند وعده می‌دهد که  
قطعاً آنها را حکمران روی زمین خواهد کرد. (سوره نور - آیه ۵۵)

## فهرست مطالب

۱۹	تبیین حکمرانی متعالی با تأکید بر مقیاس جغرافیایی مطلوب.....
۴۱	شاخص‌های حکمرانی مطلوب در نظام آموزش عالی.....
۵۵	تحقق گام دوم انقلاب اسلامی از منظر حکمرانی اقتصادی.....
	الگوسازی نظام مسائل حکمرانی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان مبنای سیاست‌گذاری برنامه هفتم
۸۹	توسعه مبتنی بر تحلیل بیانیه گام دوم.....
۱۲۸	الگوی حکمرانی خوب از دید اتحادیه اروپا؛ موانع و چالش‌ها.....
۱۷۲	اثر نوآوری بر حکمرانی در جمهوری اسلامی ایران.....
۱۸۹	حکمرانی برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران از منظر نظریه بازی‌ها.....
۲۱۹	وظایف حکومت اسلامی در دفاع و ایجاد امنیت در سرزمین اسلامی.....
۲۴۷	بررسی نقش استانداردها در حکمرانی علوم و فناوری‌های نوظهور.....
	مدیریت جهادی، الگوی حکمرانی اسلامی: بررسی نقش انقلاب اسلامی و دفاع مقدس در ظهور و
۲۷۴	شکل‌گیری مدیریت جهادی.....
	اقتصاد مقاومتی، الگوی حکمرانی اسلامی: راهکار مدیریت تهدیدها در سازمان‌های دفاعی دانش‌بنیان، از
۳۰۲	منظر اندیشه‌های حضرت امام خامنه‌ای (مدظله العالی).....
۳۳۹	شاخص‌های حکمرانی خوب اقوام از بعد اقتصادی با تأکید بر قوم ترکمن.....
۳۸۲	تأثیر حکمرانی خوب از بعد سیاسی بر امنیت ملی در بین اقوام «با تأکید بر قوم ترکمن».....
	ارزیابی میزان موفقیت حکمرانی خوب در گام اول انقلاب در اتحاد و همبستگی ملی اقوام با تأکید بر قوم
۴۲۰	ترکمن.....



## پیشگفتار

مدرسه حکمرانی شهید بهشتی با پیشنهاد سردار ریاست محترم ستاد کل نیروهای مسلح و تصویب مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در روز عید غدیر سال ۱۳۹۶ با اهداف شش‌گانه زیر راه‌اندازی و از همان تاریخ در راستای تحقق منویات مقام عظمای ولایت و فرماندهی معظم کل قوا با عزمی راسخ و با نیت تحول در نظام حکمرانی کشور، فعالیت‌های خود را با اتکال به الطاف بیکران حضرت باری تعالی و امید به مساعدت کلیه دستگاه‌ها در قوای سه‌گانه و به‌ویژه دانشگاه‌ها، پژوهشگاه‌ها و اتاق‌های فکر و با تلاشی شبانه‌روزی آغاز نموده است.

- تولید و اشاعه دانش و فرهنگ حکمرانی اسلامی در کشور
  - مدیریت دانش حکم‌رانی (احصاء ادبیات حکم‌رانی از منابع اسلامی، روایت‌پژوهی با مستندسازی تجربیات مدیران عالی ۴۰ ساله گذشته نظام و...)
  - ارتقاء دانش، نگرش، منش و کنش حکمرانان فعلی کشور از طریق دوره‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت
  - تربیت حکمرانان آینده کشور
  - پیشبرد دانش حل مسائلی و ارائه راه‌حل‌های عینی برای حل مشکلات حوزه‌های مختلف حکمرانی کشور همچون حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی و امثال آن
  - تشکیل بانک اطلاعات مدیران کلیدی کشور برای انتصاب در مشاغل آتی
- بی‌شک بهره‌گیری از تجارب گام اول انقلاب اسلامی «۴۰ سال گذشته» یکی از ارکان و اولویت‌های کاری مدرسه حکمرانی شهید بهشتی در تحقق اهداف مذکور است. همچنین بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی که با تدبیر حکیمانه رهبر عظیم‌الشان انقلاب حضرت امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) همانند چراغ راهنمایی هدایتگر کلیه نهادهای زیرمجموعه نظام در مسیر حرکت به سوی تحقق جامعه اسلامی و تحویل آن به صاحب اصلی آن امام موعود (حضرت بقیه‌الله اعظم ارواحنا لتراب مقدمه الفداء) است، تکلیف این مدرسه را دوچندان نموده و ضروری است که کلیه دست‌اندرکاران ضمن تلاش شبانه‌روزی برای جابه‌جایی عمل

پوشاندن به اهداف مصوب، نابسامانی‌های موجود و متصور در هر یک از نهادهای حکومتی را در یک آزمایشگاه سیاست‌گذاری تحلیل کرده و برای هر یک راه‌کاری درخور عرضه داشته و برنامه جامع تحقق مفاد این بیانیه مهم و سرنوشت‌ساز را تهیه و تدوین و به سهم خود اجرا نمایند.

همچنین بدیهی است که تحقق حکمرانی متعالی اسلامی در کشور مستلزم مشارکت و تعهد کلیه عناصر ذیربط «عامه مردم، نهادها و دستگاه‌های حکومتی» به این مهم می‌باشد و این مشارکت و هالگوی نیازمند فرهنگ‌سازی، گفتمان‌سازی و ارتقاء دانش و مهارت همه عناصر حکمرانی است. به این منظور مدرسه حکمرانی شهید بهشتی با همکاری برخی از اساتید دانشگاهی و علمای دینی در میان تعدد، تنوع، تفاوت و تکثر تعاریف ارائه‌شده از واژه حکمرانی، فرمایشات امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) در روز عید غدیر سال ۱۳۹۶ در باب حکمرانی را برگزیده است؛ به‌ویژه در فرازی که ایشان فرمودند: «امامت یعنی یک فردی، یک گروهی بر یک جامعه‌ای حکمرانی می‌کنند و جهت حرکت آن‌ها را در امر دنیا و در امر معنویت و آخرت مشخص می‌کنند. این یک مسئله‌ی همگانی است برای همه‌ی جوامع بشری»

مدرسه حکمرانی شهید بهشتی بر اساس همین تفکر و با مشارکت و حضور تعداد زیادی از دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌های کشور و جمعی از خبرگان، متخصصین و علمای دینی در تاریخ ۲۰ آبان ماه ۱۳۹۸ در محل دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی و تحقیقات راهبردی اقدام به برگزاری اولین همایش ملی حکمرانی اسلامی نمود.

**بخشی از فعالیت‌های این رویداد مهم شامل موارد زیر است:**

- دعوت از کلیه دستگاه‌ها و نهادهای حاکمیتی اجرای کشور جهت مشارکت در اجرای همایش و برگزاری ۲۰ نشست تخصصی در حوزه‌های مختلف در ماه‌های قبل از برگزاری همایش.
- فراخوان برگزاری همایش و دریافت مقاله از مراکز آموزشی و پژوهشی و دستگاه‌های اجرایی کشور که در مجموع تعداد ۱۶۰ مقاله در حوزه‌های «سیاسی، امنیتی،



دفاعی، اقتصادی و فرهنگی» به دبیرخانه همایش واصل گردید. پس از بررسی‌های لازم تعداد ۱۴۵ مقاله مورد پذیرش قرار گرفت و در این مجلدات چاپ می‌گردد.

• برگزاری ۱۵ نشست تخصصی (پنل) در روز همایش با موضوعات: حکمرانی اطلاعات مکانی، چالش‌ها و راهبردهای حکمرانی مطلوب در محیط زیست، حکمرانی و ورزش و جوانان، آموزش حکمرانی، حکمرانی دفاعی-امنیتی، حکمرانی و علم و فناوری، حکمرانی و مناطق آزاد و تجاری، مبانی نظری حکمرانی، حکمرانی و فرهنگ، نشست آزاد، حکمرانی و سلامت، حکمرانی و سیاست خارجی، حکمرانی و فضای مجازی و رسانه، حکمرانی و قانون و قضا، حکمرانی از منظر امامین انقلاب و ویژگی‌های رفتاری کارگزاران.

• در این همایش، آقایان دکتر علی لاریجانی (رئیس محترم مجلس شورای اسلامی)، سردار سرلشکر پاسدار دکتر محمد باقری (رئیس محترم ستاد کل)، سردار سرلشکر پاسدار دکتر محسن رضایی (دبیر محترم مجمع تشخیص مصلحت نظام) و دکتر رحمانی فضلی (وزیر محترم کشور) سخنرانی داشتند.

• برابر نتایج نظرسنجی‌های انجام شده کیفیت برگزاری همایش در حد مطلوب و در تراز جمهوری اسلامی ایران بوده و رضایت خاطر جامعه علمی کشور و پوشش خبری رسانه‌های داخلی و خارجی حکایت از این امر دارد.

مدرسه حکمرانی شهید بهشتی در حد بضاعت خود، با برگزاری این همایش گامی هرچند کوچک اما با اهدافی بسیار والا برداشته است. انجام این اقدام خطیر به علت تجربه اندک و ناکافی بودن ادبیات مدون بومی قطعاً خالی از اشکال نیست. امید است که با همگرایی و مشارکت حداکثری کلیه اساتید و مراکز علمی-پژوهشی کشور بتوان گام‌های بعدی را محکم‌تر و استوارتر به جلو برداشت تا ان شاء الله تمهیدات تحقق مفاد بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی فراهم و دین خود را به آرمان‌های نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران و خون شهدایی که برای شکل‌گیری و حفظ آن جان‌فشانی کردند، ادا نماییم.

در پایان بر خود لازم می‌دانم از زحمات کلیه مشارکت‌کنندگان، حامیان و عوامل اجرایی و برگزارکنندگان همایش تشکر نموده و جامعه علمی کشور را به مطالعه و بررسی مقالات گردآوری‌شده در این مجلد و همچنین مشارکت و ارائه مقاله در همایش‌های بعدی دعوت نمایم.

دبیر علمی اولین همایش ملی حکمرانی اسلامی و رئیس مدرسه حکمرانی شهید بهشتی

دکتر مهدی غضنفری

# تبیین حکمرانی متعالی با تأکید بر مقیاس جغرافیایی مطلوب

محمود نورانی

ناصر سلطانی



## چکیده

جغرافیای سیاسی به‌عنوان یکی از شاخه‌های علوم جغرافیایی به مطالعه بعد سیاسی فضای جغرافیایی می‌پردازد. بدین معنی که در فضای جغرافیایی اعم از مقیاس محلی تا جهانی و فراکروی، پدیده‌ها و ساخت‌هایی وجود دارند که در اصل ماهیت فضایی/جغرافیایی دارند و با مؤلفه سیاست درآمیخته‌اند. در جغرافیای سیاسی کلاسیک، حکمرانی یا حاکمیت در مفهوم اعمال تصمیمات و مجموعه اقداماتی بوده است که دولت‌ها در جوامع انجام می‌داده‌اند؛ اما امروزه با رواج رویکردها و اندیشه‌های جدید در جغرافیای سیاسی و در حوزه جغرافیای پست‌مدرن و ژئوپلیتیک انتقادی مفاهیم حاکمیت، حکومت و دولت دستخوش تغییرات عدیده‌ای گشته است. امروزه دولت تنها بازیگر صحنه کشور محسوب نمی‌شود و حکمرانی فقط حاصل عمل او نمی‌باشد. حکمرانی متعالی در رابطه‌ای شبکه‌ای نه سلسله‌مراتبی میان بازیگران تحقق می‌یابد و در این رابطه همه اجزا در شبکه باهم ارتباطی هم‌ارز و هم‌سطح دارند و یکی را بر دیگری برتری نیست. مقاله حاضر که از نوع بنیادی بوده و به روش توصیفی-تحلیلی تحقیق شده است، درصدد است تا نشان دهد بهترین الگو برای دستیابی به حکمرانی متعالی، احیا و بازسازی حکومت محلی در سازمان‌دهی سیاسی فضا می‌باشد.

**کلیدواژه:** حکومت محلی، حکمرانی متعالی، مدیریت سیاسی فضا

Explain good governance with emphasis on optimal geographic scale

Abstract. In classical political geography, governance has been in the concept of Decisions applying and Collection actions that Governments have been doing in the community. But, now with the development of new approaches and ideas in political geography and especially in the field of postmodern political geography and critical geopolitics, Concepts of sovereignty, government and the state has undergone numerous changes. Today the country is not the only actor on stage and governance is not merely the result of his action. Good governance is realized in the network rather than a hierarchical relationship among actors And in this respect, All components in the network are connected parallel and coplanar And is not the superiority of one over the other. This paper seeks to demonstrate the best model for achieving good governance, is Rehabilitation of local government in the political organization of space.

Keywords: local government, good governance, political management space.

## مقدمه

قبل از ورود به بحث حکومت محلی، در ابتدا به واکاوی مفهوم جغرافیای سیاسی پست‌مدرن خواهیم پرداخت تا در ادامه بتوانیم به درک بهتری از جایگاه حکومت محلی در آن دست یابیم. واژه «پست» در ابتدای مدرن به این معنی است که روش‌ها و شیوه‌های دیگری غیر از اندیشه‌های مدرنیسم وجود دارند که می‌توان از طریق آن پدیده‌ها و به‌خصوص پدیده‌های مطالعاتی در جغرافیای سیاسی را مورد کنکاش قرار داد؛ بنابراین جغرافیای سیاسی<sup>۱</sup> پست‌مدرن از این منظر نوعی رویکرد روش‌شناختی به مسائل و پدیده‌های جغرافیایی است که در مقابل جغرافیای سیاسی، کلاسیک یا مدرن قد علم کرده است. اصولاً حکمرانی یا حاکمیت در جغرافیای سیاسی مدرن اعمال تصمیمات و مجموعه اقداماتی بوده است که دولت‌ها در جوامع انجام می‌داده‌اند. در واقع این مفهوم مبتنی بر الگوی دولت قدرتمند و نیروی قاهره مرکزی بوده و همان دولتی است که هابز<sup>۲</sup> آن را در لویاتان<sup>۳</sup> توصیف می‌کند. در حقیقت ساختار فکری، فلسفی و اندیشه‌ای دوران مدرن مبتنی بر گزاره‌هایی بوده است که در اندیشه سیاسی موجب به وجود آوردن گزاره‌های قطعی، ثابت و پایدار گشته بود و بر مبنای همین اندیشه‌ها دولت نیز به‌عنوان پدیده طبیعی و حقیقی متصور می‌شد که تمامی اقتدار و حاکمیت در دست او خلاصه می‌شود. اما با ظهور تفکرات جدید اندیشه‌ای و شناختی این قطعیت و خلل‌ناپذیر بودن حاکمیت دولت مورد تردید قرار گرفته است. در جغرافیای سیاسی پست‌مدرن دولت تنها بازیگر صحنه کشور محسوب نمی‌شود و حکمرانی فقط حاصل عمل او نمی‌باشد. بازیگران حکمرانی در جامعه، دولت، بخش خصوصی، تشکل‌های غیر دولتی، گروه‌های ذی‌نفوذ، سازمان‌های مذهبی، رسانه‌ها هستند. از این منظر حکمرانی به‌صورت فرآیندی در می‌آید که روابط بین بازیگران شکل‌دهنده آن است. به عبارت دیگر، دولت نهاد یا سازمان معینی با سلسله

1 political geography

2 Thomas Hobbes

3 Leviathan

مراتب دیوانسالارانه نیست و قبل از آنکه تابع ساختاری خاص باشد تابع گرایشات و نظرات مردم می‌باشد.

... تاکنون کتاب‌ها، رساله‌ها و مقاله‌های زیادی در مورد شیوه حکمرانی متعالی در رشته‌های علوم سیاسی، علوم اجتماعی، اقتصاد و مدیریت به رشته تحریر در آمده است. که هرکدام بر مبنای حیطه تخصصی خود به تئوریزه کردن آن پرداخته‌اند. اما یکی از رشته‌هایی که به طور تخصصی به این موارد می‌پردازد رشته جغرافیای سیاسی است؛ با این حال، هنوز هیچ کار مدون و علمی که با توجه به شاخص‌های جغرافیایی به تئوریزه کردن حکمرانی متعالی پرداخته باشد وجود ندارد. این در حالی است که اندیشمندان و پژوهشگران جغرافیای سیاسی باید نقش پیشگام در مطرح کردن این مسائل در درون این رشته را داشته باشند. تحقیق حاضر در تلاش است تا به‌عنوان تلنگری بر محققان و پژوهشگران جغرافیای سیاسی سهمی هرچند کوچک در باز کردن این موضوعات در مطالعات جغرافیای سیاسی را بر عهده داشته باشد.

### روش تحقیق

تحقیق حاضر از نوع بنیادی بوده و روش توصیفی - تحلیلی را به‌عنوان روش تحقیق مورد استفاده قرار داده است. در لایه پژوهش برای گردآوری داده‌ها از روش سندکاوی استفاده شده است. بر این اساس، کلیه کتاب‌ها، مدارک، اسناد، پایگاه‌ها مقاله‌ها و پژوهش‌های در دسترس پژوهشگر که به بررسی این مفاهیم پرداخته‌اند، مورد مطالعه قرار گرفته و از آن‌ها فیش‌برداری شده است.

### نتایج

**حکومت محلی: مفاهیم، شاخص‌ها و پارامترها:**

پیتر تایلور<sup>۱</sup> و کالین فلینت<sup>۲</sup> در کتاب جغرافیای سیاسی (۲۰۰۰م)، این مفاهیم را این‌گونه تعریف کرده‌اند «دولت محلی از ترکیب کارایی مدیریتی و اداری با کارکردهای

1 Peter Taylor

2 Colin Flint



حکومتی مبتنی بر مشروعیت مردمی پدید می‌آید و آن بخش از دستگاه دولت است که به امور محلی رسیدگی می‌کند. دولت محلی فاقد اقتدار و حاکمیت از نوع دولت سرزمینی یا دولت مرکزی است، ولی در عین حال در مقیاس محلی امور گسترده‌ای نظیر آموزش و پرورش، مسکن، حمل و نقل عمومی، برنامه‌ریزی کاربری زمین و غیره را بر عهده دارد» (تایلور و فلینت، ۲۱، ۲۰۰۰). آن‌ها همچنین در تعریف حکومت محلی می‌گویند: «پایین‌ترین حلقه حکومت که به امور ویژه جوامع، شهرها و شهرک‌های منفرد رسیدگی می‌کند» (همان، ۳۷۲، ۳۰). دکتر حافظ‌ظنیا در کتاب افق‌های جدید در جغرافیای سیاسی (۱۳۸۸ ه.ش) معتقد است که با تعاریف مختلفی که درباره دولت محلی، حکومت محلی یا سازمان محلی ارائه می‌شود می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که همه مفاهیم فوق در مجموع بیانگر «سازه سیاسی - اداری مدیریت امور محلی» هستند (حافظ‌نیا، ۱۳۸۸، ۴۰). ما هم در این تحقیق با توجه به تفاوت‌های جزئی که بین دولت و حکومت محلی وجود دارد با کمی اغماض آن را در معنای مدیریت امور محلی و در سطح مقیاس جغرافیایی محلی مورد بررسی قرار می‌دهیم.

آنچه که ما در این بخش به دنبال آن هستیم کارکردها و وظایف دولت محلی می‌باشد. قلمروهای کارکردی و وظایف دولت‌های محلی در طیفی از امور سیاسی، امنیتی و قضایی تا امور سطحی خدماتی یا وظایف صرف نظارتی و دستیابی نهادهای حکومت مرکزی قرار می‌گیرد. قلمروهای کارکردی دولت‌های محلی را در کشورهای مختلف جهان می‌توان به شرح ذیل نام برد:

۱. آموزش و پرورش؛
۲. مسکن و کاربری زمین؛
۳. برنامه‌ریزی و توسعه عمران محلی؛
۴. حمل و نقل عمومی؛
۵. بهداشت و درمان نظیر بیمارستان‌ها و درمانگاه‌ها؛
۶. اماکن تفریحی و اوقات فراغت، نظیر پارک‌ها و گردشگاه‌ها؛

۷. اماکن ورزشی؛

۸. رفاه و تأمین اجتماعی و کمک به گروه‌های نیازمند؛

۹. خدمات شهری؛

۱۰. خدمات عمومی نظیر؛ برق، آب، فاضلاب، محیط زیست و بهداشت محیط؛

۱۱. امنیت عمومی و امور انتظامی؛

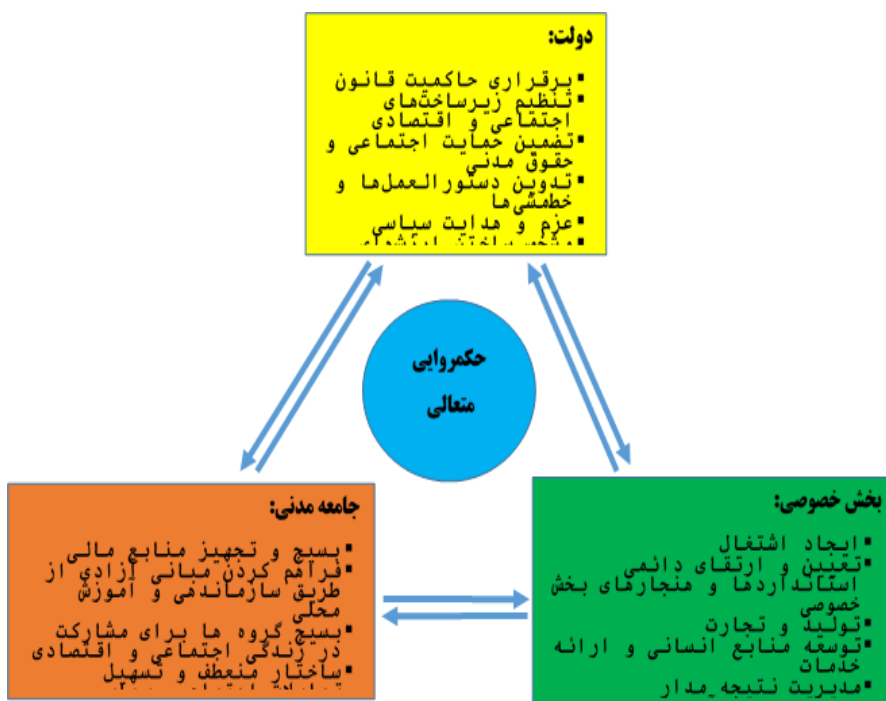
۱۲. داوری و مبارزه با جرایم (همان، ۵۲).

این‌ها نمونه‌هایی از وظایف و کارکردهای دولت محلی در جغرافیای سیاسی مدرن می‌باشند.

اما در جغرافیای سیاسی پست‌مدرن، دولت‌های محلی، محصول توسعه نابرابراند؛ دولت‌های محلی همواره کوشیده‌اند از طریق مسکن‌سازی، آموزش رایگان و جریان حمل‌ونقل، ابزار محلی مورد نیاز برای تضمین مصرف همگانی در این مناطق را تأمین کنند و بدین‌گونه، آثار و پیامدهای نامطلوب قطبی‌سازی اجتماعی - فضایی را بهبود بخشند (دوکان و گودوین، ۱۹۹۸، ۶۶)؛ و در این رابطه از نسخه تغییر و تعدیل یافته‌ای از نظریه ساماندهی بهره می‌برد که در آن تعداد نهادهای جدید و نوظهور دولت محلی در حال افزایش باشند. نهادهای جدید به‌طور معمول از نخبگان تجارت استفاده می‌کند تا بدین طریق قادر به ارائه راهکارهای توسعه اقتصادی باشند و خط‌مشی خود را به جای تمرکز بر چندین کار و عملکرد، در یک حوزه خاص تعمیم دهند و در حوزه‌های سرزمینی کوچک‌تر مانند دولت‌های محلی به فعالیت مشغول شوند (پک، ۱۹۹۵، ۳۷). از این شیوه امروزه به‌عنوان حکومت محلی یاد می‌شود که بر مبنای آن اداره و مدیریت دولت محلی تنها از طریق دولت محلی منتخب صورت نمی‌گیرد، بلکه دولت مرکزی، مجموعه‌ای از سازمان‌های غیر منتخب در سطوح مرکزی و محلی دولتی و نیز بازیگران سازمانی و انفرادی خارج از عرصه سیاسی - از جمله سازمان‌های داوطلبانه، شرکت‌های خصوصی، رسانه‌های گروهی و حتی نهادهای چند ملیتی - همگی در فرآیند حکومت‌داری شرکت دارند (شکل شماره ۱). در حقیقت در این مفهوم از حکومت، به روابط میان تمامی

بازیگران ذکر شده توجه می‌شود (گودوین و پینتر، ۱۹۹۶، ۵۹). همان‌طور که در شکل یک مشاهده می‌شود از تعامل دولت، جامعه مدنی و بخش خصوصی نوعی حکومت‌داری خوب به وجود می‌آید که به حکمرانی مشارکتی تعبیر می‌شود. بسیاری از شاخص‌های مطرح برای هر سه گروه مذکور راهبردهایی از پایین به بالا بوده و مشارکت شهروندان را در امر حکومت‌داری بیش از پیش مورد تأکید قرار می‌دهد. همچنین بسیاری از شاخص‌های مطرح در آن دستیابی به الگوی فوق را در مقیاس محلی می‌دانند.

به همین خاطر ما معتقدیم که با استفاده از مفهوم «جغرافیای مقیاس» که یکی از مسائل اساسی جغرافیای سیاسی پست‌مدرن را به خود اختصاص داده و در سطوح محلی، ملی، منطقه‌ای و جهانی عمل می‌کند، می‌توان به تبیین بهترین الگو برای شیوه حکمرانی خوب پرداخت. در حقیقت، استدلال ما این است که از منظر جغرافیای مقیاس بهترین سطح برای حکمرانی خوب سطح محلی می‌باشد اما سطح محلی که دارای تأثیرات متقابل از سطوح دیگر ملی، منطقه‌ای و جهانی می‌باشد. به عبارت دیگر تأثیر و تأثرات متقابل سطوح مختلف و تبلور آن در سطح محلی بهترین الگوی حکومت محلی را به ارمغان خواهد آورد.



منبع: نگارنده، ۱۳۹۸ ه.ش

شکل شماره ۱: شاخص‌های حکمرانی متعالی

معیارها و شاخص‌های حکمرانی خوب:

... تعریف واحد و یکسانی از واژه «حکمرانی»<sup>۱</sup> که مورد قبول همگان باشد وجود

ندارد. سامی فاینر (۱۹۷۰م) واژه دولت<sup>۲</sup> را در چهار معنی به‌عنوان:

۱. فعالیت یا فرآیند حاکم و حکمرانی؛

۲. شرایط قوانین دستوری؛

۳. افراد متصدی اجرای حکمرانی؛

۴. روش یا سیستمی که جامعه خاصی با آن اداره می‌شود تعریف کرده است (فاینر،

۱۹۷۰، ۱۰۲).

1 Governance

2 Government

اما در حال حاضر واژه حکمرانی مترادف با دولت به کار نمی‌رود، بلکه حکمرانی یکی از نشانه‌های تغییر در معانی دولت می‌باشد. این تغییر با اشاره به تغییرات مفاهیم در چهار تعریفی که در بالا به آن اشاره شده‌اند می‌باشد، یعنی فرآیندهای جدید حکمرانی، تغییر شرایط قوانین دستوری، یا روش‌های نوین اداره جامعه؛ بنابراین و با لحاظ کردن فرآیند، شرایط و روش جدید در حکمرانی می‌توان به شش کاربرد مجزا از حکمرانی رسید:

۱. به‌عنوان دولت حداقلی؛
۲. به‌عنوان حکمرانی مشارکتی؛
۳. به‌عنوان حکمرانی خوب؛
۴. به‌عنوان حکمرانی الکترونیکی؛
۵. به‌عنوان شبکه‌های خود سامانده؛
۶. به‌عنوان مدیریت همگانی جدید (رودز، ۱۹۹۶).

... شیوه حکمرانی دولت حداقلی: نوزیک و هایک به عدم دخالت دولت در امور اقتصادی قائلند و به‌صورت افراطی بر حقوق خصوصی و آزادی فردی تأکید می‌کنند. پی‌جویی عدالت اجتماعی را مضر و دولت را «بده» می‌دانند که باید آن را در سطح حداقل حمایت از بازار رقابت و اجرای قراردادها تحمل کرد (نوزیک و هایک ۱۹۹۸، ۲۱۴). با ظهور نظریه‌های مدرن از سوی کسانی چون جان لاک<sup>۱</sup>، نهادی به نام دولت، در قالب مدرن دولت - ملت<sup>۲</sup> شناخته شد. مشکل اساسی این است که گرانبار شدن مسئولیت دولت در جوامع مدرن از سویی باعث کاهش مشارکت مردم در سرنوشت‌شان شده و از سوی دیگر به محدودیت‌ها در حقوق شهروندان منجر شده است؛ بنابراین، از دهه هفتاد میلادی نوعی گرایش به محدود ساختن بیش از پیش دولت، به‌ویژه در میان گفتمان لیبرال‌پدیدار گشت، این گرایش، دولت حداقلی<sup>۳</sup> نامیده می‌شود. از این منظر دولت تنها در پنج مورد: آموزش عمومی، بهداشت، دفاع و امنیت ملی، تأمین اجتماعی و محیط زیست حق مداخله

1 John Locke

2 State-Nation

3 Night-watchman state or Minimalist government

دارد و عرصه‌هایی، مانند اقتصاد، فرهنگ و هنر به خود مردم واگذار می‌شود. در جامعه‌ای که دولت وظایفی حداقلی دارد، مردم خود مسئول تعیین خیر و شر هستند و دیگر چند نفر به خود اجازه نمی‌دهند به نام دولت، هنجار و بی‌هنجاری و رذیلت و فضیلت را برای همه و برای همیشه معلوم سازند.

... **حکومت به‌عنوان حکمرانی مشارکتی:** حکومت در این معنا به این معنی است که در جهت بهره‌برداری از منابع دست نخورده اجتماعی و ترغیب شهروندان به مشارکت و حضور در مناطق محلی، راهبردهای توسعه اجتماعی در اصل بر ساخت ظرفیت اجتماعی متمرکزاند. این بدان معنا است که تسهیل توسعه شبکه‌ها و منابع، جوامع را قادر می‌سازد تا نیازهای خود را ارزیابی کنند، به راه‌حل‌های مناسب دست یابند، بودجه لازم را تأمین کنند و پروژه‌های خود را تکمیل کنند. در حقیقت، راهبرد حکمرانی مشارکتی از ماهیتی جغرافیایی برخوردار است؛ چراکه باعث تقویت وحدت مکانی می‌شود و شرکت‌کنندگان - شهروندان فعال - را به تأکید و پافشاری بر حدود مشخص ناحیه خود، ترغیب می‌کند (جونز و همکاران، ۱۳۸۶، ۳۲).

... **دولت به‌عنوان مدیریت همگانی جدید:** در طی دو دهه گذشته و به‌خصوص در کشورهای صنعتی جهان تغییرات اساسی در اصول مدیریت بخش عمومی رخ داده است. این امر خود حاکی از شیوه نوینی از نقش دولت، نهادهای آن و ابزارهایی که از طریق آن به بخش عمومی خدمات داده می‌شود، است. مشارکت عمومی و درگیر شدن ذی‌نفعان در تصمیم‌گیری از مفاهیم مدرن حاکمیت متعالی هستند. افزون بر این، درگیر کردن ذی‌نفعان می‌تواند از طریق استقلال محلی و دموکراسی محلی به شیوه‌های گوناگون حاصل شود. دموکراسی را نمی‌توان از بالا به پایین دیکته کرد دموکراسی مفهومی است که لازم است ابتدا ظرفیت آن در مردم ایجاد شود و مفهومی است که بیشتر باید از پایین به بالا یعنی از سطح مردم به ساختار جریان یابد. ارزیابی تأثیر اجتماعی با درگیر کردن مردم در برنامه‌ها، پروژه‌ها و طرح‌های محلی و ارائه اطلاعات به آن‌ها در قالب این پروژه‌ها فرصت تعامل و

همفکری و چالش و تصمیم‌گیری جمعی را فراهم می‌کند و این خود می‌تواند زمینه حکمرانی خوب را فراهم کند.

... دولت به‌عنوان حکمرانی خوب: مفهوم حکمرانی خوب به جهت جدید بودن آن با تعبیر و تفسیرهای متفاوتی مواجه بوده است برخی افراد یا نهادها آن را با ویژگی‌هایش تعریف می‌کنند (کارشناسان بانک جهانی) و برخی دیگر آن را با عناصرش معرفی می‌نمایند (Farazmand, 1999,36). بانک جهانی به‌عنوان یکی از نهادهای بین‌المللی معتبر در گزارشی که در سال ۱۹۸۹م منتشر نموده است، برای اولین بار حکمرانی متعالی را به‌عنوان ارائه خدمات عمومی کارآمد، نظام قضایی قابل اعتماد و نظام اداری پاسخگو تعریف نموده است.

«UNDP» حکمرانی را همان اعمال قدرت سیاسی، اقتصادی و اداری برای مدیریت امور کشور در کلیه سطوح می‌داند (UNDP, 1997,112). حکمرانی متعالی بر اساس تعریف این نهاد شامل مکانیزم‌ها، فرآیندها و نهادهایی است که بواسطه آن‌ها شهروندان، گروه‌ها و نهادهای مدنی منافع خود را دنبال، حقوق قانونی خود را اجرا می‌کنند و تعهداتشان را برآورده می‌سازند و تفاوتشان را تعدیل می‌کنند.

... در تعریف دیگر حکمرانی به معنای فرآیند تصمیم‌گیری و اجرای تصمیمات تعریف شده، که بر اساس آن مفهوم حکمرانی در حوزه‌های مختلفی، مانند حکمرانی شرکتی، بین‌المللی، ملی و محلی کاربرد خواهد داشت (UNESCAP,2002,74). بر اساس این تعریف، پدیده حکمرانی را می‌توان با تمرکز بر بازیگران رسمی و غیر رسمی که در فرآیند تصمیم‌گیری و اجرای آن دخالت دارند و نیز ساختارهای رسمی و غیر رسمی که برای اتخاذ و اجرای این تصمیمات به وجود آمده‌اند، مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار داد.

**شیوه حکمرانی الکترونیکی:** دولت الکترونیک شیوه‌ای است برای دولت‌ها به‌منظور استفاده از فناوری‌های نوین که تسهیلات لازم را برای دسترس مناسب به اطلاعات و خدمات دولتی با کیفیت بالاتری مهیا می‌سازد و فرصت‌های بیشتری را برای مشارکت مردم در فرآیندهای دموکراسی ایجاد می‌کند (Fang, 2002,62). بنا بر تعریف «سازمان همکاری

توسعه اقتصادی» دولت الکترونیک عبارت است از: «استفاده از فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی به‌ویژه اینترنت به‌عنوان ابزاری برای تحقق دولتی کارآمدتر» (OECD, 2003,94). گفتنی است که دولت الکترونیک فقط به بخش اجرایی محدود نمی‌شود، بلکه گستره آن آرام آرام شاخه‌های قانون‌گذاری و قضایی و سطوح مختلف از مرکزی تا محلی را نیز در بر می‌گیرد (Vintar, 2001,41). پیش‌بینی می‌شود تحقق دولت الکترونیک پیامدهایی از جمله تمرکززدایی بخش دولتی، کوچک شدن دولت، افزایش رضایتمندی شهروندان، اقتصادی شدن فعالیت‌های دولت و به‌طور کلی کاهش نقش دولت و ایفای نقش سایه‌ای را به همراه داشته باشد؛ بنابراین دولت الکترونیک می‌تواند به‌عنوان ابزاری کارآمد در این جهت ایفای نقش نماید.

تغییر مطالبات مردم برای دریافت خدمات بهتر و سریع‌تر و همچنین افزایش انتظارات مردم در مورد پاسخگو بودن دولت به دلیل احساس ناکارآمدی بخش دولتی که اصلاح آن را اجتناب‌ناپذیر می‌نماید و نیز مشکلات موجود در ارتباط با سوء مدیریت‌ها و فساد اداری بخش دولتی، عدم توجه به منافع عامه، تمرکزگرایی شدید و تصور ناکارآمدی بخش دولتی در ارائه خدمات و ایفای وظایف مربوط، از دفاع اجتماعی و کنترل جرایم گرفته تا بهداشت، آموزش و پرورش و رفاه اجتماعی و ... سبب شده است دولت‌ها درصدد پاسخ به این نیازها و جلب رضایتمندی شهروندان برآیند (دانایی فرد، ۱۳۸۲، ۱۰۲). از طرف دیگر الگوی جدید مدیریت دولتی که از آن به بازآفرینی دولت (نوآفرینی حکومت) تعبیر شده است، ریشه در بهبود عملی اداره امور دارد. ویژگی مهم رویکرد نوین مدیریت در بخش عمومی، جلب مشارکت مردم در انجام امور و سپردن کارها به دست آنان است. ساختار و تشکیلات گسترده دولتی نمی‌تواند به بهره‌وری بالایی دست یابد مگر آنکه سطوح عملیاتی و اجرایی خود را به دست شهروندان بسپارد و تنها سیاست‌گذاری و نظارت را از آن خود بداند (هیوز، ۱۳۸۱، ۱۶۸). در این مسیر فناوری اطلاعات امکانات وسیعی در زمینه افزایش کیفیت، کمیت سرعت ارائه خدمات و اطلاعات در اختیار دولت‌ها قرار می‌دهد و به‌عنوان ابزاری کارآمد، زمینه حکمرانی متعالی را فراهم می‌نماید (جدول شماره ۱).



جدول شماره ۱: اصول حکمرانی متعالی و نقش دولت الکترونیک

اصول حکم‌روایی متعالی	نقش دولت الکترونیکی
دموکراسی مشارکتی در خط‌مشی‌گذاری	فراهم نمودن امکان مشارکت فعال تمامی اشخاص ذی‌نفع در خط‌مشی‌گذاری
انسجام و هماهنگی در خط‌مشی‌ها	ایجاد هماهنگی بهتر در میان خط‌مشی‌های ایجاد شده بین واحدها و نهادهای دولتی و لایه‌های مختلف دولت
هماهنگی، اثربخشی و کارایی در اجرای خط‌مشی‌ها	تسهیل همکاری و اجرای شبکه‌ای خط‌مشی‌ها به روشی آسان‌تر و سریع‌تر
شفافیت و گشودگی در کل مراحل خط‌مشی‌گذاری	قرار دادن اطلاعات به‌صورت ارزان در دسترس

اما برخی از صاحب‌نظران معتقدند که دولت الکترونیک خود گامی در راستای تمرکزگرایی شدیدتر می‌باشد و باعث قدرت‌یابی بیشتر حکومت مرکزی خواهد شد. اما آنچه که ما در این مقاله به دنبال آن هستیم شیوه حکمرانی الکترونیک است نه دولت الکترونیک. در حقیقت، دولت الکترونیک همان ارائه خدمات و اطلاعات دولتی و برقراری مبتنی بر فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی به شهروندان است. در حالی که حکمرانی الکترونیک کاربرد گسترده‌تری داشته. مواردی همچون الگوهای جدید تعیین خط‌مشی دولتی، جستجوی روش‌های جدید برقراری ارتباط میان شهروندان فرآیندهای سیاسی و الگوی جدید ارتباطات و قدرت را در بر می‌گیرد؛ بنابراین، تفاوت حکمرانی الکترونیک و دولت الکترونیک در این است که حکمرانی الکترونیک تمام بخش‌های جامعه اعم از بخش دولتی، بخش خصوصی و بخش غیر انتفاعی را در بر می‌گیرد، در حالی که دولت الکترونیک بخش مشخصی از حکمرانی را شامل می‌شود (یعقوبی، ۱۳۸۶، ۴۲).

**دولت به‌عنوان شبکه‌های خود سامانده:** امروزه نظام دولت محلی در حال انتقال به حکمرانی محلی که مجموعه پیچیده‌ای از سازمان‌های خصوصی و عمومی را شامل می‌شود، می‌باشد (رودز، ۱۹۹۸، ۷۸). در این الگو دولت به‌عنوان یک مفهوم گسترده‌تری از

مشارکت بخش‌های خصوصی، داوطلبانه و دولت مرکزی در فراهم کردن خدمات می‌باشد. روابط درون سازمانی این بخش‌ها در شبکه خاصی جریان دارد و این شبکه‌ها از سازمان‌هایی که به منابع ارزی نیاز دارند (برای مثال: پول، اطلاعات، تخصص) برای دستیابی به اهدافشان، حداکثر رساندن تأثیر آن‌ها بر درآمدهایشان و جلوگیری از وابسته شدن به بازیگران دیگر تشکیل می‌شود (همان، ص ۳۹-۴۲).

در مجموع، برآیند و خروجی بحث‌های بالا به این صورت خواهد بود که در راستای تحول در ساختار اداری، «حکومت‌داری خوب» به‌عنوان یکی از رویکردهای اصلی مدیریت دولتی نوین مورد توجه کشورهای مختلف می‌باشد. مشروعیت دولت، پاسخگویی دولت، شایستگی دولت و احترام به حقوق بشر و رعایت قانون از مهم‌ترین ویژگی‌های حکومت‌داری متعالی می‌باشد. حکومت‌داری متعالی از وجود سه بخش: دولت، جامعه مدنی و بخش خصوصی توأم با ارتباطات متقابل آن‌ها و ویژگی‌های هشتگانه: پاسخگویی، شفافیت، مسئولیت‌پذیری، جامعیت و برابری، رضایت و توافق جمعی، مشارکت، تبعیت از قوانین و مقررات و کارایی و اثربخشی تشکیل یافته است. به همین خاطر، دولت باید حرکت در کنار بخش‌های دیگر را جایگزین دخالت‌های بیش از حد خود کند و به‌عنوان یک شریک، مباحث حاکمیتی را به‌عنوان سهم خود در این مشارکت دنبال کند.

### تطبیق شاخص‌های حکومت محلی با الگوی حکمرانی متعالی:

جغرافی‌دانان سیاسی در بررسی دقیق‌تر رخدادها و تحولات، پایه تحلیل‌شان را نه بر مقیاس خاص دولت-ملت یا مقیاس خاص جهانی، بلکه با تمرکز بر روابط سطوح مقیاس‌های فضایی و تأثیرات متقابل آن‌ها — این کار را انجام می‌دهند. در این حالت جغرافی‌دانان با یک تأثیر متقابل محلی - جهانی سروکار دارند، به‌گونه‌ای که در آن رویدادهای محلی شکل‌دهنده ساختارهای جهانی هستند و همین‌طور رویدادهای جهانی که متعاقباً و به‌کرات بر رویدادهای محلی تأثیر می‌گذارند (جانستون و دیگران، ۱۳۸۰). تمرکز بر روابط سطوح چندگانه‌ی مقیاس‌ها سبب شده که عده‌ای از جغرافی‌دانان؛ مقیاس را به‌عنوان فرآیند یا شبکه در نظر بگیرند تا واحدهای ناحیه‌ای و قلمروهای سرزمینی ثابت

همچون مقیاس محلی (شهر، روستا) مقیاس ملی (کشور) و نظایر آن. از این رو، این اندیشه که مقیاس می‌تواند به صورت انتقادی مورد تأمل قرار گیرد، در جغرافیای انسانی امر نوظهوری است که نتیجه این مباحثه در جغرافیای سیاسی این است که مقیاس را می‌توان بر حسب فرآیند و نه بر حسب ماهیت ثابت آن در نظر گرفت (میرحیدر و دیگران، ۱۳۸۹، ۶۵). بر طبق این رویکرد تمامی سطوح مقیاس‌ها به نحوی همه جانبه به یکدیگر همبسته و وابسته‌اند و متقابلاً به روشن شدن وضعیت یکدیگر یاری می‌رسانند.

هدف از بحث مقیاس در تحقیق حاضر این است که پژوهشگرانی که به مطالعه سیاست‌های محلی می‌پردازند، غالباً حوزه فعالیتی یک نهاد حکومتی را مبنای تحلیل خود قرار می‌دهند. در این دیدگاه «مقیاس محلی»<sup>۱</sup> به صورت از پیش تعیین شده تلقی می‌شود؛ بنابراین چالش آفرین پنداشته نمی‌شود. همچنین به چگونگی تثبیت و پایداری مقیاس‌ها، شکل‌گیری حدود مرزی، مسئولیت حکومتی و موضوعات سیاسی مناسب مقیاس محلی و تعامل میان افراد محلی و سایر مقیاس‌های مکانی، توجه اندکی معطوف می‌شود. اما با توجه به بحث مقیاس در جغرافیای سیاسی پست‌مدرن، نواحی را نمی‌توان به صورت حوزه‌های اجرایی تصور کرد که دارای حدود مشخصی‌اند؛ باید توجه کرد که مکان‌ها به خودی خود از مقیاس‌های متعددی برخوردارند و توسط روابط اجتماعی شکل می‌گیرند که از سطح محلی تا سطح جهانی متغیراند (جونز و همکاران، ۱۳۸۵، ۵۶).

با وجود این، هنوز هم شاهد هستیم که سیاست‌های محلی تا حدودی به ساخت مقیاس محلی توجه می‌کنند و مقیاس سیاست‌های محلی نیز تا حدودی توسط کسانی تعریف می‌شود که در آن حضور و یا عضویت دارند. اما اگر تعریف بالا را پذیرفته باشیم که مقیاس تا این اندازه وابسته به سایر عوامل است و مکان به وسیله ترکیبی پویا از جریان‌های گسترده‌تر اجتماعی و اقتصادی شکل می‌گیرد، آیا نیازی هست که سیاست‌های محلی به ناحیه‌ای مشخص و ثابت پیوسته یا منحصر شود؟ برای پاسخ به این سوال کاکس (۱۹۹۸م) میان فضاها و وابستگی و فضاها و پیوستگی سیاست‌های محلی تمایز برقرار

می‌کند. فضاهای وابستگی «توسط روابط کمابیش محلی شده اجتماعی تعریف می‌شوند که ما برای تحقق بخشیدن به علایق ضروری خود به آن‌ها متکی هستیم و هیچ کجا، جایگزین دیگری برای آن‌ها وجود ندارند؛ این فضاها، شرایط خاص مکانی برای دستیابی به رفاه مادی و احساس موفقیت را تعریف می‌کنند» (کاکس، ۱۹۹۸، ۱۳۹). فضای وابستگی برای دولت محلی، حوزه سرزمینی و فضایی آن است؛ اما برای سایر عوامل، فضای وابستگی ممکن است بازار کار، یک واحد اقتصاد محلی، یا هر واحد جغرافیایی دیگر باشد. در نتیجه، سیاست محلی، برای هر نقطه فضایی خاص، نهادهای مختلفی را در برمی‌گیرند که هر یک، فضای وابستگی مختص به خود را به صورت ثابت و تعیین شده - در مقیاس‌های متفاوت - دارا هستند. اما در فضای پیوستگی، بازیگران محلی - مردم، شرکت‌ها، مؤسسات دولتی، گروه‌های مبارزاتی و غیره - نیز باید با سایر مراکز قدرت اجتماعی که خارج از فضای وابستگی آن‌ها موجوداند - نظیر دولت محلی، منطقه‌ای و مرکزی و یا مؤسسات فراملیتی و رسانه‌های ملی و بین‌المللی - به همکاری متقابل بپردازند.

آنچه که از مطرح کردن بحث بالا به دنبال آن هستیم رسیدن به این نکته کلیدی است که حکومت محلی<sup>۱</sup> بسیاری از شاخص‌های حکمرانی متعالی (شکل ۲-۲) را که در این مقاله به آن پرداخته‌ایم دارا می‌باشد اما آنچه که نیاز به توجه اساسی دارد تعریف حکومت محلی در قالب مقیاس جغرافیایی در اندیشه پست‌مدرن می‌باشد. به عبارت دیگر الگوی سنتی حکومت محلی که در یک محدوده و مقیاس خاص جغرافیایی مورد بررسی قرار می‌گرفت در شیوه حکمرانی متعالی موفق نیست و بهترین راهبرد برای مدیریت فضا الگوی حکومت محلی است که با توجه به تعریف کاکس، هرچند از فضای وابستگی خاص خود برخوردار است اما از تعامل با فضاهای پیوستگی نیز در راستای رفاه شهروندانش بهره می‌برد. در حقیقت، ما معتقدیم که حکومت محلی موفق حکومت محلی است که تمامی الگوها و شاخص‌های حکمرانی خوب را در مقیاس محلی - از نظر

---

1 Local government

سرزمینی - دارا بوده و همچنین به تأثیرگذاری و تأثیرپذیری از دیگر سطوح مقیاس جغرافیایی اعم از ملی، منطقه‌ای و جهانی توجه داشته باشد.



شکل شماره ۲: شاخص‌های مطرح در حکومت‌داری متعالی

### نتیجه‌گیری:

... روابط و مناسبات سیاسی با نهادها و ساختارهایی که ایجاد می‌کنند، عملاً الگوهای را در جامعه انسانی نهادینه می‌سازند که تداعی گر نوعی دوام طولانی مدت تاریخی است. بدین معنا که گاه تصور می‌شود که این قبیل نهادها و ساختارها از مدت‌ها قبل بوده‌اند و عملاً تا همیشه تاریخ نیز دوام خواهند داشت. ولی زیر سؤال رفتن بسیاری از امور به ظاهر تثبیت شده و قطعی انگاشته شده در طول زمان، بیانگر آن است که می‌توان امور و مسائل موجود را از زاویه دیگری نیز مورد بررسی قرار داد. اگر بپذیریم که ساختارها، نهادها و حتی اندیشه‌های موجود و حتی حاکم در زمان و شرایطی خاص پدیدار شده‌اند، آنگاه راحت‌تر خواهد بود که وضعی دگرگون را در مقایسه با شرایط موجود تصور نماییم. این مسئله از طریق خلاقیت آدمی معنادار می‌شود یعنی توجه به پدیده‌ها و مناسبات موجود از زاویه و بخشی دیگر تا بدان وسیله جنبه‌ای از امور برجسته‌تر می‌شود که شاید تاکنون چنان که باید و شاید تبلوری نداشته است.

از این روی، مقاله حاضر در تلاش بود تا نشان دهد که می‌توان به مقوله حاکمیت، حکومت و دولت از منظر دیگری نیز نگاه کرد و آنچه که ما در پی دستیابی به آن بوده‌ایم این بود که بهترین مقیاس برای اجرای حکمرانی متعالی، «مقیاس محلی» می‌باشد. اما مقیاس محلی که به صورت هوشمند در راستای اهداف ملی گام برداشته و همچنین به تأثیرگذاری بر سطوح منطقه‌ای و جهانی نیز بپردازد. در لاین همدل حکمرانی به صورت پویا بوده و نقش افراد و شهروندان جوامع محلی در تصمیم‌گیری به صورت مستقیم خواهد بود و در حقیقت نوعی حاکمیت بدون دولت ایجاد خواهد شد.

به طور کلی، این مقاله تلاشی نظری در راستای تئوریزه کردن حکومت محلی در جغرافیای سیاسی پست‌مدرن بوده و فقط در سطح اندیشه‌ای به مسائل و مشکلات حکومت محلی پرداخته است. در حقیقت ما در این مقاله فقط به دنبال این نکته بوده‌ایم که می‌توان از زاویه و نگاه دیگری نیز به مقوله‌های حکومت و حکمرانی پرداخت که به جای تمرکز راهبردهای از بالا به پایین از سطوح پایین به بالا به بررسی این مقوله پرداخته شود. جغرافیای سیاسی می‌تواند در عرصه کاربردی این نظریه وارد شده و با توجه به شاخص‌ها و عامل‌های جغرافیایی به تبیین و تحلیل حکومت محلی در الگوی نوین مدیریت سیاسی بپردازد. امید است محققان و پژوهشگران جغرافیای سیاسی بتوانند به شاخص‌های جغرافیایی حکمرانی متعالی در مقیاس محلی پرداخته و پیشگام تئوریزه کردن حکومت محلی با توجه به شیوه حکمرانی جدید باشند.

#### منابع:

۱. جانستون، آر. جی؛ تیلور، پیتر جی؛ واتس، مایکل جی، (۱۳۸۳)، جغرافیای تحول جهانی، مترجم نسرین نوریان، تهران، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، دانشکده فرماندهی و ستاد، دوره عالی جنگ.

۲. جونز، م؛ جونز، رایس؛ وودز، مایکل، (۱۳۸۶)، مقدمه‌های بر جغرافیای سیاسی، مترجمان زهرا پیشگاهی‌فرد، رسول اکبری، تهران، دانشگاه تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ.

۳. حافظنیا، محمدرضا؛ کاویانی‌راد، مراد، (۱۳۸۸)، افق‌های جدید در جغرافیای سیاسی، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی.

۴. دانایی‌فرد، حسین، (۱۳۸۲)، پاسخگویی در سازمان‌های دولتی: آیا فناوری اطلاعات پاسخگویی را افزایش می‌دهد؟ (صفحه ۷۳)، فصلنامه مدیریت و توسعه، شماره ۱۶.

۵. دره، میرحیدر؛ ذکری، یاشار، (۱۳۸۹)، مفهوم مقیاس جغرافیایی و اهمیت آن در جغرافیای سیاسی پست‌مدرن (۲۱)، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال ششم، شماره اول.

۶. هیوز، آ، (۱۳۸۰)، مدیریت دولتی نوین، ترجمه سید مهدی الوانی و حسن دانایی‌فرد، چاپ سوم، تهران، انتشارات گلشن.

۷. یعقوبی، ناصر، (۱۳۸۶)، دولت الکترونیک رویکردی مدیریتی، تهران، افکار.

8- Cox, K. R; 1998. "Spaces of Dependence, Spaces of Engagement and the Politics of Scale, or: Looking for local Politics", Political Geography, Vol. 17, No. 1, p.2

9- Ebrahim, Z. And Irani, z, "2005. government adoption: architecture and barrier", Business process Management Journal, Vol. 11, No. 5, p.57.

10- Fang, z, 2002. "E | government in Digital Era: Concept, practice and Development", International Journal of Management of the Computer, Vol. 10, No1, p.236.

11- Farazmand, A, 1999. "form Government to Governance," present at <http://www.Fau.edc/caupa/spa/public/faculty/farazmand.html>.

12- Goodwin, m., and painter, j. 1996., "local governance, the crises of fordism and the changing geographies of regulation", transactions of the institute of british geographers, p.636.

13- Goodwin, m., Duncan, s. And halford, s. 1993. "Regulation theory, the local state and the transition in urban politics", environment and planning d: society and space, p.43.

- 14- Gupta, M. P. And Jana, D.2003. "E | government evaluation: A Framework and Case Study", Government Information Quarterly, Vol. 20,p.126.
- 15- Karacapilidis, N. And Loukis, E. And Dimopoulos, S, 2006. "Computer | supported G2G Collaboration for Public Policy and decision | making", The Journal of Enterprise Information Management, Vol. 18, No.5,p.33.
- 16- OECD, 2003. "Promise and problems of e | democracy", OECD,p.23.
- 17- Peck, j.1995.moving and shaking: business elites, state localism and urban privatism,progress in human geography,p.16- 46.
- 18- R. A. W. RHODES.,Political Studies Association 1996. Published by Blackwell Publishers. 108 Cowley Road. Oxford OX4 IJF. UK and 238 Main Street. Cdmndge. MA 02142. USA,p.653.
- 19- S. E. Finer, 1970. "Comparative Governnien" (London, Allen Lane, Penguin Sidney Low, The Governance of'eng/and(London. Fisher Unwin.p.3-4.
- 20- Stowe, K, 1992. "Good Piano wo'nt play bad music: Adminisvative reform and Good Governance", public Administration. Vol, 70,p.391.
- 21- Taylor J. P., Flint C.2000, Political Geography, World-Economy, Nation-State and Locality, Pearson, Fourth edition,p.316- 372.
- 22- UNDP, 1970. "Governance for Sustainable Human Development", presen at: www .Undp – pogar. Or publications/ governance/ good gov. Pdf,p.2.
- 23- UNESCAP, 2002. "What is Good Governance", online at <http://www.Unescap.Orhuset/ggosermaec. Html>, p.1.



# شاخص‌های حکمرانی مطلوب در نظام آموزش عالی

سید علیرضا هوشی السادات

محسن شاکری



## چکیده

بیانیه گام دوم به عنوان نقشه راه و سند سیاست‌گذاری کلان انقلاب اسلامی، ادامه راه را پس از مسیری طی شده پیش روی ما قرار می‌دهد. این بیانیه به عنوان یک متن و مرام‌نامه، روایتی از یک نوع سبک و رویکرد نویی به حکمرانی است و حکمرانی مطلوب را برای ما ترسیم می‌سازد. برای تحقق این حکمرانی مطلوب، ساحت‌های مختلفی را می‌توان پیش رو نهاد که این مقاله با هدف بررسی معیارها و شاخص‌های حکمرانی مطلوب در بخش آموزش عالی کشور، به این هدف مهم مبادرت ورزیده است. در این مقاله با بررسی مروری بر تحقیقات مختلف داخلی و خارجی، به معیارها و شاخص‌هایی نظیر پاسخگویی، شفافیت، آزادی علمی، مشارکت و استقلال نهادی دست یافته است تا بتوان با استفاده از آن به ارزیابی نظام آموزش عالی کشور از منظر حکمرانی مطلوب در راستای تحقق و عملیاتی‌سازی بیانیه دوم انقلاب و نیز پاسخ به نیازهای زمان فعلی حکمرانی در دانشگاه‌ها پرداخت. با ارزیابی نظام آموزش عالی از منظر این شاخص‌ها می‌توان به برنامه‌ریزی صحیح در جهت اصلاح نقاط ضعف و قابل بهبود پرداخت.

**کلیدواژه:** بیانیه گام دوم انقلاب، حکمرانی مطلوب، نظام آموزش عالی

### مقدمه:

دانشگاه‌ها به‌عنوان نظام‌ها و مؤسسات آموزش عالی که وظیفه آموزش و تربیت نیروی انسانی مورد نیاز برای بخش‌های مختلف جامعه را بر عهده دارند، لاجرم دارای نقشی دوگانه هستند. از یک‌سو می‌بایست به جمعیت بزرگی از ذینفعان مختلف شامل دانشجویان، اساتید، بنگاه‌ها و سایر نهادهای اجتماعی خدمت‌رسانی کنند و از سوی دیگر پاسخگوی بودجه و اعتبارات و سایر خدماتی باشند که از دولت یا سهامداران خصوصی خود دریافت می‌دارند. این دو نقش یعنی خدمت‌رسانی به ذینفعان و جامعه بزرگ‌تر از یک‌سو و پاسخگو بودن در قبال خدماتی که دریافت می‌دارند، مسئله حکمرانی مطلوب و کارآمد و اثربخش را پیش روی سیاست‌گذاران و اداره‌کنندگان این نهاد و مؤسسه مهم قرار می‌دهد.

اکنون در تمام نظام‌های دانشگاهی جهان، اصلاح شیوه‌های مدیریتی آموزش عالی در سه بعد یا بخش حکمرانی، اصلاح و بهبود برنامه درسی و نظام مالی و بودجه‌ریزی دانشگاه، جزء مهم‌ترین مواردی است که با آن روبه‌رو هستند و لزوم اصلاح این موارد موجب پاسخگوتر شدن به اجتماع و نیازهای آن و مرتبط با ایجاد یک جامعه دانشی در راستای کمک به بازیابی و احیای اقتصاد کشورها است (دلگادو<sup>۱</sup>، ۲۰۱۲).

در این میان حکمرانی مؤسسات و دانشگاه‌ها در نظام آموزش عالی از اهمیت بیشتری برخوردار است زیرا جنبه‌هایی نظیر مدیریت منابع انسانی، مدیریت مالی، تضمین کیفیت، بین‌المللی سازی و برنامه‌ریزی تحصیلی و علمی دانشگاه را در برمی‌گیرد که از مهم‌ترین ابعاد مدیریت و رهبری در دانشگاه‌ها می‌باشند. از طرف دیگر اگرچه نظام آموزش عالی، اجباری نیست اما به دلیل ارائه منافع‌هایی که در نهایت همه جامعه اعم از عرصه‌های فرهنگی، آموزشی، مؤسسات دولتی و خصوصی و خانواده‌ها از آن برخوردار می‌شوند و ضرورت پاسخگویی به خواسته‌های همه این گروه‌ها توسط دانشگاه از ارجحیت بالایی

1 Delgado

برخوردار است؛ بنابراین مدیریت عمومی دانشگاه که در مفهوم جدید و مدرن آن حکمرانی نام دارد، اهمیت روزافزونی یافته است.

### حکمرانی و حکمرانی مطلوب:

از حکمرانی و حکمرانی مطلوب تعاریف متعددی شده است و نهادهای بین‌المللی نظیر اتحادیه اروپا و سازمان ملل متحد از زوایا و دیدگاه‌های مختلف به توضیح این مفهوم پرداخته‌اند. مفهوم حکمرانی خوب در منشور سازمان ملل متحد و حقوق بین‌الملل ایجاد شده است و با حمایت سازمان ملل متحد در این چند دهه اخیر به مرور گسترش یافته است (هادیان، ۱۳۸۴).

مفهوم اولیه حکمرانی از اسناد و اعلامیه‌های بین‌المللی و سازمان ملل منبث شده و اصول و ضوابط حقوق بشری را در طرح‌ها، سیاست‌ها و اهداف توسعه مورد توجه قرار می‌دهد. این مفهوم به مدیریت شفاف و پاسخگویی اشاره دارد که به لوازم و اصول مردم‌سالاری در اداره و حکمرانی در جهت واقعیت بخشیدن به توسعه اجتماعی پایدار و مردمی می‌پردازد (هداوند، ۱۳۸۴).

عبارت حکمرانی اشاره به «فرآیندهای تصمیم‌گیری درون یک مؤسسه دارد که آن را قادر به تعیین سیاست‌ها و اهداف می‌کند تا به آن‌ها برسد و بر فرآیند آن تا حصول نتایج و دستاوردها نظارت می‌نماید» (آکسفورد، به نقل از تراکمن<sup>۱</sup>، ۲۰۰۸). حکمرانی دانشگاه‌های دولتی به مقدار زیادی از سیاست‌های دولتی، با تأکید بیشتر بر کارایی تأثیر می‌پذیرد.

پدیده حکمرانی موضوعی میان رشته‌ای است که بین رشته‌های حقوق، جامعه‌شناسی، مدیریت، اقتصاد و علوم سیاسی قرار دارد. مؤلفه‌هایی که در این حوزه در سطح دولت‌ها و در سطح بین‌المللی مطرح می‌گردد غالباً بر مواردی همچون تمرکززدایی از قدرت میان سطوح مختلف دولتی، اتکای بیشتر بر مشاوره و مشارکت شهروندان متکی است. حکمرانی مطلوب در واقع در پی برهم زدن سنت سلسله مراتبی در سازمان‌ها و تغییر مسیر به سوی تصمیمات جمعی است. ناکارآمدی دولت در انجام این امر موجب پیدایش این گونه

مفاهیم گشته تا نهادهای مدنی را به موازات دولت و قدرت مرکزی تقویت نموده و از طریق این نهادها مشارکت هرچه بیشتر مردمی را در اداره امور جامعه فراهم آورد (باقری مقدم، احمدی، ۱۳۹۷). بدیهی است در هر سطحی چه در سطوح دولتی، چه غیر دولتی و چه دانشگاه‌ها این امور مصداق دارند و قابل کاربرد هستند.

همچنین در محیط‌های مختلف مانند مدیریت شهری نیز به ملاک‌ها و معیارهای حکمرانی مطلوب پرداخته شده است و شاخص‌هایی نظیر مشارکت، پاسخگویی، شفافیت، قانون‌مداری، اثر بخشی - کارایی و مسئولیت‌پذیری انتخاب و مورد تحلیل قرار گرفته‌اند (غلامی و همکاران، ۱۳۹۶).

حکمرانی مطلوب نیز در ادامه مطرح شدن مفهوم حکمرانی به‌عنوان شرط اساسی در دستیابی به اهداف توسعه هزاره سوم تلقی می‌گردد. بر اساس روایت کمیسیون اقتصادی و اجتماعی ملل متحد برای آسیا و اقیانوسیه، حکمرانی خوب یا مطلوب دارای هشت ویژگی مشارکت‌جویانه، وفاق محور، پاسخگو، شفاف، انعطاف‌پذیر، کارآمد و اثربخش، منصفانه و فراگیر و تابع حاکمیت قانون است (هداوند، ۱۳۸۴).

### حکمرانی مطلوب در آموزش عالی:

در نظام آموزش عالی، حکمرانی به «اشکال قانونی و فرآیندهایی اشاره دارد که از طریق آن دانشگاه‌ها امور خود را اداره می‌کنند» (شاتوک<sup>۱</sup>، ۲۰۰۶). در تعریفی دیگر حکمرانی در آموزش عالی «روشی است که در آن قدرت یا اختیارات برای تخصیص و مدیریت منابع اعمال می‌گردد» (کارنگی<sup>۲</sup>، ۲۰۰۹). دانشگاه‌ها برای ارائه خدمات مناسب و کارا به ذینفعان خود که شامل دانشجویان، خانواده‌ها، اجتماع، محیط کسب‌وکار، دولت و نهادهای دیگر قانونی می‌شوند، نیاز به اداره مؤثر خود از طریق اصول مناسب حکمرانی هستند. در قاعده حکمرانی دانشگاه‌ها با ذینفعان خود در جهت توزیع مسئولیت‌ها، پاداش‌ها و حقوق متقابل همکاری می‌کنند و تضادها و تعارض‌های احتمالی‌شان را مطابق با نقش‌ها و وظایف و

1 Shattock

2 Carnegie

امتیازاتشان حل و فصل می‌نمایند و نیز کنترل و نظارت و جریان اطلاعات مناسب را به‌عنوان یک سیستم کنترل و توازن، اعمال می‌نمایند (منایی، جوزفین و ویولت، ۲۰۱۷). ساختارهای نهادی به دور از شیوه‌های سنتی، خودمدیریتی دانشگاهی به سوی رویه‌های نو و جدیدی از خودمدیریتی رفته‌اند که در نتیجه اهمیت تأمین سیستم‌های حکمرانی مؤثر و مطلوب را در آموزش عالی بیشتر کرده است که علاقه محققان را به بررسی بیشتر ساختارهای تصمیم‌گیری در آموزش عالی افزایش داده است. هدف نهایی از بررسی ساختارهای حکمرانی در دانشگاه‌ها دست یافتن به شاخص‌ها و اصول حکمرانی مطلوب در آن است (منایی، جوزفین و ویولت، ۲۰۱۷). حکمرانی مناسب یکی از عوامل اصلی در بهبود آموزش عالی است و دو عامل استقلال و پاسخگویی بنا بر تحقیقات مختلف مهم تلقی شده‌اند. ایجاد تعادل میان این دو عامل موجب ارتقای کیفیت مداوم در آموزش عالی می‌شود.

برای اعمال حکمرانی مطلوب در دانشگاه‌ها می‌بایست شاخص‌هایی را در نظر گرفت تا بدان وسیله به ارزیابی نظام آموزش عالی پرداخت و با استفاده از تحقیقات بیشتر به رفع عیوب و خلاهای موجود در نظام تصمیم‌گیری این نهاد آموزشی و علمی پرداخت که در بخش ذیل بدان پرداخته می‌شود.

### شاخص‌های حکمرانی مطلوب در دانشگاه:

حکمرانی مطلوب<sup>۱</sup> و اندازه‌گیری آن با استفاده از شاخص‌های مناسب، در سال‌های اخیر مورد توجه متخصصان و صاحب‌نظران حرفه‌ای عرصه آموزش عالی بوده است (ناکوئن<sup>۲</sup>، ۲۰۱۳). ناکوئن (۲۰۱۳) به ۹۱ شاخص با استفاده از روش دلفی و ابزارهای مصاحبه و پرسشنامه رسیده است که در پنج عامل کلی مدیریت و هدایت، مشارکت، پاسخگویی، استقلال و شفافیت دسته‌بندی شده‌اند. در تحقیق ایشان عامل مشارکت کم‌ترین وزن را داشته است ولی سایر عوامل دارای اوزان مشابه هم بوده‌اند.

1 Good governance

2 Ngoc Quyên

بر اساس تحقیقات انجام شده شاخص‌های زیر را می‌توان به‌عنوان ملاک‌های حکمرانی مطلوب در آموزش عالی در نظر گرفت. این شاخص‌ها البته نیازمند تحقیقات زمینه‌ای می‌باشند تا با استفاده از داده‌های معتبر و تجربی در عرصه عمل و محیط و متن دانشگاه‌های ایرانی مورد آزمون و بررسی و سنجش قرار گیرند. همین‌طور همه این شاخص‌ها به‌طور برابر برای همه مؤسسات آموزش عالی کاربرد ندارند و نیازمند بومی‌سازی در تحقیقات مختلف می‌باشند.

### پاسخگویی<sup>۱</sup>:

پاسخگویی مفهومی پیچیده دارد. هر صاحب‌نظری به فراخور برداشت و تجربه و تحلیل خود، جنبه‌های مشخص از آن را مورد تأکید قرار می‌دهد. اصطلاح پاسخگویی در گفتمان سیاسی برای نشان دادن صراحت<sup>۲</sup> و مورد اعتماد بودن<sup>۳</sup> مورد استفاده قرار می‌گیرد. هنگ چنگ لیو<sup>۴</sup> (۲۰۱۱ م) به نقل از کیلی و ابرکرامبی<sup>۵</sup> (۲۰۰۸ م) پاسخگویی را به این شرح تعریف کرده‌اند: «پاسخگویی اصلی است که بر اساس آن افراد و سازمان‌ها مسئول اعمالشان هستند. وقتی که اعمال و تصمیمات آشکارا زیر سؤال می‌روند، مردم حق دارند که از آن‌ها بخواهند که در مورد رفتارهایشان توضیح بدهند» (شاکری ۱۳۹۴).

### شفافیت<sup>۶</sup>:

شفافیت به معنای اعمال، تصمیمات و فرآیندهای تصمیم‌گیری هستند که تا سطح مناسبی برای عموم مردم یا نهادهای مدنی و اجتماعی و برای بخش‌هایی از دولت در دسترس می‌باشند تا عملکرد مؤسسه یا سازمان به‌خوبی قابل رصد کردن باشد (هافمن، ۲۰۱۱). تغییرات سریع و تحولی که در محیط دانشگاهی امروز با توجه به پیشرفت‌های گوناگون علمی و مدیریتی رخ می‌دهد، دانشگاه‌ها را مجاب می‌کند تا با به‌کارگیری اصول و روش‌های شفاف اداره دانشگاه توسط مدیران، نسبت به تعهدات خود در برابر ذینفعان

1 Accountability

2 transparency

3 trustworthiness

4 Liu, Hong-Cheng

5 Keehley and Abercrombie

6 Transparency



خود مسئولیت‌پذیرتر شوند (رودیانتی و سوریاناری<sup>۱</sup>، ۲۰۱۵). پیشرفت‌های فناورانه، ضرورت مشارکت ذینفعان در مدیریت و اداره نهاد دانشگاهی، نظام مدیریت مالی کارا و پاسخگو همگی از نیروهای پیش برنده و تقویت‌کننده نیاز به شفافیت در اداره و حکمرانی دانشگاهی هستند تا بدین‌وسیله فرآیندهای مختلف دانشگاه اعم از اداری، مالی، دانشجویی، آموزشی و پژوهشی شفاف‌تر و در معرض دید و نقد و پرسش همگان به‌خصوص ذینفعان مختلف شوند.

### آزادی علمی<sup>۲</sup>:

آزادی علمی اشاره به باز بودن دست پژوهشگران و اعضای هیئت‌علمی دانشگاه در انجام تحقیقات مختلف بدون کنترل یا اعمال فشار از سوی نهادهای ذی‌نفع می‌باشند که در اینجا دولت برای دانشگاه‌های دولتی و نیز سهامداران برای دانشگاه‌ها یا مؤسسات آموزش عالی خصوصی ذی‌نفع اصلی محسوب می‌شوند. در واقع در نهاد دانشگاهی بدون وجود چنین آزادی عملی در عرصه علمی و تحقیقاتی یکی از رسالت‌های نهاد دانشگاه که تراوش و ایجاد ایده‌های نو و بکر در کمک به پیشبرد علم و حل مسائل گوناگون جامعه می‌باشد، ابر می‌شود (منایی، جوزفین و ویولت، ۲۰۱۷. یاسپرس، ۱۳۹۴).

در دانشگاه‌ها آزادی علمی به‌عنوان خودمختاری کامل نیز در نظر گرفته می‌شود به این معنا که در اداره دانشگاه نیروهای داخلی دانشگاه دخیل بوده و ساختار تصمیم‌گیری و اختیار به‌صورت نیمه‌متمرکز یا نامتمرکز باشند (براتیانو و پینزارو<sup>۳</sup>، ۲۰۱۵). اعضای هیئت‌علمی در چنین دانشگاهی به‌صورت آزادانه و نه از روی فشار اعضای هیئت‌رئیس یا سهامداران و اعضای هیئت‌امنا دانشگاه به تدوین و تنظیم متون و برنامه درسی پرداخته و جوشش و حرکت در تولید علم بومی در دانشگاه و نیز انجام تحقیقات کاربردی مختلف برای حل مسائل مختلف اجرایی و آموزشی به‌صورت آزادانه انجام می‌گیرد و سفارشی در این رابطه وجود ندارد؛ بنابراین این شاخصه از حکمرانی در دانشگاه بیان می‌کند که

1 Yudianti, F N, & Suryandari

2 Academic Freedom

3 Bratianu, & Pinzaru

اداره‌کنندگان و مدیران ارشد دانشگاه می‌بایست به این مؤلفه مهم در پیشبرد اهداف و محتوای علمی دانشگاه و در برنامه درسی توجه کافی داشته باشند.

### مشارکت:

مشارکت نیز یکی از عوامل مهم در ایجاد حکمرانی مطلوب است. مشارکت در آموزش عالی از مفاهیم بسیار مهم است و می‌بایست توسط همه ذینفعان دانشگاه اعم از اعضای هیئت‌علمی و غیر هیئت‌علمی و نیز دانشجویان پرمعنا و سازمان‌یافته تلقی گردد (ساواندار، توا و موسی، ۲۰۱۸). همین‌طور یکی از عوامل اصلی مشارکت جلب نظر و مشارکت ذینفعان خارجی مانند دولت و وزارتخانه‌های مرتبط با بخش آموزش عالی است.

### استقلال نهادی:

هر مؤسسه و نهاد دانشگاهی یکی از مشخصه‌ها و ویژگی‌های مهمی که می‌بایست دارا باشد، استقلال از نهادها و نفوذ و دخالت دولت‌ها و سایر نیروها و جریان‌هایی است که به دنبال سهم خواهی یا استفاده از منابع و امکانات دانشگاه به نفع خود و منافعشان هستند. ممکن است هیچ دانشگاهی به‌طور کامل از بند قوانین و مقررات دولتی و نیز تسلط و کنترل سازوکارهای قانونی یا دخالت‌های نهادهای فرا دانشگاهی رهایی نیابد اما ایجاد تعادل و توازن میان نیروهای نفوذکننده دولتی که در دانشگاه و امور آن اعمال نظر و کنترل می‌کنند و نیز حفظ استقلال نهاد دانشگاه به‌عنوان نهادی مدرن و پیشرو در تأثیرگذاری بر رشد و توسعه جامعه و کشور از شاخصه‌های مهم حکمرانی مطلوب است (ونگ، ۲۰۱۰).

### بررسی تطبیقی حکمرانی مطلوب در دانشگاه:

در نظام آموزش عالی کشور هند، دو عنصر و مؤلفه استقلال و پاسخگویی مؤسسات آموزش عالی و دانشگاه‌ها از اهمیت به‌سزایی برخوردار است. حکمرانی خوب در تعیین راهبردها و خط‌مشی‌ها و دستورالعمل‌هایی است که مأموریت و اهداف مؤسسه آموزش عالی را مورد حمایت قرار دهد. بدون راهبرد مقتضی، اخلاقی و مناسبی که مورد قبول همه

ذینفعان کلیدی دانشگاه باشد، گردانندگان آن در حکمرانی خوب ره به‌جایی نمی‌برند (آنانداک ریشنان، ۲۰۱۰).

در یک گزارش از کمیته ملی در انگلستان، بر مواردی همچون استقلال نهادی، آزادی علمی و گشودگی به‌عنوان اصول هدایتگر یک حکمرانی مطلوب تأکید شد. همچنین بر کارایی بیشتر مؤسسات و دانشگاه‌ها در نظام آموزش عالی با توجه به کمبود منابع مالی دولتی، پاسخگویی بیشتر و بهتر نسبت به ذینفعان دانشگاه، ایجاد فضای همکاری و مشارکت در دانشگاه و مسئولیت در قبال مصرف و تخصیص اعتبارات دولتی تأکید شد (تراکمن، ۲۰۰۸).

بلایکلی و همکاران (۲۰۱۴ م) با بررسی یک سری اصلاحات منشعب از مدیریت دولتی جدید در کشورهای اروپایی، کشورهای نروژ، سوئد، هلند و سوئیس را مورد تحلیل قرار داد. در این کشورها با کم نمودن بوروکراسی‌ها و کاغذبازی‌های اداری و نیز به کار بردن دولت الکترونیکی در تمام ابعاد مدیریتی اداری و علمی و تحصیلی دانشگاه شیوه حکمرانی شبکه‌ای و چند سطحی را به‌جای روش حکمرانی ساده‌ای برگزیدند که از قبل در دانشگاه‌ها وجود داشت.

در هنگ کنگ نیز با توجه به بهبود عملکرد و ارتقای خود در دانشگاه‌های این کشور، یک سازوکار نظارتی قوی و مبتنی بر مدیریت عملکرد در دانشگاه‌های این کشور در سال ۲۰۱۴ م شروع کرد. فراخوان برای تعمیق همکاری میان دانشگاه‌ها، صنعت، کسب‌وکار و جامعه ظهور یک «حاکمیت مشارکتی» را نوید داد. سپس تعداد زیادی از ذینفعان غیر دانشگاهی به سبب این همکاری در آموزش و پژوهش دانشگاهی سهیم و دخیل گشتند. دانشگاه‌ها در کشور هنگ کنگ با استفاده از بنچ‌مارکینگ بین‌المللی و ارزیابی دقیق عملکرد مؤسسات خود در جهت برآوردن رقابت فزاینده در زمینه رهبری جهانی حرکت کردند (موک، ۲۰۱۷).

همچنین در یک تحقیق رفتارهای مناسب و مطلب حکمرانی در دانشگاه‌های برخی کشورهای اروپایی نیز به‌عنوان شاخص‌های حکمرانی مطلب معرفی شده‌اند که شامل

ویژگی‌هایی چون بازبودن و شفافیت، از خودگذشتگی، صداقت، رهبری، برابری، یکپارچگی، استقلال، پاسخگویی، عینی‌گرایی، کارآمدی و اثربخشی و ارزش نهادن به پول می‌شود. نمونه‌هایی که در این تحقیق مورد بررسی و مطالعه قرار گرفتند شامل دانشگاه‌های کشورهای انگلستان، ایرلند، هلند و اسکاتلند بود (هنارد، میتله، ۲۰۱۰).

### نتیجه‌گیری:

از ادبیات نظری موضوع حکمرانی در آموزش عالی چنین برمی‌آید که یک‌سری مؤلفه‌هایی را می‌توان به‌عنوان معیارها و شاخص‌های یک نظام حکمرانی مطلوب در این زمینه و محیط در نظر گرفت. شاخص‌های نظیر پاسخگویی، شفافیت، آزادی علمی، مشارکت و استقلال دانشگاه از این جمله هستند. در اداره و مدیریت دانشگاه که پیرو و دنباله‌رو اصول و شاخص‌های حکمرانی مطلوب باشند، لازم است به این موارد توجه شود و با ارزیابی صحیح از این شاخص‌ها بتوان به آن جامه عمل پوشانید.

### پیشنهادات برای پژوهش‌های آینده:

می‌توان با استفاده از این شاخص‌ها در ابتدا به ارزیابی صحیحی از وضعیت حکمرانی مؤسسات آموزش عالی و دانشگاه پرداخت و ضمن تعیین زیرشاخصه‌ها و نحوه سنجش و ارزیابی صحیح از آن، پیشنهادات و راهکارهای عملی را در این زمینه به کار بست.

### منابع:

۱. باقری مقدم، ناصر؛ احمدی، حسن، (۱۳۹۷)، آسیب‌شناسی حکمرانی در نظام آموزش عالی ایران، فصلنامه سیاست‌گذاری عمومی، ۴(۴)، ۷۴-۵۵. doi: 10.22059/ppolicy.2019.69717
۲. شاکری، محسن، (۱۳۹۴)، طراحی الگوی پاسخگویی اثربخش در دانشگاه‌های دولتی (رویکرد آمیخته)، (رساله دکتری)، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران.
۳. غلامی، محمد؛ شبیانی امین، عیسی؛ صفر علیزاده، اسماعیل؛ حسین‌زاده، رباب، (۱۳۹۶)، اولویت‌بندی مؤلفه‌های حکم‌روایی شایسته شهری از دیدگاه فعالان بخش

مدیریت شهری (مورد مطالعه؛ شهر بوکان)، فصلنامه جغرافیا (برنامه‌ریزی منطقه‌ای)، ۲۸(۱)، ۷۷-۸۸.

۴. هداوند، مهدی، (۱۳۸۴)، حکمرانی خوب، توسعه و حقوق بشر، نشریه حقوق

اساسی، سال سوم، شماره چهارم.

5. Bratianu, C., & Pinzaru, F. (2015, November). University governance as a strategic driving force. In European Conference on Management, Leadership & Governance (p. 28). Academic Conferences International Limited.

6. Carnegie, G. D. (2009). The ABC of University Governance. *Campus Review*, 19(9), 8.

7. Hénard, F., & Mitterle, A. (2010). Governance and quality guidelines in Higher Education. A review of governance arrangements and quality assurance. Berlin: OECD.

8. Hoffmann, Florian. (2001, November). Good Governance in Higher Education. Paper presented at DIES CONFERENCE Strengthening Universities, Enhancing Capacities –Higher Education Management for Development.

9. Mok, K. H. (2017). Asserting institutional autonomy and addressing accountability: The changing university governance in Hong Kong. Hong Kong: Lingnan University.

10. Mulinge, Munyae & Arasa, Josephine & Wawire, Violet. (2017). The Status of Student Involvement in University Governance in Kenya: The Case of Public and Private Universities. 10.2307/j.ctvh8r378.

11. Quỳn, Đ. T. N. (2014). Developing university governance indicators and their weighting system using a modified Delphi method. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 141, 828-833.

12. Sabandar, S.Y., Tawe, A., & Musa, C.I. (2018). The Implementation of Good University Governance in the Private Universities in Makassar.

13. Shattock, Michael. (2006). Managing good governance in higher education. Maidenhead, Berkshire: Open

14. University Press.

15. Wang, L. (2010). Higher education governance and university autonomy in China. *Globalisation, Societies and Education*, 8(4), 477-495.

16. Yudianti, F. N., & Suryandari, I. H. (2015). Internal control and risk management in ensuring good university governance. *Journal of Education and Vocational Research*, 6(2), 6-12.



# تحقق گام دوم انقلاب اسلامی از منظر حکمرانی اقتصادی

حسین بهرامی





## چکیده:

اقتصاد یکی از مهم‌ترین بنیان‌ها و ستون‌های اصلی یک حکومت و کشور است. از این رو توجه به چرخه‌ها و دوره‌های فراز و فرود دوره‌های گذشته یک جامعه و ترمیم و اصلاح نقشه افاق‌های تصمیم‌گیری و مدیران میانی و اجرایی در اجرای یکپارچه الگوی پیشرفت درون‌زا و برون‌گرا، می‌تواند اساسی‌ترین راهبرد برای مستحکم نمودن حکمرانی اسلامی باشد. گام دوم انقلاب اسلامی در حقیقت عصر جدیدی است که پس از گذر ۴۰ سال از عمر انقلاب اسلامی و طی نمودن فراز و نشیب‌های مختلف نیاز است بر اساس الگوی خود در صدر اسلام به واکاوی درون خود پردازد. در این مقاله سعی می‌شود ابتدا مؤلفه‌های «حکمرانی خوب» و به‌ویژه مؤلفه‌های اقتصادی آن، بررسی و نقد شود. در ادامه نیز به تشریح مؤلفه‌های اقتصادی گام دوم انقلاب اسلامی از منظر رهبر معظم انقلاب پرداخته می‌شود و در نهایت از تحلیل و بررسی‌های صورت گرفته و آسیب‌شناسی‌های انجام گرفته؛ معیارها و شاخص‌هایی استخراج می‌گردد. روش گردآوری این مقاله به صورت کتابخانه‌ای و روش اندیشه‌ورزی آن نیز انتقادی، تبیینی، تحلیلی و استنتاجی است.

**کلیدواژه:** گام دوم، حکمرانی، حکمرانی اقتصادی، حکمرانی خوب، مؤلفه‌های گام دوم انقلاب اسلامی، مؤلفه‌های حکمرانی اسلامی.

Realizing the second step of the Islamic Revolution from the point of view of economic governance

**Abstract.** The Economics is one of the most important pillars of a state and country. Thus, paying attention to the cycles and ups and downs of the past periods of a society, and restoration and redesign of decision-making chambers and middle and senior executives in Implement seamlessly the pattern of endogenous and extraverted progress, may be the most fundamental strategy to consolidate Islamic governance. The second step of the Islamic Revolution is, in fact, a new era that, after 40 years of Islamic Revolution, has had to go through various ups and downs Based on his model in the early days of Islam, his inner research. In this article, first, the components of "good governance", and especially its economic components, are reviewed and criticized. In the following The economic components of the second step of the Islamic Revolution from the point of view of the Supreme Leader are discussed below, and Finally analyzes and studies have been conducted and pathologies; criteria and indicators are extracted. The method of collecting this article is library and its method is critical, explanatory, analytical and deductive.

**Keywords:** Step Two, Governance, Economic Governance, Good Governance, Components of the Second Step of the Islamic Revolution, Components of Islamic Governance.

## مقدمه:

انقلاب اسلامی همچون نوری بود که بر ظلم‌های زمین و زمان پایان بخشید و اسلام رحمانی را بعد از گذشت قرن‌ها بار دیگر بر مسند ولایت نشاناد. این انقلاب که در تأسیس خود به فرموده معمار خود، انفجار نور بود، برکات عظیمی را برای مردم ایران و حتی کشورهای منطقه و مستضعفین عالم و شیفتگان حق و حقیقت و یکتاپرستان به همراه آورد که در این مقاله نه گستردگی آن و نه طرح بحث آن نمی‌گنجد. اکنون پس از گذشت چهار دهه از عمر انقلاب اسلامی لازم است که همچون نظام سرمایه‌داری برای پویایی و صدور نظام حکمرانی خود دست به تألیف و تعیین چارچوب‌ها و بینش و راهبردها در عرصه جهانی دست زد. از این رو رهبر معظم انقلاب به‌عنوان فرمانده کل قوا و ولی فقیه گام دومی را برای تولید علم و محتوا و تبیین انگاره‌های اسلامی پیش روی جهادگران علمی و عملی قرار دادند و بیش از پیش آن‌ها را به مجاهدت در این زمینه تشویق نمودند.

یکی از مهم‌ترین مواردی که از بیانیه گام دوم رهبر معظم انقلاب می‌توان استنباط نمود، لزوم پرداختن به «خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی» و رقم زدن فصلی جدید از زندگی جمهوری اسلامی برای ظهور حضرت حجت (عج) است؛ بنابراین سنخ کلی بیانیه حاکی از هم‌افزایی در ابعاد مختلف برای تشکیل حکومت حضرت صاحب‌الزمان (عج) است؛ بنابراین حکمرانی و به‌ویژه حکمرانی اقتصادی که در متن بیانیه به‌صورت مستقیم و غیر مستقیم بدان اشاره می‌فرمایند بیانگر این است که اندیشه‌ورزی و تحقیق در موضوع حکمرانی در تمامی وجوه دارای اهمیت به‌سزایی است.

نظام سرمایه‌داری پس از اینکه در اواخر قرن هفدهم و پس از انقلاب صنعتی به‌نوعی جان گرفت و حرکت شتابان خودش را آغاز نمود، نزدیک به دو قرن طول کشید تا در نهایت در اواخر دهه ۱۹۹۰ م نظریه حکمرانی خوب را ذیل نهاد بانک جهانی مطرح ساخت. البته این نظریه خود دارای مبانی و اصولی است که پس از تجربه دهه‌های قبل از آن به دست آمده است - که بدان اشاره خواهد شد. این فرآیند دو قرنی در تجربه و تولید متون و محتوا باعث می‌شود که از طرفی به تعداد سال سپری شده نظام غرب و مقایسه آن

با انقلاب اسلامی مشحون از کارشکنی‌های داخلی و خارجی پرداخت. از طرفی دیگر نیز با توجه به تجربه صورت گرفته به تحلیل و بررسی و نقد مفاهیم تولید شده پرداخت و بر اساس مبانی اسلامی، موارد و نکات منطبق بر اسلام را پذیرفت و موارد دیگر را یا اصلاح و یا حذف نمود. در انتها نیز موارد ذکر نشده و عقلانی (نه عقلایی با مفهوم عقل ابزاری در اقتصاد) را به آن اضافه نمود.

حکمرانی خوب نقشه راهی است که کشورهای مسلط جهان و کشورهای غربی برای کشورهای جهان سوم ترسیم کرده‌اند و حرکت روی این نقشه به منزله تأمین منافع کشورهای مسلط است. بر این اساس، حکمرانی خوب و شاخص‌های آن که توسط نهادهای بین‌المللی تعریف و تبیین شده است، نمی‌تواند الگو و برنامه‌ای متعالی برای پیشرفت و توسعه جامعه بشری، به‌ویژه کشورهای در حال توسعه و همچنین کشورهای اسلامی باشد؛ زیرا این نظریه و شاخص‌های مبتنی بر جهان‌بینی مادی بوده و در ثانی حکمرانی خوب و شاخص‌های آن در مقاطع مختلف تاریخی، عامل بحران‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی و نظامی در غرب و جهانی پیرامون بوده است (ناظمی اردکانی، ۱۳۸۷، ص ۱۰۷).

در این مقاله تلاش می‌شود تا ابتدا با تحلیل و بررسی شاخص‌های نظریه حکمرانی خوب، شاخص‌های سازگار با آموزه‌های اسلامی احصاء شوند و در ادامه با توجه به نکات مطرح شده در بیانیه گام دوم انقلاب؛ به معیارهای شاخص حکمرانی اقتصادی در حکومت اسلامی پرداخته می‌شود.

### ضرورت تحقیق:

با توجه به ابلاغ بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی و وجود مؤلفه‌های کلیدی اقتصادی در آن و نیاز بیش از پیش به سنجش و اندازه‌گیری میزان رشد و پیشرفت کشور در عرصه‌های مختلف کشور؛ به نظر می‌رسد که طراحی الگویی برای سنجش حکومت‌های اسلامی و برآورد کردن میزان مسئولیت‌پذیری آنان نسبت به امور مادی و معنوی جوامع، این ضرورت را دارد تا در تحقیقاتی به تهیه و تدوین این شاخص‌ها پرداخته شود. صد البته

کشورهای نظام سرمایه‌داری با پیشینه ۲۰۰ ساله و گستردگی ناشی از تبلیغات رسانه‌ای و دانشگاهی به ممیزهایی دست یافته‌اند اما این معیارهای از یک طرف سکولار و کاملاً بی تفاوت نسبت به امور معنوی جامعه بوده و از طرفی دیگر نیز شبهه‌های سیاسی و البته تمرکزگرا و عدم توجه به مناسبات منطقه‌ای و بومی هم می‌تواند جزء مقصورات این معیارها باشد.

اهمیت دیگری که این تحقیق دارد عبارت است از: استفاده سیاسی از این شاخص‌ها و اندازه‌گیری‌ها از سوی بانک جهانی و کشورهای مسئول آن برای تحریم، تهدید و حتی ابزار فشار برای کشورهای اسلامی شود. متأسفانه این رفتار در مورد شاخص‌های فضای کسب‌وکار برای برخی کشورها از جمله شیلی اتفاق افتاد و مدیران بانک جهانی نیز بدان اقرار کردند. از این رو طراحی و تدوین شاخص‌هایی برای سنجش حکمرانی کشورها و بلکه استان‌ها و شهرها و منطقه‌ها؛ می‌تواند معیاری خوبی برای برآورد میزان مطابقت حکمرانی موجود - به‌ویژه در امر اقتصادی - با روح اسلام باشد.

#### پیشینه تحقیق:

در پیشینه تحقیق با توجه به عنوان مقاله که به بررسی حکمرانی اقتصادی ذیل بیانیه گام دوم می‌پردازد؛ سعی می‌شود ابتدا به تحقیقات صورت گرفته روی موضوع متعارف حکمرانی خوب پرداخته شود و سپس مقالاتی که بر حکمرانی اقتصادی بر مبنای اسلام رهیافت‌هایی را به دست آورده‌اند، ذکر شود.

اولین تحقیق مدونی که در خصوص حکمرانی خوب در کشور صورت گرفته است به سال ۱۳۸۲ ه.ش برمی‌گردد. احمد میدری دانشجوی دکتری رشته اقتصاد دانشگاه تهران موضوع حکمرانی خوب را به‌عنوان موضوع رساله خود برگزید و در سال ۱۳۸۲ ه.ش از آن دفاع کرد. مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی در تاریخ ۱۳۸۲/۷/۱۴ ه.ش در طی نشستی وی را برای ارائه بحث حکمرانی خوب که بخشی از موضوع رساله‌اش با عنوان «حکمرانی شرکتی» بوده دعوت کرد. این مؤسسه گزارش این نشست را در مجله بررسی‌های بازرگانی چاپ نمود. میدری در این نشست به مبانی نظری و پیشینه تاریخی

حکمرانی خوب و در انتها نیز به بیان شاخص‌های بانک جهانی و بحث و بررسی این شاخص‌ها پرداخته است (میدری، ۱۳۸۲: ۱۴۴).

بعد از مطرح شدن این رساله و جدید بودن موضوع حکمرانی خوب، محققان دیگر نیز درصدد برآمدند تا به تبیین مفهوم حکمرانی خوب و سنجش حکمرانی خوب در ایران و منطقه و جهان و به‌طور کلی تحقیق در مورد حکمرانی خوب بپردازند. بررسی و مطابقت نظریه حکمرانی خوب از منظر اسلام نیز موضوع خوبی به نظر می‌رسید که محققان هنوز بدان نپرداخته بودند. تا اینکه اصغر مبارک و زیبا آذر پیوند در زمستان سال ۱۳۸۸ ه.ش در مجله اقتصاد اسلامی مقاله‌ای با عنوان «نگاهی به شاخص‌های حکمرانی خوب از منظر اسلام و تأثیر آن بر رشد اقتصادی» به چاپ رساندند. در این مقاله با استفاده از روش داده‌های ترکیبی، عامل‌های نهادی شامل نهادهای حاکمیتی (حق اظهار نظر و پاسخگویی، ثبات سیاسی، کنترل فساد، حاکمیت قانون، کیفیت بوروکراسی و اثربخشی دولت) را به‌طور جداگانه و کلی برای برخی از کشورهای اسلامی در دوره ۱۹۸۰ م - ۲۰۰۵ م بررسی شده است؛ اما آنچه که در این مقاله مطالعه شده است تأثیر شاخص‌های حکمرانی خوب بر برخی کشورهای اسلامی است و هیچ تحلیل و نقدی در خصوص شاخص‌های حکمرانی خوب از منظر اسلام صورت نگرفته است. در انتهای مقاله نیز نویسنده نتیجه تحقیق را این‌طور بیان می‌کند: «میزان اثرگذاری فاکتورهای نهادی و حکمرانی برای کشورهای ایران، مصر، ترکیه و اندونزی نسبت به کشورهای دیگر اثرگذاری کمتری دارد» (مبارک و آذر پیوند، ۱۳۸۸).

محمد مهدی نادری در سال ۱۳۹۰ ه.ش در مقاله‌ای با عنوان «حکمرانی خوب؛ معرفی و نقد اجمالی» به تعاریف و ابعاد و شاخص‌های حکمرانی خوب پرداخته و آن را مورد نقد و بررسی خود قرار داده است. وی در نتیجه‌گیری خود می‌گوید: «بانک جهانی با مقبولیت بالایی که دارد همه ساله بر اساس شاخص‌هایش در موضوع حکمرانی خوب، وضعیت حکمرانی در کشورهای مختلف را بررسی کرده و گزارش آن را به‌صورت رسمی منتشر می‌کند. این گزارش در تصمیم‌گیری‌ها و مباحثات داخلی و بین‌المللی بسیار تأثیرگذار

است. از این رو بر ما لازم است اول این دستگاه را دقیق شناخته و دوم آن را بر اساس دیدگاه‌های اسلامی و به صورت علمی نقد کرد» (نادری، ۱۳۹۰: ۶۹).

حسینی تاش و واثق نیز در مقاله‌ای ابتدا حکمرانی خوب و شاخص‌های آن را با روش توصیفی - تحلیلی بررسی کرده و سپس حکمرانی شایسته را مطرح نموده‌اند. در ادامه شاخص‌های این دو رویکرد را از دیدگاه حضرت امیرالمؤمنین (ع) تجزیه و تحلیل کرده و در نهایت، تعدادی از شاخص‌های حکمرانی شایسته از دیدگاه آن حضرت را با شاخص‌های حکمرانی خوب از دیدگاه نهادهای بین‌المللی و اندیشمندان غرب مقایسه کرده است. وی در این نوشتار معتقد است که حکمرانی خوب در یک فرهنگی مادی شکل گرفته است و قطعاً با فرهنگ اسلامی همخوانی ندارد و شاخص‌های آن‌ها از نظر مبانی فلسفی متفاوت خواهد بود؛ بنابراین لازم است که محققان این موضوع را مورد تحقیق و تعمق و مذاقه قرار داده و شاخص‌های درخوری را در این زمینه به دست آورند. وی در انتها این گونه نتیجه می‌گیرد که حکمرانی خوب و حکمرانی شایسته شاید در برخی شاخص‌ها به صورت لفظی یکی باشند اما مبانی فلسفی آنان متفاوت است؛ حکمرانی خوب بر پایه انسان‌محوری، دنیاگرایی بوده و حکمرانی شایسته بر اساس خدامحوری است (حسینی تاش؛ واثق، ۱۳۹۳ ص ۷).

در مقاله‌ای دیگر ناظمی اردکانی (۱۳۸۷ ه.ش) سعی کرده است تا با مطالعه و جستجو در قانون اساسی ایران، الگویی از حکمرانی خوب با رویکرد اسلامی ارائه کند و وجوه متمایز و مشترک آن را از ابعاد نظری در جدول‌هایی با عنوان حکمرانی خوب به تصویر درآورد و با استفاده از سخنان رهبر انقلاب اسلامی و مطالعاتی که درباره پشته‌های تاریخی حکمرانی خوب وجود دارد، اثبات کند که در طول ۵۰۰ سال تجربه حکمرانی در غرب در مقاطع مختلف تاریخی، حاکمان مغرب زمین، عامل بحران‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی و نظامی در غرب و جهان پیرامون بوده‌اند؛ بنابراین حکمرانی خوب با رویکرد اسلامی می‌تواند عامل پایان این بحران‌ها باشد.

زهیری در مقاله‌ای با عنوان «نسبت سنجی بوم شناسانه الگوی حکمرانی خوب» اظهار می‌دارد که نهادهای بین‌المللی، حکمرانی خوب را در پاسخ به اوضاع نامطلوب جوامع در حال توسعه ارائه کردند. این الگو بیشتر بر اساس مبانی مهندسی اجتماعی ارائه شده است تا بر مهندسی فنی. الگوهای مهندسی اجتماعی بر رویکردهای شهروندمدار تأکید دارند و بخشی از حکمرانی را بر عهده شهروندان و به تعبیری جامعه مدنی می‌گذارند. در این تحقیق به دو جنبه توجه شده است: نخست، جنبه‌های فرهنگ دینی که اساسی‌ترین رکن هویت جامعه ایرانی است و دیگری، ظرفیت‌های محیطی برای انطباق یا عدم انطباق این الگو در ایران است. وی در نتیجه‌گیری ابراز می‌کند که بررسی‌ها نشان می‌دهد شاخص‌ها و ویژگی‌های حکمرانی خوب در سطح کلان توسط آموزه‌های دینی قابل استناد است، اما این شاخص‌ها به لحاظ معنایی و انطباق با آموزه‌های اسلامی تفاوت‌هایی دارند. به لحاظ محیطی نیز ظرفیت‌های قانونی این الگو را پشتیبانی می‌کنند؛ اما موانع ساختاری و کارکردی اجرای آن در جامعه ایران را با مشکل روبه‌رو ساخته است (زهیری، ۱۳۹۳: ۸۷).

در تحقیقی دیگر شاکری و سردارنیا درصدد تحلیل و بررسی حکمرانی خوب و شاخص‌های آن در نهج‌البلاغه با رویکرد نظری - روشی زمینه‌گرایی یا اجتماع‌گرایی برآمده‌اند. آن‌ها ابراز داشته‌اند موضوع حکمرانی خوب در نهج‌البلاغه در قالب یک الگوی کاملاً مطلوب فرازمانی و فرامکانی در بستر یک جامعه توحیدی اسلامی و پذیرش مشروط وضعیت‌مندی تمام شاخص‌های امروزی این مفهوم در اندیشه سیاسی غرب ترسیم شده است. در نتیجه‌گیری نیز تصریح کرده‌اند که درون‌مایه مؤلفه‌های حکمرانی خوب اسلامی از یک ترکیب دوگانه تشکیل شده است. این مؤلفه‌ها در درجه نخست از جنبه شکل معنوی و توحیدی و در درجه بعدی از لحاظ مادی و دنیوی دارای اهمیت است. در حالی که درون‌مایه مؤلفه‌های حکمرانی خوب مطرح‌شده در غرب نشأت گرفته از اومانیزم و انسان‌محوری به جای خدامحوری و اولویت‌های به‌طور عمده عینی و کمتر تکامل‌جویانه است (سردارنیا و شاکری، ۱۳۹۳: ۲۷).



نیانگسو از دانشگاه تجارت و توسعه انسانی رنگو در مقاله‌ای انتقادی با عنوان «نقد و بررسی انتقادی ادبیات در مورد تأثیر حکمرانی خوب بر کیفیت خدمات» به نقد مفهوم حکمرانی خوب پرداخته است. وی در این مقاله اظهار می‌کند: حاکمیت یک مفهوم بسیار گسترده است و در هر سطح از جامعه فعالیت دارد. اگرچه به‌طور طبیعی حکومت‌داری معمولاً با سازوکارهایی که دولت‌ها برای تدوین، اجرا، نظارت، ارزیابی سیاست‌های عمومی آن‌ها و تعامل با سایر بازیگران سیاسی استفاده می‌کنند، مشخص می‌شود، واقعیت این است که این مفهوم یک مفهوم بسیار گریزان بوده اگر گنگ نباشد. مفهوم «حکمرانی خوب»، اخیراً به‌عنوان یک مفهوم کلیدی در بحث حکومت ظهور کرده است. اخیراً تمرکز از «حاکمیت» به سمت «حکمرانی خوب» تغییر پیدا کرده است. عناصر اصلی حکمرانی خوب شامل پاسخگویی، شفافیت، اخلاق و صداقت است. وی در مقاله خود به بررسی انتقادی مطالعات انجام‌شده در رابطه با موضوع با توجه به تأثیر آن بر کیفیت خدمات و یافتن شکاف‌های موجود در ادبیات پرداخته و با استفاده از الگو SERVQUAL که توسط پاراسورامان و Zeithml درک مصرف‌کنندگان از کیفیت خدمات را می‌سنجد. این پیش‌فرض مبتنی بر این است که مشتریان می‌توانند کیفیت خدمات یک شرکت را با مقایسه ادراک خود از خدمات آن با انتظارات خود ارزیابی کنند. وی در ادامه بیان می‌کند از ادبیات بررسی شده مطالعات زیادی در مورد مسئولیت‌پذیری و شفافیت در مورد سهم آن‌ها در بهبود کیفیت خدمات در بخش‌های مختلف اقتصاد جهانی از جمله آموزش، تحقیقات زیادی انجام شده است که اکثر آن‌ها نتایج مثبت دارند؛ اما در مورد عنصر اخلاق و صداقت باید چیزهای بیشتری انجام شود. به نظر می‌رسد تعداد کمی از مطالعات روی این عنصر متمرکز بوده‌اند و به سختی هر کدام آن را در رابطه با یادگیری بالاتر تحقیق کرده‌اند. به‌طور کلی، این تحقیق نشان می‌دهد تعداد مطالعاتی که سعی در ارزیابی تأثیر «حکمرانی خوب» بر کیفیت آموزش دانشگاه دارند، کمبود قابل ملاحظه‌ای وجود دارد.

### نظریه حکمرانی خوب:

نظر به اینکه حکمرانی اقتصادی در این مقاله موضوع بحث است؛ بنابراین از دریچه اقتصاد به نظریه حکمرانی خوب پرداخته می‌شود. اقتصاد توسعه را از زمان تأسیس می‌توان به سه دوره تفکیک کرد (تری، ۱۳۸۵):

الف) دوره دولت بزرگ؛

ب) دوره دولت حداقلی؛

ج) دوره حکمرانی خوب.

دوره نخست از پایان جنگ جهانی دوم آغاز شد و تا اواخر دهه ۱۹۷۰ م ادامه یافت. این دوره مقارن با بازسازی ویرانی‌های جنگ در اروپا و طرح مارشال است (میدری، ۱۳۸۵). با وجود همه اختلاف‌ها بین دانشمندان، یک نقطه مشترک در بین آن‌ها وجود داشت: «مداخله گسترده دولت برای دستیابی به توسعه اجتناب‌ناپذیر است»؛ همه با چارچوب‌های نظری متفاوت در این نتیجه‌گیری وحدت نظر داشتند. دولت به لحاظ نظری مجاز و عملاً در تمام بازارها از بازار کالا گرفته تا بازار ارز و سرمایه و کار مداخله کند. این منوال تا اواسط دهه ۱۹۷۰ م ادامه یافت (مایر و سیرز، ۱۳۶۸).

در پایان دهه هفتاد میلادی این الگوی فکری جای خود را به الگوی دولت حداقل داد. در الگوی جدید، راهکار توسعه، مداخله کمتر دولت در اقتصاد و واگذاری امور به سازوکار بازار دنبال می‌شد. دولت ریگان و تاچر از طریق مغز متفکر مکتب شیکاگو یعنی میلتون فریدمن؛ طراح دولت حداقل بودند، دو کشوری که پیش‌تاز دولت مداخله‌گر و مبتکر دولت رفاه و ملی شدن صنایع بودند. این بار محافل بین‌المللی اقتصادی مانند بانک جهانی و صندوق بین‌المللی «دولت حداقل»، «حاکمیت قیمت‌ها و آزادسازی» و «خصوصی‌سازی» را راه نجات می‌دانستند و شعار پایان دوره دولت‌گرایی و آغاز دوران بازارگرایی را سرلوحه کار خود قرار دادند (میدری، ۱۳۸۵).

از اواسط دهه ۱۹۹۰ م نارضایتی نسبت به رویکرد دولت حداقل شکل گرفت و از پایان آن دهه، پس از رویکرد «دولت بزرگ» و «دولت کوچک» رویکرد «حکمرانی خوب» مورد

استقبال گسترده قرار گرفت. همان محافل بین‌المللی مروج دولت حداقل یعنی بانک جهانی، صندوق بین‌المللی پول و سازمان ملل از دریچه‌های مختلف به این نظریه پرداختند. منظرو از حکمرانی خوب «اعمال قدرت اقتصادی، سیاسی و اداری بر اساس قانون، پاسخگویی و اثر بخشی» است (خیرخواهان و میدری، ۱۳۸۳: ۲۷).

برنامه عمران سازمان ملل و صندوق بین‌المللی پول سیاستی به نام حکمرانی خوب را به‌عنوان کلید معمای توسعه مطرح نمودند. بر اساس تعریف برنامه عمران سازمان ملل، حکمرانی خوب عبارت است از مدیریت امور عمومی بر اساس حاکمیت قانون، دستگاه قضایی کارآمد و عادلانه و مشارکت گسترده مردم در فرآیند حکومت‌داری. به عبارت دیگر هر اندازه حاکمیت قانون بیشتر و دستگاه قضایی کارآمدتر و عادلانه‌تر و میزان مشارکت در یک کشور بیشتر باشد حکمرانی در آن کشور بهتر است. بانک جهانی حکمرانی خوب را بر اساس شش ویژگی تعریف می‌کند.

۱. صدا و پاسخگویی؛

۲. بی‌ثباتی سیاسی و خشونت؛

۳. اثربخشی دولت: کارآمدی دولت در انجام وظایف محوله؛

۴. بار مالی مقررات: مقررات اضافی و هزینه‌های آن؛

۵. حاکمیت قانون؛

۶. فساد.

بانک جهانی از سال ۱۹۹۶ م شروع به انتشار جایگاه حکمرانی کشورها در بین بیش از ۲۰۰ کشور در قالب شش شاخص اصلی حکمرانی خوب کرده است. بانک جهانی این شاخص‌ها را «شاخص‌های حکمرانی در سراسر جهان» نامیده و کارگروه ویژه‌ای برای رصد و به روزرسانی آن تعیین کرده است. شاخص‌های حکمرانی خوب از ۳۳ منبع، از جمله نظرسنجی در بنگاه‌ها و شهروندان و نظرسنجی‌های کارشناسی، از ۳۰ سازمان مختلف در سراسر جهان گردآوری می‌شود (World Bank، ۲۰۰۷: ۱۶). این گزارش‌ها

شامل پاسخ‌دهندگان نظرسنجی، سازمان‌های غیر دولتی، ارائه‌دهندگان اطلاعات کسب‌وکارهای (بنگاه‌های) تجاری و سازمان‌های بخش عمومی در سراسر جهان است. بانک جهانی معتقد است که مفاهیم موجود در مورد حکمرانی را ترسیم کرده و در تلاش است تا بین تعاریف بسیار وسیع و باریک حرکت کند تا حکمرانی را به‌عنوان «سنت‌ها و نهادهایی که توسط قدرت آن‌ها در یک کشور اعمال می‌شود؛ تعریف شود. این تعریف شامل؛

(الف) فرآیند انتخاب دولت، نظارت و جایگزینی دولت‌ها است؛

(ب) ظرفیت دولت در تدوین و اجرای مؤثر سیاست‌های صحیح؛

(ج) احترام شهروندان و دولت به مؤسساتی که تعاملات اقتصادی و اجتماعی بین آن‌ها حاکم است».

بانک جهانی دو معیار حاکمیت متناسب با هر یک از این سه حوزه ایجاد کرده است و در نتیجه آن شش بعد حاکمیت را به‌صورت زیر تعریف کرده است.

(الف) فرآیندی که دولت‌ها، با انتخاب، نظارت و جایگزینی دولت‌ها انتخاب می‌شوند: صدا و پاسخگویی - گرفتن درک از میزان توانایی شهروندان یک کشور در انتخاب دولت خود و همچنین آزادی بیان، آزادی اجتماع و یک رسانه آزاد.

ثبات سیاسی و عدم حضور خشونت / تروریسم - تصور درست از احتمال بی‌ثباتی یا سرنگونی دولت با ابزارهای غیر قانونی یا خشونت‌آمیز، از جمله خشونت و تروریسم با انگیزه سیاسی.

(ب) ظرفیت دولت در تدوین و اجرای مؤثر سیاست‌های صحیح:

اثربخشی دولت - ثبت ادراک از کیفیت خدمات عمومی، کیفیت خدمات مدنی و میزان استقلال آن از فشارهای سیاسی، کیفیت تدوین و اجرای سیاست‌ها و اعتبار تعهد دولت به این چنین سیاست‌هایی.

کیفیت نظارتی - دریافت تصورات از توانایی دولت در تدوین و اجرای سیاست‌ها و آیین‌نامه‌های صحیح که اجازه ترویج و توسعه بخش خصوصی را می‌دهد.

(ج) احترام شهروندان و دولت به مؤسساتی که تعاملات اقتصادی و اجتماعی بین آنها حاکم است:

حاکمیت قانون - دریافت ادراک از میزان اعتماد به نفس مأمورین و پیروی از مقررات جامعه و به‌ویژه کیفیت اجرای قرارداد، حقوق مالکیت، پلیس و دادگاه‌ها و نیز احتمال جنایت و خشونت.

کنترل فساد - اخذ ادراک از میزان اعمال قدرت عمومی برای منافع خصوصی، شامل هر دو نوع خرد و بزرگ فساد و نیز «تصرف» دولت توسط نخبگان و منافع خصوصی (همان، ۲۰۱۰: ۴).

در بسیاری از نقدهایی که از نظریه حکمرانی خوب از منظر دیدگاه اسلامی می‌شود، اغلب بینش مادی‌گرایانه و انسان‌محورانه این نظریه مد نظر بوده و رویکرد ماتریالیستی به‌عنوان عنصر مهم در تدوین شاخص‌ها و جمع‌آوری و کمی‌سازی داده‌ها مطرح می‌شود؛ اما این نقدها از یک‌سو و فقط به‌صورت کلی عنوان شده است در حالی با توجه به توضیحاتی که بانک جهانی در مورد شاخص‌های خود می‌دهد می‌توان قلمرو و تصور بانک جهانی از مفاهیم هر یک از شاخص‌ها، روش جمع‌آوری و نمونه‌گیری داده‌ها و حتی عناصر اصلی و میزان جامعیت و پوشش دادن حکمرانی را مورد بحث و بررسی قرار داد. علاوه بر این و مهم‌ترین بحثی که به نظر می‌رسد هیچ‌کس بدان نپرداخته است، مسئله سیاسی خود اعلام این شاخص‌ها است. مسئله‌ای که خود تبدیل به حکمرانی عظیم و جهانی بانک جهانی برای پیشبرد سیاسی سرمایه‌داران و کشورهای قدرتمند به سرکردگی ایالات متحده آمریکا شده است. این مسئله به حدی است که بانک جهانی به‌عنوان بازوی اصلی نظام سرمایه‌داری مسئولیت سیاست‌گذاری و پرداخت وام‌های سنگین بر کشورهای که راهبرد توسعه آن‌ها را پیش می‌برند دارد. به‌علاوه دلیل تسلط ایالات متحده آمریکا همین شاخص‌های زیبا را می‌توان به‌صورت تعریف و نمونه‌سنجی کرد که کشورهای مخالف را در جهان ضعیف و بدون رابطه و در حال فروپاشی و دارای حکمرانی ضعیف و متوسط و به دور از شاخص‌های برتر قرار داد. در حالی که شاخص‌های برتر جهانی بر

اساس تفکر سرمایه‌داری و رشد در قالب نظام سرمایه‌داری تدوین و پیگیری می‌شود و در صورت وجود تفکر و نظام‌های متفاوت از نظام سرمایه‌داری نمی‌تواند روند قابل قبولی در این چارچوب داشته باشد؛ بنابراین با توجه به سابقه‌هایی که در گزارش فضای کسب‌وکار در چند سال گذشته مثلاً در قضیه کشور شیلی دیده شده است، امکان دست بردن در فرآیند این سنجش‌ها برای بهره‌برداری سیاسی دور از ذهن نیست.

### گام اول انقلاب اسلامی:

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، حکومت در پی ساختن اساس و بنیان‌های حکومت و نهادسازی و تدوین قانون اساسی و مقررات برآمد. از طرفی دیگر دشمنان طماع و قدرت‌های مستکبر جهانی به‌ویژه آمریکا مشکلات و کارشکنی‌های متعددی به وجود می‌آورد و سعی در سلب امنیت و آرامش و جلوگیری از تثبیت جمهوری اسلامی داشت. علاوه بر این در این دوره که مقارن با سال‌های ۱۳۵۷ ه.ش - ۱۳۶۷ ه.ش است و به عبارت دیگر دوره انقلاب تا پایان جنگ است، سیاست‌های عدالت‌خواهانه در رأس سیاست‌های کلی کشور قرار گرفت و حاکمیت پس از دوران رقت‌بار و ظالمانه رژیم طاغوت در پی آن برآمد تا طبق اصول ۳ و ۴۳ و ۴۴ قانون اساسی، دولت را مسئول اصلی اقتصاد کشور و ایجاد شغل برای آحاد مردم قرار دهد. در کنار تعریف حضور پررنگ دولت در اقتصاد، حکومت از طریق تأسیس نهادهایی چون کمیته امداد امام خمینی (ره) و سازمان بهزیستی و بنیاد مستضعفان و جانبازان، سیاست‌های رفاهی دنبال شد. گسترش سوادآموزی و آموزش و پرورش رایگان و آموزش عالی و بهداشت نیز در راستای سیاست‌های عدالت‌ورزانه و افزایش رفاه مردم رایگان شد (زمانی، ۱۳۹۶: ۲۲).

با استعفای دولت موقت و بعد از دوران گذار ریاست جمهوری بنی‌صدر و بعد شهید رجایی، گفتمان حاکم بر دولت گفتمان یکپارچه نیروهای خط امام بود که در قالب حزب جمهوری اسلامی و جامعه روحانیت مبارز؛ در دهه شصت قدرت را با آرای مردم به دست گرفتند. این جناح در عرصه اقتصادی بر وجود یک بخش اقتصاد دولتی گسترده، برنامه‌ریزی متمرکز، پذیرش مسئولیت‌های پر دامنه از سوی دولت در تأمین عدالت

اجتماعی، تحمل برخی کنترل‌های دولتی بر اقتصاد از جمله کنترل قیمت‌ها، محدودیت حقوق مالکیت خصوصی، محدود کردن فعالیت بخش خصوصی به‌ویژه در بخش توزیع و واسطه‌گری‌های کاذب، ممنوعیت یا تحدید بسیار شدید سرمایه‌گذاری‌های خارجی و یک جهت‌گیری کلی برای نیل به خودکفایی تأکید می‌کرد (انجمن پژوهشگران ایران، ۱۳۷۲: ۳۰). البته در این دوران نخست‌وزیر که از سوی پارلمان انتخاب می‌شد مسند امور را داشت و صدالبته شکاف کاملاً دوگانه‌ای بین وزرا و در رأس آن‌ها نخست‌وزیر با رئیس‌جمهور وقت بود. رویکرد مذکور برای کابینه بوده در حالی که رئیس‌جمهور حتی در دوران جنگ معتقد بود که اقتصاد باید مردمی باشد و دولت باید زمینه حضور مردم را در صحنه اقتصاد فراهم کند؛ اما اصلاً این نوع حضور تنها متوجه بخش خصوصی نبود، بلکه بخش خصوصی بخشی از آن بود و رویکرد حضور همه‌جانبه مردم در اقتصاد برای خودکفایی بود.

دوره دوم انقلاب، دوره‌ای است که پس از اتمام جنگ و رهایی از تهدیدهای امنیتی داخلی (تظاهرات، کودتا، ترور سیاسی) و امنیت خارجی (هشت سال دفاع مقدس)، کشور در جایگاه تثبیت قرار می‌گیرد. این دوره هم‌زمان با دوران ریاست جمهوری هاشمی رفسنجانی بوده که طبق چرخه‌های اقتصاد سیاسی، سیاست‌های رشد اقتصادی در دستور کار قرار گرفت (همان) و به‌شدت کارهای جهادی و محرومیت‌زدا و در راستای افزایش پیشرفت اقتصادی و رفاه اجتماعی و پروژه‌های بزرگ اجرا شد به نحوی که این دوران به دوران سازندگی معروف شد.

در این دوره جریان جدیدی به‌تدریج در کشور شکل گرفت و نیروهایی تکنوکرات (فن‌سالار) که سابقه کار اجرایی داشته و بسیاری از آن‌ها در کابینه دولت قبلی نیز پست وزارت یا مشاورتی را دارا بودند، روی کار آمدند. این جریان با زیر سؤال بردن سیاست‌های چپ‌گرایانه در کشور و نقد عملکرد دولت طی دهه اول انقلاب، خواستار بازنگری سیاست‌های مذکور در چارچوبی واقع‌گرایانه شدند و به‌نوعی از سیاست‌های لیبرال در حوزه فرهنگی و اقتصادی حمایت می‌کرد. با به قدرت رسیدن هاشمی رفسنجانی

در انتخابات ریاست جمهوری در سال ۶۸ ه.ش زمینه برای گسترش این تفکر در کشور هموارتر گشت. کارگزاران سازندگی دارای گرایش به اقتصاد بازار آزاد، تقویت بخش خصوصی و خواستار اجرای برنامه تعدیل اقتصادی و خواستار فضای باز سیاسی و فرهنگی، بودند و بر تسریع روند بازسازی اقتصادی کشور و تشنج‌زدایی در حوزه سیاست خارجی تأکید می‌کردند (فوزی، ۱۳۹۵: ۳۴).

در این سال‌ها اولین اقدام مجلس و دولت تدوین برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور بود که تلاش گردید برنامه توسعه کشور متناسب با شرایط جدید و لحاظ کردن ارزش‌های انقلابی و اسلامی جهت‌گیری شود؛ اما در جریان تدوین برنامه مشهود بود که در این مورد دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد. در این برنامه ضمن تأکید بر لزوم تجدید نظر بر سیاست‌های اقتصادی دوران جنگ و به‌منظور افزایش رشد تولید و حل مشکلات اقتصادی کشور، بر لزوم تعدیل زیرساخت‌های اقتصادی، آزادسازی اقتصادی و کاهش کنترل‌ها و تصدی‌گری دولتی و درنهایت خصوصی‌سازی اقتصاد تأکید شده بود. اکثر نمایندگان مجلس تنها راه را ایجاد امنیت برای سرمایه و حذف محدودیت‌های اعمال‌شده بر بخش خصوصی می‌دانستند. هرچند در برنامه بر رشد و عدالت تأکید شده بود اما نگاه غالب آن بود که رشد اقتصادی باید در اولویت قرار گیرد و بعد به عدالت اجتماعی پرداخته شود (همان: ۴۱).

همچنین در این دوره شاخص‌های اقتصادی کلان کشور نتایجی در برداشت که در جدول شماره ۱ آورده شده است (همان: ۴۳). اجرای برنامه اول توسط دولت نشان می‌دهد که با شروع برنامه، رشد اقتصادی چشمگیر بود اما این روند مستمر نبود بلکه علی‌رغم موفقیت‌های دو سال اول به‌سرعت روند رشد به‌شدت کاهش یافت به‌طوری که در سال‌های آخر برنامه روند رشد اقتصاد، نزولی شد. رشد اقتصادی که در سال ۱۳۷۰ ه.ش حدود ۱۲/۱ درصد بود، در سال ۱۳۷۲ ه.ش به ۱/۵ درصد رسید. این امر نشان‌دهنده آن است که این برنامه نتوانست رشدی مستمر و پایدار را در اقتصاد شکل دهد و رشد اقتصادی تحت تأثیر تحولات خارج از کنترل برنامه قرار گرفت (همان).



## جدول ۱- شاخص‌های مهم اقتصادی در دوران سازندگی

سال	۱۳۶۸	۱۳۶۹	۱۳۷۰	۱۳۷۱	۱۳۷۲	۱۳۷۳	۱۳۷۴	۱۳۷۵	متوسط
رشد تولید ناخالص داخلی	۵/۹	۱۴/۱	۱۲/۱	۴/۱	۱/۵	/۵	۲/۹	۶/۱	۳/۹
رشد سرمایه گذاری	۷/۴	۱۳/۸	۶۴/۴	-۳/۵	-۱۰/۳	-۱۴/۲	-۴/۵	/۲۵	۵/۹
نرخ تورم	۱۷/۳	۸/۹	۲۰/۷	۲۴/۴	۲۲/۶	۳۵/۲	۴۹/۴	۲۳/۲	۲۲/۸
نرخ بیکاری	۱۵/۵	۱۴/۲	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۹/۱	۱۰/۵
ضریب جینی	۴۰۹۲/	۰۳۹۶۹	۰۳۹۹۶	۰۳۸۷۰	۰۳۹۷۶	۰۳۹۹۳	۰۴۰۷۴	۰۳۹۱۰	۳۹۸۵
نسبت هزینه ده درصد ثروتمند به ۱۰ در صد فقیر	۱۷/۶	۱۵/۹	۱۶/۳	۱۵/۹	۱۶/۱	۱۵/۷	۱۶/۱	۱۴/۵	۱۶

منبع: آمار بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و "مهمترین شاخص‌های اقتصادی کشور"، گزارش

راهبردی مرکز تحقیقات استراتژیک، ش ۱۶۲ اردیبهشت ۱۳۹۲ و آمار مرکز آمار ایران

دوره سوم، دوره‌ای است که در چرخه‌های اقتصاد سیاسی اولویت آن سیاست و مسائل سیاسی و زندگی اجتماعی است. این دوره هم‌زمان می‌شود با دوران ریاست جمهوری خاتمی که با شعارهای سیاسی و جامعه مدنی و آزادی مقتدرانه به رئیس‌جمهوری دست می‌یابد. در این دوره بحث‌های زیادی مبنی بر اولویت سیاست بر اقتصاد صورت گرفت که به‌طور عمده همراهان دولت بر اولویت سیاست بر اقتصاد تأکید داشتند. از این رو در دوره وی شاهد رشد اقتصادی مناسبی نسبت به وضعیت کشور نبودیم (متوسط دوره هشت‌ساله حدود ۵/۴۵ درصد) و فقط فضای نیمه‌باز سیاسی شکل گرفت (زمانی، ۱۳۹۶: ۲۶).

وضعیت شاخص‌های کلان اقتصادی کشور در این دوره نیز در جدول ۲ نشان داده شده است و حاکی از این است که در مجموع با وجود ثبات اقتصادی و تعادل اقتصادی در بخش‌های مختلف و توجه بیشتر به بحث رشد توأم با عدالت اجتماعی و با وجود برخی موفقیت‌ها، اما این دولت نیز نتوانست تحول مهمی را در ساختار اقتصادی کشور به وجود آورد (فوزی، ۱۳۹۵: ۴۷). تولید ناخالص داخلی که نشان‌دهنده نرخ رشد اقتصادی است در دوره مذکور هرچند با فراز و نشیب‌هایی همراه بود اما نسبت به گذشته روند مطلوب‌تر و

باثبات‌تری را تجربه کرد. از نظر شاخص رشد سرمایه‌گذاری، نیز بیشترین میزان رشد و کمترین نوسان در این دیده می‌شود (همان).

جدول ۲- شاخص‌های مهم اقتصادی در دوران اصلاحات

سال	۱۳۷۶	۱۳۷۷	۱۳۷۸	۱۳۷۹	۱۳۸۰	۱۳۸۱	۱۳۸۲	۱۳۸۳	متوسط
رشد تولید ناخالص داخلی	۲/۸	۲/۹	۱/۶	۵/۰	۳/۳	۷/۶	۶/۸	۴/۸	۳/۹
رشد سرمایه‌گذاری	۱۲/۵	۳/۲	۵/۸	۴/۱	۱۴/۲	۱۲	۱۰/۸	۷	۷/۷
نرخ تورم	۱۷/۳	۱۸/۱	۲۰	۱۲/۶	۱۱/۴	۱۵/۸	۱۵/۷	۱۵/۲	۱۵/۵
نرخ بیکاری	۱۳/۱	۱۲/۵	۱۳/۵	۱۴/۳	۱۴/۲	۱۲/۸	۱۱/۸	۱۰/۳	۱۲/۸
ضریب جینی	۰،۴۰۲۹	۰،۳۹۶۵	۰،۴۰۰۹	۰،۳۹۹۱	۰،۳۹۸۵	۰،۴۱۹۱	۰،۴۱۵۶	۰،۳۹۹۶	۰،۴۰۴۰
نسبت هزینه ده درصد ثروتمند به ۱۰ درصد فقیر	۱۵/۷	۱۴/۲	۱۵/۴	۱۵	۱۴/۴	۱۶/۹	۱۶/۲	۱۴/۶	۱۵/۳

منبع: آمار بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و "مهمترین شاخص‌های اقتصادی کشور"، گزارش

راهبردی، ش ۱۶۲ اردیبهشت ۱۳۹۲ و آمار مرکز آمار ایران

دوره چهارم کشور طبق چرخه اقتصاد سیاسی بازگشت مجدد به دوره تثبیت بود و اولویت اول کشور سیاست‌گذاری در حوزه تأمین امنیت و عدالت بود. از سویی دیگر سیاست‌هایی که وی دنبال می‌کرد تغییر ساختار حکمرانی کشور و شکل‌گیری نخبگان جدید اقتصادی و سیاسی بود. در کنار این امر سیاست‌های توزیعی جدیدی همچون طرح مسکن مهر، هدفمندی یارانه‌ها و سهام عدالت در این مقطع طراحی شد (زمانی، ۱۳۹۶: ۲۶).

در این دوره احمدی‌نژاد با گفتمانی انتقادی نسبت به رویکردها و عملکردهای اقتصادی دولت‌های گذشته پا به عرصه ریاست جمهوری گذاشت و عدالت اقتصادی و رسیدگی به وضعیت طبقات پایین جامعه و مناطق پیرامونی را شعار و اولویت خود قرار داد. بر این اساس دولت نهم به اصلاحات در بخش‌های مختلف از جمله نظام مدیریت و برنامه‌ریزی، بانک‌ها و اجرای برنامه تحول اقتصادی با اهداف افزایش بهره‌وری، اصلاح ساختار مالیاتی، هدفمند کردن یارانه‌ها، اصلاح ساختار بانکی، اصلاح ساختار گمرکی، نظام توزیع کالا و خدمات، ارزش‌گذاری پول ملی تأکید داشت. در این راستا، دولت اقدام به تأسیس صندوق مهر امام رضا، طرح بنگاه‌های زودبازده، طرح مسکن مهر، توزیع سهام عدالت، طرح

هدفمندی سازی یارانه‌ها کرد. در این دوران علی‌رغم اینکه ضریب جینی و شاخص‌های توزیع درآمد بهبود نسبی را نشان می‌دهند اما رشد اقتصادی طی سال‌های ۸۴ تا ۹۱ بسیار متغیر و بی‌ثبات و نزولی است و شاخص‌های مهم اقتصادی دیگر همچون تورم، رشد نقدینگی، کاهش ارزش پول ملی و... از وضعیت مطلوبی برخوردار نبوده و در نهایت تحول آن‌چنان مهمی در ساختار کلی اقتصادی کشور رخ نداد (فوزی، ۱۳۹۵: ۴۹).

### جدول ۳- شاخص‌های مهم اقتصادی در دوران گفتمان عدالت‌گرا

متوسط	۱۳۹۱	۱۳۹۰	۱۳۸۹	۱۳۸۸	۱۳۸۷	۱۳۸۶	۱۳۸۵	۱۳۸۴	
رشد تولید ناخالص داخلی	۳/۶	-۱/۹	۳	۵/۸	۳	۰/۸	۵	۶/۶	۶/۹
رشد سرمایه‌گذاری	۵/۲		۱/۲	۶/۹	-۰/۹	۱۰/۹	۶/۶	۳	۸/۷
نرخ تورم	۱۶/۳	۳۰/۵	۲۱/۵	۱۲/۴	۱۰/۸	۲۵/۵	۱۸/۴	۱۱/۹	۱۰/۳
نرخ بیکاری	۱۱/۷	۱۲/۲	۱۲/۳	۱۳/۵	۱۱/۹	۱۰/۴	۱۰/۵	۱۱/۳	۱۱/۵
ضریب جینی	۳۹/۱۹		۰/۳۷۵۲	۰/۳۸۱۳	۰/۳۹۳۹	۰/۳۸۵۹	۰/۴۰۴۵	۰/۴۰۰۴	۰/۴۰۲۳
نسبت هزینه‌ده درصد ثروتمند به ۱۰ درصد فقیر	۱۳/۹۳		۱۲/۱۸	۱۳/۱	۱۴/۱	۱۳/۵	۱۵/۲	۱۴/۹	۱۴/۵

منبع: آمار بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و "مهمترین شاخص‌های اقتصادی کشور"، گزارش

راهبردی مرکز تحقیقات استراتژیک، ش ۱۶۲ اردیبهشت ۱۳۹۲ و آمار مرکز آمار ایران

در دوره اخیر نیز پس از اعمال تحریم‌های فلج‌کننده در سال ۱۳۹۰ ه.ش به بهانه‌های مختلف از جمله حقوق بشر و انرژی هسته‌ای و امثالهم - که بعد از فتنه ۸۸ و عملیات رسانه‌ای و تبلیغات غرب صورت گرفت - باب مذاکره و دیپلماسی بیش از پیش باز شد. این مذاکرات در اواخر دولت دهم با اتحادیه اروپا به اوج خود رسید و سیاست چماق و هویج و دوگانه اروپاییان و عدم مدیریت داخلی در مدیریت بازار در هجمه‌های اقتصادی دشمنان باعث شد تا مردم از وضع نابسامان به وجود آمده ناراضی باشند؛ بنابراین گفتمانی جدید با عنوان مذاکره و دیپلماسی با قدرت‌های جهانی شکل گرفت و روحانی با حمایت هاشمی رفسنجانی و استفاده از راهبرد مذاکره با کدخدا سکان‌دار دولت شد. طبق سیکل اقتصاد سیاسی نیز این دوره معطوف به مسائل اقتصادی بود و روحانی نیز با متوسل شدن

به شعار اعتدال در اوضاع سیاسی کشور و رونق اقتصادی از طریق کنترل تورم و دیپلماسی به رأی بالای ۵۰ درصدی مردم دست یافت.

در این دوره مذاکره با ۱+۵ به عنوان تنها راهبرد کشور در دستور کار قرار گرفت و در حالی که در سال ۱۳۹۲ ه.ش سیاست‌های کلی اقتصادی مقاومتی ابلاغ شد، وضعیت اجرایی کشور آن‌چنان تحولی نیافت و به‌نوعی تمام دستگاه‌های کشور معطل مذاکره ماند و از ظرفیت داخلی و درون‌زایی طبق فرمایشات رهبر معظم انقلاب و سیاست‌های کلی اقتصادی مقاومتی غفلت شد. تنها دستاورد دولت قبل از برجام تورم تکرریمی بود که آن هم بعد از برجام و شکستن حساب‌ها و عملیات اقتصاد سیاسی و عدم مدیریت داخلی رقم بالایی به خود گرفت. بعد از برجام نیز عملاً و به قول سیف رئیس‌کل بانک مرکزی تقریباً هیچ اتفاقی رخ نداد و ترامپ نیز پس از پیروزی در آمریکا از توافق برجام آمریکا را خارج کرد. در نتیجه این اتفاقات و افزایش یکباره نرخ ارز تا ۱۸ هزار تومان، رکود تورمی عمیق‌تر شد. البته در این دوره اقتصاد کشور با عنایت دکتر ستاری معاونت علم و فناوری ریاست جمهوری قدم‌های خوبی در جهت دانش‌بنیان شدن اقتصاد کشور برداشته شد اما به جهت نوپا بودن نمی‌توانست تأثیر خود را در آمارهای کلان اقتصادی نشان دهد.

در سه دهه اخیر دولت‌ها با گفتمان‌های مختلفی در ایران به قدرت رسیدند و همه آن‌ها بعد از جنگ بر کلیت ضرورت تحول ساختاری در اقتصاد ایران اجماع داشته و بر اصولی همچون تقویت رشد تولید اقتصادی، گسترش عدالت اجتماعی، خصوصی‌سازی، تحول در نظام بانکی و ارزی و ... تأکید داشتند و در واقع اختلاف اصلی آن‌ها نه در کلیات حرکت اقتصادی، بلکه در تاکتیک پیشبرد این اهداف و اولویت‌بندی آن‌ها بوده است؛ اما در اعمال و عملیاتی کردن این راهبردهای کلان نتوانستند رشد اقتصادی مستمر و پایداری را رقم بزنند و رشد اقتصادی همواره تحت تأثیر عوامل مختلف از جمله وابستگی اقتصاد ایران به درآمدهای نفتی و تأثیرپذیری زیاد از بازار جهانی دارای فراز و فرودهای مختلفی بوده است. به بیان دیگر می‌توان گفت هرچند طی چند دهه بعد از انقلاب اسلامی ایران، عرصه دولت با جریان‌ها و گروه‌های سیاسی مختلف عرصه‌ای متحول بوده است و این رویکرد

متحول نیز تأثیراتی بر عملکرد متفاوت دولت‌ها داشته است اما این تفاوت عملکردی به حدی چشمگیر نیست که بتوان آن را تحولی عمده در اقتصاد ایران تحت تأثیر رویکردهای جدید دولت‌ها دانست بلکه تغییرات عملکردی بسیار محدود و کم ثبات بوده است (همان: ۵۱).

در صورتی که در طول این دولت‌ها بارها رهبر معظم انقلاب و به‌ویژه در دوران سازندگی اقتصاد دولتی و اقتصاد نفتی را مایه ضعف کشور و ارث رژیمن قبل می‌دانستند و اظهار می‌داشتند: «من هفده هجده سال قبل به مسئولان گفتم باید کاری کنید که ما هر وقت اراده کردیم، بتوانیم در چاه‌های نفت را ببندیم. آقایان به قول خودشان «تکنوکرات» لبخند انکار زدند که مگر می‌شود؟! بله می‌شود؛ باید دنبال کرد، باید اقدام کرد، باید برنامه‌ریزی کرد» (رهبر معظم انقلاب، ۱/۱/۹۲). یا توصیه‌های دیگری که در امر حکومت‌داری به اعضای دولت می‌کردند تا اینکه در ابتدای دهه ۹۰ نظریه اقتصاد مقاومتی را مطرح نمودند و در نهایت در سال ۱۳۹۲ ه.ش در قالب سیاست‌های کلی آن را ابلاغ کرده و در بیانات و جلسات مختلف به تبیین و تشریح آن و ویژگی‌های اقتصاد مقاومتی هم برای دولت و هم برای عموم جامعه پرداختند؛ بنابراین رهبران جمهوری اسلامی با ساده‌زیستی و دغدغه دین و معیشت مردم به‌ویژه قشر مستضعف؛ همواره تأکید بر عدالت همراه با رشد اقتصادی و رفاه عمومی داشتند و پیوسته مردم را به جهاد در میدان‌های مختلف به‌ویژه جهاد اقتصادی و تلاش همه‌جانبه به تأسی از حضرت امیرالمؤمنین علی (ع) دعوت می‌کردند.

### گام دوم انقلاب اسلامی:

در حالی که کشور در تلاطم‌های سیاسی و اقتصادی، دوران آرامی را سپری نمی‌کرد؛ در چهلمین سالگرد پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی، رهبر معظم انقلاب بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی را منتشر کرد و در ضمن اشاره به دستاوردهای سیاسی، علمی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی کشور و مشکلات و معضلات و ضعف‌ها به بیان نقشه‌راه پیشرفت و زمینه‌ساز تمدن نوین اسلامی و طلوع خورشید عظمای ولایت پرداختند. در این بیانیه رهبر

معظم انقلاب ابتدا به تشریح سرگذشت چهل‌ساله انقلاب اسلامی پرداختند و انقلاب اسلامی را منشأ برکات زیر دانستند:

۱. امنیت و تمامیت ارضی را ضمانت کرد؛
۲. موتور پیشران کشور در عرصه‌ی علم و فناوری و زیرساخت شد؛
۳. مشارکت مردمی را در «مسائل سیاسی»، «حضور در صحنه‌های ملی» و «استکبارستیزی» به اوج رسانید؛
۴. بینش سیاسی آحاد مردم را ارتقا داد؛
۵. کفّهی عدالت را در تقسیم امکانات عمومی کشور سنگین کرد؛
۶. عیار معنویت و اخلاق را در فضای عمومی جامعه افزایش داد؛
۷. ایستادگی در برابر مستکبران روز به روز بیشتر شد.

سپس به تفاوت چالش‌های دیروز و امروز انقلاب با مستکبران پرداختند. در بخش سوم از این بیانیه ظرفیت‌های مهم کشور را برای گام دوم انقلاب ابراز داشتند. در اصلی‌ترین بخش بیانیه نیز راهبردهای اصلی یک حکومت و جامعه اسلامی را در قالب سرفصل‌های علم و پژوهش، معنویت و اخلاق، اقتصاد، عدالت و مبارزه با فساد، استقلال و آزادی، عزت ملی و روابط خارجی و مرزبندی با دشمن، سبک زندگی برای ایجاد تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی (عج) توصیه داشته‌اند. در این مقاله به موارد اقتصادی و عوامل مؤثر در حکمرانی اقتصادی پرداخته می‌شود و درنهایت شاخص‌هایی از آن‌ها برای سنجش حکمرانی اقتصادی مبتنی بر دیدگاه اسلامی استخراج می‌شود.

رهبر معظم انقلاب در سرفصل اقتصاد توصیه‌های راهبردی می‌فرماید:

«اقتصاد یک نقطه‌ی کلیدی تعیین‌کننده است. اقتصاد قوی، نقطه‌ی قوت و عامل مهم سلطه‌ناپذیری و نفوذناپذیری کشور است و اقتصاد ضعیف، نقطه ضعف و زمینه‌ساز نفوذ و سلطه و دخالت دشمنان است. فقر و غنا در مادیات و معنویات بشر، اثر می‌گذارد. اقتصاد البته هدف جامعه اسلامی نیست، اما وسیله‌ای است که بدون آن نمی‌توان به هدف‌ها رسید.

تأکید بر تقویت اقتصاد مستقل کشور که مبتنی بر تولید انبوه و باکیفیت و توزیع عدالت محور و مصرف به اندازه و بی اسراف و مناسبات مدیریتی خردمندانه است و در سال های اخیر از سوی اینجانب بارها تکرار و بر آن تأکید شده، به خاطر همین تأثیر شگرفی است که اقتصاد می تواند بر زندگی امروز و فردای جامعه بگذارد».

انقلاب اسلامی راه نجات از اقتصاد ضعیف و وابسته و فاسد دوران طاغوت را به ما نشان داد، ولی عملکردهای ضعیف، اقتصاد کشور را از بیرون و درون دچار چالش ساخته است. چالش بیرونی تحریم و وسوسه های دشمن است که در صورت اصلاح مشکل درونی، کم اثر و حتی بی اثر خواهد شد. چالش درونی عبارت از عیوب ساختاری و ضعف های مدیریتی است.

مهم ترین عیوب، وابستگی اقتصاد به نفت، دولتی بودن بخش هایی از اقتصاد که در حیطه وظایف دولت نیست، نگاه به خارج و نه به توان و ظرفیت داخلی، استفاده اندک از ظرفیت نیروی انسانی کشور، بودجه بندی معیوب و نامتوازن و سرانجام عدم ثبات سیاست های اجرایی اقتصاد و عدم رعایت اولویت ها و وجود هزینه های زائد و حتی مسرفانه در بخش هایی از دستگاه های حکومتی است. نتیجه ی این ها مشکلات زندگی مردم از قبیل بیکاری جوان ها، فقر درآمدی در طبقه ی ضعیف و امثال آن است.

راه حل این مشکلات، سیاست های اقتصاد مقاومتی است که باید برنامه های اجرایی برای همه ی بخش های آن تهیه و با قدرت و نشاط کاری و احساس مسئولیت، در دولت ها پیگیری و اقدام شود. درون زایی اقتصاد کشور، مولد شدن و دانش بنیان شدن آن، مردمی کردن اقتصاد و تصدی گری نکردن دولت، برون گرایی با استفاده از ظرفیت هایی که قبلاً به آن اشاره شد، بخش های مهم این راه حل ها است. بی گمان یک مجموعه ی جوان و دانا و مؤمن و مسلط بر دانسته های اقتصادی در درون دولت خواهند توانست به این مقاصد برسند. دوران پیش رو باید میدان فعالیت چنین مجموعه ای باشد.

جوانان عزیز در سراسر کشور بدانند که همه راه حل ها در داخل کشور است. اینکه کسی گمان کند که «مشکلات اقتصادی فقط ناشی از تحریم است و علت تحریم هم

مقاومت ضد استکباری و تسلیم نشدن در برابر دشمن است؛ پس راه حل، زانو زدن در برابر دشمن و بوسه زدن بر پنجه گرگ است» خطایی نابخشودنی است. این تحلیل سراپا غلط، هرچند گاه از زبان و قلم برخی غفلت‌زدگان داخلی صادر می‌شود، اما منشأ آن، کانون‌های فکر و توطئه خارجی است که با صد زبان به تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران و افکار عمومی داخلی القاء می‌شود.

ایشان در سرفصل عدالت و مبارزه با فساد نیز نکات مهمی را اظهار می‌دارند:

«این دو لازم و ملزوم یکدیگرند. فساد اقتصادی و اخلاقی و سیاسی، توده چرکین کشورها و نظام‌ها و اگر در بدنه حکومت‌ها عارض شود، زلزله ویرانگر و ضربه‌زننده به مشروعیت آن‌ها است؛ این برای نظامی چون جمهوری اسلامی که نیازمند مشروعیتی فراتر از مشروعیت‌های مرسوم و مبنایی‌تر از مقبولیت اجتماعی است، بسیار جدی‌تر و بنیانی‌تر از دیگر نظام‌ها است. وسوسه‌ی مال و مقام و ریاست، حتی در علوی‌ترین حکومت تاریخ یعنی حکومت خود حضرت امیرالمؤمنین (ع) کسانی را لغزاند، پس خطر بروز این تهدید در جمهوری اسلامی هم که روزی مدیران و مسئولانش مسابقه‌ی زهد انقلابی و ساده‌زیستی می‌دادند، هرگز بعید نبوده و نیست؛ این ایجاب می‌کند که دستگاهی کارآمد با نگاهی تیزبین و رفتاری قاطع در قوای سه‌گانه حضور دائم داشته باشد و به‌معنای واقعی با فساد مبارزه کند، به‌ویژه در درون دستگاه‌های حکومتی».

البته نسبت فساد در میان کارگزاران حکومت جمهوری اسلامی در مقایسه با بسیاری از کشورهای دیگر و به‌خصوص با رژیم طاغوت که سرتاپا فساد و فسادپرور بود، بسی کمتر است و بحمدالله مأموران این نظام غالباً سلامت خود را نگاه داشته‌اند، ولی حتی آنچه هست غیر قابل قبول است. همه باید بدانند که طهارت اقتصادی شرط مشروعیت همه‌ی مقامات حکومت جمهوری اسلامی است. همه باید از شیطان حرص برحذر باشند و از لقمه حرام بگریزند و از خداوند در این باره کمک بخواهند و دستگاه‌های نظارتی و دولتی باید با قاطعیت و حساسیت، از تشکیل نطفه فساد پیشگیری و با رشد آن مبارزه کنند. این مبارزه نیازمند انسان‌هایی باایمان و جهادگر، منبع‌الطبع با دستانی پاک و دل‌هایی نورانی



است. این مبارزه بخش اثرگذاری است از تلاش همه‌جانبه‌ای که نظام جمهوری اسلامی باید در راه استقرار عدالت به کار برد.

عدالت در صدر هدف‌های اولیه همه بعثت‌های الهی است و در جمهوری اسلامی نیز دارای همان شأن و جایگاه است؛ این، کلمه‌ای مقدّس در همه‌ی زمان‌ها و سرزمین‌ها است و به‌صورت کامل، جز در حکومت حضرت ولی‌عصر (ارواح‌نفاذ) میسر نخواهد شد ولی به‌صورت نسبی، همه‌جا و همه‌وقت ممکن و فریضه‌ای بر عهده همه به‌ویژه حاکمان و قدرتمندان است. جمهوری اسلامی ایران در این راه گام‌های بلندی برداشته است که قبلاً بدان اشاره‌ای کوتاه رفت؛ و البته در توضیح و تشریح آن باید کارهای بیشتری صورت گیرد و توطئه‌واژگونه‌نمایی و لاقفل سکوت و پنهان‌سازی که اکنون برنامه جدی دشمنان انقلاب است، خنثی گردد.

«با این همه اینجانب به جوانان عزیزی که آینده کشور، چشم‌انتظار آن‌ها است به‌صراحت می‌گویم آنچه تاکنون شده با آنچه باید می‌شده و بشود، دارای فاصله‌ای ژرف است. در جمهوری اسلامی، دل‌های مسئولان به‌طور دائم باید برای رفع محرومیت‌ها بتپد و از شکاف‌های عمیق طبقاتی به‌شدت بیمناک باشد. در جمهوری اسلامی کسب ثروت نه‌تنها جرم نیست که مورد تشویق نیز هست، اما تبعیض در توزیع منابع عمومی و میدان دادن به ویژه‌خواری و مدارا با فریب‌گران اقتصادی که همه به بی‌عدالتی می‌انجامد، به‌شدت ممنوع است؛ همچنین غفلت از قشرهای نیازمند حمایت، به هیچ‌رو مورد قبول نیست. این سخنان در قالب سیاست‌ها و قوانین، بارها تکرار شده است ولی برای اجرای شایسته آن، چشم امید به شما جوان‌ها است؛ اگر زمام اداره بخش‌های گوناگون کشور به جوانان مؤمن و انقلابی و دانا و کاردان - که بحمدالله کم نیستند - سپرده شود، این امید برآورده خواهد شد؛ ان شاءالله.»

آنچه که در این دو سرفصل و برخی قسمت‌های دیگر بیان شد؛ شامل مؤلفه‌هایی بود که هر یک قابلیت خوبی برای مطرح شدن در مقوله حکمرانی و به‌ویژه حکمرانی اقتصادی دارند. این مؤلفه‌ها عبارتند از:

۱. استقلال اقتصادی؛
۲. توزیع عدالت محور؛
۳. مدیریت جهادی؛
۴. عدم تقید نفتی یا غیر نفتی؛
۵. اشتغال‌زایی؛
۶. مشارکت مردمی؛
۷. میزان حمایت از تولیدات دانشی؛
۸. میزان مولد بودن حقیقی نه آمارهای خام‌فروشانه<sup>۱</sup>؛
۹. درجه مبارزه با فساد؛
۱۰. عدالت؛
۱۱. حمایت از مستضعفین و میزان ریشه‌کن کردن فقر.

#### نتیجه‌گیری:

انقلاب اسلامی رویکرد جدیدی را در شیوه حکمرانی در قرن اخیر به جهانیان معرفی کرده است؛ اما در چهار دهه گذشته که جمهوری اسلامی در کوران جنگ و تحریم و تهدید و مرعوب‌سازی‌ها و کارشکنی‌های داخلی و خارجی قد علم کرده و به‌تنهایی ایستاده است، هنوز به دلیل کمبود نیروی انسانی، سکولاریت حاکم بر فضای دانشگاهی، عدم حمایت دولت‌ها از پژوهشگران علوم انسانی اسلامی و مناقشه‌های چندجانبه و امثالهم نتوانسته است از ظرفیت‌های غنی خود در امر تدوین مبانی نظری در عرصه‌های مختلف علوم انسانی پیش برود. در حالی که در غرب و نظام سرمایه‌داری بیش از دو قرن طول کشید تا نظریه‌هایی امثال نظریه حکمرانی خوب ارائه شد. علاوه بر این طی این دو قرن نظام سرمایه‌داری با تولید علم و مبانی نظری خودشان، گستره نفوذ خود را در جهان تا حدی گسترش دادند به‌نوعی که تمام دانشگاه‌های جهان مطیع و در حقیقت فرمان‌بردار و برده صاحب نظام سرمایه‌داری یعنی آمریکا شدند و هر آنچه مد نظر آنان بود در دانشگاه‌های

1 GDP

خود تدریس کردند و در دایره گسترده علوم انسانی غرب دست به تولید علم زدند و به عبارت دیگر در نظام علمی سرمایه‌داری هضم شدند.

اکنون نظام مردم‌سالاری دینی از مرز چهل‌سالگی عبور کرده است و در محافل علمی البته با وجود سانسور و کارشکنی‌های همیشگی راه یافته است. یکی از مهم‌ترین آثاری که به معرفی و تمجید از نظام حکمرانی اسلامی با محوریت ولایت فقیه پرداخته است، کتاب تئوری چهارم سیاست اثر پروفیسور دوگین، متفکر روسی است. وی در این کتاب «نظام‌های سیاسی ایران و روسیه» را به‌عنوان جدیدترین شیوه حکمرانی قلمداد کرده است که در قالب سه شیوه لیبرالیسم و کمونیسم و فاشیسم (ناسیونالیسم و ...) گنجانده نمی‌شود؛ بنابراین این دو حکومت طلوعی جدید در عرصه حکمرانی در جهان هستند.

بنابراین بعد از شروع حرکت‌های علمی که از دهه ۸۰ شروع شده است، به نظر می‌رسد مقطع کنونی امروز در تاریخ نقطه عطفی است برای شروع رشد فزاینده علمی و عملی در حوزه علوم انسانی اسلامی است؛ بنابراین رهبر انقلاب با ابلاغ بیانیه دوم انقلاب در حقیقت جوان‌های مؤمن را به تولید علم و صدور آن فراخوانده‌اند. حکمرانی اقتصادی نیز یکی از مباحثی است که یک حکومت اسلامی باید در چارچوب آن حرکت کند و منشوری باشد تا از طریق آن مردم و نخبگان حکومت‌ها را با آن شاخص‌ها سنجش کنند. در بیانیه گام دوم نیز شاخص‌هایی دیده می‌شود که از طریق آن می‌توان مؤلفه‌های حکمرانی اقتصادی، نظام‌های اسلامی را استخراج نمود. این مؤلفه‌ها عبارت‌اند از:

#### ۱. امنیت:

امنیت می‌تواند شامل امنیت جانی و مالی و آبرویی باشد، اما یک نوع امنیت نیز امنیت روانی - رسانه‌ای اقتصادی است. این امنیت در اقتصاد بسیار مهم بوده و حتی می‌تواند یک شبه بانکی را ورشکسته کند و یا قیمت ارز را بالا ببرد و از همه مهم‌تر جامعه را نسبت به نهادهای مالی کشور بی‌اعتماد کند.

## ۲. مردم‌سالاری و مشارکت مردمی:

مردم‌سالاری یا دموکراسی شعارهای زیبای نظام‌های امروزی به‌ویژه نظام‌های سرمایه‌داری است در حالی که اگر مشارکت مردمی فقط در رأی‌گیری بین دو حزب تغییرناپذیر باشد، در حقیقت آن دموکراسی یک الیگارشسی یا اشراف‌سالاری نوین است. مشارکت مردمی در حکومت‌های اسلامی باید به نحوی باشد که هر فردی بتواند به راحتی با مسئولانش صحبت کرده و حتی طبق فرمایشات حضرت امیرالمؤمنین (ع) نصیحتش کند. امروزه سامانه‌های رایانه‌ای و برخط این هم‌افزایی اجتماعی و مردمی را در صورت اجرا شدن به راحت‌ترین و بهترین نحو می‌توانند ممکن سازند.

## ۳. آزادی:

آزادی اجتماعی یعنی حق تصمیم‌گیری و عمل کردن و اندیشیدن برای همه افراد جامعه وجود دارد؛ اما آزادی حتی در غرب هیچ‌گاه به معنای تقابل با اخلاق و قانون و ارزش‌های الهی و حقوق عمومی نیست. البته هر چهار مؤلفه در غرب با معیارهای سرمایه‌داری و البته جانبدارانه و سیاسی تفسیر می‌شود که خود این حرکت خلاف آزادی است. آزادی در حقیقت به این معناست که هر آنچه فرد بخواهد بگوید یا عمل کند، با آگاهی کامل و در چارچوب قانون و اخلاق و ارزش‌های انسانی و الهی بگوید و عمل کند. آزادی در رسانه نیز به همین شکل است.

## ۴. دولت خدمت‌گزار:

دولتی خدمت‌گزار است که در کیفیت خدمات عمومی، بیمه، اشتغال‌زایی و پشتیبانی از کارآفرینان، تأمین حداقل‌های زندگی تمام مردم، آموزش صحیح نیروی انسانی، ترویج سبک زندگی اسلامی و ... دارای درجات ممتازی باشد.

## ۵. معنویت و اخلاق:

معنویت و اخلاق اساسی‌ترین ارکان حکومت‌های اسلامی هستند و یکی از فاحش‌ترین تمایزات با نظام‌های سکولار به شمار می‌روند. معنویت و اخلاق، جهت‌دهنده همه حرکت‌ها و فعالیت‌های فردی و اجتماعی و نیاز اصلی جامعه است؛ بودن آن‌ها، محیط

زندگی را حتی با کمبودهای مادی، بهشت می‌سازد و نبودن آن حتی با برخورداری مادی، جهنم می‌آفریند. در نتیجه نهادهای آموزشی و فرهنگی و تربیتی چون آموزش و پرورش و حوزه علمیه و دانشگاه‌ها و مراکز فرهنگی همچون مساجد نقش پررنگی در آموزش و تربیت معنویت و اخلاق دارند. معنویت به معنی برجسته کردن ارزش‌های معنوی از قبیل اخلاص، ایثار، توکل، ایمان در خود و در جامعه است و اخلاق به معنی رعایت فضیلت‌هایی چون خیرخواهی، گذشت، کمک به نیازمندان، راستگویی، شجاعت، تواضع، اعتماد به نفس و دیگر خلقیات نیکو است.

### ۶. مبارزه با فساد:

فساد اقتصادی و اخلاقی و سیاسی توده چرکین نظام‌ها و کشورهاست؛ بنابراین اقدامات عاجلی و با هماهنگی تمام قوا و مسئولیت فراقوه‌ای می‌خواهد. از طرفی دیگر فساد در هر جای کثیفی امکان رویش و رشد و نمو دارد و هدف باید همیشه مبارزه با فساد باشد و از راهکارهای مختلف به‌ویژه شفافیت و سامانه‌های مختلف و البته تقویت بنیان‌های آموزشی و فرهنگی و تربیتی جامعه باید استفاده کرد.

### ۷. مدیریت جهادی:

ساختار فشل اداری و بوروکراتیک کشورها و عدم شجاعت و تلاش همه‌جانبه در این سامانه‌ها باعث می‌شود بسیاری از کارها عقب بیاقتند و یا نابود شوند و زمان پیشرفت و حرکت بسوزد. میزان مدیریت جهادی و روحیه جهادی کارکنان می‌تواند معیار خوبی برای سنجش ادارات و سازمان‌ها در میزان همراهی و پیگیری بودن و اتلاف وقت ارباب‌رجوع باشد. در کنار این معیار، سازوکارهای اصلاحی هر سازمان می‌تواند شاخص مؤثر دیگری باشد.

### ۸. عدالت:

تأویل غرب از عدالت، آزادی در تجارت و به دست آوردن پول و سرمایه است. در حالی که در اسلام برابر بودن فرصت‌ها برای تجارت یکی از مصداق‌های عدالت است. به‌طور کلی عدالت به معنای برابر بودن فرصت‌ها و بازتوزیع سرمایه برای برقرار کردن

حداقل برابری فرصت‌ها است. این بازتوزیع نیز در حقیقت حق جامعه و حکومت و مردم و منطقه و افراد محروم و معلول است. به علاوه مسئله مهم دیگر عدالت این است که توزیع نیز باید بر اساس عدالت باشد.

### ۹. استقلال اقتصادی:

کشور و حکومتی که چه از داخل و چه از خارج وابستگی نسبی داشته باشد، نشان از ضعف حکمرانی اقتصادی است؛ بنابراین اگر کشوری؛ به عنوان مثال ۴۰ درصد واردات را از یک کشور انجام می‌دهد و یا در صادر کردن فقط به یک کالا همچون نفت وابسته است، میزان استقلال اقتصادی کمی داشته و در نتیجه در حکمرانی اقتصادی نیز امتیاز پایین تری را خواهد داشت.

### ۱۰. کیفیت نظارت:

نظارت و اصلاح رویه و پیگیری شکایات و انتقادات مردم معیار بسیار خوبی برای سنجش اهتمام این بخش از حکمرانی اقتصادی در خصوص میزان اتقان عمل حکومت در قبال متخلفان است.

### ۱۱. تبعیت از قانون:

کیفیت قانون و قانون‌گرایی مردم و مسئولان و شدت بازدارندگی قانون و میزان استقلال قوه قضاییه، حقوق مالکیت مادی و معنوی و کیفیت اجرای قراردادها، همه و همه مبین میزان آگاهی آحاد مردم نسبت به قانون و کیفیت و قدرت و بازدارندگی و اجرای قانون در حکومت است و به شدت در اقتصاد و فرآیندهای اقتصادی نقش تعیین‌کننده‌ای دارد.

### ۱۲. عزت ملی:

عزت ملی شاخصی است که هم از طریق همبستگی داخلی مردم و جامعه با دولت و حکومت محقق خواهد شد و هم از طریق دستگاه دیپلماسی کشور در پرتوی مثلث «عزت، حکمت و مصلحت» در روابط و مذاکرات بین‌المللی به منصفه ظهور خواهد رسید. به علاوه دیپلماسی عمومی از طریق اصحاب رسانه و تک تک نخبگان و مردم نیز می‌تواند اسباب مؤثری در این راستا باشد. قراردادها و مذاکرات اقتصادی و تعاملات دو یا چندجانبه و

بازاریابی دستگاه دیپلماسی بسیار مهم بوده و در دایره عزت ملی در ذیل حکمرانی اقتصادی قرار می‌گیرد.

علاوه بر موارد ذکر شده، ممکن است شاخص‌های دیگری هم بتوان مطرح کرد که در معیارها و حتی به‌عنوان زیرشاخص قرار بگیرد. در این تحقیق سعی شد تا معیارهایی برگرفته از بیانیه گام دوم انقلاب در زمینه حکمرانی اقتصادی استخراج شود و شاخصه‌سازی و کمی‌سازی این معیارها تحقیقات دیگری را می‌طلبد. گرچه بانک جهانی نیز فقط شش شاخص کیفی را در حکمرانی خوب در نظر گرفته و اطلاعات را از طریق مصاحبه کیفی جمع‌آوری می‌کند.

#### منابع:

۱. میدری، احمد، (۱۳۸۲)، حکمرانی خوب: مروری بر پایان‌نامه دکترای اقتصاد، بررسی‌های بازرگانی، ش ۴، ص ۱۴۴-۱۴۹.
۲. مبارک، اصغر؛ آذریبوند، زیبا، (۱۳۸۸)، نگاهی به شاخص‌های حکمرانی خوب از منظر اسلام و تأثیر آن بر رشد اقتصادی، اقتصاد اسلامی، سال نهم، ش ۳۶، ص ۱۷۹ - ۲۰۸.
۳. نادری، محمدمهدی، (۱۳۹۰)، حکمرانی خوب؛ معرفی و نقد اجمالی، اسلام و پژوهش‌های مدیریتی، سال اول، ش اول، ص ۶۹ - ۹۳.
۴. ناظمی اردکانی، محمد، (۱۳۸۷)، حکمرانی خوب با رویکرد اسلامی، علوم انسانی، سال هفدهم، ش ۷۶، ص ۱۰۷-۱۲۸.
۵. حسینی‌تاش، سیدعلی؛ واثق، قادرعلی، (۱۳۹۳)، حکمرانی خوب و ارائه حکمرانی شایسته و بررسی شاخص‌های این دو از دیدگاه امیرالمؤمنین علی (ع).
۶. زهیری، علیرضا، (۱۳۹۳)، نسبت سنجی بوم‌شناسانه الگوی حکمرانی خوب، علوم سیاسی (باقرالعلوم)، سال هفدهم، ش ۶۶، ص ۸۷ - ۱۱۱.

۷. سردارنیا، خلیل‌الله؛ شاکری، حمید، (۱۳۹۳)، تبیین حکمرانی خوب در نهج‌البلاغه با رویکرد روشی زمینه‌گرا، مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز، دوره ششم، ش ۴، ص ۲۷ - ۵۳.

۸. میدری، احمد؛ خیرخواهان، جعفر، (۱۳۸۳)، حکمرانی خوب: بنیان توسعه، تهران، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.

۹. تری، جان، (۱۳۸۵)، تغییر دیدگاه‌ها در اقتصاد توسعه، ترجمه جعفر خیرخواهان، اقتصاد سیاسی تحول همه‌جانبه، شماره ۱.

۱۰. مایر، جرالده؛ سیرز، دادلی، (۱۳۶۸)، پیشگامان توسعه، ترجمه علی‌اصغر هدایتی و علی یاسری، تهران، انتشارات سمت.

۱۱. میدری، احمد، (۱۳۸۵)، مقدمه‌ای بر نظریه حکمرانی، رفاه اجتماعی، سال ششم، ش ۲۲، ص ۲۶۱ - ۲۸۶.

۱۲. فوزی، یحیی، (۱۳۹۵)، تحول دولت‌ها و عملکرد اقتصادی در جمهوری اسلامی ایران، جستارهای سیاسی معاصر، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال هفتم، ش ۳، ص ۲۷ - ۵۸.

۱۳. دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی امام خامنه‌ای، بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲.

14. Johnson, I. (1997), redefining the concept of governance.

15. Kaufmann, D., Kraay, A. & Mastruzz, M. (September 2006), Governance Matters V: Governance Indicators for 1996.

16. Kaufmann, D., Kraay, A. & Mastruzz, M. (2010), Methodology and Analytical Issues, The Worldwide Governance Indicators, The World Bank, Development Research Group, Macroeconomics and Growth Team.

17. World bank, (2007), booklet a decade of measuring of quality of governance, Washington DC.

18. Nyangueso, Agili John, (2018), a critical review of literature on influence of good governance on service quality, International Journal of Social Sciences and Information Technology, Vol IV Issue X, p 159 - 168.



**الگوسازی نظام مسائل حکمرانی اقتصاد  
جمهوری اسلامی ایران به عنوان مبنای  
سیاست گذاری بر نامه هفتم توسعه مبتنی  
بر تحلیل بیانیه گام دوم**

محسن کشاورز  
علیرضا علیخانزاده



## چکیده:

در صورتی که حکمرانی را فرآیند تعالی بخش اعمال قدرت و راهبری جامعه به سمت آرمان‌ها و اهداف مطلوب بدانیم، ترسیم وضع موجود و درک نظام‌مند از مسائل آن، امری اجتناب‌ناپذیر به نظر می‌رسد. بر این اساس، پیش‌نیاز اساسی در کارآمدسازی برنامه‌های توسعه به‌عنوان یکی از ابزارهای اصلی حکمرانی اقتصادی، درک عمیق و سامانمند از مسائل مبتلا به این ساحت از جامعه و اولویت‌بندی آنان خواهد بود. لازمه حکمرانی اقتصادی کارآمد در برنامه توسعه هفتم، سیاست‌گذاری بر پایه فهم دقیق از مسائل اقتصاد ایران و داشتن تحلیل عمیق از روابط پایدار میان آنان است. در پژوهش حاضر، در ابتدا بر اساس تحلیل تماتیک بیانیه گام دوم، مجموعه مسائل جمهوری اسلامی در حکمرانی اقتصادی احصاء گردیده است. در ادامه با بهره‌گیری از روش الگوسازی تفسیری-ساختاری<sup>۱</sup>، تحلیل روابط میان مسائل و ترسیم نظام مسائل اقتصادی ایران در سه سطح صورت گرفته است. در نهایت نیز با استفاده از ماتریس اثرات متقابل، اولویت‌بندی از مسائل اقتصادی ایران ارائه شده است.

**کلیدواژه:** مسائل اقتصاد ایران، حکمرانی اقتصادی، سیاست‌گذاری اقتصادی، برنامه هفتم توسعه، الگوسازی تفسیری - ساختاری، تحلیل تماتیک

## Modeling the System of Governance Issues of the Islamic Republic of Iran as a Basis for Policy Analysis of the Seventh Development Plan Based on the Statement of the Second Step

**Abstract.** It is inevitable if we consider governance to be the process of exalting the power and guiding society towards desirable ideals and goals. Accordingly, a fundamental prerequisite for streamlining development plans as one of the key tools of economic governance will be a deep and systematic understanding of the issues at stake in this area of society and their prioritization. Effective economic governance is required in the Seventh Development Plan, policy-making based on a thorough understanding of Iran's economic issues and an in-depth analysis of the sustainable relationships between them. In the present study, based on a thematic analysis of the second step statement, the set of issues of the Islamic Republic of Iran in economic governance is discussed first. Then, using the Interpretive-Structural Modeling (ISM) method, the analysis of the relationship between problems and the outline of Iran's economic system is done at three levels. Finally, prioritization of Iran's economic problems is presented using the interaction matrix.

**Keywords:** Iranian Economic Issues, Economic Governance, Economic Policy, Seventh Development Plan, Interpretive-Structural Modeling, Thematic Analysis

### مقدمه:

بیانیه گام دوم به‌عنوان یکی از ابتکارات ماندگار مقام معظم رهبری با ارائه سبکی نوین از تصویرپردازی‌های عالمانه، منصفانه و شجاعانه از گذشته، حال و آینده توسعه یک کشور، در نوع خود کم‌نظیر بلکه بی‌نظیر بوده است. این بیانیه با ارزیابی روند حرکت توسعه‌ای جمهوری اسلامی در گام اول، ضمن نقد و بررسی مسیر حرکت و سنجش مسائل وضع موجود، روزه‌های امیدبخشی برای برون‌رفت از چالش‌ها به تصویر کشیده است. این بیانیه علاوه بر اینکه مبتنی بر نگاهی عالمانه نگارش شده، کوشیده تا از مسیر انصاف خارج نشود اما در عین حال شجاعانه به استقبال نقادی عملکردهای گذشته نیز برود. نگاه واقع‌بینانه به نقاط قوت و ضعف گام اول انقلاب اسلامی، امید به آینده و تمرکز بر پیشران‌های توسعه، روح و مغز این بیانیه راهبردی است. بر این اساس، بیانیه گام دوم را می‌توان به‌عنوان یک مانیفست پیشرفت و عدالت دانست که هم مسئله‌شناسی نموده و هم راهکارهای عبور از مشکلات و رسیدن به آرمان‌ها را ارائه کرده است.

مهم‌ترین نکته در وجوه اقتصادی این بیانیه، ابتدای آن بر یک نظام تحلیلی جامع و منسجم است که وضعیت اقتصادی را از زاویه حکمرانی مورد توجه قرار داده و تصویری کلان از راهبردهای توسعه‌ای کشور ارائه می‌نماید. بر این اساس، بیانیه گام دوم چکیده‌ای از وجوه نظری کلان پروژه پیشرفت جمهوری اسلامی از منظر مقام معظم رهبری (حفظه‌الله) است و نقشه راه حرکت شتابان کشور را با آسیب‌شناسی گذشته و تصویرپردازی از آینده، ترسیم می‌سازد.

درک نظام‌مند از مسائل پیشرفت و به‌خصوص وجوه اقتصادی آن، یکی از نقاط برجسته بیانیه گام دوم و از جمله لازمه‌های اصلی در طراحی سیاست‌های توسعه‌ای کشور و تدوین برنامه‌های توسعه است. نظام مسائل پیشرفت از لحاظ مفهومی به معنای شبکه تعاملات میان اصلی‌ترین مسائل توسعه و پیشرفت یک کشور است که علاوه بر تعیین راهبردی‌ترین مسائل، چگونگی روابط متقابل و اثرپذیری و اثرگذاری فی‌مابین آن‌ها را نیز ترسیم می‌سازد.

بی‌شک یکی از کلیدی‌ترین ابزارهای حکمرانی اقتصادی کشور، برنامه‌های جامع توسعه است که ریل‌گذاری اصلی اقتصاد کشور را برای پنج سال معین و روشن می‌سازد. آنچه مبنا و پایه اصلی در طراحی برنامه‌های توسعه محسوب می‌شود، نظام مسائل توسعه و پیشرفت کشور است که در یک برش پنج‌ساله، تلاش می‌شود تا حداقل بخشی از آن‌ها مرتفع شده و اهداف اقتصادی محقق شوند؛ بنابراین داشتن تصویری جامع و منسجم از مسائل حکمرانی اقتصادی ایران، شرط لازم در طراحی و تدوین یک برنامه عملیاتی، کاربردی و راهگشاست.

بر این اساس، پژوهش حاضر با هدف طراحی نظام مسائل حکمرانی اقتصادی به‌عنوان مبنای برنامه‌ریزی توسعه در برنامه هفتم تهیه و تدوین شده است. سؤال اصلی تحقیق این است که مسائل اقتصادی مد نظر مقام معظم رهبری در حوزه حکمرانی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران در بیانیه گام دوم چیست؟ همچنین ارتباط میان مسائل یا به عبارتی شبکه مسائل اقتصادی حکمرانی جمهوری اسلامی ایران در گام دوم انقلاب اسلامی به‌صورت عام و برنامه هفتم توسعه به‌صورت خاص چه خواهد بود؟ برای پاسخ به این پرسش‌ها، ابتدا از طریق تحلیل مضمون، ابعاد اقتصادی بیانیه گام دوم کدگذاری شده و در ادامه نیز با استفاده از تکنیک ISM، نظام مسائل اقتصادی حکمرانی جمهوری اسلامی ایران الگوسازی شده است.

این تحقیق در چهار بخش اصلی سازمان‌دهی شده، به‌گونه‌ای که در بخش اول، پس از مفهوم‌شناسی «نظام مسائل» به نقد و بررسی پیشینه تحقیق اقدام شده است. در بخش دوم، روش تحقیق پژوهش در مرحله گردآوری و تحلیل داده‌ها مورد بحث قرار گرفته است. بخش سوم اختصاص به کدگذاری وجوه اقتصادی بیانیه، استخراج شبکه مضامین مسائل، الگوسازی نظام مسائل حکمرانی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران و اولویت‌بندی آن‌ها اختصاص یافته است. بخش آخر نیز ناظر به جمع‌بندی پژوهش و ارائه پیشنهادات سیاستی برای برنامه هفتم توسعه می‌باشد.

## مبانی نظری

### مفهوم‌شناسی نظام مسائل

نظام مسائل از دو واژه «نظام» و «مسئله» شکل گرفته که برای تعریف و تشریح مفهومی این عبارت، بایستی این دو واژه را مورد تحلیل قرار داد. بایستی اشاره کرد که منظور از «نظام» در این پژوهش سیستم است و نظام مسائل در واقع همان سیستم مسائل است.

نظریه سیستم‌ها هر نظام اجتماعی را به‌صورت کل می‌نگرد که برای درک و شناخت این کل، شناخت اجزا و عناصر تشکیل‌دهنده آن و نیز روابط واکنش‌های میان آن اجزا و عناصر ضروری است. در این کل هر جزئی بدون اجزای دیگر نمی‌تواند مؤثر عمل کند و هر تغییر که در واحدی از کل اتفاق افتد، در کل نظام مؤثر واقع می‌شود (بروشکی، ۱۳۸۴: ۵۴). نظریه سیستمی در صدد است با ارائه مفاهیم و زبانی مشترک بین گرایش‌ها و رشته‌های مختلف علمی به تبیین‌ها و مفاهیمی جهان شمول‌تر و با روایی بالاتر دست پیدا کند؛ بنابراین تعریف نظام دارای گستره‌ای بسیار وسیع از عوامل است (رضائیان و عبدالهی، ۱۳۹۵: ۲۰). طبق تعریف، سیستم ترکیبی از اجزا و قسمت‌های مختلف یک مجموعه که به یکدیگر وابسته‌اند و روابط متقابل میان آن‌ها به شکل خاصی سازمان‌یافته است (بروشکی، ۱۳۸۴: ۵۲).

ذکر این نکته ضروری است که اگر اجزای تشکیل‌دهنده سیستمی را بشناسیم، لزوماً سیستم را نشناخته‌ایم؛ زیرا علاوه بر اجزا باید رابطه بین اجزا و موقعیت آن‌ها را نیز شناخت. در واقع روابط است که اجزای سیستم را به هم پیوند می‌دهد و به سیستم به منزله مجموعه‌ای مرتبط و هماهنگ، مفهوم و معنا می‌بخشد؛ بنابراین سیستم مجموعه‌ای از اجزای به هم وابسته است که به علت وابستگی حاکم بر اجزای خود کلیت جدید را پدید آورده‌اند. اجزای سیستم، ضمن برخورداری از ارتباطات کنشی و واکنشی، از نظم و سازمان خاصی پیروی می‌کنند و در جهت تحقق هدف‌های معین که علت وجودی سیستم‌اند، فعالیت می‌کنند (انصاری‌فرد، ۱۳۹۳: ۲۴).

ممکن است عناصر یا اجزای سیستم «مفاهیم» باشند؛ در این صورت با یک سیستم مفهومی سروکار داریم. همانند رشته‌های علمی. ممکن است که عناصر سیستم اشیا باشند مثل اتومبیل که از اجزا و قطعات متفاوتی ساخته شده است. ممکن است عناصر سیستم، افراد انسانی باشند، مانده خانواده و سرانجام ممکن است که سیستم مرکب از مفاهیم، اشیا و افراد انسانی باشد نظیر سازمان‌ها و نظام‌های اجتماعی (بروشکی، ۱۳۸۴: ۵۲). نظام مسائل، نمونه‌ای از سیستم‌های مفهومی هستند چراکه عناصر یا اجزای این سیستم، شبکه‌ای از مسائل بوده و ارتباطات میان آن‌ها نیز از جنس ارتباطات نظری است.

در دیدگاه متفکران سیستمی، آنچه منجر به الگویی عمومی برای زمینه‌های گوناگون علمی می‌شود، پیش‌فرضی است که آن‌ها در مورد نظام و ویژگی‌های آن دارند. برای مثال، تصریح الگوی مشترک میان یک سیستم فیزیکی و یک سیستم اقتصادی به این معنا نیست که آن‌ها ادعا می‌کنند اجزای سیستم‌های فیزیکی که اغلب اتم‌ها هستند، با اجزای سیستم‌های اقتصادی که انسان‌ها هستند، تشابه دارند؛ بلکه برای مثال بنا بر استدلال نظریه سیستم‌ها فرآیندهای یکسانی در سیستم‌های فیزیکی و اقتصادی رخ می‌دهد و این فرآیندها حاصل ارتباط متقابل اجزای هریک از سیستم‌هاست (انصاری‌فرد، ۱۳۹۳: ۲۴).

برای مسئله تعاریف مختلفی ارائه شده است. در تعریف مبنای این پژوهش، مسئله عبارت است از فاصله بین وضعیت موجود با وضعیت مطلوب یا مورد نظر در یک سیستم؛ به عبارت دیگر وقتی بین آنچه که در حال حاضر و آنچه که به‌عنوان وضعیت مطلوب است، فاصله وجود دارد و چگونگی رفع این شکاف و نحوه رسیدن به هدف هم‌چندان روشن نیست، مسئله شکل گرفته است (Robertson, 2001, p.3).

حال بر اساس تعاریف ارائه شده از سیستم و مسئله می‌توان نظام مسائل اقتصادی را این‌گونه تعریف نمود:

نظام مسائل اقتصادی، مجموعه‌ای منسجم و مرتبط با هم از فاصله‌های بین وضعیت مطلوب و موجود در عرصه اقتصاد است که از تعامل و ارتباطات درونی آن‌ها، وضعیت پایداری از چالش‌ها به عینیت می‌رسد.



ادعای پژوهش حاضر این است که اقتصاد ایران به‌عنوان یکی از زیرسیستم‌های اجتماعی، متأثر از مجموعه‌ای منسجم از شکاف‌های کارآمدی است که ارتباط هم‌افزای این شکاف‌ها با یکدیگر، ناکارایی‌ها و بی‌ثباتی‌های اقتصادی را رقم می‌زند. در نظام مسائل حکمرانی اقتصاد ایران، عناصر اصلی سیستم، مسائل اقتصادی و روابط سیستم، تعاملات حفظ‌کننده و تقویت‌کننده میان این مسائل و چگونگی تأثیر و تأثر متقابل بین آن‌هاست. نکته مهم این است که در تحلیل وضعیت موجود اقتصاد ایران و ارائه راهکارهای برون‌رفت از چالش‌های آن بایستی مسائل حکمرانی اقتصادی را به‌عنوان یک کل منسجم مورد واکاوی قرار داد و در سیاست‌گذاری‌های توسعه‌ای به‌طور عام و در برنامه هفتم توسعه به‌طور خاص، با این رویکرد به پیشرفت و توسعه نگاه کرد.

#### پیشینه تحقیق

هرچند پژوهش‌های زیادی در زمینه ارزیابی‌های جزءنگرانه از مسائل اقتصاد ایران صورت گرفته است اما حجم پژوهش‌های مرتبط با تحلیل‌های سیستمی و کل‌گرایانه از مسائل اقتصاد ایران بسیار کم انجام شده است. این در حالیست که فهم سیستمی از مسائل اقتصادی، پیش نیاز جدی برای مدیریت توسعه است و سیاست‌گذاری پیشرفت بدون درک جامع و نظام‌مند از اقتصاد و مسائل تشکیل‌دهنده آن، کارایی چندانی نخواهد داشت.

سعید خراط‌ها (۱۳۹۳ ه.ش) در پژوهش «بررسی و مقایسه مهم‌ترین مسائل اقتصادی ایران و تاجیکستان» با بررسی منابع و اسناد مرتبط، ۳۴ مسئله اقتصادی در ایران را شناسایی کرده و در اختیار ۵۰ نفر از خبرگان حوزه علوم انسانی قرار دادند. بر اساس نظر خبرگان، از بین این مجموعه مسائل، تورم و گرانی، ناتوانی از رقابت اقتصادی در بازار جهانی، فساد اداری، بیکاری، ناامنی اقتصادی، قاچاق کالا، پایین بودن سطح درآمد و دستمزد و فقر اقتصادی در زمره مهم‌ترین مسائل اقتصادی ایران شناسایی شده است.

جاویدی و احمدی (۱۳۹۴ ه.ش) در پژوهشی تحت عنوان «فرصت‌ها، چالش‌ها و موانع توسعه ایران» با روش توصیفی - تحلیلی، مولد و چالش‌های پیشرفت ایران را از طریق کارشناسان و محققان احصا کرده و سپس به ریشه اصلی این چالش‌ها و موانع در

سطح کلان پرداخته است. در پژوهش تأکید شده که تنها فرصت و راه حل اساسی و بنیانی برای پیشرفت ایران، تغییر انگیزش، پرورش، بینش و گزینش در تمامی سطوح نظام اسلامی از جهت مادی به طرف جهت الهی است.

عیسوی و زریباف (۱۳۹۵ ه.ش) در پژوهش «استخراج چارچوب نظری برای آسیب‌شناسی اقتصاد ایران بر اساس مؤلفه‌های نظام اقتصادی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت» متکی بر ایده الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت اقدام به ارائه الگویی برای شناخت، دسته‌بندی، اولویت‌گذاری و ارزیابی آسیب‌های اقتصاد ایران اقدام کردند. آن‌ها مبتنی بر این ایده، متوازن‌سازی در سه سطح مبنایی، حقوقی و امکانی را به‌عنوان دلالت‌های این الگو معرفی کرده و شاخص‌های شناختی و کارکردی آسیب‌شناسی اقتصاد ایران را بر اساس چهار زیر نظام اصلی در سطح حقوقی شامل نظام مطلوب حقوقی (در رأس آن قانون اساسی)، تصمیم‌گیری (سیاست‌های کلی نظام) و مسائل ارائه نمودند. آن‌ها مهم‌ترین عامل راکد ماندن ظرفیت‌های عدالت‌پذیری در اقتصاد ایران را عدم توازن در این چهار زیر نظام می‌دانند.

جعفری و قنبری (۱۳۹۶ ه.ش) طی پژوهشی با عنوان «مطالعه موانع توسعه اقتصادی جمهوری اسلامی ایران» ابر مسئله عدم پیشرفت مستمر اقتصاد ایران را نحوه تخصیص درآمدهای ارزی فروش نفت دانسته و سایر مسائل اقتصاد ایران از جمله مشکلات ساختاری، فقدان سرمایه‌گذاری مولد و نفتی بودن چرخه تولید را به‌تبع چگونگی خرج کرد ارزهای نفتی می‌دانند.

### روش تحقیق

این پژوهش از نظر هدف جزء پژوهش‌های کاربردی محسوب می‌شود زیرا با الگوسازی نظام مسائل اقتصاد ایران به دنبال ایجاد مبنایی برای سیاست‌گذاری برنامه هفتم توسعه جمهوری اسلامی ایران می‌باشد. بر این اساس، گردآوری اطلاعات (احصای مسائل حکمرانی اقتصادی) با بهره‌گیری از الگوی تحلیل مضمون و تحلیل اطلاعات (الگوسازی نظام مسائل) با استفاده از تکنیک تحلیل ساختاری - تفسیری (ISM) صورت گرفته است.

## روش گردآوری اطلاعات:

برای گردآوری اطلاعات، از روش تحلیل مضمون استفاده شده است. روش تجزیه و تحلیل موضوعی یک روش تفسیری برای تحقیقات کیفی است که بر اساس طبقه‌بندی داده‌ها به مضامین خاص و با هدف درک پیچیدگی‌های یک مسئله مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد (Lehman&other,2019:4). این روش یک رویکرد کاملاً انعطاف‌پذیر را ارائه می‌دهد که می‌تواند مطالعه داده‌های مفصل و در عین حال پیچیده را ممکن سازد (Nowell,2017:2). منظور از مضمون در تحلیل‌های تماتیک کدهایی است که دارای یک مرجع مشترک بوده و از درجه کلی بالایی برخوردار است به‌گونه‌ای که ایده‌ها را حول موضوع تحقیق منسجم می‌سازد (Vaismoradi,2016:101). این کدها به‌عنوان برچسب‌هایی هستند که برای بخش‌هایی از داده‌ها اعمال می‌شوند که با سؤالات تحقیق مرتبط هستند. کدها، ساختمان‌های تجزیه و تحلیل هستند: اگر تحلیل را به‌مثابه یک خانه آجری با سقف کاشی بدانیم، مضامین، دیوارها و سقف و کدها، آجرها و کاشی‌های مجزا است (Clarke&Braun,2012:61).

این روش، الگویی برای شناخت، تحلیل و گزارش الگوهای موجود در داده‌های کیفی را ارائه می‌دهد. در این روش، داده‌های متنی تحلیل‌شده و داده‌های پراکنده و متنوع به داده‌های غنی و تفصیلی تبدیل می‌گردند (عابدی، جعفری و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۵۳). تحلیل مضمون را باید روش ویژه‌ای در نظر گرفت که یکی از مزایای آن، انعطاف‌پذیری است. برخلاف برخی روش‌های کیفی، تحلیل مضمون به چارچوب نظری از پیش تعیین‌شده‌ای وابسته نیست و از این روش می‌توان در چارچوب‌های نظری متفاوت و برای امور مختلف، هم برای بیان و هم برای تبیین واقعیت استفاده کرد (کمالی، ۱۳۹۷: ۱۹۳). این روش به شناسایی و تحلیل الگوهای معنایی یک موضوع اختصاص داشته و ابزاری کاربردی برای تحقیقات اکتشافی است. به‌طور کلی روش تحلیل مضمون سنگ بنای روش‌های تجزیه و تحلیل کیفی محسوب می‌شود (Herzog,2019:1). هدف از تجزیه و تحلیل مضمون، شناسایی الگوهای موجود در داده‌ها و استفاده از آن‌ها در پاسخ به

پرسی از چیستی یک موضوع است؛ بنابراین تحلیل مضمون چیزی بیشتر از خلاصه کردن داده‌ها بوده و قوت آن منوط به ارائه یک تفسیر معنابخش و جدید از مسئله است (Maguire & Delahunt, 2017:53).

یکی از روش‌های پرکاربرد در تحلیل مضمون استفاده از الگوی شبکه مضامین است که آتراید - استرلینگ (۲۰۰۱ م) توسعه داده‌اند. آنچه شبکه مضامین عرضه می‌کند، نقشه‌ای شبیه تارنمای به‌مثابه اصل سازمان‌دهنده و روش نمایش است. شبکه مضامین، بر اساس روندی مشخص، مضامین پایه (کدها و نکات کلیدی متن)، مضامین سازمان‌دهنده (مضامین به‌دست‌آمده از ترکیب و تلخیص مضامین پایه) و مضامین فراگیر (مضامین عالی دربرگیرنده اصول حاکم بر متن به‌مثابه کل) را نظام‌مند می‌کند؛ سپس این مضامین به‌صورت نقشه‌های شبکه تارنما، رسم و مضامین برجسته هر یک از این سه سطح همراه با روابط میان آن‌ها نشان داده می‌شود (عابدی جعفری و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۷۰). آنچه شبکه مضامین ارائه می‌کند یک شبکه وب مانند به‌عنوان یک الگوی سازمان‌دهنده است و رویه‌های مشخصی نیز برای رسیدن از متن به تفسیر فراهم می‌سازد؛ بنابراین روش تحلیل مضامین یک روش مکمل برای ابزارهای موجود در تحلیل کیفی است (Atride & string, 2001:95).

در این پژوهش مطابق با الگوی عابدی جعفری و همکاران (۱۳۹۰ ه.ش) فرآیند تحلیل مضمون در سه مرحله اصلی و شش گام فرعی به شرح زیر صورت می‌گیرد:

مرحله اول: تجزیه و توصیف متن؛

گام اول: آشنا شدن با متن؛

گام دوم: کدگذاری اولیه؛

گام سوم: جست‌وجو و شناخت مضامین؛

مرحله دوم: تشریح و تفسیر متن؛

گام چهارم: ترسیم شبکه مضامین؛

گام پنجم: تحلیل شبکه مضامین؛

مرحله سوم: ترکیب و ادغام؛

گام ششم: تدوین گزارش (عابدی، جعفری و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۷۸).

برای گردآوری داده‌ها مبتنی بر روش تحلیل مضمون، پژوهشگران با غوطه‌وری در بیانیه گام دوم و بررسی عمیق متن، هر سه گام تجزیه و توصیف، تشریح و تفسیر و ادغام و ترکیب متن را انجام داده و به مسائل فراگیر، سازمان‌دهنده و پایه رسیده و در نهایت به‌صورت پنل خبرگانی، داده‌ها را اعتباربخشی کرده و شبکه مضامین را کامل کردند.

### روش تحلیل اطلاعات:

روش ISM که توسط وارفیلد در سال ۱۹۷۳ م ایجاد شده و در تحقیقات گسترده‌ای مورد بهره‌برداری قرار گرفته است. این روش با ارائه فرآیند سلسله مراتبی، ساختارهای سیستمی پیچیده را الگوسازی نموده و در تصمیم‌گیری مورد استفاده قرار می‌گیرد (Kubule, 2019: 3). این روش روابط میان معیارها را به‌صورت علت و معلولی و با وابستگی‌های متقابل میان کل عناصر یک سامانه مشخص می‌سازد (Shahabadkar, 2012: 196). در این روش ابتدا به شناسایی عوامل مؤثر بر موضوع تحقیق پرداخته شده و سپس روابط بین این عوامل و وابستگی میان آنان تشریح می‌گردد (کشاوری، ۱۳۹۸: ۱۲۵).

این روش با تجزیه عوامل مؤثر و اساسی در چند سطح مختلف، به تحلیل ارتباط بین آن‌ها می‌پردازد. الگوسازی تفسیری - ساختاری یک فرآیند متعامل است که در مجموعه‌ای از عناصر مختلف و مرتبط با همدیگر در یک الگوی سامان‌مند جامع، ساختار بندی می‌شود. این روی می‌تواند به اولویت‌بندی و سطح‌بندی عناصر یک سیستم اقدام کند که کمک شایانی به سیاست‌گذاران و مدیران می‌کند (طهماسبی، ۱۳۹۷: ۲۹). در این تکنیک، مجموعه‌ای از عناصر مختلف متفاوت به‌طور مستقیم و غیر مستقیم در یک الگو جامع نظام‌مند ساخته می‌شوند. برای هر مشکل پیچیده‌ای که مورد بررسی قرار می‌گیرد، تعدادی از عوامل ممکن است مربوط به یک مسئله یا مشکل باشد. با این حال، روابط مستقیم و غیر مستقیم بین عوامل، وضعیت را بسیار دقیق‌تر از معیارهای فردی که در انزوا قرار دارد،

توصیف می‌کند (Attri,2013:3). الگوسازی ساختاری - تفسیری نه تنها بینشی را در خصوص روابط میان عناصر مختلف یک سیستم فراهم می‌نماید بلکه ساختاری را مبتنی بر اهمیت و یا تأثیرگذاری عناصر بر هم فراهم می‌نماید و نمایشی تصویری ارائه می‌کند. این روش تفسیری است چون قضاوت گروهی از افراد تعیین می‌نماید که آیا روابطی میان این عناصر وجود دارد یا خیر. این روش ساختاری است چون اساس روابط یک ساختار سرتاسری است که از مجموعه پیچیده‌ای از متغیرها استخراج شده است. ایده اصلی الگوسازی ساختاری - تفسیری تجزیه یک سیستم پیچیده به چند زیر سیستم (عناصر) با استفاده از تجربه عملی و دانش خبرگان به‌منظور ساخت یک الگو است (فیروزجائیان و فیروزجائیان، ۱۳۹۲: ۱۳۹).

الگوسازی ساختاری - تفسیری<sup>۱</sup> روشی مناسبی برای تحلیل تأثیر یک عنصر بر سایر عناصر یک نظام است. این روش، ترتیب و جهت روابط پیچیده میان عناصر یک سیستم را بررسی می‌کند؛ به عبارت دیگر الگوی ISM روشی است که به‌وسیله آن می‌توان بر پیچیدگی بین عناصر غلبه کرد (آذر و بیات، ۱۳۸۷: ۷). الگوی که با استفاده از این متدولوژی به دست می‌آید، ساختاری از یک مسئله یا موضوع پیچیده، یک سامانه یا حوزه مطالعاتی را نشان می‌دهد که الگویی به دقت طراحی شده می‌باشد (kumar&Dixit,2018:41).

برای اجرای تکنیک ISM سه مرحله اصلی بایستی طی شود:

**مرحله اول: شناسایی مسائل حکمرانی اقتصادی ایران**

در این مرحله بر اساس تحلیل مضمون بیانیه گام دوم، مسائل حکمرانی اقتصادی جمهوری اسلامی استخراج می‌گردد.

**مرحله دوم: تشکیل ماتریس خودتعاملی ساختاری**

در این گام و بر اساس نظرات استخراج شده از پنل خبرگان حوزه حکمرانی اقتصادی، رابطه اثرگذاری و اثرپذیری میان هر جفت از مسائل استخراج شده، تعریف می‌گردد. خروجی این مرحله به‌صورت ماتریس ساختاری خودتعاملی<sup>۱</sup> خواهد بود که روابط زوجی میان مسائل اقتصادی را نشان می‌دهد. برای نشان دادن چگونگی روابط میان دو مسئله  $i$  و  $j$  چهار نماد مورد استفاده قرار گرفته است (Rade&other,2017:87) که در جدول زیر نمایش داده می‌شود:

جدول ۱: نمادها و مفاهیم ماتریس خودتعاملی ساختاری

نماد	مفهوم نماد
V	$i$ منجر به $j$ می‌شود (سطر منجر به ستون می‌شود)
A	$j$ منجر به $i$ می‌شود (ستون منجر به سطر می‌شود)
X	رابطه دو طرفه بین $i$ و $j$ وجود دارد.
O	رابطه معتبری بین $i$ و $j$ وجود ندارد.

### مرحله سوم: تشکیل ماتریس دستیابی اولیه

ماتریس دستیابی با استفاده از ماتریس ساختاری خودتعاملی تشکیل می‌گردد. در ابتدا ماتریس دسترسی اولیه از تبدیل عناصر ماتریس خودتعاملی ساختاری به اعداد صفر و یک طبق الگوی زیر تولید می‌گردد:

جدول ۲: وضعیت رابطه‌ها در تشکیل ماتریس دستیابی اولیه (عابد جعفری و همکاران، ۱۳۹۰)

وضعیت رابطه
اگر نماد خانه $ij$ حرف V باشد در آن خانه عدد ۱ و در خانه قرینه عدد صفر گذاشته می‌شود.
اگر نماد خانه $ij$ حرف A باشد در آن خانه عدد صفر و در خانه قرینه عدد ۱ گذاشته می‌شود.
اگر نماد خانه $ij$ حرف X باشد در آن خانه عدد ۱ و در خانه قرینه نیز عدد ۱ گذاشته می‌شود.
اگر نماد خانه $ij$ حرف O باشد در آن خانه عدد صفر و در خانه قرینه نیز عدد صفر گذاشته می‌شود.

لازم به توضیح است که برای پر کردن خانه‌های صفر و یک و تشکیل ماتریس دسترسی اولیه از روش فراوانی استفاده شده که بدین معناست که نظر اکثریت به‌عنوان نظر

نهایی برای تعیین رابطه (i,j) مد نظر قرار می‌گیرد. به‌عنوان مثال فرض کنید که برای درایه (۶.۴) از بین ۱۰ نفر خبرگان پژوهش، ۶ خبره مقدار A، ۳ خبره مقدار X و ۱ خبره مقدار V را اختصاص داده باشد. در این حالت، وضعیت نهایی رابطه اثرگذاری مسئله ۶ بر ۴ با مقدار A مشخص خواهد شد (YUDATAMA,2018: 38).

### مرحله چهارم: تشکیل ماتریس نهایی

برای تولید ماتریس دستیابی نهایی بایستی اصل انتقال‌پذیری را در روابط مسائل وارد نمود و ماتریس دستیابی اولیه را سازگار کرد. برابر اصل انتقال‌پذیری در صورتی که متغیر الف با متغیر ب در ارتباط باشد و متغیر ب با متغیر ج مرتبط باشد، در نتیجه متغیر الف نیز بایستی با متغیر ج در ارتباط باشد. برای به دست آوردن ماتریس دستیابی نهایی، ماتریس مجاورت را بایستی به ماتریس واحد اضافه نمود و در صورت تغییر نکردن درایه‌های ماتریس، به توان n خواهد رسید. اگر I ماتریس همانی و A ماتریس دستیابی اولیه باشد، ماتریس دستیابی نهایی M به صورت زیر به دست خواهد آمد:

$$M=(A+I)^n$$

از خواص ماتریس نهایی این است:

$$M^2=M$$

بنابراین ماتریس به دست آمده از جمع ماتریس همانی و ماتریس اولیه را آن قدر به توان می‌رسانیم تا حالت فوق روی دهد و در این حالت، ماتریس به دست آمده، ماتریس نهایی سازگار شده خواهد بود.

تعداد ۱ هایی که در سطر اول ماتریس نهایی به دست می‌آید، نشان‌دهنده تأثیراتی است که از طرف مسئله اول بر سایر مسائل ایجاد می‌گردد. ۱ هایی که در ستون اول شکل می‌گیرند، نشان‌دهنده تأثیرات سایر مسائل بر مسئله اول است. قدرت اثرگذاری (نفوذ) هر مسئله از جمع تعداد مسئله‌های متأثر از آن و خود مسئله (جمع افقی برای هر مسئله) و قدرت اثرپذیری (وابستگی) هر مسئله از جمع تعداد مسئله اثرگذار بر آن و خود مسئله



(جمع ستونی برای هر مسئله) به دست می‌آید. مسئله‌هایی که رابطه آن‌ها سازگار شده است با نماد (۱) نشان داده می‌شوند (Rpuben&other,2018:72).

### مرحله پنجم: تعیین روابط و سطح‌بندی بین مسائل

برای تعیین سطح مسائل در الگو نهایی، به ازای هر یک از آن‌ها، سه مجموعه خروجی، ورودی و مشترک تشکیل می‌گردد. این مجموعه‌ها در ساختار ماتریس نهایی و طراحی سامانه نقش اساسی دارند. مجموعه خروجی شامل مسئله‌هایی است که دیگر مسائل از آن تأثیر می‌پذیرند؛ بنابراین برای مسائلی که در سطر مربوط به مسئله‌ای، به آن‌ها عدد ۱ اختصاص داده شده است، مجموعه خروجی از آن مسئله سطری می‌باشند. به‌طور مشابه مجموعه ورودی شامل مسئله‌هایی است که بر مسئله مذکور تأثیر می‌گذارند. بر این اساس، برای مسائلی که در ستون مربوط به مسئله‌ای، عدد ۱ را اخذ کرده‌اند، مجموعه ورودی بر آن مسئله ستونی می‌باشند. مجموعه مشترک نیز اشتراک ورودی و خروجی مجموعه است. پس از به دست آوردن مجموعه‌های ورودی و خروجی برای هر یک از مسائل و تعیین مجموعه‌های مشترک، سطح‌بندی مسائل انجام می‌گردد. چنانچه مجموعه‌های خروجی و مشترک برای یک عامل یکسان باشد، آن عامل در بالاترین سطح الگو قرار می‌گیرد. در ادامه بر اساس روابط احصاء شده در ماتریس نهایی و سطوح تعیین‌شده، نمودار سطح‌بندی ISM ترسیم می‌گردد (Park,2017:139).

### مرحله ششم: ترسیم شبکه مسائل

برای ترسیم شبکه مسائل، ناظر به ورودی و خروجی‌های ماتریس نهایی، ارتباطات متقابل میان مسئله‌ها ترسیم می‌گردد. یکی از دیگر اقدامات این گام، دسته‌بندی مسائل بر اساس قدرت اثرگذاری (نفوذ) و اثرپذیری (وابستگی) آنان است. اثرگذاری (نفوذ) یک مسئله به معنای تعداد مسائلی است که از آن مسئله اثر می‌پذیرند. اثرپذیری (وابستگی) نیز به معنای مجموعه مسائلی است که بر مسئله مورد نظر، تأثیرگذار هستند.

معیارهای تأثیرگذاری و تأثیرپذیری بر اساس ماتریس اثرات متقابل، چهار وضعیت را برای مسئله‌های حکمرانی اقتصاد ایران مهیا می‌کنند. دسته اول، شامل مسئله‌های خودمختار

است. این دسته از مسائل، آنهایی هستند قدرت نفوذ و وابستگی ضعیفی دارند. این مسائل در واقع پیوندهای اندکی با سایر عناصر نظام دارند. دسته دوم شامل مسئله‌های وابسته است. این مسائل قدرت نفوذ کمی در سیستم داشته اما از لحاظ وابستگی به شدت وابسته به سایر مسائل هستند. دسته سوم که مسئله‌های دوجبه‌ی نامیده می‌شوند، چراکه هم قدرت نفوذ و هم قدرت وابستگی بالایی دارند و هر تکانه‌ای در این مسائل، تأثیر شدیدی بر سایر مسائل گذاشته و با چرخه بازخوردی نیز از این تکانه اثر مجدد می‌پذیرد. دسته چهارم، مسئله‌های محرک است که قدرت تأثیرگذاری بالایی بر سایر مسائل دارد اما اثرپذیری چندانی از تکانه‌های آنان ندارد.

#### جامعه و نمونه آماری:

به منظور تحلیل داده‌های کیفی و تبدیل آن به نظام مسائل، لازم است در چند مرحله‌ای که در بالا به آن اشاره شده است نظرات خبرگانی لحاظ گردد. بدین منظور لازم دیده شد از الگو نمونه‌گیری غیر تصادفی هدفمند و از نوع قضاوتی استفاده گردد. در نمونه‌گیری غیر تصادفی هدفمند این‌گونه بیان می‌گردد که به جای به دست آوردن اطلاعات از کسانی که به راحتی در دسترس قرار می‌گیرند، گاهی اوقات ممکن است ضرورت یابد که اطلاعاتی از افراد یا گروه‌های خاصی به دست آوریم، یعنی انواع خاصی از افراد که قادر به ارائه اطلاعات مورد نظر ما هستند، زیرا آن‌ها تنها افرادی‌اند که می‌توانند چنین اطلاعاتی ارائه دهند یا با برخی از معیارهایی که محقق تدوین کرده مطابقت دارند. چنین نوعی از طرح‌های نمونه‌گیری، نمونه‌گیری هدفمند نامیده می‌شود و به دو نوع عمده نمونه‌گیری قضاوتی و سهمیه‌ای تقسیم می‌گردد. در نوع قضاوتی، افرادی برای نمونه انتخاب می‌شوند که برای ارائه اطلاعات مورد نیاز در بهترین موقعیت قرار دارند. از این افراد انتظار می‌رود به خاطر دارا بودن تجربه و گذراندن فرآیندهای مختلف، از دانش تخصصی برخوردار بوده و قادر به ارائه اطلاعاتی به محقق باشند؛ بنابراین، طرح نمونه‌گیری قضاوتی هنگامی مورد استفاده قرار می‌گیرد که طبقه محدودی از افراد دارای اطلاعات‌اند که محقق در جستجوی آن‌هاست.

بنابراین در تحقیق حاضر از میان جامعه اساتید دانشگاهی که مرتبط با حوزه اقتصادی و مدیریت دولتی بوده‌اند، افرادی به‌عنوان نمونه انتخاب گردید که اول دارای تحصیلات مرتبط با حوزه اقتصاد، سیاست‌گذاری و مدیریت دولتی باشند و دوم با حوزه سیاست‌گذاری کلان کشور مرتبط و دارای تجربه باشند. از این رو پنج نفر از اساتید با لحاظ این ویژگی‌ها، انتخاب گردیدند تا با گرفتن نظرات جمعی آن‌ها مطابق با مراحل فوق، دیدگاه خبرگانی در تجزیه و تحلیل داده‌ها، استفاده گردد.

### یافته‌های تحقیق

#### مسئله‌های حکمرانی اقتصادی

جهت تحلیل مضمون، کل محتوای بیانیه گام دوم از منظر احصای مسائل اقتصادی مورد بررسی قرار گرفت و مضامین پایه استخراج‌شده به همراه ارجاعات متن بیانیه در زیر ارائه شده است:

جدول ۳: استخراج مضامین پایه حکمرانی اقتصادی ایران از متن بیانیه گام دوم

ردیف	متن بیانیه	مضمون پایه
۱	[انقلاب اسلامی] کفه عدالت را در تقسیم امکانات عمومی کشور سنگین کرد. نارضایتی این حقیر از کارکرد عدالت در کشور به دلیل آنکه این ارزش والا باید گوهر بی‌همتا بر تارک نظام جمهوری اسلامی باشد و هنوز نیست، نباید به این معنی گرفته شود که برای استقرار عدالت کار انجام نگرفته است. واقعیت آن است که دستاوردهای مبارزه با بی‌عدالتی در این چهار دهه، با هیچ دوره دیگر گذشته قابل مقایسه نیست... البته عدالت مورد انتظار در جمهوری اسلامی که مایل است پیرو حکومت علوی شناخته شود، بسی برتر از این‌ها است و چشم امید برای اجرای آن به شما جوان‌ها است که در ادامه بدان خواهم پرداخت.	تبعیض در بهره‌مندی از منابع
۲	ایران با دارا بودن یک درصد جمعیت جهان، دارای ۷ درصد ذخایر معدنی جهان است: منابع عظیم زیرزمینی، موقعیت استثنائی جغرافیایی میان شرق و غرب و شمال و جنوب، بازار بزرگ ملی، بازار بزرگ منطقه‌ای با داشتن ۱۵ همسایه با ۶۰۰ میلیون جمعیت، سواحل دریایی طولانی، حاصلخیزی زمین با محصولات متنوع	ظرفیت‌های بهره‌برداری نشده

ردیف	متن بیانیه	مضمون پایه
	کشاورزی و باغی، اقتصاد بزرگ و متنوع، بخش‌هایی از ظرفیت‌های کشور است؛ بسیاری از ظرفیت‌ها دست‌نخورده مانده است. گفته شده است که ایران از نظر ظرفیت‌های استفاده‌نشده طبیعی و انسانی در رتبه‌ی اوّل جهان است. بی‌شک شما جوانان مؤمن و پُرتلاش خواهید توانست این عیب بزرگ را برطرف کنید. دهه‌ی دوّم چشم‌انداز، باید زمان تمرکز بر بهره‌برداری از دستاوردهای گذشته و نیز ظرفیت‌های استفاده‌نشده باشد و پیشرفت کشور از جمله در بخش تولید و اقتصاد ملی ارتقاء یابد.	
۳	انقلاب اسلامی راه نجات از اقتصاد ضعیف و وابسته و فاسد دوران طاغوت را به ما نشان داد، ولی عملکردهای ضعیف، اقتصاد کشور را	تحریم
۴	از بیرون و درون دچار چالش ساخته است. چالش بیرونی تحریم و وسوسه‌های دشمن است که در صورت اصلاح مشکل درونی، کم‌اثر و حتی بی‌اثر خواهد شد.	وسوسه‌های دشمن
۵		وابستگی اقتصاد به نفت
۶		دولتی بودن اقتصاد
۷	مهم‌ترین عیوب، وابستگی اقتصاد به نفت، دولتی بودن بخش‌هایی از اقتصاد که در حیطه‌ی وظایف دولت نیست، نگاه به خارج و نه به توان و ظرفیت داخلی، استفاده اندک از ظرفیت نیروی انسانی کشور،	نگاه به خارج نه ظرفیت داخلی
۸	بودجه‌بندی معیوب و نامتوازن و سرانجام عدم ثبات سیاست‌های اجرایی اقتصاد و عدم رعایت اولویت‌ها و وجود هزینه‌های زائد و حتی مسرفانه در بخش‌هایی از دستگاه‌های حکومتی است. نتیجه	ظرفیت‌های بهره‌برداری نشده (نیروی انسانی)
۹	این‌ها مشکلات زندگی مردم از قبیل بیکاری جوان‌ها، فقر درآمدی در طبقه‌ی ضعیف و امثال آن است.	بودجه‌بندی نامتوازن و معیوب
۱۰		عدم ثبات سیاست‌های اجرایی
۱۱		عدم رعایت اولویت‌ها

ردیف	متن بیانیه	مضمون پایه
۱۲		وجود هزینه‌های زائد و مسرفانه
۱۳		بیکاری جوانان
۱۴		فقر درآمدی
۱۵	عدالت و مبارزه با فساد این دو لازم و ملزوم یکدیگرند. فساد اقتصادی و اخلاقی و سیاسی، توده‌ی چرکین کشورها و نظام‌ها و اگر در بدنه حکومت‌ها عارض شود، زلزله ویرانگر و ضربه‌زننده به مشروعیت آن‌ها است و این برای نظامی چون جمهوری اسلامی که نیازمند مشروعیتی فراتر از مشروعیت‌های مرسوم و مبنایی‌تر از مقبولیت اجتماعی است، بسیار جدی‌تر و بنیانی‌تر از دیگر نظام‌ها است.	فساد اقتصادی
۱۶	با این همه اینجانب به جوانان عزیزی که آینده کشور، چشم‌انتظار آن‌ها است به‌صراحت می‌گویم آنچه تاکنون شده با آنچه باید می‌شده و بشود، دارای فاصله‌ای ژرف است. در جمهوری اسلامی، دل‌های مسئولان به‌طور دائم باید برای رفع محرومیت‌ها بتپد و از شکاف‌های عمیق طبقاتی به‌شدت بی‌مناک باشد. در جمهوری اسلامی کسب ثروت نه تنها جرم نیست که مورد تشویق نیز هست، اما تبعیض در توزیع منابع عمومی و میدان دادن به‌ویژه خواری و مدارا با فریب‌گران اقتصادی که همه به بی‌عدالتی می‌انجامد، به‌شدت ممنوع است؛ همچنین غفلت از قشرهای نیازمند حمایت، به هیچ رو مورد قبول نیست.	شکاف طبقاتی
۱۷		تبعیض در بهره‌مندی از منابع
۱۸		فساد اقتصادی (ویژه خواری)
۱۹		غفلت از اقشار نیازمند

بعد از کدگذاری مرحله اول و احصای ۱۶ مضمون پایه متمایز، ۸ مضمون سازمان‌دهنده به شرح زیر استخراج گردید:

جدول ۴: احصاء مضامین سازمان‌دهنده حکمرانی اقتصادی ایران از مضامین پایه

ردیف	مضامین پایه	مضامین سازمان‌دهنده	ردیف	مضامین پایه	مضامین سازمان‌دهنده

ردیف	مضامین پایه	مضامین سازمان‌دهنده	ردیف	مضامین پایه	مضامین سازمان‌دهنده
۱	تبعیض در بهره‌مندی از منابع	ناکارآمدی تخصیصی	۹	نگاه به خارج نه ظرفیت‌های داخلی	ضعف‌های راهبردی مدیریت اقتصاد
			۱۰	ظرفیت‌های بهره‌برداری نشده	
۳	وابستگی اقتصاد به نفت دولتی بودن اقتصاد	ناکارآمدی‌های تولیدی	۱۱	عدم رعایت اولویت‌بندی‌ها	ضعف‌های تاکتیکی مدیریت اقتصاد
			۱۲	عدم ثبات در سیاست‌های اجرایی	
			۱۳	بودجه‌بندی معیوب و نامتوازن	
۶	شکاف طبقاتی غفلت از اقشار نیازمند فقر درآمدی	ناکارآمدی‌های توزیعی	۱۴	تحریم اقتصادی	جنگ اقتصادی
			۱۵	وسوسه‌های دشمن	عملیات روانی اقتصادی
			۱۶	وجود هزینه‌های زائد و مسرفانه	ناکارآمدی‌های مصرفی

در جدول زیر سه مضمون عالی مستخرج از مضامین سازمان‌دهنده ارائه شده است

جدول ۵: احصاء مضامین عالی حکمرانی اقتصادی ایران از مضامین سازمان‌دهنده

ردیف	مضمون سازمان‌دهنده	مضمون عالی
۱	ناکارآمدی تخصیصی	مسائل ساختاری
۲	ناکارآمدی تولیدی	
۳	ناکارآمدی توزیعی	
۴	ناکارآمدی مصرفی	
۵	ضعف‌های راهبردی مدیریت اقتصاد	مسائل مدیریتی
۶	ضعف‌های تاکتیکی مدیریت اقتصاد	
۷	جنگ اقتصادی	مسائل بین‌المللی
۸	عملیات روانی اقتصادی	

درنهایت می‌توان نمودار مضامین حکمرانی اقتصادی مستخرج از بیانیه گام دوم را به‌صورت زیر نمایش داد:



شکل ۱: نمودار مضامین حکمرانی اقتصادی

### الگوسازی نظام مسائل حکمرانی اقتصادی:

در جدول زیر مسئله‌های حکمرانی اقتصادی ایران در سطرها و ستون‌ها ارائه شده است. روابط دوه‌دو این متغیرها بر اساس روش پنل خیرگانی احصاء گردید و پس از تشکیل ماتریس خودتعاملی ساختاری، با جایگذاری اعداد مربوطه به‌جای نمادها، ماتریس دسترسی اولیه به‌صورت زیر احصاء گردید.

p۱۶	p۱۵	p۱۴	p۱۳	p۱۲	p۱۱	p۱۰	p۹	p۸	p۷	p۶	p۵	p۴	p۳	p۲	p۱		
0	0	0	0	0	0	1	0	1	0	1	1	0	0	1	1	p۱	تبعیض در بهره مندی از منابع عمومی
1	0	0	0	0	0	1	1	1	0	1	1	0	0	1	1	p۲	فساد اقتصادی
1	1	0	1	1	1	1	1	0	0	0	1	0	1	1	0	p۳	وابستگی اقتصاد به نفت
1	0	0	1	1	0	0	0	0	0	0	1	1	1	1	1	p۴	دولتی بودن اقتصاد
0	0	0	0	0	0	1	0	1	0	0	1	0	1	0	0	p۵	بیگاری جوانان
0	0	0	0	0	0	1	0	0	0	1	0	0	0	0	1	p۶	شکاف طبقاتی
0	0	0	0	0	0	1	0	1	1	1	1	0	0	0	1	p۷	غفلت از اقشار نیازمند
0	0	0	0	0	0	1	0	1	0	1	1	0	0	1	0	p۸	فقر در آمدی
0	0	1	1	0	0	1	1	1	0	0	1	0	0	0	0	p۹	تحریم اقتصادی
0	0	1	1	0	1	1	0	0	0	0	1	0	0	0	0	p۱۰	وسوسه های دشمن
0	0	0	1	1	1	1	1	1	1	0	1	0	1	0	0	p۱۱	نگاه به خارج نه ظرفیت های داخلی
0	0	0	0	1	1	1	1	1	1	0	1	0	1	0	0	p۱۲	ظرفیت های بهره برداری نشده اقتصاد
1	1	1	1	0	0	0	0	0	0	1	0	0	0	0	1	p۱۳	عدم رعایت اولویت بندی ها
1	1	1	1	0	0	0	0	0	0	0	0	0	1	0	1	p۱۴	عدم ثبات در سیاست های اجرایی
1	1	1	1	0	0	0	0	0	0	0	0	0	1	1	1	p۱۵	بودجه بندی معیوب و نامتوازن
1	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	p۱۶	وجود هزینه های زائد

شکل ۲: ماتریس دسترسی اولیه از مضامین پایه

در گام بعدی برای تولید ماتریس دسترسی نهایی، اصل انتقال پذیری در روابط بین متغیرها وارد شده و با سازگار کردن ماتریس اولیه، ماتریس دستیابی نهایی تولید شده است.

p۱۶	p۱۵	p۱۴	p۱۳	p۱۲	p۱۱	p۱۰	p۹	p۸	p۷	p۶	p۵	p۴	p۳	p۲	p۱		
1*	0	1*	1*	0	1*	1	1*	1	0	1	1	0	1*	1	1	p۱	تبعیض در بهره مندی از منابع عمومی
1	0	1*	1*	0	1*	1	1	1	0	1	1	0	1*	1	1	p۲	فساد اقتصادی
1	1	1*	1	1	1	1	1	1*	1*	1*	1	0	1	1	1*	p۳	وابستگی اقتصاد به نفت
1	1*	1*	1	1	1*	1*	1*	1*	1*	1*	1	1	1	1	1	p۴	دولتی بودن اقتصاد
1*	1*	1*	1*	1*	1*	1	1*	1	0	1*	1	0	1	1*	0	p۵	بیگاری جوانان
0	0	1*	1*	0	1*	1	1*	0	0	1	0	0	1*	0	1	p۶	شکاف طبقاتی
0	0	1*	1*	0	1*	1	0	1	1	1	1	0	1*	1*	1	p۷	غفلت از اقشار نیازمند
1*	0	0	0	0	0	1	1*	1	0	1	1	0	1*	1	1*	p۸	فقر در آمدی
1*	1*	1	1	0	1*	1	1	1	0	1*	1	0	1*	1*	1*	p۹	تحریم اقتصادی
1*	1*	1	1	1*	1	1	1*	1*	1*	1*	1	0	1*	0	1*	p۱۰	وسوسه های دشمن
1*	1*	1*	1	1	1	1	1	1	1	1*	1	0	1	1*	1*	p۱۱	نگاه به خارج نه ظرفیت های داخلی
1*	1*	1*	1*	1	1	1	1	1	1	1*	1	0	1	1*	1*	p۱۲	ظرفیت های بهره برداری نشده اقتصاد
1	1	1	1	0	0	0	1*	1*	0	1	1*	0	1*	1*	1	p۱۳	عدم رعایت اولویت بندی ها
1	1	1	1	1*	1*	1*	1*	1*	0	1*	1*	0	1	1*	1	p۱۴	عدم ثبات در سیاست های اجرایی
1	1	1	1	1*	1*	1*	1*	1*	0	1*	1*	0	1	1	1	p۱۵	بودجه بندی معیوب و نامتوازن
1	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	p۱۶	وجود هزینه های زائد

شکل ۳: ماتریس دستیابی نهایی مسائل اقتصادی



در این بخش به‌منظور تعیین روابط بین متغیرها باید مجموعه خروجی، ورودی و مشترک را شناسایی نمود و در صورت یکسان بودن مجموعه دستیابی و مجموعه مشترک هر عامل، آن عوامل در سطح یکسان قرار می‌گیرند.

جدول ۶: تعیین سطوح مسائل حکمرانی اقتصادی ایران

مسئله	مجموعه ورودی	مجموعه خروجی	مجموعه مشترک	سطح
p1	1-2-3-4-6-7-8-9-10-11-12-13-14-15	1-2-3-5-6-8-9-10-11-13-14-16	1-2-3-6-8-9-10-11-13-14	4
p2	1-2-3-4-5-7-8-9-11-12-13-14-15	1-2-3-5-6-8-9-10-11-13-14-16	1-2-3-5-8-9-11-13-14	3
p3	1-2-3-4-5-6-7-8-9-10-11-12-13-14-15	1-2-3-5-6-7-8-9-10-11-12-13-14-15-16	1-2-3-5-6-7-8-9-10-11-12-13-14-15	4
p4	4	1-2-3-4-5-6-7-8-9-10-11-12-13-14-15-16	4	1
p5	1-2-3-4-5-7-8-9-10-11-12-13-14-15	1-2-3-5-6-8-9-10-11-12-13-14-15-16	2-3-5-8-9-10-11-12-13-14-15	4
p6	1-2-3-4-5-6-7-8-9-10-11-12-13-14-15	1-3-6-9-10-11-13-14	1-3-6-9-10-11-13-14	5
p7	3-4-7-10-11-12	1-2-3-5-6-7-8-10-11-13-14	3-7-10-11	2
p8	1-2-3-4-5-7-8-9-10-11-12-13-14-15	1-2-3-5-6-8-9-10-16	1-2-3-5-8-9-10	5
p9	1-2-3-4-5-6-8-9-10-11-12-13-14-15	1-2-3-5-6-8-9-10-11-13-14-15-16	1-2-3-5-6-8-9-10-11-13-14-15	4
p10	1-2-3-4-5-6-7-8-9-10-11-12-14-15	1-3-5-6-7-8-9-10-11-12-13-14-15-16	1-3-5-6-7-8-9-10-11-12-14-15	4
p11	1-2-3-4-5-6-7-9-10-11-12-14-15	1-2-3-5-6-7-8-9-10-11-12-13-14-15-16	1-2-3-5-6-7-9-10-11-12-14-15	3
p12	3-4-5-10-11-12-14-15	1-2-3-5-6-7-8-9-10-11-12-13-14-15	3-5-10-11-12-14-15	2
p13	1-2-3-4-5-6-7-9-10-11-12-13-14-15	1-2-3-5-6-8-9-13-14-15-16	1-2-3-5-6-9-13-14-15	4
p14	1-2-3-4-5-6-7-9-10-11-12-13-14-15	1-2-3-5-6-8-9-10-11-12-13-14-15-16	1-2-3-5-6-9-10-11-12-13-14-15	4
p15	3-4-5-9-10-11-12-13-14-15	1-2-3-5-6-8-9-10-11-12-13-14-15-16	3-5-9-10-11-12-13-14-15	3
p16	1-2-3-4-5-8-9-10-11-12-13-14-15-16	16	16	6

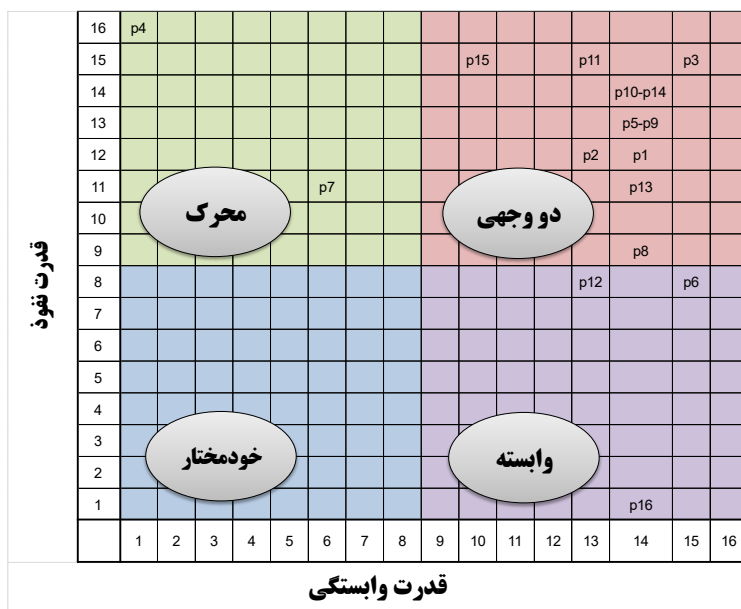
حال بایستی قدرت نفوذ و وابستگی را برای هر مسئله از جمع امتیازهای ۱ به دست آمده از هر سطر و جمع امتیازهای ۱ به دست آمده از هر ستون ماتریس دستیابی نهایی محاسبه نمود.

جدول ۷: میزان قدرت نفوذ و وابستگی مسائل

قدرت وابستگی	قدرت نفوذ	مسائل	
14	12	تبعیض در بهره‌مندی از منابع عمومی	p1
13	12	فساد اقتصادی	p2
15	15	وابستگی اقتصاد به نفت	p3
1	16	دولتی بودن اقتصاد	p4
14	13	بیکاری جوانان	p5
15	8	شکاف طبقاتی	p6
6	11	غفلت از اقشار نیازمند	p7
14	9	فقر درآمدی	p8
14	13	تحریم اقتصادی	p9
14	14	وسوسه‌های دشمن	p10
13	15	نگاه به خارج نه ظرفیت‌های داخلی	p11
8	15	ظرفیت‌های بهره‌برداری نشده اقتصاد	p12
14	11	عدم رعایت اولویت‌بندی‌ها	p13
14	14	عدم ثبات در سیاست‌های اجرایی	p14
10	15	بودجه‌بندی معیوب و نامتوازن	p15
14	1	وجود هزینه‌های زائد	p16

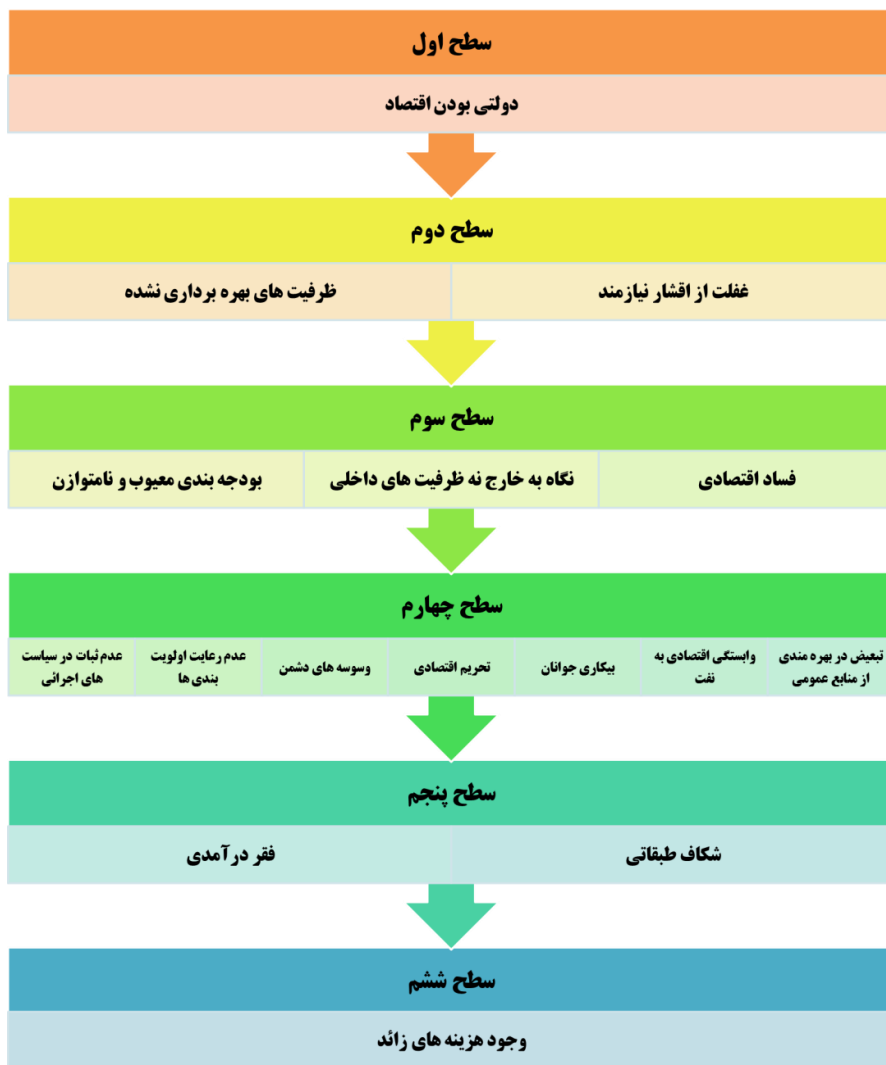
برای تحلیل MICMAC مسائل نیز بایستی نمودار تقاطعی قدرت نفوذ و وابستگی را

ترسیم نمود.



شکل ۴: نمودار تقاطعی قدرت نفوذ و وابستگی

حال در این قسمت می‌توان بر اساس خروجی الگوسازی تفسیری ساختاری و سطوح روابط میان مؤلفه‌های تحقیق، نظام مسائل حکمرانی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران را ترسیم نمود. در تصویرسازی شبکه تلاش می‌شود تا نقشه‌ای از روابط میان متغیرها ارائه گردد. این نقشه‌ها همچون نقشه‌های جغرافیایی معنادار و قابل تفسیر هستند و برای تفاسیر آن باید روش خوانش آن‌ها ارائه گردد. برای تصویرسازی یک شبکه باید از هر دو عنصر پیوندها و گره‌ها استفاده کرد. شاخص‌های شبکه‌ای مختلفی را می‌توان به پیوندها و لینک‌ها متصل کرد و نتایج را بر اساس آن تصویرسازی کرد (مقاله ۱۰ سیستم ص ۸). مسائلی که در سطح اولیه قرار دارند، زیرساخت و پایه اساسی در ایجاد شبکه مسائل محسوب شده و مسائل سطوح بالاتر از تأثیرگذاری کمتری برخوردار بوده و بیشتر تحت تأثیر سایر عوامل هستند. مسائل سطح میانی نیز مسائلی هستند که برهم‌کنش میان آن‌ها، ساخت پایداری را در مسئله‌مندی حکمرانی اقتصادی ایران خلق می‌کنند.



شکل ۵: سطوح مسائل اقتصادی احصاء شده از بیانیه گام دوم

### تجزیه و تحلیل

شبکه تعاملات مسائل اقتصاد ایران در نمایه شماره ۵ نشان داده شده است. در الگوی فوق، مسئله «دولتی بودن اقتصاد» به عنوان مبنای الگو محسوب شده چراکه بر تمامی مسائل دیگر اثرگذار است اما از سایر مسائل اثری نمی پذیرد. به نظر می رسد که ریشه بسیاری از

مسائل حکمرانی اقتصادی ایران در پدیده دولتی بودن اقتصاد و سهم بالای فعالیت‌های تصدی‌گرایانه دولت در اقتصاد است. نقش تصدی‌گرایانه، دولت را رقیب بخش خصوصی و تعاونی قرار داده و به جهت عدم تقارن اطلاعاتی میان دولت با بخش خصوصی و تعاونی، سایه سنگینی را بر بخش‌های قابل توجهی از اقتصاد حکم‌فرما نموده است.

لایه دوم ناظر به «غفلت از اقشار نیازمند» و «ظرفیت‌های بهره‌برداری نشده ایران» است که بیشترین اثرات را بر سایر مسائل دارند اما به نسبت اثرپذیری کمتری دارند. بر اساس الگو استخراج‌شده، به حاشیه رفتن اقشار نیازمند از کانون توجه حکومت و فقدان برنامه جامع برای استفاده از ظرفیت‌های اقتصادی ایران در کنار دولتی بودن اقتصاد، به‌عنوان بنیان‌های ناکارایی اقتصادی و زمینه‌ساز ایجاد چالش‌های عمیق‌تری را فراهم می‌سازد. محصول این مسائل، ایجاد پدیده‌هایی چون «فساد اقتصادی»، «نگاه به خارج نه ظرفیت‌های داخلی» و «بودجه‌بندی معیوب و نامتوازن» در لایه سوم است؛ به عبارت دیگر، به حاشیه رفتن اقشار نیازمند و عدم توجه به ظرفیت‌های بهره‌برداری نشده ایران مسبب توجه به ظرفیت‌های خارجی است و این امر در کنار اقتصاد دولت محور که زمینه‌های فساد را پررنگ‌تر می‌کند و عدم کارایی در بودجه‌بندی به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین ابزارهای اعمال نقش دولت در اقتصاد، آسیب‌های قابل توجه و مضمنی را در حکمرانی اقتصادی ایجاد نموده است.

لایه چهارم به‌عنوان پیچیده‌ترین لایه نظام مسائل حکمرانی اقتصادی ایران محسوب می‌شود چراکه میزان تعاملات درونی این عناصر در لایه مذکور بالاست و اثرپذیری و اثرگذاری آن‌ها هم در خارج از لایه خود و هم مسائل سایر لایه‌ها گسترده است. این امر بیانگر این مهم است که فعال‌ترین مسائل حکمرانی اقتصادی در ایران شامل «تبعیض در بهره‌مندی از منابع طبیعی»، «وابستگی اقتصادی به نفت»، «بیکاری جوانان»، «تحریم اقتصادی»، «وسوسه دشمن»، «عدم رعایت اولویت‌بندی‌ها»، «عدم ثبات در سیاست‌های اجرایی» است. در لایه پنجم، «شکاف طبقاتی» و «فقر درآمدی» به‌عنوان یکی از روبنایی‌ترین مسائل اقتصاد ایران، محصول ناکارآمدی‌های تولید شده در لایه‌های پیشین

این الگو است. در بالاترین سطح هم حکمرانی اقتصادی با مسئله «وجود هزینه‌های زائد» روبه‌رو است که محصول تعاملات فی‌مابین ناکارآمدی لایه‌های زیرین الگوست. تحلیل‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که مسائل موجود در حکمرانی اقتصادی ایران به‌صورت لایه‌ای بوده و تعاملات میان مسائل نیز در حد بسیار وسیع و اثرگذاری است. به بیان دیگر، شبکه مسائل حکمرانی اقتصادی دارای تعاملات رفت و برگشتی تقویت‌کننده قابل توجهی است که این امر باعث ایجاد سطح پایدار و نهادینه‌شده‌ای از ناکارآمدی‌ها می‌گردد. همچنین فقدان وجود مسائل خودمختار نشان‌دهنده دقت نظر به‌کاررفته در احصای مسائل حکمرانی اقتصادی ایران در بیانیه گام دوم است؛ به عبارت دیگر، مسئله‌شناسی دقیقی از حکمرانی اقتصادی در بیانیه گام دوم صورت گرفته است که می‌تواند اجماع گسترده‌ای را در میان صاحب‌نظران از مسائل اقتصاد ایران فراهم سازد.

نکته مهم و اساسی این است که سیاست‌گذاری‌های اقتصادی در صورت ابتدای بر نظام مسائل احصا شده نیازمند دقت نظر جدی در تحلیل روابط و تعاملات میان مسئله‌های مذکور است. درواقع اگر گزاره‌های سیاستی را راهکارهای حل مسئله بدانیم، ارائه راهکار برای حل یک مسئله بدون توجه به علت‌های ایجادکننده آن مسئله و معلول‌های حادث‌شده از آن مسئله، کارآمدی قابل توجهی نخواهد داشت؛ به عبارت دیگر، یک گزاره سیاستی دقیق و کارآمد بایستی به‌گونه‌ای تنظیم شود که هم روابط پسینی و هم روابط پیشینی یک مسئله را با سایر مسائل در خود گنجانده و علت‌های پدید آورده و معلول‌های حادث‌شده از هر مسئله را مورد توجه دقیق قرار دهد.

### نتیجه‌گیری

بیانیه گام دوم راهبردی‌ترین سند جمهوری اسلامی برای ۴۰ سال آینده است؛ بنابراین تمام سیاست‌گذاری‌های آینده نظام لازم است مبتنی بر این بیانیه طراحی شده و برنامه‌های توسعه بر این اساس تدوین گردد. برابر اصل ۱۱۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، سرآغاز تهیه و تدوین برنامه‌های توسعه، ابلاغ سیاست‌های کلی از سوی مقام معظم رهبری است (سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، ۱۳۹۴، ص: ۳). اکنون که در حال تدوین

برنامه هفتم توسعه اقتصادی می‌باشیم، تحلیل این بیانیه از ابعاد مختلف آن می‌تواند سند مبنایی و اصلی برای آن لحاظ گردد. با توجه به شرایط کشور در چندساله اخیر و بررسی متن بیانیه گام دوم نشان می‌دهد یکی از مهم‌ترین محورهای مسیر پیش روی انقلاب اسلامی، مسئله اقتصادی کشور است؛ که نام‌گذاری سال‌ها اخیر توسط مقام معظم رهبری (دامت برکاته)، مؤیدی بر این موضوع است؛ بنابراین در پژوهش حاضر سعی شده تا تحلیل جامعی از بیانیه گام دوم در حوزه اقتصادی صورت گرفته و مسائل حکمرانی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران در افق ۴۰ ساله پیش رو، به‌صورت سیستمی و نظام‌مند تحلیل گردد. این پژوهش با طرح و بررسی تحلیل بیانیه گام دوم از جنبه اقتصادی، به دنبال آن است تا مسیری را برای سیاست‌پژوهان و مسئولین سیاست‌گذار باز کرده تا بتوانند دقیق‌تر و موثکافانه‌تر، این بیانیه را مبنای سیاست‌های کلان و اجرایی کشور و نیز برنامه هفتم توسعه جمهوری اسلامی ایران قرار دهند.

با تحلیل بیانیه گام دوم به روش تحلیل تم، ۱۶ مسئله اصلی اقتصادی احصاء و در قالب ۸ مضمون سازمان‌دهنده تقسیم و ذیل ۳ مضمون عالی سازمان‌دهی شدند. سپس به‌منظور تحلیل این مسائل و ترسیم نظام و شبکه آن، از تکنیک ISM، استفاده شد که روابط میان آن‌ها احصاء و مسائل اقتصادی در شش سطح دسته‌بندی شدند.

این تحلیل نشان می‌دهد که «دولتی بودن اقتصاد» به معنای اینکه دولت به‌عنوان ابر تصدی‌گر اقتصادی می‌تواند آسیب‌های زیادی را به بدنه اقتصاد کشور وارد آورده و خود، مسائل دیگری را در اقتصاد به وجود بیاورد و یا تقویت کند که چالشی اصلی در افق ۴۰ ساله پیش روی انقلاب است. افزایش نقش تصدی‌گری دولت بر شاخص‌های توزیع درآمد اثر گذاشته و باعث افزایش ضریب جینی، افزایش سهم هزینه‌های دهک دهم به دهک اول، کاهش سهم درآمد‌های چهار دهک اول شهری و روستایی می‌شود (صادقی و دیگران، ۱۳۸۸: ۹۷). تصدی‌گری بیش‌ازحد دولت در کوتاه‌مدت و بلندمدت، دارای رابطه منفی با نرخ ارز و مؤثر حقیقی بوده که این امر باعث افزایش تولید کالاهای غیر قابل مبادله در مقابل کالاهای قابل مبادله‌شده و باعث کاهش توان رقابتی کالاهای داخلی می‌گردد

(محسنی و اسماعیلی، ۱۳۹۳: ۶۲). در سطح دوم مسائل، شاهد «غفلت از اقشار نیازمند» و «ظرفیت‌های بهره‌بردار نشده» در اقتصاد هستیم که هم از دولتی بودن اقتصاد تأثیر می‌پذیرد و هم بر دیگر مسائل اثر می‌گذارد. از جمله ظرفیت‌های بالقوه یا آتی جمهوری اسلامی می‌توان به ظرفیت مالی، به‌عنوان جایگزینی برای درآمدهای نفتی، (عباسیان و فشی، ۱۳۹۴: ۱۹۴) توسعه اقتصاد دانش‌بنیان (شعبانی و عبدالملکی، ۱۳۹۰: ۱۲۴) و اقتصاد دیجیتال اشاره کرد. غفلت از اقشار نیازمند نیز می‌تواند آثار مخربی بر اهداف و آرمان‌های انقلاب و نیز پیشرفت انقلاب داشته باشد. چراکه گفتمان حمایت از مستضعفان از آرمان‌های منحصربه‌فرد انقلاب اسلامی است (عسگری، ۱۳۹۴: ۲۷) و بر این اساس است که معمار کبیر انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی (ره) می‌فرمایند: مستضعفان و محرومان و ستمدیدگان نور چشمان ما و اولیای نعم همه هستند و جمهوری اسلامی رهاورد آنان و با فداکاری‌های آنان تحقق پیدا کرد و بقای آن نیز مرهون خدمات آنان است و خود را از مردم و آنان را از خود بدانید (خمینی (ره)، ۱۳۹۰، جلد ۲۱: ۴۱۲).

در لایه سوم مسائل با «فساد اقتصادی»، «نگاه به خارج نه ظرفیت‌های داخلی» و «بودجه‌بندی معیوب و نامتوازن» روبه‌رو می‌شویم. این لایه به‌عنوان سطح واسط هم گذار و هم اثرپذیر است. عدم توجه به اقشار نیازمند و نادیده گرفتن ظرفیت‌های بالقوه ایران منجر به تمرکز بر ظرفیت‌های خارجی می‌شود و این موضوع با توجه به دولتی بودن اقتصاد ضعف در بودجه‌ریزی و زمینه بروز فساد را فراهم می‌کند. این بخش از آنجا خود را بیشتر نمایان می‌کند که بودجه‌بندی دولت در برنامه هفتم توسعه به‌عنوان اولین برنامه توسعه در گام دوم می‌تواند دچار چالش‌های جدی گردد، آثار ناگواری بر اقتصاد کشور به همراه داشته باشد. آثار و پیامدهای منفی فساد اقتصادی و مالی در کشور را می‌توان بر این موارد قلمداد کرد:

الف) تخصیص صحیح منابع توسط دولت؛

ب) توزیع صحیح درآمدها؛

ج) کارایی اقتصادی؛



(د) رشد اقتصادی؛

(ه) حقوق افراد جامعه؛

(و) ترکیب مخارج دولت؛

(ز) انگیزه مبارزه با فساد؛

(ح) ثبات سیاسی؛

(ط) تصمیمات کشوری؛

(ی) فاصله طبقاتی (رحیمیان، ۱۳۹۳: ۱۱۳).

لایه چهارم لایه‌ای بسط یافته و پرچالش در نظام مسائل حکمرانی اقتصادی تحلیل شده و بیشترین ارتباطات شبکه‌ای را هم در اثرگذاری و هم تأثیرپذیری دارد. این سطح از مسائل شامل «تبعیض در بهره‌مندی از منابع طبیعی»، «وابستگی اقتصادی به نفت»، «بیکاری جوانان»، «تحریم اقتصادی»، «وسوسه دشمن»، «عدم رعایت اولویت‌بندی‌ها» و «عدم ثبات در سیاست‌های اجرایی» است. ساختار اقتصاد ایران به دلیل وجود برخی چالش‌ها از جمله گسترده بودن فعالیت‌های غیر مولد، افزایش درآمدهای نفت تأثیر کمی بر رشد و گسترش تولید بخش غیر نفتی کشور دارد. وابستگی درآمد دولت و همچنین درآمدهای ارزی کشور به درآمد نفت مشکل اصلی ساختار کشور می‌باشد و تا زمانی که راه‌حلی برای آن پیدا نشود، ناپایداری در اقتصاد ایران تداوم خواهد یافت. این مشکل نه فقط در دوران کاهش فروش نفت بلکه در دوران افزایش فروش نفت نیز به چشم می‌خورد (صیادی و بهرامی، ۱۳۹۴: ۱۳۲). هرچند جمهوری اسلامی در طول سالیان پس از پیروزی انقلاب نشان داد که تحریم‌ها را می‌توان بی‌اثر کرده و آن‌ها را به فرصت تبدیل نمود، لکن باید آثار مستقیم و نزدیک تحریم در اقتصاد کشور مورد ارزیابی و آسیب‌شناسی قرار گیرد و راهکارهایی برای آن دیده شود. تحریم‌ها بر بخش‌های مختلف اقتصادی همچون تجارت، سرمایه‌گذاری، اشتغال و رشد اقتصادی تأثیرگذار است؛ بنابراین برای سیاست‌گذاری‌های دقیق در این حوزه‌ها لازم است، در کنار کانال‌های اثرگذاری، میزان دقیق اثرات تحریم، بر این بخش‌ها بر اساس الگوهای کمی مورد ارزیابی قرار گیرد (گرشاسبی و یوسفی، ۱۳۹۵: ۱۷). با این

وجود مطابق با پژوهش‌های صورت گرفته، اثر تخریبی بیکاری از اثر تخریبی تورم بسیار شدیدتر می‌باشد (عباسی نژاد و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۹). از این رو در این لایه می‌توان در کنار وابستگی اقتصاد به نفت، بیکاری را یکی از مسائل جدی و اثرگذار در اقتصاد در نظر گرفت که لازم است در سیاست‌گذاری‌های آتی به این مقوله توجه ویژه گردد.

در لایه پنجم با دو مسئله کلیدی و مرتبط با هم روبه‌رو می‌شویم؛ «شکاف طبقاتی» و «فقر درآمدی»، اثر بسیار نزدیک و بالایی بر یکدیگر داشته و پرواضح است که هر دوی این مسائل متأثر از مسئله‌های لایه چهارم هستند. در این میان توجه به نظام اقتصادی اسلام می‌تواند اقتصاد را به عادلانه شدن توزیع درآمدها نزدیک کند که این تدابیر شامل: گسترش روابط حقوقی کار، دستمزد عادلانه، تحریم ربا، جلوگیری از گناه و اعمال ناشایست به‌عنوان عامل معنوی، توجه به نیازمندان، مسئولیت‌پذیری اجتماعی است (موسویان، ۱۳۸۰: ۱۵).

وجود هزینه‌های زائد به‌عنوان پسینی‌ترین سطح و اثرپذیرترین مسئله در حکمرانی اقتصادی جمهوری اسلامی است. هزینه‌های زائد، چالشی است که دولت‌های وابسته به نفت بیشتر دچار آن هستند و اثر زیادی بر آسیب‌های فرهنگی و اجتماعی در جامعه دارد. نام‌گذاری سال اصلاح الگوی مصرف توسط مقام معظم رهبری در سال ۱۳۸۸ ه.ش نیز برای پرداختن به این موضوع بود که بیانیه گام دوم نشان می‌دهد، هنوز به‌عنوان مسئله‌ای اصلی در نگاه ایشان وجود دارد.

### فهرست منابع

۱. انصاری فرد، سیما، (۱۳۹۳)، نگرش سیستمی و مفهوم آنتروپی در اقتصاد، اقتصاد تطبیقی، شماره ۲، صص ۱۷-۳۴.
۲. آذر، عادل؛ بیات، کریم، (۱۳۸۷)، طراحی الگو فرآیند محوری کسب‌وکار با رویکرد الگوسازی ساختاری تفه‌س‌پیری (ISM)، مدیریت فناوری اطلاعات، شماره ۱، صص ۱۸-۳.

۳. بروشکی، محمد مهدی، (۱۳۸۴)، کاربرد نظریه سیستمی در تحلیل علل صعود و سقوط تمدن‌ها در تاریخ، پژوهش‌های تربیتی، شماره ۳، صص ۷۹-۴۹.
۴. جاویدی، رقیه؛ احمدی، محمدرضا، (۱۳۹۴)، فرصت‌ها، چالش‌ها و موانع پیشرفت ایران، چهارمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت.
۵. جعفری، انوش؛ قنبری، حمیده، (۱۳۹۶)، مطالعه موانع توسعه اقتصادی جمهوری اسلامی ایران، پژوهش ملل، شماره ۲۱، صص ۴۷-۶۱.
۶. خمینی، روح‌الله، (۱۳۹۰)، صحیفه امام، ۲۲ جلدی، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۷. رحیمیان، نرگس، (۱۳۹۳)، بررسی فساد اقتصادی در راه‌های مبارزه با آن، مجله اقتصادی، شماره‌های ۹ و ۱۰، صص ۱۰۳-۱۱۶.
۸. رضائیان، علی؛ عبدالمهی نیسیانی، علی، (۱۳۹۵)، بازشناسی عوامل کلیدی موفقیت در مدیریت نظام اسلامی از منظر نظریه سیستمی، چشم‌انداز مدیریت دولتی، شماره ۲۵، صص ۴۳-۱۵.
۹. سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، (۱۳۹۴)، مستندات برنامه ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی - نظام تهیه، تدوین و تصویب برنامه ششم توسعه جمهوری اسلامی ایران، [www.mporg.ir](http://www.mporg.ir).
۱۰. شعبانی، احمد؛ عبدالملکی، حجت‌الله، (۱۳۹۰)، توسعه اقتصادی دانش پایه، مبنای نظری، تجربیات و الزامات سیاست‌گذاری، فصلنامه برنامه‌ریزی و بودجه، سال شانزدهم، شماره ۱، صص ۹۷-۱۲۷.
۱۱. صادقی، مهدی؛ ندری، کامران؛ قلیچ، وهاب، (۱۳۸۸)، اثرات نقش حاکمیتی و تصدی‌گری دولت در اقتصاد بر توزیع درآمد به روش ARDL مطالعه موردی ایران، فصلنامه اقتصاد مقداری، دوره ۶، شماره ۴، صص ۷۳-۱۰۰.
۱۲. صیادی، محمد؛ بهرامی، جاوید، (۱۳۹۴)، ارزیابی اثرات سیاست‌های سرمایه‌گذاری درآمد نفتی بر متغیرهای عملکرد اقتصادی در ایران: رویکرد تعادل عمومی

- تصادفی پویا (DSGE)، پژوهشنامه اقتصاد انرژی ایران، سال چهارم، شماره ۱۶، صص ۸۵-۱۳۵.
۱۳. طهماسبی، حمزه امین، شناسایی و تعیین عوامل اصلی توسعه فناوری با استفاده از الگوسازی ساختاری تفسیری (ISM) مطالعه موردی بنگاه‌های کوچک و متوسط استان گیلان، توسعه تکنولوژی صنعتی، شماره ۳۴، صص ۲۵-۳۸.
۱۴. عابدی جعفری، حسن؛ تسلیمی، محمد سعید؛ فقیهی، ابوالحسن؛ شیخ‌زاده، محمد، (۱۳۹۰)، تحلیل مضمون و شبکه مضامین: روشی ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده‌های کیفی، اندیشه مدیریت راهبردی، شماره ۱۰، صص ۱۵۱-۱۹۸.
۱۵. عباسی‌نژاد، حسین؛ رضانی، هادی؛ صادقی، مینا، (۱۳۹۱)، بررسی رابطه بین بیکاری و جرم در ایران: رهیافت داده‌های تلفیقی بین استانی، فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، سال بیستم، شماره ۶۴.
۱۶. عباسیان، عزت‌الله؛ فشی، فرزانه، (۱۳۹۴)، ظرفیت‌های مالی، جایگزینی برای درآمدهای نفتی در اقتصاد ایران، فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات اقتصادی کاربردی ایران، سال چهارم، شماره ۱۵، صص ۱۸۳-۱۹۹.
۱۷. عسگری، یدالله، (۱۳۹۴)، مقارنه گفتمان انقلاب اسلامی و مبانی اخلاقی مسئولیت حمایت، دوفصلنامه علمی - پژوهشی پاسداری فرهنگی انقلاب اسلامی، سال پنجم، شماره ۱۱، صص ۱-۲۹.
۱۸. عیسوی، محمود، (۱۳۹۵)، استخراج چارچوب نظری برای آسیب‌شناسی اقتصاد ایران بر اساس مؤلفه‌های نظام اقتصادی الگوی اسلامی ایران پیشرفت، معرفت اقتصادی، شماره ۱۵، صص ۷۹-۹۲.
۱۹. فیروزجائیان، علی‌اصغر؛ فیروزجائیان، مجتبی؛ هاشمی پطروودی، سیدحمید؛ غلامرضازاده، فاطمه، (۱۳۹۲)، کاربرد تکنیک الگوسازی ساختاری تفسیری

(ISM) در مطالعات گردشگری تحلیل با رویکرد آسیب‌شناسانه، برنامه‌ریزی و توسعه گردشگری، شماره ۶، صص ۱۵۹-۱۲۹.

۲۰. کشاورز، مهناز، (۱۳۹۸)، شناسایی عوامل تأثیرگذار در توسعه گردشگری پایدار شهری با استفاده از الگوسازی ساختاری تفسیری (ISM)، مطالعه موردی شهر خرم آباد، گردشگری شهری، دوره ۶، شماره ۱، صص ۱۳۴-۱۲۱.

۲۱. کمالی، یحیی، (۱۳۹۷)، روش‌شناسی تحلیل مضمون و کاربرد آن در مطالعات سیاست‌گذاری عمومی، سیاست‌گذاری عمومی، دوره ۴، شماره ۲، صص ۱۸۹-۲۰۸.

۲۲. گرشاسبی، علیرضا، یوسفی، مجتبی، (۱۳۹۵)، بررسی اثرات تحریم بین‌المللی بر متغیرهای کلان اقتصادی ایران، فصلنامه تحقیقات الگوسازی اقتصادی، شماره ۲۵.

۲۳. محسنی زنوزی، سید جمال، اسماعیلی، سید میثم، (۱۳۹۳)، تأثیر نقش دولت در رقابت‌پذیری، فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان، سال دوم، شماره پنجم، صص ۴۱-۶۵.

۲۴. موسوی داودی، سیدمهدی؛ حضوری، محمدجواد؛ نجاری، رضا؛ رستگار، عباسعلی، (۱۳۹۵)، طراحی و تبیین الگو ارزش‌های سازمانی مبتنی بر آموزه‌های نهج‌البلاغه، مدیریت سازمان‌های دولتی، دوره ۵، شماره ۱، صص ۳۳-۴۸.

۲۵. موسویان، سید عباس، (۱۳۸۰)، عدالت، محور آموزه‌های اقتصادی اسلام، فصلنامه تخصصی اقتصاد اسلامی، سال اول، شماره ۴.

26. Attri, Rajesh and Dev, Nikhil and sharma, Vivek(2013), Interpretive structural modelling (ISM) approach: An Overview, Research Journal of Management Science, Vol 2, No 2, pp 3-8.

27. Attride, Strling, j(2001), Thematic network: an analytic tool for qualitative research, Qualitative Research 1, p.385-405.

28. Kubule A, indzere.Z and muiziece.I(2019), Modelling of the bioeconomy system using interpretive structural modelling, Agronomy research 17(X), xxx-ccc, <https://doi.org/10.15159/AR.19.170>.

29. Kumar, Ashwani. Dixit, Gaurav (2018) "An analysis of barriers affecting the implementation of e-waste management practices in India: A novel ISM-DEMATEL approach", *Sustainable Production and Consumption*, Vol 14, pp 36-52.

30. Park, kyoung jong(2017), Relationship and priority of risks using ISM and Grey Approach, *international Journal of science and technology*, Vol 10, No 9, pp. 135-144.

31. Rade, Kuldip Arun and Pharande, Vilas A. and Saini, Daulat. R(2017), Interpretive structural Modeling (ISM) for Recovery of Heat Energy, *International Journal of Th oretical and Applied Mechanics*, Vol 12, No 1, pp. 83-92.

32. Robertson, Ian, s (2001), *Problem Solving*, Hove, England, Psychology Press.

33. Ruben, Ben. Vinodh S., Asokan P. (2018), "ISM and Fuzzy MICMAC application for analysis of Lean Six Sigma barriers with environmental considerations", *International Journal of Lean Six Sigma*, Vol. 9 No. 1, pp. 64-90

34. Shahabadkar, p. and s.s Hebbal and s. Prashant(2012), Deployment of Interpretive structural Modeling methodology in supply chain management an overview, *intentional journal of industrial engineering & production research*, Vol 23, No 3, pp 195-205.

35. Yudatama, uky and Nizar Hidayanto Achmad and Nazief Bobby(2018), Approach using interpretive structural model (ISM) to determine key sub factors at factors: benefite, risk reduction, opportunities and obstacles in awareness it governance, *journal of theoretical and applied information technology*, Vol 96, No 16, pp 37-49.

36. Braun, V. & Clarke, V. (2012). *Thematic analysis*. In H. Cooper (ed.) *Handbook of research methods in psychology* (pp. 57–71). Washington, DC: APA Books.

37. Lehman, Olga v and Murakami, Kyoko and Klempe, Sven Hroar(2019), *Developmentally Oriented Thematic Analysis (DOTA): A Qualitative Research Method to Explore Meaning-Making Processes in Cultural Psychology*, Volume 20, No. 2, pp 1-21.

38. Nowell, Lorelli S. and Jill M. Norris and Deborah E. White and Nancy J. Moules(2017), *Thematic Analysis: Striving to Meet the Trustworthiness Criteria*, *International Journal of Qualitative Methods* Volume 16, pp 1–13.

39. Vaismoradi, Mojtaba and Jacqueline Jones and Hannele Turunen and Sherrill Snelgrove(2016), Theme development in qualitative content analysis and thematic analysis, *Jurnal of Nursing Education and Practice*, Vol 6, No 5, pp 100-110.

40.HERZOG Christian and Christian HANDKE and Erik HITTERS(2019), Analyzing Talk and Text II: Thematic Analysis, The Palgrave Handbook of Methods for Media Policy Research. Basingstoke: Palgrave Macmillan.

# الگوی حکمرانی خوب از دید اتحادیه اروپا؛ موانع و چالش‌ها

محمدسعید تبرزد





## چکیده:

پس از جنگ جهانی دوم، کشورهای غربی در پی ترمیم خرابی‌ها و توسعه کشورهای آسیب‌دیده از جنگ برآمدند. در این زمینه، سه رهیافت مطرح شد: رهیافت دولت بزرگ، رهیافت دولت کوچک و الگوی حکمرانی خوب. برای اعمال حکمرانی خوب، نهادهای بین‌المللی شاخص‌هایی را مطرح کردند. هر اندازه کشوری به این شاخص‌ها نزدیک‌تر باشد توسعه‌یافته‌تر به حساب خواهد آمد. از دید اتحادیه اروپا حکمرانی خوب مسئولیت اداره منافع و منابع عمومی را بر عهده دارد در شورای اروپا اصول حکمرانی خوب از دید این اتحادیه در ۱۲ بند تعیین گردید و با تصمیم کمیته وزرای شورای اروپا از سال ۲۰۰۸ م در راهبرد نوآوری و حکمرانی خوب در سطح دولت‌های محلی گنجانده شد. این اصول موضوعاتی؛ مانند رفتار اخلاقی، حاکمیت قانون، کارایی و اثربخشی، شفافیت، مدیریت صحیح مالی و پاسخگویی را در برمی‌گیرند همچنین اتحادیه اروپا ابزارهایی برای کمک به مقامات محلی و در مواردی مقامات مرکزی برای رعایت این اصول و در نتیجه ارائه خدمات بهتر به شهروندان ایجاد نمود. لیکن در حال حاضر با گسترش اتحادیه به سمت شرق، تنش‌های اجتماعی، افزایش قطبش سیاسی و فرسایش دموکراسی، کیفیت حکمرانی در این اتحادیه را تهدید می‌کند. هدف از این تحقیق بررسی الگوی حکمرانی خوب از دید اتحادیه اروپا و موانع و چالش‌های پیش روی این اتحادیه و تأثیر این چالش‌ها بر آینده این نهاد با روش توصیفی - تحلیلی است.

**کلیدواژه:** حکمرانی خوب، اتحادیه اروپا، تنش‌های اجتماعی، فرسایش دموکراسی،

قطبش سیاسی

## EU good governance model; barriers and challenges

### Abstract

After World War II, Western nations sought to repair the devastation and development of war-affected countries. In this context, three approaches were outlined: the big government approach, the small government approach, and the model of good governance. International institutions have put forward indicators for good governance. The closer a country is to these indicators, the more developed it will be. Good Governance – the responsible conduct of public affairs and management of public resources – is encapsulated in the Council of Europe 12 Principles of Good Governance. The 12 Principles are enshrined in the Strategy on Innovation and Good Governance at local level, endorsed by a decision of the Committee of Ministers of the Council of Europe in 2008. They cover issues such as ethical conduct, rule of law, efficiency and effectiveness, transparency, sound financial management and accountability. The EU has also provided tools to assist local authorities and, in some cases, central authorities, to comply with these principles and thus to provide better services to citizens. However, the Union is expanding eastwards, increasing social tensions, increasing political polarization and Democracy erosion threatens the quality of governance in the union. The purpose of this research is to examine the pattern of good governance from the perspective of the European Union and the obstacles and challenges facing the union and the impact of these challenges on the future of this institution in a descriptive-analytical way.

**Keywords:** Good governance, European Union(EU), social tensions. The erosion of democracy, the political polarization.

### مقدمه:

نظام حکمرانی، چارچوبی است که فرآیند، متکی بر آن است. بدین معنی که مجموعه‌ای از توافقات، رویه‌ها، قراردادهای و سیاست‌ها مشخص می‌کنند که قدرت در دست چه کسی باشد، تصمیمات چگونه اتخاذ گردند و وظایف چگونه انجام و ادا شود. مفهوم حکمرانی را می‌توان در سطوح مختلفی چون سطح جهانی، ملی، سازمانی و جوامع محلی مورد استفاده قرار داد. امروزه پارادایم «حکمرانی خوب» یک شیوه رایج و مسلط برای اداره جامعه در سطح جهان بوده و متفاوت از دولت و حکومت است. در این نوشتار، ابتدا «حکمرانی خوب» و شاخص‌های آن از دید اتحادیه اروپا را بیان نموده و سپس به بررسی چالش‌های این اتحادیه در زمینه حکمرانی می‌پردازیم.

### سؤال تحقیق:

این پژوهش به دنبال یافتن پاسخ جهت این پرسش است که الگوی حکمرانی خوب از منظر اتحادیه اروپا چیست؟ و آیا این الگو در اجرا موفقیت‌آمیز بوده است یا خیر؟

### هدف و ضرورت تحقیق:

در سه دهه اخیر مطالعه پارادایم حکمرانی خوب مورد توجه پژوهشگران علوم انسانی بوده است. دیوف و همکاران (۱۹۸۹ م) در گزارشی که به بانک جهانی ارائه دادند به بررسی اثرات حاکمیت نامطلوب بر تأخیر رشد اقتصادی کشورهای در حال توسعه پرداختند. در این گزارش که ناشی از نگرانی‌های مربوط به رابطه توسعه، دموکراسی و موضوعات متنوع اجتماعی می‌باشد، مفهوم حکمرانی خوب مطرح گردیده است. نتایج گزارش بر این موضوع استوار است که ضعف در به‌کارگیری و عملی نمودن اصول حکمرانی خوب، یکی از مهم‌ترین موانع رشد و توسعه در کشورهای آفریقایی می‌باشد. بانک جهانی بر اهمیت حکمرانی خوب بر توسعه کشورها تأکید نموده و حکمرانی را به‌عنوان شیوه اعمال قدرت در مدیریت منابع اقتصادی و اجتماعی یک کشور برای توسعه تعریف نموده است (بانک جهانی ۱۹۹۴ م). در الگوی حکمرانی، دولت باید سیاست‌گذار

و تعیین‌کننده خط‌مشی‌های کلی باشد و بر اساس چارچوب حقوقی، محدوده عمل سیاسی را تعیین کند، بخش خصوصی تولید ثروت را سرلوحه خود قرار دهد و جامعه مدنی، از طریق بسیج عمومی برای مشارکت در ابعاد اقتصادی، سیاسی و اجتماعی، ارتباط متقابل میان جامعه و دولت را تسهیل کند. با توجه به ضرورت بررسی مسائل مربوط به حکومت‌ها و نحوه عمل و تصمیم‌گیری تصمیم‌گیران کشورها و تأثیر این‌گونه عوامل بر رشد و توسعه کشورها، سنجش حکومت‌ها و تعیین معیار و شاخص برای این سنجش، بر اساس الگوهای مطرح در علوم انسانی، ضروری به نظر می‌رسد. یکی از بهترین الگوهای که با توجه به شاخصه‌های آن می‌توان برای حکمرانی معیار سنجشی فراهم ساخت الگوی حکمرانی خوب است. اتحادیه اروپا در سال ۲۰۰۸ م الگویی برای حکمرانی خوب برای کشورهای عضو این اتحادیه معرفی نمود بررسی این الگو و میزان موفقیت آن بعد از ۱۱ سال می‌تواند در مطالعه کارآمدی الگوهای حکمرانی حائز اهمیت باشد.

#### بیشینه تحقیق:

حکمرانی خوب در ابتدا رویکرد اقتصادی داشت؛ یعنی هدف از شکل‌گیری آن توسعه اقتصادی بود (میدری و خیرخواهان، ۱۳۸۳، ص ۲۶). سپس با توجه به اینکه دولت به‌عنوان یکی از عناصر حکمرانی خوب، در میان مجموعه عناصر آن، باید قوی و باکیفیت ظاهر شود، رویکرد سیاسی نیز پیدا کرد. در زمینه توسعه اقتصادی، سه دیدگاه وجود دارد: دیدگاه دولت بزرگ، دیدگاه دولت کوچک و الگوی حکمرانی خوب. اینک هر یک از این دیدگاه‌ها بررسی می‌شود:

#### دیدگاه دولت بزرگ:

پس از جنگ جهانی دوم و همچنین پس از بحران بزرگ اقتصادی دهه ۱۹۲۹ م (میدری و خیرخواهان، ۱۳۸۳، ص ۲۶)، بیشتر نظریه‌پردازان و سیاست‌گذاران بر این باور بودند که تنها عاملی که می‌تواند از پس خرابی‌های جنگ و بحران و رکود اقتصادی برآمده و موجب توسعه اقتصادی شود، دولت است. از این رو، دولت همچنان که در بعدی سیاسی تقویت می‌شود، در بعد اقتصادی نیز باید تقویت گردد و گسترش پیدا کند (نادری

قمی، ۱۳۹۰). این رهیافت از سال ۱۹۴۵ م، یعنی پس از جنگ جهانی دوم، شروع شد و تا اواخر دهه ۱۹۷۰ م ادامه داشت. لازم به یادآوری است که این رویکرد بر اساس راهنمایی مشاوران و اقتصاددانان کینزی در غرب، به اجرا گذاشته شد (نادری قمی، ۱۳۸۳، ص ۸۰).

### دیدگاه دولت کوچک:

با گذشت قریب سه دهه از عمر نظریه قبل، ضعف و ناکارآمدی آن در صحنه اقتصادی آشکار شده و جای خود را به مفهوم متفاوت دیگری داده است؛ به عبارت دیگر، مفهوم دولت رفاه که تلویحاً مبین نقش جامع دولت (دولت بزرگ) در اداره امور و برنامه‌ریزی است و جایگزین نقش اولیه گروه‌ها و مؤسسات اجتماعی و خصوصی گردیده، به تدریج، در حال محو شدن است و در بیشتر موارد، مشاهده می‌گردد که جای خود را به مفهومی متفاوت داده است (رهنورد، ۱۳۸۸، ص ۲). از جمله ناکارآمدی‌ها و ضعف‌ها، می‌توان به تراکم نیروی کار در بنگاه‌های دولتی و نیز ایجاد بازدهی نزولی این بنگاه‌ها اشاره کرد (نادری قمی، ۱۳۹۰). این عوامل موجب شد بیشتر آن‌ها با زیان‌دهی مواجه شوند. ضعف و ناکارآمدی رهیافت دولت بزرگ راه را برای ظهور رهیافت دوم که از آن با عناوین اقتصاد بازار، مکتب شیکاگو و نئولیبرالیسم، اجماع واشنگتنی یا تعدیل ساختار یاد می‌شود، هموار ساخت. بر اساس این نظریه، دولت باید کوچک شود و نقش آن در تولید ناخالص داخلی و اقتصاد کاهش یابد. بر مبنای این نظریه، دولت باید در کارهای بازار کمتر وارد شود و بیشتر کارها را به نیروهای بازار واگذار کند. در چنین شرایطی، دیدگاه طرفداران اقتصاد بازار که خصوصی‌سازی را یک غایت و کمال مطلوب می‌دانستند و خواهان کاهش سهم دولت در تولید ناخالص داخلی بودند و به قدرت بازار، انتخاب مردم، کارآمدی رقابت و قیمت بازار اعتقاد داشتند و معتقد بودند که این شیوه می‌تواند جای تخصیص دولتی منابع را بگیرند، حاکم گردید. طبق این دیدگاه، بازارها بهترین نتایج را به بار می‌آورند و قیمت‌ها بهترین تخصیص‌دهنده منابع هستند و هرگونه دخالت دولتی برای تغییر آنچه بازارها به وجود می‌آورند ضد تولیدی شمرده می‌شود. با توجه به این رویکرد، نگاه به دولت به‌عنوان

عامل توسعه، به جدی‌ترین مانع توسعه تغییر یافت (دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام و دانشگاه آزاد اسلامی، ۱۳۸۹، ص ۱۱۵).

### الگوی حکمرانی خوب:

در اواخر دهه ۱۹۹۰ م رهیافت سومی ظهور و نمود پیدا نمود به نام رهیافت حکمرانی خوب. این رهیافت بر دو رهیافت پیشین غلبه پیدا نمود. بر اساس این رهیافت، دو رهیافت قبلی دارای اشکالات بودند. مثلاً، رهیافت اول بر تراکم نیروی کار در دولت و بازدهی نزولی تکیه داشت (صوفی مجیدپور، ۱۳۸۳(الف)، ص ۱۴). همچنین وجود هم‌زمان تورم و بیکاری در اقتصاد به صورت عموم و در کشورهای غربی به صورت خاص از پیامدهای اجرای آن بود. این اشکالات زمینه شکل‌گیری رویکرد دوم، یعنی اقتصاد بازار و رویکرد دولت کوچک را فراهم نمود (صوفی مجید پور، ۱۳۸۳(ب)، ص ۱۵). رهیافت دوم نیز دارای اشکالات متعددی بود. این اشکالات، از سوی کارشناسان بانک جهانی مانند جوزف استیگلیتز، معاون سابق بانک جهانی و ناگلاس نورث، اقتصاد نهادگرا، مطرح شده‌اند. این اشکالات را پس از بحران شرق آسیا و تجربه ناموفق کشورهای اروپای شرقی و شوروی (سابق) و بحران‌های متعدد مالی در طول ۲۵ سال، بر سیاست‌های تعدیل وارد نمودند و ضرورت اتخاذ اجماع پساواشنگتنی را به‌عنوان یک راهبرد جدید، سیاست‌گذاری مطرح کردند (صوفی مجیدپور، ۱۳۸۳، (ج) ص ۱۶)؛ مثلاً، یکی از اشکالات بازار آزاد، حتی در رقابتی‌ترین اقتصادهای جهان مانند آمریکا، این است که اگر این بازار آزاد توسط دولت تنظیم نشود موجب بحران و ورشکستگی اقتصادی خواهد شد (میدری و خیرخواهان، ۱۳۸۳(الف)، ص ۲۹). یا به گفته استریتن، بازار بدون مداخله دولت، نهادی بی‌رحم و ویرانگر خواهد شد (میدری و خیرخواهان، ۱۳۸۳(ب)، ص ۳۸). در این راهبرد جدید، مسئله ابعاد دولت، یعنی کوچک‌سازی، نقش محوری خود را به توانمندسازی دولت داد (صوفی مجیدپور، ۱۳۸۳ (د)، ص ۱۲). توانمندسازی دولت تنها از طریق کوچک‌سازی تحقق پیدا نمی‌کند، بلکه علاوه بر آن، از طریق شایسته‌سالاری، تمرکززدایی، همکاری و

نظارت نهادهای مدنی و استانداردهای نظام‌های آماری، پولی و بودجه‌ای تحقق پیدا می‌کند (میدری و خیرخواهان، ۱۳۸۳، ص ۲۹).

### تعریف حاکمیت و حکمرانی خوب!

واژه حکمرانی، واژه جدیدی است که به جای واژه قدیمی «دولت» در معنا و مفهوم به کار می‌رود. بانک جهانی حکمرانی را به صورت ذیل تعریف می‌کند: «روشی که بر اساس آن قدرت بر مدیریت اقتصادی یک کشور و منابع اجتماعی آن برای رسیدن به توسعه اعمال می‌شود». در فرهنگ لغت آکسفورد، حکمرانی «فعالیت یا روش حکم راندن، اعمال کنترل یا قدرت بر فعالیت‌های زیردستان و همچنین نظامی از قوانین و مقررات» تعریف شده است. توانمندسازی دولت، مفهومی است که اخیراً وارد ادبیات توسعه اقتصادی شده و در برابر دیدگاه‌های پیشین توسعه، دولت بزرگ و دولت کوچک را عامل توسعه نمی‌داند بلکه باور بر این است که جدای از اندازه دولت، توانایی دولت در انجام وظایف محوله نقش مهمی در توسعه و پیشرفت اقتصادی دارد. دولت‌ها می‌توانند با تقویت نهادهایشان، توانمندی‌شان را بهبود بخشند. این امر مستلزم نهادینه ساختن قوانین و هنجارهایی است که به مقامات دولتی انگیزه می‌دهد تا طبق منافع جمع عمل کنند. حکمرانی خوب چارچوبی است که به دنبال شنیدن صدای عامه مردم در تصمیم‌گیری‌ها و خط‌مشی‌گذاری دولتی است از این طریق تصمیمات بیشتر به خواست‌ها و نیازهای اجتماعی نزدیک می‌شود و تحقق آرمان دموکراسی و مشارکت امکان‌پذیرتر خواهد شد. مفهوم حکمرانی خوب ترکیبی از بهترین مدیریت‌های سیاسی، اقتصادی و اجرایی منابع کشور برای رسیدن به اهداف تعیین شده است. در این چارچوب، نهادها و گروه‌های ذی‌نفع اقتصادی و اجتماعی می‌توانند راهکارها و خواسته‌های مشروع و قانونی خود را در حکمرانی به کار ببندند (صباغ و باسنا، ۱۳۸۸: ۴۴). چنین ادعا می‌شود که حکمرانی خوب محیطی مناسب برای سرمایه‌گذاری فراهم می‌کند و به درآمد بالا و کاهش فقر منجر شده و شاخص‌های



اجتماعی بهتری را فراهم می‌کند. بنا بر گزارش برنامه توسعه سازمان ملل، حکمرانی می‌تواند به‌مثابه یک مرجع اقتصادی، سیاسی و اجرایی برای مدیریت امور یک کشور در کلیه سطوح عمل کند. آن به نظام‌ها، فرآیندها و نهادهایی می‌پیوندد که شهروندان از طریق آن‌ها منافع و علائق خود را بیان کرده، حقوق قانونی خود را اعمال نموده، تعهدات خود را ایفا کرده و تفاوت‌هایشان را تعدیل می‌نمایند. مطالعات نشانگر آن هستند که تعامل چهره به چهره، اطمینان و اعتماد حاصل از آن ظرفیت مردم را برای همکاری و مشارکت داوطلبانه افزایش می‌دهد. اطمینان و مشارکت داوطلبانه، با کمک به شهروندان در جهت حل مسائل مشترکشان، پایه و اساس یک حکمرانی خوب (پاسخگو و منصف) شناخته می‌شوند (پاتنام، ۲۰۰۰). حکمرانی خوب به معنای تمرکز بر پیامدها و نتایج سازمان‌ها برای شهروندان و مصرف‌کنندگان خدمات است. عملکرد حکومت برای کسب اطمینان از این است که یک سازمان، اهداف کلی خود را برآورده کند، به نتایج مورد نظر خود برای شهروندان و کاربران خدمات دست یابد و به شیوه‌ای مؤثر، کارآمد و اخلاقی عمل کند. دولت‌ها بیشتر بر خروجی‌ها تأکید دارند، در حالی که در حکمرانی بر پیامدها و نتایج تأکید می‌شود (مقیم و اعلائی، ۱۳۸۸). داشتن هدف سازمانی روشن و مجموعه‌ای از اهداف مشخصه حکمرانی خوب است. در چنین شرایطی آگاهی مردم ارتقا می‌یابد و عملکرد حاکمان مورد نقد واقع می‌شود و دولت‌ها ناچار به عملکرد کاراتر می‌شوند، در غیر این صورت توسط آرای مردم، از چرخه قدرت حذف می‌شوند (سعیدی، ۱۳۸۶). هدف از حکمرانی خوب ایجاد تغییر و تحولاتی در مدیریت دولتی است که به دموکراسی و مشارکت شهروندان و همچنین توسعه اجتماعی - اقتصادی منجر شود. حکمرانی به معنای نظامی پیچیده از تعاملات بین ساختارها، سنت‌ها، کارکردها و فرآیندها است که سه ارزش اصلی پاسخگویی، شفافیت و مشارکت را در بردارد (دباغ و نفری، ۱۳۸۸). حکمرانی خوب سازوکارها، فرآیندها و نهادهایی است که به‌واسطه شهروندان، گروه‌ها و نهادهای مدنی به منافع خود دست می‌یابند و تعهدات را برآورده می‌کنند (ابراهیم‌پور و روشندل اربطانی، ۱۳۸۷). حکمرانی خوب را می‌تواند نوعی رویکرد هنجاری در نظر گرفت؛ چراکه

به دیگر دیدگاه‌های قبلی که اغلب به توصیف مفهوم حکمرانی و مدیریت دولتی می‌پرداختند. دستورالعمل‌ها و توصیه‌های بیشتری دارد حکمرانی خوب به جای بیان «آنچه هست» به اظهار نظر درباره «آنچه باید باشد» می‌پردازد (گریندل، ۲۰۰۰). حکمرانی مستلزم حکومت، جامعه مدنی فعالان اجتماعی و اقتصادی، نهادهای جامعه‌محور و گروه‌های ساختار نیافته، رسانه‌ها و غیره می‌شود که در تمام سطوح، محلی، ملی، منطقه‌ای و جهانی معنا می‌یابد (دباغ و تفری، ۱۳۸۵). این مفهوم در سازمان‌ها نیز کارکرد بیشتری پیدا می‌کند چراکه زمانی در جامعه به مفهوم حکمرانی خوب دست می‌یابیم که در سازمان‌ها به آن دست یافته باشیم، چراکه جامعه را سازمان‌های آن تشکیل می‌دهند. استاندارد حکمرانی خوب برای خدمات عمومی، برای استفاده از تمام امکانات سازمان و برای مشارکت‌هایی در نظر گرفته شده است که برای عموم مردم و با استفاده از پول مردم کار می‌کنند. بسیاری از این‌ها سازمان‌های بخش عمومی هستند که خدمات آن‌ها به‌طور مستقیم توسط اعضای جامعه یا افرادی استفاده می‌شود که مسئول فعالیت‌هایی هستند که کمتر قابل مشاهده است، مانند مقررات و سیاست‌های توسعه (آماندا لیتل، ۲۰۰۴). اصول حکمرانی خوب از دید لیتل (۲۰۰۴) شامل مؤلفه‌های زیر است:

تشویق سهامداران و ایجاد پاسخگویی واقعی؛

ترویج ارزش‌ها برای کل سازمان و نشان‌دهنده حکمرانی خوب از طریق رفتار؛

عملکرد اثربخش در عوامل و نقش‌های به وضوح تعریف شده؛

تمرکز بر اهداف و خروجی‌های سازمان‌ها برای شهروندان و مصرف‌کنندگان خدمات؛

تصمیم‌گیری شفاف، آگاهانه و مدیریت مخاطرات؛

توسعه ظرفیت و قابلیت هیئت حاکمه برای اثربخشی بیشتر.

همان‌طور که مشاهده می‌شود، عمده اصولی که منجر به حکمرانی خوب در سازمان‌ها می‌شود، مربوط به رهبری است که یک رهبری خوب در سازمان‌ها همان رهبری اخلاقی است که دارای ویژگی‌های عدالت، صداقت و اثربخشی است (اصفهانی و غضنفری، ۱۳۹۲). رهبری اخلاقی به صورت نمایش رفتار مناسب هنجاری از طریق اعمال فردی،

ارتباطات بین فردی و ترویج چنین رفتاری بین پیروان از طریق ارتباطات دوسویه، تقویت و تصمیم‌گیری تعریف شده است (والومیا و همکاران، ۲۰۱۰).

براون و همکارانش (۲۰۰۷) رهبری اخلاقی را به‌عنوان توسعه رفتارهای مناسب هنجاری از طریق اعمال شخصی و روابط متقابل شخصی و ارتقای چنین رفتارهایی به زیردستان از راه ارتباطات دوطرفه، تقویت و تصمیم‌گیری تعریف کردند. کافمن و همکارانش در بانک جهانی برای بیان حکمرانی شش شاخص حق اظهار نظر و پاسخ‌گویی، ثبات سیاسی، حاکمیت قانون، کنترل فساد، کیفیت بوروکراسی و اثربخشی دولت را بیان کردند و باور بر این است که هر قدر در کشور، دولت پاسخگوتر، کارآمدتر و ثبات سیاسی بیشتر، مقررات اضافی و هزینه‌ها کمتر و حاکمیت قانون گسترده‌تر و فساد محدودتر باشد، گفته می‌شود که حکمرانی خوب برقرار است (کافمن، ۲۰۰۶: ۳). حکمروایی دو وجه دارد. برخی مواقع تأکید بر نهادها، ساختارها و سازمان‌هاست، یعنی جنبه عینی دارد و برخی زمان‌های دیگر به‌عنوان فرآیند به کار می‌رود. وقتی حکمروایی به‌منظور نیاز اجتماعی، نیروی اجتماعی و حرکت اجتماعی برای ادامه زندگی باشد، فرآیندی محسوب می‌شود که باید به شکلی نهادمند و قانونی درآید. به اعتقاد من هر نوع تحولی سه مرحله دارد: مفهوم‌سازی، نهادسازی و پس از آن فرهنگ‌سازی، به‌طور مثال موضوع شوراها و جامعه مدنی در ایران مطرح شد. سپس در قانون تجلی پیدا کرد و مؤسساتی به وجود آمد. در دنیا هم ابتدا نیاز به تغییر و تحول، خود را نشان داد و سپس تعمیم یافت. امروزه در سطح جهانی، حکومت و حاکمیت بشری، رویکرد نوینی را می‌طلبد. حکمروایی هم شامل نیروها و انگیزه‌های اجتماعی است و هم شامل سازمان‌ها و نهادهایی که می‌توانند به آن تحقق بیرونی بخشند (مهدی‌زاده، ۱۳۸۶: ۱۱).

### حکمرانی در اتحادیه اروپا

#### معرفی اتحادیه اروپا:

اتحادیه اروپا یک اتحادیه اقتصادی - سیاسی است که از ۲۷ کشور اروپایی تشکیل شده است. منشأ اتحادیه اروپا به جامعه اقتصادی اروپا که در سال ۱۹۵۷ م با توافقنامه رم

بین شش کشور اروپایی شکل گرفت، باز می‌گردد. از آن تاریخ با اضافه شدن اعضای جدید، اتحادیه اروپا بزرگ‌تر شد. در سال ۱۹۹۳ م، توافق ماستریخت چارچوب قانونی کنونی اتحادیه را پایه‌گذاری کرد.

اتحادیه اروپا در سال ۱۹۹۹ م واحد پول مشترکی به نام یورو را معرفی کرد که تاکنون در ۱۷ کشور جایگزین پول‌های ملی شده است. اتحادیه اروپا با ۵۰۰ میلیون شهروند ۳۱٪ تولید ناخالص داخلی سال ۲۰۰۷ م در جهان را تولید کرده است. (۱۵۰۸ تریلیون دلار) ۲۱ کشور از اعضای اتحادیه اروپا عضو ناتو می‌باشند. اتحادیه در حال حاضر بازار واحد مشترکی دارد که موارد زیر را در برمی‌گیرد: اتحادیه گمرکی، واحد پول -یورو- که تحت اداره بانک مرکزی اروپاست (تاکنون ۱۷ کشور از ۲۷ کشور عضو آن را پذیرفته‌اند)، سیاست مشترک کشاورزی، سیاست مشترک تجارت و سیاست مشترک شیلات. سیاست مشترک خارجه و امنیت نیز به‌عنوان دومین ستون از سه ستون اتحادیه اروپا شکل گرفت. پیمان شنکن کنترل رواید را لغو کرد، ایست‌های گمرکی نیز در بسیاری از مرزهای داخلی برداشته شد و امکان رفت و آمد شهروندان اتحادیه اروپا برای زندگی، مسافرت، کار و سرمایه‌گذاری بیشتر شد. مهم‌ترین نهادهای اتحادیه اروپا عبارت‌اند از: شورای اتحادیه اروپا، کمیسیون اروپا، دادگاه اروپا، کنگره اروپا، شورای اروپا و بانک مرکزی اروپا. فعالیت‌های اتحادیه اروپا اکثر سیاست‌های عمومی را تحت پوشش قرار می‌دهد، از سیاست اقتصادی گرفته تا امور خارجه، دفاع، کشاورزی و تجارت. با این حال، گستره قدرت آن در حوزه‌های مختلف بسیار متفاوت است. در برخی حوزه‌ها اتحادیه مانند فدراسیون عمل می‌کند (برای مثال در مسائل پولی، کشاورزی، تجاری، محیط زیست و سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی) و در دیگر حوزه‌ها مانند یک سازمان بین‌المللی (برای مثال در امور خارجه).

### معرفی نهادهای تصمیم‌سازی اتحادیه اروپا:

نهادهای اتحادیه اروپا شامل هفت نهاد اصلی تصمیم‌سازی است. این نهادها چنان‌که در اصل ۱۳ معاهده اتحادیه اروپا فهرست شده عبارت‌اند از: پارلمان اروپا، شورای اروپایی،

شورای اتحادیه اروپا، کمیسیون اروپا، دیوان دادگستری اتحادیه اروپا، بانک مرکزی اروپا و دادگاه اروپایی این نهادها از سازمان‌های اتحادیه اروپا متفاوت‌اند.

### شورای عالی اروپا:

شورای اروپا از سران کشورهای عضو تشکیل شده و بالاترین ارگان اتحادیه اروپا است. شورای عالی اروپا نخست در سال ۱۹۷۵ م به صورت غیر رسمی تأسیس شد و سپس در سال ۲۰۰۹ م میلادی، مطابق با پیمان لیسبون به یکی از نهادهای رسمی اتحادیه اروپا تبدیل شد. جلسات این نهاد با حضور سران دولت‌ها یا سران حکومت‌های کشورهای عضو اتحادیه اروپا به همراه رئیس شورای اتحادیه اروپا، رئیس کمیسیون اروپا و نماینده عالی اتحادیه اروپا در سیاست خارجی و امور امنیتی برگزار می‌شود. با وجود آنکه این شورا حق قانون‌گذاری ندارد، اما مطابق با پیمان لیسبون برای مشخص کردن «جهت‌گیری‌های کلی سیاسی و اولویت‌های اتحادیه اروپا» بنیان نهاده شده است؛ بنابراین این شورا یکی از نهادهای استراتژیک اتحادیه اروپا به شمار می‌رود. جلسات این شورا، معمولاً با عنوان نشست سران اتحادیه اروپا شناخته می‌شود. این جلسات معمولاً حداقل دو بار در هر نیمه سال در ساختمان ستاد شورای اروپا در بروکسل برگزار می‌شود. طول مدت مقام ریاست این شورا دو سال و نیم است. رئیس شورا می‌تواند فقط دو دوره در مقام ریاست باشد؛ یعنی حداکثر پنج سال.

### کمیسیون اروپا:

نقش قوه مجریه را در اتحادیه اروپا ایفا می‌نماید. این کمیسیون مسئول پیشنهاد قوانین، اجرای تصمیم‌گیری‌ها، تنفیذ پیمان‌نامه‌ها و روی هم رفته انجام کارهای روزمره اتحادیه اروپا است. ساختار کمیسیون اروپا به صورت کابینه‌ای متشکل از ۲۷ نماینده است. اعضای کمیسیون اروپا را کمیسار می‌نامند و هر یک از کشورهای عضو اتحادیه اروپا دارای یک نماینده در کمیسیون اروپا هستند. اعضای کمیسیون صاحب‌منصب‌های اداری هستند که از طرف دولت خود برای عضویت در کمیسیون معرفی می‌شوند. اعضای کمیسیون هر بار برای مدت پنج سال انتصاب می‌شوند. هر کمیسار عهده‌دار مسئولیتی در زمینه معینی از

سیاست اتحادیه می‌باشد. مسئولیت اخذ تصمیم در مورد ارجاع وظایف مختلف به اعضای کمیسیون، با رئیس کمیسیون است. رئیس کمیسیون از طرف شورای عالی اروپا تعیین می‌گردد. دفتر اصلی کمیسیون اروپا در شهر بروکسل پایتخت بلژیک قرار دارد.

### پارلمان اروپا:

یک نهاد رسمی قانون‌گذاری در اروپا است. پارلمان اروپا، به همراه شورای وزیران قوانین جاری بر اتحادیه اروپا را تصویب می‌نمایند. این پارلمان، مجلس نمایندگان تمام شهروندان کشورهای عضو اتحادیه اروپا است. اتباع هر کشور عضو اتحادیه اروپا می‌توانند نمایندگان خود را برای پارلمان اروپا در رأی‌گیری‌های همگانی انتخاب کنند. تعداد نمایندگان هر کشور عضو در پارلمان اروپا، به نسبت جمعیت آن کشور تعیین می‌شود. به عبارت دیگر؛ تعداد نمایندگان کشورهای پرجمعیت از کشورهای کم‌جمعیت بیشتر است. به علت آنکه نمایندگان آن به‌طور مستقیم از سوی شهروندان اروپایی انتخاب می‌شوند، سمبل دموکراسی در اتحادیه اروپا به حساب می‌آید. نمایندگان پارلمان هر بار برای یک دوره پنج‌ساله انتخاب می‌شوند. پارلمان اروپا بر کمیسیون اروپا نظارت می‌کند تا جایی که رئیس و اعضای کمیسیون موظف به اخذ رأی اعتماد از پارلمان هستند و پارلمان می‌تواند آنان را به‌صورت دسته‌جمعی استیضاح کند. پارلمان به همراه شورای اتحادیه اروپایی مسئولیت تصمیم‌گیری در مورد بودجه اتحادیه و نظارت بر مصرف آن را دارد. هشتمین دوره این پارلمان از ماه ژوئیه سال ۲۰۱۴ م آغاز شده و تا ماه ژوئیه سال ۲۰۱۹ م ادامه خواهد داشت. در این دوره ۷۵۱ کرسی این پارلمان بین کشورهای عضو تقسیم شده است. جلسات پارلمان در دو محل برگزار می‌گردند: بروکسل در بلژیک و استراسبورگ در فرانسه. اجلاس‌های عمومی ماهی یک‌بار در استراسبورگ تشکیل می‌شوند. جلسات فوق‌العاده در بروکسل برگزار می‌گردند.

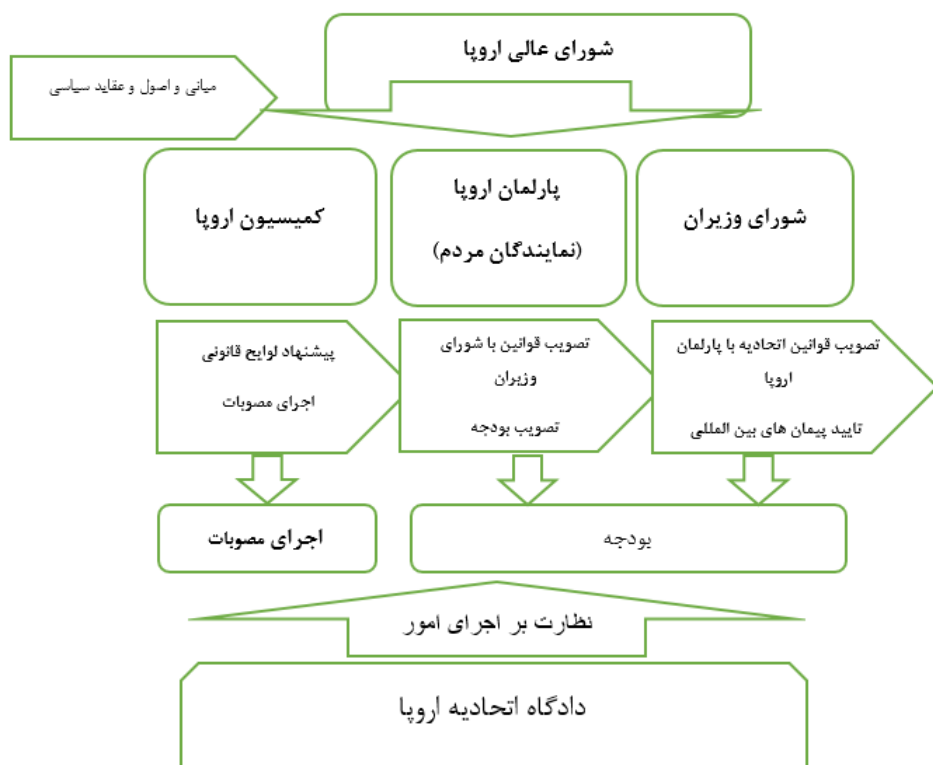
### شورای اتحادیه اروپا:

شورای اتحادیه اروپا را به نام شورای وزیران نیز می‌خوانند. این شورا را می‌توان هیئت دولت اتحادیه اروپا قلم داد نمود. وزیران تمام ۲۷ کشور عضو اتحادیه، اعضای شورای

وزیران را تشکیل می‌دهند. در جلسات این شورا، از هر کشور آن وزیری شرکت می‌کند که موضوع جلسه در ارتباط با وزارتخانه او است. به این معنی که اگر موضوع جلسه سیاست خارجی اتحادیه باشد، وزرای خارجه کشورهای عضو شرکت دارند؛ یا چنانچه امور کشاورزی مورد بررسی است، وزرای کشاورزی در این جلسه حضور به هم می‌رسانند. این شورایی است از نمایندگان دولت‌های عضو. کار شورا تصویب قوانین، رهنمودها و احکام است. شورای وزیران قوانین را همراه با پارلمان اروپا به تصویب می‌رساند. شورا به همراه پارلمان اروپا بودجه اتحادیه اروپا را نیز تصویب می‌کنند، یعنی وضعیت امور مالی را برآورد می‌نمایند. همچنین پیمان‌های بین‌المللی که از پیش مورد مذاکره کمیسیون اروپا بوده و آماده شده، به وسیله این شورا تأیید می‌شوند. نماینده هر یک از کشورهای عضو اتحادیه، به نوبت، به مدت شش ماه رئیس این شورا می‌باشند.

### دادگاه اروپا:

دادگاه اروپا ناظر این است که قوانین مصوبه توسط اتحادیه اروپا و دولت‌های عضو اتحادیه، در چارچوب پیمان‌های اساسی تأسیس اتحادیه اروپا باشند. همچنین، تشخیص اینکه آیا قوانین مصوبه توسط دولت‌های عضو، موافق با قوانین و رهنمودهای اتحادیه اروپا است، با دادگاه اتحادیه اروپا می‌باشد. این دادگاه عالی که در واقع دیوان عالی اتحادیه اروپا است، به دعاوی بین کشورهای عضو و دعاوی بین ارگان‌های مختلف اتحادیه اروپا نیز رسیدگی می‌کند. همچنین اگر یکی از مسئولین و یا ارگان‌های اتحادیه اروپا به حقوق اتباع، اشخاص حقوقی و سایر نهادهای اتحادیه اروپا تجاوز نماید، این‌ها نیز می‌توانند از دادگاه اروپا درخواست رسیدگی کنند.



شکل ۲ نهاد‌های تصمیم‌سازی در اتحادیه اروپا

### اصول و نحوه کار اتحادیه اروپا:

اتحادیه اروپا دستوراتی صادر می‌کند که به وسیله آن‌ها قوه مقننه کشورهای عضو را هدایت و هماهنگ می‌سازد. این دستورات به چهار دسته تقسیم می‌شوند:

۱- قانون؛

۲- رهنمود؛

۳- حکم؛

۴- توصیه.



قوانین، رهنمودها و احکام صادره از طرف اتحادیه اروپا، قدرت اجرایی بیشتری دارند تا احکام و قوانینی که هر کشور عضو به تنهایی صادر می‌شوند. هر یک از کشورهای عضو باید از دستورات اتحادیه اروپا پیروی کند.

### قانون:

بالاترین نوع دستور قانون است. قوانین مصوبه در اتحادیه اروپا درست به همان شکل در کشورهای عضو قابل اجرا می‌باشند.

### رهنمود:

دستورالعملی است که بر پایه آن هر کشور عضو برای خودش قانون وضع کند. در واقع رهنمود راهنمایی است برای وضع قوانین داخلی هر کشور عضو. هر دولتی می‌تواند راه و روش خود را برای به تحقق رساندن رهنمودها پیدا کند. با صدور رهنمود، سعی می‌شود تا کیفیت خدمات و کالاهای تولیدی و میزان امنیت در تمام کشورهای عضو اتحادیه اروپا یکسان و هم‌تراز شوند.

رهنمودهای اتحادیه اروپا به طرق مختلف بر زندگانی اهالی اروپا تأثیر گذاشته است. به‌خصوص اتحادیه اروپا در زندگانی کشاورزان تغییرات بزرگی ایجاد نموده است. اتحادیه اروپا به کشاورزان یارانه و کمک‌های مالی زیادی می‌کند؛ در نتیجه نظارت دارد که آن‌ها مطابق رهنمودهای داده شده عمل کنند.

### حکم:

احکام مکمل‌هایی است برای قوانین و رهنمودهای صادره. عموماً احکام برای یک یا چند کشور عضو صادر می‌گردند.

### توصیه:

کم‌قدرت‌ترین دستورات اتحادیه اروپا توصیه است. کشورهای عضو اجباری برای پیروی از توصیه‌ها ندارند. هدف از صدور توصیه‌های اختیاری این است که طرق عملکرد کشورهای عضو به تدریج به یک جهت سوق داده شود.

## پیمان اساسی:

کارکرد اتحادیه اروپا بر پایه موازین پیمان‌های اساسی می‌باشد. پیمان اساسی عهدنامه‌ای بین‌المللی است که توسط کشورهای عضو امضا گردیده است. کلیه دولت‌های عضو اتحادیه اروپا باید مفاد پیمان اساسی را رعایت کنند. به همین دلیل، اتحادیه اروپا فقط در مناطقی اعمال قدرت دارد؛ که به موجب پیمان اساسی به آن اختیار داده شده باشد. در صورت لزوم، در پیمان‌های اساسی تجدید نظر و اصلاح به عمل می‌آید. درباره پیمان‌های اساسی و اصلاحات آن، کشورهای عضو متفق‌الرأی تصمیم می‌گیرند. در پیمان اساسی ارزش‌ها و اصول اتحادیه اروپا مندرج گردیده است. در همین پیمان وظایف و شیوه تصمیم‌گیری اتحادیه اروپا نیز قید گردیده است. علاوه بر این‌ها، روابط بین اتحادیه اروپا و کشورهای عضو و حدود اختیارات هر کدام در پیمان‌نامه اساسی معین شده‌اند. آخرین پیمان اساسی اتحادیه اروپا در سال ۲۰۰۷ میلادی در لیسبون منعقد گردید. پیمان لیسبون در سال ۲۰۰۹ میلادی به قدرت اجرا درآمد. پیمان اساسی جدید، به اتحادیه اروپا اختیار داد که معاهدات بین‌المللی را نیز منعقد کند. هدف این بود که بازار مشترک اروپا در اتحادیه اروپا ادغام گردد؛ تا به این ترتیب فقط یک سازمان نقش اجرایی را عهده‌دار باشد. بعد از انعقاد پیمان لیسبون، در تاریخ ۱ دسامبر سال ۲۰۰۹ میلادی، به کار بازار مشترک اروپا خاتمه داده شد.

## حقوق شهروندان اتحادیه اروپا، مندرج در پیمان‌نامه حقوق اساسی:

### احترام و رعایت حریم اشخاص:

به حریم اشخاص نباید تجاوز شود. هیچ‌کس اجازه ندارد که با بدن یا روان دیگری بدرفتاری و یا آن را آزرده کند. هر فرد حق حیات دارد. هیچ‌کس را نمی‌توان به مرگ محکوم و مجازات کرد. شکنجه و جزای تحقیرآمیز ممنوع است. بردگی و کار اجباری نیز منع شده است. خرید و فروش انسان‌ها ممنوع است.

## آزادی:

هر کس حق دارد که آزاد و در امنیت به سر ببرد. باید به حریم خانه، خانواده و ارتباطات خصوصی افراد احترام گذاشت. هر فردی حق دارد که ازدواج کرده و تشکیل خانواده دهد. اطلاعات خصوصی افراد باید محرمانه قلمداد شده و از آنها حفاظت شود. آزادی انتخاب مذهب، آزاداندیشی، آزادی کلام و آزادی‌های جمعی شامل حال تمام افراد جامعه می‌شوند. هر نفر حق دارد تحصیل کند، به استخدام درآید، برای خود شغل آزاد انتخاب نماید و صاحب دارایی شود. هر فردی حق دارد به هر کشوری در اتحادیه اروپا پناهنده شود؛ نمی‌توان او را به کشور ناامنی اخراج نمود.

## برابری:

از دیدگاه قانون، تمام افراد جامعه با یکدیگر یکسان و برابر هستند. هر نوع تبعیض ممنوع است. فرهنگ‌ها، مذاهب و زبان‌های متفاوت مورد احترام هستند. در هر مشغله‌ای باید بین زن و مرد تساوی حقوق حکم کند و هر کدام باید در ازای انجام کارهای یکسان، دستمزدی برابر دریافت کنند. کودکان هم دارای حقوقی از جمله حق حمایت و حق سرپرستی و مراقبت‌های مورد نیاز هستند. نوجوانان حق دارند که در مورد امور مربوطه نظرات خودشان را ابراز دارند. منافع کودکان همیشه باید مد نظر باشند. سالمندان نیز از حقوق زندگانی مستقل، شایسته و انسانی برخوردار هستند. معلولین حق دارند که برای پیشبرد سازواری خود در جامعه و تشکیل زندگانی مستقلی برای خود، در فعالیتهای مناسب و مورد نیازشان شرکت کنند.

## مسئولیت‌های همگانی:

کارکنان بخش خصصه‌وصی حق دارند که در مورد انجام وظایف شغلی خود، اطلاعات لازم را دریافت کرده و همچنین از آنها نظرخواهی شود. کارکنان، کارفرمایان، اتحادیه‌های کارگری و سندیکاهای کارفرمایان مجاز هستند که با یکدیگر مذاکره کرده و عهدنامه امضا کنند. در صورت لزوم، اتحادیه‌های کارکنان حق دارند که برای کسب حقوق خود مبارزه کرده و دست به اعتصاب بزنند. برای یافتن کار، هر فردی از خدمات کاریابی

رایگان برخوردار است. از کارکنان در مقابل اخراج‌های بدون دلیل موجه حمایت می‌شود. کارکنان هر سازمانی، دارای حق برخورداری از محیط کار و شرایط کار سالم و شایسته انسان هستند. حداکثر ساعات هر کار مقرر شده، یعنی در هر روز و هر هفته کار، باید اوقات فراغت کافی وجود داشته باشد. کارکنان در روزهای مرخصی نیز حقوق دریافت می‌کنند. استخدام خردسالان در کارهای انتفاعی ممنوع است. محیط کار کارکنان جوان باید دارای ایمنی‌های لازم و کافی باشد. از تشکل خانواده نیز حمایت می‌شود و نمی‌توان کسی را به خاطر بچه‌دار شدن از کار اخراج نمود. هر فردی که به‌طور قانونی در اتحادیه اروپا سکونت داشته باشد، از حقوق و مزایای تأمین اجتماعی برخوردار می‌شود. استفاده از خدمات بهداشتی، بهزیستی و پیشگیری و درمان بیماری شامل حال تمام شهروندان اتحادیه اروپا می‌باشد. البته کیفیت و کمیت مزایای اجتماعی و خدمات درمانی، توسط وضع قوانین هر کشور عضو، به‌طور جداگانه تعیین می‌گردند. از مصرف‌کنندگان کالا نیز به‌طور قانونی حمایت می‌شود. همچنین پیوسته برای حفظ محیط زیست کوشش می‌گردد.

### حقوق شهروندان اتحادیه:

هر یک از اتباع اتحادیه اروپا حق دارد که در انتخابات پارلمان اروپا رأی دهد و یا خود را نامزد (کاندیدا) کند. به‌علاوه، اتباع اتحادیه اروپا می‌توانند در انتخابات محلی کشور محل اقامت خود نیز رأی داده و یا خود را نامزد اعلام کنند. شهروندان دولت‌های عضو اتحادیه اروپا از این حق برخوردارند که دارای حکمومی بی‌طرف، عادل و باکفایت و کارآمد باشند. هر فردی حق دارد که به مدارک و اسناد سازمان‌ها و نهادهای مختلف اتحادیه اروپا دسترسی داشته باشد. اتباع اتحادیه اروپا و افرادی که در کشورهای عضو اتحادیه اقامت دارند، همچنین مؤسسات انتفاعی و غیر انتفاعی مستقر در اتحادیه اروپا، می‌توانند برای رسیدگی به شکایات خود به پارلمان اروپا متوسل شوند. همچنین آن‌ها حق دارند که دادخواستی تنظیم کرده و آن را به دادیار اتحادیه اروپا ارائه دهند. هر شهروند اتحادیه اروپا می‌تواند در هر یک از کشورهای عضو اتحادیه اروپا آزادانه آمد و رفت کند و یا سکونت داشته باشد. اتباع اتحادیه اروپا حق دارند که در صورت لزوم به هر

یک از نمایندگی‌های سیاسی و یا کنسولگری‌های دولت‌های عضو اتحادیه پناه برده و درخواست حراست کنند.

### عدالت اجتماعی:

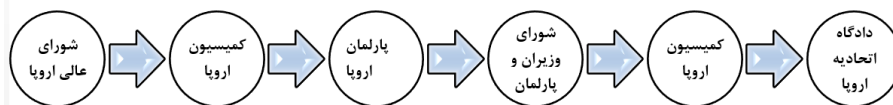
هر شهروند اتحادیه اروپا دارای حق برخورداری از خدمات قوه قضائیه و دادرسی بی‌طرفانه است. متهمین تا زمانی که قانوناً جرمشان به اثبات نرسیده بیگناه شمرده می‌شوند. هر متهمی حق دارد که برای دفاع از خود به وکیل دعاوی متوسل شود. برای هیچ جرمی نمی‌توان مجازات بیشتری از آنچه در قانون جزای زمان دادرسی تعیین شده حکم صادر نمود. برای ارتکاب یک جرم نمی‌توان شخصی را بیش از یک بار متهم و مجازات نمود.

### ساختار تصمیم‌گیری در اتحادیه اروپا:

کلیه ارگان‌ها و نهادهای اتحادیه اروپا به نحوی در اخذ تصمیمات شرکت دارند. نحوه اخذ تصمیمات در اتحادیه اروپا به شرح زیر است:  
سران کشورهای عضو تصمیمات مربوط به خط‌مشی سیاسی را در شورای عالی اروپا اخذ می‌کنند؛

کمیسیون اروپا لایحه‌های قوانین جدید را پیشنهاد می‌کند؛  
پارلمان اروپا لایحه‌های قوانین را بررسی کرده و به همراه شورای وزیران اخذ تصمیم می‌کند؛

شورای وزیران و پارلمان به‌طور مشترک قوانین را تصویب می‌کنند؛  
کمیسیون اروپا نظارت دارد که تمام کشورهای عضو از قوانین جدید پیروی کنند؛  
دادگاه اروپا به اختلافات ممکنه رسیدگی می‌کند.



شکل ۲ مسیر تصمیم‌گیری در اتحادیه اروپا

### اصول حکمرانی خوب از منظر اتحادیه اروپا:

بر اساس تعریف اتحادیه اروپا: «حکمرانی خوب مدیریت شفاف و پاسخگویی منابع در یک کشور با هدف تضمین توسعه اقتصادی و اجتماعی عادلانه و پایدار است» (هداوند، ۱۳۸۴: ۷۷). با تصمیم و تصویب شورای وزیران اروپا از سال ۲۰۰۸ میلادی، ۱۲ اصل برای حکمرانی خوب مشخص و در استراتژی نوآوری و حکمرانی خوب در سطح دولت‌های محلی گنجانده شد. همچنین سیاست‌گذاران اتحادیه ابزارهایی برای کمک به دولت‌های محلی و مقامات اتحادیه اروپا برای رصد رعایت این اصول و در نتیجه ارائه خدمات بهتر به شهروندان ایجاد کردند و نشان حکمرانی برتر اروپا به مقامات محلی اعطا می‌شود که به سطح کلی بالایی از حکمرانی خوب رسیده باشند که برابر معیارهای مربوطه اندازه‌گیری شده باشد. نشان حکمرانی برتر اروپا یک نشان کریستال ۱۲ وجهی است که بر روی هر یک از وجوه آن اصول ۱۲ گانه حکمرانی خوب مردم‌سالار از منظر این اتحادیه حکاکی شده است. این نشان به مقاماتی اهدا می‌شود که در سطح ملی و منطقه‌ای از دید ذینفعان از نظر حکمرانی به رتبه کلی بالایی دست یافته و مورد تأیید شورای اروپا نیز قرار گرفته باشد. مقامات محلی که مایل به درخواست این نشان هستند با توجه به ابزارهای زیر ارزیابی می‌شوند: ماتریس ارزیابی عملکرد آن‌ها، پرسشنامه خطاب به شهروندان و پرسشنامه خطاب به نمایندگان منتخب محلی. این ارزیابی به مقامات محلی این امکان را می‌دهد تا هنگام ارائه خدمات عمومی به جامعه محلی و اعمال قدرت عمومی و استفاده از اختیارات، نقاط قوت و ضعف کار خود را درک کنند. برای بهبود کیفیت مدیریت محلی، مقامات محلی می‌توانند از ابزارهای مختلفی که توسط مرکز خبره اتحادیه اروپا تولید شده است استفاده کنند و از بهترین اقدامات همکارانشان الهام بگیرند. اصول ۱۲ گانه حکمرانی خوب شامل اصول زیر است:

جدول ۱ اصول ۱۲ گانه حکمرانی خوب

ردیف	اصول ۱۲ گانه حکمرانی خوب	مؤلفه‌ها
۱	Fair Conduct of Elections, Representation and Participation انتخابات عادلانه، نمایندگی و مشارکت	<p>۱. انتخابات محلی به‌طور آزاد و منصفانه، مطابق با استانداردهای بین‌المللی و مقررات ملی و بدون هیچ‌گونه کلاهبرداری انجام می‌شود.</p> <p>۲. شهروندان در مرکز فعالیت‌های عمومی قرار دارند و در راه‌های واضح و مشخص در زندگی اجتماعی در سطح محلی درگیر هستند.</p> <p>۳. همه زن و مرد می‌توانند در تصمیم‌گیری چه به‌طور مستقیم و چه از طریق نهادهای واسطه‌ای معتبر که نماینده منافع آن‌ها هستند، صدا در تصمیم‌گیری داشته باشند. چنین مشارکت گسترده‌ای بر آزادی بیان، تجمع و اجتماع بنا شده است.</p> <p>۴. تمام صداها، از جمله صدای افراد با امتیاز کمتر و آسیب‌پذیر، در تصمیم‌گیری‌ها، از جمله بیشتر در مورد تخصیص منابع، شنیده می‌شود و مورد توجه قرار می‌گیرد.</p> <p>۵. همواره تلاش صادقانه‌ای برای میانجی‌گری بین منافع مختلف حقوقی و دستیابی به اجماع گسترده درباره آنچه به نفع کل جامعه است و چگونگی دستیابی به این امر همواره وجود دارد.</p> <p>۶. تصمیمات مطابق خواست اکثریت گرفته می‌شود، در حالی که حقوق و منافع قانونی اقلیت افراد محترم شمرده می‌شوند.</p>
۲	پاسخگویی Responsiveness	<p>۷. اهداف، قواعد، ساختارها و رویه‌ها با انتظارات و نیازهای قانونی شهروندان سازگار است.</p> <p>۸. خدمات عمومی ارائه می‌شود و درخواست‌ها و شکایات در یک بازه زمانی مناسب پاسخ داده می‌شوند.</p>
۳	کارایی و اثربخشی	<p>۱. نتایج اهداف توافق شده را برآورده می‌کند.</p>

ردیف	اصول ۱۲ گانه حکمرانی خوب	مؤلفه‌ها
	Efficiency and Effectiveness	<p>۲. بهترین استفاده ممکن از منابع وجود دارد.</p> <p>۳. سیستم‌های مدیریت عملکرد امکان ارزیابی و افزایش کارایی و اثربخشی خدمات را ممکن می‌سازند.</p> <p>۴. ممیزی‌ها در فواصل منظم برای ارزیابی و بهبود عملکرد انجام می‌شود.</p>
۴	پذیرش و شفافیت Openness and Transparency	<p>۱. تصمیمات طبق قوانین و مقررات اتخاذ و اجرا می‌شود.</p> <p>۲. دسترسی عمومی به تمامی اطلاعات که به دلایل مشخص شده توسط قانون (مانند حفاظت از حریم خصوصی یا تضمین عدالت رویه‌های تهیه) طبقه‌بندی نشده است.</p> <p>۳. اطلاعات مربوط به تصمیم‌گیری‌ها، اجرای سیاست‌ها و نتایج به‌گونه‌ای در دسترس عموم قرار می‌گیرد که به‌طور مؤثر آن را دنبال کرده و به کار اداره محلی کمک کند.</p>
۵	حکمت قانون Rule of Law	<p>۱. مقامات محلی از قانون و تصمیمات قضایی پیروی می‌کنند.</p> <p>۲. قوانین و مقررات مطابق رویه‌های مقرر در قانون تصویب می‌شوند و به‌طور بی‌طرفانه اجرا می‌شوند.</p>
۶	رفتار اخلاقی Ethical conduct	<p>۱. منافع عمومی قبل از منافع فردی قرار داده می‌شود.</p> <p>۲. اقدامات مؤثری برای پیش‌گیری و مبارزه با همه اشکال فساد وجود دارد.</p> <p>۳. تضاد منافع به موقع اعلام می‌شوند و افراد درگیر باید از شرکت در تصمیمات مربوطه خودداری کنند.</p>
۷	شایستگی و صلاحیت Competence and Capacity	<p>۱. مهارت‌های حرفه‌ای افرادی که حکمرانی را ارائه می‌دهند به‌منظور بهبود نتایج و تأثیر آن‌ها به‌طور مداوم حفظ و تقویت می‌شوند.</p>



مؤلفه‌ها	اصول ۱۲ گانه حکمرانی خوب	ردیف
<p>۲. مقامات دولتی انگیزه دارند تا به‌طور مداوم عملکرد خود را بهبود بخشند.</p> <p>۳. روش‌ها و رویه‌های عملی به‌منظور تبدیل مهارت‌ها به ظرفیت و ایجاد نتایج بهتر ایجاد و مورد استفاده قرار می‌گیرند.</p>		
<p>۱. راه‌حل‌های جدید و کارآمد برای حل مشکلات جستجو شده و از روش‌های نوین ارائه خدمات بهره می‌برد.</p> <p>۲. آمادگی برای آزمایش و تجربه برنامه‌های جدید و یادگیری از تجربه دیگران وجود دارد.</p>	<p>نوآوری و گشودگی برای تغییر</p> <p><b>Innovation and Openness to Change</b></p>	۸
<p>۱. نیازهای نسل‌های آینده در سیاست‌های جاری در نظر گرفته می‌شوند.</p> <p>۲. پایداری جامعه به‌طور مداوم مورد توجه قرار می‌گیرد.</p> <p>۳. تلاش می‌شود تصمیمات تمام هزینه‌ها را کاهش دهد و مشکلات و تنش‌ها را از نظر محیط زیست، ساختاری، مالی، اقتصادی یا اجتماعی به نسل‌های آینده منتقل نکند.</p> <p>۴. یک چشم‌انداز گسترده و بلند در مورد آینده جامعه محلی به همراه درکی از آنچه برای چنین توسعه‌ای نیاز است وجود دارد.</p> <p>۵. درکی از پیچیدگی‌های تاریخی، فرهنگی و اجتماعی وجود دارد که این دیدگاه بر پایه آن استوار است.</p>	<p>پایداری و جهت‌گیری طولانی مدت</p> <p><b>Sustainability and Long-term Orientation</b></p>	۹
<p>۱. هزینه‌ها از هزینه خدمات ارائه شده تجاوز نمی‌کنند و به‌ویژه در مورد خدمات مهم عمومی، بیش از حد تقاضا را کاهش نمی‌دهند.</p> <p>۲. تدبیر در مدیریت مالی از جمله در قراردادهای و استفاده از وام، در برآورد منابع، درآمدها و ذخایر و در استفاده از درآمد استثنایی مشاهده می‌شود.</p> <p>۴. بودجه برنامه‌های چند ساله با مشورت مردم</p>	<p>مدیریت مالی خوب</p> <p><b>Sound Financial Management</b></p>	۱۰

مؤلفه‌ها	اصول ۱۲ گانه حکمرانی خوب	ردیف
<p>تهیه می‌شود.</p> <p>۵. ریسک‌ها به‌طور صحیح تخمین زده می‌شوند و مدیریت می‌شوند، از جمله با انتشار حساب‌های تلفیقی ۱ و در مورد مشارکت‌های دولتی و خصوصی، با به اشتراک گذاشتن واقع‌بینانه ریسک‌ها.</p> <p>۶. مقامات محلی در برنامه‌هایی برای انسجام بین شهرها، تقسیم عادلانه بارها و مزایا و کاهش خطرات (سیستم‌های تساوی، همکاری بین شهری، تسهیم خطرات و ...) شرکت می‌کنند.</p>		
<p>۱. در حوزه حاکمیت مقامات محلی، حقوق بشر محترم شمرده می‌شود، محافظت می‌شود و به اجرا در می‌آید و با تبعیض در هر زمینه‌ای مبارزه می‌شود.</p> <p>۲. تنوع فرهنگی به‌عنوان یک دارایی تلقی می‌شود و تلاش‌های مداوم برای حصول اطمینان از اینکه همه در جامعه محلی سهم دارند، با آن شناخته می‌شوند و احساس محرومیت نمی‌کنند.</p> <p>۳. انسجام اجتماعی و یکپارچگی در مناطق محروم ارتقا می‌یابد دسترسی به خدمات ضروری، به‌ویژه برای اغلب بخش‌های محروم جامعه، حفظ می‌شود.</p>	<p>حقوق بشر، تنوع فرهنگی و انسجام اجتماعی</p> <p>Human rights, Cultural Diversity and Social Cohesion</p>	۱۱
<p>۱. کلیه تصمیم‌گیرندگان، جمعی و فردی، مسئولیت تصمیمات خود را بر عهده می‌گیرند.</p> <p>۲. تصمیمات گزارش شده و شرح داده می‌شوند و ضمانت اجرایی دارند.</p> <p>۳. در برابر سوءمدیریت و اقدامات دولت‌مردان محلی که حقوق شهروندی را نقض می‌کنند،</p>	<p>پاسخگویی</p> <p>Accountability</p>	۱۲

۱ مجموعه‌ای از حساب‌ها که به جای اینکه نتایج هر یک از شرکت‌ها را به طور جداگانه نشان دهد، نتایج مالی گروهی از شرکت‌ها را ترکیب می‌کند.

ردیف	اصول ۱۲ گانه حکمرانی خوب	مؤلفه‌ها
		راه‌حل‌های مؤثری وجود دارد.

### چالش‌های اتحادیه اروپا:

اتحادیه اروپا به‌عنوان یک بازیگر بین‌المللی همواره از زمان تأسیس با چالش‌های متعدد سیاسی، امنیتی، اقتصادی روبه‌رو بوده است، با فروپاشی شوروی و نگاه این اتحادیه به کشورهای شرق این قاره و جذابیت عضویت در اتحادیه اروپا برای این کشورها، علی‌رغم افزایش قدرت سیاسی این اتحادیه به‌عنوان یک بازیگر سیاسی، چالش‌های متعدد امنیتی، اقتصادی و فرهنگی نیز به دنبال داشته است، این چالش‌ها در سال‌های اخیر سبب ظهور احزاب ملی‌گرا و چهره‌های سیاسی پوپولیست شده است. آینده این اتحادیه را با تهدید روبه‌رو می‌کند. در ادامه تعدادی از چالش‌های اساسی این اتحادیه که حکمرانی آن را تهدید می‌کند شرح می‌دهیم

#### قطبیدگی یا قطبش سیاسی:

در سیاست، قطبیدگی فرآیندی است که طی آن، نظرات سیاسی به سمت واگرایی رفته و در نهایت به افراط‌گری ایدئولوژیکی می‌انجامد. تقریباً در کلیه مباحث سیاسی مربوطه، قطبیدگی در متن احزاب سیاسی و در یک نظام دموکراتیک مطرح می‌شود. در اثر قطبیدگی، به‌طور معمول صدای میانه‌روها کمتر شنیده شده و مورد توجه قرار می‌گیرد و میدان برای تندروها فراهم‌تر می‌شود (فری و همکاران، ۲۰۱۶). همگرایی اروپایی از سال ۱۹۵۷ میلادی با ایجاد سازمان‌های اقتصادی و بازار آزاد تجاری آغاز شد اما همگرایی در مسائل سیاسی و امنیتی تا چندین دهه با مشکلات فراوانی همراه بود. بحران‌های بعد از فروپاشی شوروی به‌خصوص ضعف در تصمیم‌گیری سریع و عدم انسجام در مواجهه با جنگ داخلی یوگسلاوی موجب شد تا اتحادیه اروپا وادار به تغییر دیدگاه خود در این مورد شود. در معاهده ماستریخت در ۱۹۹۳ میلادی سیاست خارجی مشترک ارتقای جایگاه یافت و در کنار دو ستون قدیمی اتحادیه، یعنی جامعه اقتصادی و امور قضایی به

رکن سوم اتحادیه مبدل شد. تکامل بعدی سیاست خارجی واحد اروپایی در سال ۲۰۰۹ میلادی با پیمان لیسبون اتفاق افتاد. در این پیمان نهادی با عنوان «مقام عالی رتبه اتحادیه اروپا برای روابط خارجی و سیاست امنیتی» شکل گرفت. این نهاد در عمل نوعی وزارت خارجه یا نهاد دیپلماتیک برای اتحادیه اروپا است. کاترین اشتون اولین مسئول این نهاد بود که در سال ۲۰۱۴ میلادی جای خود را به فدریکا موگرینی داد. به مدت ۳۰ سال، احزاب راست‌گرا یا چپ با دید گسترده از اروپا، بر اکثر کشورهای اتحادیه اروپا حاکم بوده‌اند. با وجود اختلاف نظرهای سیاسی، آن‌ها به‌طور مشترک با اجماع نظر، یک ائتلاف سیاسی را ایجاد کردند که یک بازار واحد (یورو) و اتحادیه بزرگ اروپا را بنا نهادند؛ اما اکنون بسیاری از رأی‌دهندگان احساس می‌کنند که سیاست‌های اصلی اروپایی واحد شکست خورده است. ثابت شده است که دولت‌ها قادر به محافظت از کارمندان غیر ماهر و نیمه ماهر از عواقب جهانی شدن و تغییر فناوری نیستند. آموزش انبوه، مالیات پیشرفته و مزایای رفاه اجتماعی مانع از افزایش نابرابری نشده است. به‌طور فزاینده‌ای، رأی‌دهندگان به‌شدت از احزاب اصلی ناراضی هستند و مایل هستند فرصتی را برای کسانی که گزینه‌های رادیکال را پیشنهاد می‌دهند فراهم کنند؛ مانند لوپن در فرانسه. آن‌ها اتحادیه اروپا را به خاطر وضعیت اسف‌بار دولت‌هایشان در اقتصاد و بازار کار سرزنش می‌کنند. یورو در ایجاد رونق و ثبات ناکام مانده است. کسانی که فکر می‌کنند خطاهای خاص سیاسی و نقص نهادی بیش از خود ادغام اروپا مقصر باشد، در حال کم شدن هستند لیکن همیشه انتظار می‌رود که تغییر و تحولات سیاسی در دموکراسی‌ها رخ دهد. در حقیقت، نهادهای دموکراتیک برای دستیابی به آن طراحی شده‌اند. به‌طور کلی، قانون اساسی تغییر نمی‌کند، یا به‌کندی تغییر می‌کند، ممکن است یک حزب یا ائتلاف جدید، دستور کار سیاسی را تعریف کند و قانون را اصلاح کند. این ترکیب از استحکام و انعطاف‌پذیری، رژیم‌های دموکراتیک را قادر می‌سازد تا با تغییر در اولویت‌های شهروندان سازگار شوند. این در مورد اتحادیه اروپا صدق نمی‌کند. اول، تغییرات سیاسی هماهنگ نیست. در هر لحظه ممکن است برخی از کشورها به احزاب رادیکال رأی داده باشند، در حالی که برخی دیگر

خیر (مثال یونان در سال ۲۰۱۵ م) این برخورد مشروعیت در اتحادیه اروپا با بحران یونان شدت گرفت یونان اگرچه از اقتصادهای برتر اروپا نبود، اما بحران اقتصادی این کشور کل کشورهای اروپایی به‌ویژه آلمان را به‌شدت متأثر ساخت. دوم، برخلاف دموکراسی ملی، اتحادیه اروپا، مشروعیت خود را از فرآیندی که طی آن گزینه‌های سیاسی ساخته می‌شوند به دست نمی‌آورد، اما به‌طور عمده خروجی‌های ساختارهای سیاسی ملی می‌تواند بر آن مؤثر باشد. سوم اینکه، مرز بین موضوعات قانون اساسی و قانون‌گذاری در اتحادیه اروپا خاص است. علاوه بر این، به این دلیل که دولت‌ها به یکدیگر اعتماد نداشتند، آن‌ها اصرار داشتند در معاهدات آنچه را که به‌طور معمول در قوانین مرسوم وجود دارد، درج کنند؛ بنابراین قوانین بسیاری که زندگی اقتصادی مردم در اتحادیه اروپا را اداره می‌کنند برای اصلاح دشوارتر از مقررات داخلی مشابه هستند؛ به عبارت دیگر، دامنه تعریف مجدد قوانین بسیار محدود است، حتی اگر آن‌ها یک اجماع نظری را منعکس کنند که به‌طور گسترده به اشتراک گذاشته نمی‌شود. قدرت‌گیری و احیای احزاب راست ملی‌گرا و مخالف اتحادیه در یک دهه گذشته و تقریباً در بحبوحه بحران مالی ۲۰۰۸ میلادی به این سو، رخ داده است (نورعلی وند، ۱۳۹۵: ۲۵). گرایش‌های راست ملی‌گرایی دارای ویژگی‌هایی هستند از جمله:

- ۱- گرایش‌های ملی‌گرایانه عمیقی دارند؛
- ۲- طرفدار ارزش‌های مسیحی هستند؛
- ۳- ایجاد دولت رفاه طرفدار بومیان اروپا؛
- ۴- نگاه بدبینانه‌ای به اتحادیه اروپا دارند؛
- ۵- مخالف مهاجران به اروپا هستند؛
- ۶- درصدد نفوذ در پارلمان اروپا هستند؛
- ۷- گرایش‌های ضد اسلامی دارند.

این احزاب به‌جای منافع مشترک اتحادیه اروپا بر منافع ملی و ملی‌گرایی، تأکید دارند و همین مسئله واگرایی بین کشورهای اروپایی را دامن خواهد زد. حال سؤال این است که

چه گزینه‌هایی برای اتحادیه اروپا برای پاسخ به قطبش سیاسی و مطالبات هم‌زمان برای اختیارات بیشتر سیاسی در سطح ملی وجود دارد؟ البته، اتحادیه اروپا به سادگی می‌تواند این تغییرات را نادیده بگیرد و امیدوار باشد که هنگامی که جدایی‌طلبان با مسئولیت اداره حکومت مواجه شوند، بنیادگرایی آن‌ها از بین برود؛ اما این ساده‌لوحانه خواهد بود درست است که سیریزا مجبور شد گزینه‌های سخت را بپذیرد زیرا یونان به کمک‌های مالی خارجی نیاز داشت. لیکن هیچ کشور دیگری در همان وضعیت نیست. نادیده گرفتن مطالبات برای تغییر، درنهایت خصومت مردمی نسبت به اتحادیه اروپا را عمیق‌تر می‌کند. یک احتمال دیگر، استفاده از انعطاف‌پذیری موجود در مقررات پیمان اتحادیه اروپا است. درواقع عمل‌گرایی می‌تواند مفید واقع شود و کمیسیون اروپا آن را بپذیرد؛ اما تبدیل چارچوب اتحادیه اروپا به یک سری از معاملات خاص سیاسی خطرناک خواهد بود. آن‌هایی که قانون و اجرای اصول بنیادی، برایشان حائز اهمیت جدی است - نه فقط آلمان - به‌زودی اعتراض خواهند کرد. آخرین راه‌حل این خواهد بود که اتحادیه اروپا تمایل بیشتری به تغییر سیاسی داشته باشد. این امر نیازمند تغییر صریح تعادل بین موضوعات قانون اساسی و قانون‌گذاری است؛ بنابراین اصول حفظ می‌شوند، اما خطی مشی‌ها می‌توانند نسبت به سیاست پاسخگو باشند. علاوه بر این، اتحادیه اروپا باید قادر به قانون‌گذاری بر روی یک مجموعه گسترده‌تر از سیاست‌ها، از جمله، برای مثال؛ مالیات باشد این کار درنهایت می‌تواند به نابرابری آشکار در سطح اتحادیه اروپا پایان دهد. در عین حال، پارلمان اروپا نیز مانند یک نظام واقعاً فدرال، باید دارای امتیاز بالاتری باشد، به‌گونه‌ای که دولت‌ها در سطح ملی به همان اندازه اتحادیه اروپا مشروعیت داشته باشند. با چنین فدرال‌سازی در اتحادیه اروپا یا به احتمال زیاد، منطقه یورو کوچک‌تر می‌شود (که در آن درجه ادغام بالاتر است) درگیری‌های سیاسی دولت‌های ملی را به‌جای مخالفت با یک نظام مبهم، به یک نهاد سیاسی مشروع سیاسی تبدیل می‌کند.

**بحران مهاجران و آوارگان:**

اوج مهاجرت به اتحادیه اروپا به سالیانی برمی‌گردد که تروریست‌های افراطی منطقه غرب آسیا نظیر داعش و دیگر گروه‌های افراطی شکل گرفتند و موجب مهاجرت افراد بسیار از این مناطق درگیر به غرب شد. سیاست‌های سراسر اشتباه اتحادیه اروپا در برابر مهاجران و آوارگان، اروپا را با چالش‌های بسیار عمیقی روبه‌رو کرده است. از سوی دیگر، بسیاری از تحلیل‌گران بر این باورند که ریشه بحران مهاجرت اروپا با ماجراجویی‌های غرب در منطقه غرب آسیا و شمال اروپا پیوند خورده است. غرب با به راه انداختن جنگ‌های نیابتی در کشورهای غرب آسیا و به‌خصوص در سوریه، عراق، لیبی، سومالی و افغانستان باعث شده هزاران هزار غیر نظامی به‌طور ناخواسته مجبور به ترک خانه و کاشانه خود شوند. مهاجران و پناهجویان یا از کشورهای غرب آسیا و آفریقا هستند یا از کشورهای کمونیستی سابق. سیاست‌های سراسر اشتباه اتحادیه اروپا در برابر مهاجران و آوارگان، اروپا را با چالش‌های بسیار عمیقی روبه‌رو کرده است (ظریف، ۱۳۹۶). خشونت، ضرب و شتم و برخوردهای تحقیرآمیز با آوارگان؛ بازداشت و زندانی کردن آوارگان؛ نقض حق غذا و بهداشت، بیکاری و شرایط طاقت‌فرسا نشان از وضعیت بد مهاجران و آوارگان در اروپاست؛ بنابراین از جهت حقوقی و فطری مشکل آوارگان مورد توجه جامعه بین‌المللی قرار گرفته است، اما حقوق و مقررات پناهندگی به دلیل نداشتن پشتوانه اجرایی، از جهت عملی و اجرایی با مشکلات جدی روبه‌رو است. به‌گونه‌ای که کشورها با توجه به مصالح و منافع ملی خود با پناهندگان برخورد نموده و گاهی مسائل حقوقی تحت‌الشعاع مسائل سیاسی قرار می‌گیرد. از این رو، پناهندگان در بیشتر کشورها با سختی و دشواری‌های متعددی مواجه هستند (رضی، ۱۳۹۴).

### مسئله برگزیت:

رابطه بین بریتانیا و اتحادیه اروپا تقریباً به نیم قرن برمی‌گردد. در سال ۱۹۷۳ میلادی وقتی بریتانیا به اتحادیه پیوست دو سال بعد در سال ۱۹۷۵ میلادی رفراندومی برگزار شد که «آیا انگلستان باید در جامعه اروپایی (بازار مشترک) باقی بماند؟» ۶۷ درصد رأی «آری» دادند که شامل اکثر مناطق انگلیس و ایرلند شمالی است و فقط مناطق شتلند و جزایر غربی

رأی «خیر» دادند. تنش میان اتحادیه اروپا و انگلیس در سال ۱۹۸۴ میلادی هنگامی که مارگارت تاچر، نخست‌وزیر بریتانیا بود، آغاز شد چراکه تاچر نسبت به پایین بودن سهم بریتانیا از بودجه بازار مشترک (که در سال ۱۹۸۴ میلادی اتحادیه اروپا نام گرفت) اعتراض کرده بود؛ اما این تنش فقط مربوط به بودجه نبود بلکه بریتانیا در سال ۱۹۹۹ میلادی نسبت به صادرات گوشت گاو بریتانیا و در سال ۲۰۰۰ میلادی نسبت به صادرات شکلات بریتانیا از اتحادیه شکایت کرده بود؛ اما از سال ۲۰۰۷ میلادی بود که بحث محافظت از منافع مالی بریتانیا در اتحادیه مطرح شد که در نهایت در سال ۲۰۱۳ میلادی با پیروزی حزب محافظه‌کار به رهبری دیوید کامرون این مسئله با درایت بیشتری دنبال شد. مسئله بحران مهاجران، طرفداران خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا و ناآرامی‌های اقتصادی در سال ۲۰۱۵ میلادی این نگرش را ایجاد کرد که برای بازنگری مجدد روابط انگلیس و اتحادیه اروپا باید referendum برگزار شود. در ۲۳ ژوئن ۲۰۱۶ میلادی در همه‌پرسی که در انگلستان انجام شد بیش از ۱۷ میلیون نفر رأی به ترک این کشور از اتحادیه اروپا دادند. در نوامبر ۲۰۱۸ میلادی، مبنی بر توافقنامه خروج بریتانیا و پیش‌نویس اعلامیه سیاسی که بین دولت انگلیس و اتحادیه اروپا توافق شده بود، منتشر شد. در تاریخ ۱۵ ژانویه ۲۰۱۹ میلادی، مجلس عوام در مخالفت با این توافق، با اختلاف فاحش ۴۳۲ به ۲۰۲ رأی داد که بزرگ‌ترین شکست پارلمانی دولت انگلیس در تاریخ این کشور به شمار می‌رود. اروپا، ایالات متحده را متهم به دخالت در امور خود می‌داند و معتقد است که ایالات متحده بعد از خروج از برجام سعی بر این دارد تا اروپا را با سیاست‌های خود همراه سازد (ادینگتون، ۲۰۱۹). در این مسئله اتفاق نظر وجود دارد که یکی از دلایل اصلی موفقیت کارزار خروج انگلستان از اتحادیه اروپا، تضعیف موقعیت گروه‌های مرجع اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در انگلستان بوده است، زیرا در شرایطی که تقریباً تمامی احزاب اصلی و سنتی، هنرمندان، دانشمندان و کارشناسان اقتصادی از مردم درخواست کرده بودند که رأی به ادامه حضور انگلستان در اتحادیه اروپا بدهند، اکثر مردم راه دیگری را برگزیدند. به نظر می‌رسد کاهش مراجعه مردم به مراجع سنتی کسب تحلیل و تصمیم‌گیری، یکی از دلایل گسترش گرایش‌های



پوپولستی در سراسر قاره اروپا و همچنین در آمریکایی باشد که ترامپ نماینده آن است. در واقع نقطه اشتراک مهم کارزار خروج و کارزار انتخاباتی ترامپ در این بوده است که هر دو متکی بر بی‌اعتمادی قابل توجه مردم از نهادها و سیاست‌مداران ارشدی بودند که نمی‌دانند چه چیزی برای مردم بهتر است. کمپین خروج در این چارچوب، بر ناکارآمدی، فساد و ناآگاهی نهادهای اتحادیه اروپا تأکید می‌کرد (ناوارپو، ۲۰۱۸).

### شکاف در اتحاد دو سوی آتلانتیک:

شکاف در اتحاد دو سوی آتلانتیک از زمانی آغاز شد که ترامپ به‌عنوان ریاست جمهوری ایالات متحده آمریکا و امانوئل مکرون به‌عنوان ریاست جمهوری دولت فرانسه انتخاب شدند. امانوئل مکرون معتقد بود که اتحادیه اروپا باید سیاستی مستقل از ایالات متحده داشته باشد چراکه ایالات متحده دیگر توانایی حمایت از اروپا را ندارد و بر این اساس، باید ارتش مستقل اروپایی تشکیل دهد. اروپا، ایالات متحده را متهم به دخالت در امور خود می‌داند و معتقد است که ایالات متحده بعد از خروج از برجام سعی بر این دارد تا اروپا را با سیاست‌های خود همراه سازد. به‌طوری که دولت ترامپ وعده داده بود که بسیاری از شرکت‌های اروپایی را که تحریم‌های ضد ایرانی را نادیده بگیرند، مورد تحریم قرار دهد. مسئله مورد اختلاف دیگر بین اروپا و آمریکا، بحران‌های غرب آسیا و موضع‌گیری متفاوت در مورد ایران است. دولت ترامپ با اعمال فشار بر ایران، تغییر رژیم ایران را خواهان است این در حالی است که در میان خود اروپاییان نسبت به این موضع اختلاف نظرهایی وجود دارد. اختلاف دیگر بین اروپا و آمریکا مربوط به مسائل اقتصادی و تعرفه‌های سنگینی است که آمریکا برای واردات فولاد از اروپا در نظر گرفته است. باید دانست این اختلافات که ناشی از فشارها و زیاده‌خواهی‌های آمریکاست منجر به انزوای آمریکا می‌شود و عرصه را برای خود آن‌ها تنگ‌تر می‌سازد. اختلاف دیگر، تصمیم دونالد ترامپ برای شناسایی بیت‌المقدس به‌عنوان پایتخت رژیم صهیونیستی و انتقال سفارت آمریکا از تل‌آویو به این شهر بود، در حالی که اعضای اتحادیه اروپا مخالف این تصمیم هستند.

## تقویت الگو حکمرانی مبتنی بر دموکراسی حاکمیت با رهبری آمریکا با هدف تضعیف اتحادیه اروپا:

آمریکا به اتحادیه اروپا بیشتر به چشم یک رقیب اقتصادی و سیاسی می‌نگرد تا یک متحد راهبردی به‌خصوص این امر در رفتار آمریکا در دوره زمامداری ترامپ بیشتر مشهود است. الگوی حکمرانی دموکراسی حاکمیتی که مبتنی بر کنشگری قدرتمندتر دولت در برابر جامعه مدنی است، در تعدادی از کشورهای اروپای شرقی از جمله در لهستان و مجارستان مورد توجه قرار گرفته است. این نکته از آنجا اهمیت می‌یابد که این الگو به‌عنوان رقیب الگوی حکمرانی منطبق با هنجارهای اتحادیه اروپا یعنی دموکراسی لیبرال، همواره با انتقاد نهادهای اتحادیه اروپا مواجه شده است. به نظر می‌رسد قدرت‌یابی ترامپ در کاخ سفید با توجه به ارتباطات راهبردی این کشور با کشورهای اروپای شرقی که از آن‌ها تحت عنوان اروپای جدید نام برده می‌شود، از سطح فشار آمریکا برای پیشبرد انگاره‌های لیبرال - دموکراسی در این کشورها خواهد کاست. به‌عنوان مثال؛ ترامپ در یکی از مصاحبه‌های خود به این نکته اشاره کرده است که او کشورهای متحد اقتدارگرای آمریکا از جمله ترکیه را به دلیل سرکوب آزادی‌های مدنی تحت فشار قرار نخواهد داد.

### فرسایش دموکراسی:

بنا بر اعلام واحد اطلاعات اکونومیست<sup>۱</sup> وابسته به گروه اکونومیست بریتانیا، شاخص دموکراسی در اروپا بیش از هر جای دیگری در جهان کاهش یافته است. این مرکز مشاوره و آینده‌نگری در آخرین گزارش خود تحت عنوان «شاخص دموکراسی در سال ۲۰۱۸ میلادی» اعلام کرد که دموکراسی به‌ویژه در غرب اروپا دچار اختلال شده و شاخص دموکراسی در دولت‌های دموکرات این منطقه برای سومین سال پیاپی کاهش یافته است. شاخص دموکراسی در اروپای شرقی نیز حتی با وجود بهبود کمی که در سال ۲۰۱۸

میلادی دیده شد، همچنان در وخیم‌ترین وضعیت خود از سال ۲۰۰۶ میلادی به این سو است؛ یعنی از سالی که واحد اطلاعات اکونومیست آمارگیری در این موضوع را شروع کرد. با وجود ضعف وضعیت دموکراسی در کل قاره اروپا، برخی از کشورهای این قاره همچنان در صدر کشورهای با بیشترین نرخ دموکراسی در سراسر جهان قرار دارند. نروژ در صدر جدول ده کشور دموکراتیک جهان است و پس از این کشور نیز ایسلند و سوئد دیده می‌شوند. در رتبه‌بندی واحد اطلاعات اکونومیست نام کشورهای زیادی در خصوص کاهش شاخص دموکراسی دیده می‌شود از جمله اتریش، گرجستان، مجارستان؛ اما بیشترین افت را می‌توان در ایتالیا دید. افت شاخص دموکراسی در کشورهای اروپایی باعث قدرت‌گیری احزاب ضد ساختار و احزاب افراطی چه چپ و چه راست شده است. در میان کشورهای عضو این اتحادیه، سوئد دارای بالاترین رتبه است. این کشور رتبه سوم دموکرات‌ترین کشور جهان را نیز دارد. پایین‌ترین رتبه نیز به رومانی تعلق دارد و کرواسی با اندکی تفاوت در بالای آن است؛ اما کدام کشورهای اروپایی بیشتر در معرض خطرند؟ به گفته فیونا مکی «کشورهای بسیاری را باید مد نظر داشت». از نظر او «باید به فعالیت احزاب عوام‌گرا در سوئد و اسپانیا همچنین به فعالیت‌های دولت جدید ایتالیا توجه کرد. باید انتخابات پارلمان اروپا را نیز از نزدیک زیر نظر داشت تا بتوان وضعیت فعالیت احزاب عوام‌گرا در سراسر منطقه را ترسیم کرد».

### فساد در اتحادیه اروپا:

فساد برای جوامع عواقب منفی زیادی به همراه دارد، از جمله آن‌ها هزینه‌های بالای اقتصادی و اجتماعی است. با این حال، تعریف یا اندازه‌گیری این پدیده دشوار است. علی‌رغم محدودیت‌های مختلف، شاخص‌های مبتنی بر درک شهروندان و کارشناسان از فساد به ابزاری گسترده برای اندازه‌گیری تبدیل شده‌اند (Paolo Mauro ۱۹۹۷). بنابر گزارش مرکز اطلاع‌رسانی اتحادیه اروپا، فساد اقتصادی، در تمامی کشورهای عضو اتحادیه اثرگذار بوده و فقط در سال ۲۰۱۴ میلادی حدود ۱۲۰ میلیارد یورو فساد مالی در این نظام وجود داشته است. این رقم آن‌قدر سنگین است که موجب بی‌اعتمادی بسیاری از مردم

نسبت به این نظام شده، شاید یکی از دلایل خروج مردم انگلستان و عدم تمایل به اتحادیه اروپا همین فسادهای مالی باشد. فسادهای مالی و برخی ناکارآمدی‌ها کار را به جایی رسانده که ۷۰ درصد مردم اروپا دیگر اعتمادی به این اتحادیه نداشته باشند و معتقد باشند فساد به صورت فراگیر در تمامی نهادهای اقتصادی و سیاسی و شرکت‌های وابسته به این اتحادیه وجود داشته و این امر را مانعی بزرگ برای پیشرفت کشورهای خودشان بدانند. بیش از نیمی از اروپایی‌های فکر می‌کنند سطح فساد در کشورشان در سه سال گذشته افزایش یافته است (BAKOWSKI&VORONA, 2019: 5). به طور کلی اتحادیه اروپا اگر نتواند به مرور زمان چالش‌ها را مدیریت کند، تغییرات قابل توجه در موازنه داخلی اتحادیه اروپا در سطح دولت-ملت‌ها و یا در سطح نهادهای اروپایی صورت خواهد گرفت.

### موانع ساختاری و غیر ساختاری اتحادیه اروپا در حل چالش‌ها:

به طور خلاصه اتحادیه اروپا در حل مشکلات با یک سری موانع ساختاری و غیر ساختاری روبه‌روست که عبارت‌اند از:

۱ افزایش شکاف اقتصادی و بحران مالی و رشد روند واگرایی در حوزه یورو و اتحادیه اروپا؛

۲ شکاف بین کشورهای بزرگ و کوچک اتحادیه؛

۳ شکاف بین اروپاگرایان و طرفداران آمریکا در بین اعضای اتحادیه؛

۴ تضادهای درون‌ملی و یا قومیتی در بین اعضای اتحادیه؛

۵ افزایش بیکاری، گسترش ناآرامی‌های اجتماعی و خطر سقوط زودهنگام دولت‌ها در برخی کشورهای عضو اتحادیه (مثل یونان، ایرلند، پرتغال، اسپانیا و ایتالیا)؛

۶ درگیری‌ها میان طرفداران و مخالفان برنامه‌های ریاضت اقتصادی؛

۷ مفرد عمل کردن کشورهای اتحادیه به سبب رقابت در پیگیری منافع خود؛

۸ عدم یا پیچیدگی بالای توافق سیاسی در پیدا کردن راه‌حل چالش‌ها؛

۹ نادیده گرفتن مشکلات کشورهای ضعیف حاشیه‌ای اروپا توسط کشورهای قدرتمند

شمالی اتحادیه اروپا؛

۱۰. «بحران مشروعیت» نظام حکمرانی فراملی اروپایی (عدم توافق بین کشورهای قدرتمند اروپایی در بحث حکمرانی به دلیل شکاف بین شمال و جنوب و شکاف بین شرق و غرب اروپا)؛

۱۱ تضاد محسوس با مسلمانان مهاجر به دلیل حاکمیت مسیحیت؛

۱۲ فاصله‌گیری از روحیه ماجراجویانه پس از جنگ‌های جهانی که در شرایط فعلی روند معکوس به خود گرفته است؛

۱۳ نگرانی‌های امنیتی و مشکلات ناشی از ظهور تروریسم در اروپا؛

۱۴ عدم اعتماد شهروندان اتحادیه به سیاست‌های درون اتحادیه؛

۱۵ تحت فشار قرار دادن اروپا توسط ایالات متحده آمریکا؛

۱۶ تنش بر سر اروپای فدرالی یا اروپای میان دولتی؛

۱۷ وجود رهیافت‌های متفاوت در تصمیم‌گیری اتحادیه اروپا به دلیل نبود قانون اساسی واحد در اتحادیه؛

۱۸ عدم رعایت مقررات و استانداردهای لازم مندرج در پیمان ماستریخت توسط برخی از کشورهای عضو اتحادیه پولی اروپا؛

۱۹ بی‌تفاوتی سیاسی شهروندان اروپا؛

۲۰ انتخاب رؤسای جدید نهادهای اروپا در سال ۲۰۱۹ میلادی، نشانه‌ای از چالش تعادل‌بخشی در اروپا؛

### تأثیر چالش‌ها بر سیاست خارجی اتحادیه اروپا:

چالش‌های یادشده قطعاً بر سیاست خارجی یا روابط خارجی اتحادیه تأثیرگذار خواهد بود. اتحادیه اروپا اگر نتواند به‌مرور زمان چالش‌ها را مدیریت کند، تغییرات قابل توجه در موازنه داخلی اتحادیه اروپا در سطح دولت - ملت‌ها و یا در سطح نهادهای اروپایی صورت خواهد گرفت. این رویه موجب دشوار شدن سیستم حکمرانی اکثریت در پارلمان می‌شود. آنگاه شاهد رویه‌های متفاوت توسط دولت‌ها در سیاست خارجی اتحادیه هستیم که در طول زمان منزوی و درون‌گرا می‌شود و در حوزه سیاست خارجی نیز به بازیگری

کم اثرگذار تبدیل خواهد شد. مهاجرت غیر اروپاییان که بعضاً از منطقه غرب آسیا هستند سبب شده تا سیاست خارجی اتحادیه در ابتدا برای حل بحران مهاجران ابتدا نسبت به حل بحران منطقه غرب آسیا که درگیر نیروهای تکفیری است موضع مشخص تری دنبال کند. در غیر این صورت اقدامات و رفتارهای بیگانه‌ستیز در اروپا تشدید می‌یابد که خود این مسئله می‌تواند باعث تقویت گروه‌های اسلامی افراطی نیز شود. در این شرایط سیاست خارجی و امنیتی مشترک اتحادیه اروپا در مواجهه با بحران‌ها از بالندگی لازم برخوردار نخواهد بود و دول اروپایی از روندهای ملی بیش از گرایش‌های فراملی تبعیت می‌کنند. از طرف دیگر، بروز اختلاف و مناقشه بین اروپا و ایالات متحده در زمان ترامپ، سبب شده علی‌رغم، دهه‌های گذشته که روابط بین آن‌ها از عمق بیشتر برخوردار بود، به فاصله گرفتن اتحادیه اروپا از آمریکا تبدیل گردد. در این شرایط اتحادیه برای رفع مشکلات و چالش‌ها باید به همکاری‌های فرآتلانتیکی رو بیاورد تا با دیگر دولت‌ها و نهادهای بین‌المللی (با تکیه بر منافع نه ارزش‌ها) همکاری داشته باشد.

### نتیجه‌گیری:

علی‌رغم تلاش اتحادیه اروپا برای ایجاد همبستگی بین کشورهای عضو به دلیل مشکلات و بحران‌های اقتصادی، تفاوت‌های، فرهنگی کشورهای عضو، این اتحادیه با چالش‌های جدی روبه‌رو شده است. با توجه به چالش‌هایی که اتحادیه اروپا با آن روبه‌رو شده است. مهم‌ترین مسئله‌ای که برای حل این چالش‌ها بیش از همه مورد توجه است، حل شیوه حکمرانی در سراسر اتحادیه اروپاست. قطعاً حل این مسئله تأثیر به‌سزایی در مدیریت چالش‌ها و سرنوشت آینده اتحادیه اروپا دارد. کاهش سرعت رشد اقتصادی اتحادیه اروپا، اوضاع را وخیم‌تر می‌سازد و همین امر موجب اعتراضات گسترده در اروپا می‌گردد. در نتیجه قطبش سیاسی و روحیه ملی‌گرایی و بازگشت به درون در بین کشورهای عضو تقویت می‌گردد و تلاش برای خودمختاری از اتحادیه بین شهروندان اعضای اتحادیه گسترده می‌گردد. هر چقدر هم‌گرایی در بین کشورهای اتحادیه تضعیف گردد، به همان میزان حل مشکلات اتحادیه با سختی‌های بیشتری روبه‌رو می‌گردد و حتی نمی‌توان انتظار

همگرایی فرامرزی میان کشورهای عضو را شاهد بود. مسئله احزاب راست ملی‌گرا هر چقدر که در بین کشورهای اتحادیه تقویت و یا احیا گردد، زمینه مخالفت با اتحادیه و یا فروپاشی آن بیشتر می‌گردد. از طرف دیگر، تقویت این احزاب به معنای چالش طرفداران تقویت اتحادیه اروپا برای پیشبرد اهداف آتی این اتحادیه در زمینه همگرایی بیشتر سیاسی و امنیتی است. مسئله بعدی مهاجرت و پناهندگی است که اگر حل نشود زمینه ایجاد بحران‌های سیاسی، امنیتی، اجتماعی و هویتی می‌شود. هرچند که نمی‌توان گفت که لزوماً مسئله مهاجرت و پناهندگی منجر به شکل‌گیری چالش‌های امنیتی و تروریستی می‌شود، اما ممکن است که تروریست‌های تکفیری و داعش در قالب پناهنده وارد اروپا شوند و مشکلات امنیتی را ایجاد کنند. مسئله برگزیت نیز بر آینده اتحادیه اروپا تأثیرگذار خواهد بود. انگلیس به‌عنوان یک کشور قدرتمند در اتحادیه نقش بسیار مهمی در تجارت و مسائل اقتصادی دارد بر همین اساس، خروج انگلیس از اتحادیه نه‌تنها (ممکن است) سبب الگویی برای طرفداران خروج از اتحادیه در سایر کشورها شود. بلکه موجب ایجاد یک بلا تکلیفی در بازار اتحادیه می‌شود که نیاز به تغییر قوانین و مقررات اقتصادی موجود و مذاکره مجدد در رابطه با موافقت‌نامه‌های تجاری می‌شود که این امر هزینه زیادی را برای اتحادیه اروپا در بر خواهد داشت.

## منابع:

۱. آرای، وحید، (۱۳۸۸)، حکمرانی خوب مشابه آرمان نظارت و ارزیابی گزارش، ش ۶، ص ۴۹.
۲. پورآقایی، سپیده، (۱۳۸۳)، شاخص‌های حکمرانی به روایت بانک جهانی، گزارش، ش ۱۵۴، ص ۶۲.
۳. حسین‌زاده بحرینی، محمدحسین، (۱۳۸۳)، بررسی تطبیقی نظریه حکمرانی خوب با آموزه‌ها و سیره حکومت امام علی (ع)، دفتر بررسی‌های اقتصادی، ص ۱۶.
۴. حق‌پناه، رضا، فلسفه‌مندی حکومت از دیدگاه امام علی (ع)، پژوهش‌های اجتماعی اسلامی، ش ۲۶، ص ۱۹۲-۱۵۸.
۵. «چالش‌های اروپا برای حفظ برجام»، روزنامه اطلاعات، ۸ تیر ۱۳۹۸، قابل‌بازیابی در پیوند زیر <https://www.ettelaat.com>: کد خبر ۸۴۷۲۴
۶. دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام و دانشگاه آزاد اسلامی مجموعه مقالات سومین همایش ملی از سلسله همایش‌های تخصصی چشم‌انداز حاکمیت و دولت شایسته در ایران ۱۴۰۴، تهران، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرری، ص ۱۱۵.
۷. رهنورد، فرج‌الله، (۱۳۸۸) مؤلفه‌ها و ابعاد مدیریت دولتی مطلوب برای تحقق چشم‌انداز ۱۴۰۴، گزارش پژوهشی، تهران، مجمع تشخیص مصلحت، کمیته نظام اداری و مدیریت.
۸. سبحانی، جعفر، (۱۳۸۲)، اصول سیاست در سیره عملی امام علی (ع)، نهج‌البلاغه، ش ۷، ۲۵-۴۱، ص ۱۱۷.
۹. سروش، محلاتی محمد، (۱۳۸۰)، اهداف و آرمان‌های حکومت، قبسات، ش ۲۰ و ۲۱، ز ص ۴۸-۵۶.
۱۰. شریف‌زاده، فتاح، قلی‌پور، رحمت‌الله، (۱۳۸۲)، حکمرانی خوب و نقش دولت، فرهنگ مدیریت، ش ۴، ص ۵۶-۴۸.



۱۱. صوفی مجیدپور، مسعود، (۱۳۸۳)، نظریه حکمرانی خوب به منزله سیاست توسعه، ماه علوم اجتماعی، ش ۸۷، ص ۱۴ - ۱۱.
۱۲. صباغ کرمانی، مجید؛ باسنا، مهدی، (۱۳۸۸)، «نقش حکمرانی خوب در بهبود کارکرد هزینه‌های دولت؛ مطالعه موردی بخش بهداشت و آموزش کشورهای اسلامی»، مجله تحقیقات اقتصادی، (۱)۴۴.
۱۳. ظریف، علی، (۱۳۹۶)، «چالش‌های فراروی اتحادیه اروپا، بحران مهاجرت»، خبرگزاری صدا و سیما، کد خبر: ۲۰۲۲۶۴۰، قابل بازیابی در پیوند <http://www.iribnews.ir/fa/news/2022640>
۱۴. رضی، محمدرضا، (۱۳۹۴)، «عملکرد کشورهای عضو اتحادیه اروپا در قبال پناهجویان»، ماهنامه پژوهش ملل، دوره اول، شماره یکم.
۱۵. محدثی، جواد، (۱۳۷۹)، حکومت علوی از نگاه امام خمینی (ره)، حکومت اسلامی، ش ۱۸، ص ۲۷۹ - ۲۶۳.
۱۶. مصباح یزدی، محمدتقی، (۱۳۸۲)، کاوش‌ها و چالش‌ها، تحقیق و نگارش، محمدمهدی نادری و سید ابراهیم حسینی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ص ۸۷.
۱۷. میدری، احمد؛ خیر خواهان، جعفر، (۱۳۸۳)، حکمرانی خوب بنیان توسعه، دفتر بررسی‌های اقتصادی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
۱۸. مهدی‌زاده، جواد، (۱۳۸۶)، فصلنامه جستارهای شهرسازی، شماره ۱۹ و ۲۰، سال ششم، ص ۱۱.
۱۹. نادری، محمد مهدی، (۱۳۹۰)، حکمرانی خوب معرفی و نقدی اجمالی، اسلام و پژوهش‌های مدیریتی، ش ۱، ص ۶۹ - ۹۳.
۲۰. ناظمی اردکانی، محمد، (۱۳۸۷)، حکمرانی خوب با رویکرد اسلامی، علوم انسانی، سال هفدهم، ش ۷۶، ص ۱۰۷-۱۲۸.
۲۱. نورعلی وند، یاسر، (۱۳۹۵)، «رشد و قدرت‌یابی احزاب راست افراطی در اروپا؛ علل و پیامدها»، دیده‌بان امنیت ملی، شماره ۵۴.

22. Bąkowski, Piotr; Voronova, Sofija(2019), Prevalence of corruption, and anti-corruption efforts in selected EU Member States: in-depth analysis – Study, Directorate-General for Parliamentary Research Services (European Parliament), EU publications, 2019-07-12
23. Diouf, N., Ake, C. and Mazrui A. (1989), Sub-Saharan Africa: From Crisis to Sustainable Growth: A Long-Term Perspective Study, Policy research Working Paper, Washington, DC: World Bank.
24. "Greek referendum no vote signals huge challenge to eurozone leaders". the guardian. July 05 2015.
25. "The Political Lessons of Syriza's Betrayal in Greece". World Socialist Web Site. ICFI.
26. <http://www.spiegel.de/international/europe/jean-marie-guehenno-on-european-defense-after-brexit-a-1110352.html>
27. [https://ec.europa.eu/home-affairs/what-we-do/policies/organized-crime-and-human-trafficking/corruption/anti-corruption-report\\_en](https://ec.europa.eu/home-affairs/what-we-do/policies/organized-crime-and-human-trafficking/corruption/anti-corruption-report_en)
28. <http://www.nytimes.com/2016/07/21/us/politics/donald-trump-issues.html?mtrref=www.nytimes.com>
29. <https://www.strategie.gouv.fr/english-articles/responding-europes-political-polarization>
30. <https://europarlamenti.info/pe/European-union/organisation-of-the-EU/>
31. Kauffman, D., Kraay, A., & Mastruzzi, M. 2006, Governance matters V: Governance indicators for 1996–2005. World Bank.
32. Puntam, R, D(2000). "Bowling alone; America's declining social capital; Inculture and polotics. P 223-234



# اثر نوآوری بر حکمرانی در جمهوری اسلامی ایران

وحید امیدی

ابوالفضل شاه آبادی



## چکیده:

امروزه قدرت جوامع و نقش آن‌ها در اقتصاد جهانی به واسطه میزان سهمی که در تولید دانش بر عهده دارند مشخص می‌شود. از آنجا که نوآوری مهم‌ترین وجه دانش است؛ بنابراین تولید نوآوری و کاربرد آن در فرآیند تولید در بهبود جایگاه کشورها در عرصه جهانی اهمیت فراوانی دارد؛ اما از سوی دیگر تولید و کاربرد نوآوری اثرات متعددی بر ساختار نهادی برجای می‌گذارد که از جمله آن‌ها می‌توان به اثرگذاری بر حکمرانی اشاره کرد. از این روی، در این مطالعه تلاش می‌شود شیوه اثرگذاری نوآوری بر حکمرانی در ایران مورد بررسی قرار گیرد. به عبارت دیگر، هدف مطالعه پیش روی پاسخ به این پرسش است که آیا افزایش نوآوری شیوه حکمرانی در جمهوری اسلامی ایران را بهبود بخشیده است؟ به این منظور اثر نوآوری بر ابعاد شش‌گانه حکمرانی در بازه زمانی ۲۰۱۰ م تا ۲۰۱۷ م بررسی شده است. نتایج مطالعه انجام‌شده بیانگر آن است که در بازه زمانی مورد بررسی اثر نوآوری بر شفافیت و پاسخگویی و ثبات سیاسی مثبت و معنی‌دار بوده در حالی که بر حاکمیت قانون، کنترل فساد، اثربخشی دولت و کیفیت قوانین اثری نداشته است. همچنین، در این مطالعه اثر سرمایه اجتماعی و رانت منابع نفتی بر حکمرانی به ترتیب مثبت و معنی‌دار و منفی و معنی‌دار برآورد شده است.

**کلیدواژه:** حکمرانی، نوآوری، اثربخشی دولت، کنترل فساد، حاکمیت قانون

### The Impact of Innovation on Governance in Islamic Republic of Iran

**Abstract.** Nowadays the importance of countries in the world economy determined by their contribution to knowledge production. Since, innovation is the most prominent part of the knowledge, its production, and usage in the production process is an important factor that determines countries' position in the world. Also, production and usage of knowledge could influence governance quality. Hence, the main purpose of this article is to answer the question: Is innovation have improved governance in the Islamic Republic of Iran? To do so, the effect of innovation on governance has tested during 2010-2017. The results show that innovation was statistically ineffective on the rule of law, control of corruption, government stability, and regulation quality. While the effect of innovation on voice and accountability and government stability was positive and statistically significant. Also, the impact of social capital on governance quality found to be positive and the effect of oil rent was negative.

**Keywords:** Governance, Innovation, Government Effectiveness, Control of Corruption, Rule of Law.

## مقدمه:

دانش در دنیای کنونی در توزیع قدرت بین جوامع از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. دانش در قالب یک کالای اطلاعاتی که از ضروریات قدرت تولیدی است، یکی از اصلی‌ترین مبانی و شاید اصلی‌ترین مبنای، در رقابت جهانی برای کسب قدرت است و خواهد بود (لیوتار، ۱۹۸۴). قدرتمندترین مردم و جوامع آن‌هایی هستند که از بزرگ‌ترین منابع دانش برخوردارند: آن‌هایی که بهترین فناوری، پیشرفته‌ترین سامانه‌های ارتباطی و تسلیحاتی، توسعه‌یافته‌ترین علم پزشکی و ابزار جمع‌آوری اطلاعات با بیشترین جزئیات در مورد رقبا را در اختیار دارند (مالپاس، ۲۰۰۴)؛ اما همان‌طور که لیوتار (۱۹۸۴ م) بیان می‌کند، مهم‌ترین ویژگی دانش در این عصر کالایی شدن آن است. هدف از تولید دانش فروش آن و هدف از مصرف دانش بالا بردن ارزش آن در قالب یک محصول جدید است. در هر دو حالت هدف مبادله است (لیوتار، ۱۹۸۴)؛ بنابراین کالایی ارزشمند است که کارایی داشته و در زنجیره تولید ارزش‌آفرین باشد. نوآوری مهم‌ترین وجه دانشی است که هدف آن پاسخ به مسائل موجود است؛ بنابراین، رشد و گسترش نوآوری مهم‌ترین ابزار در کسب قدرت در دنیای کنونی است. تولید و کاربست دانش در فرآیند تولید مهم‌ترین عاملی است که امروزه بر بسیاری از متغیرهای اقتصادی، از جمله متغیرهای نهادی، اثرگذار است. افزایش دسترسی دولت‌ها به فناوری روز عاملی مهم در ارتقای سطح خدمات‌رسانی، کمی و کیفی، به شهروندان بوده و از سوی دیگر، اثر تعیین‌کننده‌ای در بهبود کیفیت نظارت شهروندان بر عملکرد دولت‌ها داشته است. به تبع شیوه و میزان اثرگذاری این عامل در بین کشورهای مختلف بر فرآیند تولید و نیز متغیرهای نهادی، همچون حکمرانی، متفاوت است. همچنین، فهم مفهوم علم در میزان اثرگذاری این عامل بر متغیرهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی بسیار تعیین‌کننده است. به عبارت دیگر، عدم درک اهمیت نوآوری می‌تواند موجب عدم تأثیر قابل ملاحظه این عامل شود. این موضوع در ارتباط با شیوه حکمرانی در کشورهای مختلف نیز صادق است؛ بنابراین در مطالعه پیش روی تلاش شده است به این پرسش پاسخ داده شود که آیا افزایش نوآوری توانسته است اثر مثبتی بر



حکمرانی در جمهوری اسلامی ایران داشته باشد؟ پاسخ به این پرسش از آنجا دارای اهمیت است که در صورت عدم مشاهده چنین تأثیری باید در میزان اهمیتی که سیاست‌گذاران برای نوآوری و به‌طور کلی علم، قائل هستند تجدید نظر صورت گیرد. انتظار بر آن است که در عصر کنونی دولت نهادی پیشرو در استفاده از نوآوری و حمایت از تولید آن در کشور باشد. این موضوع باید بر میزان اثر نوآوری در حکمرانی نمایان باشد؛ بنابراین می‌توان فرضیه زیر را متناسب با سؤال طرح‌شده ارائه کرد: اثر نوآوری بر حکمرانی در جمهوری اسلامی ایران مثبت بوده است. در این مطالعه به‌منظور بررسی فرضیه طرح‌شده از شاخص حکمرانی بانک جهانی و نیز شاخص جهانی نوآوری مربوط به همین پایگاه اطلاعاتی در بازه زمانی ۲۰۱۰ م تا ۲۰۱۷ م استفاده شده است.

در ادامه بخش‌بندی مقاله به شرح زیر است؛ در بخش دوم مبانی نظری مورد بررسی قرار گرفته است. در بخش سوم متغیرهای مورد استفاده در برآوردها اشاره شده است. در بخش چهارم روش انجام برآورد توضیح داده شده است. بخش پنجم به ارائه نتایج حاصل از برآورد و تفسیر نتایج اختصاص یافته و در بخش ششم نتیجه‌گیری و ارائه رهیافت‌های سیاسی اشاره شده است.

### مبانی نظری:

حکمرانی شامل فراداده‌ها و نهادهایی است که حاکمیت در کشورها از آن طریق اعمال می‌شود. این امر شامل شیوه انتخاب دولت‌ها، نظارت و تغییر آن‌ها، توانایی دولت‌ها در طراحی و اعمال سیاست‌های مناسب و احترام شهروندان و دولت برای نهادهایی که تعاملات اقتصادی و اجتماعی در بین آن‌ها را کنترل می‌کند، است (شاخص جهانی حکمرانی، ۲۰۱۹). از جمله مهم‌ترین شاخص‌هایی که به‌طور جامع به بررسی ابعاد گوناگون حکمرانی می‌پردازد شاخص جهانی حکمرانی است. این شاخص بر سه بخش عمده شامل:

الف) فرآیند انتخاب، نظارت و تغییر دولت؛

ب) توانایی دولت در تدوین و اجرای سیاست‌های مناسب؛

ج) احترام شهروندان و دولت به نهادهایی که مناسبات اقتصادی و اجتماعی را شکل می‌دهد نظارت دارد.

هر یک موارد ذکر شده توسط دو شاخص به شرح زیر گزارش می‌شود:

الف) فرآیند انتخاب، نظارت و تغییر دولت.

شفافیت و پاسخگویی: این شاخص بیانگر میزان مشارکت اتباع یک کشور در انتخاب دولت، آزادی ابراز عقیده، آزادی تجمع و آزادی رسانه است.

ثبات سیاسی و عدم خشونت/تروریسم: این شاخص بیانگر میزان احتمال بی‌ثباتی سیاسی و یا خشونت با انگیزه سیاسی و تروریسم است.

ب) توانایی دولت در تدوین و اجرای سیاست‌های مناسب.

اثربخشی دولت: این شاخص بیانگر میزان کیفیت خدمات عمومی، خدمات اجتماعی و درجه استقلال از فشارهای سیاسی، کیفیت تدوین و اجرای سیاست‌ها و اعتبار دولت در تعهد به چنین سیاست‌هایی است.

کیفیت قوانین: این شاخص توانایی دولت در تدوین و اجرای مقررات و سیاست‌های درستی که اجازه توسعه بخش خصوصی را می‌دهد اندازه‌گیری می‌کند.

ج) احترام شهروندان و دولت به نهادهایی که مناسبات اقتصادی و اجتماعی را شکل می‌دهد.

حاکمیت قانون: شاخص حاکمیت قانون میزان اعتماد کنشگران و رعایت آن‌ها در جامعه و به‌ویژه کیفیت اجرای قراردادها، حقوق مالکیت، پلیس و دستگاه قضایی و همچنین احتمال بروز جرم و خشونت را اندازه‌گیری می‌کند.

کنترل فساد: شاخص کنترل فساد میزان استفاده از قدرت عمومی در جهت منافع شخصی، شامل مفاسد خرد و کلان را همانند تسخیر دولت توسط نخبگان و منافع شخصی اندازه‌گیری می‌کند (شاخص جهانی حکمرانی، ۲۰۱۹).

افزایش نوآوری سه بخش ذکر شده از حکمرانی را به طریق متفاوتی تحت تأثیر قرار می‌دهد. در بخش الف گسترش نوآوری از سویی امکان برگزاری انتخاباتی سالم و نظارت

کارا بر عملکرد دولت را فراهم آورده و از سوی دیگر موجب بهبود در فرآیند آموزش می‌شود. این امر در کاهش تعارضات قومی و تنش‌های مذهبی اهمیت فراوانی دارد. در بخش ب دسترسی آسان دولت به اطلاعات توسط بهبود امکانات فناورانه موجب شناسایی نیازهای مبرم شهروندان و وضع و اصلاح قوانین و مقررات در این راستا می‌شود. همچنین، گسترش خدمات‌رسانی در بخش‌های مختلفی چون بهداشت، حمل‌ونقل، آموزش و غیره در بهبود اثربخشی دولت بسیار مؤثر خواهد بود. در بخش ج حرکت به سمت دولت الکترونیک می‌تواند بروز فساد در دستگاه دولت از جمله ارتشاء و اختلاس، به سبب افزایش امکان نظارت دولت بر کارکنان خود را کاهش دهد. همچنین، بهبود فرآیند رسیدگی به جرائم و اجرای قراردادها و نظارت بر اجرای قانون از طریق افزایش نوآوری موجب بهبود حکمرانی می‌شود؛ بنابراین افزایش نوآوری می‌تواند اثر قابل ملاحظه‌ای در بهبود ارکان مختلف حکمرانی داشته باشد (چیکارا، ۲۰۱۵).

متغیر دیگری که بر حکمرانی اثر می‌گذارد رانت منابع طبیعی است. بنا بر نظریه چرخه رانت آوتی (۲۰۰۱ و ۲۰۰۷) وجود رانت در اقتصاد، رفتاری را شکل می‌دهد که نتیجه آن کاهش رقابت، کاهش وابستگی به مالیات و افزایش فساد است. کارکرد این عوامل کاهش رشد اقتصادی است. در کشورهای وابسته به منابع طبیعی به سبب سهم بالای درآمدهای این منابع و رانتی که به جهت مازاد قابل توجه این درآمدها نسبت به هزینه تولید آن‌ها وجود دارد، نسبت رانت به GDP عددی قابل توجه بوده و زمینه رانت‌جویی در اقتصاد را فراهم و تعمیق می‌بخشد. برخورداری از این درآمدها می‌تواند هم از طریق برتری انتخاباتی و هم از طرق دیگر دستیابی به قدرت سیاسی و حفظ آن را برای اشخاص، حلقه‌های سیاسی و احزاب امکان‌پذیر کند. از طرف دیگر، درآمدهای سرشار منابع، ضرورت واقعی برخورداری از نهادها، مدیران، فرآیندها و سازمان‌های قوی و کارآمد را منتفی نموده و سازمان اداری ضعیف و ناکارآمدی را در این کشورها ایجاد کرده است. وجود چنین فرآیندها و سازمان‌های ضعیفی، امکان فساد را برای مقامات اداری ساده می‌کند. در این صورت، افزایش رانت منابع طبیعی موجب افزایش ناکارایی در شیوه حکمرانی خواهد شد.

متغیر اثرگذار دیگر بر حکمرانی سرمایه اجتماعی است. سرمایه اجتماعی به کمیت و کیفیت منابع اجتماعی، شامل ارتباطات و شبکه‌های اجتماعی، عضویت در گروه‌ها و دسترسی به نهادهای گسترده‌تر در جامعه، اطلاق می‌شود که افراد را به سمت پیگیری رفاه و معیشتشان هدایت می‌کند؛ بنابراین مهم‌ترین نتیجه سرمایه اجتماعی، اعتماد است. اعتماد موجب افزایش مشارکت افراد در گروه‌ها و شبکه‌های اجتماعی می‌شود که این امر به شناسایی اولویت‌های مشترک و هم‌صدایی در پیگیری تقاضاهای مشترک می‌انجامد. در این صورت شهروندان قادر خواهند بود به‌طور بهتری اهداف جمعی خود را دنبال کرده و بر رفتار دولت در پیگیری آن‌ها نظارت کنند (گارانگ و شین، ۲۰۱۷). در این صورت، افزایش سرمایه اجتماعی موجب افزایش توان شهروندان در پیگیری اهداف جمعی شده و در فرآیندهای انتخاباتی به برگزیدن افرادی می‌انجامد که دغدغه‌های مشابهی دارند؛ بنابراین افزایش سرمایه انسانی موجب بهبود حکمرانی می‌شود.

اشاره به این نکته ضروری است که در بررسی‌های انجام‌شده مطالعه تجربی پیرامون بررسی اثر نوآوری و سرمایه اجتماعی بر حکمرانی مشاهده نشد. این در حالی است که مطالعات ازکورا (۲۰۱۲ م)، گیل‌فاسون (۲۰۰۸ م)، آوتی (۲۰۰۱ م، ۲۰۰۷ م)، لیت و ویدمن (۱۹۹۹ م)، توفیقی و رازلیقی (۱۳۹۵ ه.ش)، بخشی‌آنی و نیلی (۱۳۹۰ ه.ش) و پورجوان و همکاران (۱۳۹۲ ه.ش) بیانگر اثر منفی و فور منابع طبیعی بر کیفیت نهادی، از جمله حکمرانی، هستند.

### ارائه الگو و معرفی متغیرها:

معادلاتی که در مطالعه پیش روی برآورد شده‌اند به شرح زیر هستند:

$$LGOV(a)_t = \alpha_0 + \alpha_1 LInn_t + \alpha_2 LOil_t + \alpha_3 LSC_t + \varepsilon_t \quad (1)$$

$$LGOV(b)_t = \beta_0 + \beta_1 LInn_t + \beta_2 LOil_t + \beta_3 LSC_t + \mu_t \quad (2)$$

$$LGOV(c)_t = \gamma_0 + \gamma_1 LInn_t + \gamma_2 LOil_t + \gamma_3 LSC_t + v_t \quad (3)$$

در معادلات فوق حرف «L» در ابتدای متغیرهای بیانگر لگاریتم طبیعی است. از سوی دیگر، در این معادلات GOV(a)، GOV(b) و GOV(c) به ترتیب نمایانگر تعاریف ارائه شده از حکمرانی بدین شرح است: GOV(a) فرآیند انتخاب، نظارت و تغییر دولت: GOV(b) توانایی دولت در تدوین و اجرای سیاست‌های مناسب و: GOV(c) احترام شهروندان و دولت به نهادهایی که مناسبات اقتصادی و اجتماعی را شکل می‌دهد. همچنین، Inn بیانگر نوآوری، Oil رانت منابع نفتی و SC سرمایه اجتماعی است.

حکمرانی (GOV) همان‌طور که پیش‌تر بیان شد، شاخص مورد استفاده برای این متغیر از بانک جهانی استخراج شده است. این شاخص دارای شش بعد است که دوبه‌دو در قالب سه گروه قابل بخش‌بندی است. در برآوردهای انجام شده هریک از بخش‌های ذکر شده به‌عنوان متغیر وابسته مورد استفاده قرار گرفته است. به‌منظور محاسبه هر بخش نیز میانگین ساده دو متغیر در هر کدام لحاظ شده است. این شاخص از پایگاه اطلاعاتی بانک جهانی اخذ شده است.

نوآوری (Inn) برای شاخص نوآوری در این پژوهش، از زیر شاخص خروجی شاخص جهانی نوآوری استفاده شده است که میانگین ساده دو زیر شاخص خروجی‌های خلاق (شامل میانگین ساده زیر اجزای خلق دانش، تأثیر دانش و انتشار دانش) و خروجی‌های دانش و فناوری (شامل میانگین ساده زیر اجزای دارایی‌های نامشهود، کالاها و خدمات خلاق و خلاقیت آنلاین) است (شاخص جهانی نوآوری، ۲۰۱۶). داده‌های مورد استفاده از پایگاه اطلاعاتی شاخص جهانی نوآوری استخراج شده است.

رانت منابع نفتی (Oil) برای نمایش این متغیر به پیروی از کیم و لین (۲۰۱۷ م)، از شاخص اجاره منابع نفتی به‌صورت درصدی از GDP استفاده می‌شود. عبارت زیر شیوه محاسبه این شاخص را بیان می‌کند:

$$V_t = \sum \pi_t q_t / (1+r)^{i-t} \quad (۴)$$

در این عبارت  $\pi_t q_t$  بیانگر سود اقتصادی یا مجموع اجاره در زمان  $t$  و  $r$  نرخ تنزیل اجتماعی است (بانک جهانی، ۲۰۱۱). داده‌ها مربوط به این متغیر از پایگاه اطلاعاتی بانک جهانی اخذ شده است.

سرمایه اجتماعی (SC) شاخص مورد استفاده برای سرمایه اجتماعی از سه زیر شاخص انسجام و تعامل اجتماعی، شبکه‌های خانوادگی و ارتباطی، مشارکت اجتماعی و اعتماد نهادی تشکیل شده است. این شاخص میزان اعتماد در بین افراد جامعه را اندازه‌گیری می‌کند (شاخص کامیابی، ۲۰۱۹). پایگاه اطلاعاتی شاخص کامیابی داده‌های مربوط به سرمایه اجتماعی را به‌طور سالیانه از سال ۲۰۰۷ م منتشر می‌کند.

بازه زمانی مورد مطالعه در پژوهش پیش روی از سال ۲۰۱۰ م تا ۲۰۱۷ م بوده است. دلیل انتخاب سال ۲۰۱۰ م به‌عنوان سال شروع داده‌ها به علت محدودیت دسترسی به داده‌های نوآوری بوده است. در پایگاه اطلاعاتی شاخص جهانی نوآوری داده‌های مربوط به این شاخص از سال ۲۰۱۰ م در گزارش‌های سالیانه موجود است. همچنین، سال ۲۰۱۷ م به جهت عدم دسترسی به داده‌های مربوط به این سال در شاخص رانت منابع نفتی به‌عنوان سال پایانی انتخاب شده است.

### روش برآورد معادلات:

به‌منظور برآورد معادلات در این مطالعه از روش حداقل مربعات مستحکم استفاده شده است. دلیل انتخاب این روش تخمین مربوط به بازه نوسان متغیر وابسته بوده که بنا بر آزمون مربوطه واجد خصوصیت داده‌های خارج از محدوده است.

روش حداقل مربعات معمولی که به‌طور سنتی مورد استفاده قرار می‌گیرد ضریب مورد نظر را به‌صورت مینیمم کردن مجموع مربعات پسماند به دست می‌آورد:

$$\bar{\beta}_{OLS} = \underset{\beta}{\operatorname{argmin}} \sum_{i=1}^N r_i(\beta)^2 \quad (5)$$

در عبارت فوق تابع پسماند  $r$  عبارت است از:

$$r_i(\beta) = y_i - X_i' \beta \quad (6)$$

از آنجا که عامل پسماند در سمت راست معادله (۵) پس از مربع‌سازی وارد می‌شود؛ بنابراین اثر داده‌های خارج از محدوده به‌طور قابل توجهی افزایش می‌یابد. به‌منظور پرهیز به‌صورت زیر استفاده کرد.  $M$  از چنین پدیده‌ای می‌توان از برآوردگر

$$\hat{\beta}_M = \operatorname{argmin}_{\beta} \sum_{i=1}^N \rho_c \left( \frac{r_i(\beta)}{\sigma w_i} \right) \quad (7)$$

در عبارت (۷)،  $\sigma$  مقیاس پسماند را اندازه‌گیری می‌کند،  $c$  ثابت تنظیم‌کننده دلخواه تابع و  $w_i$  وزن‌های فردی است که به‌طور عمومی معادل ۱ یا عبارت (۸) در نظر گرفته می‌شود:

$$w_i = \sqrt{1 - X_i(X'X)^{-1}X_i'} \quad (8)$$

همچنین، در عبارت (۷) تابع  $\rho$  از جدول مخصوص آن استخراج می‌شود (راهنمای ایویوز، ۲۰۱۷).

### تخمین و تفسیر نتایج:

پیش از پرداختن به برآورد معادلات (۱) تا (۳) ذکر این نکته ضروری است که به جهت طول بازه زمانی مورد مطالعه انجام آزمون ریشه واحد ضرورتی نداشته است. نتایج برآورد معادلات در جدول (۱) قابل مشاهده است. همان‌طور که مشاهده می‌شود، نوآوری در معادله مربوط به دو بخش (ب) و (ج) اثری بر حکمرانی نداشته است. این دو بخش شامل شاخص‌های اثربخشی دولت، کیفیت قوانین، حکومت قانون و کنترل فساد است؛ اما اثر نوآوری بر بخش الف، شامل شفافیت و پاسخگویی و ثبات سیاسی مثبت و معنادار بوده است. نکته جالب توجه در نتایج به‌دست‌آمده آن است که نوآوری به‌ویژه بر اثربخشی دولت و کنترل فساد بی‌اثر بوده است. انتظار بر آن است که با افزایش دسترسی به فناوری‌های جدید از سویی کارایی حاکمیت در ارائه خدمات به شهروندان بهبود یافته و از سوی دیگر احتمال بروز فساد به موجب بهبود عملکرد دستگاه‌های نظارتی در کنترل رفتار کارکنان کاهش یابد. عدم بروز چنین نشانه‌ای در داده‌های آماری بیانگر بی‌توجهی حاکمیت در به‌کارگیری نوآوری در اجرای امور است. این نکته به‌ویژه با توجه به شاخص مورد استفاده از نوآوری، شامل خلق، تأثیر و انتشار دانش، کالاها و خدمات خلاق و خلاقیت

آنلاین، واجد اهمیت فراوانی است؛ به عبارت دیگر، انتظار بر آن است که حاکمیت و به‌طور ویژه دولت استفاده از دستاوردهای پژوهشی را، به‌منظور حمایت از نوآوری داخلی، مورد استفاده قرار دهند. البته اثر مثبت نوآوری بر شفافیت و پاسخگویی نشانه‌ای امیدوارکننده از کاربرد نوآوری در برخی از ارکان حاکمیت محسوب می‌شود. همچنین، اثر مثبت و معنی‌دار سرمایه اجتماعی بر حکمرانی بیانگر عملکرد مناسب تقاضا و عرضه در عرصه سیاسی است. برآورد انجام‌شده نشان می‌دهد مشارکت مردم در عرصه سیاسی با ایجاد تقاضا برای بهبود در ابعاد مختلف حکمرانی و انتخاب نمایندگان همسو با این خواست موجب عرضه اصلاحات در ساختار حکمرانی و بهبود عملکرد آن در بازه زمانی مورد بررسی شده است.

همان‌طور که مشاهده می‌شود، اثر رانت منابع نفتی بر شاخص حکمرانی منفی و معنادار بوده است؛ به عبارت دیگر، افزایش رانت منابع نفتی در دوره مورد بررسی بر کیفیت حکمرانی اثر مخربی داشته است. این نتیجه با مطالعات گیلغاسون (۲۰۰۸ م)، آوتی (۲۰۰۱ م، ۲۰۰۷ م)، توفیقی و رازلیقی (۱۳۹۵ ه.ش) و بخشی‌آنی و نیلی (۱۳۹۰ ه.ش) هم‌راستا است.

جدول ۱: نتایج برآورد معادلات (۱)، (۲) و (۳)

نام متغیر	متغیر وابسته (الف)	متغیر وابسته (ب)	متغیر وابسته (ج)
نوآوری	۲/۲۲۳ [۰/۰۰۰۲]	۱/۴۲۰ [۰/۳۰۱۵]	۰/۷۱۷ [۰/۲۲۴۷]
رانت منابع نفتی	-۱/۴۵۰ [۰/۰۰۰۰]	-۱/۱۵۲ [۰/۰۰۱۹]	-۰/۹۲۵ [۰/۰۰۰۲]
سرمایه اجتماعی	۴/۵۷۸ [۰/۰۰۰۵]	۴/۳۳۷ [۰/۰۰۰۰]	۴/۸۵۷ [۰/۰۰۰۲]
عرض از مبدأ	-۲۲/۱۹۰ [۰/۰۰۱۴]	-۱۹/۴۶۵ [۰/۰۱۷۷]	-۲۰/۳۷۲ [۰/۰۰۲۹]
<b>Rn – squared</b>	۱۱۷/۱۴ [۰/۰۰۰۰]	۳۹/۴۴ [۰/۰۰۰۰]	۶۰/۹۶ [۰/۰۰۰۰]



### منبع: یافته‌های پژوهش

#### یادداشت:

هریک از ستون‌ها بیانگر یکی از بخش‌های شاخص حکمرانی است که در بخش مبانی نظری معرفی شده‌اند.

همه متغیرها لگاریتمی هستند.

برآوردها با استفاده از حداقل مربعات مستحکم و گزینه M-Estimation انجام شده است.

اعداد داخل کروشه P-Value هستند.

#### نتیجه‌گیری و ارائه رهیافت

نوآوری در جهان کنونی مهم‌ترین کالای تولیدی محسوب می‌شود. سالانه حجم قابل توجهی از مخارج دولت‌ها صرف حمایت از تولید نوآوری می‌شود. بنا بر دیدگاه لیوتار (۱۹۸۴ م) قدرت کشورها در عصر حاضر به میزان نقش آن‌ها در تولید و کاربست دانش در فرآیند تولید سایر کالاها بستگی دارد. نوآوری مهم‌ترین وجه دانش است و افزایش آن به‌عنوان نشانه‌ای از افزایش اهمیت کشورها در مناسبات جهانی است. اثرگذاری نوآوری در ساختار سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کشورها به‌طور روزافزونی شدت گرفته و مناسبات کشورها با یکدیگر و نیز مناسبات شهروندان و حاکمان در درون کشورها را دستخوش تغییر کرده است. یکی از مهم‌ترین اثراتی که نوآوری بر ساختار سیاسی جوامع برجای گذارده در شیوه حکمرانی است. دسترسی به حجم گسترده‌ای از اطلاعات، امکان ارائه خدمات به شیوه کاراتری نسبت به گذشته، افزایش توان نظارت بر اجرای مقررات، تسهیل مالیات ستانی و غیره به‌واسطه افزایش نوآوری موجب شده است شیوه حکمرانی در کشورهایی که دستگاه حاکمه به سمت بهره‌مندی از آن اقبال داشته است بهبود یابد. همچنین، نقش مردم به‌عنوان متقاضیان بهبود شیوه حکمرانی به سبب ایجاد امکان نظارت

بر رفتار حکومت‌ها به واسطه گسترش رسانه‌ها که از تبعات افزایش نوآوری است، نیز از سمت تقاضا بر بهبود شرایط حکمرانی اثرگذار بوده است. از این روی، در مطالعه پیش روی تلاش شده است به این پرسش پاسخ داده شود که آیا افزایش نوآوری در بهبود حکمرانی در جمهوری اسلامی ایران مؤثر بوده است؟ نتایج حاصل از برآوردهای انجام‌شده نشان داد نوآوری بر شاخص‌های شفافیت و پاسخگویی و ثبات سیاسی اثر مثبت و معناداری داشته است. این در حالی است که این متغیر بر اثربخشی دولت، کیفیت قوانین، حاکمیت قانون و کنترل فساد از نظر آماری بی‌اثر بوده است. در نتیجه فرضیه تحقیق مبنی بر اثر مثبت نوآوری بر حکمرانی در جمهوری اسلامی ایران به‌طور ضعیف رد می‌شود.

بنا بر آنچه بیان شد می‌توان رهیافت‌هایی به شرح زیر ارائه کرد:

به نظر می‌رسد نفوذ نوآوری در حاکمیت با کندی صورت می‌گیرد که این عامل می‌تواند ناشی از عدم تمایل کارکنان به استفاده از فناوری‌های جدید باشد؛ بنابراین آموزش متناسب کارمندان نهادهای مختلف حاکمیت باید در دستور کار قرار گیرد.

افزایش تقاضای دولت برای نوآوری می‌تواند به مهم‌ترین عامل رشد این متغیر تبدیل می‌شود؛ بنابراین این افزایش تقاضا از سویی موجب افزایش نوآوری و از سوی دیگر بهبود کیفیت حکمرانی، به‌ویژه در بخش اثربخشی دولت، خواهد شد.

از آنجا که سرمایه اجتماعی بیشترین تأثیر را بهبود حکمرانی در بازه زمانی مورد مطالعه داشته است؛ بنابراین کوشش حاکمیت در حفظ و گسترش این سرمایه امری ضروری به نظر می‌رسد.

افزایش رانت منابع نفتی اثر منفی بر حکمرانی داشته است؛ بنابراین کاهش وابستگی دولت به درآمدهای منابع نفتی و اتکا بر درآمدهای مالیاتی باید اولویت دستگاه حاکمه قرار گیرد.

### منابع:

۱. بخشی‌آنی، رضا؛ نیلی، فرهاد، (۱۳۹۲)، اثر وابستگی به منابع طبیعی بر کیفیت

نهادهای پژوهش‌های پولی-بانکی، ۶(۱۸): ۱۵۷-۱۷۵.

۲. پورجوان، عبدالله؛ شاه‌آبادی، ابوالفضل؛ قربان‌نژاد، مجتبی؛ امیری، حسین، (۱۳۹۲)،  
تأثیر وفور منابع طبیعی بر عملکرد حکمرانی کشورهای برگزیده منابع نفتی و توسعه‌یافته:  
رویکرد پانل GMM. تحقیقات الگوسازی اقتصادی. ۱۶(۳۴): ۱-۳۳.

۳. توفیقی، حمید؛ یحوی رازلیقی، حسن، (۱۳۹۵)، تأثیر رانت منابع نفتی بر کیفیت  
نهادها در اقتصادهای منابع نفتی، سیاست‌گذاری اقتصادی، ۸(۱۶): ۲۱-۴۰.

4. Auty, R. M. (Ed). (2001). Resource abundance and economic development. Oxford University Press.

5. Auty, R. M. (2007). Patterns of rent extraction and deployment in developing countries: implications for governance, economic policy, and performance. In *Advancing Development* (pp. 555-577). Palgrave Macmillan, London.

6. Chhikara, B. S. (2015). Good Governance: Role of science, technology, and Innovations. *Integrated Journal of Social Sciences*, 2(1), 7-14.

7. Ezcurra, R. (2012). Is there a link between globalization and governance? *Environment and Planning C: Government and Policy*, 30(5), 848-870.

8. Eviews. (2017). *EViews 10 User's Guide II*. IHS Markit.

9. Gurung, S. Shean, A. (2017). *Social Capital and Good Governance: A Governance in Action Research Brief*. Mercy Corps. Available at: <https://www.mercycorps.org/sites/default/files/Social-Capital-Good-Governance-Mercy-Corps-2017.pdf>

10. Gylfason, T. (2008). Development and Growth in Mineral-Rich Countries. *CEPR Discussion Papers*. (No. 7031)

11. Kim, D. H., & Lin, S. C. (2017). Human capital and natural resource dependence. *Structural Change and Economic Dynamics*, 40(C), 92-102.

12. Leite, C. A., & Weidmann, J. (1999). Does Mother Nature Corrupt? Natural Resources, Corruption, and Economic Growth. *International Monetary Fund*, 99(85), 124-152.

13. Lyotard, J. F. (1984). *The postmodern condition: A report on knowledge*. University of Minnesota Press.

14. Malpas, S. (2004). *The postmodern*. Routledge.

15. <https://info.worldbank.org/governance/wgi>

16. <https://www.prosperity.com>

17. [wdi.worldbank.org](http://wdi.worldbank.org)



# حکمرانی برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران از منظر نظریه بازی‌ها

مجید اسحاقی  
غلامرضا عسگری



## چکیده:

حکمرانی برنامه هسته‌ای ج.ا.ایران در گام اول انقلاب اسلامی یکی از مهم‌ترین موضوعاتی است که همواره بخش مهمی از محور سیاست داخلی و سیاست خارجی کشور بوده است. اهمیت و تأثیر فناوری هسته‌ای بر حوزه‌های سیاسی، امنیتی، پزشکی، انرژی و تجاری به حدی است که ج.ا.ایران دستیابی به فناوری صلح‌آمیز هسته‌ای را حق مسلم خود می‌داند. کشورهای غربی به نام جامعه ملل، در تلاش هستند که برنامه هسته‌ای ج.ا.ایران را در چارچوب دستیابی به سلاح هسته‌ای ترسیم کنند که با فشار حداکثری از طریق تحریم و تهدید این کشور را برای پذیرفتن شروط، اهداف و تأمین منافع خود متقاعد کنند. در این مقاله با استفاده از نظریه بازی‌ها حکمرانی برنامه هسته‌ای ج.ا.ایران را الگوسازی می‌کنیم. در این الگوسازی فعالیت هسته‌ای ج.ا.ایران در دوره هشتم ریاست جمهوری با استفاده از نظام پویای بازی‌ها تجزیه و تحلیل می‌شود. یافته‌های ما نشان می‌دهد تیم مذاکره‌کننده در برخی از دوره‌ها استراتژی مغلوب را انتخاب کرده است.

**کلیدواژه:** برنامه هسته‌ای، نظریه بازی‌ها، حکمرانی، نظام پویای بازی‌ها، انقلاب اسلامی

ایران.

Abstract. Governance the Iranian nuclear program in the first phase of the Islamic Revolution is one of the most important issues that has always been an important part of the domestic and foreign policy agenda of the country. The importance and impact of nuclear technology in the areas of political, security, medical, energy and trade to the extent that Iran regards its pursuit of peaceful nuclear technology as its inalienable right. Western nations, in the name of the United Nations, are trying to draw upon Iran's nuclear program within the framework of achieving nuclear weapons that will convince maximum pressure through the boycott and the threat of the country to accept the terms, objectives and the provision of their interests. In this paper, we use game theory to model the governance of the Iranian nuclear program. In this modeling, Iran's nuclear activity during the eighth presidency is analyzed using a dynamic game system. Our findings suggest that the negotiating team has chosen a defected strategy in some periods.

Keywords: Nuclear Program, Game Theory, Governance, Dynamic Game System, Islamic Revolution of Iran.



### مقدمه:

نخستین تلاش‌های ایران برای دستیابی به فناوری هسته‌ای به دهه ۱۳۳۰ شمسی باز می‌گردد که بر اساس یک موافقت‌نامه با ایالات متحده آمریکا منعقد شد. در سال ۱۳۴۶ ه.ش اولین رآکتور تحقیقاتی پنج مگاواتی آب سبک که از اورانیوم غنی‌شده با خلوص ۹۳ درصد استفاده می‌کرد توسط شرکت آمریکایی AMF، در دانشگاه تهران نصب و راه‌اندازی شد. یک سال بعد ایران پیمان عدم تکثیر سلاح‌های هسته‌ای NPT را پذیرفت. در سال ۱۳۵۳ ه.ش سازمان انرژی اتمی تأسیس شد و قرارداد اولیه طراحی و ساخت دو نیروگاه اتمی در بوشهر بین سازمان انرژی اتمی و شرکت KWU آلمان منعقد گردید. در سال ۱۳۵۵ ه.ش، بر اساس قراردادی مشترک، انگلیس و فرانسه به‌طور مشترک تحقیقات برای احداث تأسیسات هسته‌ای اصفهان در خصوص چرخه سوخت هسته‌ای را آغاز کردند. تا قبل از بهمن ۱۳۵۷ ه.ش کشورهای آمریکا، آلمان، فرانسه و انگلستان در جهت توسعه فناوری هسته‌ای با ایران قراردادهایی را منعقد کردند. با پیروزی انقلاب اسلامی ایران در ۲۲ بهمن‌ماه سال ۱۳۵۷ ه.ش سیاست کشورهای غربی نسبت به ایران تغییر کرد و به سیاست تحریم فناوری ایران تبدیل شد.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران و سرنگونی رژیم شاهنشاهی، جمهوری اسلامی ایران تصمیم گرفت همچنان به عضویت و پایبندی خود به NPT، موافقت‌نامه پادمان و اساسنامه آژانس ادامه دهد. کشورهای غربی مانند آلمان، فرانسه و انگلستان اجرای قراردادها و موافقت‌نامه‌های خود که قانونی و تحت نظارت آژانس بود را به حالت تعلیق درآوردند و به‌طور یک‌جانبه لغو کردند. با پایان جنگ تحمیلی و آغاز دوران بازسازی کشور توسعه فناوری صلح‌آمیز هسته‌ای و تکمیل نیروگاه بوشهر نیز مطرح شد. انعقاد قرارداد میان ج.ا.ایران و روسیه جهت تکمیل و راه‌اندازی نیروگاه اتمی بوشهر، توسعه و تکمیل تأسیسات سوخت هسته‌ای اصفهان و ایجاد تأسیسات غنی‌سازی اورانیوم در نطنز از جمله فعالیت‌های ج.ا.ایران در راستای دستیابی به انرژی هسته‌ای و چرخه سوخت

هسته‌ای در طی دهه ۱۳۷۰ شمسی بود. در سال ۱۳۸۱ ه.ش به دنبال گزارش گروهک معاند منافقین مبنی بر وجود دو سایت هسته‌ای در دست احداث غنی‌سازی اورانیوم در نطنز و آب‌سنگین اراک، موضوع برنامه هسته‌ای ج.ا.ایران به‌عنوان تهدیدی امنیتی توسط بازیگران غربی تصویرسازی و بزرگنمایی شد. از این مقطع به بعد فعالیت‌های هسته‌ای ج.ا.ایران به یکی از مسائل مهم رسانه‌ها و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی تبدیل گردید.

هدف این پژوهش بررسی حکمرانی برنامه هسته‌ای ج.ا.ایران از سال ۱۳۸۱ ه.ش تا سال ۱۳۸۸ ه.ش به کمک نظریه بازی‌ها می‌باشد. برای این منظور، پویایی حکمرانی برنامه هسته‌ای ج.ا.ایران را با استفاده از نظام پویای بازی‌ها الگوسازی می‌شود. نظام پویای بازی‌های یک الگو پویا از بازی‌های دو در دو است. منظور از نظام پویا این است که بازیکنان به‌طور هم‌زمان و به‌صورت مرحله به مرحله حرکت کرده و بازی‌های جدید را طراحی می‌کنند. زمانی که بازیکنان در یک موقعیت تمایلی برای حرکت و طراحی بازی جدید نداشته باشند و از وضعیت موجود در این مکان راضی باشند نظام به پایان می‌رسد. در این الگوسازی، دوره ریاست جمهوری هشتم را به سه دوره تقسیم می‌کنیم. در هر دوره، بازی‌های ایستا با اطلاعات کامل که رخ داده است، مورد بررسی قرار خواهیم داد. دوره اول از آغاز دوره هشتم ریاست جمهوری تا توافقنامه تهران است که شامل پنج بازی می‌باشد. دوره دوم از توافق تهران تا توافق بروکسل می‌باشد که شامل سه بازی را شامل می‌شود. دوره سوم از توافقنامه بروکسل تا پایان دوره هشتم ریاست جمهوری می‌باشد که چهار بازی را شامل می‌شود.

### نظریه بازی‌ها:

... نظریه بازی‌ها یک زبان ریاضی است که به بررسی چگونگی تصمیم‌گیری بازیکنان (انسان‌ها، ژن‌ها، شرکت‌ها، کشورها و ...) در وضعیت‌های تعاملی می‌پردازد. این نظریه، تصمیم‌گیری در یک محیط تعاملی را مطالعه کرده و نظریه‌ای از تعارض، همکاری و هماهنگی بین تصمیم‌گیرندگان است. مطالعه بازی‌ها را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد. دسته اول مطالعاتی هستند که در مورد اجزا بازی‌ها و نحوه الگوسازی توسط یک بازی

صحبت می‌کنند و دسته دوم به بررسی ارتباط بین بازی‌ها می‌پردازد. بیشتر تحقیقات انجام شده از نوع اول می‌باشد و تحقیقات از نوع دوم بسیار نادر است. ازجمله مهم‌ترین تحقیقات نوع دوم می‌توان به ابر بازی‌ها، توپولوژی بازی‌های دو در دو و نظریه بازی‌های بازی‌ساز می‌توان اشاره کرد. در نظریه بازی‌ها، بازیکنان دو دسته‌اند، دسته اول بازیکنان عقلایی‌اند و دسته دوم بازیکنان غیر عقلایی هستند. محیطی که در آن بازیکنان عقلایی در تعامل هستند را محیط راهبردی می‌گویند. فرض اساسی عقلایی بودن بازیکن این است که بازیکن با در نظر گرفتن تأثیر احتمالی تصمیم خود بر دیگر بازیکنان، آن تصمیمی را بگیرد که در راستای منافع خود باشد. محیطی که در آن بازیکنان غیر عقلایی در تعامل هستند را محیط تکاملی می‌گویند. به‌طور کلی اکثر شرایط و موقعیت‌های موجود در طبیعت و یا بین انسان‌ها و جوامع بشری را می‌توان به کمک این نظریه الگوسازی کرد. استعاره واژه بازی، برای توصیف الگودهی وضعیتی به کار گرفته شده است تا به تصمیم برسد. گرچه این نظریه، از علم ریاضی دریافت شده، اما تأثیر غیر قابل انکاری در علوم دیگر به‌ویژه در اقتصاد، زیست‌شناسی، مهندسی، علوم سیاسی، روابط بین‌الملل، علوم رایانه، بازاریابی و فلسفه داشته است.

نظریه بازی به بررسی چگونگی تصمیم‌گیری افراد عقلایی در وضعیت‌های تعاملی می‌پردازد. تعریف یک بازی به هر وضعیتی بر می‌گردد که حداقل شامل دو فرد است که بازیکن نامیده می‌شوند و هر بازیکن حداقل دارای دو گزینه انتخابی است که دارای وابستگی متقابل می‌باشند. از ویژگی‌های اساسی یک بازی می‌توان به فردگرایی، عقلانیت، وابستگی متقابل و عایدی اشاره کرد. وضعیت‌هایی که افراد یا بازیکنان در آن قادر نباشند بر سر یک موضوع با هم به توافق برسند با استفاده از نظریه بازی‌های غیر همکارانه تحلیل می‌کنند. با این تعریف می‌توان گفت نظریه بازی‌های غیر همکارانه به‌ذات فردگرا است؛ اما وضعیت‌هایی که افراد یا بازیکنان در آن می‌توانند بر سر یک موضوع با هم به توافق برسند، با استفاده از نظریه بازی‌های همکارانه تحلیل می‌شود؛ بنابراین می‌توان گفت نظریه بازی‌های همکارانه بر روی عایدی‌ها و اتحادی از افراد تمرکز می‌کند.

فرض عقلایی بودن افراد یا بازیکنان، یکی از اصول زیربنایی نظریه بازی‌ها محسوب می‌شود. فرض رفتار عقلایی هر بازیکن بر این استوار است که هر فرد درصدد بهینه‌سازی و یا به دنبال بیشترین منفعت خود است؛ بنابراین می‌توان گفت مفهوم عقلانیت بر دو شرط استوار است؛ اول، بازیکن نسبت به عایدی عمل‌های انتخابی آگاهی و دانش داشته باشد. دوم، بازیکن بتواند از مجموعه عمل‌های در دسترس عملی را انتخاب کند که بیشترین منفعت را برای خودش داشته باشد. منظور از عمل گزینه‌های انتخابی پیش روی هر فرد است که می‌تواند از میان آن‌ها یک گزینه را انتخاب کند. فرض اساسی در پیش‌بینی رفتار انسان‌ها این است که این رفتارها تقریباً رویه‌ای عقلایی و هدفمند دارند؛ به عبارت دیگر فرض می‌شود که در شرایط تصمیم‌گیری افراد حداقل دارای دو انتخاب می‌باشند که می‌توان گفت در زندگی روزمره هر فرد به تعداد کافی در اکثر موارد روش عقلایی را انتخاب می‌کند و منفعت شخصی را در نظر می‌گیرند. در این نظریه، جامعه مجموعه‌ای از افراد است که کنش عقلایی دارند. اغلب فرض می‌شود که عقلایی بودن بازیکنان به صورت یک دانش عمومی است. این آگاهی عمومی کمک می‌کند تا بازیگران در بیشینه کردن منافع شخصی با در دسر چندانی روبه‌رو نشوند. یکی دیگر از ویژگی‌های نظریه بازی این است که وضعیت‌هایی را که تصمیم افراد در آن‌ها به‌طور متقابل وابسته هستند، در نظر می‌گیرد. در این وضعیت، عایدی هر یک از افراد در یک بازی، حداقل تا حدی، توسط اقدامات دیگر بازیکنان در بازی تعیین می‌شود. افراد با لحاظ کردن وابستگی متقابل ممکن است انگیزه‌ای برای اقدامات راهبردی داشته باشند. با تصمیم‌گیری‌های راهبردی، افراد به دنبال پیش‌بینی تأثیر اعمال خود بر رفتار دیگران می‌باشند. در نظریه بازی‌ها، میزان سود یا زیانی (هزینه) که فرد از انتخاب یک عمل در بازی به دست می‌آورد، عایدی فرد می‌نامیم؛ به عبارت دیگر به مقدار برد یا باخت و آنچه در یک بازی نصیب افراد می‌شود، عایدی گفته می‌شود؛ بنابراین می‌توان گفت عایدی یک فرد هر آنچه است که در انتهای یک بازی به دنبال بهینه کردن آن است.

اگر چهار ویژگی فوق را داشته باشیم می‌توانیم از یک بازی صحبت کنیم. به‌طور خاص یک بازی را می‌توان به‌صورت وضعیتی تعریف کرد که در آن گزینه‌های انتخابی هر فرد در دسترس باشند، عایدی هر فرد از انتخاب هر گزینه مشخص باشد و هر فرد با در نظر گرفتن تأثیر متقابل گزینه‌های انتخابی خود بر سایر افراد به دنبال بهینه کردن منفعت خود باشد.

با یک مسئله انتخاب بسیار ساده شروع می‌کنیم. در این مسئله یک فرد از یک مجموعه متناهی از گزینه‌های رفتاری خود دست به انتخاب می‌زند. فرض کنید مجموعه  $A = \{a_1, a_2, \dots, a_n\}$  یک مجموعه از گزینه‌های رفتاری در دسترس باشد. انتخاب یک گزینه رفتاری از مجموعه  $A$  را یک عمل می‌نامیم. به‌عنوان مثال، یک کشور می‌خواهد دستیابی به یک فناوری جدید را به همه پرسى بگذارد. در این همه پرسى یک رأی‌دهنده دارای دو گزینه رفتاری برای انتخاب است که یا موافق دستیابی یا مخالف دستیابی می‌باشد. می‌توان گفت با انتخاب یک گزینه رفتاری از این مجموعه، یک رأی‌دهنده عمل خود را انتخاب کرده است. به تعبیر دیگر مجموعه عمل‌های در دسترس یک فرد دقیقاً همان مجموعه گزینه‌های رفتاری در دسترس فرد برای انتخاب است. در زندگی روزمره افراد بر اساس اهدافی که دارند عملی را انتخاب می‌کنند که سودمند باشد. در مثال بالا اگر از نظر یک رأی‌دهنده دستیابی به فناوری جدید سودمند باشد رأی موافق دستیابی را به صندوق می‌اندازد و در غیر این صورت رأی مخالف دستیابی را به صندوق می‌اندازد. برای اینکه انتخاب یک عمل هدفمند باشد باید هدف به‌طور مشخص بیان شود. هدفی که فرد از انتخاب عمل به دنبال آن است با اصطلاح نتیجه بیان می‌گردد. نتیجه انتخاب یک عمل را می‌توان به‌صورت اسمی، عدد و بازه نمایش داد. هنگامی که نتایج را به‌صورت اعداد و بازه نمایش دهیم می‌توان تابع مطلوبیت را تعریف کرد.

تابع مطلوبیت رابطه بین مجموعه عمل‌ها و ترجیحات در ذهن تصمیم‌گیرنده را بیان می‌کند. تمایلات فرد برای رتبه‌بندی نتایج منجر به ساختن ترجیحات او می‌شود. ترجیحات یک فرد لزوماً با شخص دیگری یکسان نمی‌باشد. دو شرط برای مرتب بودن ترجیحات

تصمیم‌گیرنده برای هر انتخاب عقلانی ضروری است: کامل بودن و تعدی. خاصیت کامل بودن به این معنی است که تصمیم‌گیرنده قادر باشد بین دو گزینه یکی را انتخاب کند، یا اینکه بین دو گزینه بی تفاوت باشد، در این صورت تمام نتایج را می‌توان با یکدیگر مقایسه کرد. خاصیت تعدی به این معنی است که تصمیم‌گیرنده می‌تواند نتایج را بر اساس اولویت مرتب کند. در نظریه بازی‌ها، تجزیه و تحلیل یک بازی معمولاً متمرکز است بر تعیین اینکه چه نتیجه‌ای ممکن است رخ دهد، زمانی که بازیکنان با توجه به نقش خود و اطلاعات در دسترس، تعامل داشته باشند. آنچه ممکن است رخ دهد همان راه‌حل است. یک راه‌حل، عمل‌های انتخابی بازیکنان و عایدی که نصیبشان می‌شود را توصیف می‌کند است. مفهوم راه‌حل، به ما امکان می‌دهد از عایدی‌های ممکن در یک وضعیت خاص گرفته تا عمل‌های انتخابی توسط بازیکنان را مشخص کنیم. فون نویمان و مورگنسترن بیان می‌کنند: مفهوم آئی یک راه‌حل، یک سری قوانین برای هر شرکت‌کننده است که به او می‌گوید در هر وضعیت که ممکن است ایجاد شود، چگونه رفتار کند. مفهوم راه‌حل در یک بازی با نقطه تعادل نشان داده می‌شود. این مفهوم ابتدا توسط فون نویمان مطرح شد و سپس توسط جان نش شهرت یافت و به تعادل نش معروف شد. یک راه‌حل در بازی یک پیش‌بینی است که بازیکن در بازی چه کاری می‌تواند انجام دهد.

### نظام پویای بازی‌ها:

نظام پویای بازی‌ها با بازی‌های راهبردی الگویی برای بررسی دقیق‌تر تعامل بین تصمیم‌گیرندگان است. هر تصمیم‌گیرنده در این الگو یک بازیکن است. در نظام پویای بازی‌ها با بازی‌های راهبردی بازیکنان را عقلایی و محیط را راهبردی در نظر می‌گیریم. در ادامه، ویژگی‌های گسترده‌ای از نظام پویای بازی‌ها با بازی‌های راهبردی و به نوبه خود، طیف وسیعی از مفاهیم و موضوعاتی که برای تعریف نظام پویای بازی‌ها مورد بحث قرار می‌دهیم. قبل از شروع الگوسازی، مفاهیم و اصطلاحات مورد نیاز را ارائه می‌کنیم.

بازی‌های بازی‌ساز<sup>۱</sup>: اگر یک بازی، بازی‌های دیگری را بسازد به آن بازی، بازی‌ساز می‌گویند. در حالت کلی اگر بازی‌های  $g_1, g_2, \dots, g_n$  بازی‌های  $g'_1, g'_2, \dots, g'_m$  را ایجاد کنند آنگاه  $g_i$ -ها را مولد و  $g'_i$ -ها را تولید شده می‌نامند.

بازی عمل‌ساز<sup>۲</sup>: اگر یک بازی، یک یا چند عمل (غالب یا مغلوب) بسازد آن را بازی عمل‌ساز می‌نامیم. در یک بازی هر عمل انتخابی دارای حداقل دو نمایه عمل می‌باشد. هر نمایه عمل شامل عایدی‌های بازیکنان می‌باشد. عمل‌های ساخته شده می‌توانند عمل غالب اکید، عمل مغلوب اکید، عمل غالب ضعیف، عمل مغلوب ضعیف باشند. یک عمل بازیکن را غالب گوییم هرگاه نسبت به سایر عمل‌های بازیکن سود بیشتر را نصیب او کند. اگر یک بازی هیچ عملی را نسازد آن بازی عمل‌ساز نیست. اگر یک بازی با  $n$  بازیکن، برای  $k$  بازیکن  $(0 \leq k \leq n)$  عمل‌ساز باشد، آن را عمل‌ساز از مرتبه  $(n, k)$  می‌گوییم.

در یک بازی استراتژیک با ترجیحات ترتیبی، برای بازیکن عمل  $a''_i$  بر عمل  $a'_i$  غالب اکید است هرگاه داشته باشیم

$$u_i(a''_i, a_{-i}) > u_i(a'_i, a_{-i}), (a_{-i} \in A_{-i} \text{ هر ازای هر})$$

که  $u_i$  تابع پیامد بازیکنان است و ترجیحات آن‌ها را نمایش می‌دهد (آزبورن، ۲۰۰۴). همچنین در یک بازی استراتژیک با ترجیحات ترتیبی، برای بازیکن عمل  $a''_i$  بر عمل  $a'_i$  غالب ضعیف است هرگاه داشته باشیم:

$$u_i(a''_i, a_{-i}) \geq u_i(a'_i, a_{-i}), (a_{-i} \in A_{-i} \text{ هر ازای هر})$$

و

$$u_i(a''_i, a_{-i}) > u_i(a'_i, a_{-i}), (a_{-i} \in A_{-i} \text{ از بعضی از})$$

که  $u_i$  تابع پیامد بازیکنان است و ترجیحات آن‌ها را نمایش می‌دهد.

1 Game-maker games

2 Action-maker game

نمایه عمل عقلایی<sup>۱</sup>: یک نمایه عمل را عقلایی گوئیم هرگاه حداقل در یکی از شرایط زیر صدق کند:

تعادل نش باشد؛

غالب پارتویی برای هر دو بازیکن نسبت به نمایه عمل‌های دیگر باشد.

برای هر بازی که عمل‌ساز از مرتبه (۲،۱) باشد نمایه‌های عمل‌های عقلایی برای یک بازیکن، پاسخ به عمل غالب یا غالب ضعیف تولید شده برای بازیکن دیگر است. در حالتی که بازی عمل‌ساز از مرتبه (۲،۲) باشد، یعنی هر دو بازیکن دارای عمل غالب باشند و بازی دارای نمایه عمل غالب پارتویی نسبت به تعادل نش نباشد، تعادل نش بازی تنها نمایه عمل عقلایی بازی است (اسحاقی و عسکری، ۱۳۹۶).

نظام پویای بازی‌ها با بازی‌های راهبردی الگوی برای بررسی دقیق‌تر تعامل بین تصمیم‌گیرندگان است. هر تصمیم‌گیرنده در این الگو یک بازیکن است. برای توصیف این نظام از گراف بازی استفاده می‌شود. در هر گره از گراف یک بازی راهبردی قرار دارد که در آن بازیکنان قادر به تصمیم‌گیری هستند. هر یک از گره‌های گراف، به دو طریق می‌تواند مولد بازی بعدی باشد و به آن متصل شود:

عمل‌های تولید شده؛

نمایه‌های عمل‌های عقلایی.

بازیکنان برای حرکت از یک گره به گره دیگر یا با انتخاب عمل تولید شده یا با انتخاب نمایه عمل عقلایی، اقدام می‌کنند. حال با استفاده از گراف‌ها، الگو ریاضی را به صورت زیر معرفی می‌کنیم. گراف  $g$  دوتایی  $(G, M)$  است که مختص اول آن،  $G = (g_1, g_2, \dots, g_n)$ ، مجموعه متناهی از گره‌ها است که هر گره این گراف یک بازی راهبردی است. مختص دوم مجموعه‌ای متناهی از یال‌ها است. یال‌های این گراف، عمل‌های تولید شده یا نمایه عمل‌های عقلایی هستند.



مجموعه عمل‌های تولید شده توسط بازی  $k$ -ام را با  $B = {}_k B_1 \cup {}_k B_2$  و مجموعه همه نمایه‌های عمل‌های بازیکنان در بازی  $k$ -ام را با  $A = {}_k A_1 \cup {}_k A_2$  نمایش می‌دهیم. همچنین مجموعه همه نمایه عمل‌های عقلایی بازیکن  $i$  را با  $A'_i$  نمایش داده که زیر مجموعه‌ای از  $A$  برای هر  $k \in \{1, 2, \dots, n\}$  است.

فرض کنید  $B = {}_1 B \cup {}_2 B \dots \cup {}_n B$  و  $A = {}_1 A \cup {}_2 A \dots \cup {}_n A$  دو مجموعه باشند.

توابع مجموعه مقدار، نمایه عمل عقلایی بازیکنان  $\phi'_i: G \rightarrow A$  و عمل‌ساز بازیکنان  $\phi_i: G \rightarrow B$  را به صورت زیر تعریف می‌کنیم.

$$\phi'_i(g_k) = {}_k A'_i = \begin{cases} \{(k a_i^j, k a_{-i}^j) \mid (k a_i^j, k a_{-i}^j) \in {}_k A\} & \text{اگر } g_k \text{ دارای نمایه عمل عقلایی باشد،} \\ \varnothing & \end{cases}$$

اگر  $g_k$  دارای نمایه عمل عقلایی نباشد،

و

$$\phi_i(g_k) = {}_k B_i = \begin{cases} \{k a_i^j \mid k a_i^j \in {}_k B\} & \text{اگر } g_k \text{ برای بازیکن } i \text{ استراتژی ساز باشد،} \\ \varnothing & \text{اگر } g_k \text{ برای بازیکن } i \text{ استراتژی ساز نباشد،} \end{cases}$$

برای هر  $i \in N$  و  $j, k \in \{1, 2, \dots, n\}$  که در آن  $g_k$  نشان‌دهنده بازی  $k$ -ام و  $(k a_i^j, k a_{-i}^j)$  نشان‌دهنده نمایه عمل عقلایی بازیکن  $i$ -ام در بازی  $k$ -ام و  ${}_k a_i^j$  نشان‌دهنده عمل  $j$ -ام بازیکن  $i$ -ام در بازی  $k$ -ام است. هر حرکت در سیستم یک عضو از مجموعه  $M$  است که به صورت زیر تعریف می‌شود:

$$M = \left\{ \begin{array}{l} {}_k m_i^j \mid {}_k m_i^j = {}_k a_i^j \text{ or } {}_k m_i^j = ({}_k a_i^j, {}_k a_{-i}^j)_i \text{ or } {}_k m_i^j = ({}_k a_i^j, {}_k a_{-i}^j)_i \\ \text{or } {}_k m_i^j = ({}_k a_i, {}_k a_{-i})_{i,j}, \\ , \forall {}_k a_i^j \in {}_k B_i, ({}_k a_i^j, {}_k a_{-i}^j)_i \in {}_k A_i, ({}_k a_i^j, {}_k a_{-i}^j)_j \in {}_k A_j \end{array} \right.$$

که در آن  $m_i^j$  نشان‌دهنده  $j$ -امین حرکت بازیکن  $i$ -امین در بازی  $k$ -ام و نشان‌دهنده نمایه عمل عقلایی انتخاب شده توسط بازیکنان  $i$  و  $-i$  از بازی  $k$ -ام می‌باشد. توابع حرکت بازیکنان  $\alpha_i: M \rightarrow G$  و  $\alpha_{i,-i}: M \rightarrow G$  با  $\alpha_{i,-i}({}_k a_i^j) = \phi$  را به صورت زیر تعریف می‌کنیم

$$\alpha_i({}_k m_i^j) = \begin{cases} (g_k, g_p) = g_k g_p & \text{if } {}_k m_i^j = {}_k a_i^j \\ (g_k, g_s) = g_k g_s & \text{if } {}_k m_i^j = ({}_k a_i^j, {}_k a_{-i}^j)_i, \end{cases}$$

و

$$\alpha_{i,-i}({}_k m_{i,-i}^j) = \begin{cases} \phi & \text{if } {}_k m_{i,-i}^j = {}_k a_i^j \\ (g_k, g_s) = g_k g_s & \text{if } {}_k m_{i,-i}^j = ({}_k a_i^j, {}_k a_{-i}^j)_{i,j}, \end{cases}$$

تابع فوق نشان می‌دهد دو گره بازی با چه حرکتی و توسط یک یا هر دو بازیکن به هم مرتبط شده‌اند. در نتیجه می‌توان گفت در حرکت  ${}_k m_i^j = {}_k a_i^j$ ، گره‌های  $g_k$  و  $g_p$  به وسیله عمل انتخابی توسط بازیکن  $i$  به هم متصل شده‌اند. در حرکت  ${}_k m_i^j = ({}_k a_i^j, {}_k a_{-i}^j)_i$  گره‌های  $g_k$  و  $g_q$  به وسیله نمایه عمل عقلایی انتخابی توسط بازیکن  $i$  به هم متصل شده‌اند. در حرکت  ${}_k m_{i,-i}^j = ({}_k a_i^j, {}_k a_{-i}^j)_{i,-i}$  گره‌های  $g_k$  و  $g_s$  به وسیله نمایه عمل عقلایی انتخابی توسط بازیکنان  $i$  و  $-i$  به هم وصل شده‌اند.

### تاریخچه نظام:

فرض کنید  $H$  مجموعه‌ای شامل همه دنباله‌های (متناهی یا نامتناهی) باشد که در شرایط زیر صدق کند:

تاریخچه نظام قبل از شروع تهی می‌باشد.

به ازای هر  $i, j, k \in I = \{1, 2, \dots, n\}$  دنباله  $\{g_k, m_i^j\}_{i,j,k \in I}$  عضو  $H$  از

باشد. هر عضو  $H$  را یک تاریخچه گوئیم و با  $h$  نمایش می‌دهیم (بجای  $m_i^j$  می‌توان از  $m_{i,-i}^j$  استفاده کرد).

تاریخچه  $h = \{g_k, m_i^j\}_{i,j,k \in I}$  را تاریخچه نهایی گوئیم اگر نامتناهی باشد

یا  $g_{k+1}$  وجود نداشته باشد که عضوی از  $h$  باشد.

مجموعه  $H$  را تاریخچه نظام می‌گوئیم. ترجیحات هر گره از نظام بازی که دقیقاً همان ترجیحات روی نمایه عمل‌های بازی راهبردی است را ترجیحات گره‌ای یا ترجیحات تاکتیکی می‌گوئیم. ترجیحات روی مجموعه عمل‌ها یا مجموعه نمایه عمل‌های عقلایی بازی را ترجیحات سیستمی یا ترجیحات راهبردی می‌گوئیم.

در ادامه چند مفهوم اساسی نظام پویای بازی‌ها مانند تکنیک در نظام و ترجیحات تکنیکی، تاکتیک در نظام و ترجیحات تاکتیکی، عمل در نظام و ترجیحات راهبردی که کاربرد فراوان در یک نظام از بازی‌ها دارند را بیان کنیم.

### تکنیک در سیستم:

انتخاب بازیکنان بین عمل‌های در دسترس و یا نمایه‌های عمل‌ها در یک بازی را تکنیک می‌نامیم؛ به عبارت دیگر تکنیک نحوه تصمیم‌گیری بازیکنان در انتخاب بین عمل‌های غالب و مغلوب و نمایه عمل‌های موجود است.

### تاکتیک در نظام:

انتخاب حرکت از بین عمل‌های تولید شده و یا نمایه‌های عمل‌های عقلایی توسط بازیکن در یک گره از نظام، برای طراحی بازی‌های بعدی را تاکتیک بازیکن می‌گوئیم. درواقع تاکتیک به‌منظور انتخاب یک گزینه از بین همه عمل‌های تولید شده و یا نمایه‌های

عمل‌های عقلایی موجود برای حرکت به بازی بعدی یا گره بعدی است؛ بنابراین هر حرکت یک تاکتیک است که در هر گره انتخاب می‌شود.

### راهبرد در سامانه:

دنباله‌ای از فنون، تاکتیک‌ها و بازی‌ها در یک سامانه را راهبرد می‌گوییم. راهبرد در سامانه مشخص می‌کند که بازیکن در بازی به دنبال چه منفعی است و برای دست یافتن به آن‌ها باید چه بازی‌هایی را طراحی کند تا به هدف مطلوب خود برسد. بازیکنان می‌توانند از راهبرد برای طراحی بازی‌ها در دوره‌های بعدی استفاده نمایند.

از مفاهیم بالا می‌توان نتیجه گرفت که فن در سامانه، تاکتیک در سامانه و راهبرد در سامانه به انتخاب بازیکن در بازی بستگی دارند. از این رو ممکن است بازیکن در یک بازی و یا یک گره تصمیم‌گیری دارای چند گزینه انتخابی باشد و باید ترجیحات خود را مشخص کند؛ بنابراین ترجیحات بازیکن را به صورت زیر بیان می‌کنیم.

**ترجیحات تکنیکی:** ترجیحات بازیکن در بازی که دقیقاً همان ترجیحات روی عمل‌ها و نمایه‌های عمل‌ها در یک بازی راهبردی است را ترجیحات تکنیکی می‌گوییم.

**ترجیحات تاکتیکی:** ترجیحات بازیکن روی مجموعه عمل‌های تولید شده و یا مجموعه نمایه‌های عمل‌های عقلایی که منجر به طراحی بازی جدید می‌شود را ترجیحات تاکتیکی یا ترجیحات گره‌ای می‌گوییم.

**ترجیحات راهبردی:** ترجیحات بازیکن برای انتخاب دنباله‌ای از فنون، تاکتیک‌های و بازی‌های مناسب در یک سامانه برای رسیدن به یک هدف خاص را ترجیحات راهبردی یا ترجیحات سامانه می‌گوییم؛ به عبارت دیگر ترجیحات راهبردی یعنی اینکه بازیکن ترجیحات تکنیکی و ترجیحات تاکتیکی را به‌طور هم‌زمان در نظر بگیرد و بازی‌هایی را طراحی کند که به نتیجه دلخواه خود برسد.

**سامانه پویای بازی‌ها:** یک سامانه پویای بازی‌ها با بازی‌های راهبردی با اطلاعات کامل

شامل:

مجموعه بازیکنان؛

مجموعه عمل‌ها؛

مجموعه عمل‌های تولید شده؛

مجموعه نمایه‌های عمل‌ها؛

مجموعه نمایه‌های عمل‌های عقلایی؛

ترجیحات تکنیکی روی مجموعه عمل‌ها و مجموعه نمایه‌های عمل‌ها در بازی؛

ترجیحات تاکتیکی روی مجموعه عمل‌های تولید شده و مجموعه نمایه‌های عمل‌های

عقلایی؛

ترجیحات راهبردی؛

تاریخچه گره‌ای؛

تاریخچه سامانه.

در سامانه پویای بازی‌ها با بازی‌های راهبردی، بازیکنان با استفاده از شرایط بازی مولد و عمل‌های ساخته شده و نمایه عمل‌های عقلایی تصمیم می‌گیرند که در راستای منافع خود چه حرکتی انجام دهند و چه بازی را طراحی کند و در کجا قرار بگیرند. هم‌چنین این سامانه به بازیکنان این امکان را می‌دهد بر مبنای توانایی‌های خود و شرایط آینده با استفاده از اطلاعات در دسترس، بنا بر عقلانیت خود و ترجیحات راهبردی از بین راهبردها و نمایه عمل‌های عقلایی هر کدام که بیشترین منافع را نصیب می‌کند انتخاب کند. از این رو، بازیکنان برای انتخاب حرکت بعدی می‌توانند با هم به توافق برسند و حرکتی که به سود جمع هست را انتخاب کنند یا بر اساس منافع شخصی حرکت را انتخاب کنند. بازیکنان می‌توانند چند حرکت را با هم انتخاب کنند که ممکن است یکی منفعت شخصی و دیگری منفعت جمعی را در برداشته باشد. در بازی‌های تولید شده بسته به شرایط ممکن است بازیکنان و راهبردها تغییر کنند و هم‌چنین ممکن است که بازیکنان و عمل‌ها اضافه یا کم شوند.

حکمرانی برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران:

حکمرانی برنامه هسته‌ای ج.ا.ایران یکی از مهم‌ترین موضوعاتی است که نیاز ضروری دارد درگاه اول انقلاب اسلامی به خوبی تحلیل و توصیف شود. مسئله برنامه هسته‌ای ج.ا.ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی تا قبل از شروع دهه ۱۳۸۰ ه.ش یک موضوع داخل سرزمینی بود که بیشتر محور سیاست داخلی کشور بود و حکمرانان به دنبال توسعه زیرساخت‌های دسترسی به فناوری هسته‌ای بودند. با ادامه روند هسته‌ای شدن و به دست آوردن چرخه سوخت هسته‌ای و حساسیت کشورهای غربی به دانش هسته‌ای، این مسئله ابعاد بین‌المللی پیدا کرد و به‌طور جدی وارد محور سیاست خارجی کشور شد. ج.ا.ایران دستیابی به فناوری صلح آمیز هسته‌ای را حق مسلم خود به شمار می‌آورد، اما کشورهای غربی تلاش کردند با تحریک احساسات و افکار عمومی جهان از طریق رسانه‌های ارتباط جمعی در صحنه سیاسی و تبلیغاتی جهان، این مسئله به یک تهدید امنیتی در نظام بین‌الملل تبدیل گردد. از سال ۱۳۸۲ ه.ش تا اکنون کشورهای غربی با تصویرسازی و بزرگنمایی اغراق شده با سیاست‌های تحریمی و تشویقی به دنبال تحمیل شروط و اهداف خود و هم‌چنین عقب‌نشینی ج.ا.ایران از فعالیت‌های هسته‌ای می‌باشند. از هنگام مطرح شدن مسئله هسته‌ای ج.ا.ایران در عرصه بین‌الملل این مسئله باعث تولید بازی‌های پیچیده و متفاوتی با کشورهای غربی شده است. در ادامه با استفاده از نظام پویای بازی‌ها با بازی‌های استراتژیک حکمرانی برنامه هسته‌ای ج.ا.ایران تجزیه و تحلیل می‌شود. با توجه به اینکه تعاملات و تقابل‌ها در گذشته رخ داده‌اند و تقریباً اطلاعات آن‌ها موجود است، به کمک بازی‌های راهبردی دو در دو با اطلاعات کامل روند مذاکرات ج.ا.ایران و کشورهای غربی را الگوسازی می‌کنیم. در این الگو سازی ج.ا.ایران را بازیکن ستون (بازیکن ۲) و تیم مذاکره‌کننده غربی را بازیکن سطر (بازیکن ۱) در نظر می‌گیریم. در حالت کلی در یک بازی هر بازیکن را با  $i$  نشان می‌دهیم که  $i \in \{1, 2\}$  و عمل  $C$  را همکاری دو بازیکن و عمل  $D$  را عدم همکاری دو بازیکن در نظر می‌گیریم.

دوره ریاست جمهوری هشتم:

با مصاحبه مطبوعاتی عضو گروه منافقین در ۲۵ مرداد ۱۳۸۱ ه.ش و طرح ادعای فعالیت‌های پنهانی هسته‌ای در تأسیسات نطنز و اراک باعث تولید بازی‌های زیادی بین ج.ا.ایران و کشورهای غربی شد. دو طرف بازی ضد ترسوها  $g^1$  شدند (شکل ۱). در این بازی کشورهای غربی دارای دو عمل می‌باشند: یا از طریق رسانه‌های ارتباط جمعی جنجال سیاسی و تبلیغاتی راه بندازند و با طرح اتهامات و ادعاهای ساختگی و استفاده بجزاری از نهادها و سازمان‌های بین‌المللی تلاش خود را برای متوقف کردن برنامه هسته‌ای ج.ا.ایران انجام دهند  $D^1$ ، یا هیچ کاری انجام ندهند  $C^1$ . ج.ا.ایران دارای دو عمل می‌باشد: یا مسیر دستیابی به فناوری صلح آمیز هسته‌ای را ادامه دهد  $D^1$ ، یا همه فعالیت‌های هسته‌ای را متوقف کند  $C^1$ . در بازی ضد ترسوها هر یک از بازیکن دارای عمل غالب  $D_i^1$  و عمل مغلوب  $C_i^1$  می‌باشد. تعادل نش بازی  $(D_1, D_1)$  می‌باشد.

با شروع چالش در موضوع هسته‌ای، ج.ا.ایران با خلاقیت‌های دیپلماتیک به دنبال ارائه پیشنهادهاى مختلفی برای حل و فصل مسئله هسته‌ای و ایجاد اعتمادسازی متقابل با کشورهای غربی بوده است. از سال ۱۳۸۲ ه.ش به بعد حکمرانان ج.ا.ایران تلاش کرده‌اند با تأکید بر حق مسلم خود برای داشتن فناوری صلح آمیز هسته‌ای، همکاری با آژانس و مذاکره به عنوان دو اصل در دیپلماسی برای رفع سوءتفاهم به کار گرفتند. با صدور بیانیه‌ای در خرداد ۱۳۸۲ ه.ش از طرف شورای حکام بر ضرورت حل و فصل ابهامات و تصویب و اجرای پروتکل الحاقی از سوی ایران تأکید گردید. در سفر تیر ماه مدیر کل آژانس به تهران و دیدار با مقامات ارشد نظام برای حل و فصل مسئله هسته‌ای، ریاست جمهوری هشتم مواضع مثبت ج.ا.ایران در خصوص پروتکل الحاقی را بیان و خاطر نشان کرد ج.ا.ایران به دنبال برخی جوانب روشنگرایانه در خصوص پروتکل است. در شهریور ۱۳۸۲ ه.ش نامه اعلام رسمی ج.ا.ایران برای مذاکره با آژانس پیرامون پروتکل الحاقی به آقای البرادعی تسلیم شد. همچنین در شهریور اولین قطعنامه پیشنهادی کشورهای اروپایی علیه

فعالیت‌های صلح آمیز ج.ا.ایران در شورای حکام به تصویب رسید که ج.ا.ایران را ملزم به تصویب و اجرای پروتکل به همراه تعلیق تمام فعالیت‌های هسته‌ای می‌نمود. دبیر وقت شورای عالی امنیت ملی به‌عنوان مسئول ارشد مذاکره پرونده هسته‌ای در مهر ماه ۱۳۸۲ ه.ش آمادگی ج.ا.ایران برای امضای پروتکل الحاقی را به مدیرکل آژانس اعلام کرد.

کشورهای اروپایی بر مبنای عمل غالب اکید  ${}^1D$  و استفاده ابزاری از آژانس بازی گردن کلفت  $g^2$  را برای ادامه طراحی کردند. در این بازی کشورهای اروپایی دارای دو عمل هستند: یا با صدور بیانیه و تصویب قطعنامه علیه برنامه هسته‌ای ج.ا.ایران به این کشور فشار وارد کنند  ${}^1D$ ، یا با عدم تصویب قطعنامه با برنامه هسته‌ای ج.ا.ایران مخالف نکنند  ${}^1C$ . ج.ا.ایران دارای دو عمل است: یا مفاد قطعنامه را بپذیرد  ${}^1C$ ، یا مفاد قطعنامه را نپذیرد  ${}^1D$ . در بازی  $g^2$  عمل غالب اکید  ${}^1D_1$  برای بازیکن ۱ ص دور بیانیه و تصویب قطعنامه علیه برنامه هسته‌ای ج.ا.ایران می‌باشد. این بازی برای بازیکن ۲ عمل ساز نیست. تعادل نش بازی  $({}^2D, {}^2C)$  می‌باشد.

دو بازیکن بر اساس ترجیحات تاکتیکی، با انتخاب جفت عمل عقلایی تولید شده پارتو مغلوب  $({}^1C, {}^1C)_{1,2}$  بازی هارمونی محض  $g^3$  را برای ادامه سامانه و شروع همکاری طراحی کردند. در این بازی هر دو بازیکن دارای مذاکره و همکاری  ${}^1C$ ، یا عدم مذاکره و عدم همکاری  ${}^1D$ . در بازی  $g^3$  هر دو بازیکن دارای عمل غالب اکید  ${}^1C_i$  و عمل مغلوب  ${}^1D_i$  می‌باشد. تعادل نش بازی  $({}^3C, {}^3C)$  می‌باشد.

ج.ا.ایران بر مبنای عمل غالب اکید  ${}^1D$  بازی حفاظت‌کننده  $g^4$  را طراحی کرده بود. در این بازی ج.ا.ایران دارای دو عمل است: یا بر حق غنی‌سازی اورانیوم و مختومه شدن



پرونده هسته‌ای تأکید کند  ${}^4D$ ، یا برنامه هسته‌ای را به‌طور کامل تعلیق کند  ${}^4C$ .  
کشورهای اروپایی دارای دو عمل هستند: یا به دنبال به رسمیت شناختن حق غنی‌سازی  
ج.ا.ایران باشند  ${}^4C$ ، یا حق غنی‌سازی ج.ا.ایران را به رسمیت نشناسند  ${}^4D$ . در بازی

$g_4$  عمل غالب اکید  ${}^1D_1$  برای بازیکن ۲ تأکید بر فناوری صلح آمیز هسته‌ای می‌باشد.  
این بازی برای بازیکن ۱ عمل‌ساز نیست. تعادل نش بازی  $({}^4C, {}^4D)$  می‌باشد.

اولین دور از مذاکرات دولت ج.ا.ایران با وزرای امور خارجه سه کشور اروپایی آلمان،  
فرانسه و انگلیس در ۲۹ مهر ماه ۱۳۸۲ ه.ش بر اساس دعوت دولت ج.ا.ایران آغاز شد. بر  
اساس بیانیه سعدآباد تعهدات دولت ج.ا.ایران به این شرح می‌باشد: همکاری کامل با  
آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و پاسخ به الزامات و سؤالات باقی‌مانده آژانس به‌صورت  
شفاف و حل و فصل آن‌ها و اصلاح هرگونه قصور احتمالی. امضای پروتکل الحاقی و آغاز  
فرآیند تصویب آن و اجرای پروتکل الحاقی تا پیش از تصویب آن، به‌عنوان یک اقدام  
حسن نیت. تعلیق تمامی فعالیت‌های غنی‌سازی اورانیوم و بازفرآوری به‌صورت داوطلبانه،  
به صورتی که آژانس تعریف می‌کند. تعهدات سه کشور اروپایی نیز بر اساس بیانیه تهران،  
به شرح زیر می‌باشد: شناسایی حق ایران برای استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای برابر با  
معاهده منع گسترش سلاح هسته‌ای. اجرای کامل تصمیمات ایران که توسط مدیرکل  
آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به تأیید برسد، باید موجب شود که شورای حکام آژانس  
وضعیت کنونی را حل و فصل نماید. سه کشور با ایران برای ارتقای امنیت و ثبات در  
منطقه از جمله ایجاد منطقه‌عاری از سلاح کشتار جمعی در خاورمیانه، مطابق با اهداف  
سازمان ملل متحد همکاری خواهند نمود. بنا به فرض عقلایی بودن بازیکنان، بازیکنان  
برمبنای نمایه عمل‌های عقلایی تولید شده  $({}^2D, {}^2C)_{1,2}$ ،  $({}^3C, {}^3C)_{1,2}$  و  $({}^4C, {}^4D)_{1,2}$

بازی تضمین نامتقارن  $g_5$  طراحی کردند. این بازی برای هیچکدام از بازیکنان عمل‌ساز  
نیست. تعادل‌های نش بازی  $({}^5C, {}^5C)$  و  $({}^5D, {}^5D)$  می‌باشند. در نتیجه می‌توان گفت با

در نظر گرفتن نمایه‌های عمل‌های عقلایی تولید شده  $({}^5C, {}^5C)_{1,2}$  و  $({}^5D, {}^5D)_{1,2}$  در بازی ج.ا.ایران تضمین می‌کند که تحت هر شرایطی به تعهدات خود پایبند می‌ماند زیرا در صورت عدم پایبندی به تعهدات و انتخاب عدم همکاری ضرر بیشتری نسبت به کشورهای اروپایی خواهد کرد.

در آبان ۱۳۸۲ ه.ش نامه رسمی پذیرش پروتکل الحاقی از طرف ج.ا.ایران به آژانس تسلیم شد و به تصویب شورای حکام آژانس رسید. بلافاصله بعد از پذیرش پروتکل الحاقی توسط ج.ا.ایران دومین قطعنامه پیشنهادی کشورهای اروپایی توسط شورای حکام علیه فعالیت‌های صلح آمیز هسته‌ای به تصویب رسید. حکمرانان وقت ج.ا.ایران بر سر یک دوراهی سخت قرار داده شده بودند که حتی بعد از تصویب دومین قطعنامه علیه ج.ا.ایران، اجرای پروتکل الحاقی را به مدت دو سال به صورت داوطلبانه امضا کردند؛ به عبارت دیگر حکمرانان وقت بر سر دو راهی تصمیم‌گیری برای انتخاب ادامه همکاری و یا عدم همکاری قرار داشتند.

کشورهای اروپایی با انتخاب نمایه عمل عقلایی تولید شده  $({}^5D, {}^5D)_1$  برای ادامه

سامانه، بازی گردن کلفت بزرگ  $g^6$  را طراحی کردند. در این بازی کشورهای اروپایی دارای دو عمل هستند: یا با تصویب قطعنامه جدید علیه برنامه هسته‌ای ج.ا.ایران به این کشور فشار وارد کنند  $D^6$ ، یا با عدم تصویب قطعنامه با ج.ا.ایران همکاری کنند  $C^6$ .

ج.ا.ایران دارای دو عمل است: یا به همکاری با کشورهای اروپایی ادامه دهد  $C^6$ ، یا

همکاری نکند  $D^6$ . در بازی  $g^6$  عمل غالب اکید  $D^6_1$  برای بازیکن ۱ تصویب قطعنامه جدید علیه برنامه هسته‌ای ج.ا.ایران می‌باشد. این بازی برای بازیکن ۲ عمل ساز نمی‌باشد.

تعادل نش بازی  $({}^6D, {}^6C)$  می‌باشد. ج.ا.ایران با انتخاب نمایه عمل عقلایی تولید شده

$({}^5C, {}^5C)_2$  برای ادامه، بازی شکار گوزن  $g^7$  را طراحی کرده بود. در بازی شکار گوزن

هر دو بازیکن دارای دو عمل همکاری یا عدم همکاری هستند. این بازی برای هیچ کدام از بازیکنان عمل‌ساز نیست. تعادل‌های نش بازی  $(7C, 7C)$  و  $(7D, 7D)$  می‌باشند. بازی  $g_7$  یکی از دو راهی‌های معروف در نظریه بازی‌ها است که انتخاب تعادل پارتو غالب  $(7C, 7C)$  نیاز به هماهنگی با حریف دارد.

در ۴ اسفند ماه ۱۳۸۲ ه.ش بین ج.ا.ایران و سه کشور اروپایی موافقتنامه‌ای منعقد شد که به موافقتنامه بروکسل مشهور شد. در این موافقتنامه نیز تعهدات ایران به صورت بسیار شفاف و قابل اجرا به شرح زیر می‌باشند: ارائه اظهارنامه‌ها بر طبق پروتکل الحاقی و راستی‌آزمایی آن‌ها توسط آژانس، تعلیق مونتاژ و آزمایش سانتریفیوژها، تعلیق ساخت داخلی قطعات سانتریفیوژ و اعمال تعلیق فعالیت‌های غنی‌سازی نسبت به تمامی تأسیسات موجود در ایران. تعهدات سه کشور اروپایی در قالب موارد کلی و غیر اجرایی به شرح زیر می‌باشد: کار فعال برای شناسایی تلاش‌های ایران در اجلاس خرداد ۱۳۸۳ ه.ش شورای حکام به منظور عادی کردن اجرای پادمان‌ها و پروتکل الحاقی در ایران. بنا به فرض عقلایی بودن بازیکنان، بازیکنان برمبنای نمایه عمل‌های عقلایی تولید شده  $(6D, 6C)_{1,2}$  و  $(6C, 6C)_{1,2}$  بازی هماهنگی نامتقارن  $g_8$  طراحی کردند. این بازی برای هیچ‌کدام از بازیکنان عمل‌ساز نیست. تعادل‌های نش بازی  $(8C, 8C)$  و  $(8D, 8D)$  می‌باشند.

در اسفند ۱۳۸۲ ه.ش سومین قطعنامه پیشنهادی کشورهای اروپایی علیه فعالیت‌های صلح‌آمیز ج.ا.ایران در شورای حکام به تصویب رسید. در فروردین ۱۳۸۳ ه.ش رئیس وقت سازمان انرژی اتمی تعلیق داوطلبانه ساخت و مونتاژ سانتریفیوژها را بر اساس موافقتنامه بروکسل اعلام نمود. در اواسط خرداد ۱۳۸۳ ه.ش اظهارنامه فعالیت‌های هسته‌ای ج.ا.ایران بر طبق پروتکل الحاقی بر اساس موافقتنامه بروکسل به آژانس تسلیم شد، اما در اجلاس ۲۹ خرداد کشورهای اروپایی به تعهد خود در موافقتنامه بروکسل مبنی بر عادی کردن اجرای پادمان‌ها و پروتکل الحاقی در ایران عمل نکردند و چهارمین قطعنامه پیشنهادی

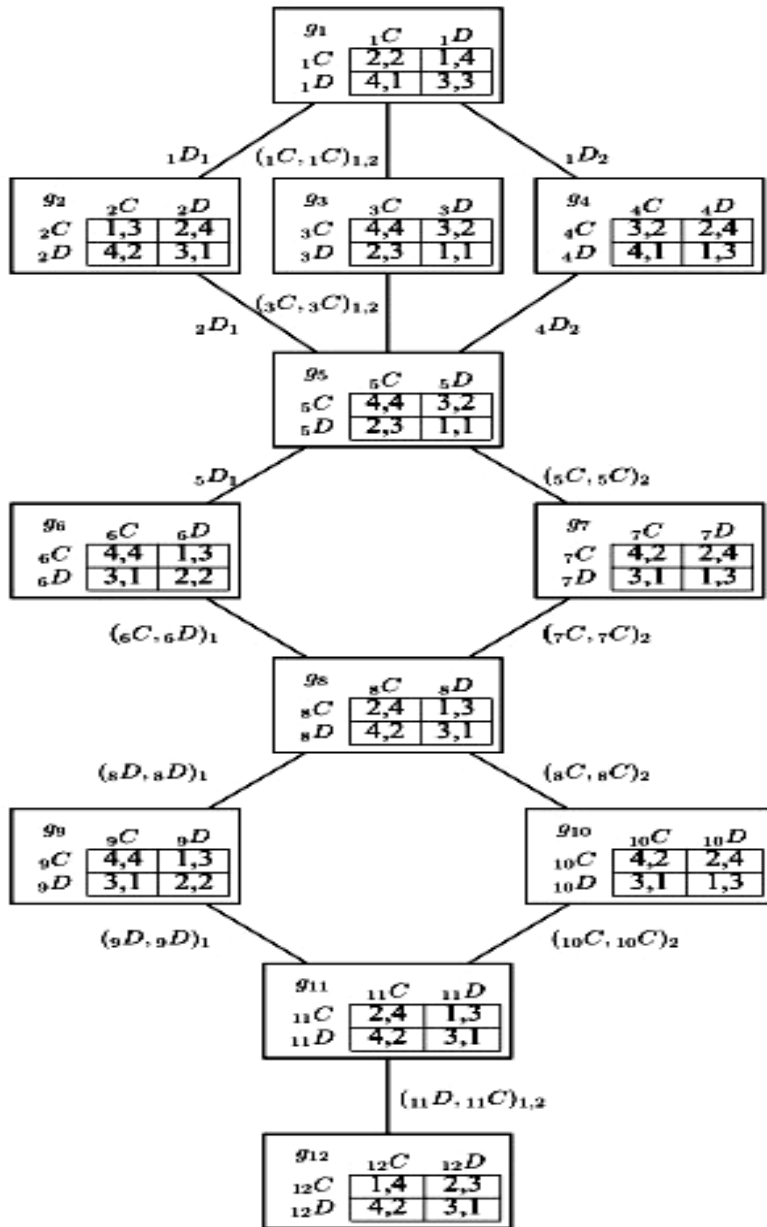
کشورهای اروپایی علیه فعالیت‌های صلح‌آمیز ج.ا.ایران در شورای حکام به تصویب رسید. در شهریور ۱۳۸۳ ه.ش پنجمین قطعنامه پیشنهادی کشورهای اروپایی علیه فعالیت‌های صلح‌آمیز ج.ا.ایران در شورای حکام به تصویب رسید. کشورهای اروپایی با انتخاب نمایه عمل عقلایی تولید شده  $(8D, 8D)_1$  برای ادامه سامانه، بازی هم‌میت  $g^9$  را طراحی کردند. در این بازی کشورهای اروپایی دارای دو عمل هستند: یا با تصویب قطعنامه جدید علیه برنامه هسته‌ای ج.ا.ایران به این کشور فشار وارد کنند  $9D$ ، یا با عدم تصویب قطعنامه با ج.ا.ایران همکاری کنند  $9C$ . ج.ا.ایران دارای دو عمل است: یا به همکاری با کشورهای اروپایی ادامه دهد  $9C$ ، یا همکاری نکند  $9D$ . در بازی  $g^9$  عمل غالب اکید  $9D_1$  برای بازیکن ۱ تصویب قطعنامه جدید علیه برنامه هسته‌ای ج.ا.ایران می‌باشد. این بازی برای بازیکن ۲ عمل ساز نمی‌باشد. تعادل نش بازی  $(9D, 9C)$  می‌باشد.

ج.ا.ایران با انتخاب نمایه عمل عقلایی تولید شده  $(8C, 8C)_2$  برای ادامه، بازی شکارگوزن  $g^{10}$  را طراحی کرده بود. در بازی شکارگوزن هر دو بازیکن دارای دو عمل همکاری یا عدم همکاری هستند. این بازی برای هیچ کدام از بازیکنان عمل ساز نیست. تعادل‌های نش بازی  $(10C, 10C)$  و  $(10D, 10D)$  می‌باشند.

نتایج این مذاکرات در توافقنامه مشهور پاریس در ۲۵ آبان ۱۳۸۳ ه.ش بروز یافت که در آن توافقنامه کشورهای اروپایی متعهد شدند در استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای، مبارزه با تروریسم و توسعه فعالیت‌های هسته‌ای و پیوستن ج.ا.ایران به سازمان تجارت جهانی حمایت کنند و در مقابل دولت ج.ا.ایران با اجرای تعلیق گسترده به‌عنوان اقدامی داوطلبانه در جهت اعتمادسازی و نه به‌عنوان یک تعهد قانونی پذیرفت که کلیه فعالیت‌های مربوط به غنی‌سازی و بازآآوری مانند ساخت، تولید، نصب، آزمایش، سرهم‌بندی و راه‌اندازی سانتریفیوژهای گازی و فعالیت‌های مربوط به جداسازی پلوتونیم را به حالت

تعلیق در آورد. حفظ تعلیق مادامی که مذاکرات در مورد یک موافقت‌نامه ترتیبات درازمدت که مورد قبول طرفین باشد پیگیری می‌شود، حفظ خواهد شد و برای ادامه کل فرآیند ضروری خواهد بود. بنا به فرض عقلایی بودن بازیکنان، بازیکنان بر مبنای نمایه عمل‌های عقلایی تولید شده  $(9D, 9C)_{1,2}$  و  $(10C, 10C)_{1,2}$  بازی نامه سیاه  $g_{11}$  طراحی کردند. تعادل نش بازی و  $(11D, 11C)$  می‌باشند.

در ۲ آذر ۱۳۸۳ ه.ش دولت ج.ا.ایران بر اساس موافقت‌نامه پاریس فعالیت‌های تاسیسات UCF اصفهان را به حالت تعلیق در آورد. با وجود موافقت‌نامه پاریس و تعلیق فعالیت‌های هسته‌ای ج.ا.ایران، یک هفته بعد کشورهای اروپایی با تصویب ششمین قطعنامه در مورد برنامه هسته‌ای ج.ا.ایران بر برخی نگرانی خود را ابراز کردند. پس از موافقت‌نامه پاریس، زمان علیه ایران رقم خورد و سه کشور سعی کردند تا با طولانی کردن مذاکرات، عملاً برنامه غنی‌سازی را در ایران متوقف سازند. قید این موضوع که تعلیق مادامی که مذاکرات ادامه دارد برای حفظ کل فرآیند ضروری است و همچنین ارتباط دادن موضوع هسته‌ای به مباحث سیاسی، امنیتی، اقتصادی و فناوری (مانند مبارزه با تروریسم، سازمان تجارت جهانی، موافقت‌نامه تجارت و همکاری و ...) حکایت از قصد طرف مقابل برای به گروگان گرفتن فعالیت‌های هسته‌ای ج.ا.ایران دارد؛ بنابراین می‌توان گفت با انتخاب نمایه عمل عقلایی تولید شده  $(11D, 11C)_{1,2}$  برای ادامه سیستم، بازی گروگانگیری  $g_{12}$  را طراحی کردند. در این بازی عمل غالب ج.ا.ایران همکاری می‌باشد و عمل غالب کشورهای اروپایی عدم همکاری می‌باشد. تعادل نش بازی و  $(12D, 12C)$  می‌باشند.



شکل ۱. سیستم پویای بازی‌ها بین جمهوری اسلامی ایران و کشورهای اروپایی

## نتیجه‌گیری

در این مقاله دوره هشتم ریاست جمهوری را با نظام پویای بازی‌ها تجزیه و تحلیل می‌کنیم. نظام پویای بازی‌ها نشان می‌دهد که کشورهای اروپایی همواره در مخالفت با دستیابی به چرخه تولید سوخت هسته‌ای قدم برداشته‌اند، از این رو با طراحی مکانیزم تنبیه و تشویق سعی نمودند ج.ا.ایران را به عقب‌نشینی از مواضع قانونی و مسلم خود وادار کنند. به بیان دیگر، نظام نشان می‌دهد که سیاست کشورهای اروپایی حل و فصل مسئله هسته‌ای ج.ا.ایران توسط غرب نبوده است بلکه هدف اصلی آن‌ها مهار برنامه هسته‌ای ج.ا.ایران بوده است. در بازی ضد ترسوها  $G_1$  هر دو بازیکن دارای عمل غالب عدم همکاری هستند، یعنی بازیکنان در ادامه بر مواضع خود تأکید می‌کنند و هر بازیکن، بازی‌هایی را طراحی خواهد که در راستای ترجیحات راهبردی و تاکتیکی خود باشد؛ اما می‌بینم که کشورهای غربی بر اساس ترجیحات راهبردی خود در هر مرحله تاکتیک‌های متفاوتی را انتخاب کرده‌اند. بعد از بازی  $G_1$  تاکتیک کشورهای غربی در کنار حفظ عمل غالب خود در بازی طراحی شده در مرحله بعدی، سعی کردند که ج.ا.ایران را به مسیری حرکت دهند که دارای عمل غالب عدم همکاری نباشد. به بیان دیگر، ج.ا.ایران بازی‌های را طراحی کند که دارای دو تعادل باشد و از ویژگی اساسی این بازی‌ها نداشتن عمل غالب می‌باشد؛ بنابراین می‌توان گفت ج.ا.ایران بر سر دو راهی ادامه همکاری و یا عدم همکاری با کشورهای اروپایی قرار گرفته بود. برای این منظور با انتخاب سیاست‌های تشویقی رسیدن به توافق و تعهد ج.ا.ایران در هر مرحله، بلافاصله با تصویب قطعنامه علیه فعالیت‌های هسته‌ای ج.ا.ایران در شورای حکام این کشور را تنبیه می‌کردن و دچار تردید می‌شد. در سیستم مشاهده می‌شود بعد از موافقت‌نامه تهران که با بازی تضمین نامتقارن  $G_5$  و موافقت‌نامه تهران - بروکسل که با بازی هماهنگی نامتقارن  $G_8$  نشان داده شد است، ج.ا.ایران دوراهی شکار گوزن را برای ادامه مسیر طراحی کرده است در حالی که کشورهای غربی در هر مرحله عمل غالب عدم همکاری را برای خود حفظ کرده‌اند.

همان‌طور که بررسی نشان می‌دهد کشورهای غربی در شکستن راهبرد غالب ج.ا.ایران موفق عمل کردند. گام بعدی که نظام بیانگر آن است تلاش کشورهای غربی برای تبدیل همکاری به یک عمل غالب برای ج.ا.ایران می‌باشد. سیاست‌های تشویقی و تضمین‌های که در هر مرحله بیان می‌شد ج.ا.ایران را به ادامه همکاری ترغیب می‌کرد به طوری که ج.ا.ایران بعد از توافق بروکسل و عدم تعهد کشورهای غربی به موافقت‌نامه، ج.ا.ایران در موافقت‌نامه پاریس دواطلبانه به عنوان یک اعتمادساز تعلیق گسترده فعالیت‌های هسته‌ای را پذیرفت (شاید نداشتن زمان کافی ادامه مذاکره برای تیم مذاکره کننده ج.ا.ایران دلیل انتخاب این تعهد دواطلبانه بوده است)؛ بنابراین می‌توان گفت که کشورهای غربی در تبدیل همکاری به یک عمل غالب برای ج.ا.ایران موفق بودند. با تبدیل شدن همکاری به یک عمل غالب با استفاده از اجرای دواطلبانه پروتکل الحاقی، تعلیق فعالیت‌های هسته‌ای ج.ا.ایران و همچنین قید ارتباط دادن موضوع هسته‌ای به مباحث سیاسی، امنیتی، اقتصادی و فناوری (مانند مبارزه با تروریسم، سازمان تجارت جهانی، موافقت‌نامه تجارت و همکاری و ...)، کشورهای غربی نیت شوم به گروگان گرفتن فعالیت‌های هسته‌ای ج.ا.ایران داشتند. پس از توافق‌نامه پاریس کشورهای اروپایی جدیت زیادی برای اجرای تعهداتی که بر عهده داشتند، نشان ندادند و به دنبال تلف کردن وقت بودند و اجرای تعلیق گسترده توسط ج.ا.ایران همچنان ادامه داشت. از این رو ج.ا.ایران طی ارسال نامه‌ای به مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی از قصد خود برای از سرگیری فعالیت هسته‌ای تاسیسات UCF اصفهان اعلام کرد. با به پایان رسیدن دوره ریاست جمهوری هشتم حکمرانی برنامه هسته‌ای ج.ا.ایران وارد مرحله جدیدی شد.

### منابع

1. G. Askari, M. Eshaghi Gordji, and C. Park, The behavioral model and game theory, Palgrave Communications, vol.5, pp. 1–8, 2019.
2. G Askari, M Eshaghi Gordji, and M. De La Sen, Hyper-Rational Choice in Game Theory, Biostatistics and Biometrics Open Access Journal, vol. 9, no. 2, pp. 1–2, 2019.
3. S. Brams, Theory of move, Cambridge University Press, 1994.



4. C. Canning, and R. Canning, Absence of pure Nash equilibria in a class of co-ordination games, *Stat., Optim. Inf. Comput.*, vol. 1, no. 1, pp. 1–7, 2013
5. V. Capraro, The emergence of hyper-altruistic behaviour in conflictual situations, *Sci. Reports*, vol. 5, no. 9916, pp. 1–7, 2015.
6. C. F. Camerer, *Behavioral game theory: Experiments in strategic interaction*, Princeton University Press, New Jersey. 2011.
7. C. Charness, and M. Rabin, Understanding social preferences with simple tests, *The Quarterly Journal of Economics*, vol. 117, no. 3, pp. 817–869, 2002.
8. M. Eshaghi Gordji, and G. Askari, Hyper-Rational Choice and economic behavior, *Advances in mathematical finance and applications*, vol. 3, no. 3, pp. 69–76, 2018.
9. M. Eshaghi Gordji, G. Askari, and C. Park, A new behavioral model of rational choice in social dilemma game, *Journal of Neurodevelopmental Cognition*, vol. 1, no. 1, pp. 40–49, 2018.
10. M. Eshaghi Gordji, and G. Askari, Dynamic system of strategic games, *Int. J. Nonlinear Anal. Appl.*, vol. 9, no. 1, pp. 83–98, 2018.
11. M. T. Irfan, and L. E. Ortiz, On influence, stable behavior, and the most influential individuals in networks: A game-theoretic approach, *Artificial Intelligence*. vol. 215, pp. 79–119, 2014.
12. V. N. Kolokoltsov, and M. Troeva, On Mean Field Games with Common Noise Based on Stable-Like Processes, *Stat., Optim. Inf. Comput.*, vol. 7, pp. 264–276, 2019.
13. J. F. Nash et al., Equilibrium points in n-person games, *Proceedings of the national academy of sciences*, vol. 36, pp. 48–49, 1950.
14. J. F. Nash, Non-cooperative games, *Annals of mathematics*, vol. 54, pp. 286–295, 1951.
15. J. V. Neumann, and O. Morgenstern, *Theory of games and economic behavior*, Princeton university press, New Jersey. 1953.
16. A. Rapoport, and A. M. Chammah, *Prisoner's dilemma: A study in conflict and cooperation*, University of Michigan Press, 1965.
17. A. Rapoport, and A. M. Chammah, The game of chicken, *American Behavioral Scientist*, Vol. 10, no. 3, pp. 10-28, 1996.
18. J. N. Webb, *Game theory: decisions, interaction and Evolution*, Springer Science and Business Media, London. 2007.



# وظایف حکومت اسلامی در دفاع و ایجاد امنیت در سرزمین اسلامی

احمد بهزاد رضایی



## چکیده:

اسلام، آیین صلح و امنیت است و جنگ از دیدگاه اسلام پدیده عارضی و در صورت ضرورت برای رفع موانع، دفع ظلم و تثبیت توحید در جهان است. به همین دلیل آیاتی در قرآن همراه با مجوز اقدام به جنگ آمده است. از منظر فقه اسلامی تشکیل حکومت امری واجب است، مهم‌ترین وظایف حکومت در راستای تحقق بخشیدن به نظام جهادی عبارت‌اند از: سازمان‌دهی آموزش‌های نظامی، تحکیم مرزها، تجهیز و پشتیبانی مجاهدان، کسب اطلاعات از دشمن، تعیین فرمانده، نهادینه کردن فرهنگ جهاد و شهادت است. سرزمین‌های اسلامی همیشه در معرض تهاجم دشمنان هستند؛ بنابراین استقلال آن‌ها در معرض تهدید قرار می‌گیرد. در این صورت دفاع از سرزمین اسلامی، ایستادگی و مقاومت در برابر دشمنان خارجی و همچنین حفظ امنیت داخلی، در برابر یاغیان و محاربان بر همگان واجب است. دفاع امری فطری است که خداوند در نهاد همه موجودات عالم از جمله بشر قرار داده است. با توجه به اینکه دفاع از سرزمین‌های اسلامی بر طبق منابع فقهی از مهم‌ترین ارکان حکومت اسلامی می‌باشد؛ بنابراین در این مقاله به بررسی وظایف حکومت در دفاع از سرزمین اسلامی می‌پردازیم.

**کلیدواژه:** حکومت اسلامی، دفاع، محاربان، باغیان.

## Duties of the Islamic State in Defense and Security in the Islamic Land

**Abstract.** Islam is a religion of peace and security And war is a complex phenomenon in Islam's view that it is necessary to remove the barriers, repel oppression and establish monotheism in the world. From Islamic jurisprudence the formation of the government is obligatory. The most important tasks of the government in order to realize the jihadist system are: organizing military training, strengthening the borders, equipping and supporting the mujahideen, obtaining information from the enemy, appointing a commander, institutionalizing the culture of jihad and martyrdom. Islamic lands are always subject to invasion by enemies, so their independence is threatened. Defense is an innate thing that God has put in place for all beings in the universe, including human beings. Since the defense of Islamic lands according to the jurisprudential sources is one of the most important pillars of Islamic government, so in this article we review the duties of the government in defending Islamic land.

**Keywords:** Islamic government, Defense., Mohareb, Bagheean

### مقدمه:

حکومت به معنای فرمانروایی و حکمرانی بر یک سرزمین و اداره جامعه است. مهم‌ترین وجه حکومت، اقتدار بر سرزمین و جمعیتی است که در آن سرزمین زندگی می‌کنند. مقصود از حکومت اسلامی حکومتی است که در روابط بین خود و مردم حتی‌المقدور از مقررات فقه اسلامی بهره می‌گیرد. رشد و توسعه یک کشور بیش از همه نیازمند امنیت و ثبات می‌باشد. ضرورت تشکیل حکومت اسلامی امری است که غالب اسلام‌شناسان بر آن تأکید ویژه‌ای دارند. کثرت جوامع اسلامی نیز اهمیت موضوع حکومت اسلامی به‌عنوان ساختارهایی که امور عمومی و سیاسی این جوامع را ساماندهی و مدیریت می‌کنند، دوچندان می‌سازد. از سوی دیگر، برای تشکیل حکومت اسلامی یا حرکت حکومت‌های موجود در جوامع اسلامی به سمت الگوی مطلوب خود، باید شاخصه‌های اجرایی از متن شریعت استخراج کرد تا راهگشای حکمرانان و مردم در تحقق عملی حکومت اسلامی باشد (ارسطا، ۱۳۹۲: ۲).

اسلام‌شناسان در تعیین حدود سرزمین‌های اسلامی اختلاف نظر دارند. برخی حدود سرزمین‌های اسلامی را سرزمین‌هایی می‌دانند که احکام اسلامی در آن اجرا می‌شود و برخی سرزمین‌های اسلامی را جایی می‌دانند که دارای اکثریت مسلمان باشد و یا مسلمانان در آنجا زندگی کنند و برخی دیگر سرزمین‌هایی که جزئی از سرزمین اسلامی بوده لیکن در حال حاضر به‌زور به اشغال غیر مسلمانان درآمده‌اند را نیز جزء سرزمین‌های اسلامی قرار می‌دهند. به نظر بهترین تعریف این است که شامل هر سه نظریه باشد؛ بنابراین در این مقاله منظور از سرزمین‌های اسلامی، سرزمین‌هایی است که شامل هر یک از سه نظریه گفته شده باشد. سرزمین‌های اسلامی همیشه در معرض تهاجم کفار و دشمنان و استقلال آن‌ها در معرض تهدید قرار داشته است؛ بنابراین حکومت‌های اسلامی وظایفی همچون حفظ و حراست از شریعت اسلام، اقامه و اجرای حدود، جهاد با دشمنان اسلام و حفاظت از کشور اسلامی را بر عهده دارند. از وظایف مهم حکومت اسلامی، با توجه به آیه ۶۰ سوره انفال، تحقق بخشیدن به نظام جهادی کارآمد است.

«وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَآخَرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ» هر نیرویی در توان دارید، برای مقابله با دشمنان، آماده سازید! و اسب‌های ورزیده برای میدان نبرد تا به‌وسیله آن، دشمن خدا و دشمن خویش را بترسانید! و گروه دیگری غیر از این‌ها را که شما نمی‌شناسید و خدا آن‌ها را می‌شناسد! و هر چه در راه خدا و تقویت بنیه دفاعی اسلام انفاق کنید، به شما بازگردانده می‌شود و به شما ستم نخواهد شد» (شیرازی، ۱۳۷۳: ۱۷۸).

سوره انفال در جریان جنگ بدر نازل شده و محتوای آن بر وحدت ملی و به‌هم‌پیوستگی مسلمین تأکید دارد. این آیه بر لزوم آمادگی در مقابل دشمن با حفظ آمادگی همیشگی برای جلوگیری از زورگویی‌های قدرت‌های ظالم، لزوم افزایش قدرت نظامی، نیرومند بودن نیروی نظامی و ضرورت آموزش نظامی اشاره دارد. اسلام پس از اذعان به اصل اجتناب‌پذیر جنگ و بعد از تعیین علل و اهداف آن، برای خود جنگ نیز برنامه قانونی مفصلی بر پایه عدل، رحمت و رعایت حقوق انسانیت تنظیم کرده است (عباس‌نژاد، ۱۳۸۵: ۹۵). اصل مقابله به مثل در قرآن، به‌عنوان یک اصل عادلانه در برابر تجاوز و بی‌عدالتی مطرح است. منطق اسلام این است که باید در برابر تجاوز ایستاد؛ تسلیم در برابر متجاوز مرگ واقعی و مقاومت حیات حقیقی است.

«الشَّهْرُ الْحَرَامُ بِالشَّهْرِ الْحَرَامِ وَالْحُرُمَاتُ قِصَاصٌ فَمَنْ اعْتَدَى عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدَى عَلَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ»؛ ماه حرام در برابر ماه حرام و (اگر دشمنان احترام آن را شکستند و با شما جنگ کردند، شما نیز حق دارید مقابله به مثل کنید. زیرا) حرمت‌ها را (نیز) قصاص است و هر کس به شما تجاوز کرد، به مانند آن تجاوز، بر او تعدی کنید و از خدا بپرهیزید (که زیاده‌روی نکنید) و بدانید که خداوند با پرهیزگاران است» (قرآنی، ۱۳۷۴: ۳۰۵)؛ بنابراین مراعات تناسب بین تجاوز و دفاع که خود نوعی عدالت است. دفاع در فقه بر دو قسم دفاع شخصی و دفاع از کیان اسلام و حوزه اسلامی تقسیم می‌گردد که دفاع از کیان اسلام از اهمیت بیشتری برخوردار است. در این صورت



دفاع از سرزمین و ایستادگی و مقاومت با توجه به آیه ۳۹ سوره حج بر همگان واجب می‌گردد:

«أَذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بَأْنَهُمْ ظَلَمُوا وَ إِنَّا اللَّهُ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ» اینک به آن مؤمنانی که مورد هجوم قرار می‌گیرند، از جانب خدا رخصت داده شده است که جهاد کنند. این بدان سبب است که آنان مورد ستم قرار گرفته‌اند و قطعاً خدا بر یاری آنان تواناست و پیروزشان خواهد کرد» (شیرازی، ۱۳۷۳: ۳۲۴).

آیه ۳۹ حج را «آیه اذن جهاد» نام نهاده‌اند، زیرا مسلمانان پس از تحمّل آزار و شکنجه‌ها و تحمیل جنگ بر آنان، برای نخستین بار با نزول این آیه در مدینه اجازه یافتند با مشرکان بجنگند. اسلام جلوگیری از ستم را لازم شمرده و بهای اجرای عدالت را از خون مسلمانان بالاتر می‌داند؛ در آیه ۷۵ سوره نسا آمده است:

«مَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ الْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَ النِّسَاءِ وَ الْوُلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا وَ اجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا» چرا در راه خدا، مردان و زنان و کودکانی که به دست ستمگران تضعیف شده‌اند، پیکار نمی‌کنید؟! همان افراد ستمیده‌ای که می‌گویند: پروردگارا! ما را از این شهر (مکه) که اهلش ستمگرند، بیرون ببر! و از طرف خود، برای ما سرپرستی قرار ده؛ و از جانب خود، یار و یآوری برای ما تعیین فرما!» (الهی قمشه‌ای، ۱۳۶۹: ۴۳). مرحوم طبرسی (ره) در کتاب «مجمع البیان» شأن نزول آیه را ذکر فرموده است؛ ایشان می‌گوید: «قیل یرید بذلک قوماً من المسلمین بقوا بمکه و لم یستطیعوا الهجرة منهم» گروهی از مسلمانان بودند که در مکه باقی مانده بودند و این‌ها می‌خواستند هجرت کنند و مشرکین نمی‌گذاشتند! این آیه هم دعایشان این بود. طبق این آیه هرگاه به عده‌ای در یک کشور ظلم شود و از دولت مسلمان یاری بطلبند دولت اسلامی وظیفه دارد به کمک آن‌ها بشتابند حتی با مجازات کشور ظالم از طریق جنگ نجات بدهند.

## دفاع از سرزمین‌های اسلامی، جهاد در راه خدا:

### وجوب جهاد در قرآن:

جهاد و مبارزه از اصول انکارناپذیر اسلامی است (نجفی، ۱۳۹۰: ۲۵۶). در قرآن کریم بارها به آن اشاره شده است. شهید ثانی در بیان اقسام جهاد، قسم اول از جهاد ابتدایی سخن گفته، قسم دوم جهاد را جهاد دفاعی دانسته است. جهاد دفاعی زمانی صورت می‌گیرد که ابتدا دشمن حمله کند و بر مسلمانان دفاع شرعاً واجب می‌گردد. جهاد ابتدایی دعوت کافران به اسلام و برداشتن موانع رشد و گسترش اسلام انجام می‌گیرد. از آنجا که بحث ما در مورد حکمرانی دفاعی و امنیتی می‌باشد ابتدا در مورد جهاد ابتدایی و سپس به مبحث جهاد دفاعی پرداخته می‌شود.

### جهاد ابتدایی:

جهاد ابتدایی یا جهاد تهاجمی، از سوی مسلمانان برای گسترش اسلام با اذن امام معصوم (ع) آغاز می‌شود. حمله نظامی به کفار برای رساندن دعوت اسلام به مردمان گرفتار صورت می‌گیرد. با مستضعفین فکری جامعه، جنگی ندارد، بلکه تنها با حکمران جامعه می‌جنگد و از واجبات کفایی بنا به دستور امام معصوم است. نجات مستضعفین روی زمین، هدف جهاد ابتدایی است و جهاد ابتدایی برای نجات مستضعفین در زمین است. در جهاد ابتدایی شرایطی مانند بلوغ، عقل، آزاد بودن، مرد بودن، سلامت از انواع بیماری‌ها و تمکن و قدرت بر ادای نفقه وجود دارد، اما در جهاد دفاعی بسیاری از این شرایط وجود ندارد، زیرا هدف از این جهاد، دفاع هرچه سریع‌تر و بیشتر از مبانی اسلام و آبرو و شرف جامعه اسلامی و مسلمانان است؛ بنابراین در جهاد دفاعی شرایط آسان‌تر شده است تا عده بیشتری از مردم را شامل شود و مسلمانان با تمام امکانات و نیروی خود از دین، جان و ناموس خود در برابر دشمنان تجاوزگر دفاع کنند و با آنان به مبارزه برخیزند. جهاد ابتدایی شرایطی را شامل می‌گردد:

باید با اجازه امام معصوم (ع) و در زمان حضور ایشان صورت بگیرد.

ابتدا قبل از جنگ باید دشمن را به اسلام دعوت نمود و او را با محاسن اسلام آشنا ساخت و دعوت‌کننده نیز باید امام یا نایب منصوب از جانب او باشد. کسانی که اقدام به این جنگ می‌کنند نیز باید شرایطی داشته باشند از قبیل اینکه، بالغ، عاقل، آزاده، برخوردار از سلامت جسمانی و مرد باشد (شکوری، ۱۳۹۴: ۲۵۷).

### جهاد دفاعی:

این نوع جهاد دارای شرایط خاصی نمی‌باشد و بر تمام مسلمانان واجب است تا به هر وسیله‌ای دفاع نمایند. این جهاد بیشتر در برابر کفار مهاجم و اهل بغی صورت می‌گیرد. خداوند در سوره‌های مدنی جنگ با مشرکان مکه را مجاز و واجب اعلام کرد. در توصیف این حکم این چنین بیان شده است: کسانی که آغازگر جنگ علیه ما هستند اقدام به اخراج مسلمانان از خانه و دیار خود کرده‌اند برای جلوگیری از ورود به مسجدالحرام و هدفشان برگرداندن شما از دیتتان است. قرآن کریم در آیه ۲۵۱ سوره بقره درباره جهاد دفاعی می‌فرماید:

«...وَلَوْ لَا دَفَعُ اللَّهُ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَفَسَدَتِ الْأَرْضُ وَلَكِنَّ اللَّهَ ذُو فَضْلٍ عَلَى الْعَالَمِينَ؛ و اگر خداوند بعضی از مردم را به وسیله بعضی دیگر دفع نمی‌کرد، زمین تباه می‌شد، ولی خدا بر جهانیان فضل و کرم خویش را ارزانی می‌دارد» (شیرازی، ۱۳۹۷: ۲۲).

در صدر اسلام جنگ‌ها غالباً دفاعی بود و مسلمانان به‌طور معمول در جنگ‌ها پیش‌قدم نمی‌شدند، بلکه همواره به دفاع از خود می‌پرداختند و هنگامی که دشمن از جنگ دست برمی‌داشت، آنان نیز از جنگ کنار می‌رفتند و به نشر دین اسلام و تربیت و تهذیب انسان‌های مؤمن می‌پرداختند. پیامبر اکرم در جنگ خیبر و فتح مکه نیز برای رفع توطئه و از بین بردن شرک و بت‌پرستی جنگ را آغاز کردند. در جنگ خیبر، یهودیان که کافر حربی بودند، علیه اسلام توطئه و مردم را به جنگ با مسلمانان ترغیب و تشویق می‌کردند. در آن شرایط، پیامبر اکرم لازم دیدند که برای نابودی توطئه اقدام کنند و دست دشمنان دین را کوتاه نمایند. در فتح مکه نیز پیامبر برای اینکه کافران قریش را از حمله به مسلمانان بازدارد و نیز برای از بین بردن و رفع شرک و بت‌پرستی جهاد کردند.

شهید ثانی در شرح لمعه در مبحث جهاد در خصوص جهاد دفاعی می‌فرماید: جهاد با کفاری که می‌خواهند بر مسلمان هجوم آورند به گونه‌ای که مسلمانان از تسلط آنان بر سرزمین خود و به یغما رفتن اموالشان اگرچه ناچیز باشد ترس داشته باشند واجب است همچنین اگر مسلمانان از مسلمان بدعت‌گذار بر جان خود ترس داشته باشند، دفاع از خودشان بر آنان واجب می‌شود. اگر بعضی از مسلمانان بر جانشان بترسند، تنها بر همان‌ها جهاد واجب می‌شود و اگر آن‌ها از عهده دفاع برنیامدند بر مسلمانانی که به آن‌ها نزدیک هستند، یاری کردن آن‌ها واجب می‌شود و اگر مجموع آن‌ها نیز از عهده آن‌ها برنیایند بر سایر مسلمین که دورتر هستند واجب می‌شود. وجوب کفایی کمک کردن، بر کسانی که نزدیک‌ترند مؤکدتر است.

### اهمیت جهاد دفاعی بر جهاد ابتدایی:

از مقایسه احکام جهاد ابتدایی و جهاد دفاعی به خوبی برمی‌آید که جهاد دفاعی از جهاتی بر جهاد ابتدایی ترجیح دارد و از اهمیت بیشتری برخوردار است و البته وجه آن هم تا حدودی روشن است. جهاد ابتدایی به منظور دعوت کفار به اسلام و گسترش دامنه اسلام است، اما جهاد دفاعی به منظور جلوگیری از محو اسلام و از بین رفتن جامعه اسلامی و حراست از استقلال و جان و مال و ناموس مسلمان‌ها است. امام خمینی در کتاب امر به معروف و نهی از منکر فصلی را با عنوان «دفاع» گشوده و زوایای مختلف آن را در برابر هجوم نظامی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی دشمنان اسلام مطرح نموده‌اند. دفاع از بلاد مسلمین را در برابر دشمنی که برای اساس اسلام و مسلمین خطر دارد، به هر وسیله ممکن، مانند بذل جان و مال بدون هیچ قید و شرطی واجب شمرده‌اند. چه اینکه دفاع در برابر استیلای سیاسی و اقتصادی دشمنان را که به اسارت سیاسی و اقتصادی و وهن اسلام و مسلمین و ضعف ایشان می‌انجامد، از طریق روش‌های مشابه و مقاومت‌های منفی مانند تحریم کالاهای آنان و ترک مراوده و رابطه سیاسی و تجاری واجب دانسته‌اند (ورعی، ۱۳۹۲: ۳).

## محاربان:

### تعریف لغوی محاربه:

محاربه و حرابه مصدر باب مفاعله و مشتق از حرب است که با فتح راء به معنی سلب و با الحرب سکون راء به معنی جنگیدن و نزاع و جمع آن حُرْب است. غارت مال انسان و ترک آن شخص «بالتحریک غصب مال الانسان و ترکه لا شیء له» به گونه‌ای که هیچ چیزی برایش نماند (ابن منظور، ۱۴۰۷: ۲۳۰). راغب اصفهانی می‌گوید: حَرَب به معنای تاراج و غارت غنائم در ضمن جنگ است و سپس معنی آن توسعه یافته و در مورد مطلق سلب و غارت مال به کار رفته است.

### محاربه در قرآن:

در آیات مختلف قرآن کریم محاربه در معانی مختلف کارزار، جنگ و مقاتله به کار رفته است. در سوره انفال آیه ۵۷ آمده است:

«فَمَا تَتَقَفُّهُمْ فِي الْحَرْبِ فَشَرِّدْهُمْ مِنْ خَلْفِهِمْ لَعَلَّهُمْ يَذْكُرُونَ؛ یعنی تو ای رسول، چون با کافران مشغول کارزار شدی آن‌ها و کسانی را که پشت سر ایشان هستند پراکنده و رمیده گردان تا عبرت گیرند» (الهی قمشه‌ای، ۱۳۶۹: ۹۳).

در آیه ۱۰۷ سوره توبه، ساختن مسجد ضرار به دست منافقان، جنگ با خدا و رسول او بیان شده است. در آیه ۴ سوره محمد نیز درباره مبارزه با کفار، کلمه حرب به معنی جنگ و کارزار به کار رفته است. همچنین در آیه ۲۷۹ سوره بقره محاربه درباره کسانی که ترک ربا نمی‌کنند به کار رفته است «... فَاَنْ لَمْ تَفْعَلُوا فَاَذْنُوا بِحَرْبٍ مِنْ اَهْلِ لَمْ تَفْعَلُوا...»

یعنی اگر ربا را ترک نکنید بدانید که حربی از جانب خدا و رسولش متوجه شما خواهد شد. در این آیه حرب به معنای مبارزه‌ای است که خدا و رسول او با رباخوار می‌کنند و به مناسبت حکم و موضوع، مبارزه خدا این است که حکم می‌کند تا مال ربوی از رباخوار گرفته شود و مبارزه‌ی رسول خدا این است که حکم را اجرا می‌کند. معنای این سخن آن است که اگر رباخوار به اختیار خود ربا را ترک نکند مال ربوی که در حقیقت از مردم است با قوه قهریه از او گرفته می‌شود (رضایی، ۱۳۸۹: ۶۷).

### محاربه در فقه شیعی:

راغب اصفهانی می‌گوید: «حرب» واژه معروف و روشنی است و به معنای به غارت و یغما بردن مال در ضمن جنگ است و سپس معنای آن توسعه یافته و در مورد مطلق سلب غارت و مال به کار رفته است. در مجمع‌البحرین نیز گفته شده: اطلاق واژه حرب بر کسی که برای جنگیدن یا ترساندن دیگران سلاح کشیده باشد به این اعتبار است که او می‌خواهد جان و مال یا قدرت یا ملک دیگری را از او بگیرد. شهید ثانی نیز در «مسالك الافهام» در تعریف محارب، چنین آورده‌اند که «هر کسی که سلاح بکشد برای ترساندن مردم در خشکی باشد یا دریا، در شب باشد یا در روز در شهر و غیر آن باشد و قصد ترسانیدن مردم را داشته باشد بدون اینکه گرفتن مال شرط شده باشد، محارب است، پس همین که قصد ترساندن را داشته باشد کافی است».

### محاربه از نظر امام خمینی:

محارب کسی است که شمشیرش را برهنه می‌کند یا آن را تجهیز می‌نماید تا مردم را بترساند و می‌خواهد در زمین افساد نماید (خمینی، ۱۳۶۳: ۵۲۶). بر اساس این نظر برای تحقق محاربه، علاوه بر به کار بردن سلاح و قصد اخافه، قصد افساد در زمین نیز شرط است. این نظر مبتنی بر این برداشت آیه ۳۳ سوره مائده است (رضایی، ۱۳۸۹: ۷۴)؛ که موضوع حکم دو جزء دارد؛ یکی محاربه و دیگری افساد در زمین؛ یعنی عنوان مورد نظر جرم محاربه بر وجه فساد است نه محاربه به تنهایی. در نتیجه اگر هر یک از شرایط محاربه و افساد تحقق پیدا نکند موضوع حکم مذکور در آیه تحقق نیافته است زیرا محاربه و افساد هر یک جزئی از سبب‌اند که با تحقق هر دو جزء سبب، مسبب یعنی مجازات‌های اربعه قابلیت اجرا پیدا می‌کند.

### مجازات محاربان در قرآن:

این کلمه در معنی اصطلاحی در آیه ۳۳ سوره مائده که اصلی ترین آیه در خصوص محاربه است و در مورد مشرکینی که در مقابل محبت‌های پیامبر عهدشکنی کرده و مسلمانان را کشتند و اموال متعلق به مسلمین را غارت کردند نازل شده است.

«إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ مِنْ خِلَافٍ أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ ذَلِكَ لَهُمْ خِزْيٌ فِي الدُّنْيَا وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ؛ کيفر آن‌ها که با خدا و پیامبرش به جنگ برمی‌خیزند و اقدام به فساد در روی زمین می‌کنند، (و با تهدید اسلحه، به جان و مال و ناموس مردم حمله می‌برند)، فقط این است که اعدام شوند؛ یا به دار آویخته گردند؛ یا چهار انگشت از دست راست و پای چپ آن‌ها، بعکس یکدیگر، بریده شود؛ و یا از سرزمین خود تبعید گردند. این رسوایی آن‌ها در دنیاست؛ و در آخرت، مجازات عظیمی دارند» (الهی قمشه‌ای، ۱۳۶۹: ۵۸).

در شأن نزول این آیه چنین نقل کرده‌اند که: جمعی از مشرکان خدمت پیامبر آمدند و مسلمان شدند اما آب و هوای مدینه به آن‌ها نساخت، رنگ آن‌ها زرد و بدنشان بیمار شد، پیامبر برای بهبودی آن‌ها دستور داد به خارج مدینه در نقطه خوش آب و هوایی از صحرا که شتران زکات را در آنجا به چرا می‌بردند، بروند و ضمن استفاده از آب و هوای آنجا از شیر تازه شتران به حد کافی استفاده کنند، آن‌ها چنین کردند و بهبودی یافتند اما به‌جای تشکر از پیامبر (ص) چوپان‌های مسلمان را دست و پا بریده و چشمان آن‌ها را از بین بردند و سپس دست به کشتار آن‌ها زدند و شتران زکات را غارت کرده و از اسلام بیرون رفتند. پیامبر (ص) دستور داد آن‌ها را دستگیر کردند و همان کاری که با چوپان‌ها انجام داده بودند به‌عنوان مجازات درباره آن‌ها انجام یافت، یعنی چشم آن‌ها را کور کردند و دست و پای آن‌ها را بریدند و کشتند تا دیگران عبرت بگیرند و مرتکب این اعمال ضد انسانی نشوند، آیه فوق درباره این‌گونه اشخاص نازل گردید و قانون اسلام را در مورد آن‌ها شرح داد. این آیه برای بیان عظمت و اهمیت مطالب، محاربه با مسلمانان به‌منزله محاربه با خدا و پیامبرش قرار گرفته است. شیخ طوسی در کتاب خلاف نیز تحت عنوان

کتاب «قطاع الطريق» آورده است: محاربانى که خداوند در آیه محاربه ذکر کرده است، همان قطاع الطريق هستند که سلاح می‌کشند و راه‌ها را ناامن کرده و رهگذران را می‌ترسانند. ابن عباس و گروهی از فقها همین را گفته‌اند. گروهی هم گفته‌اند: محاربان مورد نظر آیه، اهل ذمه‌ای هستند که پیمان ذمه را شکسته و به دارالحرب پیوسته و با مسلمانان به جنگ برخاسته‌اند. دلیل ما اجماع شیعه و اخبار ایشان و نیز آیه «الا الذین تابوا من قبل ان تقدروا علیهم ...» است. این آیه می‌گوید که در صورتی که محاربان قبل از دستگیر شدن توبه کنند، مجازات مذکور از آن‌ها برداشته می‌شود (شاهرودی، ۱۳۷۶: ۱۱).

#### ترتیبی یا تخییری بودن تعیین حد محارب:

در آیه شریفه چهار نوع حد و مجازات برای محارب مفسد ذکر شده است که باید یکی از آن‌ها در حق او اجرا شود

کشتن (قتل)؛

بر دار زدن (صلب)؛

بریدن دست و پا برخلاف جهت یکدیگر (قطع)؛

تبعید (نفی بلد).

در میان فقهای اهل سنت، شافعی‌ها، حنفی‌ها و حنبلی‌ها قائل به ترتیب و مالکی‌ها قائل به تخییر هستند (جزیری، ۱۴۰۶: ۲۳). از فقهای شیعه گروهی قائل به تخییر شده‌اند و گفته‌اند جرم محارب هر چه باشد، قتل نفس بکند یا نکند، مال مردم براباید یا نرباید، به هر حال وقتی به او محارب و مفسد اطلاق شد و او مردم را با سلاح ترسانید، امام مسلمین مخیر است که یکی از این چهار نوع مجازات را درباره او اجرا کند. سماعه می‌گوید: از امام صادق درباره آیه ۳۳ سوره مائده «انما جزاء الذین یحاربون...» پرسیدند، فرمود: امام در حکم آن‌ها مخیر است اگر بخواهد می‌کشد و اگر بخواهد دار می‌زند و اگر بخواهد می‌برد و اگر بخواهد تبعید می‌کند. این قبیل روایات دلالت بر تخییر دارند و بعضی از فقهای ما که نام آن‌ها را بردیم بر طبق این روایات فتوا به تخییر داده‌اند (هندی، ۱۳۸۲: ۴۸۱). دلیل این گروه که قائل به تخییرند این است که در آیه شریفه این چهار نوع مجازات با کلمه



«او» بیان شده (این یا آن) و «او» در زبان عربی ظاهر در تخییر است و در روایتی حریر از امام صادق (ع) نقل می‌کند که هر جا در قرآن لفظ «او» باشد برای تخییر است (عاملی، ۱۴۱۳: ۱۶۶).

با توجه به مجموع روایات که بعضی از آن‌ها به تخییر و بعضی دیگر به ترتیب دلالت می‌کند و دسته سوم تخییر را به ترتیب ارجاع می‌دهد و در روایات هم ترتیب‌های مختلفی آمده، می‌توان گفت این چهار حد که در آیه برای محارب آمده، بیان حداقل و حداکثر مجازات و تعیین آن بر عهده حاکم است که مطابق با شدت و ضعف جنایت، یک یا چند مجازات را درباره جانی اجرا کند، چون او باید هم مصلحت جامعه و هم مقدار جنایت را در نظر بگیرد، ممکن است در هر حادثه حکم خاصی داده شود و ترتیب‌های گوناگونی به وجود آید.

### حقوق کیفری محارب‌ان در ایران:

طبق ماده ۲۷۹ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ ه.ش محاربه (عبارت از کشیدن سلاح به قصد جان، مال یا ناموس مردم یا ارباب آن‌ها است، به نحوی که موجب ناامنی در محیط گردد...) بدین ترتیب علاوه بر وجود سوءنیت عام، یعنی عمد در کشیدن سلاح، سوءنیت خاص یعنی قصد تعرض به جان، مال یا ناموس مردم برای تحقق جرم لازم است. البته نیازی نیست که قصد مجرم مستقیم باشد بلکه همین مقدار که می‌داند کار وی موجب سلب امنیت خواهد شد وی محارب محسوب می‌گردد. به همین دلیل ماده ۲۸۱ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ ه.ش، راهزنان، سارقان و قاچاقچیان که دست به سلاح ببرند و موجب سلب امنیت مردم شوند را محارب دانسته است.

استفاده از واژه مردم در ماده ۲۷۹ مشخص می‌نماید که برای صدق عنوان محاربه باید نوعی (عمومیت) در جرم وجود داشته باشد از همین رو در ادامه ماده ۲۷۹ آمده است (هرگاه کسی با انگیزه شخصی سلاح بکشد و عمل او جنبه عمومی نداشته باشد ... محارب محسوب نمی‌شود). این شرط توسط اداره حقوقی قوه قضائیه مورد تأکید قرار گرفته است. در خصوص معنی و مفهوم سلاح، در فقه اسلامی تعریف واحدی ارائه نشده است اما

مهم‌ترین ضابطه در تعریف سلاح، آن چیزی است که برای نزاع و جنگیدن ساخته شده است و یا به کار می‌رود و معنی آن از لحاظ زمان و مکان متغیر است. با توجه به این تعریف استفاده از مواد سمی و یا عوامل میکروبی و باکتریایی را جهت اعمال تروریستی می‌توان کاربرد سلاح دانست. در خصوص مقابله با محاربان ماده ۲۸۰ مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ ه.ش اشعار می‌دارد (فرد یا گروهی که برای دفاع مقابل محاربان دست به اسلحه ببرد محارب نیست). بر طبق ماده مذکور هرگاه شرایط دفاع مشروع بر طبق ماده ۱۵۶ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ ه.ش شد وجود داشته باشد، از جمله اینکه تجاوز و یا خطر، فعلی یا قریب‌الوقوع بوده و دفاع برای دفع آن ضرورت داشته و مراحل آن رعایت شده با و توسط به قوای دولتی هم عملاً ممکن نبوده یا مداخله آنان در دفع تجاوز مؤثر واقع نشود، آنگاه افراد مورد اشاره در ماده ۲۸۰ اساساً مجرم نبوده و هیچ مجازاتی را تحمل نخواهند کرد ولی هرگاه افراد یادشده بدون رعایت همه یا برخی از شرایط مذکور، مثلاً به قصد انتقام‌گیری پس از اتمام عمل محاربان، با اسلحه با آنان درگیر شوند آنگاه نمی‌توانند از مسئولیت کیفری به استناد دفاع مشروع بگریزند اما به دلیل فقدان سوءنیت خاص، یعنی قصد سلب امنیت عمومی آنان محارب محسوب نمی‌شوند، هرچند که ممکن است به ارتکاب اعمالی مثل ایراد ضرب و جرح و تخریب محکوم شوند. طبق ماده ۲۸۲ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ ه.ش، حد محاربه را به پیروی از آیه ۳۳ سوره مائده، عبارت از مجازات اعدام، صلب، قطع دست و پای چپ، نفی بلد دانسته‌اند. در مورد مجازات قطع دست و پای چپ بعید نیست که این مجازات در آیه ۳۳ سوره مائده از باب مقابله به مثل با محاربان پیش‌بینی شده باشد. منظور از نفی بلد همان تبعید شناخته‌شده در حقوق امروز نیست؛ بلکه از آن سخت‌تر است زیرا بنا به تصریح ماده ۲۵۸ مصوب سال ۱۳۹۲ ه.ش «در نفی بلد، محارب باید تحت مراقبت قرار گیرد و با دیگران معاشرت، مراوده و رفت و آمد نداشته باشد». به علاوه محارب اگر توبه نکند همچنان در تبعید باقی می‌ماند و مدت نفی بلد در هر حال کمتر از یک سال نیست (میر محمد صادقی، ۱۳۹۴: ۵۸). در آیه ۳۴ سوره مائده توبه محاربان قبل از دستگیری مورد

تصریح قرار گرفته است و فقیهان نیز بر آن تأکید کرده‌اند. در تبصره ۱ ماده ۱۱۴ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ ه.ش اشعار می‌دارد (توبه محارب قبل از دستگیری یا تسلط بر او موجب سقوط حد است) البته ندامت و اصلاح او باید برای قاضی محرز شود.

**بغات:**

### تعریف اصطلاحی بغی:

در قرآن کریم، بغی در چهار معنای «ستمکاری، سرپیچی، حسد بردن و زنا» به کار رفته که همگی ریشه در معنای لغوی آن یعنی طلب همراهی با تجاوز دارد. در آیات «...و اللمس و البغی بغیر الحق (اعراف/۳۳)، ...ینهی عن الفحشا و المنکر و البغی» (نحل/۹۱) به معنای ستمکاری، در آیه «...فلما أنجاهم اذاهم یبغون فی الرض بغیرالحق، یا ایها الناس لئما یغیکم علی انفسکم» (یونس/۲۳) به معنای سرپیچی و عصیان و در آیه «...بغیاً ان ینزل اهلل من فضله» (بقره/۹۱) به معنای حسد بردن و در آیه «...لم اک بغیاً» (مریم/۲۱) به معنای زنا آمده است. فقها تعاریف متفاوتی دارند که مهم‌ترین نظرات آن‌ها در یک دسته‌بندی، به این شرح است:

عده‌ای از فقیهان در تعریفی که از بغی ارائه داده‌اند، آن را شامل خروج از امام معصوم (ع) می‌دانند و می‌گویند: «هرکس علیه امام معصوم (ع) خروج کند، باغی است و جنگ با او واجب است. باید با او جنگید تا به اطاعت امام معصوم برگردد یا همانند کفار کشته شود» (حائری، ۱۴۱۸: ۱۳۵).

دسته‌ای دیگر از فقها، بغی را خروج بر امام عادل می‌دانند و می‌گویند: «باغی کسی است که بر امام عادل خروج کند...» (نجفی، ۱۴۰۴: ۲۳۷). البته باید یادآور شد، کسانی هم که باغی را به معنای خروج بر امام عادل می‌دانند، منظور از امام عادل را نزد شیعیان، همان امام معصوم می‌دانند؛ بنابراین، می‌توان گفت که بین گروه اول و دوم در تعریف، تفاوتی نیست: «مراد از امام عادل، نزد شیعه امام معصوم و نزد اهل سنت، مطلق خلیفه و فرمانرواست» (طوسی، ۱۴۰۷: ۱۶۷). در برابر این دو گروه، دسته سومی هستند که خروج بر امام را مطلقاً باغی می‌دانند؛ بدون ذکر صفت عادل. این گروه را بیشتر، فقهای اهل سنت

تشکیل می‌دهند: «دسته‌ای که با توجیه و تأویل بر امام بشورند و با جماعت مخالفت کنند» آیه ۹ سوره حجرات هم که مهم‌ترین مبنای قرآنی بغی است، به همین معنا به کار رفته است. در این سوره، حقایق ارزنده درباره ادب و سلوک اسلامی، اجتماعی، سیاسی و اخلاقی مطرح شده است؛ حقایق که پایه‌های اصول اسلامی را تشکیل داده، جامعه‌ای سالم و قدرتمند با فرهنگی سرشار از فضیلت می‌سازد. خداوند متعال در این آیه می‌فرماید: «وَإِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا فَإِنْ بَغَتُ إِحْدَاهُمَا عَلَى الْأُخْرَى فَقَاتِلُوا الَّتِي تَبْغِي حَتَّى تَفِيءَ إِلَى أَمْرِ اللَّهِ فَإِنَّ فَاءَ مَا بَيْنَهُمَا بِالْعَدْلِ وَأَقْسَطُوهَا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ؛ هرگاه دو گروه از مؤمنان با هم به نزاع و جنگ پردازند آن‌ها را آشتی دهید و اگر یکی از آن دو بر دیگری تجاوز کند با گروه متجاوز پیکار کنید تا به فرمان خداوند بازگردد و هرگاه بازگشت در میان آن دو به عدالت، صلح برقرار سازید و عدالت را پیشه کنید که خداوند عدالت پیشگان را دوست دارد».

برخی دیگر از فقها نظیر علامه حلی، شیخ طوسی، قاضی ابنبراج و محمدرضا قی مدرس این آیه را دال بر جرم بغی می‌دانند. در آیه شریفه که اساس حکم «بغی» است، اسمی از امام نیست؛ ولی هر جنگ و نزاعی در خارج بر وجود امام یا فرمانده‌ای متوقف است که جنگجویان را رهبری کند و کار و سخن آنان را سر و سامان دهد. قهراً وجود امام، شرط «وجود» است، نه وجوب؛ به این معنا که بدون امام، امکان دفع طغیان وجود ندارد؛ پس انتخاب و تحصیل امام، واجب است؛ نه اینکه وجود امام شرط وجوب باشد؛ به‌گونه‌ای که تا او نباشد، حکم وجوب دفع طغیان هم نباشد. (منتظری، ۱۳۶۷: ۱۵۶).

### ادله فقهی جنگ با باغیان:

#### شرایط جنگ با بغات:

دسته‌ای از فقها، جنگ با بغات را مشروط به شرایطی می‌دانند که در ادامه به آن‌ها اشاره می‌شود. این دسته از فقها می‌گویند: بغات باید به‌صورت گروهی باشند تا اسم بغات بر آن‌ها صدق شود؛ بنابراین اگر آنان به‌صورت فردی یا اندک خروج کنند، احکام باغی بر آنان مترتب نمی‌شود. شیخ طوسی در مبسوط می‌گوید: اگر کسی به‌صورت فردی بر امام

خروج کند، مثل ابن ملجم، کافر است و باید او را قصاص کرد. صاحب جواهر هم می‌گوید: اگر به صورت فردی بود، فرد محارب محسوب می‌شود؛ در صورتی که شمشیر یا چیزی مثل شمشیر در دست گیرد (نجفی، ۱۴۰۴: ۲۴۹).

### وظایف حکومت در برابر بغات:

#### کوشش برای صلح:

قرآن با ما از قوانین صلح یا از صلحی که بر پایه عدالت صورت گرفته باشد، سخن نمی‌گوید، چراکه تحقق بخشیدن به آن در حالت جنگ تقریباً محال است؛ بنابراین از جامعه خواسته است که برای رسیدن به صلح کوشش کند. قرآن هر دو طرف جنگ را، علی‌رغم آنکه کشتن یکدیگر گمراهی بزرگی است، به نام مؤمنان خوانده است و این دلیل بر آن است که امکان دارد فرزندان امت واحدی در جنگ خانگی به جان یکدیگر بیفتند که سبب آن فتنه‌ها و هواهای نفسانی بوده باشد. پس ما حق نداریم که مردمان را به مجرد پرداختن به مبارزه با یکدیگر کافر بخوانیم، همان‌گونه که هیچ‌یک از دو طرف جنگ حق ندارد که طرف دیگر را به مجرد اعلان جنگ کردن بر خودش به خروج از چارچوب ایمان متهم سازد (مدرسی، ۱۳۷۷: ۳۸۷).

آیا ممکن است اسلام را با شعارها و اندرزها و پیمان‌ها و شوراها امنیت بر پا نگاه داریم؟ گاه ممکن است همه این‌ها سودمند باشد، ولی در آن حد نیست که از جنگی جلوگیری کند که اشخاص به آن داخل نشوند، مگر اینکه از تحقق یافتن هدف‌هایشان با هر وسیله دیگر مأیوس شده باشند و در این هنگام است که بر مرکب دشوار جنگ سوار می‌شوند و مصیبت‌ها و بدبختی‌های آن را تحمل می‌کنند. پس چگونه ممکن است با قرار و اندرز آن را متوقف سازند؟! در این هنگام ناگزیر باید همه مردم مسئولیت حفظ صلح را تحمل کنند و از ریخته شدن خون مردم جلوگیری کنند که این بدون تردید مستلزم پرداختن به جنگ و قبول مسئولیت آن است و اگر چنین نشود، ستمکاران و آتش‌افروزان فتنه جنگ همه‌جا را به صورت جهنمی درمی‌آورند (مدرسی، ۱۳۷۷: ۳۸۸).

**همزیستی مسالمت‌آمیز با بازگشت به فرمان خدا:**

قرآن پایان نبرد مؤمنان را با گروه‌های آشوبگر بازگشت گروه ستمگر به فرمان خدا و گردن نهادن به تطبیق احکام اسلام در قضایایی می‌داند که سبب ایجاد اختلاف میان ایشان و گروه دیگر شده است و این خود دلیلی بر آن است که مقید بودن تام به حدود عدالت در مورد معامله با ستمگران، علی‌رغم ستمگری و تجاوز ایشان به صلح و امنیت واجب است و باید از آن اطاعت شود (حسن‌زاده، ۱۳۹۴: ۱۰۱). دستور اسلام این است که آنان را به حدود شرعی بازگردانند، بدون آنکه حقوق ایشان را مصادره کند و آبرویشان را بریزند و رسوایشان سازند و به تهمت‌های بیجا آنان را متهم کنند تا چه رسد به اینکه حق آن نداریم که آنان را در بند کنیم و به زندان افکنیم و به تبعید روانه سازیم و آزارشان دهیم و به قتل برسانیم. خداوند متعال مقابله با ستمگران را به حدّ بازگشت آنان به فرمان خدا محدود می‌کند و چون چنین شود، به حالی درست همچون حال دیگر افراد ملت و امت بازمی‌گردند.

### حقوق کیفری بغات در ایران:

#### حقوق کیفری بغات در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ ه.ش:

علی‌رغم تأکید فقیهان شیعه بر تمایز میان بغی و محاربه، در تصویب قوانین مجازات اسلامی از ابتدای انقلاب تا سال ۱۳۹۲ ه.ش نه تنها این تفکیک رعایت نشده، بلکه یکی به نفع دیگری حذف شده است. در تحریرالوسیله امام خمینی (ره) که به عنوان منبع عمده قانون‌گذار اسلامی مطرح بوده است، علی‌رغم طرح مباحثی راجع به ضرورت مبارزه با منکر و قیام و حرکت در مسیر مبارزه با طاغوت (موسوی خمینی (ره)، ۱۴۲۱: ۴۰۵)، ذکری از موضوع بغی نیامده، ولی «حدّ محاربه» با همان مفاهیم و مختصات سنتی مد نظر فقیهان شیعه مطرح شده است (موسوی خمینی (ره)، ۱۴۲۱: ۴۶۵). هرچند نمی‌توان سکوت تحریرالوسیله و عدم ذکر موضوع بغی را به عدم قبول این بحث در نظر امام خمینی (ره) تفسیر و تحلیل کرد، قانون‌گذار در تدوین مقررات راجع به حدود و در بحث حدّ محاربه و افساد فی الارض، با گنجاندن مواد ۱۸۶، ۱۸۷ و ۱۸۸ قانون مجازات اسلامی در ذیل بحث حدّ محاربه، قیام مسلحانه علیه حکومت اسلامی، طرح براندازی حکومت

اسلامی و یا نامزد شدن جهت کودتا و براندازی حکومت اسلامی را که با توجه به گفتمان رایج فقهی از مصادیق بغی هستند، تحت عنوان محاربه و افساد فی الارض توصیف نموده است. علاوه بر این، یکی از فقهای عضو شورای نگهبان قانون اساسی، موضوع اصلی آیه محاربه را قیام علیه حکومت اسلامی می‌داند و می‌گوید شامل کسی که به قصد ارباب مردم و گرفتن اموال آنها دست به اسلحه می‌برد، نمی‌شود. ایشان می‌نویسد: «از ظاهر آیه چنین برمی‌آید که موضوع احکامی که در آن بیان شده است، در خصوص مسلمانانی است که در مقابل دولت اسلامی به قیام مسلحانه برمی‌خیزند و شامل کسی که به قصد ارباب مردم و گرفتن اموال آنها دست به اسلحه می‌برد، نمی‌شود، زیرا کسی که در مقابل دولتی بایستد که پیامبر بنیان‌گذار آن بوده است، حقیقتاً محارب با پیامبر است، اما کسی که با گروهی از مسلمانان به قصد گرفتن اموال آنها محاربه کند، حقیقتاً محارب با پیامبر شمرده نمی‌شود. بلی، اگر دلیل خاصی وجود داشته باشد که چنین محاربی را نیز محارب با پیامبر بشمرد، آن را می‌پذیریم، البته در این صورت، چنین محاربی از مصادیق ادعایی موضوع آیه است» (مؤمن، ۱۴۱۵: ۳۷۶). این نظریه را که از طرف برخی نویسندگان دیگر مورد انتقاد قرار گرفته است (هاشمی شاهرودی، ۱۳۷۸: ۲۱۲) و با گفتمان غالب فقها و مفسران شیعه همخوانی ندارد، می‌توان دیدگاه مورد قبول قانون‌گذار اسلامی در الحاق مفاد مواد ۱۸۶، ۱۸۷ و ۱۸۸ ق.م.ا. به حدّ محاربه و افساد فی الارض و توسعه در مصادیق این حدّ دانست. جالب اینکه قانون‌گذار ایران در ماده ۱۸۳ همین قانون و در تعریف حدّ محاربه، تعریفی فقهی و سنتی را که مورد قبول همه فقیهان شیعه است، ذکر نموده، ولی در توسعه و گسترش مصادیق این حد، خود را با هیچ محدودیتی مواجه ندیده، علاوه بر مواد مذکور، در موارد مشابه و در بعضی قوانین دیگر، از جمله قانون مجازات نیروهای مسلح مصوب سال ۱۳۷۱ ه.ش و ۱۳۸۲ ه.ش، به صورت گسترده‌ای از حدّ محاربه و افساد فی الارض سخن به میان آورده است، در حالی که بسیاری از آنها کمترین ارتباطی با تعریف حدّ محاربه و مصادیق مد نظر فقیهان و مفسران از این حد ندارد. البته بسیاری از علما و

صاحب‌نظران به ایرادات این قوانین و نادیده گرفته شدن تمایز میان بغی و محاربه و لزوم اصلاح آن‌ها اشاره کرده بودند (مرعشی، ۱۳۷۳: ۴۳).

### حقوق کیفری بغات در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ ه.ش:

همان‌طور که ذکر شد قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۷۰ ه.ش در مواد ۱۸۶، ۱۸۷ و ۱۸۸ که به ترتیب به قیام مسلحانه در برابر حکومت اسلامی، طرح براندازی حکومت اسلامی و تهیه اسلحه و مواد منفجره برای این منظور یا ارائه امکانات مالی مؤثر به طراحان و نیز نامزد شدن برای یکی از پست‌های حساس حکومت کودتا مربوط بود، مجازات محاربه را پیش‌بینی می‌کرد، در حالی که این اعمال به دلیل اینکه علیه حکومت انجام می‌شوند با عنوان مجرمانه بغی سازگارتر می‌باشند. از همین رو قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ ه.ش، با حذف این مواد، عنوان مجرمانه بغی را در ماده ۲۸۷ مورد حکم قرار داده و اعلام می‌دارد (گروهی که در برابر اساس نظام جمهوری اسلامی ایران قیام مسلحانه کند باغی محسوب و در صورت استفاده از سلاح، اعضای آن به مجازات اعدام محکوم می‌گردند). در خصوص این ماده توضیح نکات ذیل ضروری به نظر می‌رسد. ماده ۲۸۷ قیام مسلحانه را یک فعالیت متشکل نظام‌مند می‌داند، چراکه در ابتدای ماده به گروه اشاره می‌نماید و نه به فرد. البته این ماده در مورد تعداد اعضای گروه ساکت است و لفظ گروه را می‌توان به دو نفر و بیشتر نیز اطلاق کرد لیکن به‌طور معمول تعداد افراد درگیر در قیام مسلحانه زیاد است و تصور اینکه تعداد محدودی بتوانند دست به قیام مسلحانه بزنند دشوار است. نکته دیگر اینکه منظور از قیام مسلحانه این نیست که گروهی اعلام کند وارد فاز مسلحانه علیه نظام شده است بلکه دست بردن به سلاح علیه اساس حکومت در عمل ضروری است. عبارت (در صورت استفاده از سلاح) در ماده ۲۸۷ نشان می‌دهد کسانی باغی محسوب می‌شوند که خود عملاً دست به سلاح برده باشند و نه همه اعضا و هواداران گروه؛ بنابراین ماده ۲۸۷ به دو شرط مجزا جهت احراز جرم باغی اشاره



دارد. یکی گروه علیه اساس نظام دست به اسلحه برده باشد و دیگر اینکه متهم خاص از سلاح استفاده کرده باشد. این نکته را از ماده ۲۸۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ ه.ش نیز می‌شود نتیجه گرفت. ماده یادشده اشعار می‌دارد؛ (هرگاه اعضای گروه باغی قبل از درگیری با سلاح دستگیر شوند، چنانچه سازمان و مرکزیت آن وجود داشته باشد به حبس تعزیری درجه دو و چنانچه سازمان و مرکزیت آن از بین رفته باشد به حبس تعزیری درجه پنج محکوم می‌شوند). با توجه به ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ ه.ش، منظور از حبس تعزیری درجه سه، حبس بیش از ده سال تا پانزده سال و منظور از حبس تعزیری درجه پنج، حبس بیش از دو سال تا پنج سال می‌باشد. با توجه به موارد ذکر شده ماده ۲۸۷ فعلی از ماده ۱۸۶ سابق مضیق‌تر شده است؛ زیرا در ماده ۱۸۶ قانون مجازات مصوب سال ۱۳۷۰ ه.ش، در صورت قیام مسلحانه گروه، «تمام اعضا و هواداران آن» که با علم به موضع آن گروه یا جمعیت یا سازمان به نحوی در پیشبرد اهداف آن فعالیت و تلاش مؤثر داشتند، حتی اگر در شاخه نظامی شرکت نمی‌داشتند، اما مرکزیت تشکیلات همچنان باقی بود، محارب محسوب می‌شدند. لازم به ذکر است که بغی جرمی سنگین‌تر از محارب است و مجازات آن همواره اعدام است، در صورتی که جرم محاربه با توجه به تنوع مجازات‌هایش می‌تواند مجازات به نسبت سبکی، همچون تبعید باشد (میر محمد صادقی، ۱۳۹۴: ۶۸).

### نتیجه‌گیری:

قوانین اسلامی فقط احکام عبادی و یا دستورات اخلاقی نیستند و شامل احکام اقتصادی، اجتماعی، حقوقی و سیاسی جهت اصلاح امور دنیوی انسان‌ها نیز می‌شوند. به همین دلیل است که تشکیل حکومت اسلامی امری واجب است چراکه اجرای احکام اسلامی تنها در سایه تشکیل حکومت اسلامی قابل تصور است؛ بنابراین وظیفه حکومت اسلامی، تدوین و اعلام قوانین اسلامی، اجرا و نظارت بر اجرای احکام اسلامی، مجازات مجرمین و برقراری قسط و عدل و ایجاد و حفظ امنیت در جامعه اسلامی است. از جمله مهم‌ترین احکام اسلامی، احکام مربوط به جهاد و دفاع از امنیت و کیان سرزمین اسلامی

می‌باشد که خداوند در آیات متعدد قرآن، آن را بر مسلمانان واجب و احکام مربوط به نحوه انجام آن را ذکر نموده است؛ بنابراین حکومت اسلامی نه تنها همانند دیگر حکومت‌ها به صورت ذاتی در جهت حفظ اقتدار خود در داخل و خارج سرزمین، نیاز به برقراری امنیت داخلی و دفاع در برابر دشمن خارجی را دارد، بلکه به عنوان یک وظیفه دینی و همچنین دلیل وجودی خود در اسلام، موظف به فراهم نمودن امکانات و شرایط اجرای این فریضه دینی (جهاد) است.

در اسلام جهاد ابتدایی به شرط وجود امام معصوم و یا نایب خاص او که برای جهاد و یا اعم از آن منصوب شده است، واجب می‌شود ولی برای نایب عام امام مانند فقیه، در عصر غیبت عهده‌دار شدن جهاد ابتدایی جایز نیست، اما در سایر اقسام جهاد وجود امام معصوم و یا نایب خاص او واجب نیست. در جهاد دفاعی، دفاع کردن بر هرکسی که قادر بر دفاع باشد، اعم از زن و مرد، سالم و نابینا واجب است. همچنین در این نوع جهاد نیاز نیست دشمن حتماً حمله نماید، بلکه همین مقدار که به واسطه سابقه دشمن و یا بدعهدی وی، مسلمین از جان و مال خود بترسند دفاع از خودشان بر آنان واجب می‌شود البته این دفاع حدودی دارد و تا رفع تهدید ادامه خواهد داشت. در جهاد دفاعی اگر تهدید دشمن فعلیت یابد و محقق شود دفاع بر فرد فرد مسلمین واجب می‌شود و نباید منتظر حکومت باشند. لیکن بعد از اقدام حکومت در دفاع باید با حکومت همراهی نمایند و حکومت موظف به دفاع از سرزمین اسلامی است و جهت دفاع می‌بایست اقدامات لازم از جمله ایجاد ساختارها و سازمان‌های مناسب جهت دفاع و حفظ امنیت جامعه، انتصاب فرماندهان، جمع‌آوری اخبار و اطلاعات از دشمنان، استقرار مرزبانان در حدود سرزمین‌های اسلامی و ... انجام دهد. علاوه بر جهاد دفاعی علیه دشمن خارجی، گاهی اوقات دشمنان داخلی نیز علیه مردم و یا حکومت اقدامات خصمانه انجام داده و امنیت داخلی را تهدید می‌نمایند و مسلم است که ناامنی داخلی نیز موجب آسیب به جان و مال مسلمین خواهد شد و امکان انجام احکام و فرایض دینی سلب می‌نماید. در چنین شرایطی دفاع از امنیت، حکومت اسلامی، جان و نوامیس مسلمین واجب می‌شود و این وظیفه مردم

و حاکمیت است. البته باید توجه نمود که به دلیل اقتدار حکومت در داخل سرزمین و وجود ساختارهای منسجم امنیتی و انتظامی جهت ایجاد امنیت و نظم در جامعه اسلامی که از اولین وظایف حکومت اسلامی است، انتظار می‌رود در داخل سرزمین اسلامی وظیفه دفاع در مرحله اول بر عهده حکومت بوده و در صورت نبود ساختارهای حاکمیت و یا درخواست حکومت از مردم وظیفه دفاع با رعایت قوانین اسلامی و حدود آن بر فرد فرد مسلمانان واجب گردد. حکومت اسلامی در جهت حفظ امنیت داخلی قوانین و مقررات لازم را وضع نموده و ساختار و سازمان‌های لازم را ایجاد نماید. همچنین بر همه مسلمین واجب است در صورت ضرورت و درخواست حکومت در این جهاد مشارکت نمایند. اجرای این وظیفه و دفع فتنه از جامعه اسلامی می‌تواند از شرکت در راهپیمایی و اعلام آمادگی جهت دفع فتنه، کمک به جمع‌آوری اخبار و اطلاعات از فتنه‌گران تا شرکت در جهاد و حمله به فتنه‌گران داخلی باشد. در قرآن سه گروه فتنه‌گر نام برده می‌شود:

۱- محاربان؛

۲- باغیان؛

۳- منافقان.

این مقاله به وظیفه حکومت در قبال منافقان به علت تفاوت نحوه مقابله با آنان نسبت به محاربان و باغیان نپرداخته است لیکن اگر منافقان علیه مسلمانان و حکومت اسلامی با دشمنان اسلام متحد شوند و یا دست به سلاح ببرند بنا به مورد ممکن است در دسته محاربان و یا باغیان قرار گیرند. در فقه اسلامی محارب کسی است که با استفاده از سلاح مردم را بترساند قصد تجاوز به جان، ناموس و مال مسلمانان (فساد در زمین) را داشته باشد و مجازات آن بر طبق آیه ۳۳ سوره مائده اعدام یا به دار آویخته شدن یا قطع چهار انگشت از دست و پای آن‌ها به عکس یکدیگر و یا تبعید از سرزمین خود است و اجرای این حدود الهی از وظایف حکومت است. در فقه شیعه بغی را خروج بر امام عادل می‌دانند و می‌گویند: «باغی کسی است که بر امام عادل خروج کند...» برخی از فقها منظور از امام عادل را همان امام معصوم می‌دانند و برخی دیگر نظیر علامه حلی و شیخ طوسی، بر طبق

آیه ۹۰ سوره حجرات می‌گویند: وجود امام شرط «وجود» است، نه وجوب؛ به این معنا که بدون امام، امکان دفع طغیان وجود ندارد؛ پس تحصیل امام، واجب است؛ بنابراین خروج از حاکمیت ولی فقیه عادل که حکومت اسلامی را رهبری می‌کند به معنی بغی است. وظیفه حکومت در قبال باغیان هدایت آنان و حفظ صلح است و اگر آنان به جنگ اقدام نمودند، جهاد با آنان تا دفع فتنه است. قرآن پایان نبرد مؤمنان را با گروه‌های آشوبگر بازگشت گروه ستمگر به فرمان خدا و گردن نهادن به تطبیق احکام اسلام در قضایایی می‌داند که سبب ایجاد اختلاف میان ایشان و گروه دیگر شده است.

در قرآن امت مسلمان ید واحد توصیف شده و یک سرزمین اسلامی وجود دارد لیکن در جهان واقع، امروزه کشورهای مسلمان متعددی وجود دارند و مسلمین در ذیل یک حکومت واحد زندگی نمی‌کنند؛ بنابراین همان‌گونه که در کتب فقهی تشیع آمده است، ابتدا جهاد بر گروهی از مسلمین که بر جانشان بترسند و نسبت به آنان تعددی صورت گرفته است واجب می‌شود و سپس اگر آن‌ها از عهده جهاد و دفاع برنیامدند بر مسلمانانی که به آن‌ها نزدیک‌ترند واجب می‌شود و طبیعی است که وقتی از واجب شدن امری بر مسلمین بحث می‌شود یعنی بر حکومت اسلامی که بر آن مسلمانان حاکم است جهاد واجب می‌شود؛ بنابراین در صورت تجاوز و تعددی کشوری به یک کشور مسلمان و یا وقوع شورش و جنگ داخلی در یک کشور مسلمان، وظیفه سایر حکومت‌های اسلامی در وهله اول ایجاد صلح و سازش و جلوگیری از تعددی در بین دو کشور و یا گروه‌های درگیر داخلی، بدون درگیری و جنگ است و در صورت محقق نشدن این امر و درخواست کشور اسلامی که مورد تعدی قرار گرفته و یا امنیت آن دچار خدشه شده است، یاری رساندن به آن و حتی جهاد با حکومت و یا گروه‌های ظالم است تا کشور و یا گروه‌های تعدی‌کننده به فرمان الهی که همان بر قرار قسط و عدل است برگردند.

#### منابع:

۱. ابن منظور، محمد بن مکرّم، (۱۱۱۱)، لسان‌العرب، بیروت، دارالفکر للطباعة و

النشر و التوزیع.

۲. ارسطا، محمدجواد، (۱۳۹۲)، حکومت اسلامی، معیار تشخیص و شاخص‌های عملی، فصلنامه دانش حقوق عمومی، شماره ۹۳، ص ۳۵.
۳. آقابابائی، حسین، (۱۳۸۴)، گفتمان فقهی اهل سنت، مجله فقه و حقوق، شماره ۴، ص ۶-۵.
۴. الجزیری، عبدالرحمن، (۱۴۶۰)، الفقه علی المذاهب الاربعه، بیروت، دارالاحیاء التراث العربیه.
۵. حائری، مرتضی، (۱۴۱۸)، الخمس، قم، انتشارات جامعه مدرسین.
۶. حرّ عاملی، محمد، (۱۳۲۶)، وسائل الشیعه، قم، مؤسسه آل البيت (ع).
۷. حسن‌زاده، صالح، (۱۳۹۴)، نحوه برخورد با بغات در فقه با تکیه بر قرآن کریم، فصلنامه سراج منیر، دوره ۴، ص ۱۰.
۸. شکوری، ابوالفضل، (۱۳۷۷)، فقه سیاسی اسلام، قم، مؤسسه بوستان کتاب.
۹. طباطبائی، سید محمدحسین، (۱۳۶۵)، میزان، قم، انتشارات جامعه مدرسین قم.
۱۰. طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۹۵)، مجمع البیان، تهران، منشورات اسلامیّه.
۱۱. الطوسی، ابوجعفر محمدبن الحسن، (۱۳۶۷)، الخلاف، قم، انتشارات جامعه مدرسین.
۱۲. قرائتی، محسن، (۱۳۲۳)، تفسیر نور، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
۱۳. مدرسی، محمدتقی، (۱۳۷۷)، تفسیر هدایت، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
۱۴. مرعشی، محمدحسن، (۱۳۷۳)، دیدگاه‌های نو در حقوق کیفری اسلام، تهران، نشر میزان.
۱۵. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، (۱۳۶۳)، تفسیر نمونه، تهران، انتشارات دارالکتاب.

۱۶. منتظری، حسینعلی، (۱۴۰۹)، مبانی فقهی حکومت اسلامی، قم، انتشارات کیهان.
۱۷. میر محمد صادقی، حسین، (۱۳۹۴)، جرائم کیفری اختصاصی، تهران، بنیاد حقوقی میزان.
۱۸. موسوی خمینی (ره)، امام روح الله، (۱۳۷۹)، تحریر الوسیله، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۱۹. مؤمن، محمد، (۱۴۱۵)، کلمات سدیده، قم، مؤسسه النشر الإسلامی.
۲۰. نجفی، الشیخ محمدحسن، (۱۴۰۴)، جواهر الکلام، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
۲۱. هاشمی شاهرودی، سید محمود، (۱۳۷۸)، بایسته فقه جزا، تهران، انتشارات میزان.
۲۲. هاشمی شاهرودی، سید محمود، (۱۳۷۶)، محارب کیست، محاربه چیست؟، مجله فقه اهل بیت (ع)، شماره ۱۱، ص ۱۵.
۲۳. هندی (فاضل)، بهاءالدین محمد اصفهانی، (۱۳۸۲)، کشف اللثام، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۲۴. ورعی، سید جواد، (۱۳۹۲)، مبانی فقهی جهاد ابتدایی، مجله حکومت اسلامی، شماره ۱۲، ص ۱۸.

# بررسی نقش استانداردها در حکمرانی علوم و فناوری های نوظهور

امیر فرومندی

جواد فهیم

محمد رضا سالمی نجف آبادی





## چکیده:

حفظ یک جایگاه راهبردی بین‌المللی و حکمرانی در قرن حاضر به معنی داشتن قابلیت فناورانه صنعتی برای ایجاد یک مزیت رقابتی در بازار و همچنین داشتن بازوی نظامی است. مطالعات نشان می‌دهد که استانداردسازی نقش غیر قابل جایگزینی در توسعه فناوری داشته و از طرفی نیز فناوری‌های نوظهور نقش انکارناپذیری در پیشرفت جوامع بشری و حکمرانی فناورانه در عصر حاضر دارند. استانداردسازی فناوری‌های نوظهور موجب تسریع توسعه و تجاری‌سازی فناوری و در نتیجه رشد اقتصادی و افزایش توان دفاعی کشورها می‌گردد. در نتایج پژوهش‌های صورت گرفته یک خلأ در تبیین نقش فناوری‌های نوظهور در رسیدن به سطح کشورهای توسعه یافته و نیز نقش استانداردسازی در تجاری‌سازی و رسیدن به بلوغ فناوری‌های نوظهور وجود دارد. در این پژوهش با بهره‌گیری از مطالعات کتابخانه‌ای، پس از مروری جامع بر روی پژوهش‌های گذشته، تلاش می‌شود تا مباحث استانداردسازی و فناوری‌های نوظهور تعریف و سپس نقش استانداردسازی در توسعه، تجاری‌سازی و بلوغ فناوری‌های نوظهور تبیین گردد. نتایج مطالعات کتابخانه‌ای نشان‌دهنده نقش استانداردسازی در جهت‌دهی به نوآوری و نقش حمایتی آن از تبدیل نوآوری‌ها به یک فناوری نوظهور دارد. نتایج حاکی از این است که در حضور استانداردسازی فناوری‌های نوظهور تطابق بیشتری با تقاضای بازار داشته و از این جهت چرخه عمر این فناوری‌ها با سرعت بیشتری به بلوغ خواهد رسید. در نهایت با برخورداری از راهبرد استانداردسازی می‌توان به توسعه فناوری‌های نوظهور و تثبیت جایگاه منطقه‌ای و حکمرانی فناورانه دست یافت.

**کلیدواژه:** استانداردسازی، استانداردسازی فناوری، فناوری‌های نوظهور، توسعه

فناوری، نوآوری، حکمرانی

## Investigating the Role of Standardization in the Governance of Emerging Sciences and Technologies

Amir Foroumandi<sup>1</sup>, Javad Fahim<sup>2</sup>, Mohammad Reza Salemi Najaf Abadi<sup>3</sup>

**Abstract.** Maintaining an international strategic position and governance in the present century means having the technological capability to create a competitive advantage in the market as well as having a military power. Studies show that standardization has an indispensable role in technology development, and emerging technologies have an undeniable role in advancement of human societies and technological governance in the present age. There is a gap in the results of researches about explaining the role of emerging technologies in reaching the level of developed countries and the role of standardization in commercializing and maturing emerging technologies. In this research, by using library studies, after a comprehensive review of past researches, it is attempted to define standardization and emerging technologies topics and then explain the role of standardization in the development, commercialization and maturation of emerging technologies. The results show that standardization the emerging technologies cause more matching with market demand and therefore the lifecycle of these technologies will mature more rapidly. Finally, with the standardization strategy we can achieve to emerging technologies development and consolidate regional status and technological governance.

**Keywords:** Standardization, Technology Standardization, Emerging Technologies, Technology Development, Innovation, Governance

### مقدمه:

توسعه و حکمرانی فناوری‌های نو ظهور به‌طور پویا و اجتناب‌ناپذیری درهم تنیده شده‌اند. این فناوری‌ها بدون فراهم نمودن آزادی محققان برای نوآوری نمی‌توانند توسعه یابند، اما از طرفی آزادی بیش‌ازحد می‌تواند منجر به فاجعه‌ای شود که فرصت آینده را از بین می‌برد. محافظت ناکافی می‌تواند منجر به خطرات بیش‌ازحد یا ناشناخته در مورد سلامتی انسان و محیط زیست شود و اعتماد عمومی را کاهش دهد؛ اما مقررات بیش‌ازحد نیز می‌تواند توسعه یک فناوری بسیار امیدوارکننده را محدود کند و منافع اجتماعی، بهداشتی، زیست‌محیطی و اقتصادی بالقوه‌ای را از بین ببرد. چالش حکمرانی فناوری‌های نو ظهور، نیاز به طراحی یک محیط نوآوری دارد که هم‌زمان با محافظت از خطرات احتمالی آن، به دنبال مزایای پیش‌بینی شده نوآوری باشد. این چالش با این واقعیت که خطرات یک فناوری را نمی‌توان به‌طور کامل درک کرد تا زمانی که این فناوری بیشتر توسعه یابد، دشوارتر شده است (Marchant, 2013).

پیشنهادات جدید حکمرانی در زیر تهیه شده است که شامل انواع توصیه‌هایی است که در شش زمینه متمرکز شده است:

- (۱) بهبود جمع‌آوری داده‌ها و به اشتراک‌گذاری در مواجهه با منابع محدود؛
  - (۲) رفع شکاف‌های نظارتی تازه ایجادشده یا افشاشده؛
  - (۳) تشویق به نظارت قوی شرکت‌ها فراتر از الزامات نظارتی؛
  - (۴) افزایش تخصص و هماهنگی آژانس؛
  - (۵) فراهم نمودن سازگاری و انعطاف‌پذیری نظارتی؛
  - (۶) فراهم نمودن مشارکت ذینفعان به‌صورت گسترده و متنوع (Marchant, 2013).
- در زمینه رقابت شدید برای فعالیت‌های صنعتی، با ظهور صنایع جدید از طریق علم و فناوری که توسط دولت‌ها به‌عنوان بهترین چشم‌انداز رشد ارائه می‌شود، رابطه بین

استانداردها و نوآوری و به‌طور خاص بین استانداردها و فناوری‌های نوظهور، مورد توجه بسیاری قرار گرفته است (O'Sullivan, 2012).

تعدادی از پژوهشگران موضوع استانداردها و فناوری‌های نوظهور را با تمرکز بر روی عملکردهای مختلف حمایتی استانداردها که می‌توانند برای تقویت رشد فناوری‌های نوظهور عمل کنند، مورد بررسی قرار داده‌اند. موازنه شواهدی که آن‌ها ارائه کرده‌اند، به تأثیر مثبت استانداردها بر روی فناوری‌های نوظهور اشاره دارد. با وجود استانداردهایی که واژگان مشترک و تعاریف توافق شده از اصطلاحات را ایجاد می‌کنند و افزایش اعتماد سرمایه‌گذاران و مصرف‌کنندگان و نیز افزایش سرعتی که شرکت‌ها می‌توانند محصولات خود را به بازار عرضه کنند و در نهایت با کاهش موانع فنی تجارت، آن‌ها می‌توانند یک مزیت رقابتی را فراهم کنند (Van Merkerk, 2006). یک رویکرد فناوری توسط سایر نویسندگان اتخاذ شده است و بسته به مرحله ظهور فناوری، منجر به تفکری جالب از لحاظ درجه‌های مناسب و انواع استانداردسازی شده است (Blind, 2009).

اهداف اصلی در این زمینه شامل استفاده از استانداردسازی به‌منظور حمایت از اجرا و انتشار نتایج نوآوری و تحقیقات، کاهش حجم قوانین و افزایش آگاهی و آموزش درباره استانداردها است. استفاده بیشتر از استانداردها در تهیه خدمات عمومی، به‌ویژه با هدف ارتقای نوآوری نیز مورد تأکید قرار گرفته است. جالب اینجاست که توجه زیادی توسط هر دو دولت آلمان و ایالات متحده به روش‌های کارآمدتر شدن روند توسعه استانداردها صورت گرفته است. در ایالات متحده، یک مطالعه توسط یک آژانس ایالتی انجام شده است تا چگونگی بهبود مشارکت دولت در فعالیت‌های استانداردسازی را کشف کند (NIST, 2011). در آلمان نیز تعدادی از گزارش‌ها به بررسی چگونگی ادغام بهتر جامعه تحقیقاتی در فرآیند توسعه استانداردها و چگونگی توسعه تحقیقات مترجمی می‌پردازند. اقتصادهای استانداردسازی نیز با گزارش‌هایی که تأثیر مثبت استانداردها بر روی رشد اقتصادی را نشان می‌دهد، مورد توجه قرار گرفته‌اند. با این حال، پژوهش‌های دانشگاهی، مقالات سیاستی و اسناد راهبردی موضوعات عمده‌ای را در مورد توسعه استانداردها برای

حمایت از فناوری‌های نوظهور در مراحل اولیه چرخه عمرشان و نیز هم‌ترازی یا هماهنگی فعالیت‌های استاندارد، ناشناخته باقی گذاشته‌اند. علاوه بر این، ادغام بهتر فعالیت‌های تحقیقاتی و استانداردهای سازی فقط با روشی مرحله‌ای مورد بررسی قرار گرفته است. به همین ترتیب، مطالعات بسیار اندکی به شیوه‌های بین‌المللی مرتبط با هم‌افزایی فناوری‌های نوظهور و فرآیندهای توسعه استانداردها پرداخته‌اند (O'Sullivan, 2012).

سرینواسان در سال ۲۰۰۸ م در نتایج خود نشان داده است که فناوری‌های نوظهور نوآوری‌هایی بر مبنای علم می‌باشند که پتانسیل ایجاد صنعت جدید را دارا می‌باشند. فرهنگ لغت کسب‌وکار، فناوری‌های نوظهور را فناوری‌های نوینی معرفی می‌کند که در حال حاضر در حال توسعه هستند یا در طول پنج تا ده سال آینده توسعه داده می‌شوند و در اصل محیط کسب‌وکار و محیط زیست را دستخوش تغییر خواهند کرد (Srinivasan, 2008).

فناوری‌های نوظهور چالش‌ها و فرصت‌هایی را برای راهبردهای ملی فناوری ارائه می‌دهند؛ بنابراین دولت‌ها ممکن است بخواهند افق فناورانه را بر مبنای نظام‌مند رصد کنند. کزنس و همکاران در سال ۲۰۱۰ م در پژوهشی که به عمل آوردند به تشریح رویکردهای کمی موجود برای چنین پایشی پرداختند. از میان انواع مختلف استاندارد، داده‌ها، پیشنهادات و انتشارات کتابشناسی بیشتر از سایر موارد برای این منظور مفید هستند؛ زیرا آن‌ها اطلاعات را در چرخه توسعه فناوری زودتر ثبت می‌کنند. در آخر این پژوهشگران به این نتیجه می‌رسند که تکنیک‌های کتابشناسی ظرفیت قابل توجهی برای استفاده در سامانه‌های نظارتی دارند، اما محدودیت‌های بسیاری نیز در این عرصه وجود دارد. در حال حاضر، نظارت ملی بر روی فناوری‌های نوظهور وجود دارد؛ بنابراین این امر هنوز هم باید به ترکیبی از تجزیه و تحلیل کمی همراه با دانش متخصصان فنی بستگی داشته باشد (Cozzens, 2010).

اسلیوان و ددین در سال ۲۰۱۲ م در نتایج پژوهش خود به بررسی برخی رویکردهای بین‌المللی به منظور حمایت از توسعه استانداردها برای فناوری‌های نوظهور با اهمیت ملی

پرداختند. به طور خاص، آن‌ها در این پژوهش رویکردهای مختلف برای توسعه استانداردها در نظام ملی نوآوری ایالات متحده و آلمان را مورد بررسی قرار دادند. این مطالعه توجه ویژه‌ای به نقش‌ها، شیوه‌ها و الگوهای مقرر شده مختلف سازمان‌های توسعه استانداردها، در مراحل اولیه چرخه عمر یک فناوری جدید دارد. این پژوهشگران سعی کرده‌اند عواملی که ممکن است برای توسعه استانداردهای «الگوهای تجاری» پیامدهایی داشته باشند را برجسته نمایند (O'Sullivan, 2012).

کخ در سال ۲۰۱۷ م پژوهشی ارائه نمود که هدف آن کمک به درک بهتر نقشی است که استانداردها در سیستم چندبعدی نوآوری ایفا می‌کنند. در این پژوهش مسیرهای نوآوری در ساخت مواد افزودنی به روشی منظم و جامع، با تمرکز بر فعالیت‌های استانداردسازی و با توجه به مواردی چون هماهنگی، ذینفعان درگیر، زمان‌بندی و انواع استانداردهای توسعه یافته تجزیه و تحلیل می‌شود. با توجه به چهارچوب‌های مختلف استانداردسازی و نوآوری، اکوسیستم نوآوری ساخت مواد افزودنی و پیوندهای مربوط به استانداردسازی به طور سامانمند مورد ارزیابی و تحلیل قرار می‌گیرد. تجزیه و تحلیل فعالیت‌های استانداردسازی شامل عناصر فناوری که باید استاندارد شوند، دلایل نیاز به استانداردها و درنهایت زمان‌بندی و ترتیب و همچنین ذینفعان درگیر می‌باشد. با قرار دادن استانداردسازی در چارچوب نظام نوآوری چندبعدی ساخت مواد افزودنی، این تحقیق نشان می‌دهد که استانداردها می‌توانند از انتشار یک فناوری نوظهور پشتیبانی کنند (Koch, 2017).

مطالعه موردی از این دیدگاه حمایت می‌کند که استانداردها نقش مهمی در انتشار فناوری‌های نوظهور دارند و انواع مختلفی از استانداردها در مراحل مختلف نوآوری عملکردهای مختلفی دارند (Blind, 2009)؛ بنابراین در این پژوهش با بهره‌گیری از مطالعات کتابخانه‌ای و در غالب یک مطالعه مروری به بررسی ساخت مواد افزودنی به عنوان مطالعه موردی می‌پردازیم تا درک مطلب و نتیجه‌گیری بهتری ارائه بنماییم (لازم به ذکر است که این مطالعه موردی بر اساس تحقیقات انجام شده در کشورهای آلمان و

ایالات متحده صورت گرفته است). به عبارتی دیگر، در این پژوهش سعی بر آن است تا با مروری بر مطالعات صورت گرفته پس از تبیین مفاهیم استانداردسازی و فناوری‌های نوظهور، به این سؤال پاسخگو باشیم که نقش استانداردسازی در توسعه و تجاری‌سازی فناوری‌های نوظهور چیست؟

### ادبیات موضوع:

فناوری‌های نوظهور به فناوری‌هایی گفته می‌شود که تاکنون به‌طور کامل تجاری نشده باشند یعنی در مراحل اولیه چرخه عمر خود باشند ولی در طول چند سال آینده تجاری می‌شوند و پیش‌بینی می‌شود در آینده استفاده از آن‌ها به‌طور فزاینده‌ای توسعه یابد. صنایع جدیدی توسط این فناوری‌ها ایجاد می‌شود و شاید صنایع موجود را از رده خارج نمایند و به‌منظور ایجاد تحول در نهادها و جامعه از توانایی لازم برخوردارند. ماهیت بسیار وسیع این فناوری‌ها، تعامل نزدیک و زیاد آن‌ها با علوم و فناوری‌های موجود و تأثیرات بالای اقتصادی و اجتماعی آن‌ها، برنامه‌ریزی بلندمدت، چندبخشی و رویکرد سیستمی را برای سیاست‌گذاری می‌طلبد و این امر در اکثر کشورهای فعال در این حوزه نیز مورد تأکید قرار گرفته است (انصاری، ۱۳۸۸).

حکمرانی فناورانه، برخلاف باورها، به معنای جدی نبودن خطرهای فناوری و مدیریت دقیق آن نیست. عدم رسیدگی مناسب به خطرات فناوری می‌تواند تأثیرات مضر قابل توجهی بر سلامتی انسان و محیط‌زیست داشته باشد و می‌تواند توسعه فناوری در آینده را محدود کند. پرداختن به خطرات احتمالی در مراحل اولیه و شفاف برای موفقیت طولانی‌مدت فناوری‌های نوظهور بسیار مهم است (Marchant, 2013).

نوآوری به کاربردهای نوین علم، مهارت‌ها و روش‌هایی که می‌توانند موجب بهبود محصولات و فرآیندها شده و در نتیجه تقاضاهای مشتریان و نیازهای بازار را مرتفع سازند، اشاره دارد. نوآوری باعث می‌شود تا تولیدکنندگان توانمند شده و ارزش‌های مورد انتظار برآورده شوند و همچنین چابکی و انعطاف‌پذیری را بهبود دهند. در نتیجه، تولیدکنندگان

قادر می‌شوند به سرعت به تغییرات محیطی پاسخ داده و از پویایی‌های بازار بهره‌مند شوند. این امر در بحث رقابت‌پذیری تولیدکنندگان یکی از اصول بنیادی می‌باشد (Jiang, 2017). توسعه فناوری یک فرآیند توسعه مرتبط با زمینه‌های اجتماعی و فناوری است که تحت تأثیر عوامل فناورانه می‌باشد. دو نوع اصلی از توسعه فناوری وجود دارد:

تدریجی، بدون تغییر قاعده (کلی) و پایه فنی، توسعه تدریجی به بهبود مستمر عملکرد فنی اشاره دارد. نوآوری در فناوری به‌عنوان رایج‌ترین کاربرد عملکرد فنی در نظر گرفته می‌شود.

بنیادگرایی، توسعه بنیادگرایی، با انجام تغییرات اساسی در قاعده (کلی) فنی، محصولات فناوری را تغییر خواهد داد. علاوه بر این هنگامی که قاعده (کلی) فنی دچار تغییر اساسی شود، می‌توان آن را به‌عنوان یک انقلاب فناوری در نظر گرفت. فناوری بالغ تنها با توسعه تدریجی به دست می‌آید. در عین حال، نوآوری در فناوری مبتنی بر فناوری بالغ است؛ بنابراین تحقق نوآوری در فناوری بدون توسعه تدریجی غیر ممکن است. بر اساس چرخه عمر صنعت، سه مرحله برای توسعه فناوری در نظر گرفته می‌شود: تشکیل، رشد و بلوغ. با توجه به منحنی روند توسعه فناوری (نشان داده شده در اشکال زیر)، توسعه فناوری در مراحل مختلف توسعه دارای ویژگی‌های متفاوتی است (Jiang, 2017).

استانداردسازی یک تلاش حساب‌شده توسط یک سازمان به‌منظور توسعه، تصویب و اجرای استانداردها در میان سهامداران است (Gao, 2014). استانداردسازی را می‌توان توسط سازمان توسعه استانداردها، مانند انجمن مهندسان مکانیک آمریکا که استانداردهای اجزای مکانیکی و دستگاه‌ها را نظارت می‌کند، اجرایی کرد. همچنین استانداردسازی را می‌توان توسط شرکت‌های خصوصی که به دنبال یک استاندارد برای محصولات یا فرآیندهای خود و نیز نوآوری‌های مرتبط با آن هستند نیز اجرایی کرد. این امر را «اقدامات استانداردسازی» می‌نامند. به‌عنوان مثال، گوگل سامانه عامل اندروید را برای دستگاه‌های مخابراتی تلفن همراه توسعه داده است و از طرفی مشاوره‌های مدیریت و حسابداری در



طول زمان موجب توسعه برنامه‌های کاری و روش‌های استاندارد مورد استفاده در صنعت خود شدند (Wrighta, 2012).

### شرح مقاله و روش تحقیق:

سامانه‌های نوآوری و استانداردسازی ملی می‌توانند در پیکربندی و فرهنگ، در مقیاس و دامنه فعالیت‌های ذینفعان و در کیفیت و ماهیت ارتباط متقابل آن‌ها، تفاوت‌های چشمگیری داشته باشند. این تغییرات منعکس‌کننده نقاط قوت صنعتی خاص ملی، سیر تحول تاریخی آژانس‌های تأمین مالی ملی، جوامع حرفه‌ای و مؤسسات توسعه فناوری است (O'Sullivan, 2012).

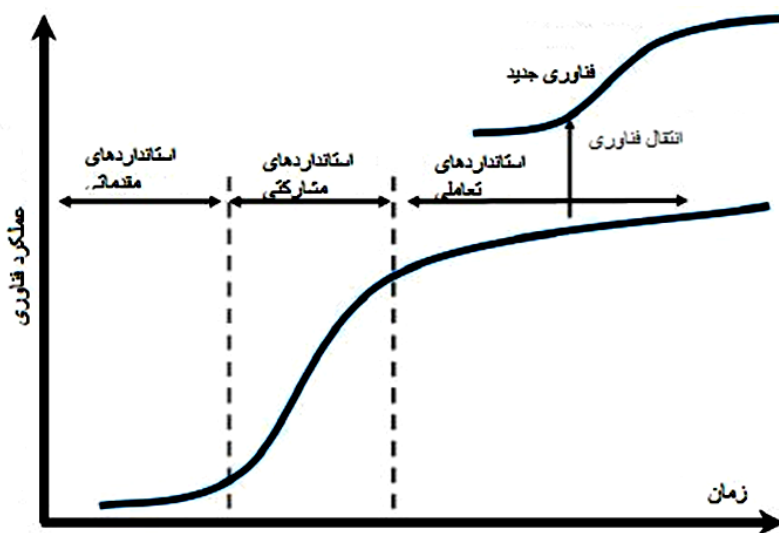
ایجاد نظام استانداردسازی کالا، خدمات و اطلاعات یکی از پیوندهای فنی و ابزار روان‌سازی اطلاعات در زنجیره تأمین می‌باشد. استانداردسازی جریان اطلاعات در سطوح مختلفی از درون‌سازمانی گرفته تا سطح بین‌المللی امکان‌پذیر می‌باشد. همچنین در این رابطه، تعدادی از پرکاربردترین روش‌های استانداردسازی بین‌المللی نیز توسعه داده شده‌اند (اژدری، ۱۳۷۰).

در قرن اخیر حفظ یک جایگاه راهبردی بین‌المللی به معنی بهره‌مندی از قابلیت فناورانه صنعتی کافی برای ایجاد یک مزیت رقابتی در بازار و نیز داشتن بازوی نظامی می‌باشد؛ به عبارت دیگر، در این قرن جایگاه راهبردی یک کشور به ترکیبی از نفوذ اقتصادی و نظامی بستگی دارد که این دو مورد خود به توسعه فناورانه و ظرفیت نوآوری وابسته می‌باشند. پژوهش‌های انجام شده نشان می‌دهند مشارکت در استانداردسازی نقش غیر قابل جایگزینی در توسعه فناوری دارد و درک درستی از مفاهیم، رویکردها و تکنیک‌های استانداردسازی فناوری قادر است توسعه فناوری را تسریع نماید (Li, 2018).

با توجه به این موارد لازم است تا صنایع دفاعی و شرکت‌ها راهکارهای پایدار به‌منظور مداخله در نوآوری محصولات و فناوری‌ها را در نظر بگیرند تا قادر باشند همواره در رأس رقابت قرار گرفته و سهم بیشتری از مزیت رقابتی را به خود اختصاص دهند. تلاش در

جهت ارائه فناوری نوظهور و محصولات دارای نوآوری یکی از محرک‌های صنایع می‌باشد تا با معرفی این محصولات جدید از مزیت رقابتی حاصل از ارائه محصول برای اولین بار بهره‌مند شوند. تمامی این امور موجب می‌شوند تا صنایع با وارد کردن علم و فناوری نوین خود در استانداردسازی، موجب ارتقای سطح آن شوند (Jiang, 2018).

طبق شکل ۳-۱ یک رابطه زمان‌بندی میان استانداردها و چرخه عمر یک فناوری وجود دارد و استانداردهای موفق استانداردهایی هستند که نیازهای کاربران فناوری را در مراحل مختلف این چرخه عمر برآورده سازند؛ بنابراین می‌توان در مورد سطح آمادگی استانداردها بحث کرد و این مطلب را در نظر گرفت که درجه‌های مختلف استاندارد در نقاط مختلف تحول فناوری بهینه هستند (Sherif, 2001).



شکل ۳-۱ زمان‌بندی استانداردها در رابطه با چرخه عمر فناوری (Sherif, 2001)

اگرچه پیش‌بینی ظهور فناوری‌ها دشوار است، اما اخیراً داده‌های بزرگ و تحلیل‌شده‌ای یافت شده است که برای ردیابی فناوری‌هایی با اثرات تحول‌بالقوه مورد استفاده قرار می‌گیرند. پژوهش در زمینه فناوری‌های نوظهور و پیشرفته اخیر می‌تواند موجب آگاهی از سیاست و راهبرد شود و فرصت‌های جدیدی را برای توسعه اجتماعی و اقتصادی آشکار

کند. در این راستا، فرصت های ایجاد شده توسط فناوری های نوظهور و جدید، فراوان است. فناوری ها چه نوظهور و چه در حال ظهور، در مراحل اولیه چرخه عمرشان با برنامه های بررسی شده، اثبات شده و نیز آگاهی ایجاد شده در بازار، فرصت های بیشتری را برای توسعه پایدار شکل می دهند (Huggins, 2009).

گشوده شدن بازارهای کاملاً جدید، کاهش فعالانه موانع تجاری و تسهیل انطباق با تولیدکنندگان محصولات مکمل از طریق استانداردها سازی رسمی میسر می شود. این عامل به دسترسی به بازار محصولات یا کشورهای خاصی مرتبط است. از طرفی استانداردها به سازگاری با سایر محصولات و اجزا کمک می کنند که در فناوری های پیشرفته و نوظهور بسیار مهم است و از طرف دیگر، استانداردها می توانند موجب کاهش موانع تجارت در بازارهای بین المللی شوند (Blind, 2016).

خصوصیاتی که نوآوری های نوظهور و چشم انداز استانداردها سازی را در ایالات متحده از هم متمایز می کنند عبارت اند از:

رهبری بخش غیر متمرکز، متنوع و خصوصی (ماهیت) سازمان های توسعه استانداردهای مرتبط با فناوری؛

نقش اصلی تشکیل و اعتباربخشی مؤسسه استاندارد ملی آمریکا؛

نقش هماهنگی مؤسسه ملی استاندارد و فناوری.

فعالیت های آژانس مأموریت فدرال مربوط به توسعه استانداردهای فناوری نوظهور، به ویژه وزارت انرژی و دفاع.

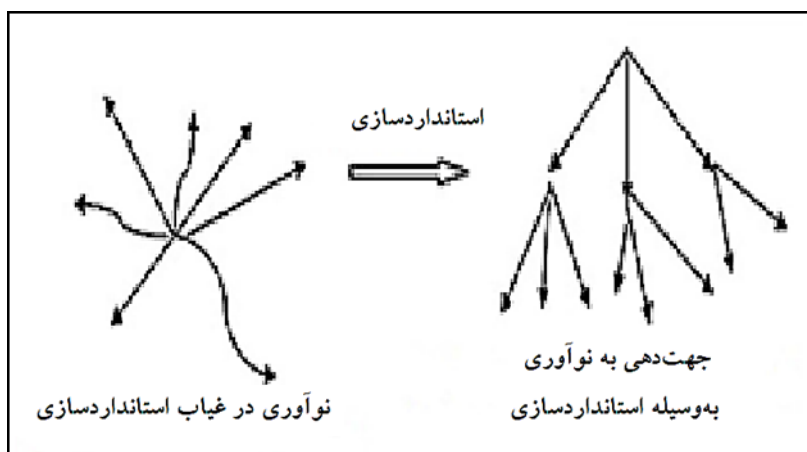
برخی از ویژگی های سطح بالا که به تعریف نظام توسعه استانداردهای فناوری های نوظهور آلمان کمک می کنند عبارت اند از:

نقش دولت مرکزی: وزارت اقتصاد و فناوری فدرال نقش اساسی در تأمین بودجه توسعه استانداردها و ابتکار عمل برای پیوند این فعالیت ها با تحقیق و توسعه (تأمین شده از بودجه فدرال) ایفا می کند.

تأکید بر رقابت‌پذیری تولید آلمان: در گفتمان سیاسی آلمان بر توسعه فناوری نوظهور (و استانداردسازی) و حمایت از رقابت‌پذیری شرکت‌های آلمانی که در بخش‌های مربوطه صنعتی فعالیت دارند، تأکید شده است.

نقش جوامع حرفه‌ای: مؤسسه استاندارد آلمان با جوامع حرفه‌ای آلمان همکاری نزدیکی دارد. برجسته‌ترین انجمن‌های مهندسی پیشرو، انجمن فناوری‌های برقی، الکترونیکی و اطلاعات و انجمن مهندسان آلمانی هستند (O'Sullivan, 2012).

طبق شکل ۳-۲ نظریه درخت استاندارد به منظور نمایش اثر استانداردسازی بر روی نوآوری در فناوری و توسعه فناوری، توسط سوان پیشنهاد شده است. همان‌گونه که در شکل نیز نشان داده شده است، در این نظریه شاخه‌های اصلی درخت را نوآوری‌های کارآمد و مطابق با تقاضای بازار (که توسط بازار پذیرفته می‌شوند) تشکیل می‌دهند. این دسته از نوآوری‌ها تعیین‌کننده سمت و سوی توسعه و نوآوری‌های آینده صنعت می‌باشند و به صورت زیرشاخه‌ها رشد و توسعه می‌یابند. در طرف مقابل نوآوری‌های ناکارآمد که به شکل شاخه‌های فرعی درخت نمایش داده می‌شوند، در همان‌جا پایان یافته و بیش از این رشد و توسعه نمی‌یابند (Judson, 1976).

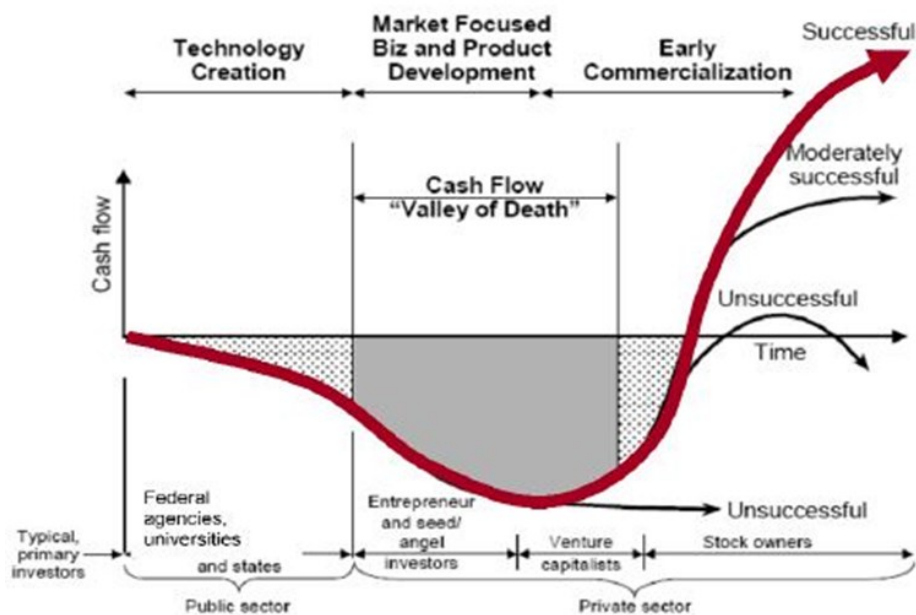


شکل ۳-۲- تأثیر استانداردسازی بر روی نوآوری (Belleflamme, 2002).

با وجود اینکه فرصت‌های یک فناوری نوظهور تقریباً بی‌حد و حصر به نظر می‌رسند، ولی اگر یک فناوری به شکلی مطمئن و با حفظ اعتماد عمومی ایجاد نشود، این فرصت‌ها حاصل نمی‌شوند. برای درک پیشرفت و توسعه فناوری در حال ظهور، تجزیه و تحلیل نمونه‌هایی از فناوری‌های مختلف در مراحل مختلف بلوغ فناوری و تجارت، با تمرکز ویژه در فناوری زیستی، فناوری نانو و زیست‌شناسی مصنوعی انجام می‌پذیرد. بررسی این طیف از توسعه فناوری، بینشی در مورد چگونگی مدیریت فناوری‌های نوظهور به‌طور عادی ارائه می‌دهد تا هم‌زمان با مقابله در برابر خطرات احتمالی، از مزایای بالقوه به‌طور هم‌زمان بهره‌برد (Marchant, 2013).

با توجه با اینکه با مشارکت صنایع در فرآیندهای استانداردسازی در سطح بین‌المللی و در کنار آن تعهد به استانداردهای ملی موجب می‌شود تا برخی از مقررات و استانداردهای سطح ملی به سطح بین‌الملل راه یابند، میزان متعهد بودن صنایع به استانداردهای ملی امری بسیار مهم و مورد تأکید می‌باشد. در نتیجه هر چه میزان فعالیت صادراتی صنایع افزایش یابد، انگیزه بیشتری برای مشارکت در فعالیتهای استانداردسازی در سطح ملی از خود نشان می‌دهند (Blind, 2006).

همان‌گونه که در شکل ۳-۳ مشاهده می‌شود و از منظر سرمایه‌گذاری، ظهور یک فناوری جدید مراحل مختلفی را طی می‌کند، از پایگاه تحقیقاتی عمومی به بازارهای کاربردی مستقر. کمبود بودجه، اثر آشنا «دره مرگ»، می‌تواند بین تحقیقات اساسی و عملیات تجاری رخ دهد. ابعاد مختلف مربوط به درک نقش استانداردها در فناوری‌های نوظهور طی روند «دره مرگ» اتفاق می‌افتد.



شکل ۳۳ فناوری‌های نوظهور و نمودار دره مرگ (Murphy, 2003)

### فناوری‌های ساخت افزودنی:

ساخت مواد افزودنی اصطلاح جمعی برای آن دسته از فناوری‌ها است که با اضافه کردن لایه‌های پی‌درپی از مواد در پیکربندی‌ها بر اساس داده‌های الگو دیجیتال، تولید اشیاء سه‌بعدی را امکان‌پذیر می‌سازند. این فناوری نه تنها امکان تولید مستقیم اشکال بسیار پیچیده و بدون نیاز به پردازش و هزینه اضافی را فراهم می‌کند، بلکه ضایعات بسیار کمی به جا می‌گذارد و فرصت‌ها و آزادی گسترده‌ای را نیز برای طراحان ایجاد می‌کند (O'Sullivan, 2012).

از زمان معرفی فناوری ساخت مواد افزودنی برای اولین بار در دهه ۱۹۸۰ م، این فناوری پیشرفت چشمگیری داشته است. از آن زمان، فروش جهانی محصولات و خدمات در سال ۲۰۱۵ م به ۵/۱۷ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۵ م در مقایسه با ۲۹۱ میلیون دلار در سال ۱۹۹۵ م افزایش یافته است (EFI, 2015). پیش‌بینی می‌شود فروش تا سال ۲۰۲۱ م به

۲۱ میلیارد دلار برسد. این توسعه از طریق تحقیقات گسترده ای امکان پذیر شده است و منجر به فرآیندها و برنامه های بهبود یافته و نوآورانه و کاهش هزینه ها در طول زمان می شود. با شروع به عنوان یک فناوری نمونه سازی سریع، ساخت مواد افزودنی به سمت برنامه های تولید مستقیم دیجیتال در زمینه هایی مانند هوا فضا، خودرو، زیست پزشکی و بسیاری از موارد دیگر، تکامل یافته است. اخیراً چاپگرهای سه بعدی راه خود را به خانه مصرف کنندگان نهایی رسانده اند (Rayna, 2016). اگرچه نظرات در مورد ظرفیت مختل کننده ساخت افزودنی متفاوت است، ولی این فناوری نقش مهمی در تولید صنعتی ایفا می کند و در زمینه تولید هوشمند به شدت مورد بحث قرار می گیرد (Acatech, 2016). در ضمن با گرایش به سمت سفارشی سازی انبوه و دیجیتالی شدن رو به رشد فرآیندهای صنعتی، ساخت افزودنی می تواند در تولید انعطاف پذیرتر و بدون ضررهای عمده مالی سهم به سزایی داشته باشد. علی رغم این چشم اندازها و پیشرفت های شگرف کنونی، ساخت افزودنی هنوز در مراحل اولیه بلوغ خود است و هنوز به طور گسترده ای مورد استفاده قرار نمی گیرد. یکی از موانعی که غالباً در این مورد بیان می شود، عدم وجود استاندارد در این زمینه است (Fornea, 2015).

ساخت مواد افزودنی فناوری مهمی را برای تحول دیجیتالی اقتصاد فراهم می کند. به عنوان یک فناوری نوظهور، طی سه دهه گذشته در مورد این فناوری شاهد پیشرفت چشمگیری بوده ایم. با این وجود، این فناوری با وجود موانع مختلف برای پذیرش گسترده فاصله دارد. یکی از مهم ترین چالش ها در این زمینه عدم وجود استانداردها است. نقش اساسی استانداردها سازی برای نوآوری به شکل کلی به رسمیت شناخته می شود. با این وجود، این موضوع اغلب در عملیات راهبردی نقشه برداری برای فناوری های نوظهور مورد غفلت واقع شده است. در مورد پویایی پیچیده و روابط متقابل استانداردها سازی و نوآوری اطلاعات بسیار کمی شناخته شده است. همچنین پیش بینی نیازهای استانداردها سازی و اجرای به موقع و کارآمد استانداردها چالش برانگیز است (Koch, 2017).

### ساخت مواد افزودنی، خود را از سایر فناوری‌های نوظهور از لحاظ:

(الف) تأثیر آن بر تعدد بخش‌ها، از هوافضا و خودرو گرفته تا ابزارآلات ماشینی و دستگاه‌های پزشکی متمایز می‌کند؛

(ب) تعدد رویکردهای فنی با ظرفیت اجرای نهایی روند، از چاپ سه‌بعدی، لیتوگرافی استریو و رسوب انتخابی لیزر گرفته تا الگوسازی رسوب ذوب شده.

فناوری‌های ساخت افزودنی هنوز در مراحل اولیه ظهور هستند، با این حال بسیاری از ماشین‌ها هنوز هم بسیار حساس بوده و نیاز به کالیبراسیون دقیق دارند. با وجود پتانسیل فوق‌العاده و ارزش اثبات‌شده فناوری‌های ساخت افزودنی موجود، هنوز هم بسیاری از عدم قطعیت‌ها باقی می‌مانند؛ که این امر بدان معناست که فناوری‌های ساخت افزودنی هنوز به‌طور گسترده مورد قبول واقع نشده‌اند. به‌گونه‌ای که بسیاری از کاربران ساخت افزودنی همچنان به‌جای تولید واقعی از ماشین‌های خود برای نمونه‌سازی استفاده می‌کنند (O'Sullivan, 2012). با این وجود، اعتقاد قابل توجهی در بین جامعه توسعه ساخت افزودنی وجود دارد که استانداردهای رویکردهای ساخت افزودنی (از جمله روش‌های آزمایشی و غیره) به سمت فرآیندهای «معتبر» هدایت می‌شوند که موجب ظهور کامل فناوری‌های جدید تولید بسیار مهم و بسیار مختل‌کننده می‌شود. مشاهدات اصلی در مورد تدوین استانداردهای ساخت مواد افزودنی تا به امروز شامل موارد زیر است (O'Sullivan, 2012):

نقش مهمی که توسط انجمن‌های حرفه‌ای (جامعه مهندسان مکانیک) ایفا می‌شود؛

ارزش تمرینات نقشه‌برداری؛

تأثیر اشخاص اصلی و کلیدی تحقیق و توسعه در هدایت فرآیند توسعه استانداردها؛

پتانسیل کنفرانس‌های فنی (با مشارکت صنعت و دانشگاه) به‌منظور فراهم کردن زمینه‌ای

برای مشارکت جامعه ذینفعان گسترده‌تر در برنامه توسعه استاندارد؛

اهمیت یک فرآیند فراگیر بین‌المللی و فناورانه برای نهاد توسعه استاندارد.



فرآیندهای ساخت افزودنی اغلب برخلاف رویکردهای سنتی برای تولید قطعات تعریف می‌شوند. فرآیندهای متعارف به‌طور معمول از نظر ماهیت «کمرنگ» هستند (به‌عنوان مثال ماشین‌کاری، حفاری، سنگ‌زنی و غیره) یا «سازنده» (به‌عنوان مثال ریخته‌گری، پرس و غیره). رویکردهای ساخت مواد افزودنی به‌طور کلی هزینه کمتری را از نظر مصرف انرژی و تولید پسماندهای مواد متحمل می‌شوند. برنامه‌های ساخت افزودنی در دسته‌های گسترده زیر قرار می‌گیرند:

نمونه‌سازی سریع، ابزار سریع، ساخت سریع. اصطلاح ساخت افزودنی شامل رویکردهای فناوری زیر است (O'Sullivan, 2012):

پالایش انتخابی لیزر قطعات را با استفاده از لیزرهای پر قدرت تولید می‌کند تا لایه‌هایی از ذرات کوچک (از پودر پلاستیک، فلز، سرامیک یا شیشه) را فیوز کند.

ذوب پرتو الکترونی، با ذوب لایه‌های پی در پی از پودرهای فلزی با پرتوهای الکترون در شرایط خلأ بالا، اشیاء سه‌بعدی را ایجاد می‌کند.

الگوسازی رسوب ذوب شده، با اکستروود کردن دانه‌های کوچک مواد ترموپلاستیک از نازل، قطعات را تولید می‌کند تا لایه‌های سریع سخت‌شونده را فرم‌دهی کند.

استریولیتوگرافی که اغلب به آن «دستگاه لیتوگرافی استریو» گفته می‌شود. شامل ساخت اشیاء سه‌بعدی از فوتوپلیمرهای مایع است که با استفاده از لیزرهای ماوراء بنفش انجام می‌شود.

ساخت اشیاء چندلایه با چسباندن پی در پی لایه‌هایی از روکش‌های چسب (کاغذ، پلاستیک یا فلز) که به‌صورت برش خورده‌اند، قطعات سه‌بعدی را تولید می‌کند.

جوهر افشان اشیاء سه‌بعدی را با حرکت قطرات کوچک جوهر بر روی بستریایی تشکیل می‌دهد که به‌محض رسوب شدن با حرارت دادن، واکنش شیمیایی و یا اشعه ماوراء بنفش جامد می‌شوند.

تا سال ۲۰۰۸ م، با وجود رشد هر دو صنعت (ارزش کل تخمین زده‌شده در کل بازارها ۱/۲ میلیارد دلار آمریکا) و افزایش توافق بر اینکه استانداردسازی رویکردهای ساخت مواد

افزودنی به تصدیق فرآیندها، بهبود شرایط برای سرمایه‌گذاری بیشتر و پذیرش صنعت کمک می‌کند، هنوز کمیته‌های معیارهای فنی اختصاصی در نهادهای صنعت یا سازمان‌های توسعه استاندارد وجود ندارد. علاوه بر این، این نگرانی در حال افزایش است که برخی از استانداردهای موجود (در حال تکامل در فناوری‌ها، فرآیندها یا بخش‌های خاص) یا قابل استفاده جهانی نیستند و یا به‌طور بالقوه محدودکننده می‌باشند. فعالیت‌های مؤسسه استانداردسازی آلمان مربوط به فناوری‌های ساخت افزودنی یک موضوع مهم در زمینه فناوری‌های نوظهور در مؤسسه استانداردسازی آلمان و کمیته استانداردهای فناوری مواد آن می‌باشد (O'Sullivan, 2012).

به نظر می‌رسد شواهدی وجود دارد مبنی بر اینکه فعالیت‌های وزارت دفاع محرک مهمی در توسعه استانداردهای ساخت مواد افزودنی در ایالات متحده بوده است. وزارت دفاع سرمایه‌گذاری‌های قابل توجهی را در فناوری‌های نوظهور با ظرفیت پیشبرد اثربخشی محصولات و خدمات حامی جنگنده‌های ایالات متحده (و سیستم لجستیکی نظامی مرتبط) انجام می‌دهد. با توجه به تأثیر بالقوه ساخت مواد افزودنی به تولید سریع قطعات در هوا و فضا و سایر کاربردهای نظامی، وزارت دفاع سرمایه‌گذاری‌های قابل توجهی را در توسعه فناوری‌های مرتبط با ساخت مواد افزودنی انجام می‌دهد. با توجه به ضرورت بهبود عملکرد و قابلیت اطمینان در میدان جنگ، وزارت دفاع خواهان فناوری‌هایی با قابلیت استفاده تکرارپذیر است. استانداردسازی می‌تواند نقش مهمی در پرداختن به این نگرانی‌ها داشته باشد. محققانی که پروژه‌های تحقیق و توسعه فناوری وزارت دفاع را دنبال می‌کنند، غالباً قصد خود را برای پرداختن و یا ایجاد استانداردها ذکر می‌کنند تا این اطمینان را برای قابلیت اطمینان و تکرارپذیری خروجی‌هایشان تقویت کنند (O'Sullivan, 2012).

### تجزیه و تحلیل:

در این بخش «پایان مشاهدات نهایی»، مباحث و روابط مهم میان استانداردسازی و زنجیره تأمین فناوری‌های نوظهور را که بر روی اقتصاد جهانی و کشورها تأثیرگذار بوده و

موجب پیشرفت ناگهانی کشورهای در حال توسعه می‌شوند را به دست آورده و مطرح می‌کنیم.

در همین راستا، فناوری‌های نوظهور به فناوری‌هایی گفته می‌شود که به مرحله تجاری‌سازی نرسیده‌اند و با کاربردی شدن فاصله دارند. در واقع این فناوری‌ها در لبه‌های دانش بوده و با عدم قطعیت‌هایی همراه هستند، به همین دلیل قبول این فناوری‌ها دشوار می‌باشد. ولی استانداردسازی این فناوری‌ها موجب می‌شود تا این خطرپذیری و عدم قطعیت‌ها کاهش یابند.

پیاده‌سازی نظام استانداردسازی موجب می‌شود تا در زنجیره تأمین یکپارچگی اطلاعاتی ایجاد شود. این یکپارچگی اطلاعاتی عوامل تأثیرگذار بر مراحل مختلف زنجیره را تحت تأثیر قرار داده و موجب بهبود عملکرد زنجیره می‌شود. میزان این بهبود در معیارها و ویژگی‌های عملکردی هر مرحله از زنجیره، با گزینش معیارهای الگو فرآیندی الگو مرجع عملیات زنجیره تأمین و با مقایسه عملکرد در قبل و بعد از پیاده‌سازی نظام استانداردسازی، اندازه‌گیری می‌شود.

در بین بسیاری از ذینفعان نظام نوآوری در ایالات متحده و آلمان باور فزاینده‌ای وجود دارد که می‌توانند نقش مهمی را در پشتیبانی از ظهور فناوری‌های جدید ایفا کنند. علاقه دولت به تضمین یک نظام استاندارد ملی مؤثر برای حمایت از رقابت اقتصادی و رشد در صنایع مبتنی بر فناوری در حال افزایش است. همچنین یک علاقه سیاسی مرتبط با درک بهتر نقش‌های مناسب دولت (و آژانس‌های فدرال) در استانداردسازی وجود دارد و این مسئله حائز اهمیت است که اطمینان حاصل شود ارزش سرمایه‌گذاری‌های بخش ملی در تحقیق و توسعه فناوری به دست می‌آید. همچنین آگاهی مبنی بر اینکه هیچ استاندارد برای اندازه‌گیری استاندارد فناوری‌های نوظهور وجود ندارد، رو به افزایش است. فناوری‌های مختلف نیازهای استانداردسازی متفاوتی دارند که شامل ترکیبات مختلف ذینفعان در مراحل مختلف فناوری و چرخه عمر صنعت می‌باشد؛ بنابراین داشتن فرآیندهایی که ترکیبی مناسب از ذینفعان برای حمایت از آگاهی، هم تراز و ایجاد اجماع

در فازهای مختلف و درست ظهور باشد، بسیار مهم است. در این زمینه، تلاش‌های زیادی به‌منظور یافتن راه‌های مناسب برای درگیر کردن پایگاه تحقیقاتی بخش عمومی در استانداردسازی و در مراحل اولیه چرخه عمر فناوری نوظهور (با هدف دستیابی به مزیت رقابتی اولیه برای شرکت‌های ملی در صنایع با ارزش نوظهور) انجام می‌شود. این مضامین با جزئیات بیشتر در زیر بحث شده است.

### **اهمیت استاندارد برای پشتیبانی از فناوری‌های نوظهور:**

در بین بسیاری از ارگان‌های صنعتی ایالات متحده و آلمان، آژانس‌های نوآوری و تنظیم‌کننده‌ها درباره تأثیر احتمالی استانداردها بر نوآوری، بهره‌وری و رشد در حوزه‌های مهم فناوری در حال ظهور، به رسمیت شناخته شده است (Comon, 2010).

### **تعامل دولت و محیط سیاسی حمایتی:**

با تکیه بر افزایش علاقه بخش سیاست در فناوری‌های نوظهور به‌عنوان منبع صنایع آینده، رقابت اقتصادی، رشد و اشتغال، نقش استانداردسازی در حمایت از این دستور کار نیز مورد توجه دولت‌ها قرار گرفته است.

• علاقه سیاست برای اطمینان از عملکرد نظام‌های استانداردسازی برای فناوری‌های نوظهور؛

علاقه سیاسی به نقش (های) آژانس‌های دولتی در توسعه استانداردها؛

استانداردسازی و تخصیص مؤثر سرمایه‌گذاری تحقیق و توسعه فناوری عمومی.

### **استانداردهای متفاوت برای مراحل مختلف ظهور فناوری:**

به نظر می‌رسد که اجماع قابل توجهی وجود دارد که عدم وجود استانداردها در مراحل مهم در چرخه عمر یک فناوری نوظهور می‌تواند به‌طور بالقوه منجر به ناکارآمدی اقتصادی شود (Tassey, 2000).

### روش‌های مختلف استانداردهای سازی برای فناوری‌های مختلف:

طیف وسیعی از عوامل مؤثر بر مسیرهای مختلف ظهور فناوری جدید و نیازهای توسعه استانداردهای در حال تحول نیاز است. این عوامل عبارت‌اند از: تعدد سهامداران، زیرساخت‌های اجتماعی، درجه تنظیم، پیچیدگی نظام کاربرد، تعدد رویکردهای فناوری رقیب، تعدد دامنه‌های برنامه و درنهایت علاقه و سرمایه‌گذاری آژانس‌های مأموریت فدرال (به‌عنوان مثال وزارت دفاع، انرژی و غیره).

### تشویق جامعه ذینفعان فناوری نوظهور - ایجاد آگاهی:

استانداردها تنها یکی از جنبه‌های برنامه‌های پیچیده توسعه فناوری‌های نوظهور هستند. در نتیجه، در تلاش‌هایی که باعث ایجاد آگاهی در بین کلیه بازیگران نظام نوآوری، صنعتی، فنی، نظارتی و دولتی می‌شوند، در مورد موضوعات استانداردهای سازی، فرصت‌ها و چالش‌ها می‌توانند ارزش چشمگیری داشته باشند. این روند با بهره‌برداری کامل از طیف وسیعی از ابتکارات و فعالیت‌ها قابل ارتقا می‌باشد.

### چارچوب‌های سیاست راهبردی - هم‌ترازی و هماهنگی ذینفعان:

کارشناسان به اهمیت چارچوب‌های توسعه راهبرد (و تمرین‌های مرتبط، به‌عنوان مثال نقشه‌برداری فناوری) در حمایت از جوامع توسعه فناوری‌های نوظهور همراه با همبستگی نیازها، اولویت‌ها و رویکردها برای توسعه استانداردها اشاره کرده‌اند.

### تحقیقات عمومی و توسعه فناوری:

سرمایه‌گذاری‌ها در زمینه توسعه فناوری‌های نوظهور و شیوه‌های تهیه و تأمین برخی از سازمان‌های دولتی بین‌المللی محرک بالقوه (و منابع غیر مستقیم بودجه) برای توسعه استانداردها می‌باشند.

اتصال پایگاه تحقیق ملی به نظام استانداردهای سازی؛ محققان بخش دولتی می‌توانند در توسعه استانداردها برای فناوری‌های نوظهور، هم در اولین مراحل بلوغ فناوری و هم بعداً در چرخه عمر صنعتی، سهم به‌سزایی داشته باشند.

### نتیجه‌گیری و پیشنهادات:

استانداردسازی نقش قابل توجهی در جهت‌دهی به فعالیت‌های تحقیق و توسعه فناوری دارد و موجب شکل‌گیری نوآوری‌ها و فناوری‌های نوظهور در جهت نیاز بازار و در نتیجه حکمرانی فناورانه می‌گردد.

استانداردسازی در توسعه فناوری و دستیابی به حکمرانی صنعتی که منجر به رشد اقتصادی می‌گردد تأثیر قابل توجهی دارد.

استانداردسازی از طریق حمایت از فناوری‌های نوظهور در جهت تجاری‌سازی و رسیدن به بلوغ موجب حکمرانی در فناوری شده و راهبردی در جهت رسیدن به سطح کشورهای توسعه یافته محسوب می‌گردد.

فرآیندهایی که حکمرانی خوب را تشکیل می‌دهند از رهگذر به‌کارگیری فناوری‌های نوظهور امکان عملیاتی و اجرایی شدن دارند که استانداردسازی نقش به‌سزایی در توان بالقوه یک کشور در خلق نوآوری و فناوری‌های نوظهور دارد.

پیشنهاد می‌گردد به‌منظور گسترش پژوهش، با بهره‌گیری از مطالعه‌ای تجربی و بهره‌گیری از تحلیل‌های آماری به چگونگی تأثیرگذاری استانداردسازی در تجاری‌سازی فناوری‌های نوظهور و شناسایی عوامل اثرگذار استانداردسازی پرداخته شود.

پیشنهاد می‌گردد با توجه به تناقض نتایج مطالعات در بررسی نقش استانداردسازی در نوآوری، مطالعه‌ای در جهت شفاف‌سازی این امر صورت پذیرد.

در نهایت پیشنهاد می‌گردد به تبیین نقش استانداردسازی در ارتقای صنعت کشور و رسیدن به سطح کشورهای توسعه یافته پرداخته شود.

#### مراجع:

۱. اژدری، بهنام؛ اختیارزاده، احمد، (۱۳۷۰)، «ایران کد از مفهوم تا عمل»، انتشارات جهاد دانشگاهی صنعتی.
۲. انصاری، رضا؛ طباطبایی، سید حبیب‌الله، (۱۳۸۸) «چالش‌های اساسی سیاست‌گذاری فناوری‌های نوظهور در ایران؛ نانو تکنولوژی به‌عنوان مثال»، فصلنامه تخصصی پارک‌ها و مراکز رشد، شماره ۲۲.

3. Marchant, G. E., Abbot, K. W., & Allenby, B. (Eds). (2013). *Innovative governance models for emerging technologies*. Edward Elgar Publishing.
4. O’Sullivan, E., Dodin, L.B. (2012). *Role of Standardisation in support of Emerging Technologies Institute for Manufacturing University of Cambridge 17 Charles Babbage Road Cambridge CB3 0FS United-Kingdom*.
5. Van Merkerk R.O. and Robinson D.K.R. (2006). Characterizing the emergence of a technological field: expectations, agendas and networks in Lab-on-a-chip technologies. *Technology Analysis and strategic management* 18: 411-428.
6. Blind K. and Gauch S. (2009). Research and standardisation in nanotechnology: evidence from Germany. *Journal of Technology Transfer* 34 (3): 320-342.
7. NIST (2011). *Summary of the responses to Request for Information on Federal Agency Participation in Standardisation Activities in Select Technology Areas*.
8. DIN (2010). *The German Standardisation Strategy: an update – Focus on the Future*.
9. Srinivasan, R., and Ramachandran, K. (2008) “Synthesis and thermal diffusion of nanostructured porous GaAs”, *Cryst. Res. Technol.* 43, No. 9, 953 – 958 / DOI 10.1002/crat.200811134.
10. Cozzens, S., Gatchair, S., Kang, J., Kim, K.S., Lee, H.J., Ordóñez, G. and Porter, A. (2010) *Emerging technologies: quantitative identification and measurement*, *Technology Analysis & Strategic Management*, 22:3, 361-376, DOI: 10.1080/09537321003647396.
11. Koch, C. (2017). *Standardization in emerging technologies: The case of additive manufacturing*. In 2017 ITU Kaleidoscope: Challenges for a Data-Driven Society (ITU K) (pp. 1-8). IEEE.
12. Blind, K. and S. Gauch. (2009). Research and standardisation in nanotechnology: evidence from Germany. *The Journal of Technology Transfer*, 34(3): p. 320-342.
13. Jiang, H., Zhao, S., Zhang, S., Xu, X. (2017) “The adaptive mechanism between technology standardization and technology development: An empirical study”, *Technological Forecasting & Social Change*, [https:// doi.org/ 10.1016/j. tech fore. 2017.11.015](https://doi.org/10.1016/j.techfore.2017.11.015).
14. Gao, P., Yu, J., Lyytinen, K. (2014) *Government in standardization in the catching-up context: case of China’s mobile system*. *Telecommun Policy* 38, 200–209.
15. Wright, C., Sturdy, A., Wylie, N. (2012) *Management innovation through standardization: consultants as standardizers of organizational practice*. *Res. Policy* 41, 652–662.

16. Li, L.J.T.F., and Change, S. (2018) China's manufacturing locus in : 2025 With a comparison of “Made-in-China 2025” and “Industry 4.0”. 135: p. 66-74.

17. Jiang, H., et al., (2018) Exploring the mechanism of technology standardization and innovation using the solidification theory of binary eutectic alloy. 135: p. 217-228.

18. Sherif, B. (2001). The ambiguity of boundaries in the fieldwork experience: Establishing rapport and negotiating insider/outsider status. *Qualitative inquiry*, 7(4), 436-447.

19. Huggins, R., Johnston, A. (2009) Knowledge networks in an uncompetitive region: SME innovation and growth. *Growth Change* 40(2):227–259.

20. Blind, K., & Mangelsdorf, A. (2016). Motives to standardize: Empirical evidence from Germany. *Technovation*, 48, 13-24.

21. Judson, L. V. (1976) *Weight and Measure Standards of the US: A Brief History*. Special Publication 447 ed. National Bureau of Standards, Gaithersburg, MD.

22. Belleflamme, P.J.E.J.o.p.e. (2002). Coordination on formal vs. de facto standards: a dynamic approach. 18(1): pp. 153-176.

23. Blind, K. J. E. o. I., & Technology, N. (2006). Explanatory factors for participation in formal standardisation processes: Empirical evidence at firm level. 15(2), 157-170.

24. Murphy, L. M., & Edwards, P. L. (2003). *Bridging the valley of death: Transitioning from public to private sector financing*. Golden, CO: National Renewable Energy Laboratory.

25. EFI. (2015). *Gutachten zu Forschung, Innovation und technologischer Leistungsfähigkeit Deutschlands*, Expertenkommission Forschung und Innovation, Editor.

26. Rayna, T. and Striukova, L. (2016) From rapid prototyping to home fabrication: How 3D printing is changing business model innovation. *Technological Forecasting and Social Change*. 102: p. 214-224.

27. Acatech, *Additive Fertigung*, acatech (2016) – Deutsche Akademie der Technikwissenschaften, Editor., Munich. p. 64.

28. Fornea, D., and Van Laere, H. (2015) *Living tomorrow. 3D printing - a tool to empower the European economy - Opinion of the European Economic and Social Committee*, European Economic and Social Committee, Editor.

29. Comon, P., & Jutten, C. (Eds). (2010). *Handbook of Blind Source Separation: Independent component analysis and applications*. Academic press.

30. Tassej, G. (2000). Standardization in technology-based markets. *Research policy*, 29(4-5), 587-602.





**مدیریت جهادی، الگوی حکمرانی  
اسلامی: بررسی نقش انقلاب اسلامی و  
دفاع مقدس در ظهور و شکل‌گیری  
مدیریت جهادی**

حسن گلی‌زاده



## مقدمه:

انقلاب اسلامی ایران برخلاف جنبش‌ها و نهضت‌های پیشین در ایران و منطقه خاورمیانه که در قالب ناسیونالیسم، دموکراسی و مشروطه و یا تأثیرپذیری از انقلاب سوسیالیستی شوروی که آمیخته با هویت غربی یا التقاطی از فرهنگ غرب و شرق بود شکل گرفت، این بار نهاد مرجعیت و روحانیت و به‌طور خاص امام خمینی (ره) با تکیه بر رسالت و مسئولیت خود و بر اسلام ناب و الگوگیری از انقلاب اسلامی به رهبری پیامبر اعظم (ص) و سیره و سنت امیرالمؤمنین (ع) تفسیر و تحلیل جدیدی از اهداف و آرمان‌های اصیل، با تصحیح تفکرات و شیوه‌های گذشته، انقلاب عظیمی را بنا نهاد که منشأ تحولات عمیق و گسترده‌ای در جامعه ایران و سطح منطقه خاورمیانه و جغرافیای جهان اسلام و در گستره جامعه بین‌الملل گردید.

انقلاب اسلامی ایران به‌عنوان یک حادثه مهم، ریشه در تاریخ، تمدن، جغرافیا و اعتقاد جامعه ایرانی دارد و با عبور از جریانات و تحولات و تکیه به اسلام ناب، الگویی بدیع از نظام سیاسی را به بشریت ارائه نمود که با تفسیری نوین از متون دینی و اسلام راستین درصدد ارائه تجربه‌ای نو در پی‌ریزی یک زندگی سیاسی متکی بر فضیلت‌ها، آرمان‌ها و ارزش‌های دینی است. بدیهی است که به موازات تشکیلات سیاسی پیش‌گفته نمی‌توان ساخت مدیریتی، فرهنگی، اقتصادی، اداری و نظامی را دگرگون نمود. از سوی دیگر نفوذ انقلاب در تمام تشکیلات و روابط، نابودی ارزش‌های رژیم طاغوت و خلق ارزش‌های نوین اسلامی باعث ایجاد توقع به حق مردم برای تبدیل روابط ارتجاعی و پوسیده گذشته به روابطی با ضوابط و ساختی انقلابی گردید. این امر ایجاب می‌کرد هرچه سریع‌تر، تغییراتی در تشکیلات مدیریتی، فرهنگی، اقتصادی و اداری و نظامی مملکت ایجاد شود و تأسیس نهادهای انقلابی برای حل این تناقض بود؛ بنابراین شناخت زمینه ظهور و شکل‌گیری مدیریت جهادی در بستر انقلاب اسلامی و دفاع مقدس نیازمند تبیین و توضیح است.

با پیروزی انقلاب اسلامی نیازهای جدیدی برای جامعه به وجود آمد. کمک به افراد مستضعف، خواسته عمومی برای آبادانی کشور در روستاها و شهرها و تقاضا برای رفع تبعیض و فساد و افزایش درآمد و اشتغال و دفاع از انقلاب اسلامی و کشور در مقابل ضد انقلاب و متجاوزین به مرزها و رسیدگی به خانواده شهدای انقلاب باعث ایجاد نهادهای جدید مانند جهاد سازندگی، کمیته امداد امام خمینی (ره)، بنیاد شهید، بسیج مستضعفان، سپاه پاسداران و ... در کشور گردید.

جریان انقلاب اسلامی و رویدادهای پس از آن یعنی دفاع مقدس، به شکل‌گیری نوعی رفتار، فرهنگ و سبک مدیریت سازمانی منجر شد که بعدها به‌عنوان کار و مدیریت جهادی تعبیر گردید. بدیهی است که بی‌توجهی به جوهره اصلی و عامل حیاتی اندیشه جهادی، باعث انحراف یا سوء برداشت از آن می‌گردد.

اگر ما توانستیم در حوزه نظری به معرفی این الگو موفق مدیریتی در بستر انقلاب اسلامی و دفاع مقدس پردازیم؛ آن وقت است که در حوزه عملی نیز ایجاب می‌نماید تا با شناخت مؤلفه‌های انقلاب اسلامی و دفاع مقدس به تقویت این مؤلفه‌ها در بستر کشور و جامعه همت گمارده و نتیجه آن نیز تقویت و تحکیم الگو مدیریت جهادی در تمام سطوح فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و نظامی صورت گیرد. ما زمانی می‌توانیم به تثبیت و تحکیم مدیریت جهادی پردازیم که؛ نقش انقلاب اسلامی و دفاع مقدس را در ایجاد و تقویت الگو اثرگذار مدیریت جهادی تبیین نماییم. چراکه اگر مؤلفه‌های انقلاب اسلامی و دفاع مقدس را ندانیم، نمی‌توان به تقویت الگو مدیریت جهادی که همزاد انقلاب اسلامی و دفاع مقدس در ایران است، پرداخت و نیز باید بدانیم به میزان بالا رفتن شناخت و تقویت گفتمان انقلاب اسلامی، اهدافمان نسبت به تثبیت و گسترش فرهنگ جهادی، حرکت‌های جهادی، تبیین و ترویج سبک مدیریت جهادی محقق خواهد شد. ما به میزان شناختمان نسبت به زوایای انقلاب اسلامی و دفاع مقدس می‌توانیم ظهور مدیریت جهادی و مدیران جهادی را در عرصه‌های مختلف، مثلاً جهاد و نهادهای دیگر نظام تبیین کرده و در جامعه امروز گسترش دهیم؛ و درنهایت می‌توان با شناخت ویژگی‌های مدیریت جهادی و مدیران

جهادی آن روز؛ به روند رو به جلوی انقلاب اسلامی کمک نماییم. از این رو هدف از انجام این پژوهش بررسی تأثیر انقلاب اسلامی و دفاع مقدس بر مدیریت جهادی می‌باشد.

### مبانی نظری پژوهش:

انقلاب خود فی‌نفسه یک پدیده اجتماعی است. انقلاب‌ها را با توجه به تغییراتی که می‌آفرینند به انقلاب سیاسی و انقلاب اجتماعی تقسیم کرده‌اند. در انقلاب سیاسی، حداکثر، نوع نظام سیاسی تغییر می‌کند. در این انقلاب‌ها هدف انقلابیون، گاه تنها تغییر حکومتگران است و گاه تغییر میزان قدرت ساخت‌ها یا ایجاد و لغو مقامی در حکومت؛ اما در انقلاب‌های اجتماعی، علاوه بر تغییر حکومت، در ساختارهای رسمی اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی، سیاست خارجی و طبقه حاکم نیز تغییرات اساسی روی می‌دهد. البته حتی در انقلاب سیاسی نیز میزانی از تغییرات در ساخت‌های فوق رخ می‌دهد. بیشتر انقلاب‌های مشهور معاصر مانند انقلاب فرانسه، انقلاب روسیه، انقلاب چین، انقلاب کوبا و انقلاب اسلامی ایران از گروه انقلاب‌های اجتماعی یا بزرگ هستند، اما انقلاب‌هایی مانند انقلاب مشروطه ایران (۱۲۸۵ ه.ش) در گروه انقلاب سیاسی قرار می‌گیرند؛ بنابراین در انقلاب اجتماعی، انقلاب با پیروزی بر حکومت پایان نمی‌یابد و در این شرایط دغدغه انقلابی‌ها اجرای آرمان‌های انقلابی خویش است؛ اما اجرای این آرمان‌ها و تغییرات به برنامه‌ریزی، امکانات مختلف و شرایط مساعد داخلی و بین‌المللی نیاز دارد. به همین دلیل، کسب اهداف انقلابی به زمانی به نسبت طولانی نیازمند است. آنچه همراه با پیروزی انقلاب رخ می‌دهد، ایجاد تغییرات سیاسی داخلی و تغییر در جهت‌گیری‌های سیاست خارجی و اعلام استقلال از قدرت‌های خارجی مسلط است. همچنین، انقلاب، سریعاً جلوه‌های فرهنگ رسمی رژیم پیشین را طرد می‌کند (ملکوئیان، ۱۳۸۷: ۳۷).

مفهوم مدیریت جهادی مولود سازمان جهاد سازندگی در اولین سال پیروزی انقلاب اسلامی است که در سیر تطور جهاد سازندگی با فراز و نشیب‌هایی همراه بوده است که این تجربیات قابل بهره‌برداری برای بازسازی «مدیریت جهادی» در زمان حال است.

مدیریت جهادی یا جهاد سازندگی در سیر تطور خود چهار دوره عمر را تجربه کرده است (پورعزت و قلی‌پور، ۱۳۸۰: ۶۰).

سیر تطور مدیریت جهادی پس از انقلاب اسلامی و به‌طور کلی، تجربه مدیریت و کار جهادی در کشور را می‌توان در قالب چهار موج کلی پیشنهادی زیر مورد بررسی قرار داد:

۱- دوره اول، دوره شکل‌گیری و کارآمدی؛ اگر نمادهای مدیریت جهادی در سال‌های اولیه انقلاب؛ جهاد سازندگی، جهاد دانشگاهی، بسیج مستضعفین و سپاه پاسداران باشند، به‌وضوح دوران اوج کارآمدی این نهادها در عملکردشان در بستر انقلاب اسلامی و دفاع مقدس بروز یافته است. ارائه خدمات گسترده و بی‌وقفه برای بهبود وضعیت رفاهی و آبادانی روستاها، مشارکت در تولید علم و کاربردی‌سازی آن در حوزه نیازهای جامعه، مشارکت مؤثر در تأمین نیازهای عمرانی جبهه‌های جنگ از سوی جهادگران، بسیج عمومی کشور برای حمایت و پشتیبانی از دفاع مقدس و حضور فعال اقشار مختلف در دفاع از کشور و تأمین امنیت و حضور موفق در جنگ نظامی با عراق، بخشی از خدمات ارزشمند این نهادها در این دوره می‌باشد.

۲- دوره دوم، دوره افول؛ شیوع اندیشه‌های وارداتی توسعه کلاسیک در میان مسئولان و تبدیل نهاد جهاد سازندگی به وزارتخانه، افول جهاد دانشگاهی به یک واحد دانشگاهی شبیه بسیاری دانشگاه‌های دیگر، حرکت به سمت ایجاد سازمان رزم مشابه ارتش‌های کلاسیک در بسیج و سپاه، توسعه نگاه منبع محوری و ایجاد فرآیندهای بوروکراتیک در این مجموعه‌ها، باعث افول روحیه جهادی، کاهش ابتکار عمل، نوآوری و قابلیت‌های کار تیمی در این نهادها گردید.

۳- دوره سوم، دوره فراموشی و انقطاع؛ اوج غلبه تفکر وارداتی که در واقع با ادغام دو وزارتخانه جهاد سازندگی و کشاورزی و ایجاد وزارتخانه جهاد کشاورزی، پایانی بر دوره تفکر جهادی محسوب می‌شود. تفکر و تجربه‌ای که به دلیل هم‌جواری و ادغام با یک سیستم بوروکراسی سنتی، دیگر چیزی از آن برجای نمانده بود.

۴- دوره چهارم، دوره نوزایی و بازخوانی؛ توجه مجدد به شعارهای انقلاب در دهه هشتاد؛ طرح شعار عدالت و توجه به محرومین و نیز ضرورت دستیابی به پیشرفت با الگوی اسلامی ایرانی برای تحقق تمدن نوین اسلامی باعث شد تا کار و روحیه جهادی دوباره مورد بازخوانی قرار گیرد؛ اما در این دوره، جهاد در همه عرصه‌ها بازتعریف شد و جهاد اقتصادی، جهاد علمی، جهاد فرهنگی و ... مورد توجه و تبیین قرار گرفتند. احیای گفتمان جهاد و فرهنگ جهادی در اردوهای راهیان نور و اردوهای جهادی، بازدید رهبر انقلاب از پژوهشگاه رویان در سال ۱۳۸۶ ه.ش و تبیین و تأکید بر جهاد علمی و کار جهادی، نقطه عطفی در این دوران محسوب می‌گردد (لطیفی، ۱۳۹۳، ص ۱۰۳).

بایستی دانست چه عواملی باعث ایجاد این نهادها در ابتدای انقلاب شده است. در نتیجه این عوامل بایستی حفظ شده و دوره چهارم یعنی دوره نوزایی و بازخوانی به دوره تثبیت و تحکیم الگو مدیریت جهادی در نظام اجرایی و مدیریتی کشور تبدیل و در عرصه‌های مختلف اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی در جامعه سوق داده شود؛ بنابراین لازم است نسبت به علل موجد انقلاب اسلامی شناخت پیدا نمود تا بتوانیم در راستای حفظ مدیریت جهادی در محقق شدن اهداف و مراحل انقلاب اسلامی گام‌های مؤثری برداریم.

#### تعاریف متغیرهای پژوهش:

انقلاب اسلامی و دفاع مقدس به‌عنوان متغیر مستقل و مدیریت جهادی به‌عنوان متغیر وابسته شامل یک سری اصول و ارزش‌ها هستند. در فرهنگ معین آمده است که اصل در لغت به معنای ریشه و بن است در برابر فرع که شاخه و بر است. در فرهنگ لغت دهخدا نیز اشاره شده است که اصل چیزی است که اشیای دیگری بر آن بنا شود. اصول را می‌توان قواعد و قوانین جهانی دانست. این اصول درباره رفتار انسان‌اند و روابط بین انسان‌ها را در جامعه هدایت می‌کنند. اصول در واقع قوانین نانوشته‌ای هستند که از همه انسان‌ها انتظار می‌رود از آن‌ها پیروی کنند و کسانی که به آن‌ها احترام نمی‌گذارند توسط اکثریت جامعه مورد مواخذه قرار می‌گیرند.



فرهنگ فارسی معین ارزش را؛

۱- بها، ارز، قیمت؛

۲- قدر و شایستگی می‌داند.

ارزش در اصطلاح دانش جامعه‌شناسی، عقایدی است که افراد یا گروه‌های انسانی درباره آنچه مطلوب، مناسب، خوب یا بد است؛ دارند. ارزش‌های مختلف نمایانگر جنبه‌های اساسی تنوعات در فرهنگ انسانی است. ارزش‌ها به‌طور معمول از عادت و هنجارها نشأت می‌گیرند. به‌طور کلی به اموری که برای اعضای گروه اهمیت دارند و آرمان مشترک اعضای گروه تلقی می‌شوند، ارزش می‌گویند. ارزش‌های یک جامعه به‌طور معمول از هنجارهای آن دفاع می‌نمایند و اجازه بروز و ظهور هنجارهای غیر مطلوب را نمی‌دهند (گیدنز، ۱۳۸۶: ۲۳۸).

معنای لفظی انقلاب یعنی یک دگرگونی فوری، همه‌جانبه با قدرت حذف و تخریب بالا؛ اما معنای اصطلاحی آن با توجه به تعریفی که استاد شهید مطهری ارائه داده‌اند، عبارت است از اینکه مردمی طغیان می‌کنند علیه نظامی و وضعی که بر آن‌ها حاکم است، برای به وجود آوردن یک وضع دیگر و نظم دیگر که مورد آرزوی آن‌ها و آرمان و ایده‌آل آن‌ها است (مجموعه آثار شهید مطهری، جلد ۲۴، ص: ۶۸).

انقلاب یک پدیده اجتماعی است، این کلمه از نظر لغت به معنای تغییر، تحول و برگشتگی و از نظر سیاسی به معنای اقدام عده‌ای برای براندازی و ایجاد حکومتی جدید است. پیشینه تاریخی این اصطلاح به اخترشناسی برمی‌گردد که به علت اثر بزرگ کپرنیک در نجوم از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این واژه در نجوم به معنای حرکت دورانی منظم و قانون‌مند ستارگان مورد استفاده قرار می‌گرفت، اما برای اولین بار در سده هفدهم (سال ۱۶۶۰ میلادی)؛ به‌صورت یکی از اصطلاحات سیاسی به کار رفته است (عیوضی و هراتی، ۱۳۸۹).

انقلاب به معنای «حرکتی مردمی در جهت تغییر سریع و بنیانی ارزش‌ها و باورهای مسلط، نهادهای سیاسی، ساختارهای اجتماعی، رهبری، روش‌ها و فعالیت‌های حکومتی یک جامعه است که توأم با خشونت باشد» (محمدی، ۱۳۸۱: ۲۵).

آقای عمید زنجانی در تعریف انقلاب اسلامی در دگرگونی ساختار جامعه بر اساس موازین و ارزش‌های اسلامی و عنصر امامت و آگاهی مردم تأکید می‌کند. «انقلاب اسلامی عبارت از دگرگونی بنیادی در ساختار کلی جامعه و نظام سیاسی آن منطبق بر جهان‌بینی و موازین ارزش‌های اسلامی و نظام امامت و بر اساس آگاهی و ایمان مردم و حرکت پیشگام متقیان و صالحان و قیام قهرآمیز توده‌های مردمی است» (عمید زنجانی، ۱۳۶۸: ۲۱).

«انقلاب اسلامی تغییر بنیادین جامعه توسط مردم مسلمان است که بر اساس قوانین اسلامی برای تحقق ارزش‌ها و هنجارهای اسلامی در جامعه پدید می‌آید» (نصری، ۱۳۸۷: ۳۸). در این تعبیر از انقلاب، مردم به دنبال تغییر ارزش‌ها به نفع حاکمیت و تثبیت ارزش‌ها و هنجارهای اسلامی هستند و هدف انقلاب تحقق و استقرار قوانین اسلامی است. مشخصه اصلی و اساسی انقلاب اسلامی ایران این است که یک انقلاب ایدئولوژیک است نه فقط یک انقلاب مادی طبقاتی و یا یک انقلاب لیبرالیستی و آزادی‌خواهانه (مجموعه آثار شهید مطهری، جلد ۲۴، ص: ۶۸).

تعاریف بسیاری از سوی صاحب‌نظران برای مدیریت مطرح شده که تعریف ذیل تعریف جامعی از آن‌ها می‌باشد: «مدیریت عبارت است از دانش و هنر به‌کارگیری منابع سازمانی برای دستیابی به اهداف سازمان به شیوه مطلوب» (محمود مرتضوی و عراقی، ۱۳۸۷).

«مدیریت جهادی» را نیز می‌توان از نوع هنر مدیریت دانست. به دیگر سخن «علم دانستن و هنر توانستن». مدیریت جهادی هنر توانستن و ارائه طرح و ایده جدیدی بود که با ظهور پدیده انقلاب اسلامی در ایران شکل گرفت (دانیالی و موسوی، ۱۳۸۶).

مدیریت جهادی سوای از مدیریت علمی نیست که بر اساس فرمول‌ها و قوانین مطرح در دانش مدیریت پایه‌ریزی شده است. فرق این نوع مدیریت که از ترکیب اضافی (جهادی

یا اسلامی) برخوردار است با مدیریت مطلق، در این است که مبنای آن را «نظام ارزشی اسلام» تشکیل می‌دهد.

مدیریت جهادی یعنی؛ علم و هنر رهبری و کنترل فعالیت‌های دسته‌جمعی، مبتنی بر مبارزه نه فقط در عرصه نظامی بلکه در تمامی عرصه‌های علمی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و ... جهت نیل به اهداف راهبردی و کلان یک نظام و رفع موانعی که در رسیدن به آن وجود دارد.

### پیشینه پژوهش:

ردیف	نام محقق	عنوان و هدف پژوهش	روش پژوهش	نتایج پژوهش
۱	شکری (۱۳۹۲)	اصول حاکم بر مدیریت جهادی	بر اساس روش پژوهش دلفی	اصول حاکم بر مدیریت این نهادها ناشی از دیدگاه‌های انقلاب اسلامی و بنیان‌گذار انقلاب امام خمینی (ره) بود. ولایت محوری، دین‌مداری، ایثارگری، مردمی بودن و مشارکت داوطلبانه، انعطاف‌پذیری و تحول‌گرایی در نظام‌های اداری، ایثارگری و شجاعت در مقابل دشمنان و صبر بر سختی‌ها، همکاری و تعاون از خصوصیات مهم مدیریت بر این نهادها بود. به عبارت دیگر این نهادها متکی بر فرهنگ جهادی تشکیل و مدیریت گردیدند.
۲	لطیفی (۱۳۹۳)	پژوهشی پدیدارشناسانه برای فهم جوهره مدیریت جهادی	این پژوهش با استفاده از روش پدیدارشناسی تفسیری و تحلیل بیانات آیت‌الله	بر اساس یافته‌های این پژوهش، تمایز محوری فعالیت‌های جهادی در قالب ایمان به غیبت، معنادار است و کسب و تقویت آن از طریق تقوا ممکن بوده و درنهایت، ماهیت مدیریت جهادی بر مبنای مبارزه تعریف می‌شود و بر دو رکن اساسی «کوشش فراوان» به

ردیف	نام محقق	عنوان و هدف پژوهش	روش پژوهش	نتایج پژوهش
			خامنه‌ای (مدظله‌العالی)	همراه «مقابله با موانع موجود» در مسیر دستیابی به پیشرفت و تمدن اسلامی قوام یافته است؛ و درک صحیح از ماهیت مدیریت جهادی که مبتنی بر مبارزه است، می‌تواند منجر به شکل‌گیری فرهنگ جهادی با ابعاد مانع استفاده از ظرفیت‌ها، مقابله با مانع‌ها و محدودیت‌ها و نیز ارائه نمونه‌ها و اسوه‌ها گردد.
۳	قائدعلی و مرادپیری (۱۳۹۵)	نحوه مدیریت جهادی	روش تحلیل <i>SWOT</i>	یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد مدیریت جهادی نوعی رهبری مشارکتی است. اعتماد داشتن به نیروهای جهاد، اهمیت دادن و لحاظ کردن نظرات آن‌ها، میدان دادن و تفویض اختیار به جهادگران از ویژگی‌های مدیریت جهادی است. مدیر از انتقاد آن‌ها نمی‌هراسد و پاسخگوی سؤالاتشان می‌باشد. احترام متقابل مدیران و کارکنان در جهاد به چشم می‌خورد و هر یک از نیروهای جهاد تنها از یک رئیس مافوق دستور گرفته و رعایت سلسله‌مراتب و تعیین خطوط اختیار و ارتباط در بین جهادگران وجود دارد.
۴	سپهر (۱۳۹۶)	اصول حاکم بر مدیریت جهادی	روش پدیدارشناسی	سپهر اصول حاکم بر مدیریت جهادی را با بهره‌گیری از معانی و تفاسیر آیات جهادی قرآن کریم و نیز بر اساس بیانات و تعابیر رهبر معظم انقلاب اسلامی، بدین‌گونه بیان دارد:

نتایج پژوهش	روش پژوهش	عنوان و هدف پژوهش	نام محقق	ردیف
۱- اصل مقابله با دشمن ۲- اصل خدمت با نیت الهی (در راه خدا) ۳- اصل ایشار با مال و جان ۴- اصل سخت‌کوشی و تلاش بی‌وقفه ۵- اصل توکل و صبر ۶- اصل نترسیدن از دشمنان و سرزنش‌های مخالفان ۷- اصل عزم، ایستادگی و ثبات قدم اصل رهبری.				
از جمله ویژگی‌ها و شاخص‌ها و عوامل اصلی فرهنگ و تفکر مدیریت جهادی عبارت است از: عشق به ولایت و ولایت‌پذیری و ولایت‌محوری، عشق به خدمت به مردم خصوصاً روستائیان محرومیت‌زدایی و فقرزدایی، تأمین رفاه عمومی، توجه به مسائل فرهنگی و نیازهای فرهنگی مردم و جهادگران، مسئولیت‌پذیری، رعایت شئون اسلامی و دینی، ساده‌زیستی و سلامت، سخت‌کوشی و پرتلاش بودن، رعایت رفتار اسلامی با مردم.	روش پدیدارشناسی	عوامل اصلی فرهنگ و تفکر مدیریت جهادی	زواره (۱۳۹۷)	۵

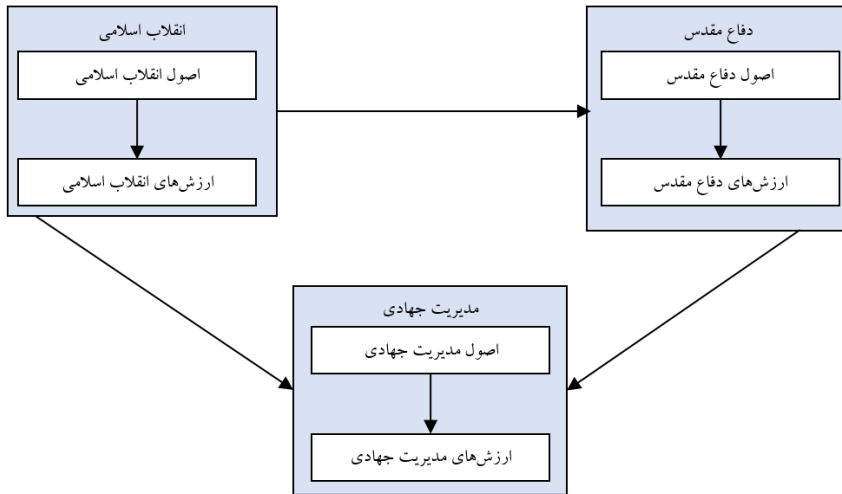
اصول و ارزش‌های انقلاب اسلامی و دفاع مقدس حاکم بر مدیریت جهادی:  
 در این پژوهش اصول و ارزش‌های انقلاب اسلامی، اصول و ارزش‌های دفاع مقدس و اصول و ارزش‌های مدیریت جهادی به شرح زیر دسته‌بندی شده است:

ردیف	عنوان	مؤلفه‌ها	منبع
۱	اصول انقلاب اسلامی	<ul style="list-style-type: none"> <li>• اصل وحدت ملی</li> <li>• اصل ولایت فقیه</li> <li>• اصل عدالت همه‌جانبه</li> <li>• اصل مردم‌سالاری دینی</li> <li>• اصل عدم انفکاک دین و سیاست</li> <li>• اصل استقلال همه‌جانبه</li> <li>• اصل آزادی توأم با مسئولیت</li> <li>• اصل نفی سلطه‌گری و سلطه‌پذیری</li> <li>• اصل مبارزه دائمی با فساد در همه زمینه‌ها</li> <li>• اصل حفظ خطوط اصلی نظام اسلامی</li> </ul>	قانون اساسی
۲	ارزش‌های انقلاب اسلامی	<ul style="list-style-type: none"> <li>• حاکمیت الهی</li> <li>• حمایت از محرومین و مستضعفان</li> <li>• تبعیت از ولایت فقیه</li> <li>• ظلم‌ستیزی و مبارزه با دشمن</li> <li>• مکتبی، اسلامی و دینی</li> <li>• مشروعیت و مقبولیت دینی</li> <li>• عدم وابستگی به غرب و شرق با شعار نه شرقی و نه غربی</li> <li>• تکیه بر اصالت کمال</li> <li>• اتکا به قدرت نرم</li> </ul>	بیانات امام خمینی و امام خامنه‌ای (قاسم آقا، ۱۳۹۱)
	اصول دفاع مقدس	<ul style="list-style-type: none"> <li>• ایمان به خدا</li> <li>• توکل بر خدا</li> <li>• ولایت‌مداری</li> <li>• تکلیف‌گرایی</li> <li>• شوق جهاد</li> <li>• شهادت‌طلبی</li> <li>• ایمان به پیروزی</li> <li>• برادری</li> </ul>	(حسینی تاش، ۱۳۹۵)

ردیف	عنوان	مؤلفه‌ها	منبع
		<ul style="list-style-type: none"> <li>• گذشت و ایثار</li> </ul>	
۳	ارزش‌های دفاع مقدس	<ul style="list-style-type: none"> <li>• شجاعت</li> <li>• فداکاری</li> <li>• رعایت حدود الهی</li> <li>• خستگی ناپذیری</li> <li>• دنیاگریزی</li> <li>• صبر و پایداری</li> <li>• تزکیه و تهذیب</li> <li>• نوع دوستی</li> <li>• عزتمندی</li> <li>• صداقت</li> <li>• اعتماد به نفس</li> </ul>	(اسکندری و جعفری، ۱۳۹۲):
۴	اصول جهادی	<ul style="list-style-type: none"> <li>• خدامحوری</li> <li>• انسان‌مداری</li> <li>• کمال‌جویی</li> <li>• واقع‌نگری اسلامی</li> <li>• حق‌مداری</li> <li>• ولایت‌مداری</li> </ul>	(بابایی طلایه، ۱۳۹۴)
۵	ارزش‌های جهادی	<ul style="list-style-type: none"> <li>• جهت‌دهی الهی، انقلابی</li> <li>• هویت الهی</li> <li>• تعالی در امور</li> <li>• مسئولیت‌پذیری</li> <li>• سبقت در کارها</li> <li>• تقوا در فکر و عمل</li> <li>• قداست آفرینی</li> <li>• جان‌شین‌پروری</li> <li>• مردم پایه بودن</li> <li>• عدالت‌خواهی</li> <li>• لیاقت محوری</li> <li>• دفاع از جسم و جان</li> </ul>	(بابایی طلایه، ۱۳۹۴)

## الگو پژوهش:

با توجه به توضیحات داده شده، الگو پژوهش را می‌توان به شکل زیر ترسیم کرد:



نمودار ۱: الگو مفهومی پژوهش

با بررسی و مطالعات صورت گرفته، پس از وقوع انقلاب اسلامی در ایران ارزش‌های اسلامی - انقلابی از جمله؛ اصل ولایت فقیه، اصل عدالت همه‌جانبه، اصل مردم‌سالاری دینی، اصل استقلال همه‌جانبه به‌دست آمده و در نتیجه اصول حاکم بر انقلاب اسلامی با توجه به ایجاد نظام اسلامی و تدوین قانون اساسی شکل گرفته است. همچنین در دو سال ابتدایی انقلاب و در دوران دفاع مقدس ارزش‌های دیگری از جمله؛ ایثارگری، شجاعت، دنیاگریزی، تکلیف‌گرایی، فروتنی، اعتماد به نفس، آزادگی، مردم‌گرایی، ولایتمداری، غیرت دینی، نظم و انضباط؛ پدید آمده که در پی آن، اصول حاکم بر دفاع مقدس شکل می‌گیرد. با جوشش انقلابی و مردمی اقشار مختلف مردم و با هدف سازندگی مناطق محروم و مستضعف و آبادانی و احیای کشاورزی در کشور و نیز پشتیبانی همه‌جانبه و تأمین امنیت



کشور در دوران دفاع مقدس، سبب تأسیس نهادهای انقلابی در همان سالهای آغازین انقلاب اسلامی گردیده است. با این وجود اصول مدیریت جهادی با وام‌گیری از این اصول و ارزش‌ها از جمله؛ خدامحوری، انسان‌مداری، کمال‌جویی، واقع‌نگری اسلامی، حق‌مداری و ولایتمداری شکل گرفته است.

### روش‌شناسی پژوهش:

این پژوهش از نوع کاربردی و به روش توصیفی تحلیلی انجام شده است. برای گردآوری اطلاعات در هر پژوهش علمی متناسب با ماهیت آن از یک یا چند ابزار استفاده می‌شود. در این پژوهش، اطلاعات نظری مورد نیاز با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و مشاهده اسناد و مدارک به شیوه فیش‌برداری تهیه شده و اطلاعات میدانی از طریق پرسشنامه از صاحب‌نظران در حوزه مطالعات انقلاب اسلامی، دفاع مقدس و مدیریت جهادی جمع‌آوری گردیده و تحلیل شده است.

جامعه آماری شامل ۳۲ نفر از فرماندهان و مدیران انقلاب اسلامی و دوران دفاع مقدس و صاحب‌نظران و خبرگان عرصه فرهنگ و مدیریت جهادی آن دوران می‌باشد که به‌صورت هدفمند انتخاب شده‌اند.

ابزار گردآوری اطلاعات و داده‌های مورد نیاز، پرسشنامه محقق ساخته بوده و جهت روایی‌سنجی از روایی محتوا، روایی همگرا و روایی افتراقی استفاده شده است. پرسشنامه جهت روایی‌سنجی بین صاحب‌نظران و متخصصین (شامل اساتید دانشگاه دفاع ملی، دانشگاه جامع امام حسین (ع)) توزیع و دیدگاه‌های آن‌ها در پرسشنامه اعمال گردید و سپس با استفاده از کمک اساتید خبره مورد بحث و تجزیه و تحلیل قرار گرفت. بدین ترتیب روایی محتوا مورد تأیید قرار گرفت. به‌علاوه، جهت سنجش پایایی از ضریب آلفای کرونباخ و p دیلون-گلدشتاین استفاده شده است. ساختار پرسشنامه به همراه نتایج روایی و پایایی در جدول ۱ آمده است.

جدول ۱- ساختار پرسشنامه

متغیرها	تعداد سوالات	منبع	AVE	FL	CR	CA	R <sup>2</sup>
اصول انقلاب اسلامی	۱۰	قانون اساسی	۰.۳۷۱۷	۰.۶۰۹۷	۰.۸۴۶۰	۰.۷۹۸۹	۰
ارزش‌های انقلاب اسلامی	۹	بیانات امامین انقلاب اسلامی به نقل از قاسم آقا، ۱۳۹۱	۰.۳۷۸۴	۰.۶۱۵۱	۰.۸۲۸۰	۰.۷۶۰۵	۰.۷۰۲۳
اصول دفاع مقدس	۹	حسینی تاش، ۱۳۹۵	۰.۴۷۴۱	۰.۶۸۸۵	۰.۸۶۶۷	۰.۸۱۳۲	۰.۸۳۹۲
ارزش‌های دفاع مقدس	۱۱	اسکندری و جعفری، ۱۳۹۲	۰.۵۳۴۳	۰.۷۳۰۹	۰.۹۲۵۴	۰.۹۰۹۶	۰.۵۹۳۵
اصول مدیریت جهادی	۶	بابایی طلائی، ۱۳۹۴	۰.۳۶۸۰	۰.۶۰۶۶	۰.۷۵۱۹	۰.۷۰۱۰	۰.۵۷۱۲
ارزش‌های مدیریت جهادی	۱۲	بابایی طلائی، ۱۳۹۴	۰.۴۹۸۵	۰.۷۰۶۰	۰.۹۲۱۵	۰.۹۰۵۸	۰.۷۹۱۰

اولین معیار کلیدی که در نرم‌افزار Smart PLS مورد استفاده قرار می‌گیرد، ضریب تعیین (R<sup>2</sup>) است. مقدار ضریب تعیین (R<sup>2</sup>) نشان‌دهنده این است که ارزش‌های انقلاب اسلامی به مقدار ۷۰ درصد اصول انقلاب اسلامی را پیش‌بینی می‌کند که پیش‌بینی مناسبی می‌باشد. اصول دفاع مقدس به مقدار ۸۴ درصد اصول و ارزش‌های انقلاب اسلامی را پیش‌بینی می‌کند که پیش‌بینی بالا می‌باشد. همچنین ارزش‌های دفاع مقدس به مقدار ۶۰

درصد اصول و ارزش‌های انقلاب اسلامی و اصول دفاع مقدس را پیش‌بینی می‌کند. اصول مدیریت جهادی به مقدار ۷۹ درصد اصول و ارزش‌های انقلاب اسلامی را پیش‌بینی می‌کند. همچنین ارزش‌های مدیریت جهادی به مقدار ۵۷ درصد اصول و ارزش‌های انقلاب اسلامی و اصول مدیریت جهادی را پیش‌بینی می‌کند. به‌علاوه جهت ارزیابی الگو از شاخص‌های پایایی معرف آلفای کرونباخ ((CA)، سازگاری درونی از شاخص p دیلون-گلدشتاین یا پایایی مرکب ((CR)، روایی همگرا (AVE) و روایی افتراقی معیار فورنل - لارکر (FL) استفاده شد.

روایی همگرا به این معناست که مجموعه معرف‌ها، سازه اصلی را تبیین می‌کنند. فورنل و لاکر (۱۹۸۱ م) استفاده از متوسط واریانس استخراج‌شده را به‌عنوان معیاری برای اعتبار همگرا پیشنهاد می‌نمایند. حداقل AVE معادل ۰/۳ بیانگر اعتبار همگرای قابل قبول است. به این معنی که یک متغیر پنهان (مکنون) می‌تواند به‌طور متوسط بیش از نیمی از پراکندگی معرف‌هایش را تبیین کند. حداقل مقدار قابل قبول برای پایایی معرف و پایایی مرکب مقدار ۰/۷ می‌باشد. معیار فورنل لارکر جهت سنجش روایی افتراقی می‌باشد. این معیار ریشه دوم شاخص AVE می‌باشد. نتایج روایی همگرا برای متغیرها نشان‌دهنده این است که همه متغیرها دارای روایی همگرای بالاتر از ۰/۳ می‌باشد. نتایج سنجش روایی افتراقی نیز نشان‌دهنده این است که متغیرها دارای روایی افتراقی بالاتر از ۰/۶ است. نتایج پایایی معرف و ترکیبی نیز نشان‌دهنده این است که متغیرهای پژوهش دارای مقدار بالاتر از مقدار ۰/۷ است.

از الگوسازی معادلات ساختاری جهت تحلیل داده‌ها استفاده شده است. برای انجام تجزیه و تحلیل آماری از نرم‌افزار آماری SPSS و الگوسازی Smart PLS استفاده شده است. فرضیه‌های پژوهش عبارت‌اند از:

انقلاب اسلامی بر مدیریت جهادی تأثیر دارد.

دفاع مقدس بر مدیریت جهادی تأثیر دارد.

انقلاب اسلامی بر دفاع مقدس تأثیر دارد.

### یافته‌های پژوهش:

### یافته‌های توصیفی:

پیش از پرداختن به بررسی الگو، لازم است تا در راستای ارائه درک بهتر از جامعه پژوهش، یافته‌های جمعیت‌شناختی افراد نمونه مشخص شود. این یافته‌ها در جدول ۲ آورده شده است.

جدول ۲ - آمار جمعیت‌شناختی افراد نمونه

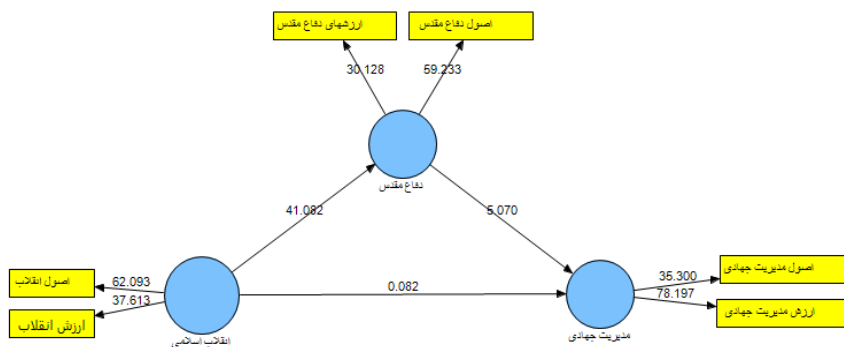
متغیر جمعیت‌شناختی		فراوانی	درصد
سن	۲۰ الی ۳۰ سال	۱	۳.۱
	۳۱ الی ۴۰ سال	۵	۱۵.۶
	۴۱ تا ۵۰ سال	۱۳	۴۱.۹
	بیشتر از ۵۰ سال	۱۲	۳۸.۷
تحصیلات	لیسانس	۱	۳.۱
	فوق لیسانس	۳	۹.۴
	دکتر	۲۸	۸۷.۵
سابقه خدمت	کمتر از ۵ سال	۲	۶.۳
	بین ۵ تا ۱۰ سال	۲	۶.۳
	۱۱ تا ۱۵ سال	۲	۶.۳
	۱۶ تا ۲۰ سال	۲	۶.۳
	بیشتر از ۲۰ سال	۲۴	۷۵

نتایج این آمار نشان‌دهنده وضعیت جامعه آماری است که نشان می‌دهد هم از نظر سابقه کاری و هم از نظر سطح تحصیلات کفایت لازم را برای پاسخ‌دهی به سؤالات داشته‌اند. با توجه به تحلیل‌های صورت گرفته، توزیع فراوانی مؤلفه‌های پژوهش نشان داد که اصول انقلاب اسلامی دارای میانگین  $4/69$  و انحراف معیار  $0/33$  بوده است. ارزش‌های انقلاب اسلامی دارای میانگین  $4/70$  و انحراف معیار  $0/31$  و اصول دفاع مقدس دارای  $4/72$  و انحراف معیار  $0/32$  بوده است. همچنین ارزش‌های دفاع مقدس دارای میانگین  $4/56$  و انحراف معیار  $0/42$  می‌باشد. اصول مدیریت جهادی دارای میانگین  $4/59$  و

انحراف معیار ۰/۳۸، ارزش‌های مدیریت جهادی دارای میانگین ۴/۳۸ و انحراف معیار ۰/۴۷ می‌باشند.

### یافته‌های استنباطی:

جهت بررسی و آزمون فرضیه‌های پژوهش از الگوسازی معادلات ساختاری استفاده شده است.



نمودار ۲: ضرایب معناداری نقش انقلاب اسلامی و دفاع مقدس بر مدیریت جهادی

با توجه به مقدار T که بیشتر از مقدار بحرانی ۱/۹۶ می‌باشد؛ انقلاب اسلامی بر دفاع مقدس تأثیر معناداری دارد. همچنین دفاع مقدس بر مدیریت جهادی تأثیر معناداری دارد. نتایج تحلیل نشان داد که انقلاب اسلامی به دلیل مقدار معناداری کمتر از ۱/۹۶ تأثیر معناداری بر مدیریت جهادی ندارد. نتایج نمودار ۲ مبین مقدار تأثیر هر کدام از مسیرها است. نتایج نمودار بالا را می‌توان در جدول ۳ نشان داد.

جدول ۳- تأثیر دفاع مقدس بر انقلاب اسلامی و مدیریت جهادی

نتیجه	ضریب مسیر	انحراف استاندارد	T	T
تأثیر مثبت	۰.۹۱۰	۰.۰۲۲۲	۴۱.۰۸۲۵	انقلاب اسلامی ← دفاع مقدس
عدم تأثیر	۰.۰۱۴	۰.۱۶۷۹	۰.۰۸۱۷	انقلاب اسلامی ← مدیریت جهادی
تأثیر مثبت	۰.۸۳۱	۰.۱۶۳۸	۵.۰۷۰۰	دفاع مقدس ← مدیریت جهادی

نتایج پژوهش نشان‌دهنده این است که انقلاب اسلامی به مقدار ۹۱ درصد بر دفاع مقدس تأثیر مثبت و معناداری دارد. دفاع مقدس نیز به مقدار ۸۳ درصد بر مدیریت جهادی تأثیر مثبت و معناداری دارد. انقلاب اسلامی به صورت مستقیم بر مدیریت جهادی تأثیرگذار نیست. انقلاب اسلامی به مقدار ۰.۰۱۴ درصد بر مدیریت جهادی تأثیرگذار است. جهت ارزیابی الگو از شاخص‌های ضریب تعیین  $R^2$ ،  $Q^2$  استون - گیسر و نیکویی برازش استفاده شد که معیار  $Q^2$  استون - گیسر جهت بررسی دقت پیش‌بینی استفاده شده است. این معیار معرف تناسب پیش‌بین الگو است. مقدار  $Q^2$  بزرگ‌تر از صفر نشان‌دهنده این است که سازه‌های برون‌زا دارای تناسب پیش‌بین برای سازه درون‌زای تحت بررسی هستند. تننهاوس و همکاران (۲۰۰۵ م) یک شاخصی نیکویی برازش (GOF) به‌عنوان راه‌حل عملیاتی برای اعتبار کل الگو پیشنهاد کردند. معیار GOF به صورت میانگین هندسی  $R^2$  و متوسط اشتراک محاسبه می‌شود.

$$GOF = \sqrt{\text{communality} \times R^2}$$

این شاخص، مجذور ضرب دو مقدار متوسط مقادیر اشتراکی و متوسط ضریب تعیین است. از آنجا که این مقدار به دو شاخص مذکور وابسته است، حدودش بین صفر و یک بوده و هرچه قدر به مقدار یک نزدیک باشد، الگو از برازش خوبی برخوردار است. نتایج این ارزیابی در جدول ۴ نمایان شده است.

جدول ۴

مقدار نیکویی برازش	1- SSE/SSO ( $Q^2$ )	SSE	SSO	مقدار اشتراک	$R^2$	شاخص‌ها
۰.۹۱۴۷	۰.۶۴۹۴	۲۲.۴۳۸۰	۶۴.۰۰۰۰	۰.۷۸۴۴	۰.۸۲۸۲	دفاع مقدس
	۰.۶۲۳۰	۲۴.۱۲۷۴	۶۴.۰۰۰۰	۰.۸۸۹۰	۰.۷۱۰۷	مدیریت جهادی

- ارزیابی الگو تأثیر دفاع مقدس بر مدیریت جهادی

$$\overline{R^2} = \frac{1}{2} (0.8282 + 0.7107) = 0.76945$$

$$\overline{\text{communality}} = \frac{1}{2} (0.7844 + 0.8890) = 0.8367$$

$$\text{GOF} = \sqrt{0.7695 \times 0.8367} = 0.9147$$

مقدار ضریب تعیین برای متغیر دفاع مقدس برابر با ۸۳ درصد و برای مدیریت جهادی ۷۱ درصد است. مقدار تناسب پیش‌بین برای دفاع مقدس ۶۵ درصد و برای مدیریت جهادی ۶۲ درصد است. این مقادیر مبین تناسب بهتری برای متغیرها است. مقدار نیکویی برازش برای الگو ۹۱ درصد است که نشان‌دهنده برازش خوبی از الگو است. SSE. مجموع مربعات خطاهای پیش‌بین و SSO مجموع مربعات مشاهدات برای یک متغیر مکنون می‌باشد.

### نتیجه‌گیری و پیشنهادها:

(ملکی زوارم، ۱۳۸۸) در پژوهشی به این نتیجه رسیده است که مدیریت جهادی غیر از مدیریت علمی نیست که بر اساس فرمول‌ها و قوانین مطرح در دانش مدیریت پایه‌ریزی شده است. فرق این نوع مدیریت با مدیریت مطلق در این است که مبنای آن را نظام ارزشی اسلام می‌سازد. نظام ارزشی اسلام نقش مهمی را در نظریه‌های علمی مدیریت و نیز در شیوه‌های علمی آن ایفا می‌کند از این رو در روش‌های علمی مدیران مسلمان اثر می‌گذارد و به حرکت آن‌ها جهت ارزشی می‌دهد. در مدیریت جهادی، به‌کارگیری مؤثر و کارآمد و سازمان‌دهی نیروی انسانی از طریق علم و هنر و قوانین مدیریت برای نیل به هدف‌های مطلوب در چارچوب نظام ارزشی موجود که همان اسلام ناب محمدی (ص) است، می‌باشد. در مدیریت با عنوان جهادی یا اسلامی، مراقبت و امانت‌داری، تکلیف و ادای وظیفه، خدمتگزاری گسترده و خادم بودن، جنبه‌های هدایت‌های آگاهانه و ارشادات دلسوزانه جلوه‌گری داشته و از اهمیت بیشتری برخوردار بوده و محوریت همه حرکت‌ها به‌سوی تحقق اهداف مورد نظر است.

فیروزآبادی (۱۳۹۰ ه.ش) در نتیجه‌گیری پژوهش خود با نام از جهاد تا جهاد (گفتمان فرهنگ جهادی در انقلاب اسلامی ایران) فرهنگ ایثار و جهادگری، رشد باورهای دینی،

فضایل اخلاقی، معنوی، اخلاص و خودباوری و ... از جمله آموزه‌هایی هستند که در جهاد سازندگی متجلی شده و بر شکل‌گیری و اجرای گفتمان فرهنگ جهادی نقش مؤثری داشته است. این گفتمان فرهنگی در جهاد دفاعی در بسیج نیز تجلی یافت و در فرهنگ سازمانی نهاد انقلابی در سپاه پاسداران به ظهور رسید به عبارت دیگر جهادگران، بسیجیان و پاسداران صبغه فرهنگ جهادی دارند و این مهم برای هیچ‌کسی پوشیده نیست، ولی با تأسف تاکنون بنا به هر دلیلی نقش آموزه‌های فرهنگ جهادی در تمامی جامعه به کمال و یا مطابق با آنچه که زینده ادامه این تلاش‌ها و نیز فرهنگ متعالی انقلاب اسلامی باشد، محقق و نهادینه نشده است.

لطیفی (۱۳۹۳ ه.ش) تبیین می‌کند؛ جریان انقلاب اسلامی و رویدادهای پس از آن (دفاع مقدس)، به شکل‌گیری نوعی رفتار، فرهنگ و سبک مدیریت سازمانی منجر شد که بعدها به‌عنوان کار و مدیریت جهادی تعبیر گردید. بر اساس یافته‌های این پژوهش، گفتمان دفاع مقدس از گفتمان اصلی انقلاب اسلامی ایران انفکاک‌ناپذیر است و بن‌میه‌های گفتمان انقلاب اسلامی، مانند عدالت‌جویی، حق‌طلبی، مبارزه با ظلم و استکبار، زبان مقاومت، دفاع در مقابل تجاوز، نفی ساختار ناعادلانه نظام بین‌الملل، وحدت اسلامی، انقیاد نسبت رهبری دینی و غیره، همه در طول هشت سال دفاع مقدس نیز قابل مشاهده است. نکته حائز اهمیت این است که دوران دفاع مقدس اولاً به این عناصر گفتمانی قوام بخشید و آن‌ها را تقویت کرد و ثانیاً باعث شد که هر چه پررنگ‌تر و مؤثرتر به‌عنوان عناصر هویتی ایران مطرح و باعث ظهور و شکل‌گیری فرهنگ و مدیریت جهادی شده است. به‌نوعی که اکنون جمهوری اسلامی ایران به این عناصر هویتی شناخته می‌شود.

جهت بررسی و آزمون فرضیه‌های پژوهش از الگوسازی معادلات ساختاری استفاده شد. نتایج تحلیل‌ها نشان داد که انقلاب اسلامی به‌صورت مستقیم بر دفاع مقدس تأثیر ندارد؛ در نتیجه فرضیه مزبور رد شد. فرضیه دوم پژوهش عبارت است از اینکه انقلاب اسلامی بر دفاع مقدس تأثیر دارد. نتایج تحلیل‌ها نشان داد که انقلاب اسلامی به مقدار ۹۱ درصد بر دفاع مقدس تأثیرگذار است. فرضیه سوم پژوهش شامل این فرض است که دفاع



مقدس بر مدیریت جهادی تأثیر دارد. نتایج تحلیل‌ها نشان داد که دفاع مقدس به مقدار ۸۳ درصد بر مدیریت جهادی اثر دارد.

### پیشنهاد‌های کاربردی مبتنی بر الگو پژوهش:

نتایج پژوهش نشان داد که مدیریت جهادی مبتنی بر ارزش‌ها و اصول انقلاب اسلامی و دفاع مقدس شکوفا می‌گردد. از این رو پیشنهاد می‌شود سبک مدیریت جهادی گفتمان غالب سبک مدیریت سازمان‌ها گردد. چراکه این همه نارضایتی اجتماعی ناشی از ناکارآمدی‌های مدیریت است. تهدیدها زمانی به نتیجه می‌رسد که ضعفی در داخل کشور وجود داشته باشد، به‌کارگیری سبک مدیریت جهادی باعث توانمندی در کشور خواهد شد.

ابتدا لازم است تجربه گذشته وجود یک سازمان جهادی با عنوان جهاد سازندگی در سال‌های ابتدایی انقلاب اسلامی و در بستر دوران دفاع مقدس، مورد بررسی و واکاوی قرار گیرد تا ضمن پایش عملکرد محیطی این نهاد، پی به شناخت قوت‌ها و ضعف‌های آن ببریم.

جمهوری اسلامی ایران که زاینده ایده انقلاب اسلامی ایران است، نشان داد که دارای معتدل‌ترین کارکرد در تفکر و عمل در جهان اسلام است که در عین حال، توانسته است یک حکومت و ملت را اداره کند. البته این حرف به معنای کامل بودن و بی‌نقص نبودن نیست و هرگز نباید مغرور بود، بلکه باید آسیب‌شناسی کرد و برای بهبود شرایط فعلی و ارتقای آن، برنامه‌ریزی نمود.

مشکل اصلی نظام در دولت‌سازی، مدیریت و دیوان‌سالاری است، از این رو با تکیه بر اصول و ارزش‌های انقلاب اسلامی و دفاع مقدس و مدیریت برآمده از آن‌ها یعنی مدیریت جهادی این مشکل را رفع نمود. همچنین پیشنهاد می‌شود درون کشور هویت انقلاب اسلامی و مدیریت جهادی برای ارتقای وحدت و هالگوی ملی نهادینه گردد. باید تلاش شود تا روایت دفاع مقدس، به‌ویژه برای نسل جوان ایرانی، زنده نگه داشته شود و شهید همت‌ها برای ما اسطوره باشند. شهدا و جانبازانی که نگذاشتند ذره‌ای از خاک ایران در

اختیار دشمن قرار گیرد و با افتخار، برای سرافرازی و وحدت ملی و استقلال ایران مبارزه کردند.

به‌کارگیری شیوه مدیریت جهادی در عرصه فرهنگ مهم‌ترین حرکت رو به جلو جهت مقابله با تهاجم فرهنگی و اقدامات نظام سلطه برای از میان بردن و یا تضعیف بنیان‌های اصیل اسلامی و ارزش‌های معنوی است. مدیریت جهادی مصداق مدیریتی است که در آن، فرهنگ سازمانی در راستای تحقق اهداف سازمان شکل پیدا کرده است و اهداف سازمان نیز در جهت نیازها و ارزش‌های محیطی قرار دارند؛ بنابراین ارزش‌های محیطی به‌عنوان تقویت‌کننده اصلی ارزش‌های سازمانی عمل می‌کنند که آن هم به نوبه خود، مجدداً به تحقق اهداف سازمانی کمک می‌کند. در یک جمله می‌توان عنوان داشت: مدیریت جهادی، مدیریت مبتنی بر فرهنگ جهادی است. یکی از مهم‌ترین و اصلی‌ترین ضرورت‌های تقویت و تحکیم فرهنگ و مدیریت جهادی از میان برداشتن مقابله نظام اداری کشور با سازمان جهادی است که متأسفانه این مهم بنا به دلایل متعدد تاکنون محقق نگردید.

بی‌شک موفقیت این مدیریت در میدان‌ها و عرصه کاری در سایه اعتمادبه‌نفس، ایجاد روابط صمیمانه انسانی، معاشرت و مشاورت، پیشگامی در کارها، دوری از صفات زشت نفسانی همچون خودپسندی و افزون‌خواهی، اخلاص در عمل، دوری از منت نهادن و دوری از جدایی از مردم و دیگر اخلاقیات و شئون مدیریت اسلامی است که در محیط جهادی، در طول دوران عمر جهاد سازندگی و دیگر نهادهای انقلابی، به برکت انقلاب اسلامی، رعایت و به کار گرفته شده و بدین‌سان تلاش‌ها مضاعف و موفقیت‌ها زودتر حاصل شده و پیشرفت و توسعه و رفاه محقق گشته است و در ادامه راه نیز می‌بایست توسط دیگر سالکین این مقصد، مورد توجه قرار گیرد.

با بررسی بیانات حضرت امام خامنه‌ای می‌توان به این نتیجه دست یافت که حیات فرهنگ غنی اسلامی و ملی ایران، برنامه‌ریزی و مهندسی فرهنگی، مدیریت جهادی در عرصه فعالیت‌های فرهنگی با به‌کارگیری افراد متخصص، مؤمن، متعهد و مسئولیت‌پذیر و نظارت بر روند پیشرفت است که هر سه گام مورد تأکید می‌باشند.

### محدودیت‌های پژوهش:

تاکنون در موضوع پژوهش به تعبیر دیگر ارتباط انقلاب اسلامی و دفاع مقدس با مدیریت جهادی و حدود تأثیر آن بر تحقق اهداف انقلاب از جمله تشکیل تمدن نوین اسلامی مطالعات مشخصی صورت نگرفته است و این پژوهش یک تجربه جدید در انجام پژوهش‌های دانشگاهی می‌باشد.

حاکم نبودن یک منطق مشخص بر پژوهش‌های انجام شده و گستردگی موضوع، باعث تولید مجموعه وسیعی از داده‌ها ذیل عنوان مدیریت جهادی شده است. با عنایت به اینکه اصل توجه و پژوهش در حوزه موضوع پژوهش، بسیار ارزشمند بوده و موجبات شناخت راه‌های حفظ، تحکیم و نهادینه نمودن مدیریت جهادی در دوره‌های زمانی آینده می‌باشد. عدم تمایز برخی پژوهشات در تعریف مدیریت اسلامی و مدیریت جهادی یکی دیگر از محدودیت‌های موجود در انجام این پژوهش می‌باشد. به گونه‌ای که در برخی از موارد، جابه‌جایی واژه اسلامی با جهادی، لطمه‌ای به ساختار پژوهش وارد نمی‌کند.

### پیشنهاداتی برای پژوهش‌های آتی:

- ۱- بررسی ابعاد مختلف مدیریت جهادی در کشور (فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و...)
- ۲- بررسی نقش مقام معظم رهبری در مدیریت جهادی؛
- ۳- بررسی نقش بسیج و سپاه در مدیریت جهادی.

### منابع:

۱. اسکندری، جعفری، (۱۳۹۲)، مدیریت دفاعی بر اساس ارزش‌های دوران دفاع مقدس، تهران، انتشارات پژوهشگاه علوم و معارف دفاع مقدس.
۲. امام خامنه‌ای، سید علی، سایت بیانات معظم له، ([www.leader.ir](http://www.leader.ir)).
۳. اصلی‌پور، حسین، (۱۳۹۵)، درآمدی بر نظریه مدیریت جهادی، تهران، مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی.
۴. امام خمینی (ره)، (۱۳۷۰)، صحیفه نور، تهران، وزارت ارشاد اسلامی.

۵. بابایی طلاپه، محمدباقر، (۱۳۹۴)، مدیریت جهادی و چگونگی ارزیابی مدیران جهادی، تهران، مؤسسه انتشارات نبوی.
۶. پورصادق، ناصر؛ ذاکری، زهرا، (۱۳۹۴)، چستی مدیریت جهادی و فرهنگ جهادی، زرین شهر، نشر دهلاویه.
۷. تشویقی، شعبان، (۱۳۸۸)، نقش مدیریت جهادی در ثبات و تأمین امنیت، دومین همایش ملی فرهنگ و مدیریت جهادی.
۸. تقی‌زاده اکبری، علی؛ سنگری، محمدرضا؛ عبداللهی، مهدی، (۱۳۸۷)، عوامل معنوی و فرهنگی دفاع مقدس، جلد اول، تهران، نشر زمزم هدایت.
۹. خارکوهی، غلامرضا، (۱۳۸۷)، برکات هشت سال دفاع مقدس از نگاه امام خمینی (ره)، گرگان، عشق دانش.
۱۰. درودیان، محمد، (۱۳۶۸)، پرسش‌های اساسی جنگ، تهران، مؤسسه مطالعات سیاسی فرهنگی - اندیشه ناب، ص ۶۲.
۱۱. دواس، دی‌ای، (۱۳۸۵)، پیمایش در تحقیقات اجتماعی، ترجمه هوشنگ نایی، تهران، نشر نی.
۱۲. سپهر، محمدحسین، (۱۳۹۳)، مدیریت جهادی، قم، نشر زمزم هدایت.
۱۳. سعیدی شاهرودی، علی، (۱۳۹۰)، بازشناسی انقلاب اسلامی، تهران، نشر دعا.
۱۴. شفیعی‌فر، محمد، (۱۳۷۸)، درآمدی بر مبانی فکری انقلاب اسلامی، قم، نشر نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها.
۱۵. فیروزآبادی، سید حسن، (۱۳۹۰)، از جهاد تا جهاد، تهران، نشر دعا.
۱۶. لغتنامه دهخدا.
۱۷. مشایخی، کریم؛ تاج‌آبادی، رضا؛ شعبانی، سمیه، (۱۳۸۸)، مقایسه تطبیقی سبک مدیریت جهادی با سایر سبک‌های مدیریتی آسیب‌شناسی سازمانی مدیریت جهادی، دومین همایش ملی فرهنگ و مدیریت جهادی، تهران، وزارت جهاد کشاورزی.

۱۸. مطهری، مرتضی، (۱۳۴۱)، مشکل اساسی در سازمان روحانیت، در بخشی درباره مرجعیت و روحانیت، تهران.
۱۹. مطهری، مرتضی، در کتاب بیست گفتار.
۲۰. مقیمی، سیدمحمد، (۱۳۹۰)، مدیریت رفتار سازمانی، تهران، نشر راه دان.
۲۱. ملکی زوارم، حسین، (۱۳۸۸)، مقایسه تطبیقی سبک مدیریت جهادی با سایر سبک‌های مدیریتی، دومین همایش ملی فرهنگ و مدیریت جهادی.
۲۲. مهربانی، امیرحمزه، (۱۳۹۴)، الگو بومی توانمندسازی نیروهای اداری با استفاده از نظام ارزشی اسلام، تهران، نشر مرکز پژوهشات اسلامی مجلس شورای اسلامی، گروه مطالعات اسلام و سیاست.

**اقتصاد مقاومتی، الگوی حکمرانی  
اسلامی: راهکار مدیریت تهدیدها در  
سازمان‌های دفاعی دانش‌بنیان، از  
منظر اندیشه‌های حضرت امام خامنه‌ای  
(مدظله العالی)**

حسن گلی‌زاده



## مقدمه:

در چند سال اخیر و با شدت یافتن تحریم‌های یک‌جانبه و غیر انسانی غرب علیه جمهوری اسلامی ایران با هدف متوقف کردن برنامه‌های صلح‌آمیز هسته‌ای ایران، واژه جدید «اقتصاد مقاومتی» به ادبیات اقتصادی کشور اضافه و به فراخور حال و روز اقتصاد کشورمان مورد بحث قرار گرفته است. این واژه اولین بار در دیدار کارآفرینان با مقام معظم رهبری در شهریور سال ۱۳۸۹ ه.ش مطرح گردید. در همین دیدار، مقام معظم رهبری «اقتصاد مقاومتی» را معنا و مفهومی از کارآفرینی معرفی و برای نیاز اساسی کشور به کارآفرینی نیز دو دلیل «فشار اقتصادی دشمنان» و «آمادگی کشور برای جهش» را معرفی نمودند (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار جمعی از کارآفرینان سراسر کشور، ۱۳۸۹/۶/۱۶).

برای مفهوم اقتصاد مقاومتی در همین مدت‌زمان کم، تعاریف متفاوتی ارائه شده که هر کدام از جنبه‌ای به این موضوع نگاه کرده‌اند. در این میان، تعریف جامع و کامل از اقتصاد مقاومتی را خود رهبر فرزانه انقلاب ارائه داده‌اند. ایشان در دیدار با دانشجویان فرمودند: «اقتصاد مقاومتی یعنی آن اقتصادی که در شرایط فشار، در شرایط تحریم، در شرایط دشمنی‌ها و خصومت‌های شدید می‌تواند تعیین‌کننده رشد و شکوفایی کشور باشد» (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار دانشجویان، ۱۳۹۱/۵/۱۶).

امروزه دانش را به‌عنوان کلید تولید دانش می‌شناسند. بدون شک مسیر توسعه هر کشور از طریق توجه ویژه به منابع دانشی و سرمایه‌های فکری آن کشور هموار می‌گردد. در اسلام نیز به‌طور مکرر به مقوله علم و دانش توجه ویژه شده است و حتی طلب علم و دانش‌آموزی را به‌عنوان یک فریضه بر هر مرد و زن مسلمان قرار داده است. پیامبر گرامی اسلام (ص) نیز بر ضرورت دستیابی به علم و دانش در آن سوی مرزها اشاره نموده‌اند و این بدان معنا است که کسب علم و دانش حد و مرز نمی‌شناسد.

مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) نیز بارها در سخنان خود بر این نکته ظریف انگشت گذاشته و آحاد مردم و مسئولین را متوجه این امر کرده‌اند که برای پیشرفت کشور، حرکت



در مسیر علمی و اکتساب دانش ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. ایشان مقوله اقتصاد مقاومتی و فرآیندهای لازم جهت تحقق سازمان‌های دفاعی دانش‌بنیان را نیز در خلال رهنمودهای خود به‌خوبی تبیین کرده‌اند. در این مقاله تلاش شده تا نقش مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی در سازمان‌های دفاعی دانش‌بنیان از دیدگاه معظم له استخراج و در قالب یک الگو ارائه گردد.

### بیان مسئله:

دانش حساس‌ترین عنصر دوران کنونی و محور اصلی ارتقای قدرت می‌باشد، ابزار قدرتمندی است که پیشگامی و نوآوری‌های برتر را ممکن می‌سازد (رشیدزاده، ۱۳۷۹: ۲۹۱). مزیت‌های ناشی از توجه به دانش، پایدار هستند زیرا هم سود بیشتری عاید سازمان می‌کنند و هم می‌توانند به‌صورت رویه‌ای خاص ادامه یابند.

برخلاف سرمایه‌های مادی که در صورت استفاده از ارزش آن‌ها کاسته می‌شود، ارزش سرمایه دانش همراه با استفاده‌ای که از آن می‌شود افزایش می‌یابد.

در دنیای امروزی، دانش ابزار قدرت و اقتدار است و این ابزار در نظام جمهوری اسلامی ایران هنگامی وصف اقتدار می‌یابد که به‌صورت بومی، درون‌افزا، هم جهت دین و هم دوش فضایل اخلاقی و احساس تعهد همراه شده باشد. از این رو تبیین راهبرد اقتصاد مقاومتی در سازمان‌های دفاعی دانش‌بنیان کشور از دیدگاه فرماندهی کل قوا به‌عنوان فقیه و مرجعی عالی‌قدر و دانشمندی توانا و رهبری بزرگ حائز اهمیتی و ضرورتی مضاعف می‌باشد. از این رو با توجه به اهمیت اقتصاد مقاومتی به‌ویژه در سازمان دانش‌بنیان و دغدغه‌های مقام معظم رهبری این تحقیق به بررسی نقش اقتصاد مقاومتی در برابر مدیریت تهدیدها در سازمان‌های دفاعی دانش‌بنیان از دیدگاه معظم له پرداخته است.

### اهمیت و ضرورت انجام تحقیق:

یکی از دوستان اطلاع دادند که یک استاد دانشجویی برای تحقیق در اقتصاد مقاومتی تشکیل شده. کار بسیار جالبی است. این‌جور کارهای عمیق، همان چیزی است که کشور به آن احتیاج دارد. شما باید فکر کنید، مطالعه کنید، تحقیق کنید. این تحقیق‌ها اگر به درد آن

دستگاه مسئول هم نخورد یا به کار او نیاید یا نپسندد، قطعاً به کار شما می‌آید و به درد شما می‌خورد. این، کار بسیار جالبی است.

همچنین یکی دیگر از دوستان اطلاع دادند که در دانشگاه شریف مرکز مطالعاتی تشکیل شده و در این زمینه‌ها کار می‌کنند. این‌ها بسیار کارهای مهمی است. این انگیزه جوان دانشجو و فکور، خیلی برای آینده کشور مهم است.

البته راه‌حلهایی که گفته شد، بعضی از آن‌ها کاملاً درست است. این را هم من به شما عرض بکنم؛ در همین زمینه مسائل اقتصادی، پاره‌ای از آنچه که پیشنهاد و مطرح شد، ما اطلاع داریم که مد نظر مسئولین هست؛ درباره‌اش کار می‌کنند، تصمیم‌گیری می‌کنند، اقدام می‌کنند؛ منتها همه اقدام‌ها یا به اطلاع نمی‌رسد، یا گفتنی نیست. به هر حال این جور نیست که مسائل اقتصادی در مد نظر آن مسئولین نباشد (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار جمعی از دانشجویان، ۱۳۹۰/۵/۱۹).

راهبرد اقتصاد مقاومتی در سازمان‌های دفاعی دانش‌بنیان از دیدگاه فرماندهی معظم کل قوا از وجوه مختلف دارای اهمیت فراوان است چراکه اولاً در نظام اسلامی فرماندهی کل قوا بر عهده ولایت فقیه می‌باشد که این خود سرمایه‌ای عظیم برای جامعه محسوب می‌گردد. ثانیاً شناخت راهبرد اقتصاد مقاومتی بر اساس دیدگاه‌های معظم له و عمل بر اساس آن باعث تحکیم و توسعه قدرت و اقتدار نظام جمهوری اسلامی ایران و تجلی یافتن دستاوردهای ارزشمند دانشی در کشور می‌گردد. پس با توجه به اهمیت حیاتی اقتصاد مقاومتی به‌ویژه در سازمان‌های دفاعی دانش‌بنیان این تحقیق انجام پذیرفت.

#### هدف تحقیق:

هدف تحقیق بررسی نقش اقتصاد مقاومتی به‌عنوان راهکار مدیریت تهدیدها در سازمان‌های دفاعی دانش‌بنیان در اندیشه‌های حضرت امام خامنه‌ای می‌باشد.

#### سؤال تحقیق:

سؤال اصلی این تحقیق این است که نقش اقتصاد مقاومتی به‌عنوان راهکار مدیریت تهدیدها در سازمان‌های دفاعی دانش‌بنیان در اندیشه‌های حضرت امام خامنه‌ای چیست؟

## مرور ادبیات تحقیق:

در این بخش به منظور روشن شدن بهتر موضوع تحقیق، به مبانی نظری و پایه سازمان‌های دفاعی دانش‌بنیان و اقتصاد مقاومتی پرداخته خواهد شد.

### دانش:

از دیدگاه پالانیسمی دانش عبارت است از قواعد و اصول سازمان‌دهی داده جمع‌آوری شده است تا آن را به اطلاعات تبدیل کنند. مور معتقد است که دانش مخزنی از اطلاعات است که در ذهن انسان ذخیره شده است و در اصل اطلاعاتی را تشکیل می‌دهد که می‌تواند از ذهن انسان «بازیابی» شود بدون اینکه نیازی به مشورت با منابع اطلاعات خارجی باشد. از نظر زینز دانش، اطلاعات درونی شده یا ادراک شده است که می‌تواند برای تصمیم‌گیری مورد استفاده واقع شود (زینز، ۲۰۰۷: ۴۷۹).

### مفهوم مدیریت تهدیدهای سازمان‌های دفاعی دانش‌بنیان:

مقام معظم رهبری در این خصوص می‌فرماید:

در دنیا یک جنگ عظیم و یک چالش بزرگ برپاست، جنگ توپ و تفنگ نیست، اما جنگ اراده‌ها، عزم‌ها، سیاست‌ها و تدبیرها است (بیانات در دیدار با بسیج دانشجویی دانشگاه‌ها، ۱۳۸۶/۲/۳۱).

امروزه نگاه دشمن در تهدید ترکیبی از جنگ سخت و نرم است و با طرح جنگ هوشمند در صدد اثرگذاری بر کشورها به خصوص بر جمهوری اسلامی ایران می‌باشد. پس با توجه به تهدیدات جدید پیش روی سازمان‌ها مفهوم جدیدی به نام دفاع دانش‌بنیان یا دانش‌محور مطرح می‌گردد که دیگر تعداد نیروی انسانی در آن کمتر مطرح بوده و در مقابل با تهدیدات پیشرو در سه زمینه سخت - نرم و هوشمند می‌تواند طرحی جامع و دفاعی همه‌جانبه در مقابل تهدیدات جدید دشمنان باشد. منظور از سازمان دانش‌بنیان، سازمان‌هایی است که بر اساس مفهوم دانش‌بنیان تأسیس و مشغول فعالیت می‌باشند که شامل سازمان‌ها و صنایع دانش‌بنیان می‌باشند.

## مفهوم اقتصاد مقاومتی:

اقتصاد مقاومتی یک نظام اقتصادی است که هماهنگ با سیاست‌های کلان سیاسی و امنیتی نظام اسلامی و برای مقاومت در برابر اقدامات تخریبی شکل بگیرد تا بتواند در برابر ضربات اقتصادی تحریم‌ها و توطئه‌های گوناگون اقتصادی نظام استکبار مقاومت کرده و توسعه و پیشرفت خود را ادامه دهد و روند رو به رشد همه‌جانبه خود را در ابعاد ملی، منطقه‌ای و جهانی حفظ کند. اقتصاد مقاومتی رابطه نزدیکی با انسجام ملی دارد. منظور از اقتصاد مقاومتی واقعی یک اقتصاد مقاومتی فعال و پویا است نه یک اقتصاد منفعل و بسته به‌طوری که کشور ضمن مقاومت در مقابل موانع و ناملایمات مسیر خود، روند پیشرفت پایدار خود را حفظ کند. توجه به راهکارهای ذیل جهت رسیدن به اهداف «اقتصاد مقاومتی» ضروری است:

نقطه شروع اقتصاد مقاومتی، سیاست‌گذاری برای اصلاح الگوی مصرف است. مصرف، تولید را جهت می‌دهد و این دو در کنار هم جهت سرمایه‌گذاری را مشخص می‌کنند. رونق تولید داخلی و کاستن از وارداتی که می‌تواند به افول و کم رونقی و توقف واحدهای تولیدی داخلی منجر شود، استقلال اقتصادی، قطع وابستگی به خارج، ارتقای فناوری در سطح کلان‌تر شکل می‌گیرد البته باید به‌گونه‌ای عمل کرد که اقتصاد مقاومتی به معنای تحمیل فشار به مردم نباشد.

افزایش بهره‌وری در تولید، کاهش قیمت تمام‌شده تولیدات، کیفیت بهتر و خدمات بیشتر در رقابت با تولیدات خارجی و کاهش واردات، حمایت از تولید ملی به‌ویژه تولیدات استراتژیک.

مدیریت و تنظیم واردات برای به حداقل رساندن نیاز کشور به ارز و حمایت از تولیدات داخل هدایت سبیل نقدینگی موجود به سمت اقتصاد مولد و حذف ریشه‌های سوداگری در اقتصاد نظارت بر نحوه توزیع کالاها به‌ویژه کالاهای اساسی و ضروری اتخاذ راهبرد انقباض بودجه و مدیریت هزینه در کشور با اولویت‌گذاری‌ها، کاهش مصرف‌گرایی و به تعویق انداختن پروژه‌های ناتمام با اولویت‌های پایین داشتن بینش و نگرش مثبت به

کسب و کار، ترجیحاً کسب و کارهای مولد نوآورانه جهت بهبود فضای کسب و کار و ایجاد محیط رقابتی با جلب مشارکت‌های مردمی و انحصارزدایی.

کاهش آمار بیکاری و خشکاندن ریشه‌های فقر و آسیب‌های اجتماعی ناشی از بیکاری در جامعه.

فعال‌سازی نظام حمایتی پولی و مالی و بیمه‌ای بخش تولید برای تحرک در اقتصاد داخلی و نیز حمایت از صادرات کالاهای غیر نفتی.

افزایش واردات «دانش فنی»، «خطوط تولید» و «ماشین‌آلات» در ازای کاهش واردات کالاهای مصرفی با توجه به اهمیت این نوع معاملات در عصر اطلاعات هم‌زمان با «تولید علم» و تولید «دانش فنی» و حمایت از «شرکت‌های دانش‌بنیان»

تداوم سیاست‌های مربوط به خودکفایی کالاهای اساسی مانند گندم، روغن، شکر یا حداقل ترتیباتی برای یک «اقتصاد ترکیبی مقاومتی» در این باره و با توجه به فقدان طبیعی استعداد کشور برای خودکفایی کامل، نوع هم‌سازی با دیگر کشورها و قانون‌های اقتصادی دنیا باید در راستای اهداف استراتژیک کشور شکل گیرد.

توجه به معضل تورم و برقراری یک نظام قابل پیش‌بینی و قابل مدیریت در قبال شاخص تورم و تطبیق آن با سطح حقوق و دستمزدها و نیز قیمت ارز در پیشگیری سیاست‌های بهینه در این فرآیند.

تبدیل «تهدیدها» به «فرصت‌ها» در روند تأمین کالاها به این معنا که به‌محض اعمال تحریم در برخی از کالاها، شکل‌دهی به عزم ملی در حوزه فناوری و صنعت و تجارت برای ایجاد «خودکفایی» کامل یا حداقل «خوداتکایی» در تولید و تأمین این اقلام لازمه اقتصاد مقاومتی است. نباید اجازه داد در مورد فشارها و تهدیدهای اقتصادی، بزرگنمایی شود. ضمن آنکه تحریم «کاغذ پاره» نیست و نباید از آن استقبال کرد.

کاهش اتکا به نفت از طریق «کاهش واردات» و «افزایش صادرات غیر نفتی» یا کالاهای راهبردی متکی بر نفت مانند پتروشیمی.

برقراری ارتباطات خاص اقتصادی با برخی از کشورهای دوست، گسترش ارتباطات اقتصادی با کشورها و بلوک‌های منطقه‌ای و متکثر کردن شرکای تجاری از یک شریک عمده به چند شریک کوچک‌تر.

تلاش برای جلوگیری از اجماع در قبال نظام اسلامی در سطح بین‌الملل. باید این مهم با توجه به آسیب‌پذیری‌های اقتصاد جهانی و جاذبه‌های اقتصادی و تجاری ایران و توانایی‌ها شکل‌گرفته در توسعه اقتصادی و فناوری کشور ساماندهی شود.

ایجاد شرکت‌های مشترک یا ایجاد ارتباطات مؤثر شرکت‌ها و مؤسسات ایرانی با برخی از مؤسسات خارجی در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی برای تعامل و تأمین در موارد ضروری در فناوری و تجهیزات فنی و کالا به نحوی که با وجود تلاش استکبار، امکان مداخله و فشار خارجی در این خصوص فراهم نشود، ضمن اینکه ایجاد این‌گونه ارتباطات بین بخش خصوصی کشور با هم‌تایان خارجی آن‌ها مؤثرتر خواهد بود.

تلاش برای جلوگیری از ایجاد اجماع و تحریم بانکی و وجود تحرک برای ارتباطات مؤثر بانکی و بیمه و حمل‌ونقل با استفاده از امکانات خارج از سلطه قدرت‌های مخالف. مراقبت از توانمندی حمل‌ونقل کشور و جلوگیری از ایجاد انسداد و محدودیت توسط استکبار در قبال حمل‌ونقل به‌ویژه حمل‌ونقل دریایی و واکنش مناسب در صورت نزدیک شدن دشمن به این عرصه.

باید بدانیم تحریم‌های کنونی ذیل مواد پانزده‌گانه ماده ۴۱ فصل هفتم منشور ملل متحد انجام می‌شود؛ بنابراین در اقتصاد مقاومتی باید ضمن راهبردنویسی، اقدامات احتمالی آینده در عملی کردن بندهای دیگر ماده پیش‌بینی شود و راهبردها بر اساس بدترین شرایط تحریمی احتمالی چیده شود.

شکل‌گیری روحیه «جهاد اقتصادی»، «تولید ملی» و «حمیت ایرانی». ضمن آنکه برای تقویت اقتصادی ملی «دیپلماسی اقتصاد مقاومتی» نیز لازم است. هدف از این نوع دیپلماسی تبیین دستاوردهای اقتصاد مقاومتی در مقابل فشارهای وارده است. فشارها در مورد کالای مصرفی و شاخص‌های روزمره اقتصادی وارد می‌شود، ولی دستاوردهای

مقاومت کشور، دستاوردهایی استراتژیک و بلندمدت هستند، همچون خودکفایی در فناوری‌ها و فناوری‌های برتر (هسته‌ای) استقلال در سیاست خارجی و ... .  
خودداری از اسراف و ضایع کردن کالاها و ذخیره‌سازی کالاهای اساسی در ابعاد حجیم توسط دولت و انبارک‌های کوچک و هدایت‌شده و هوشمند توسط مردم (مانند کشور سوئیس) حتی در زمان صلح و آرامش جهت تأمین امنیت غذایی مردم.  
برقراری ارتباطات فراوان «متکثر» بین «اقتصاد ملی» و «اقتصاد جهانی» که برای نظام استکبار غیر قابل کنترل است و احتیاط در ارتباطات بزرگ که مورد تهدید واقع شود.  
آمدگی برای انجام اقدامات مقابله به مثل در برخی موارد با توجه به مزیت‌های استراتژیک نظام اسلامی از جهت تسلط بر آبراه‌ها، منابع نفتی، موقعیت ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیک.

این‌ها اهداف کلانی است که باید به آن‌ها دست یافت. دستیابی به این شرایط شدنی است. این یک «مأموریت ممکن» است. نظام اسلامی قادر است با برنامه‌ریزی، تلاش، تدوین استراتژی‌ها و اقدامات لازم، با محوریت اقتصاد مقاومتی، بخش عمده‌ای از تهدیدهای امروزی را نیز به فرصت تبدیل کند.

### الزامات اقتصاد مقاومتی:

مسئله اقتصاد مهم است؛ اقتصاد مقاومتی مهم است. البته اقتصاد مقاومتی الزاماتی دارد. مردمی کردن اقتصاد، جزو الزامات اقتصاد مقاومتی است. این سیاست‌های اصل ۴۴ که اعلام شد، می‌تواند یک تحول به وجود بیاورد؛ این کار باید انجام بگیرد. البته کارهایی انجام گرفته و تلاش‌های بیشتری باید بشود. بخش خصوصی را باید توانمند کرد؛ هم به فعالیت اقتصادی تشویق بشوند، هم نظام بانکی کشور، دستگاه‌های دولتی کشور و دستگاه‌هایی که می‌توانند کمک کنند - مثل قوه مقننه و قوه قضائیه - کمک کنند که مردم وارد میدان اقتصاد شوند.

### کاهش وابستگی به نفت:

کاهش وابستگی به نفت یکی دیگر از الزامات اقتصاد مقاومتی است. این وابستگی، میراث شوم صدساله ماست. ما اگر بتوانیم از همین فرصت که امروز وجود دارد، استفاده کنیم و تلاش کنیم نفت را با فعالیت‌های اقتصادی درآمدزای دیگری جایگزین کنیم، بزرگ‌ترین حرکت مهم را در زمینه اقتصاد انجام داده‌ایم. امروز صنایع دانش‌بنیان از جمله کارهایی است که می‌تواند این خلأ را تا میزان زیادی پر کند. ظرفیت‌های گوناگونی در کشور وجود دارد که می‌تواند این خلأ را پر کند. همت را بر این بگذاریم؛ برویم به سمت اینکه هرچه ممکن است، وابستگی خودمان را کم کنیم (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار کارگزاران نظام، ۱۳۹۱/۵/۳).

### مدیریت مصرف:

مسئله مدیریت مصرف، یکی از ارکان اقتصاد مقاومتی است؛ یعنی مصرف متعادل و پرهیز از اسراف و تبذیر. هم دستگاه‌های دولتی، هم دستگاه‌های غیر دولتی، هم آحاد مردم و خانواده‌ها باید به این مسئله توجه کنند؛ که این واقعاً جهاد است. امروز پرهیز از اسراف و ملاحظه تعادل در مصرف، بلاشک در مقابل دشمن یک حرکت جهادی است؛ انسان می‌تواند ادعا کند که این اجر جهاد فی سبیل‌الله را دارد.

یک بُعد دیگر این مسئله تعادل در مصرف و مدیریت مصرف این است که ما از تولید داخلی استفاده کنیم؛ این را همه‌ی دستگاه‌های دولتی توجه داشته باشند - دستگاه‌های حاکمیتی، مربوط به قوای سه‌گانه - سعی کنند هیچ تولید غیر ایرانی را مصرف نکنند؛ همت را بر این بگذارند. آحاد مردم هم مصرف تولید داخلی را بر مصرف کالاهای با مارک‌های معروف خارجی - که بعضی فقط برای نام و نشان، برای پز دادن، برای خودنمایی کردن، در زمینه‌های مختلف دنبال مارک‌های خارجی می‌روند - ترجیح بدهند. خود مردم راه مصرف کالاهای خارجی را ببندند (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار کارگزاران نظام، ۱۳۹۱/۵/۳).



### استفاده حداکثری از زمان، منابع و امکانات:

از زمان باید حداکثر استفاده بشود. طرح‌هایی که سال‌های متمادی طول می‌کشید، امروز خوشبختانه با فاصله کمتری انسان می‌بیند که فلان کارخانه در ظرف دو سال، در ظرف هجده ماه به بهره‌برداری رسید. باید این را در کشور تقویت کرد.

حرکت بر اساس برنامه، یکی از کارهای اساسی است. تصمیم‌های خلق‌الساعه و تغییر مقررات، جزو ضربه‌هایی است که به «اقتصاد مقاومتی» وارد می‌شود و به مقاومت ملت ضربه می‌زند. این را، هم دولت محترم، هم مجلس محترم باید توجه داشته باشند؛ نگذارند سیاست‌های اقتصادی کشور در هر زمانی دچار تذبذب و تغییرهای بی‌مورد شود (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار کارگزاران نظام، ۱۳۹۱/۵/۳).

### ارکان اقتصاد مقاومتی:

#### مقاوم بودن اقتصاد:

وظیفه همه ما این است که سعی کنیم کشور را مستحکم، غیر قابل نفوذ، غیر قابل تأثیر از سوی دشمن، حفظ کنیم و نگه داریم؛ این یکی از اقتضانات «اقتصاد مقاومتی» است که ما مطرح کردیم. در اقتصاد مقاومتی، یک رکن اساسی و مهم، مقاوم بودن اقتصاد است. اقتصاد باید مقاوم باشد؛ باید بتواند در مقابل آنچه که ممکن است در معرض توطئه دشمن قرار بگیرد، مقاومت کند (بیانات مقام معظم رهبری در حرم مطهر رضوی (ع)، ۱۳۹۲/۱/۱).

#### استفاده از همه ظرفیت‌های دولتی و مردمی:

بخش خصوصی را باید کمک کرد. اینکه ما «اقتصاد مقاومتی» را مطرح کردیم، خوب، خود اقتصاد مقاومتی شرایطی دارد، ارکانی دارد؛ یکی از بخش‌هایش همین تکیه به مردم است؛ همین سیاست‌های اصل ۴۴ با تأکید و اهتمام و دقت و وسواس هرچه بیشتر باید دنبال شود؛ این جزو کارهای اساسی شماست. در بعضی از موارد، من از خود مسئولین کشور می‌شنوم که بخش خصوصی به خاطر کم‌توانی‌اش جلو نمی‌آید. خوب، باید فکری بکنید برای اینکه به بخش خصوصی توان بخشی بشود؛ حالا از طریق بانک‌هاست، از طریق قوانین لازم و مقررات لازم است؛ از هر طریقی که لازم است، کاری کنید که بخش

خصوصی، بخش مردمی، فعال شود. بالاخره اقتصاد مقاومتی معنایش این است که ما یک اقتصادی داشته باشیم که هم روند رو به رشد اقتصادی در کشور محفوظ بماند، هم آسیب‌پذیری‌اش کاهش پیدا کند. یعنی وضع اقتصادی کشور و نظام اقتصادی جوری باشد که در مقابل ترفندهای دشمنان که همیشگی و به شکل‌های مختلف خواهد بود، کمتر آسیب ببیند و اختلال پیدا کند. یکی از شرایطش، استفاده از همه ظرفیت‌های دولتی و مردمی است؛ هم از فکرها و اندیشه‌ها و راهکارهایی که صاحب‌نظران می‌دهند، استفاده کنید، هم از سرمایه‌ها استفاده شود.

به مردم هم باید واقعاً میدان داده شود. البته در بیانات دوستان به برخی از این حوادثی که ناشی از پیگیری مفسدین اقتصادی و مفساد اقتصادی است، اشاره شد. واقعاً نمی‌شود ما کار اقتصادی درست و قوی بکنیم، اما با مفساد اقتصادی مبارزه نکنیم؛ این واقعاً نشدنی است. همان چند سال پیش هم که من راجع به این قضیه بحث کردم و مطالبی را به مسئولین کشور گفتم، به همین نکته توجه داشتم که تصور نشود ما می‌توانیم سرمایه‌گذاری مردمی و کار سالم مردمی داشته باشیم، بدون مبارزه با مفساد اقتصادی؛ تصور نشود که مبارزه با مفساد اقتصادی موجب می‌شود که ما مشارکت مردم و سرمایه‌گذاری مردم را کم داشته باشیم؛ نه چون اکثر کسانی که می‌خواهند وارد میدان اقتصادی بشوند، اهل کار سالمند، مردمان سالمی هستند؛ حالا یکی دو نفر هم آدم‌های ناسالم پیدا می‌شوند. باید با چشم‌های تیزبین، ریزبین و دوربین مراقبت کنید که کسانی نیابند به‌عنوان ایجاد اشتغال و ایجاد کار و کارآفرینی تسهیلات بانکی بگیرند، اما کارآفرینی واقعی انجام نگیرد. این را باید مراقبت کنید؛ هم شما مراقبت کنید، هم قوه قضائیه مراقبت کند. به نظر من همکاری قوه مجریه و قوه قضائیه در اینجا یک کار بسیار لازمی است (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار رئیس‌جمهوری و اعضای هیئت دولت، ۱۳۹۱/۶/۲).

### حمایت از تولید ملی:

یک رکن دیگر اقتصاد مقاومتی، حمایت از تولید ملی است؛ صنعت و کشاورزی. خوب، آمارهایی که آقایان می‌دهند، آمارهای خوبی است؛ لیکن از آن طرف هم از داخل دولت،

خود مسئولین به ما می‌گویند که بعضی کارخانه‌ها دچار مشکلند، اختلال دارند، در بعضی جاها تعطیلی صنایع وجود دارد - گزارش‌های گوناگونی به ما می‌رسد، خود شما هم گزارش می‌دهید؛ یعنی من گزارش‌های دیگر هم دارم، اما اتکای من به گزارش‌های دیگران نیست؛ گزارش‌های خود شما هم هست که به دست ما می‌رسد - خوب، باید این را علاج کرد. این‌ها طبعاً ایجاد اشکال می‌کند. اگر چنانچه همین بخش دوم قضیه - یعنی آن نیمه خالی لیوان - نمی‌بود، شما امروز از لحاظ رونق اقتصادی، وضع بهتری را در کشور ارائه می‌کردید و کمک‌های بیشتری به مردم می‌شد. بالاخره حمایت از تولید ملی، آن بخش درونزای اقتصاد ماست و به این بایستی تکیه کرد.

واحد‌های کوچک و متوسط را فعال کنید. البته خوشبختانه واحد‌های بزرگ ما فعالند، خوبند و سوددهی‌شان هم خوب است، کارشان هم خوب است، اشتغالشان هم خوب است؛ عمده واحد‌های بزرگ ما وضعشان این جور است - بنابراین همان‌طور که گفتید، محصول سیمانمان، محصول فولادمان، محصولات عمده این‌جوری‌مان خوب است - لیکن باید به فکر واحد‌های متوسط و کوچک باشید؛ این‌ها خیلی مهم است، این‌ها در زندگی مردم تأثیرات مستقیم دارد (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار رئیس‌جمهوری و اعضای هیئت دولت، ۱۳۹۱/۶/۲).

### مدیریت منابع ارزی:

مسئله منابع ارزی هم مسئله مهمی است؛ که خوب، حالا آقایان توجه دارید. روی این مسئله دقت کنید، خیلی باید کار کنید. واقعاً باید منابع ارزی را درست مدیریت کرد. حالا اشاره شد به ارز پایه؛ در این زمینه هم حرف‌های گوناگونی از دولت صادر شد. یعنی در روزنامه‌ها از قول یک مسئول، یک‌جور گفته شد؛ فردا یا دو روز بعد، یک‌جور دیگر گفته شد. نگذارید این اتفاق بیفتد. واقعاً یک تصمیم قاطع گرفته شود، روی آن تصمیم پافشاری شود و مسئله را دنبال کنید. به هر حال منابع ارزی باید مدیریت دقیق بشود (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار رئیس‌جمهوری و اعضای هیئت دولت، ۱۳۹۱/۶/۲).

### راهبردهای اقتصاد مقاومتی در کلام رهبری:

اقتصاد مقاومتی شرایطی دارد، ارکانی دارد؛ یکی از بخش‌های همین تکیه به مردم است؛ همین سیاست‌های اصل ۴۴ با تأکید و اهتمام و دقت و وسواس هرچه بیشتر باید دنبال شود؛ این جزو کارهای اساسی شماست. در بعضی از موارد، من از خود مسئولین کشور می‌شنوم که بخش خصوصی به خاطر کم‌توانی‌اش جلو نمی‌آید. خوب، باید فکری بکنید برای اینکه به بخش خصوصی توان بخشی بشود؛ حالا از طریق بانک‌هاست، از طریق قوانین لازم و مقررات لازم است؛ از هر طریقی که لازم است، کاری کنید که بخش خصوصی، بخش مردمی، فعال شود.

این نوشتار کلیدواژه‌های راهبردی از توصیه‌های مقام معظم رهبری را برای دستیابی به اقتصاد مقاومتی در سه مقوله بررسی می‌کند.

#### مقوله فرهنگ عمومی:

#### اصلاح الگوی مصرف:

مردم عزیزمان توجه داشته باشند که صرفه‌جویی به معنای مصرف نکردن نیست؛ صرفه‌جویی به معنای درست مصرف کردن، بجا مصرف کردن، ضایع نکردن مال، مصرف را کارآمد و ثمربخش کردن است. اسراف در اموال و در اقتصاد این است که انسان مال را مصرف کند، بدون اینکه این مصرف اثر و کارایی داشته باشد. مصرف بیهوده و مصرف هرز، در حقیقت هدر دادن مال است (۸۸/۱/۱).

منظورم از قناعت این نیست که دست به نعمت‌های الهی نزنید و از آن‌ها بهره‌مند نشوید. مقصود این است که حد و اندازه نگه دارید؛ زیاده‌روی و اسراف نکنید؛ نعمت‌های الهی را ضایع ننمایید؛ که متأسفانه بسیاری می‌کنند. در جمهوری اسلامی، کسانی هستند که دستشان به نعمت‌های الهی نمی‌رسد. نه به خاطر اینکه کم داریم. به خاطر این‌که بسیاری به خودشان حق می‌دهند که نعمت‌های الهی را بی‌حساب و کتاب مصرف کنند؛ بی‌اندازه مصرف کنند؛ هیچ ملاحظه‌ای نکنند؛ هیچ حدی نگه ندارند و حتی نعمت‌های الهی را

ضایع کنند. چقدر نان ضایع می‌شود! چقدر غذای طبخ شده ضایع می‌شود! چقدر میوه مصرف نشده ضایع می‌شود و از خانه‌ها بیرون ریخته می‌شود! چقدر لباس زیادتر از اندازه‌ی لازم چند برابر اندازه لازم خریداری می‌شود و در خانه‌ها و صندوق‌ها می‌ماند، برای اینکه یکبار در مراسمی پوشیده شود! این‌ها اسراف است. می‌خواهم این مطلب را ملت عزیزمان بدانند که اسراف، فعل حرام است؛ گناه است؛ خلاف شرع است؛ آنجایی که اسراف باشد و اسراف مال و اسراف نعمت‌های الهی انجام گیرد، تضييع و تلف کردن نعمت است. تصمیم بگیرید این کار را نکنید (بیانات حضرت امام خامنه‌ای، ۱۳۷۲/۱/۴).

### پرهیز از تجمل‌گرایی:

تجمل‌گرایی‌ها، چشم و هم‌چشمی‌ها، هوسرانی افراد خانواده، مرد خانواده، زن خانواده، جوان خانواده، چیزهای غیر لازم خریدن؛ این‌ها از موارد اسراف است. وسایل تجملات، وسایل آرایش، مبلمان خانه، تزئینات داخل خانه؛ این‌ها چیزهایی است که ما برای آن‌ها پول صرف می‌کنیم. پولی که می‌تواند در تولید مصرف شود، سرمایه‌گذاری شود، کشور را پیش ببرد، به فقرا کمک کند، ثروت عمومی کشور را زیاد کند، این را ما صرف می‌کنیم به این چیزهای ناشی‌شده از هوس، چشم و هم‌چشمی، آبروداری‌های خیالی. مسافرت می‌روند، می‌آیند، میهمانی درست می‌کنند - گاهی خرج آن میهمانی، از مسافرت مکه‌ای که رفته‌اند، بیشتر است! - عروسی می‌گیرند، عزا می‌گیرند؛ هزینه‌ای که برای این میهمانی‌ها مصرف می‌کنند، هزینه‌های گزافی است؛ انواع غذاها! چرا؟ چه خبر است؟ در کشور ما هنوز هستند کسانی که از اولیات هم محرومند. باید کمک کنیم کشور پیش برود. نمی‌گوییم پول را بردارید بروید حتما اتفاق کنید - البته اگر انسان اتفاق بکند، بهترین کار است - اما حتی اگر اتفاق هم نکنند، همین پولی که صرف این تجملات می‌شود، در تولید برای خودشان به کار بیندازند، در کارخانجات سهیم شوند و تولید کنند، باز برای کشور مفید است. ما به جای این کارها میهمانی درست می‌کنیم، عزا درست می‌کنیم، هی رخت و بر روزه‌روز دگرگون برای خودمان درست می‌کنیم؛ چرا؟ چه لزومی دارد؟ عقلای عالم این کار را نمی‌کنند (بیانات حضرت امام خامنه‌ای، ۱۳۸۸/۱/۱).

### ارتقای فرهنگ کار:

فرهنگ کار باید در کشور یک جوری باشد که مردم کار را عبادت بدانند؛ هر یک ساعت کار را با شوق بیفزایند در مدت و مقدار کاری که انجام می‌دهند. باید کار کرد. با بیکاری و بی‌میلی به کار و تنبلی و وادادگی، کشور پیش نخواهد رفت (بیانات حضرت امام خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۵/۱۶).

### اهمیت کالای داخلی:

عمده، مردمند. شما باید کالای ایرانی بخواهید. این افتخار نیست؛ این تفاخر غلطی است که ما مارک‌های خارجی را در پوشاکمان، در وسایل منزلمان، در مبلمانمان، در امور روزمره‌مان، در خوراکی‌هایمان ترجیح بدهیم به مارک‌های داخلی؛ در حالی که تولید داخلی در خیلی از موارد بسیار بهتر است. من شنیدم پوشاک داخلی را که در بعضی از شهرستان‌ها تولید می‌شود، می‌برند مارک خارجی می‌زنند، برمی‌گردانند! اگر همین‌جا بفروشند، ممکن است خریدار ایرانی رغبت نکند؛ اما چون مارک فرانسوی دارد، خریدار ایرانی همان لباس را، همان کت و شلوار را، همان دوخت را انتخاب می‌کند؛ این غلط است. تولید داخلی مهم است (بیانات حضرت امام خامنه‌ای، ۱۳۹۱/۱/۱).

### پرهیز از مصرف‌گرایی:

ما امروز متأسفانه دچار اسراف و مصرف‌زدگی هستیم. من بارها این را عرض کرده‌ام، باز هم عرض می‌کنم؛ این خطر است در راه ما. مصرف‌زدگی را باید کم کنیم، حرص به متاع و کالای دنیا را باید کم کنیم. تا یک شایعه‌ای درست می‌شود که فلان چیز کم است، مردم هجوم می‌آورند برای اینکه بیشتر آن را جمع کنند که مبادا دچار کمبود آن شوند؛ در حالی که آن شیء ممکن است جزو چیزهای لازم زندگی هم نباشد. خوب، اگر آن جنس کم هم نیست، همین هجوم مردم آن را کم می‌کند. ما به این مسئله توجه نمی‌کنیم. این یکی از

ضعف‌های ماست؛ ما این ضعف را باید برطرف کنیم. (بیانات حضرت امام خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۱/۱۴).

### وجدان کاری:

«وجدان کار» یعنی اینکه اگر کاری را به عهده گرفتیم و انجام آن را تعهد کردیم - چه این کار، برای شخص خودمان یا خانواده خودمان؛ جهت نان درآوردن باشد و چه کاری اجتماعی و مردمی و مربوط به دیگران باشد؛ مثل امور مهم اجتماعی و مسئولیت‌های کشوری - آن را خوب و کامل و دقیق و تمام انجام دهیم. به تعبیر معروف، برای آن کار، «سنگ تمام بگذاریم». اگر ملتی دارای «وجدان کار» باشد، محصول کار او خوب خواهد شد و وقتی محصول کار نیکو شد، وضع اجتماعی، به‌طور قطع بهبود پیدا خواهد کرد (بیانات حضرت امام خامنه‌ای، ۱۳۷۳/۱/۱).

### همت و کار مضاعف:

واقعیت این است که ما دویست سال - حداقل - از قافله پیشرفت‌های بشری عقب ماندیم ... عقب‌ماندگی یک ملت، درد بزرگی است، بیماری سختی است. این بیماری را با همت بلند و با تلاش پیگیر باید علاج کرد و درمان بخشید (بیانات حضرت امام خامنه‌ای، ۱۳۸۷/۲/۱۷).

### مقوله وظایف و سیاست‌های نظام:

#### ارتباط صنعت و دانشگاه:

صنایع ما اگر بخواهند از رقابت‌های بازار عقب نمانند، به پیشرفت علمی و نوآوری احتیاج دارند. این نوآوری، زمینه‌اش در دانشگاه‌های ما، پژوهشکده‌های ما، پژوهشگاه‌های ما کاملاً فراهم است. این پژوهشگاه‌هایی که چند بار توصیه شد که در کنار دانشگاه‌ها و وابسته به دانشگاه‌ها به وجود بیاید، می‌تواند یک بخشی را در اختیار صنایع بگذارد که آن‌ها در این پژوهشگاه‌ها شرکت کنند و از ناحیه آن‌ها نیازهای خودشان را برطرف کنند. این کاری است که هماهنگی‌اش در همین بخش دولتی میسر است. باید بنشینند برای این

کار برنامه‌ریزی کنند؛ هم برای صنعت خوب است، هم برای دانشگاه خوب است. دانشگاه وقتی ناظر به نیاز جامعه و نیاز بازار و بازار کار بود، به تبع جهت خودش را پیدا می‌کند؛ شور و نشاط بیشتری هم پیدا می‌کند؛ البته برای دانشگاه‌ها درآمدزا هم هست. صنعت هم وقتی متکی بود به نگاه نو و فکر نو و تولید علم و فناوری - که این در دانشگاه‌ها تحقق پیدا می‌کند - به تبع پیشرفت پیدا می‌کند (بیانات حضرت امام خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۷/۱۳).

### استقلال اقتصادی:

ما تا به کار ایرانی و سرمایه ایرانی احترام نگذاریم، تولید ملی شکل نمی‌گیرد و اگر تولید ملی شکل نگیرد، استقلال اقتصادی این کشور تحقق پیدا نمی‌کند و اگر استقلال اقتصادی یک جامعه‌ای تحقق پیدا نکرد - یعنی در مسئله اقتصاد توانست خودش تصمیم بگیرد و روی پای خود بایستد - استقلال سیاسی این کشور تحقق پیدا نمی‌کند؛ اگر استقلال سیاسی یک جامعه‌ای تحقق پیدا نکرد، بقیه حرف‌ها، جز حرف، چیز دیگری نیست. تا یک کشور اقتصاد خود را قوی نکند، پایدار نکند، متکی به خود نکند، مستقل نکند، نمی‌تواند از لحاظ سیاسی و فرهنگی و غیره تأثیرگذار باشد (بیانات حضرت امام خامنه‌ای، ۱۳۹۱/۲/۱۰).

### اقتصاد بدون نفت:

ما باید به اینجا برسیم و بتوانیم خودمان را از درآمد نفت واقعاً بی‌نیاز کنیم. یکی از بزرگ‌ترین بلیات اقتصاد ما و نه فقط اقتصاد ما، بلکه بلیات عمومی کشور، وابستگی ما به درآمد نفت است. من چند سال قبل از این گفتم - البته آن وقت مسئولین دولتی از این حرف هیچ استقبال نکردند - ما باید به جایی برسیم که اگر یک روزی به خاطر قضایای سیاسی، اقتضائات سیاسی، یا اقتضائات اقتصادی در دنیا، اراده کردیم که صادرات خودمان را مثلاً برای مدت پانزده روز یا یک ماه متوقف کنیم، بتوانیم. شما ببینید این کار چه قدرت عظیمی را برای یک کشور تولیدکننده نفت به وجود می‌آورد که یک وقت اگر اراده کرد، بگوید آقا من از امروز تا بیست روز نفت صادر نمی‌کنم. ببینید چه حادثه‌ای در دنیا به وجود می‌آید. امروز ما نمی‌توانیم این کار را بکنیم، چون به این درآمد احتیاج داریم. اگر



یک روزی اقتصاد کشور از درآمد نفت و صادرات نفت بریده شود، این توان را ملت ایران و نظام اسلامی در ایران به دست خواهد آورد؛ که تأثیرگذاری‌اش در دنیا فوق‌العاده است. ما باید به اینجا برسیم. خب، این حمایت می‌خواهد؛ باید از صادرات حمایت بشود (بیانات حضرت امام خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۵/۲۶).

### امنیت اقتصادی:

امروز کشور ما تشنه فعالیت اقتصادی سالم و ایجاد اشتغال برای جوانان و سرمایه‌گذاری مطمئن است. این همه به فضایی نیازمند است که در آن، سرمایه‌گذار و صنعتگر و عنصر فعال در کشاورزی و مبتکر علمی و جوینده کار و همه قشرها، از صحت و سلامت ارتباطات حکومتی و امانت و صداقت متصدیان امور مالی و اقتصادی مطمئن بوده و احساس امنیت و آرامش کنند. اگر دست مفسدان و سوءاستفاده‌کنندگان از امکانات حکومتی، قطع نشود، اگر امتیازطلبان و زیاده‌خواهان پرمدعا و انحصارجو، طرد نشوند، سرمایه‌گذار و تولیدکننده و اشتغال‌طلب، همه احساس ناامنی و نومی‌دی خواهند کرد و کسانی از آنان به استفاده از راه‌های نامشروع و غیر قانونی تشویق خواهند شد (بیانات حضرت امام خامنه‌ای، ۱۳۸۰/۲/۱۰).

### تولید ملی:

حرکت خوب کشور به سمت اهداف والا و امکانات و شرایط موجود و همچنین تمرکز بدخواهان نظام اسلامی بر مسائل اقتصادی، نشان می‌دهد که حمایت از تولید ملی یک نیاز ضروری در شرایط کنونی است (بیانات حضرت امام خامنه‌ای، ۱۳۹۱/۱/۱۵).

### خودکفایی:

خودکفایی؛ کشور در مسائل حیاتی و اساسی باید خودکفا باشد. نه اینکه از دیگران به کلی بی‌نیاز باشد، نه؛ اما اگر به کسی یا کشوری، در چیزی احتیاج دارد، طوری روابطش را تنظیم کند که اگر خواست آن را به دست آورد، دچار مشکل نشود؛ او هم چیزی داشته باشد که مورد نیاز آن کشور است؛ خودکفایی یعنی این (بیانات حضرت امام خامنه‌ای، ۱۳۸۵/۸/۱۸).

## صنایع دانش‌بنیان:

ما باید این مسئله را جدی بگیریم؛ یعنی به مسئله علم و تکیه به علم در کشور اهمیت بدهیم؛ یعنی این را اساس کار قرار بدهیم. حرف ما در این چندساله همین است. اگر چنانچه علم در بخش‌های مختلف جدی گرفته شد، آن وقت این شرکت‌های دانش‌بنیان که بر مبنای علم کار می‌کنند، تولید می‌کنند و ثروت‌آفرینی می‌کنند، خواهند توانست به تدریج اقتصاد کشور را به شکوفایی واقعی برسانند (بیانات حضرت امام خامنه‌ای، ۱۳۹۱/۵/۱۸).

## مبارزه با مفاسد اقتصادی:

مردم حرفشان آنجاست که ما در زمینه برخورد با متخلف کوتاهی کنیم، در دنبال‌گیری از عدالت کوتاهی کنیم؛ مردم این‌ها را نمی‌پسندند، مردم از این چیزها عصبانی می‌شوند. اقدام مدبرانه، عزم راسخ، عدالت‌خواهی، مسئله مبارزه با فساد اداری و فساد مالی، مهم است. در همین فساد اخیر بانکی که پیش آمد و همه را متوجه خودش کرد، من هم می‌بینم و شاهدیم که خوشبختانه سه قوه با هم همکاری بسیار خوبی دارند؛ هم از مجلس، هم از دولت، هم از قوه قضائیه، با همدیگر دارند کار می‌کنند برای اینکه این را دنبال کنند. باید این مسئله را دنبال کنند، به نتیجه برسند، متخلف را - هر که هست - مجازات کنند تا این برای دیگران عبرت شود. البته در مبارزه با فساد، در درجه اول، مسئله پیشگیری است؛ اما اگر در پیشگیری کوتاهی شد، به یک نحوی یک فساد واقع شد، درمان، دنبال‌گیری است؛ این نباید مورد غفلت قرار بگیرد (بیانات حضرت امام خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۷/۲۰).

## مردمی کردن اقتصاد:

اقتصاد مقاومتی شرایطی دارد، ارکانی دارد؛ یکی از بخش‌هایش همین تکیه به مردم است؛ همین سیاست‌های اصل ۴۴ با تأکید و اهتمام و دقت و وسواس هرچه بیشتر باید دنبال شود؛ این جزو کارهای اساسی شما است. در بعضی از موارد، من از خود مسئولین کشور می‌شنوم که بخش خصوصی به خاطر کم‌توانی‌اش جلو نمی‌آید. خوب، باید فکری

بکنید برای اینکه به بخش خصوصی توان بخشی بشود؛ حالا از طریق بانکهاست، از طریق قوانین لازم و مقررات لازم است؛ از هر طریقی که لازم است، کاری کنید که بخش خصوصی، بخش مردمی، فعال شود (بیانات حضرت امام خامنه‌ای، ۱۳۹۱/۶/۲).

### مقوله بین‌المللی:

#### مقاومت در تحریم اقتصادی:

در راه پیشرفت، توقف ممنوع است؛ خودشگفتی ممنوع است؛ غفلت ممنوع است؛ اشرافی‌گری ممنوع است؛ لذت‌جویی ممنوع است؛ به فکر جمع کردن زخارف دنیا افتادن، برای مسئولین ممنوع است. با این ممنوعیت‌هاست که می‌توانیم به قله برسیم. ما داریم در دامنه حرکت می‌کنیم. ما هنوز به قله نرسیده‌ایم؛ با آن فاصله داریم. آن روزی که ملت ایران به قله برسد، دشمنی‌ها تمام خواهد شد. آن روزی که ملت ایران به قله برسد، معارضه‌های خبثت‌آلود به پایان خواهد رسید. ما تا آن روز فاصله داریم. حرکت را باید بی‌وقفه ادامه دهیم. من به جوان‌ها، به مسئولین، به دانشجویان، به علمای بزرگوار، به کسانی که توانایی سخن گفتن با مردم دارند، به کسانی که تأثیرگذاری بر روی اذهان مردم دارند، عرض می‌کنم: ما بایستی این حرکت به سمت پیشرفت را بی‌وقفه ادامه دهیم؛ هم در زمینه سیاست، هم در زمینه علم و فناوری، هم به‌خصوص در زمینه اخلاق و معنویت. خودمان را تهذیب کنیم، خودمان را اصلاح کنیم، عیوب خودمان را بشناسیم و درصدد رفع آن عیوب بر بیاییم. اگر این کار را بکنیم، این موانعی که دشمنان ما بر سر راه ما ایجاد می‌کنند، اثر نخواهد گذاشت. تحریم اثری ندارد. تحریم نمی‌تواند ملت ایران را از حرکت به جلو باز بدارد. تنها اثری که این تحریم‌های یک‌جانبه و چندجانبه بر روی ملت ایران می‌گذارد، این است که نفرت و دشمنی از غرب در دل مردم ما عمیق‌تر می‌شود (بیانات حضرت امام خامنه‌ای، ۱۳۹۱/۳/۱۴).

#### نظام سرمایه‌داری غرب:

شما امروز لحن کسانی را که بر کرسی‌های سیاسی‌ای سوارند که پایه‌های آن بر روی سرمایه و علم منحرف- سرمایه‌داری- قرار گرفته، ببینید. دولت‌های غربی الآن

این جوری‌اند. حالا در قله قدرت‌های غربی، امریکاست. کرسی قدرت پایه‌هایش بر روی کارتل‌ها و تراست‌های سرمایه‌داران قرار دارد و ابزارش علم است. از سلاح به وسیله علم استفاده می‌کنند؛ از جاسوسی و دزدی اطلاعات به وسیله علم استفاده می‌کنند؛ از زد و بند در جاهای مختلف دنیا به وسیله علم استفاده می‌کنند. ببینید سران این جور کشورها که این جور علم منحرف دارند، لحنشان چیست؟ شنیدید این سخنرانی چند روز قبل رئیس‌جمهور آمریکا را که چقدر نفرت‌انگیز، چقدر خشونت‌طلبانه و متکبرانه بود. همین غرور و تکبر روز به روز هم دارد این‌ها را در گرداب فرو می‌برد. امروز شما این را بدانید- من حالا دارم به شما می‌گویم. شما آن روز را خواهید دید؛ آن روز ماها نیستیم، اما شما جوان‌ها آن روز را خواهید دید- که این تمدن بنا شده بر این پایه غلط، در گرداب دارد فرو می‌رود؛ دارد لحظه به لحظه در باتلاق پایین‌تر می‌رود و سقوط خواهد کرد؛ بدون شک. همین غرور هم همین تکبر ابلهانه و احمقانه هم یکی از عوامل همان سقوطی است که انتظار این‌ها را می‌کشد. این‌ها سقوط می‌کنند. یک هارت‌وهورتی امروز می‌کنند؛ اما در سراسیم دارند حرکت می‌کنند، خودشان هم ملتفت نیستند؛ البته هوشیارهاشان چرا. هوشمندانشان سال‌هاست فریاد می‌کشند، هشدار می‌دهند؛ زنگ خطر! منتها کیست که بشنود؛ مستند. مست (بیانات حضرت امام خامنه‌ای، ۱۳۸۶/۶/۱۲).

### روش تحقیق:

در تحقیق حاضر از فنون تحلیل محتوا استفاده شده است. فنون تحلیل محتوا حد واسطی است بین روش‌های تجزیه و تحلیل کمی و کیفی که در آن محتوای داده‌های کیفی (متن، کلام، تصاویر، علایم و ...) مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد. تحلیل محتوا روشی است که به کمک آن سعی می‌شود از مصاحبه‌ها، مشاوره‌ها و یا عناصر دیگری که راهگشای فهم و درک فرد باشد، به اطلاعاتی دست یافت که مبنای کشف پاسخ سؤالات و بررسی فرضیه‌ها قرار بگیرد. تحلیل محتوا فنی است که امروزه در تمامی زمینه‌های علم اجتماعی و انسانی، جامعه‌شناسی، سیاست، تبلیغات، ارتباطات و غیره کاربرد یافته و مورد استفاده پژوهشگران قرار گرفته است. تحلیل محتوا مرحله‌ای از جمع‌آوری اطلاعات است

که در آن محتوای ارتباطات از طریق به‌کارگیری عینی و منتظم قواعد مقوله‌بندی، به اطلاعاتی که می‌تواند خلاصه و با هم مقایسه شوند، تغییر شکل می‌یابند. عنصر مشترک در تمام تکنیک‌های مختلف آن، از شمارش فراوانی گرفته تا استخراج ساختارهای منتج به الگوها، یک تعبیر و تفسیر کنترل شده بر مبنای استنتاج و استنباط است.

همچنین در راستای انجام این پژوهش برای تدوین مبانی نظری از مطالعه کتابخانه‌ای (اسنادی) از جمله مطالعه کتب و نشریات داخلی و خارجی و جستجو در پایگاه‌های اطلاعاتی و همچنین وب سایت مقام معظم رهبری و نیز لوح فشرده فرمایشات ایشان صورت پذیرفته است.

تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش بر مبنای رهنمودهای معظم له و با استفاده از روش تحلیل محتوا از فرمایشات ایشان در زمینه اقتصاد مقاومتی و سازمان‌های دفاعی دانش‌بنیان صورت پذیرفته است.

### **نقش اقتصاد مقاومتی به‌عنوان الگوی حکمرانی اسلامی و راهکار مدیریت تهدیدها**

#### **در سازمان‌های دفاعی دانش‌بنیان از منظر رهبری:**

رهبر معظم انقلاب با توجه به مبانی زیرساختی موارد بسیاری را به‌عنوان عوامل مؤثر اقتصاد مقاومتی به‌عنوان راهکار مدیریت تهدیدها بر سازمان‌های دفاعی دانش‌بنیان اشاره داشته‌اند که در سه شاخه الزامات، ارکان، راهبردهای اقتصاد مقاومتی گنجانده شده که در زیر به برخی از آنها اشاره می‌شود.

#### **الزامات اقتصاد مقاومتی سازمان‌های دفاعی دانش‌بنیان:**

##### **مدیریت مصرف در سازمان‌های دفاعی دانش‌بنیان:**

به نظر ما طرح‌های «اقتصاد مقاومتی» جواب می‌دهد. همین مسئله سهمیه‌بندی بنزین که اشاره کردند، جواب داد. اگر چنانچه بنزین سهمیه‌بندی نمی‌شد، امروز مصرف بنزین ما از صد میلیون لیتر در روز بالاتر می‌رفت. توانستند این را کنترل کنند؛ که خوب، امروز در یک حد خیلی خوبی هست. حتی باید جوری باشد که هیچ به بیرون نیازی نباشد که الحال‌گوه

نیست. تحریم بنزین را در برنامه داشتند؛ اقتصاد مقاومتی تحریم بنزین را ختنی کرد و بقیه چیزهایی که مورد نیاز کشور است.

هدفمند کردن یارانه‌ها هم در جهت شکل دادن به اقتصاد ملی است؛ که این‌ها می‌تواند هم رونق ایجاد کند - در تولید، در اشتغال - و هم موجب رفاه شود؛ این‌ها مایه رشد تولید کشور، رشد اقتصادی کشور، مایه اقتدار یک کشور است. با رشد تولید، یک کشور در دنیا اقتدار حقیقی و آبروی بین‌المللی پیدا می‌کند. این کار بایستی به انجام برسد (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار کارگزاران نظام، ۱۳۹۱/۵/۳).

#### **استفاده حداکثری از زمان، منابع و امکانات:**

از زمان باید حداکثر استفاده بشود. طرح‌هایی که سال‌های متمادی طول می‌کشید، امروز خوشبختانه با فاصله کمتری انسان می‌بیند که فلان کارخانه در ظرف دو سال، در ظرف هجده ماه به بهره‌برداری رسید. باید این را در کشور تقویت کرد.

حرکت بر اساس برنامه، یکی از کارهای اساسی است. تصمیم‌های خلق‌الساعه و تغییر مقررات، جزو ضربه‌هایی است که به «اقتصاد مقاومتی» وارد می‌شود و به مقاومت ملت ضربه می‌زند. این را، هم دولت محترم، هم مجلس محترم باید توجه داشته باشند؛ نگذارند سیاست‌های اقتصادی کشور در هر زمانی دچار تذبذب و تغییرهای بی‌مورد شود (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار کارگزاران نظام، ۱۳۹۱/۵/۳).

#### **ایجاد کرسی‌های نظریه‌پردازی اقتصاد مقاومتی:**

«به نظر می‌رسد که هر سه روش پیشنهادی شما یعنی تشکیل کرسی‌های نظریه‌پردازی، کرسی‌های پاسخ به شبهات و کرسی‌های نقد و مناظره روش‌های علمی معقول باشند» (بیانات در دیدار اساتید دانشگاه‌ها، ۱۳۸۱/۱۱/۱۶).

#### **ایجاد بانک اطلاعات اقتصاد مقاومتی مرکزی:**

لازمه‌اش این است که ما بانک اطلاعات و مرکزی داشته باشیم، همه بتوانند بدانند چه لازم است، چه انجام شده است و چه لازم است برای تکمیل یک پژوهش تا بتوانند این

قطعات گوناگون در کنار هم جمع شوند (بیانات در دیدار از نخبگان علمی کشور، ۱۳۸۵/۷/۱۳).

### ایجاد جنبش نرم‌افزاری اقتصاد مقاومتی در سازمان‌های دفاعی دانش‌بنیان:

دانشگاه باید بتواند یک جنبش نرم‌افزاری همه‌جانبه و عمیق در اختیار این کشور و ملت بگذارد تا آن کسانی که اهل کار و تلاش هستند، با پیشنهادها و با قالب‌ها و نوآوری‌های علمی خودی بتوانند بنای حقیقی یک جامعه آباد و عادلانه مبتنی بر تفکرات و ارزش‌های اسلامی را بالا ببرند. امروز کشور ما از دانشگاه این را می‌خواهد (بیانات در دیدار از جمعی از اساتید و دانشجویان دانشگاه صنعتی امیرکبیر، ۱۳۷۹/۱۲/۹).

### ارکان اقتصاد مقاومتی دفاع دانش‌بنیان:

#### حمایت از نخبگان و استعداد‌های علمی:

«ما به مسئولان مرتب سفارش می‌کنیم به نخبگان رسیدگی کنند، این‌ها سرمایه‌ها و گنجینه‌های کشورند و البته باید به این‌ها رسیدگی شود» (بیانات در دیدار از دانشجویان در ماه مبارک رمضان، ۱۳۸۳/۸/۱۰).

#### استفاده از ابتکارها و استعدادها در سازمان‌ها:

استفاده از ابتکارها و نوآوری‌ها و استعداد‌های گوناگونی که در وجود یکایک شما هست، در رده‌های مختلف و در سازمان‌های گوناگون، امروز باید برنامه عمل سازمان‌ها باشد (بیانات حضرت امام خامنه‌ای، ۱۳۸۵/۸/۲۰).

#### راهبردهای اقتصاد مقاومتی در سازمان دفاعی دانش‌بنیان:

کسب دانش و فناوری‌های نو و نرم‌افزارهای پیشرفته و نوسازی و بازسازی صنایع: نوآوری فقط در ساخت نیست. اگرچه نوآوری در ساخت و ابتکار در به وجود آوردن روش‌های جدید، یکی از نوآوری‌های مهم است، اما نوآوری در آموزش، در سازمان‌دهی و تشکیلات، در شیوه‌های پشتیبانی و دستورالعمل‌ها، همه این‌ها لازم است (بیانات حضرت امام خامنه‌ای، ۱۳۸۷/۲/۱۲).

### اتصال چرخه تولید علم به تولید فناوری و صنعت:

حضرت آقا در جایگاه و نقش علم و فناوری فرمودند: علم مساوی است با قدرت؛ هر کسی علم را پیدا کند، می‌تواند فرمانروایی کند؛ هر ملتی که عالم باشد، می‌تواند فرمانروایی کند؛ هر ملتی که دستش از علم تهی باشد، باید خود را آماده کند که دیگران بر او فرمانروایی کنند. ما باید علم را با همه معنای کامل آن به‌عنوان یک جهاد دنبال کنیم؛ این را من به جوان‌ها، استادان و دانشگاه‌ها می‌گویم. علاوه بر این، علم مجرد و به‌تنهایی هم کافی نیست؛ علم را باید وصل کنیم به فناوری، فناوری را باید وصل کنیم به صنعت و صنعت را وصل کنیم به توسعه کشور. صنعتی که مایه توسعه و پیشرفت کشور نباشد، برای ما مفید نیست؛ علمی که به فناوری تولید نشود، فایده‌ای ندارد و نافع نیست (بیانات در صحن جامع رضوی، ۱۳۸۵/۱/۱).

وقتی پیشرفت علمی وجود داشته باشد، پیشرفت فناوری را هم با خودش می‌آورد و پیشرفت فناوری هم کشور را رونق می‌دهد و در جامعه نشاط به وجود می‌آورد (بیانات در دیدار رئیس و مدیران سازمان صداوسیما، ۱۳۸۳/۹/۱۱).

### ارتباط سازمان‌های دفاعی دانش‌بنیان با دانشگاه و صنعت:

«ارتباط دستگاه‌های دولتی با مراکز دانشگاهی یک ضرورت است. باید این ارتباط را به‌صورت سازمانی، با سازوکار مشخص برقرار کرد» (بیانات در دیدار از اساتید دانشگاه‌های کشور، ۱۳۸۱/۸/۲۲).

### حمایت از تولید ملی:

«ما باید عالم را عملاً تشویق کنیم. بهترین مشوق برای گسترش علم تکریم دارنده علم است» (بیانات در دیدار جمعی از نخبگان علمی کشور و اساتید دانشگاه‌ها، ۱۳۸۷/۷/۳).

### اصلاح الگوی مصرف:

منظورم از قناعت این نیست که دست به نعمت‌های الهی نزنید و از آن‌ها بهره‌مند نشوید. مقصود این است که حد و اندازه نگه دارید؛ زیاده‌روی و اسراف نکنید؛ نعمت‌های



الهی را ضایع ننمایید؛ که متأسفانه بسیاری می‌کنند. در جمهوری اسلامی، کسانی هستند که دستشان به نعمت‌های الهی نمی‌رسد. نه به خاطر اینکه کم داریم. به خاطر اینکه بسیاری به خودشان حق می‌دهند که نعمت‌های الهی را بی حساب و کتاب مصرف کنند؛ بی‌اندازه مصرف کنند؛ هیچ ملاحظه‌ای نکنند؛ هیچ حدی نگه ندارند و حتی نعمت‌های الهی را ضایع کنند. چقدر نان ضایع می‌شود! چقدر غذای طبخ شده ضایع می‌شود! چقدر میوه‌ی مصرف نشده ضایع می‌شود و از خانه‌ها بیرون ریخته می‌شود! چقدر لباس زیادت‌تر از اندازه‌ی لازم چند برابر اندازه‌ی لازم خریداری می‌شود و در خانه‌ها و صندوق‌ها می‌ماند، برای اینکه یک بار در مراسمی پوشیده شود! این‌ها اسراف است. می‌خواهم این مطلب را ملت عزیزمان بدانند که اسراف، فعل حرام است؛ گناه است؛ خلاف شرع است؛ آنجایی که اسراف باشد و اسراف مال و اسراف نعمت‌های الهی انجام گیرد، تضييع و تلف کردن نعمت است. تصمیم بگیرید این کار را نکنید (بیانات حضرت امام خامنه‌ای، ۱۳۷۲/۱/۴).

#### ارتقا فرهنگ کار:

فرهنگ کار باید در کشور یک‌جوری باشد که مردم کار را عبادت بدانند؛ هر یک ساعت کار را با شوق بیفزایند در مدت و مقدار کاری که انجام می‌دهند. باید کار کرد. با بیکاری و بی‌میلی به کار و تنبلی و وادادگی، کشور پیش نخواهد رفت (بیانات حضرت امام خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۵/۱۶).

#### اهمیت کالای داخلی:

عمده، مردمند. شما باید کالای ایرانی بخواهید. این افتخار نیست؛ این تفاخر غلطی است که ما مارک‌های خارجی را در پوشاکمان، در وسایل منزلمان، در مبلمانمان، در امور روزمره‌مان، در خوراکی‌هایمان ترجیح بدهیم به مارک‌های داخلی؛ در حالی که تولید داخلی در خیلی از موارد بسیار بهتر است. من شنیدم پوشاک داخلی را که در بعضی از شهرستان‌ها تولید می‌شود، می‌برند مارک خارجی می‌زنند، برمی‌گردانند! اگر همین‌جا بفروشند، ممکن است خریدار ایرانی رغبت نکند؛ اما چون مارک فرانسوی دارد، خریدار

ایرانی همان لباس را، همان کت و شلوار را، همان دواخت را انتخاب می‌کند؛ این غلط است. تولید داخلی مهم است (بیانات حضرت امام خامنه‌ای، ۱۳۹۱/۱/۱).

### وجدان کاری:

«وجدان کار» یعنی اینکه اگر کاری را به عهده گرفتیم و انجام آن را تعهد کردیم - چه این کار، برای شخص خودمان یا خانواده خودمان؛ جهت نان درآوردن باشد و چه کاری اجتماعی و مردمی و مربوط به دیگران باشد؛ مثل امور مهم اجتماعی و مسئولیت‌های کشوری - آن را خوب و کامل و دقیق و تمام انجام دهیم. به تعبیر معروف، برای آن کار، «سنگ تمام بگذاریم». اگر ملتی دارای «وجدان کار» باشد، محصول کار او خوب خواهد شد و وقتی محصول کار نیکو شد، وضع اجتماعی، به‌طور قطع بهبود پیدا خواهد کرد (بیانات حضرت امام خامنه‌ای، ۱۳۷۳/۱/۱).

### همت و کار مضاعف:

واقعیت این است که ما دویست سال - حداقل - از قافله پیشرفت‌های بشری عقب ماندیم. ... عقب‌ماندگی یک ملت، درد بزرگی است، بیماری سختی است. این بیماری را با همت بلند و با تلاش پیگیر باید علاج کرد و درمان بخشید (بیانات حضرت امام خامنه‌ای، ۱۳۸۷/۲/۱۷).

### استقلال اقتصادی:

ما تا به کار ایرانی و سرمایه ایرانی احترام نگذاریم، تولید ملی شکل نمی‌گیرد؛ اگر تولید ملی شکل نگرفت، استقلال اقتصادی این کشور تحقق پیدا نمی‌کند؛ اگر استقلال اقتصادی یک جامعه‌ای تحقق پیدا نکرد - یعنی در مسئله اقتصاد نتوانست خودش تصمیم بگیرد و روی پای خود بایستد - استقلال سیاسی این کشور تحقق پیدا نمی‌کند؛ اگر استقلال سیاسی یک جامعه‌ای تحقق پیدا نکرد، بقیه حرف‌ها، جز حرف، چیز دیگری نیست. تا یک کشور اقتصاد خود را قوی نکند، پایدار نکند، متکی به خود نکند، مستقل نکند، نمی‌تواند از

لحاظ سیاسی و فرهنگی و غیره تأثیرگذار باشد (بیانات حضرت امام خامنه‌ای، ۱۳۹۱/۲/۱۰).

### خودکفایی:

خودکفایی؛ کشور در مسائل حیاتی و اساسی باید خودکفا باشد. نه اینکه از دیگران به کلی بی‌نیاز باشد، نه؛ اما اگر به کسی یا کشوری، در چیزی احتیاج دارد، طوری روابطش را تنظیم کند که اگر خواست آن را به دست آورد، دچار مشکل نشود؛ او هم چیزی داشته باشد که مورد نیاز آن کشور است؛ خودکفایی یعنی این (بیانات حضرت امام خامنه‌ای، ۱۳۸۵/۸/۱۸).

### ایجاد صنایع دانش‌بنیان:

ما باید این مسئله را جدی بگیریم؛ یعنی به مسئله علم و تکیه به علم در کشور اهمیت بدهیم؛ یعنی این را اساس کار قرار بدهیم. حرف ما در این چندساله همین است. اگر چنانچه علم در بخش‌های مختلف جدی گرفته شد، آن وقت این شرکت‌های دانش‌بنیان که بر مبنای علم کار می‌کنند، تولید می‌کنند و ثروت‌آفرینی می‌کنند، خواهند توانست به تدریج اقتصاد کشور را به شکوفایی واقعی برسانند (بیانات حضرت امام خامنه‌ای، ۱۳۹۱/۵/۱۸).

### مقاومت در تحریم اقتصادی:

در راه پیشرفت، توقف ممنوع است؛ خودشگفتی ممنوع است؛ غفلت ممنوع است؛ اشرافی‌گری ممنوع است؛ لذت‌جویی ممنوع است؛ به فکر جمع کردن زخارف دنیا افتادن، برای مسئولین ممنوع است. با این ممنوعیت‌هاست که می‌توانیم به قله برسیم. ما داریم در دامنه حرکت می‌کنیم. ما هنوز به قله نرسیده‌ایم؛ با آن فاصله داریم. آن روزی که ملت ایران به قله برسد، دشمنی‌ها تمام خواهد شد. آن روزی که ملت ایران به قله برسد، معارضه‌های خبثت‌آلود به پایان خواهد رسید. ما تا آن روز فاصله داریم. حرکت را باید بی‌وقفه ادامه دهیم. من به جوان‌ها، به مسئولین، به دانشجویان، به علمای بزرگوار، به کسانی که توانایی سخن گفتن با مردم دارند، به کسانی که تأثیرگذاری بر روی اذهان مردم دارند، عرض می‌کنم: ما بایستی این حرکت به سمت پیشرفت را بی‌وقفه ادامه دهیم؛ هم در زمینه

سیاست، هم در زمینه علم و فناوری، هم به‌خصوص در زمینه اخلاق و معنویت. خودمان را تهذیب کنیم، خودمان را اصلاح کنیم، عیوب خودمان را بشناسیم و درصدد رفع آن عیوب بربیاییم. اگر این کار را بکنیم، این موانعی که دشمنان ما بر سر راه ما ایجاد می‌کنند، اثر نخواهد گذاشت. تحریم اثری ندارد. تحریم نمی‌تواند ملت ایران را از حرکت به جلو باز بدارد. تنها اثری که این تحریم‌های یک‌جانبه و چندجانبه بر روی ملت ایران می‌گذارد، این است که نفرت و دشمنی از غرب در دل مردم ما عمیق‌تر می‌شود (بیانات حضرت امام خامنه‌ای، ۱۳۹۱/۳/۱۴).

### ارائه الگوی مفهومی رهنمودهای رهبر معظم انقلاب:

بررسی رهنمودهای رهبر معظم انقلاب درباره نقش اقتصاد مقاومتی به‌عنوان راهکار مدیریت تهدیدها در سازمان‌های دفاعی دانش‌بنیان با استفاده از روش تحلیل محتوا و ارائه الگو مفهومی نشان‌دهنده آن است که ایشان با دیدگاهی نظام‌دار، موارد مرتبط را هم از دیدگاه خرد و هم از دیدگاه کلان را مورد توجه قرار داده‌اند و ضمن ترسیم چشم‌انداز اقتصاد مقاومتی کشور در سازمان‌های دفاعی دانش‌بنیان، مسیر تحقق آن را به‌خوبی تبیین کرده‌اند. در نمودار ۱ الگوی مفهومی رهنمودهای مقام معظم رهبری در این زمینه ترسیم شده است.



نمودار ۱. الگوی مفهومی رهنمودهای رهبر معظم انقلاب درباره نقش اقتصاد مقاومتی به عنوان راهکار مدیریت تهدیدها در سازمان‌های دفاعی دانش‌بنیان

### نتیجه‌گیری و پیشنهادات:

نتایج به دست آمده از تحقیق حاضر نشان می‌دهد که با تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده از متن سخنرانی‌های مقام معظم رهبری و همچنین سیاست‌های ابلاغی از طرف معظم له طبق متدلوژی تحلیل محتوا مفاهیم اصلی استخراج گردیده و چارچوب مورد نظر بر اساس الگوسازی پدیدار گردید (نمودار ۱). این چارچوب با بهره‌گیری از روش تحلیل محتوا مسیر تحقق چشم‌انداز اقتصاد مقاومتی سازمان‌های دفاعی دانش‌بنیان کشور را به عنوان هدف نهایی طی مفاهیم استخراج شده از دیدگاه‌های معظم له نمایان می‌سازد.

چارچوب مفهومی ارائه شده برگرفته از رهنمودهای مقام معظم رهبری به خوبی مسیر حرکت در راستای تحقق چشم‌انداز اقتصاد مقاومتی دانش‌بنیان کشور که همانا کسب قدرت برتر دفاعی در منطقه را تبیین کرده و در این راستا الزامات، ارکان و راهبردهای اقتصاد مقاومتی دانش‌بنیان را مورد توجه قرار داده‌اند و ضمن توجه به مبانی پایه و اصول زیرساختی، با بهره‌گیری از الزامات اقتصاد مقاومتی و فرآیندهای مرتبط، چگونگی ایجاد مدیریت تهدیدها در سازمان‌های دفاعی دانش‌بنیان را تشریح می‌نماید.

از زمان ظهور اقتصاد، اندیشمندان این عرصه در پی ارائه تئوری در این زمینه بوده‌اند تا بتوانند به کمک آن افراد و سازمان‌ها را هدایت کنند. از سوی دیگر شکست مکتب‌های غیر الهی و عواقب نامطلوب آن دانشمندان و اندیشمندان را بر آن داشته است که به معنویت و ایمان روی آورند. اسلام به عنوان آخرین و کامل‌ترین مکتب الهی بدون شک بهترین راه رسیدن به کمال و سعادت انسان‌ها است. رهنمودها و فرمایشات مقام معظم رهبری به عنوان ولی فقیه و جانشین امام زمان (ع) می‌تواند ضامن سعادت کشور باشد چنانچه حضرت امام خمینی (ره) فرمودند پشتیبان ولایت فقیه باشید تا به مملکت آسیبی وارد نشود؛ بنابراین رهنمودهای معظم له درباره نقش اقتصاد مقاومتی در سازمان‌های دانش‌بنیان کشور مورد بررسی قرار گرفته است.

بنابراین با عنایت به فرمایشات معظم له موارد زیر پیشنهاد می‌گردد:

- ۱- رعایت الگوی درست مدیریت مصرف در سازمان‌های دفاعی دانش‌بنیان؛
- ۲- استفاده حداکثری از زمان، مکان و تجهیزات؛
- ۳- حمایت از تولید ملی در سازمان‌های دفاعی دانش‌بنیان؛
- ۴- توجه به خودکفایی در سازمان‌های دفاعی دانش‌بنیان؛
- ۵- داشتن همت و کار مضاعف؛
- ۶- ایجاد کرسی‌های نظریه‌پردازی با عنایت به اقتصاد مقاومتی؛
- ۷- ایجاد مراکز فعال تحقیقاتی با عنایت به اقتصاد مقاومتی در سازمان‌های دفاعی دانش‌بنیان؛
- ۸- ایجاد بانک اطلاعات مرکزی در سازمان‌های دفاعی دانش‌بنیان؛
- ۹- ایجاد صنایع دانش‌بنیان؛
- ۱۰- ایجاد نهضت نرم‌افزاری و تولید دانش؛
- ۱۱- پژوهش در راستای نیاز کشور با عنایت به اقتصاد مقاومتی؛
- ۱۲- سرمایه‌گذاری جهت بومی‌سازی سازمان‌های دفاعی دانش‌بنیان؛
- ۱۳- ارتباط مراکز دانش‌بنیان با صنعت و دانشگاه؛
- ۱۴- سپردن پروژه‌های سازمان‌های دفاعی دانش‌بنیان به مراکز تحقیقاتی و دانشگاه‌ها و اساتید جهت اجرا؛
- ۱۵- نظارت بر پیشرفت علمی پروژه‌های در دست اقدام؛
- ۱۶- توجه به استعدادها و سرمایه‌های فکری.

## منابع:

۱. پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری، ((www.leader.ir)).
۲. داوونپورت، تامس؛ پروساک، لارنس، (۱۳۷۹)، مدیریت دانش، ترجمه حسن رحمان سرشت، تهران، نشر سایکو.
۳. رادینگ، آلن (۱۳۸۶)، مدیریت دانش، مترجم محمد حسین لطیفی، تهران، سمت.
۴. رشیدزاده، فتح‌الله، (۱۳۸۹)، تربیت نظامی، تهران، دانشگاه افسری امام علی (ع).
۵. عدلی، فریبا، (۱۳۸۴)، مدیریت دانش حرکت به فراسوی دانش، تهران، انتشارات فراشناختی اندیشه.
- 6- Alavi, M; Kayworth, T. R; Lidner, D. E. (2006). An empirical examination of impudence of organizational culture on knowledge management practices. *Journal of management information system*, 22(3), 191-223.
- 7-CIO, Council. (2001). *Managing Knowledge work: An Overview of Knowledge Management*. London: Knowledge Management Working Group of the Federal Chief Information Officers Council. August Report, P. 32.
- 8- Davenport, T. H; Prusak, L. (1998). *Working knowledge: how organizations manage what they know*. Boston: Harvard Business School Press.
- 9- King, N. (1999). Knowledge management: applying manufacturing theory in knowledge – based industries. *Management Accounting*, 77(3), 38.
- 10- Liebowitz, J. (1999). *Knowledge learning from management engineering*. New York: CRC Press.
- 11- Moore, J. (1998). Knowledge management meets BP: KM efforts will flop unless they are tied to business process. *CIO*, 12(4), 65- 68.
- 12- Palanisamy, R. (2008). Organizational culture on knowledge management in ERP implementation: an empirical study. *Journal of Computer Information Systems*, 48(2), 100-120.
- 13-Prez, E. (1999). Knowledge Management in the library. *Database*. 22(2), 76.
- 14-Zins, Chaim. (2007). Conceptual approaches for defining data, information, and knowledge. *Journal Of the American Society for Information Science and Technology*,







# شاخص‌های حکمرانی خوب اقوام از بعد اقتصادی با تأکید بر قوم ترکمن

سجاد عموزاده خلیلی

مرتضی علویان

علی اکبر جعفری



## چکیده:

حکمرانی خوب الگویی تازه در ادبیات توسعه است که جهت ایجاد حکمرانی خوب در جوامع باید ابعاد توسعه برقرار گردد که یکی از مهم‌ترین بعد توسعه، بعد اقتصادی است. لازمه ایجاد حکمرانی خوب در جوامع با اقوام مختلف مانند ایران شناخت فعالیت اقتصادی اقوام است تا در صورت مانع بودن این بعد در حکمرانی خوب در جهت اصلاح آن برآیند. قوم ترکمن یکی از اقوام ساکن در شمال و شمال شرقی کشور است. این مقاله با روش اسنادی- کتابخانه‌ای و رویکرد توصیفی- تحلیلی در نظر دارد تا به این پرسش پاسخ دهد که شاخص‌های اقتصادی حکمرانی خوب در قوم ترکمن چیست و سپس بعد از شناخت این شاخص‌ها در جهت اصلاح آن، مواردی پیشنهاد گردد. بر اساس یافته‌های پژوهش حاضر آن دسته از ویژگی‌های حکمرانی خوب که قوم ترکمن می‌تواند به واسطه برخورداری از آن‌ها به عملکردهای اقتصادی مطلوبی دست پیدا کند. برحسب مطالعات در بین این قوم عبارت است از: مشارکت اقتصادی، حاکمیت قانون، شفافیت اقتصادی، مسئولیت‌پذیری دولت، اجماع‌سازی، عدالت اقتصادی و پاسخگویی دولت است.

**کلیدواژه:** حکمرانی خوب، اقتصاد، اقوام، قوم ترکمن.

## Indicators of good governance of relatives

The economic dimension with an emphasis on Turkmen people

Amoozad khalili.s1, Alavian.M 2, Gafari.A A 3

### Abstract:

Good governance is a new paradigm in development literature that in order to create good governance in societies, development dimensions must be established, which is one of the most important aspects of development, the economic dimension. The need to establish good governance in communities with different ethnicities, such as Iran, is to understand the economic activity of the ethnic groups so as to prevent this dimension of good governance in order to improve it. Turkmen is one of the ethnic groups in the north and northeast of the country. This paper intends a documentary-library method and a descriptive-analytical approach to answer this question, what are the economic indicators of good governance in the Turkmen people, and then, after identifying these indicators, to propose them. Based on the findings of the present study, those characteristics of good governance that the Turkmen people can achieving good economic performance through their enjoyment, according to studies among these people, is: economic participation, the rule of law, economic transparency, government accountability, consensus building, economic justice and government accountability.

Keywords: Good governance; economy; ethnicity; Turkmen people.

### مقدمه:

امنیت اقتصادی به لحاظ لغوی مرکب از دو واژه امنیت و اقتصاد است. امنیت اقتصادی، وضعیت باثباتی از شرایط و ساختار فعلی و افق معلوم و روشن از آینده است که در آن فرد، جامعه سازمان و دولت احساس رهایی از خطر کرده و به‌طور بهینه می‌تواند به تولید و توزیع و مصرف ثروت پردازند؛ به عبارت دیگر یک جامعه را زمانی می‌توان از لحاظ اقتصادی ایمن دانست که ثبات در آن جامعه وجود داشته و خانوارها و بنگاه‌ها به‌عنوان مهم‌ترین نهادهای اقتصاد و بازار بتوانند در محیط رقابتی سالم و با میزان اطلاعات یکسان به بهینه‌سازی رفتار خود پردازند (روحانی، ۱۳۹۲: ۶۶). مفهوم امنیت ملی در فرآیند تکامل تاریخی خود دستخوش تغییرات متعددی گشته است که می‌توان مهم‌ترین آن را در تقویت نقش اقتصاد به‌عنوان یکی از بنیان‌های تضمین‌کننده این امنیت و تضعیف تفکر امنیت ملی مبتنی بر قدرت نظامی طی دهه‌های اخیر به‌خصوص دهه‌های هفتاد و هشتاد به دنبال پاره‌ای تغییرات سیاسی، اقتصادی در سطح جهان جستجو نمود. گسترش روزافزون نقش اقتصاد در ساختار قدرت و در نتیجه امنیت ملی سبب گشته است تا در کشورهای توسعه‌یافته که دارای ساختارهای اولیه امنیت اجتماعی و سیاسی بوده و بسترهای قانون‌گرایی به‌خوبی در آنجا شکل گرفته است، امنیت ملی به‌طور عمده در سایه امنیت اقتصادی مفهوم یابد، ولی در کشورهای کمتر توسعه‌یافته به دلیل نبود این ساختارها به‌طور عمده امنیت اقتصادی و در نتیجه امنیت ملی فدای نگرش‌های ارزشی و تصمیمات سیاسی شده، شاهد نوسانات و بی‌ثباتی‌های اقتصادی در این جوامع باشیم (ونکی، ۱۳۸۸: ۵۵).

تحلیل امنیت ملی واحدهای سیاسی از منظر اقتصادی، به‌مثابه یک رهیافت جدید و قابل توجه، مورد تأکید مکاتب متعدد جامعه‌شناسی و امنیت پژوهی بوده است. واقع‌گرایانی چون مورگنتا و والتز بر وجه اقتصادی ثبات سیاسی توجه ویژه‌ای داشتند. امنیت ملی و حتی بین‌المللی در مکتب لیبرالیسم، تابعی از منطق گردش سرمایه و تولید سود و ارزش افزوده بوده و حتی اخیراً در مکاتب نوینی که تحت عنوان «نگرش جامع» به امنیت ملی یا

تحلیل کانستراکتویستی امنیت شناخته می‌شوند، پیوستگی بین اقتصاد و سیاست بسیار برجسته شده است (عسگری، ۱۳۸۳: ۳۲). باری بوزان، موضوع امنیت را ذهنی و مبتنی بر تصمیم بازیگران می‌داند. از اصل بین ذهنی بودن مسئله امنیت دو نتیجه نیز می‌توان گرفت؛ نخست آنکه آستانه امنیت دولت-ملت‌ها متفاوت از یکدیگر خواهد بود و این مهم به دیگر بازیگران متذکر می‌شود که وقتی دولت‌ها موضوعی را امنیتی می‌سازند این واقعیتی سیاسی است که نتایجی را نیز در پی خواهد داشت. دوم، اینکه دیگران چگونه در خصوص امنیتی ساختن یک موضوع می‌اندیشند و آن را ارزیابی می‌کنند، مهم است (بوزان، ۱۳۷۸: ۶۸). با توجه به اینکه رویکرد کپنهاگ نگاهی موسع به امنیت، متناسب با تغییر و تحولات نظام بین‌المللی داشته و آن را از زوایای گوناگون می‌نگرد و از سویی آن را امری بین‌الذهانی می‌داند، بهتر از رویکردهای دیگر روابط بین‌الملل می‌تواند به تبیین مفهوم امنیت کمک کند. اهمیت یافتن نقش اقتصاد در امنیت ملی کشورها، چه در سطح داخل به صورت همبستگی ملی و چه در سطح خارج به صورت همکاری بین‌المللی و پیمان‌های جهانی، بر کاهش هزینه‌های نظامی و نگاه مثبت کشورها به همدیگر تأثیر می‌گذارد (نگین تاجی، همکاران، ۱۳۹۰: ۱۹۰).

در کشورهایی که از اقوام گوناگون تشکیل شده‌اند، اقتصاد و معیشت اقوام نقش مهمی در وحدت، همگرایی و ضریب امنیت ملی کشور دارد. هر چه وضعیت اقتصادی اقوام (با توجه به شاخص اقتصادی) بهبود یابد به همین ترتیب ما شاهد کاهش واگرایی و تنش‌های قومی خواهیم بود در نتیجه زمینه برای تقویت امنیت ملی فراهم می‌شود ایران از جمله کشورهای که از اقوام گوناگون تشکیل شده و این مسئله در مورد ایران نیز صدق می‌کند. به گونه‌ای که اگر رشد در زمینه شاخص‌های اقتصادی در میان اقوام اتفاق بیفتد می‌تواند زمینه همگرایی بیشتر و بالا رفتن ضریب امنیت ملی را به دنبال داشته باشد و برعکس. اگر وضعیت اقتصادی اقوام روند کاهشی داشته باشد (با توجه به شاخصه‌های که مطرح می‌شود) می‌تواند زمینه هر چه بیشتر واگرایی و رفتارهای نابهنجار و در نتیجه کاهش ضریب امنیت ملی را به دنبال داشته باشد (عموزاد، ۱۳۹۵: ۱۱۱).



ایران کشوری است پهناور و دارای تمدنی با سابقه بسیار طولانی که قبل از سکونت اقوام آریایی اقوام دیگری در این سرزمین روزگار می‌گذرانده‌اند و شاهد این مدعا آثار به‌دست‌آمده با سابقه طولانی چون شهر سوخته زابل یا تپه‌های سیلک کاشان و ... است؛ اما پس از سکونت اقوام آریایی تا به امروز این سرزمین قوم یکپارچه‌ای به خود ندید زیرا موقعیت مکانی این سرزمین به‌گونه‌ای است که محل تاخت و تاز اقوام مختلف قرار گرفته و اکنون قومیت‌های گوناگونی در این کشور زیست می‌کنند. معمولاً در کشورهای مختلف، تعدد اقوام و قومیت‌ها یکی از نگرانی‌های آن‌ها است. به همین دلیل دشمنان انقلاب اسلامی ایران از ابتدای پیروزی آن، درصدد بودند تا از تنوعات قومی و مذهبی برای اختلاف‌افکنی استفاده کنند؛ اما بیش از سه دهه حیات جمهوری اسلامی ایران نشان می‌دهد که رویکرد فرصت محور جمهوری اسلامی به اقوام ایرانی با توجه به مشترکات تاریخی و دینی، زمینه‌های مشارکت اقوام مختلف را در دفاع و سازندگی کشور فراهم آورده است.

این مقاله با هدف فهم تأثیر حکمرانی خوب فعالیت اقتصادی اقوام ساکن در مناطق مرزی کشور بر امنیت ملی کشور در گام اول انقلاب ایران تحریر می‌شود. از این رو فرضیه پژوهش حاضر عبارت است از: به نظر می‌رسد با توجه به تولید کالایی راهبردی و مشارکت ترکمن‌ها در امنیت غذایی نقش آنان در بعد اقتصادی امنیت ملی در گام اول انقلاب مثبت بوده است. در جمهوری اسلامی ایران وجود قوم ترکمن در شمال و شمال شرقی کشور با فعالیت‌های اقتصادی خود و تولیدات محلی، در امنیت ملی تأثیرگذار می‌باشد. بدین‌منظور، توصیف فعالیت‌ها و عوامل اقتصادی این قوم مرزی و تحلیل تأثیر این عوامل و فعالیت‌های اقتصادی بر امنیت مناطق مرزی و ملی کشور در دستور مطالعه قرار دارد. ترکمن صحرا منطقه‌ای در شمال و شمال شرقی ایران است و شهرهای گنبد کاووس، بندر ترکمن، آق‌قلا، مراوه تپه، کلاله، سیمین شهر، نگیں شهر، گمش تپه، بجنورد، درگز، گیلداغ، رامیان و اطراف تربت جام را در برمی‌گیرد. اکثریت نسبی جمعیت ترکمن صحرا را ترکمن‌ها تشکیل می‌دهند که مردمانی ترکمن زبان و مسلمان (اهل سنت حنفی) هستند. دشت گرگان که بخش اعظم استان گلستان را تشکیل می‌دهد موطن اصلی

ایرانیان ترکمن می‌باشد (کنعانی، ۱۳۷۹: ۲۱۷). در حقیقت ترکمن‌ها را می‌توان یک گروه قومی بزرگ به حساب آورد که شامل قبایل بسیاری مانند: گوگلان، یموت و تکه می‌باشد. جمعیت ترکمن‌ها در حدود یک میلیون و نیم می‌رسد (جعفری، ۱۳۹۴: ۵۷).

### چارچوب نظری:

#### مکتب کپنهاگ:

مقوله کلی امنیت را می‌توان به احساس آزادی و رهایی یا احساس ایمنی که ناظر بر امنیت مادی و روانی است اطلاق کرد که در آن صورت موجب استقلال رأی یک دولت یا ملت گشته و توانایی مقابله با دخالت بیگانگان و نیروهای خارجی را در امور داخلی خواهد داشت. دو رهیافت در امنیت ملی وجود دارد:

۱- رهیافت سنتی؛

۲- رهیافت جدید.

تعریف سنتی و کلاسیک رهیافت ملی: این رهیافت از منظر تک‌بعدی امنیت ملی را مطالعه تهدید، استفاده و کنترل نیروی نظامی می‌داند. در این دیدگاه با تعبیر سخت‌افزاری از امنیت ملی، اولاً تهدید خارجی در اولویت بیشتر نسبت به تهدید داخلی می‌بیند، ثانیاً نظام بین‌المللی در این دیدگاه نسبت به محیط داخلی قدرت بیشتری بر امنیت کشور دارد، ثالثاً این رهیافت با دید تقلیل‌گرایی و جزئی‌نگری، امنیت را در چارچوب مرزهای ملی تعریف می‌نماید (بوزان، ۱۳۷۸: ۲۹). در دوران جدید با فروپاشی نظام دوقطبی، پایان جنگ سرد و در نتیجه تغییر نظام قدرت در جهان که سبب شد نگاه نظامی به امنیت در بعد بین‌المللی متحول شد و ابعاد دیگر قدرت، یعنی ابعاد اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی جایگاه قوی‌تری پیدا کرده است. در گفتمان نوین امنیت، از وجود تمامیت ارضی و نهادهای سیاسی به مرحله بالاتر یعنی اراده و مهارت و ضرورت ارتقای رضایت ساکنان سرزمین و نیز کارآمدی نهادهای سیاسی و غیر سیاسی توجه می‌شود (مولر، ۲۰۰۰: ۲۳).

همچنین باری بوزان از جمله نظریه‌پردازان مکتب کپنهاگ در خصوص امنیت معتقد است امنیت را باید چندبعدی نگریست که ابعادی مانند مهاجرت، سازمان‌های جناحی

فراملی و فروملی، محیط زیست و رفاه اقتصادی را شامل می‌شود. او معتقد است برای چندبعدی بودن امنیت بایستی تأثیر فرهنگ، جغرافیا محیط زیست، تمدن و مذهب و از همه مهم‌تر هویت را فهمید (بوزان، ۱۳۷۸: ۳۳). بوزان در دهه نود میلادی دیدگاه امنیت اجتماعی را مؤثرترین شیوه جهت فهم موضوع امنیت مطرح نمود و هدف مرجع امنیت اجتماعی را مسئله هویت دانست. امنیت اجتماعی در مکتب کپنهاگ، یک مفهوم مرکزی دارد و آن عبارت است از هویت. هرگاه گروهی احساس کند باور و رویه‌های فرهنگی- اجتماعی‌اش انکار، مهار یا دست‌کاری می‌شود، احساس ناامنی می‌کند (کیملیسکا، ۲۰۰۲: ۳۲). همچنین، امنیت ملی در ساده‌ترین تعریف این‌گونه تعریف می‌شود: توانایی یک ملت برای حفاظت از ارزش‌های حیاتی داخلی در مقابل تهدیدات خارجی و این‌که کشورها چگونه سیاست‌ها و تصمیمات لازم را برای حمایت از ارزش‌های داخلی در مقابل تهدیدات خارجی، اتخاذ می‌کنند (ماندل، ۱۹۹۵: ۱۲۳)؛ اما در تعریف مدرن از امنیت ملی به‌جای توجه به تهدیدات خارجی، آسیب‌پذیری‌های داخلی بیش‌تر مورد توجه است و تهدید خارجی دارای اعتبار کمتری است (حمیدی، ۱۳۹۵: ۳۵)؛ چراکه آسیب امنیت ملی رابطه معکوسی با امنیت ملی دارد. هر جا و در هر سطحی امنیت ملی نباشد یعنی فعالیت‌ها و ارتباطات مجاز و مشروع شهروندان با وقفه یا اختلال مواجه شود، آسیب امنیت ملی ظهور می‌کند (اسکندی، ۱۳۹۴: ۲۸).

مکتب کپنهاگ معمولاً با نام باری بوزان و الی وی‌ور شناخته می‌شود و تنها رهیافتی است که فقط بر مطالعات امنیتی مبتنی است و جزء اولین رهیافت‌هایی به شمار می‌رود که تلاش کرد جایگاهی مستقل برای مطالعات امنیتی پایه‌گذاری کند (عبدالله خانی، ۱۳۹۲: ۱۱۹). این مکتب امنیت را از جنبه‌های گوناگون مورد مطالعه قرار داده است؛ اما بر بعضی جنبه‌ها بیشتر تمرکز کرده و بعضاً مبتکر طرح‌های جدیدی نیز بوده است. طرح موسع امنیت در برابر برداشت مضیق از آن یکی از این موارد است که به‌منظور توسعه ابعاد امنیت مطرح شده است. از دید مکتب کپنهاگ، امنیت مفهوم سنتی خود را در وضعیت جدید از دست داده است در حالی که در گذشته، امنیت در چارچوب الگوی وستفالیا و با ابعاد

نظامی نگریده می‌شد در دوران پسا جنگ سرد، دچار دگر دیسی شده است. در دوره جدید، گسترش دامنه امنیت به ابعاد چندگانه نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی کاملاً مشهود است (بوزان و ویور، ۱۹۹۸: ۳۴). این مکتب بر آن است که دیگر نمی‌توان مسائل امنیتی را فقط در قالب نظامی مورد بررسی قرار داد و بازیگران علاوه بر تهدیدات نظامی از دیگر حوزه‌ها نیز مورد تهدید قرار می‌گیرند که گاهی چه بسا اهمیت آن از حوزه نظامی فراتر می‌رود و بازیگران را تا لبه پرتگاه نابودی پیش می‌برد؛ بنابراین اندیشه سنتی که سیاست نظامی را در درجه امنیتی والا قرار می‌داد و دیگر مباحث امنیتی در درجه دوم داشت از دید پیروان این مکتب نیازمند بازنگری جدی است. امنیت، پیچیده و چندبعدی است که تمام عرصه‌های مختلف سیاسی، نظامی، اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی را شامل می‌شود (بهرامی و عراقچی، ۱۳۹۶: ۱۳۰).

### حکمرانی خوب:

حکمرانی در لغت به معنای اداره و تنظیم امور و رابطه میان شهروندان و حکومت‌کنندگان اطلاق می‌شود. حکمرانی اشاره به پاسخگو بودن هم در حوزه سیاست‌گذاری و هم اجرا را دارد (شریفیان ثانی، ۱۳۸۰: ۱۴۹). بر این اساس حکمرانی مستلزم تعامل میان ساختار، فرآیند و سنت است که بر اعمال و رابطه قدرت در مجموعه‌های نهادی و اجتماعی دلالت دارد و مفاهیم هدایت، کنترل و تنظیم فعالیت‌ها در جهت منافع مردم یا همه شهروندان، رأی‌دهندگان و کارکنان مستتر است (Plumpter, 3: 1999). می‌توان گفت جوهره حکمرانی به روابط اجزای درون حکومت و بخش‌های غیر حکومتی اشاره دارد (Kaufmann, 2010: 4). از نظر دانشمندان علوم سیاسی حکمرانی بر فرگرد مدیریت سیاسی اشاره دارد که مبانی هنجاری اقتدار سیاسی و سبک هدایت امور عمومی و به‌کارگیری منابع عمومی را در برمی‌گیرد. مفهوم حکمرانی وسیع‌تر از حکومت است، حکومت به‌طور مشخص با نقش مقامات سیاسی در حفظ نظم اجتماعی در سرزمین معین و اعمال قدرت اجرایی در محدوده آن سروکار دارد. همان‌طور که مشخص است در تعریف حکمرانی سه اصطلاح پاسخگویی و حساب پس دهی، مشروعیت و شفافیت مورد

توجه قرار می‌گیرد (پورعزت، ۱۳۸۷: ۱۸-۱۹). در واقع موضوع اساسی در حکمرانی، تصمیم‌گیری، تصمیم‌گیری در این باره است که چه کسی، چه چیزی، چگونه، کجا و چه هنگام به دست آورد (Sapru, 2006: 308).

حکمرانی خوب به‌عنوان پارادایم جدید در اداره بخش عمومی نقطه تلاقی و تعامل بین رشته‌های مختلف علوم انسانی مانند مدیریت، اقتصاد، علوم سیاسی، جامعه‌شناسی، حقوق، سیاست‌گذاری عمومی و روابط بین‌الملل را ایجاد کرده است. این الگو به‌خصوص از دهه ۱۹۸۰ م به بعد توسط نهادهای بین‌المللی و در پاسخ به اوضاع نامطلوب جوامع در حال توسعه و حرکت آن‌ها به‌سوی توسعه ارائه شد. از نظر دی فرانسی (۲۰۰۹ م) الگو حکمرانی خوب نحوه حکمرانی، کیفیت رابطه بین شهروندان و حکومت را نشان می‌دهد. در این نظریه دخالت منطقی دولت و نقش تسهیل‌گری و هماهنگ‌کنندگی آن تأکید دارد. در حقیقت حکمرانی خوب اصطلاحی که نشانه تغییر پارادایم نقش حکومت است و اینکه اولویت‌های گوناگون بر مبنای نیازها و خواست سطوح و اجزاء گوناگون یک جامعه تحقق پیدا می‌کند:

### تأثیرات شاخص‌های الگوی حکمرانی خوب بر مدیریت بخش‌های اقتصادی:

الگوی حکمرانی خوب منازعه به وجود آمده در اولویت به بازار یا دولت در توسعه اقتصادی از بین می‌برد و آن دو را مکمل هم می‌داند؛ بنابراین توانمندی ماهوی دولت در برنامه‌ریزی و نظارت و نقش فعالانه بازیگران اجتماعی در راهبری امور اقتصادی موضوع مهمی محسوب می‌شود. آزادی‌های قانونی و انتشار آزاد اطلاعات موجب تقویت آگاهی‌های عمومی و شفافیت اقتصادی و اجتماعی می‌شوند. وجود نهادهای جامعه مدنی مثل انجمن‌های صنفی، اتحادیه‌ها، احزاب و انتخابات آزاد و سالم به مردم یک جامعه قدرت می‌بخشد تا دولت‌ها را انتخاب، کنترل و برکنار کنند. این نهادها و رسانه‌های آزاد هستند که با پیگیری مطالبات گروه‌های مختلف مردم و رصد فعالیت‌های دولت می‌توانند هیولای دولت را رام کنند. بدون سازوکارهای پاسخگویی مناسب، ارتباطات حمایتی دولت و بخش خصوصی که البته برای توسعه ضروری است، حاصلی جز رانت و فساد ندارد

(خالقی، ۱۳۹۵: ۱۹). با توجه به وجود رسانه‌ها و شفافیت اطلاعات در الگوی حکمرانی خوب صاحبان کسب‌وکار از توانایی لازم برای نقد سیاست‌های اقتصادی نادرست دولت و مقابله با تغییرات نابجا در قوانین برخوردار هستند. در این فضا ریسک سرمایه‌گذاری کاهش پیدا کند و زمینه برای سرمایه‌گذاری و به دنبال آن افزایش تولید پیدا می‌شود. با چنین فضایی سرمایه‌انسانی هم افزایش می‌یابد. ارتقای سرمایه‌انسانی از یک‌سو با سطوح بالاتر تولید در ارتباط است و تخصیص غیر بهینه منابع را کاهش می‌دهد.

یکی از شاخص‌های دیگر که در قالب حکمرانی خوب مطرح می‌شود موضوع فساد است. در شرایطی که فساد در جامعه شایع شود افراد جامعه به‌خصوص نیروهای انسانی با استعداد به‌جای استفاده از ابتکار و نوآوری خود سعی می‌کنند از رهگذر پرداخت رشوه و تبانی با مقامات دولتی، اقدام به کسب یک رانت قانونی یا مجوز دولتی نمایند. حال آنکه این افراد به‌طور بالقوه می‌توانند ظرفیت جامعه را از لحاظ پیشرفت‌های فنی ارتقا دهند. علاوه بر این وجود فساد، جذابیت‌های اقتصادی را برای سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی کاهش داده و بنگاه‌های دولتی را به سمت فعالیت‌های غیر رسمی که به‌طور عمده با پرداخت کمتر مالیات به دولت همراه است، سوق می‌دهد. وجود فساد درآمدهای مالیاتی دولت‌ها را کاهش داده و از این طریق دولت‌ها را در اجرای وظایف خود که همانا ارائه خدمات زیربنایی و کالاهای عمومی مؤثر در فرآیند تولید ناتوان سازد (برادران شرکا و همکاران، ۱۳۷۸: ۳۶۶). حوزه قانون و قانون‌گذاری به‌عنوان یکی از عناصر اصلی در الگوی حکمرانی خوب تلقی می‌شود که رویه قانون‌گذاری به سمت کیفیت قوانین و عدم تدوین و تصویب مقررات و رویه‌هایی که برای رونق و رشد اقتصادی دست و پاگیر سوق می‌دهد. تدوین مقررات نامتناسب موجب خروج سرمایه‌های داخلی و باعث کاهش فعالیت‌های تولیدی و افزایش بیکاری در جامعه می‌شود. تدوین و اجرای مناسب قانون حقوق افرادی که به دنبال منفعت شخصی حفظ می‌شود و این خود موجب انگیزه و فعالیت می‌شود (شاه‌آبادی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۵۱). قوانین و مقررات نامناسب موجب سردرگمی فعالان اقتصادی و محیط نامناسب فضای کسب‌وکار برای کارفرمایان و شاغلان

را فراهم می‌کند. بوروکراسی شایسته در الگوی حکمرانی خوب ضمن بردن سریع فعالیت‌ها به صورت سالم و بهینه احتمال سرمایه‌گذاری‌های مؤثر را افزایش می‌دهد. کیفیت نظام اداری، صلاحیت و شایستگی کارگزاران و استقلال خدمات همگانی موجب افزایش توان رقابتی اقتصاد و بهبود بهره‌وری عوامل تولید و سیاست‌گذاری‌ها و مدیریت‌ها در عرصه اقتصادی می‌شود (Baroo, 1991: 106).

با توجه به نکات مطرح شده می‌توان گفت که شاخص‌های موجود در حکمرانی خوب شرایط لازم برای بهبود در شاخص‌ها و متغیرهای گوناگون اقتصادی مانند تولید ناخالص داخلی، اشتغال، محیط مساعد کسب‌وکار و سرمایه‌گذاری فراهم می‌کند.

### رویکردهای حکمرانی خوب در گام اول انقلاب به اقوام ایرانی:

۱- فرصت دانستن تنوع اقوام: اکثر کشورهای دنیا با مقوله تنوع اقوام مواجه هستند و «معمولاً در کشورهای مختلف تعدد اقوام و قومیت‌ها یکی از نگرانی‌های آن‌ها است؛ در کشور ما به عکس است» (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۸۷). «تنوع اقوام را ما برای کشورمان یک فرصت به حساب می‌آوریم، این یک حقیقت است. حقیقتاً برای ما تنوع اقوام یک فرصت است» (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۸۸). رهبر انقلاب از یک‌سو در رهنمودی به نمایندگان دوره هفتم مجلس شورای اسلامی می‌فرماید: «همه تمایلات منطقه‌ای و قومی و بخشی باید در پرتو نگاه ملی برآورده شود» (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۸۳) و از سوی دیگر بر امکانات و ظرفیت‌های فرهنگی و اجتماعی مردم این مناطق به عنوان یک سرمایه و ثروت ملی نظر افکنده می‌شود: «زبان کردی یک ثروت ملی است، استعداد‌های علمی و هنری جوانان اینجا یک ثروت ملی است، استعداد ورزشی جوانان کردستان یک ثروت ملی است؛ از این ثروت‌های ملی باید استفاده بشود، بهره‌برداری بشود، به فعلیت برسد» (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۸۸).

۲- مخالفت با تبعیض میان اقوام: رهبر انقلاب درباره عدم تبعیض میان اقوام ایرانی می‌گویند: «نظام جمهوری اسلامی مطلقاً با نگاه تبعیض‌آمیز نگاه نمی‌کند؛ نه به کردستان و نه به هر نقطه ویژه دیگری در سرتاسر کشور. نگاه نظام جمهوری اسلامی به تنوع

قومی و تنوع مذهبی مطلقاً نگاه تعصب‌آمیز، قوم‌گرا، یک‌جانبه‌نگر نیست. این را به‌طور قاطع من اعلام می‌کنم. نه امروز هست که من از نیت خودم و دل خودم حرف می‌زنم، نه در طول زمان‌های گذشته در دهه ۶۰، زمان حیات مبارک امام (رضوان الله تعالی علیه) چنین چیزی نبوده. جمهوری اسلامی علاوه بر اینکه سیاست غلط رژیم گذشته را مبنی بر بیگانه‌انگاشتن اقوام نفی نمود و «این نگاه را تصحیح کرد؛ نه فقط در سطح مسئولان، بلکه در سطح آحاد مردم». نگاه اسلامی را که مبتنی بر «برادری و اتحاد و هالگوی و صمیمیت است». جایگزین آن نمود؛ بنابراین در تمام برنامه‌های اقتصادی و توسعه‌ای، تبعیضی میان مردم سراسر کشور به‌خصوص مناطق قومی قائل نشد؛ اما در سال‌های آغازین انقلاب با وجود برنامه‌ریزی برای حل مشکلات ناشی از رژیم گذشته، «حضور ضد انقلاب» و «ایجاد ناامنی در این مناطق» مانع از فعالیت نظام اسلامی و در نتیجه موجب عقب افتادن این مناطق از توسعه و به‌ویژه در حوزه زیرساخت‌ها شد و «ضد انقلاب این فرصت را متأسفانه برای مدت چند سال از دست نظام جمهوری اسلامی گرفت» (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۸۸).

۳- مشارکت اقوام ایرانی در سرنوشت خود: حاکم نبودن نگاه تبعیض‌آمیز به اقوام در نظام جمهوری اسلامی ایران موجب نقش‌آفرینی عموم مردم از اقوام مختلف و نخبگان در حوزه‌های گوناگون خواهد شد. وجود «انواع سلیقه‌ها و گرایش‌های سیاسی و اقوام ایرانی و پیروان ادیان و اهالی مناطق گوناگون کشور در مجلس» (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۸۳). نشان از حضور و نقش‌آفرینی تمامی اقوام ایرانی در قانون‌گذاری دارد. نبود مرزبندی قومی و مذهبی برای حضور در بسیج نیز نشانه دیگری از نقش اقوام ایرانی در یک جمع ارزشی و انقلابی و نقش‌آفرینی آن‌ها در دفاع از نظام اسلامی است. به فرموده رهبر انقلاب: «بسیج، مرز صنفی و مرز جغرافیایی و قومی نمی‌شناسد. همه اقوام ایرانی، همه اصناف گوناگون ملی در سطوح مختلف فکری از انسان‌های نخبه برجسته ممتاز در میان اهل علم و دانشجویان تا جوان‌های فعال و پرشور صحنه‌های دیگر، همه در بسیج جمع‌اند. بسیج نماد حضور ملی و مقاومت ملی و آگاهی یک ملت است»



(بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۸۴). رهبر معظم انقلاب بر استفاده از روحیه قومی برای پیشرفت ملی تأکید می‌کنند: «هر قومی از اقوام ایرانی، چه کرد، چه فارس، چه تُرک، چه بلوچ، چه عرب، چه ترکمن، چه لُر، سعی کند با همان روحیه قومی در جهت پیشرفت ملی، نه فقط پیشرفت قومی، گام‌های بلندتری بردارد» (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۸۸).

۴- اعطای حقوق مسلم اقوام: در نظام اسلامی مقوله «قومیت» و «مذهب» هیچ‌گاه مانع شناسایی و اعطای حقوق مسلم اقوام ایرانی نخواهد بود، بلکه «نظام جمهوری اسلامی محور قضاوتش، اسلام و ایرانی بودن است؛ اسلام و ایرانییت. همه مسلمان‌ها و همه ایرانی‌ها در این نگاه، در محدوده جغرافیایی کشور دارای ارزش هستند» (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۸۸)؛ بنابراین «ما وقتی که می‌خواهیم یک ایرانی را به‌عنوان یک ایرانی به حقوق حقه خودش برسانیم، از او سؤال نمی‌کنیم که مذهب و یا حتی دین تو چیست. نه مواظن ماست و از حقوق همشهری‌گری با ما دارد استفاده می‌کند و در این مملکت زندگی می‌کند؛ چیزی باید پردازد، کاری باید بکند و حقوقی هم دارد. حق امنیت، حق زندگی، حق کار، حق تلاش، حق تحصیل و فرهنگ دارد» (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۷۰). از سوی دیگر «امنیت، حق عمومی و متعلق به همه مردم در سرتاسر کشور است و اقوام مختلف، زبان‌های مختلف، عادات مختلف و ادیان مختلف از آن بهره می‌برند» (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۷۹).

۵- جدا کردن حساب اقوام ایرانی از اشرار و فریب‌خوردگان: از سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران جدا دانستن حساب اقوام از اشرار و فریب‌خوردگان است. این سیاست در مقابله با تبلیغات دشمنان که در تلاش بودند تحریکات علیه جمهوری اسلامی ایران را در مناطق قومی به حساب اقوام بگذارند، بسیار کارآمد و مؤثر بود؛ بنابراین حضور برخی از اشرار در بعضی مناطق نه‌تنها جمهوری اسلامی ایران را نسبت به مردم منطقه بدبین نمی‌کند، بلکه نظام را بر آن می‌دارد که منطقه را از لوٹ وجود آن‌ها با همکاری مردم منطقه پاک نماید. رهبر معظم انقلاب در دیدار با مردم سقز به این تفکیک اقوام از اشرار تأکید می‌کنند: «به عموم ملت ایران از اقوام گوناگون هم بگوییم، مبدا به

اشتباه بیفتند. مبدا رفتار گروه‌های اندک شمار که پنجه به چهره انقلاب و جمهوری اسلامی می‌زدند، به حساب این مردم عزیز، این جمعیت انبوه، این دل‌های وفادار نوشته بشود. تعداد معدودی انسان‌های شریر یا فریب‌خورده که در هر نقطه‌ای پیدا می‌شوند، در کردستان و در غیر کردستان، حساب این‌ها از حساب متن مردم عزیز این استان به کلی جداست» و خود مردم با این افراد برخورد می‌کنند. وجود گروه «پیشمرگان کرد مسلمان» یکی از مصادیقی است که ایشان در اثبات این مطلب بیان می‌کنند: «در همان دورانی که در اینجا و جاهای دیگر، یک عده ایادی بیگانه به نام مردم کرد حرف‌هایی می‌زدند که مردم کرد روحشان از آن حرف‌ها خبر نداشت، آن روزی که در این استان و استان‌های هم‌جوار، دست‌های شیطنت‌آمیز دشمنان به فکر فتنه و برادرکشی بودند، خود مردم این استان در صفوف مقدم قرار گرفتند؛ یاد مجموعه رشید و پرافتخار پیشمرگان کرد مسلمان هرگز از خاطره آن کسانی که مجاهدات آن‌ها را دیدند، نخواهد رفت» (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۸۸).

۶- اهانت به مقدسات یکدیگر؛ خط قرمز نظام اسلامی: در نظام اسلامی «اهانت به ارزش‌ها و مقدسات گروه‌های مختلف قومی و مذهبی» که در قانون اساسی به رسمیت شناخته شده‌اند، به‌عنوان «خط قرمز» معرفی شده است. رهبر انقلاب در این باره می‌فرماید: «دشمن امید بسته است که بتواند پیروان مذاهب گوناگون را مقابل هم قرار بدهد. هیچ‌کس نباید تسلیم این نقشه خائنانه و خباثت‌آمیز دشمن بشود. آن‌ها می‌خواهند شیعه در مقابل سنی، سنی در مقابل شیعه، دل‌ها از هم چرکین، نسبت به هم بدبین، آن‌ها این را می‌خواهند. برای همین است که من اعلام کردم، باز هم تأکید می‌کنم خط قرمز از نظر نظام اسلامی و از نظر ما عبارت است از اهانت به مقدسات یکدیگر» (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۸۸). از سوی دیگر رهبر معظم انقلاب با «اعلام حرمت تقلید لهجه قومیت‌ها در صورت تمسخر لهجه»، به ریشه‌یابی این نقشه استعمار می‌پردازند: «غالب این شهرهایی که لهجه‌های آن‌ها تقلید می‌شود، شهرهایی هستند که دارای مردم غیرتمندی هستند که در حوادث مهم صد سال پیش در مقابل دشمنان و مهاجمین

ایستاده‌اند. این تصادفی نیست. این تقلید هم سابقه ندارد؛ یعنی توی هیچ‌یک از این کتاب‌های ادبی و طنز و غیره ما ندیدیم که یک حرفی باشد که نشان‌دهنده تقلید لهجه باشد. این مالِ همین اواخر است؛ یعنی مثلاً از صد سال پیش به این طرف؛ یعنی از وقتی که کشور ما در مواجهه با این دشمنی‌ها قرار گرفته، یکی از مناطقی که ایستادگی سرسخت کرده، مناطق شمال است، منطقه گیلان، یکی از مناطق، منطقه خراسان است؛ یکی از مناطق، مناطق آذربایجان است. این‌ها آن جاهایی هستند که مردمش سرسختی و سلحشوری نشان دادند. اتفاقاً سعی شده است که همین‌ها از لحاظ لهجه در بین مردم سبک بشوند؛ یعنی تقلید می‌شود» (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۸۹).

۷- هویت قومی، جزئی از هویت ملی ماست: تنوع قومی در ایران - به دلیل وجود مؤلفه‌های حقیقی همبستگی میان اقوام و قرار گرفتن هویت قومی به‌عنوان جزء لاینفک هویت ملی - یک فرصت قلمداد می‌شود. پس هرچه مؤلفه‌های هویت قومی با توجه به هویت ملی تقویت شود، هویت و همبستگی ملی نیز تقویت خواهد شد: «سنت‌های مختلف، آداب و عادات مختلف و استعدادهای گوناگون و متنوع، یک فرصت است که اجزای گوناگون این ملت بتوانند یکدیگر را تکمیل کنند؛ با مراودات درست و با هم‌زیستی و اتحاد کامل. برای ملت ما این یک افتخار است که چنین نگاهی به مسئله تنوع اقوام دارد. علت هم این است که اسلام منبع الهام این نظام است و در این نگاه اسلامی، بین نژادهای مختلف و زبان‌های مختلف، ولو از ملت‌های گوناگون، تفاوتی نیست؛ چه برسد به اقوام مختلف در میان یک ملت. نگاه اسلام این است و نگاه نظام اسلامی هم این است. لذا ما به منطقه کردی، استان کردستان و مناطق اقوام دیگر با نگاه اسلامی نگاه می‌کنیم» (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۸۸).

**دستاوردهای اقتصادی حکمرانی جمهوری اسلامی در حمایت از تمامی اقوام به**

**روایت امام خمینی (ره)**

۱- سیاست دفاع از پابرهنگان: خدا نیاورد آن روزی را که سیاست ما و سیاست مسئولین کشور ما پشت کردن به دفاع از محرومین و رو آوردن به حمایت از سرمایه‌دارها

گردد و اغنیای و ثروتمندان از اعتبار و عنایت بیشتری برخوردار بشوند! معاذالله که این با سیره و روش انبیای و امیرالمؤمنین و ائمه معصومین (ع) سازگار نیست، دامن حرمت و پاک روحانیت از آن منزّه است تا ابد هم باید منزّه باشد و این از افتخارات و برکات کشور و انقلاب و روحانیت ماست که به حمایت از پابرهنگان برخاسته است و شعار دفاع از حقوق مستضعفان را زنده کرده است؛

۲- تلاش برای فقرزدایی: مسئولین محترم کشور ایران علی‌رغم محاصرات شدید اقتصادی و کمبود درآمدها، تمامی کوشش و تلاش خود را صرف فقرزدایی جامعه کرده‌اند و همه آرمان و آرزوی ملت و دولت و مسئولین کشور ماست که روزی فقر و تهیدستی در جامعه ما رخت بریندد و مردم عزیز و صبور و غیرتمند کشور از رفاه در زندگی مادی و معنوی برخوردار باشند؛

۳- خلاقیت و ابتکار: اگر چنانچه شما ملاحظه کنید که در این دو سال در کشور ما صنعت‌های زیادی که آن‌ها انجام می‌دادند خودشان انجام می‌دهند و باورتان باشد که خود ما هم می‌توانیم صنعتی داشته باشیم و می‌توانیم ابتکاری داشته باشیم همین باور توانایی، شما را توانا می‌کند. اساس این باور است که آن‌ها از ما گرفته بودند، آن‌ها ما را از همه چیز تهی کرده بودند به طوری که افکار ما، باورهای ما همه وابستگی داشت؛

۴- وفور نعمت: انقلاب واقع شده است، فراوانی است، این یکی از نعمت‌های بزرگی است که ما داریم. شما شاید خیلی‌ها تان شاید یادتان هست که در همین جنگی که به ما مربوط نبود، جنگ عمومی دوم که به ما مربوط نبود، در ایران دیگر نان پیدا نمی‌شد! بحمدالله فراوانی است، یعنی گرسنگی نیست توی کار، این طور نیست که مردم نان پیدا نکنند، این طور نیست که مردم ارزاق را نتوانند پیدا کنند، کمیاب گاهی می‌شود اما آن هم ارزاق عمومی کمتر کمیاب می‌شود؛

۵- تأسیس بنیاد پانزده خرداد: این بنیاد پربرکت که در راه جامعه است، مورد تأیید اینجانب است. امید است بنیاد شریف برای روستاهای محروم و دورافتادگان اولویت قائل شوند. خداوند تعالی توفیق خدمت همگان را برای رفاه قشر مظلوم عنایت فرماید؛

۶- تأسیس کمیته امداد: بعد از انقلاب یک گروه‌هایی پیدا شدند و یک جمعیت‌هایی که نظیر این‌ها در تاریخ گمان ندارم سابقه داشته باشد. همین گروه امداد و کمیته امداد، من نشنیده‌ام که در یک کشوری یک همچو کمیته‌ای باشد که همشان صرف رسیدگی به فقرا و مستمندان و دهقانانی که در دورافتاده‌ترین شهرها قرار گرفته‌اند و محرومان جامعه. این‌ها یک نوآوردهایی است که به برکت اسلام و تعهد ملت ما به اسلام پیدا شده است و بی سابقه است؛

۷- تشکیل جهاد سازندگی: بنابراین بوده است که این‌طور ایران را خراب کنند و الآن که بحمدالله آن سد شکسته شد، برای مرحله ثانی که مرحله سازندگی است، ما دستمان را پیش ملت دراز می‌کنیم و از ملت می‌خواهیم که همه در این نهضت شرکت کنند و همه دست برادری به هم بدهند و این سازندگی و جهاد سازندگی را شروع کنند؛

۸- تأسیس بنیاد شهید: باید رسیدگی کامل به خاندان شهدا و آسیب‌دیدگان و معلولین در این راه، چه در راه انقلاب و چه قبل و بعد از آن به نحو احسن و با مراعات احترام آنان بشود. ابتدا لازم است سازمانی. برای این مقصد مهم تأسیس شود؛

۹- تأسیس بنیاد مسکن: قشر عظیمی از مستضعفان جامعه هم به کلی از داشتن خانه محروم بودند و در زوایای بیغوله‌ها و اتاق‌های تنگ و تاریک و خرابه‌ها به سر می‌بردند. نظام اسلام چنین ظلم و تبعیضی را تحمل نخواهد کرد و این از حداقل حقوق هر فرد است که باید مسکن داشته باشد. مشکل زمین باید حل شود و همه بندگان محروم خدا باید از این موهبت الهی استفاده کنند. همه محرومان باید خانه داشته باشند. هیچ‌کسی در هیچ گوشه مملکت نباید از داشتن خانه محروم باشد. بر دولت اسلامی است که برای این مسئله مهم چاره‌ای بیندیشد و بر همه مردم است که در این مورد همکاری کنند. اینجانب حساب به شماره ۱۰۰ در تمام شعب بانک ملی افتتاح کرده و از همه کسانی که توانایی دارند، دعوت می‌کنم که برای کمک به خانه‌سازی برای محرومان به این حساب پول واریز کنند؛

۱۰- مصادره اموال طاغوتیان به نفع محرومان و مستضعفان: شورای انقلاب اسلامی، به موجب این مکتوب مأموریت دارد که تمام اموال منقول و غیر منقول سلسله پهلوی و شاخه‌ها و عمال و مربوطین به این سلسله را که در طول مدت سلطه غیر قانونی، از بیت‌المال مسلمین اختلاس نموده‌اند، به نفع مستمندان و کارگران و کارمندان ضعیف مصادره و منقولات آن در بانک‌ها شماره‌ای به اسم شورای انقلاب یا اسم اینجانب سپرده شود و غیر منقول از قبیل مستغلات و اراضی، ثبت و مضبوط شود تا به نفع مستمندان از هر طبقه صرف گردد و در ایجاد مسکن و کار و غیر ذلک؛

۱۱- رایگان کردن خدمات دولتی برای محرومان: من به دولت راجع به مجانی کردن آب و برق و بعضی چیزهای دیگر فعلاً برای طبقات کم‌بضاعتی که در اثر تبعیضات خانمان‌برانداز رژیم شاهنشاهی دچار محرومیت شده‌اند و با برپایی حکومت اسلامی به امید خدا این محرومیت‌ها برطرف خواهد شد، سفارش اکید نمودم؛

۱۲- سازندگی به‌ویژه در مناطق محروم: شما می‌دانید که یک کشور به این عرض و طول و بزرگی که همه جایش را خراب کردند، کشاورزی‌اش را با اسم اصلاحات خراب کردند، کارخانه‌های ما را همه را وابسته کردند، تمام شئون ما، فرهنگ ما، اقتصاد ما، ارتش ما همه وابسته بودند شما تا حالا اعجاز کرده‌اید که اینقدر هم عمل کرده‌اید. اینقدر عملی که تا حالا شده است جزء معجزات است، در طول پنجاه سال آن خرابی‌ها شد و عمران این‌ها مختصری شد و در طول دو سال آن همه کارها و خدمت‌ها در همه کشور به‌خصوص روستاها که منسی بودند و هیچ‌کس به آن‌ها اعتنا نمی‌کرد و آن‌ها را جزء این ملت حساب نمی‌کردند، امروز در تمام این روستاها یا بسیاری از کارها انجام گرفته است یا در دست انجام گرفتن است (نویسنده: نامعلوم، ۱۳۸۳: ۲۹).

#### پیشینه پژوهش:

در زمینه قومیت، اقتصاد و امنیت ملی می‌توان به کارهای پژوهشی از جمله مقاله ریپسمن (۲۰۱۰م) در زمینه تأثیرات اقتصاد بر امنیت ملی اشاره کرد. او بیان می‌کند که تمایز بین دفاع از حاکمیت و امنیت ملی به‌مثابه نمودی از سیاست عالی و موضوعاتی نظیر

رفاه اقتصادی به‌عنوان نمودی از سیاست عادی، تمایزی جعلی و ساختگی است. اگر قدرت اقتصادی زمینه‌ساز فرصت‌سازی باشد، ضعف‌های بنیان‌های اقتصادی نیز موجبات تهدیدزایی و فرصت‌سوزی را فراهم خواهد کرد. همچنین پیتر ویلکن (۲۰۰۲ م) در زمینه اقتصاد سیاسی و امنیت اشاره کرد. او بیان می‌کند درهم‌تنیدگی امنیت ملی و اقتصاد بسیار روزافزون شده است. او تأثیرگذاری متقابل اقتصاد و سیاست را منبعث از ارتباط بین نهاد قدرت، نیروهای اجتماعی و سرمایه‌داری جهانی عنوان می‌کند. رابرت ماندل (۱۹۷۹ م) در تحلیل امنیتی خویش با برشمردن اجزای گوناگون امنیت ملی، از امنیت اقتصادی به‌عنوان یکی از ابعاد اصلی نام می‌برد و در تعریف آن نیز بیش از هر چیز بر هدف بودن آن و نه بر نقش ابزاری آن تأکید می‌کند. در تعریف ماندل امنیت اقتصادی عبارت است از: میزان حفظ و ارتقای شیوه زندگی مردم در یک جامعه از طریق تأمین کالاها و خدمات، هم از عملکرد داخلی و هم حضور در بازارهای بین‌المللی. ماندل به استفاده ابزاری از عوامل اقتصادی توسط دولت‌های قدرتمند اشاره می‌نماید و آن را عاملی برای اختلالات امنیتی دولت‌های ضعیف‌تر می‌داند.

عموزاد خلیلی (۱۳۹۵ ه.ش) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود تحت عنوان قوم ترکمن و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، به بررسی ابعاد اقتصادی قوم ترکمن و تأثیر که آن بر امنیت ملی دارد را می‌پردازد و شاخص‌های مختلف اقتصادی این قوم را مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد. او بیان داشته که اقوام ترکمن بعد از انقلاب پیشرفت‌های وسیعی در زمینه اقتصادی داشتند به همین دلیل همگرایی وسیع با اقوام دیگر و همراهی بیشتر آن‌ها با حکومت را شاهد هستیم و با توجه به اینکه منطقه ترکمن صحرا پل ارتباطی با آسیا میانه و قفقاز می‌باشد، به همین دلیل یکی از مناطق استراتژیک و مهم کشور در زمینه مسائل اقتصادی و امنیتی محسوب می‌شود. همچنین ولی‌پور (۱۳۹۳ ه.ش) در مقاله‌ای تحت عنوان جایگاه عامل تعیین‌کننده اقتصاد در امنیت ملی اشاره می‌کند که نقش عوامل اقتصادی در زندگی انسان و امنیت بر هیچ فردی پوشیده نیست. در آخرین تحلیل می‌توان این عنصر را ابزار ماندگاری بشر و راز تداوم حیات انسانی تلقی نمود. به‌صورت خاص از

قدیم‌الایام، عوامل اقتصادی و عوامل امنیتی - نظامی، در ارتباط وثیقی با یکدیگر بوده‌اند. با توجه به تحولات مفهومی در امنیت ملی و نیز سیر تحول در روندهای بین‌المللی باید گفت که اقتصاد از یک سو به‌عنوان جزء ذاتی کنش انسانی - اجتماعی، برای امنیت انسانی مهم می‌باشد و از سوی دیگر به‌عنوان عامل قوام‌بخش به اهداف و انگیزه‌های دولت‌ها در سطوح داخلی و خارجی از نقش تعیین‌کننده در امنیت ملی کشورها برخوردار است. همچنین نگیں تاجی و همکاران (۱۳۹۰ ه.ش) بیان داشتند که با پایان جنگ سرد و طرح مسائل مربوط به جهانی‌شدن در نظام اقتصاد سیاسی جهان، منابع نرم‌افزاری سیاست‌های امنیتی، با وجود تداوم اهمیت ابعاد سخت‌افزاری امنیت، جایگاه ویژه‌ای پیدا کرده‌اند. در این دوران امنیت به شکل بسیط، مطرح و بیش از پیش مسائل اقتصادی و توسعه اقتصادی مبنای اقتدار دولت‌ها قرار گرفت و امنیت ملی در این راستا مفهوم‌سازی شد؛ یعنی امنیت علاوه بر بعد نظامی آن، در جنبه‌های اقتصادی، محیط زیستی، فرهنگی و غیره نیز تبلور یافته است.

#### روش تحقیق:

روش پژوهش توصیفی - تحلیلی و شیوه جمع‌آوری اطلاعات آن مبتنی بر مطالعات کتابخانه‌ای - اسنادی می‌باشد. تعاریف و نظریه‌های ارائه شده، با استفاده از کتب، مقالات، منابع اینترنتی، طرح‌ها، پایان‌نامه‌ها و رساله‌ها استخراج شده است. همچنین یافته‌های تحقیق بر اساس مطالعات نظری و مشاهدات میدانی در سطح محدود مورد مطالعه می‌باشد.

#### یافته‌های تحقیق:

دستاورد های اقتصادی حکمرانی گام اول انقلاب در قوم ترکمن:

گردشگری و میراث فرهنگی و صنایع دستی ترکمن‌ها:

گردشگری و میراث فرهنگی از مهم‌ترین مجموعه خدماتی جهان است که روز به روز بر اهمیت و نقش آن افزوده می‌شود و جایگاه رفیع‌تری در اقتصاد جهانی به خود



اختصاص می‌دهد. به همین علت است که امروزه به علت صنعت گردشگری و میراث فرهنگی از آن یاد می‌شود (خانی، ۱۳۸۸: ۵۵).

گردشگری دارای اثرات بسیار زیاد در زمینه فرهنگی و اجتماعی است که در در زیر به آن اشاره می‌شود:

- ۱- گسترش تبادلات فرهنگی بین گردشگران و افراد بومی؛
- ۲- رشد شخصیت و شکوفایی استعداد و ارتقای سطح دانش و آگاهی ساکنین؛
- ۳- بهبود عدالت بین مردان و زنان از جهت دستیابی به فرصت شغلی؛
- ۴- توسعه روابط فکری فرهنگی و اجتماعی جامعه میزبان و مهمان؛
- ۵- بهبود کیفیت زندگی جامعه میزبان؛
- ۶- احیاء هویت فرهنگی و احساس غرور ملی (خانی، ۱۳۸۸: ۵۰).

در مناطق ترکمن نشیمن ایران نیز ما دارای مناطق گردشگری و تروریستی زیادی هستیم هر ساله تعداد زیادی گردشگری داخلی و خارجی به این مناطق سفر می‌کنند. به همین دلیل می‌توانند نقش مؤثری در شکوفایی اقتصادی این مناطق داشته است و همچنین منطقه ترکمن صحرا دارای صنایع دستی متعددی است که برخی از این صنایع جنب صادراتی دارند، به همین دلیل تعداد زیادی از افراد در این صنایع مشغول فعالیت هستند و درآمد زیادی از این راه کسب می‌کنند. اگرچه در بعد انقلاب فعالیت‌های صنعتی قوم ترکمن دارای نوساناتی بود اما به هر حال یکی از صنایع پُر رونق در این مناطق است که از این لحاظ خود می‌تواند در شکوفایی اقتصادی این مناطق و کشور اثرگذار باشد و در نتیجه زمینه را برای همگرایی و وحدت این قوم و بالاتر رفتن امنیت اقتصادی و نتیجه بالا بردن ضریب امنیت ملی کمک‌کننده باشد (عموزاد خلیلی، ۱۳۹۵: ۱۱۲).

#### الف- جاذبه تاریخی و طبیعی:

بخش قابل توجهی از جاذبه‌هایی گردشگری استان گلستان در مناطق ترکمن نشین استان گلستان پراکنده است. با توجه به اینکه در بعد از انقلاب به خصوص طی سال‌های اخیر با ایجاد امکانات تفریحی و خدماتی سبب شده است که سالانه تعداد زیادی گردشگر

از کشورهای خارجی و داخلی را جذب خود کند که می‌تواند در رونق اقتصادی منطقه مؤثر باشد در زیر به تعدادی از این مناطق اشاره می‌شود و همچنین به آمار گردشگران داخلی و خارجی پرداخته می‌شود:

برج آجری قابوس، با قدمت هزارساله، یکی از آثار تاریخی مهم ایران و از جاذبه‌های مهم گردشگری گنبد کاووس به شمار می‌رود این برج تاریخی به میل گنبد نیز معروف است و ۷۶ متر ارتفاع دارد. میل گنبد بزرگ‌ترین برج آجری ساخته شده به دست انسان در طول تاریخ است (قائمی، ۱۳۷۹: ۲۹). این محل یکی از بزرگ‌ترین مراکز گردشگری ایران به شمار می‌رود در سال به‌طور متوسط از این برج دیداری کردند که ۱۰ درصد از این افراد توریسم خارجی بودند (سازمان میراث فرهنگی و گردشگری، ۱۳۹۵). از دیگر مراکز توریستی مناطق ترکمن نشین، شهرستان بندر ترکمن نام دارد. در شهرستان بندر ترکمن نیز دارای آثار تاریخی و مراکز گردشگری زیادی می‌باشد که مهم‌ترین آن‌ها را می‌توان جزیره آشوراده نام برد که در غرب بندر ترکمن است و بزرگ‌ترین جزیره ایرانی در دریای مازندران، در شبه‌جزیره میانکاله می‌باشد. جزیره آشوراده که به‌عنوان یک مرکز توریستی انتخاب شده است، بر اساس آمار سالانه حدود ۴۵۰ هزار نفر از این مراکز دیدن می‌کنند (جرجانی، ۱۳۹۴: ۹۰). در سال‌های اخیر برنامه‌ریزی‌هایی در جهت استفاده از اماکن گردشگری این شهر صورت گرفته است که این خود زمینه برای اشتغال و فعالیت اقتصادی را در این شهرها فراهم نموده است. در زیر به برخی از آمارها و برنامه‌ریزی در این زمینه که از سازمان میراث فرهنگی و گردشگری تهیه شده است اشاره می‌شود:

جدول ۱- مبدأ گردشگران منطقه مورد مطالعه

سال	دهه ۶۰	دهه ۷۰	دهه ۸۰	دهه ۹۰
میانگین ورودی خارجی	۱۹۲۳	۲۰۵۷	۲۱۳۲	۲۵۰۰
میانگین ورودی ایرانی	۱۰۵۰۰۰	۱۰۶۴۴۷	۱۰۹۸۷۸	۱۳۰۰۰۰
تعداد هتل	۷	۹	۱۵	۱۹

مأخذ: سازمان گردشگری و میراث فرهنگی استان گلستان: ۱۳۹۵

ب- صنایع دستی:

ترکمن صحرا از دیرباز یکی از مراکز مهم تولید صنایع کشور بوده است. پس از انقلاب به توسعه صنایع دستی و روستایی در برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به‌خصوص از برنامه سوم به بعد بسیار تأکید شده است. جهت این امر کمک‌هایی از جمله وام‌های روستایی به افراد داده شده تا فعالیت‌های اقتصادی محلی و اقوام توسعه پیدا کند. زنان هنرمند ترکمن نیز با حمایت‌های مالی دریافت شده، انواع صنایع دستی زیبا را تهیه و به متقاضیان آن در بازار داخلی و خارجی عرضه می‌کنند. صنایع دستی ترکمن‌ها را می‌توان به این گروه‌ها تقسیم نمود:

۱- چت مه و قالی و باسمه و منگوله بافی که برخی از این صنایع جنبه صادراتی دارند و مبلغ زیادی ارز وارد کشور می‌کنند (گلی، ۱۳۶۶: ۳۲۰). در زیر به برخی از این صنایع، همراه با آمار اقتصادی مربوط به این صنایع که نشان‌دهنده بهبود وضعیت این صنایع در بعد از انقلاب و در نتیجه بهبود وضعیت اقتصادی افرادی که در این صنایع مشغول فعالیت هستند پرداخته می‌شود. ۱-قالی‌بافی: مهم‌ترین فعالان عرصه صنعت قالی‌بافی، زنان ترکمن هستند؛ که با طرح ذهن و موروثی به تولید قالی‌هایی با نقش‌های زیبا مشغول‌اند. در حال حاضر در استان گلستان ۱۵۰ هزار نفر بافنده در ۶ هزار کارگاه قالی‌بافی کار می‌کنند و سالانه بیش از نیم میلیون متر مربع انواع فرش تولید می‌کنند که تعدادی زیادی از این فرش‌ها جنبه صادراتی دارند. شهرهای گنبد، آق‌قلا و بندر ترکمن از مهم‌ترین مرکز تولید قالی، قالیچه، پستی ترکمن در استان گلستان هستند. پستی یکی از ارقام عمده تولید صنایع دستی ترکمن‌ها محسوب می‌شود که در بازارهای داخلی خواهان بسیاری دارد. قالی ترکمن به دلیل برخورداری از نقوش و ترکیب رنگ‌ها و طرح‌های ویژه، از فرش‌های دیگر استان‌های کشور متمایز است و همه‌ساله بخشی از این تولیدات به کشورهای خارجی صادر می‌شود (بوگولیوف، ۱۳۵۶: ۳۶) به گفته مدیرعامل فرش دست‌بافت سالانه به‌طور متوسط بالغ بر سه میلیون و سیصد هزار دلار فرش از این استان به کشورهای آلمان، فرانسه، کانادا، مکزیک، لبنان صادر می‌شود، سازمان جهاد کشاورزی استان گلستان در راستای حفظ صنعت فرش و حمایت از بافندگان فرش ترکمن به

تشکیل چهار تعاونی بزرگ فرش دستباف با بیش از ده هزار عضو اقدام کرده است. از مهم‌ترین انواع تولیدات ترکمن‌ها در عرصه فرش‌بافی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: ۱- کچه؛ ۲- بلاس؛ ۳- خورجین یا قالیچه کوچک.

۲- در ضمن باید اشاره کنیم که هر یک از طوایف ترکمن در رشته خاصی از فرش‌بافی تخصص دارند. (جرجانی، ۱۳۹۴: ۱۰۱) در زیر به آمارهایی مربوط به تعداد شاغلان بخش‌های صنایع دستی و فروش در میان ترکمن‌ها اشاره می‌شود.

جدول ۲- تعداد هنرمندان شناسایی شده استان (مناطق ترکمن نشین)

شهرستان	دهه ۸۰	دهه ۹۰	رشته
گنبد (هزار)	۳۱	۶۵	سوزن‌دوزی- گلیم‌بافی- نمدمالی- لباس محلی
آق‌قلا (هزار)	۲۹	۴۸	سوزن‌دوزی- گلیم‌بافی- نمدمالی- لباس محلی
بندر ترکمن (هزار)	۶۳	۱۰۰	سوزن‌دوزی- گلیم‌بافی- نمدمالی- لباس محلی

مأخذ: سازمان گردشگری و میراث فرهنگی استان گلستان: ۱۳۹۴

جدول ۳- گزارش عملکرد صادرات صنایع دستی ترکمن‌ها سال ۹۰-۹۴

ردیف	عنوان شاخصه	عملکرد سال ۹۰ (دلار)	عملکرد سال ۹۱	عملکرد سال ۹۲	عملکرد سال ۹۳	عملکرد سال ۹۴
۱	صادرات	۳۷۴۸۵۷۱	۱۹۰۴۰۱۲	۲۲۲۲۹۱۹	۷۵۱۵۸۴	۳۸۵۳۱۳۶

مأخذ: سازمان گردشگری و میراث فرهنگی استان گلستان: ۱۳۹۴

### کشاورزی:

در قبل از انقلاب جمهوری اسلامی ایران، ترکمن‌ها شاهد فشار فراوان حکومت پهلوی و مأموران دولتی در منطقه بوده‌اند. برای مثال مجبور بودند که ضمن پرداخت اجاره زمین و مالیات مرتع به مأموران، در ساختن تأسیسات دولتی و کشت زمین‌های سلطنتی هم به بیگاری پردازند. مجموعه این فشارها، از جمله عوامل مؤثر در بازگشت موقت برخی اقوام ترکمن به زندگی عشایری و حتی یاغیگری آن‌ها در دوره جنگ جهانی دوم محسوب می‌شود. مهاجرت‌های اجباری صورت گرفته ترکمن‌ها توسط رضاخان سبب شد این قوم نتوانند به توسعه فعالیت‌های اقتصادی خود از جمله کشاورزی در اراضی خود پردازند (آیرونز، ۱۹۶۹: ۶۳۵). به دنبال حوادث سال ۱۳۱۹ ه.ش زمین‌های سلطنتی به دولت واگذار

و در سال ۱۳۲۰ ه.ش بخشی از زمین‌ها به صاحبان اصلی آن‌ها بازگردانده و بخشی دیگر به بنیاد پهلوی واگذار شد و بنیاد پهلوی نیز آن‌ها را با مبلغ ثابتی به متقاضیان اجاره داد. مالکانی که زمین‌های خود را پس گرفته بودند و یا از طریق بنیاد زمینی را کشت می‌کردند با به‌کارگیری ترکمن‌های شبان‌کاره به‌عنوان کارگر روزمزد، کشاورزی می‌کردند. این مالکان که به‌طور عمده اهل گنبد کاووس و نواحی اطراف آن بودند، فقط زمین را به‌عنوان منبع درآمد نمی‌نگریستند؛ بلکه در کنار آن به تجارت محصولات کشاورزی و واردات ماشین‌های کشاورزی نیز اهتمام داشتند، جهت رونق اراضی کشاورزی خود به بیگاری از ترکمن‌های عشایر می‌پرداختند. مجموعه اقدامات رژیم گذشته در دشت گرگان، غصب زمین‌های کشاورزی توسط متنفذین دربار و سرمایه‌داران، تشدید برخوردهای اجتماعی و قومی به‌وسیله آن‌ها به همراه شیطنت و مداخله گروه‌های چپ مارکسیستی معارض با نظام جمهوری اسلامی ایران و اقدامات تحریک‌آمیز شوروی سابق در منطقه گرگان و گنبد، شرایطی بحرانی مانند آتش زیر خاکستر فراهم آورد و حکومت جدید ایران را که هنوز پایه‌های آن از ثبات و انسجام برخوردار نشده بود، در سال ۱۳۵۷ ه.ش درگیر دو منازعه خونین در گنبد ساخت؛ اما بلافاصله با دخالت دولت و نیروهای انقلاب، آرامش نسبی در منطقه دوباره حکم‌فرما شد. با این وجود به فرمان امام خمینی (ره) در سال ۱۳۵۹ ه.ش هیأت‌های هفت نفره واگذاری زمین تشکیل، مأمور تقسیم اراضی در سراسر ایران و مسئول حل اختلافات مربوط به مالکیت و تقسیم زمین‌ها در منطقه گردید. تنها اطلاعات مربوط به سال‌های ۱۳۵۹ ه.ش و ۱۳۶۰ ه.ش نشان می‌دهد که ۸۸۸۷ هکتار زمین در دشت گرگان از طریق این هیأت به روستاییان اعم از ترکمن واگذار شده است (کنعانی، ۱۳۷۹: ۳۸).

پس از انقلاب کشاورزی ازجمله مهم‌ترین بخش‌ها در ساختار اقتصادی ترکمن‌ها می‌باشد؛ زیرا به غیر از آثار مثبت آن بر وضع اشتغال، صادرات غیر نفتی، ارزآوری و ... در زمینه مباحث امنیت ملی نیز بسیار مهم می‌باشد. امروزه برخی از محصولات غذایی و کشاورزی مانند گندم به‌عنوان کالایی راهبردی شناخته می‌شود از این رو خودکفایی بخش کشاورزی یکی از شرایط لازم و اساسی در استقلال سیاسی کشور است. مناطق

ترکمن‌نشین دارای محصولات کشاورزی متعدد می‌باشد که سهم عمده‌ای در اقتصاد این قوم دارند. از مهم‌ترین بخش درآمدی قوم ترکمن می‌توان به بخش کشاورزی اشاره کرد. از مهم‌ترین کشت‌ها می‌توان به: گندم، پنبه اشاره نمود. میزان تولید این محصولات در اقتصاد این قوم و به تبع آن در وضعیت معیشت اثرگذار است.

### گندم:

گندم در مناطق گنبد، آق‌قلا، گمیشان، مناطق داشلی برون، اینچه برون، همراه تپه به صورت دیم کاشته می‌شود (جرجانی، ۱۳۹۴: ۹۴). استان گلستان هفت تا ده درصد گندم کشور را تولید می‌کند. گندم استان به لحاظ کیفی جز استان‌های برتر کشور و به لحاظ تولید رتبه سه کشور را دارا است (اداره کل مطالعات کشاورزی ۱۳۹۲: ۳۵). به جرأت می‌توان گفت بیش از نیمی از گندم تولیدی این استان در مناطق ترکمن‌نشین آق‌قلا، گنبد، گمیشان، بندر ترکمن و همراه تپه می‌باشد. در سال‌ها مختلف نوسانات زیادی در این زمینه وجود داشت اما دولت از طریق سیاست‌هایی تشویق تلاش نمود میزان کشت این محصول را در ترکمن صحرا گسترش دهد.

### پنبه:

ترکمن صحرا به دلیل کاشت زیاد پنبه در گذشته به‌عنوان مرکز طلای سفید ایران لقب گرفته بود. دشت‌های ترکمن صحرا مهم‌ترین منطقه برای تولید پنبه بوده در سال‌هایی نه چندان دور رتبه اول را در تولید این محصول داشت. در حال حاضر بالغ بر ۳۰ هزار هکتار پنبه در استان گلستان کشت می‌شود که مرکز آن منطقه ترکمن‌نشین می‌باشد (عالیشاه، ۱۳۹۲: ۳).

جدول ۴- سطح زیر کشت گندم، پنبه و سویا در منطقه مورد مطالعه ۱۳۹۵

نام محصول	سطح زیر کشت (هزار هکتار)	رتبه	تولید استان گلستان (هزار تن)	رتبه	سهم ترکمن منطقه ترکمن‌نشین (هزار تن)
گندم	۳۷۹/۰۱	۱۰	۱۱۰۱/۵۶	۳	بیش از ۵۰٪ از تولید
پنبه	۱۲/۵۰	۲	۱۸/۷۰	۴	بیش از ۷۰٪ از تولید

سویا	۵۴/۶۸	۱	۱۳۰/۳۱	۱	بیش از ۵۰٪ از تولید
------	-------	---	--------	---	---------------------

مأخذ: جهاد کشاورزی استان گلستان: ۱۳۹۵

### دامداری و ماهی‌گیری:

منطقه ترکمن صحرا با داشتن مراتع مرغوب و وسیع و اقلیم مناسب، یکی از مراکز عمده دامداری و تولید دام کشور به حساب می‌آید. عشایر ترکمن، از دیرباز به دامداری و پرورش اسب اشتغال داشته‌اند. بر اساس آمار جهاد کشاورزی و استانداری گلستان آمار انواع دام استان یک میلیون و هشتصد و چهل و دو هزار و چهارصد و هفتاد و دو رأس می‌باشد. در تولید گوشت قرمز استان گلستان سه درصد از کل تولید کشور را دارا می‌باشد که نزدیک ۲۵ درصد این تولید مازاد بر نیاز استان است که عمدتاً به صورت دام زنده از استان خارج می‌شود. می‌توان گفت به طور تخمین حدود ۲/۳ از تعداد دام و تولید دام به ترکمن‌ها تعلق دارد (جداول ۷-۶-۵) (جرجانی، ۱۳۹۴: ۹۵).

جدول ۵- آمار تعداد دام‌های موجود در منطقه ترکمن صحرا

سال	شهرستان					
	آق‌قلا		بندر ترکمن		گنبد	
	گوسفند	گاو و گوساله	گوسفند و بز	گاو و گوساله	گوسفند و بز	گاو و گوساله
۸۵	۱۲۵۳۶۵	۳۱۶۷۷	۱۱۸۶۴۵	۱۸۶۰۲	۳۸۴۳۳۴	۶۶۵۲۷
۸۶	۱۲۵۳۶۵	۳۳۳۶۱	۱۱۸۶۴۵	۱۹۴۰۹	۲۸۴۳۳۴	۶۹۴۱۴
۸۷	۱۲۵۳۶۵	۳۵۱۲۴	۱۱۸۶۴۵	۲۰۲۵۲	۲۸۴۳۳۴	۷۲۴۳۴
۸۸	۱۲۵۳۶۵	۳۶۹۶۷	۱۱۸۶۴۵	۲۱۱۳۳	۲۸۴۳۳۴	۷۵۵۹۱
۸۹	۱۲۵۳۶۵	۳۶۹۶۷	۱۱۸۶۴۵	۲۱۱۳۳	۲۸۴۳۳۴	۷۵۵۹۱
۹۰	۱۲۷۳۰۶	۳۸۸۱۸	۵۴۲۱۷	۹۴۴۶	۲۸۸۷۳۵	۷۴۷۹۹
۹۱	۱۰۹۷۹۸	۴۶۴۶۴	۴۶۷۴۹	۱۰۲۳۰	۲۴۹۰۲۶	۸۴۳۳۲
۹۲	۹۷۱۱۹	۳۵۵۴۲	۴۱۳۵۰	۸۲۷۱	۲۲۰۲۱۶	۶۸۱۷۵
۹۳	۱۴۲۲۷۸	۳۶۳۶۰	۶۰۵۵۷۸	۸۴۲۴	۳۲۲۶۹۲	۶۹۵۹۸

مأخذ: جهاد کشاورزی استان گلستان: ۱۳۹۴

پرورش گاو از دیگر راه‌های معاش اقتصادی قوم ترکمن است. با گذشت زمان و کاهش مراتع دامداری‌های سنتی جایی خود را به دامداری صنعتی و مدرن داد که با اصلاح

نژاد بر میزان تولید گوشت و شیر آن‌ها افزوده شد. در حال حاضر ایجاد این نوع دامداری در دستور کار دامداران ترکمن قرار گرفت.

جدول ۶- رتبه‌بندی و میزان تولیدات دام استان گلستان ۱۳۹۵

رتبه استان گلستان در کشور	تولید (به هزار تن)	سهم ترکمن (هزار تن)
۱۰	۳۹۶/۳۱	۲۶۰/۳۱
۱۶	۱۲۹۲/۴۱	۸۰۰/۱۸
۲۹	۱۴۸/۳۹	۱۰۰/۱۵
۷	۱/۸۱	۱/۲۱

مأخذ: جهاد کشاورزی استان گلستان: ۱۳۹۵

جدول ۷- رتبه‌بندی و میزان تولیدات دام استان گلستان ۱۳۹۵

رتبه استان گلستان در کشور	تولید (به هزار تن)	سهم ترکمن (هزار تن)
۱۳	۳۰/۰۲	۲۰/۰۱
۵	۴۸۲/۰۳	۳۰۰/۰۳

مأخذ: جهاد کشاورزی استان گلستان: ۱۳۹۵

یکی از محصولات دامی استان که در میان ترکمن‌ها پرورش آن اهمیت زیادی دارد اسب ترکمن است. صنعت اسب یکی از صنایع سودآور در کشورهای دیگر مانند آمریکا، کانادا، فرانسه و دیگر کشورهای اروپایی است. اسب ترکمن یکی از اسب‌های اصیل و مناسب از لحاظ جثه و مورد پذیرش می‌باشد. دولت می‌تواند با سرمایه‌گذاری بیشتر در این منطقه و بر روی این نژاد اسب جزء کشورهای صادرکننده اسب در دنیا باشد البته دولت از طریق جهاد کشاورزی یک سری اقدامات در این زمینه صورت داده است. بر اساس گفته آقای عراقی سخنگوی انجمن پرورش دهندگان اسب با انعقاد قرارداد میان انجمن صنفی پرورش دهندگان اسب و مراکز علوم تحقیقات کشور برای تأسیس بانک ژن و نیز شناسنامه‌دار کردن اسب ایرانی تا حداکثر دو سال آینده به جمع صادرکنندگان اسب در جهان می‌پیوندیم. در صنعت اسب به ازای هر چهار اسب یک نفر مشغول به کار می‌شود (عموزاد خلیلی، ۱۳۹۵: ۱۲۵). ترکمن‌ها از دیرباز به فعالیت ماهیگیری می‌پرداختند، زیرا



سواحل شرقی دریای مازندران پربرترین نواحی شیلات ایران از لحاظ صید «تاسماهیان» به‌ویژه فیل‌ماهی می‌باشد. به‌طوری که حدود پنجاه‌درصد از خاویار ایران، از صید تاسماهیان این ناحیه به دست می‌آید (وثوق زمانی، ۱۳۶۲: ۲۵). پس از انقلاب ماهیگیری شغل عمده ساحل‌نشینان دریای خزر است؛ و اهالی شهرهای گومیش تپه (گمیشان)، بندر ترکمن و روستاهای ساحلی وابسته به شهرستان‌های ترکمن و گمیشان عمدتاً از طریق صید و صیادی امرار و معاش می‌کنند. گلستان رتبه چهارم ماهیان گرم‌آبی، رتبه اول پرورش ماهیان خاویار و رتبه چهارم در تولید ماهیان زیتونی را در کشور دارا می‌باشد.

جدول ۸- رتبه استان در کشور برحسب تولید ماهیان سرد آبی

نام استان	تولید (به هزار تن)	رتبه استان گلستان
گلستان	۳۰۰	۲۶

مأخذ: جهاد کشاورزی استان گلستان: ۱۳۹۵

جدول ۹- رتبه استان گلستان در کشور برحسب تولید ماهیان گرم آبی

نام استان	تولید (به هزار تن)	رتبه استان گلستان
گلستان	۱۱۶۱۷	۴

مأخذ: جهاد کشاورزی استان گلستان: ۱۳۹۵

قابل ذکر است که این خاویار ارزش صادراتی دارد و به کشورهای اروپایی و آسیایی میانه و قفقاز صادر می‌شود؛ که بزرگ‌ترین مرکز آن در منطقه ترکمن‌صحرا می‌باشد. به گفته ریاست شیلات استان گلستان ۵۰۰ هکتار اراضی گمیشان در منطقه ترکمن‌صحرا برای احداث مجتمع پرورش ماهی در نظر گرفته شده است؛ که هم‌اکنون مطالعات اجرایی در آن در حال انجام است و امیدوارند تا سال ۱۳۹۶ ه.ش به بهره‌برداری برسد که زمینه برای اشتغال بیشتر و رونق این منطقه ترکمن‌نشین را فراهم می‌کند (هفته‌نامه اقتصاد گلستان، ۱۳۹۵: ۸).

جدول ۱۰- رتبه استان گلستان برحسب مزارع پرورش ماهیان گرم آبی از ابتدای انقلاب تا سال ۱۳۹۵

نام استان		تعداد مزارع		مساحت مزارع	
گلستان	تعداد	رتبه	مساحت (هکتار)	رتبه	
	۳۰۴	۸	۴۳۹۱	۴	

مأخذ: جهاد کشاورزی استان گلستان: ۱۳۹۵

جدول ۱۱- رتبه استان گلستان برحسب مزارع پرورش ماهیان سرد آبی از ابتدای انقلاب تا سال ۱۳۹۵

مساحت مزارع		تعداد مزارع		نام استان
رتبه	مساحت (هکتار)	رتبه	تعداد	گلستان
۱۶	۱۸۱۰۰	۱۷	۱۵	

مأخذ: جهاد کشاورزی استان گلستان: ۱۳۹۵

### بازرگانی:

استان گلستان به سبب داشتن تنوع محصولات کشاورزی و دامی، برخورداری از منابع غنی آبزیان، فرآورده‌های جنگلی و محصولات صنعتی و نیز با داشتن شبکه ارتباطی گسترده و مناسب از قبیل راه خشکی و راه آهن و راه هوایی از دیرباز با استان‌ها و کشور همسایه روابط تجاری و بازرگانی گسترده‌ای داشته است. در گذشته شهر ترکمن‌نشین گمیشان در ساحل دریای خزر، مهم‌ترین مرکز ماهیگیری و تولید ماهیان خاویاری ایران بوده است و مردم منطقه به‌ویژه ترکمن‌ها از طریق دریا با بندرهای کشورهای ترکمنستان، قزاقستان و آستارخان در روسیه ارتباط داشته و داد و ستد می‌کرده‌اند. از طریق این بندر انواع کالاها مانند برنج، گندم، نفت، گل، قالی و قالیچه به کشور همسایه صادر می‌شده که نقش مهمی در اقتصاد این منطقه داشته است (عموزاد، ۱۳۹۵: ۱۳۲). در حال حاضر حدود پنجاه نفر از بازرگانان ترکمن در اتاق بازرگانی استان گلستان در گرگان عضویت دارند و با در اختیار داشتن کارت بازرگانی تجارت می‌کنند. برخی از بازرگانان سرشناس ترکمن در سال‌های گذشته سالانه بیش از دویست هزار دلار به کشور همسایه، ترکمنستان صادرات داشته‌اند که این خود نقش مهمی در اقتصاد منطقه ترکمن صحرا داشته است. اقلام صادراتی ترکمن‌ها در سال‌های ۱۳۹۰ ه.ش به بعد شامل: کاشی، سرامیک، مواد غذایی، آهن قراضه، وسایل الکترونیکی و ... می‌باشد (جرجانی، ۱۳۹۴: ۱۰۶).

نقش بازار در فعالیت اقتصادی منطقه ترکمن صحرا:

دیگر از فعالیت‌های اقتصادی در منطقه ترکمن صحرا شامل بازارها می‌باشد. این بازارها نقش مهمی در اقتصاد منطقه دارند. در این منطقه ما دارای دو نوع بازار موقت و دائمی می‌باشیم (عموزاد، ۱۳۹۵: ۱۲۳)، اما بازارچه مرزی مهم در این منطقه، بازارچه مرزی اینچه برون می‌باشد. بازارچه مرزی اینچه برون که در منطقه ترکمن صحرا قرار دارد، نقش مهمی در فعالیت اقتصادی منطقه و کشور دارد. در شرق کشور هیچ منطقه آزاد تجاری وجود ندارد و این بازارچه قابلیت استفاده از مواد خام کشورهای همسایه و صادرات ثانویه را داراست و می‌تواند ترانزیت ارزان و امن را داشته باشد. منطقه آزاد اینچه برون با دسترسی کامل به سه کریدور ریلی، هوایی و دریایی، اتصال به بازارهای جهانی از طریق خط آهن ایران- ترکمنستان- قزاقستان و کشورهای حوزه CIS، وجود بندر خواجه نفس، فرودگاه گرگان، استقرار صنایع سنگین نظیر شهرک پتروپالایش و متالورژی، پایانه غلات و بندر خشک یکی از منحصربه‌فردترین منطقه آزاد کشور می‌باشد (عموزاد، ۱۳۹۵: ۱۲۴). منطقه آزاد تجاری اینچه برون به دور از کشمکش‌های سیاسی و قومیتی توانسته است رونق اقتصادی در صنعت و تجارت و هم‌گردشگری را ایجاد کند و زمینه حضور توریسم را به همراه داشته باشد. تأثیرات مثبت اقتصادی این بازارچه علاوه بر توسعه استان گلستان در سطح ملی و منطقه‌ای هم به‌عنوان دروازه تعامل با جهان تحول در اقتصاد با تأکید بر توسعه پایدار می‌باشد. به‌طور کلی بازارچه‌هایی مرزی به‌عنوان یکی از اهرم‌های مهم در ایجاد اشتغال و توسعه روابط تجاری با کشورهای هم‌جوار پیوسته تأثیر قابل توجهی در فعالیت اقتصادی کشور داشته‌اند. اگرچه کارکرد آن‌ها توأم با برخی نارسایی‌ها است، اما این بازارچه‌های نوعی مصداق و تبلور حضور مستقیم مردم در امور همچون توسعه و تجارت غیر نفتی می‌باشد.

#### اتحادیه شرکت‌های تعاونی مرزنشینان:

این اتحادیه پس از گشایش مرز خاکی بین ایران و ترکمنستان، در سال ۱۳۷۸ ه.ش تشکیل شد و فعالیت خود را آغاز کرد. نخستین شرکت تعاونی مرزنشینان استان گلستان، زیر نظر اداره کل بازرگانی استان، در سال ۱۳۷۷ ه.ش در گمیشان تشکیل شد و دومین

شرکت تعاونی استان نیز در همان سال در مرکز دهستان سیمین شهر که زیر نظر بخشداری گمیشان بود، تأسیس شد. شرکت تعاونی خواجه نفس نیز پس از مدتی بنیاد نهاده شد و بر همین روال، طی دو سال، هفت شرکت تعاونی با الگوبرداری از شرکت تعاونی مرزنشینان گمیشان و به یاری همین تعاونی، در مناطق مرزی استان گلستان فعالیت خود را آغاز کردند. هدف اصلی از تأسیس این شرکت‌های تعاونی، ایجاد اشتغال برای مرزنشینان و حمایت از مراودات تجاری آنان با مرزنشینان هم‌جوار خود در ترکمنستان بوده است. در حال حاضر سیزده شرکت در تعاونی مرزنشینان، زیر نظر اتحادیه مرزنشینان استان گلستان فعالیت می‌کنند. فعالیت این اتحادیه و داد و ستد آن با کشورهای ترکمنستان، افغانستان و پاکستان، طی سال‌های اخیر در بهبود شرایط معیشتی مرزنشینان مؤثر بوده است (جرجانی، ۱۳۹۴: ۱۰۸؛ عموزاد خلیلی، ۱۳۹۵: ۱۲۳).

### نتیجه‌گیری:

می‌توان گفت در تمام دوران و در طول تاریخ، هر زمانی شاخص‌های مربوط به وضعیت اقتصادی اقوام بهبود یافت و فعالیت اقتصادی آن‌ها وسیع‌تر شد، گرایش به واگرایی در آن‌ها کمتر شد، به هر میزان که بتوان اقتصاد را تقویت نمود، به همان مقدار هم می‌تواند وحدت و هالگوی را بیشتر و میزان واگرایی در میان اقوام را کاهش داد، هر چه اشتغال افزایش در نتیجه فقر کاهش می‌یابد و زمینه برای مشارکت‌ها در مسائل مختلف از جمله مسائل سیاسی بیشتر می‌شود. اقتصاد ضعیف زمینه را برای نفوذ دشمن و ترغیب اقوام در جهت ایجاد ناآرامی‌ها و تنش با دولت مرکزی و همچنین زمینه برای تحریکات اقوام علیه حکومت مرکزی افزایش می‌دهد. در میان قوم ترکمن هم همین‌گونه است. اقوام ترکمن بعد از انقلاب پیشرفت‌هایی وسیعی در زمینه اقتصادی داشته‌اند به همین دلیل ما میزان همگرایی وسیعی میان این قوم با اقوام دیگر و همراهی بیشتر آن‌ها با حکومت را شاهدیم. بعد از انقلاب و به همت مسئولین پیشرفت‌هایی در اقتصادی این قوم که از جمله در زمینه صادرات قالی، اسب و همچنین خاویار و در بسیاری از زمینه‌های اقتصادی دیگر مانند صنایع دستی و گردشگری را شاهد هستیم. در بالا ما تلاش کردیم آماری را زمینه

وضعیت اقتصادی قوم ترکمن در بعد از انقلاب را ارائه دهیم که آمارها نشان‌دهنده جایگاه ممتاز اقتصادی این قوم در کشور ایران و در تولید کالاهای استراتژیک مانند گندم و ... می‌باشد. ترکمن‌ها در تولیدات دامی و ماهی با توجه به آمارهای موجود جایگاه خوبی در کشور دارند که با تلاش مسئولین و سرمایه‌گذاری بیشتر شاهد شکوفایی هر چه بیشتر و همچنین صادرات مازاد این محصولات در آینده نزدیک در این زمینه خواهیم بود. بر اساس مطالب بیان شده، فرضیه پژوهش حاضر مبنی بر تأثیرگذاری فعالیت‌های اقتصادی قوم مرزی ترکمن در بعد از انقلاب ج.ا.ایران بر امنیت ملی کشور تأیید می‌گردد. بررسی عوامل و فعالیت‌های اقتصادی انجام شده توسط قوم ترکمن به‌عنوان یکی از اقوام مرزی کشور نشان می‌دهد که این قوم برای حفظ و همچنین ارتقای جایگاه اقتصادی خود در فعالیت‌های اقتصادی منطقه و کشور می‌بایست به متغیرهای اقتصادی‌اش توجه بیشتری نشان دهد که در این راستا، راهکارهای زیر توصیه می‌شود: تنوع‌بخشی صادرات محصولات و تولیدات این قوم، هماهنگی بیشتر بخش‌های دولتی منطقه و کشور با بخش خصوصی اقتصاد این منطقه و قوم، توزیع عادلانه درآمدها و کاهش فاصله طبقاتی بین اقوام مرزی و سایر مناطق کشور. در دولت یازدهم تلاش در جهت ایجاد منطقه آزاد اینچه برون در حال انجام می‌باشد که خود می‌تواند زمینه اشتغال بیشتر و شکوفایی اقتصادی این منطقه نقش داشته باشد. با این توصیف با توجه به اینکه منطقه ترکمن‌صحرا پل ارتباطی با آسیای میانه و قفقاز است و یکی از مناطق راهبردی و مهم اقتصادی محسوب می‌شود، توجه بیشتر مسئولان اقتصادی استانی و در سطح کلان کشور (وزارت اقتصاد و ادارات بخش‌های اقتصادی مانند سازمان صنعت و ... در استان‌ها و شهرستان‌ها و ...) به مؤلفه‌های اقتصادی اشاره شده در یافته‌ها تحقیق می‌تواند در راه ارتقای امنیت ملی و دستیابی به توسعه فعالیت‌های اقتصادی بیشتر کمک کند. درنهایت بر اساس مطالعات انجام شده می‌توان گفت ویژگی‌های حکمرانی خوب که قوم ترکمن می‌تواند به‌واسطه برخورداری از آن‌ها به عملکردهای اقتصادی مطلوبی دست پیدا کند، برحسب مطالعات در بین این قوم عبارت است از:

مشارکت اقتصادی، حاکمیت قانون، شفافیت اقتصادی، مسئولیت‌پذیری دولت، اجماع‌سازی، عدالت اقتصادی و پاسخگویی دولت است.

- مشارکت: مشارکت به معنی حضور همه مردم در تصمیم‌گیری‌های مختلف است که هم به صورت مستقیم و هم از طریق نمایندگان و نهادهای واسطه‌ای قانونی و مشروع تحقق می‌یابد. مباحث مشارکت غالباً مبتنی بر وجود آزادی بیان و حق اظهار نظر همه افراد جامعه در حوزه‌های مختلف سیاسی و امنیتی خواهد بود البته این امر لزوماً به معنی آن نیست که تمایلات، خواسته‌ها و نگرانی‌های تک تک افراد جامعه مورد توجه قرار می‌گیرد بلکه منظور مشارکت حداکثری است که از طریق سازوکارهای خاص خود تحقق پیدا می‌کند؛ بنابراین ویژگی اصلی مشارکت همانا آزادی همه مردم در ابراز نظرات و دیدگاه‌های خود است که این امر در مرحله اجرا نیازمند ابزارهای خاصی از جمله رسانه‌های آزاد و نهادهای مدنی مستقل است.

- حاکمیت قانون: برقراری نظام حکمرانی خوب نیازمند چارچوب‌های قانونی عادلانه و منصفی است که از ویژگی بی‌طرفانه بودن برخوردار است. در این چارچوب باید از حقوق کلیه افراد به خصوص حقوق محرومان محافظت به عمل آید. اجرای این گونه قوانین در یک فضای بی‌طرفانه و مبتنی بر انعطاف، نیازمند دستگاه قضایی مستقل و نیروی پلیس بی‌طرف و عاری از فساد است.

- شفافیت: شفافیت به خصوص شفافیت اقتصادی به معنی جریان آزاد اطلاعات و قابلیت دسترسی سهل و آسان به آن برای تمامی ذینفعان مربوطه است. اطلاعات باید به اندازه کافی و به صورت قابل فهم در دسترس باشند و از طرف دیگر تصمیمات و اجرای آن‌ها از قوانین و مقررات مشخصی پیروی کند.

- مسئولیت‌پذیری دولت: حکمرانی خوب نیازمند این است که نهادهای دولتی و فرآیندهای تصمیم‌گیری در یک چارچوب زمانی منطقی به همه ذینفعان آن خدمات لازم را ارائه دهد. رسیدن به این هدف تنها زمانی امکان‌پذیر است که نهادهای تصمیم‌گیر نسبت به تأمین خواسته‌ها و تمایلات افراد احساس مسئولیت داشته باشند.

- اجماع‌سازی: در واقع هر اندازه که نقطه نظرات موجود در یک جامعه از تفاوت‌های زیادی برخوردار باشند بالطبع بازیگران گوناگونی نیز وجود خواهند داشت؛ بنابراین حکمرانی خوب نیازمند این است که منافع و سلاقی مختلف در جامعه به سمت اجماعی گسترده که بهترین و بیشترین منفعت را برای تمام اجتماع در پی دارد، هدایت کند. این امر مستلزم این است که چشم‌انداز بلندمدت و وسیعی نسبت به آنچه برای توسعه انسانی پایدار ضروری است و چگونگی دستیابی به اهداف این‌چنین توسعه‌ای وجود داشته باشد. این مهم نیز تنها از طریق فهم و درک مفاهیم تاریخی، فرهنگی و اجتماعی جامعه قابل دستیابی است.

- عدالت اقتصادی: در حکمرانی خوب همه افراد باید از فرصت‌های برابر به‌خصوص در امر اقتصادی برخوردار باشند. رفاه یک جامعه وابسته به تضمین این امر است که همه اعضای آن احساس کنند در آن جامعه ذینفع هستند. برای تحقق این امر همه گروه‌های آسیب‌پذیر باید از حمایت‌های لازم برای افزایش توانمندی‌های خود برخوردار باشند.

- پاسخگویی دولت: پاسخگویی یک امر حیاتی برای مسئله حکمرانی خوب است. نه تنها نهادهای دولتی بلکه بخش خصوصی و سازمان‌های جامعه مدنی باید نسبت به عموم مردم و همه افراد ذینفع پاسخگو باشند. به‌طور کلی یک نهاد یا سازمان نسبت به کسانی که در ارتباط مستقیم با تصمیمات آن‌ها قرار دارند، پاسخگو خواهند بود.

#### منابع:

۱. اداره کل مطالعات کشاورزی (۱۳۹۲).
۲. اسکندری، محمدرضا، (۱۳۹۴)، شبکه‌های اجتماعی؛ ترفندی برای تهدید امنیت ملی، برگرفته از: <http://www.farsnews.com>
۳. برادران شرکا، حمیدرضا؛ ملک الساداتی، سعید، (۱۳۸۷)، «حکمرانی خوب کلید توسعه آسیای جنوب غربی»، فصلنامه راهبرد، شماره ۴۸.
۴. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار کارگزاران نظام؛ ۱۳۸۰/۹/۲۱.
۵. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار جوانان استان اصفهان؛ ۱۳۸۰/۸/۱۲.

۶. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام؛ ۱۳۷۹/۴/۱۹.
۷. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار کارگزاران نظام به مناسبت عید سعید فطر؛ ۱۳۷۵/۱۱/۲۱.
۸. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار رؤسای سه قوه، کارگزاران نظام و شخصیت‌های خارجی شرکت‌کننده در کنفرانس بین‌المللی وحدت اسلامی؛ ۱۳۷۵/۵/۱۳.
۹. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام؛ ۱۳۷۹/۰۴/۱۹.
۱۰. بیانات رهبر معظم انقلاب در جمع مردم استان کردستان در میدان آزادی سنندج؛ ۱۳۸۸/۲/۲۲.
۱۱. پیام نوروزی رهبر معظم انقلاب به مناسبت حلول سال ۱۳۸۶.
۱۲. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار برگزیدگان استان کردستان؛ ۱۳۸۸/۲/۲۴.
۱۳. پیام رهبر معظم انقلاب به مناسبت برگزاری کنگره عبادی سیاسی حج؛ ۱۳۷۵/۰۲/۰۴.
۱۴. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار برگزیدگان استان کردستان؛ ۱۳۸۸/۲/۲۴.
۱۵. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با روحانیون دفتر نمایندگی ولی فقیه در امور اهل سنت سیستان و بلوچستان؛ ۱۳۷۰/۰۸/۲۷.
۱۶. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار بسیجیان استان فارس؛ ۱۳۸۷/۰۲/۱۴.
۱۷. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار برگزیدگان استان کردستان؛ ۱۳۸۸/۲/۲۴.
۱۸. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام؛ ۱۳۷۹/۰۴/۱۹.
۱۹. پیام رهبر معظم انقلاب به مناسبت آغاز به کار هفتمین دوره مجلس شورای اسلامی؛ ۱۳۸۳/۰۳/۰۷.



۲۰. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار مردم سقز؛ ۱۳۸۸/۲/۲۹.
۲۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار برگزیدگان استان کردستان؛  
۱۳۸۸/۲/۲۴.
۲۲. پیام رهبر معظم انقلاب به مناسبت آغاز به کار هفتمین دوره مجلس شورای اسلامی؛ ۱۳۸۳/۰۳/۰۶.
۲۳. بیانات رهبر معظم انقلاب در میدان صبحگاه ستاد نیروی مقاومت بسیج؛  
۱۳۸۴/۰۶/۰۲.
۲۴. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار استادان و دانشجویان کردستان؛  
۱۳۸۸/۲/۲۷.
۲۵. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار برگزیدگان استان کردستان؛  
۱۳۸۸/۲/۲۴.
۲۶. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با روحانیون دفتر نمایندگی ولی فقیه در امور اهل سنت سیستان و بلوچستان؛ ۱۳۷۰/۰۸/۲۷.
۲۷. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار اعضای شورای تأمین استان‌ها؛  
۱۳۷۹/۱۱/۲۵.
۲۸. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار مردم سقز؛ ۱۳۸۸/۲/۲۹.
۲۹. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار مردم سقز؛ ۱۳۸۸/۲/۲۹.
۳۰. بیانات رهبر معظم انقلاب در جلسه درس خارج فقه درباره تقلید لهجه قومیت‌ها؛ ۱۳۸۹/۱/۳۱.
۳۱. بوزان، باری، (۱۳۹۰)، مردم، دولت‌ها و هراس، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۳۲. بوزان، باری، (۱۳۷۸)، مردم، دوان و هراس، پژوهشکده مطالعات راهبردی.

۳۳. بوگولیویف، (۱۳۵۸)، فرش‌های ترکمن، ترجمه ناز طبابایی، تهران، موزه فرش ایران.
۳۴. بهرامی، زهرا؛ عراقچی، عباس، (۱۳۹۶)، تهدیدات جدید امنیتی رژیم صهیونیستی، مجله سیاست دفاعی، شماره ۹۸ (زمستان)، ص ۱۶۲-۱۲۷.
۳۵. بیگدلی، محمدرضا، (۱۳۶۹)، ترکمن‌های ایران، تهران، انتشارات پاسارگاد.
۳۶. پورعزت، علی‌اصغر، (۱۳۸۷)، مبانی دانش اداره دولت و حکومت، تهران، انتشارات سمت.
۳۷. جرجانی، موسی، (۱۳۹۴)، ایرانیان ترکمن، تهران، انتشارات پژوهش‌های فرهنگی.
۳۸. جهاد کشاورزی استان گلستان، (۱۳۹۴).
۳۹. حمیدی، یونس، (۱۳۹۵)، جایگاه امنیت غذایی در تأمین امنیت ملی کجاست؟، اندیشکده تبیین.
۴۰. خالقی، امیرحسین، (۱۳۹۵)، «تعامل دولت و ذینفعان توسعه»، روزنامه دنیای اقتصاد، ۲۲ بهمن.
۴۱. خانی، علی، (۱۳۸۳)، نظریه‌های امنیت، مقدمه‌ای بر طرح‌ریزی دکترین امنیت ملی، تهران، مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.
۴۲. روحانی، حسن، (۱۳۹۱)، امنیت ملی و نظام اقتصادی ایران، تهران، نشر مجمع تشخیص مصلحت نظام.
۴۳. سازمان میراث فرهنگی و گردشگری، (۱۳۹۵).
۴۴. سازمان گردشگری و میراث فرهنگی استان گلستان، (۱۳۹۵).
۴۵. شاه‌آبادی، ابوالفضل؛ نیلفروشان، نیما، (۱۳۹۲)، «تأثیر حکمرانی بر رشد بیکاری کشورهای منتخب توسعه‌یافته و در حال توسعه»، فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، سال ۲۱، بهار، صص ۱۶۴-۱۴۷.

۴۶. شریفیان‌ثانی، مریم، (۱۳۸۰)، مشارکت شهروندی، حکمرانی شهری و مدیریت شهری، فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۸، ۱۶۲-۱۴۱.
۴۷. عبدالله‌خانی، علی، (۱۳۹۲)، نظریه‌های امنیت مقدمه‌ای بر دکترین امنیت ملی، تهران، مؤسسه فرهنگی ابرار معاصر ایران.
۴۸. عسگری، محمود، (۱۳۸۳)، درآمدی بر اقتصاد سیاسی امنیت ملی، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۱، ۴۹-۳۱.
۴۹. عموزاد خلیلی، سجاد، (۱۳۹۵)، قوم ترکمن و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد. بابلسر: دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه مازندران.
۵۰. کنعانی، محمد امین، (۱۳۷۹)، ایرانیان ترکمن نگاهی به گذشته و حال، فصلنامه مطالعات ملی، شماره ۴ (زمستان)، ص ۱۰۲-۸۱.
۵۱. گلی، امین‌الله، (۱۳۶۶)، تاریخ سیاسی و اجتماعی ترکمن‌ها، تهران، نشر علم.
۵۲. نامعلوم (نویسنده)، (۱۳۸۳)، دستاوردهای انقلاب اسلامی از دیدگاه امام خمینی، مجله حصون، شماره ۲.
۵۳. نگین تاجی، زریر؛ حسینی، هومان؛ کیانی، آذین، (۱۳۹۰)، شاخص‌های اقتصادی و امنیت ملی ایران، فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، شماره ۹، ۲۰۹-۱۹۳.
۵۴. وثوق زمانی، ابولفتح، (۱۳۶۲)، آشوراده و هرات دو کمینگاه استعمار، تهران، نشر گویا.
۵۵. ونکی، سعید، (۱۳۸۸)، نقش اقتصاد در تأمین امنیت ملی، مجله تازه‌های اقتصاد، شماره ۷۴، ۶۳-۴۵.
۵۶. هفته‌نامه اقتصاد گلستان، (۱۳۹۲)، چهارشنبه هشتم آبان، شماره ۴۳۲.

57. Abdellatif, Mohamad (2003), Good Governance and its Relationship to Democracy and Economic Development, Ministry of Justice Republic of Korea, pp. 1-27.

58. Barro, Robert (1991), "Economic Growth in a Cross Section of Countries", *Quarterly Journal of Economics*, pp. 407-433.-
- 59.-Buzan, B. and Waever, O. (1998) *Liberalism and Security: The Contradictions of the liberal leviathan*, Copenhagen Peace Research Institute, April 1998, available in: <http://www.ciaonet.org/wps/bub02/bub02.html>.
- 60.-Irons, W.G. (1969) *The Yomut Turkmen: A Study of Kinship in a Pastoral Society*. Ph. D. Dissertation, University of Michigan.
61. Kaufmann, Danial (2010), "The World Wide Governance Indicators: Methodology and Analytical Issues", The World Bank Development Research Group Macro economics and Growth Team September.
62. kymlca, C. (2002) *Multicultural citizenship: An Interdiction*, Oxford University Press.
- 63.60- Moller, B. (2000) *The concept of security: the pro and cons of Expansion and Contraction*, Available at: [www. Ciaonet.org.article/ security](http://www.Ciaonet.org/article/security).
64. Plumptre, Tim and Jhon Graham (1999), "Governance and Good Governance: International and Aboriginal Perspectives", *Institute on Governance*, December 3.
65. Sapru, R.K. (2006), *Administration Theories and Management Thought*, Delhi, Pubihshed by Prentice Hall of India.
66. Stiglitz, J. (1986), *Economics of the Public Sector*, Editio2, at: <http://www.norton&co.inc>.



# تأثیر حکمرانی خوب از بعد سیاسی بر امنیت ملی در بین اقوام «با تأکید بر قوم ترکمن»

سجاد عموزاد خلیلی

مرتضی علویان

علی اکبر جعفری



## چکیده:

لازمه وحدت ملی در ایران، وحدت و یکپارچگی بین اقوام و دولت مرکزی است. ایرانیان ترکمن که در شمال و شمال شرقی کشور زندگی می‌کنند که از لحاظ نژادی، زبان و ساخت اجتماعی تفاوت‌هایی با دیگر هموطنان خود دارند؛ اما این تفاوت نتوانسته است مانعی فراراه تعاملات این قوم با سایر ایرانیان پدید آورد. یکی از عناصر تأثیرگذار حکمرانی خوب در بین اقوام، سیاست‌های قومی تعیین و اجرا شده در بین آن‌ها می‌باشد. با توجه به اهمیت تأثیر سیاست‌های قومی در حکمرانی خوب بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، چیستی این تأثیر (مثبت یا منفی) بر قوم ترکمن به پرسش مهم و ضروری تبدیل شده است. این مقاله که با روش توصیفی-تحلیلی و با اتکا بر نظریه امنیت کپنهاگ نگاشته شده، بر این سؤال استوار است که سیاست‌های قومی جمهوری اسلامی ایران در مورد قوم ترکمن چگونه بوده است؟ طبق یافته‌های تحقیق، سیاست‌های قومی و اقدامات دولت‌های مختلف جمهوری اسلامی در مسیر امنیت‌سازی در منطقه ترکمن صحرا در مسیر درستی قرار داشته که البته نیاز به تقویت دارد. در حالت کلی تمامی دولت‌ها با اقدامات خود سعی در ایجاد همبستگی ملی در منطقه مورد مطالعه داشته‌اند.

**کلیدواژگان:** حکمرانی خوب؛ امنیت ملی؛ بعد سیاسی؛ اقوام؛ قوم ترکمن.



Impact of good governance from the political point of view of national security among tribes .»Emphasizing Turkmen people«

The necessity of national unity in Iran is the unity and unity between the tribes and the central government. Turkmen Iranians living in the north and northeast of the country, who differ in race, language, and social structure from their compatriots, but this difference has not been a hindrance to the interactions of this people with other Iranians. One of the influential elements of good governance among the ethnic communities is the determination and implementation of ethnic policies among them. Given the importance of the impact of ethnic policies in good governance on the national security of the Islamic Republic of Iran, what effect this (positive or negative) has on the Turkmen people has become an important and urgent question. This paper, based on a descriptive-analytical method based on Copenhagen's security theory, is based on the question of how the ethnic policies of the Islamic Republic of Iran were related to the Turkmen people. According to the research findings, the various policies and actions of various governments of the Islamic Republic of Iran in the direction of securitization in the Turkmen Sahara area are on the right track, which of course needs to be strengthened. In general, all governments have attempted to establish national solidarity in the area under study.

Keywords: Good governance; National security; Political dimension; ethnicity; Turkmen people.

**مقدمه:**

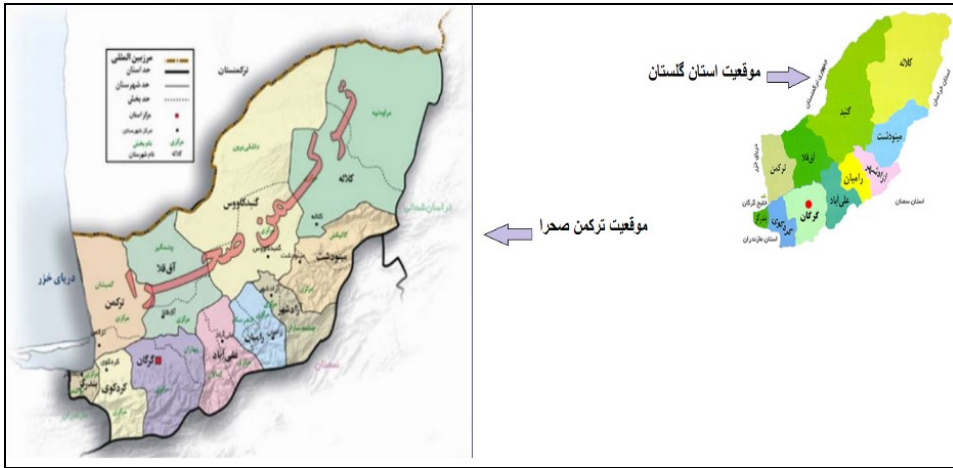
بحث از اقوام و به دنبال آن سیاست‌گذاری و مدیریت سیاسی جوامع چند قومی، از موضوعات حساسی به شمار می‌آید که ارتباط تنگاتنگی با منافع ملی و حیات سیاسی کشورها دارد. بر این مبنا، کسب، تثبیت و تقویت منافع ملی و در راستای آن وحدت ملی و همبستگی داخلی، از اهداف راهبردی کشورها در جوامع چندقومی محسوب می‌شود (مقصودی و دربندی، ۱۳۹۱، ۱۵۷). کمال مطلوب هر حکومت ملی، برخوردار از یک ملت یکپارچه است که در میان اعضای آن، تفاوت‌های چشمگیر زبانی، مذهبی، قومی و نژادی وجود نداشته باشد و همگان به یک هویت فراگیر ملی تعلق خاطر داشته و به آن وفادار باشند؛ اما در میان کشورهای جهان کمتر کشوری یافت می‌شود که به‌طور طبیعی دارای جمعیتی فاقد تفاوت‌های زبانی، مذهبی و قومی باشد. ایران نیز سرزمینی است که در جریان تحولات گوناگون تاریخی و حرکت‌های جمعیتی، ترکیبی از اقوام را در خود جا داده است (احمدپور و همکاران، ۱۳۸۹، ۳۶). یافته‌های نظری و واقعیت‌های تجربی، امنیت ملی را فرایندی در حال شدن نشان می‌دهد؛ بدین معنی که وقتی در مرحله‌ای امنیت حاصل شد و یا درجاتی از آن به دست آمد، به‌خودی‌خود تداوم پیدا نمی‌کند، بلکه برعکس، امنیت گاهی در معرض چالش‌های جدی قرار می‌گیرد، به‌گونه‌ای که حتی گاهی دولت - ملت‌های جاافتاده نیز با معضلات حاد امنیتی در اشکال مختلف روبه‌رو می‌شوند؛ بنابراین، امنیت‌سازی به سازوکار و نیروی پشتیبانی‌کننده نیاز دارد.

به‌علاوه، این نکته نیز حائز اهمیت است که توسل به راه‌حل‌های سیاسی یا تدابیر نظامی صرف برای ایجاد جامعه امن، باثبات و بی‌تنش کفایت نمی‌کند، بلکه لازم است با کاربست سیاست‌های اجتماعی کم‌هزینه‌تر و کم‌مخاطره‌تر، امنیت به‌طور مستمر مراقبت و بازتولید شود (Dani and Haan, 2008, 18). با عنایت به رویکرد نرم‌افزاری به امنیت ملی، مسئله یکپارچگی زیرساخت اجتماعی، نظام مدیریت امنیتی را تشکیل می‌دهد. ضعف یا ناکامی کشورها در یکپارچه‌سازی و نه یکسان‌سازی، گروه‌های اجتماعی گوناگون و تبدیل آن‌ها به نیروی سیاسی اجتماعی متحد، تهدیدات جدید امنیتی را به همراه آورده و زیرساخت‌های

کلان سیاسی را چندپاره ساخته و به تضعیف توان سیاست‌سازی و قابلیت پاسخگویی نظام سیاسی می‌انجامد. مسئله چندپارچگی و تشتت بنیادهای اجتماعی و مشکلات موجود فراروی فرایند ملت‌سازی در جهان سوم، متغیر یکپارچگی و تکوین جنبش‌های قومی را، از اهمیت اساسی برخوردار کرده است (فکوهی، ۱۳۸۰، ۱۷). قوم ترکمن به دلیل اشتراکات قومی و فرهنگی با هم‌نامان خود در آن‌سوی مرز ایران یعنی کشور ترکمنستان، به‌عنوان یکی از اقوام راهبردی و مهم برای کشورمان و مسئله امنیت آن می‌باشد. پراکندگی این قوم در دو استان خراسان شمالی و گلستان می‌باشد. بیشتر ترکمن‌ها در کشور ترکمنستان ساکن می‌باشند و حدود دو درصد از قوم ترکمن در ایران و بیشتر در سواحل شرقی دریای خزر ساکن می‌باشند. اشتراکات قومی و مذهبی که این اقوام در دو سوی مرز دارند بی‌گمان از جنبه امنیت‌سازی برای هر دو کشور، اهمیت بسیار دارد. از این رو، با توجه به چنین اهمیتی، بررسی سیاست‌های قومی کشور به‌عنوان شکلی از حکمرانی در قبال قوم ترکمن ضروری تلقی می‌شود. با این توصیف، این مقاله به دنبال بررسی و ارزیابی سیاست‌های قومی کشور در قبال قوم ترکمن می‌باشد و به این سؤال اصلی پاسخ می‌دهد که سیاست‌ها و عملکرد هرکدام از دولت‌های جمهوری اسلامی در پرداختن به امور ترکمن‌ها به‌عنوان یک مسئله مرتبط با امنیت ملی و آثار آن برای مردمان مناطق ترکمن‌نشین چگونه بوده است؟

### جامعه و سؤال تحقیق:

جامعه مورد مطالعه، منطقه ترکمن‌صحرا در استان گلستان می‌باشد. این منطقه در کرانه‌های رود گرگان قرار دارد و از این رو «دشت گرگان» خوانده می‌شود. دشت گرگانکه بخش اعظم آن در استان گلستان و بخش بسیار کوچکی از آن در شمال غربی خراسان واقع است، موطن اصلی ایرانیان ترکمن می‌باشد (کنعانی، ۱۳۷۹، ۲۱۷). به‌طور کلی سؤال اصلی تحقیق عبارت است از اینکه سیاست‌ها و عملکرد هرکدام از دولت‌های جمهوری اسلامی در پرداختن به امور ترکمن‌ها به‌عنوان یک مسئله مرتبط با امنیت ملی و آثار آن برای مردمان مناطق ترکمن‌نشین چگونه بوده است؟



(مأخذ: نویسندگان، ۱۳۹۵)

شکل (۱): نقشه موقعیت استان گلستان و منطقه ترکمن صحرا

### چارچوب نظری تحقیق:

مقوله کلی امنیت را می‌توان به احساس آزادی و رهایی یا احساس ایمنی که ناظر بر امنیت مادی و روانی است، اطلاق کرد که در آن صورت موجب استقلال رأی یک دولت یا ملت گشته و توانایی مقابله با دخالت بیگانگان و نیروهای خارجی را در امور داخلی خواهد داشت. دو رهیافت در امنیت ملی وجود دارد: ۱- رهیافت سنتی ۲- رهیافت جدید.

تعریف سنتی و کلاسیک رهیافت ملی: این رهیافت از منظر تک‌بعدی امنیت ملی را مطالعه تهدید، استفاده و کنترل نیروی نظامی می‌داند. در این دیدگاه با تعبیر سخت‌افزاری از امنیت ملی: اول آنکه، تهدید خارجی در اولویت بیشتر نسبت به تهدید داخلی می‌بیند. دوم آنکه، نظام بین‌المللی در این دیدگاه نسبت به محیط داخلی قدرت بیشتری بر امنیت کشور دارد. سوم آنکه، این رهیافت با دید تقلیل‌گرای و جزئی‌نگری، امنیت را در چارچوب مرزهای ملی تعریف می‌نماید.

در دوران جدید با فروپاشی نظام دوقطبی، پایان جنگ سرد و در نتیجه تغییر نظام قدرت در جهانکه سبب شد نگاه نظامی به امنیت در بعد بین‌المللی متحول شد و ابعاد دیگر

قدرت؛ یعنی ابعاد اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی جایگاه قوی‌تری پیدا کرده است (بوزان، ۱۳۷۸، ۲۹). در گفتمان نوین امنیت، از وجود تمامیت ارضی و نهادهای سیاسی به مرحله بالاتر؛ یعنی اراده و مهارت و ضرورت ارتقای رضایت ساکنان سرزمین و نیز کارآمدی نهادهای سیاسی و غیر سیاسی توجه می‌شود (مولر، ۲۰۰۰، ۲۳).

همچنین باری بوزان از جمله نظریه‌پردازان مکتب کپنهاک در خصوص امنیت معتقد است: امنیت را باید چندبعدی نگریست که ابعادی مانند مهاجرت، سازمان‌های جناحی فراملی و فروملی، محیط زیست و رفاه اقتصادی را شامل می‌شود. او معتقد است برای چندبعدی بودن امنیت بایستی تأثیر فرهنگ، جغرافیای محیط زیست، تمدن و مذهب و از همه مهم‌تر هویت را فهمید (بوزان، ۱۳۷۸، ۳۳).

بوزان در دهه نود میلادی دیدگاه امنیت اجتماعی را مؤثرترین شیوه جهت فهم موضوع امنیت مطرح نمود و هدف مرجع امنیت اجتماعی را مسئله هویت دانست. امنیت اجتماعی در مکتب کپنهاک، یک مفهوم مرکزی دارد و آن عبارت است از هویت. هرگاه گروهی احساس کند، باور و رویه‌های فرهنگی - اجتماعی‌اش انکار، مهار یا دست‌کاری می‌شود، احساس ناامنی می‌کند (کیملیسکا، ۲۰۰۲، ۳۲).

همچنین، امنیت ملی در ساده‌ترین تعریف این‌گونه تعریف می‌شود: توانایی یک ملت برای حفاظت از ارزش‌های حیاتی داخلی در مقابل تهدیدات خارجی و اینکه کشورها چگونه سیاست‌ها و تصمیمات لازم را برای حمایت از ارزش‌های داخلی در مقابل تهدیدات خارجی، اتخاذ می‌کنند (ماندل، ۱۹۹۵، ۱۲۳)؛ اما در تعریف مدرن از امنیت ملی به‌جای توجه به تهدیدات خارجی، آسیب‌پذیری‌های داخلی بیشتر مورد توجه است و تهدید خارجی دارای اعتبار کمتری است (حمیدی، ۱۳۹۵، ۳۵)؛ چراکه آسیب امنیت ملی رابطه معکوسی با امنیت ملی دارد. هر جا و در هر سطحی امنیت ملی نباشد؛ یعنی فعالیت‌ها و ارتباطات مجاز و مشروع شهروندان با وقفه یا اختلال مواجه شود، آسیب امنیت ملی ظهور می‌کند (اسکندی، ۱۳۹۴، ۲۸). آسیب امنیت ملی می‌تواند درونی و یا بیرونی باشد. از جمله آسیب‌های درونی امنیت ملی می‌توان به آسیب‌های فرهنگی - اجتماعی اشاره کرد؛

چراکه آسیب‌های فرهنگی - اجتماعی منجر به خدشه وارد شدن به وحدت و انسجام اجتماعی در کشور می‌شود (با اقتباس از خوشروزاده، ۱۳۸۲، ۴۹).

از طرف دیگر، یکی دیگر از نقطه نظرات مهم مکتب کپنهاگ مربوط به امنیت ملی است. بوزان و سایر اعضای مکتب کپنهاگ، امنیت ملی را مرکز ثقل امنیت می‌دانند. ویور معتقد است که مفهوم امنیت در سطح دولت شکل می‌گیرد؛ چراکه به دلیل ساخت سیاسی دولت‌ها و سیستم بین‌المللی، مهم‌ترین زیستگاه کشورها تلقی می‌شود. در واقع، ارتباط سیاسی میان دولت‌ها و سیستم مزبور آن قدر نزدیک می‌باشد که بحث مستقل حول آن‌ها در معرفی اشتباهات اساسی، قرار می‌گیرد. پس این مکتب با توجه به دولت‌محوری، بُعد امنیت ملی را مهم‌ترین ابعاد شناخت امنیتی خود در سطوح بین‌المللی، منطقه‌ای، دولتی و اجتماعی ذکر می‌کند (نصری، ۱۳۹۰، ۱۵۳).

#### قومیت و رویکرد امنیت ملی:

با عنایت به رویکرد نرم‌افزاری به امنیت ملی، مسئله یکپارچگی زیرساخت‌های اجتماعی - فرهنگی سیستم مدیریت امنیتی را شکل می‌دهد. ضعف و ناکارآمدی در یکپارچه‌سازی و نه یکسان‌سازی گروه‌های اجتماعی گوناگون و تبدیل نیروی سیاسی - اجتماعی متحد، تهدیدات جدید امنیتی را به همراه دارد، زیرساخت‌های کلان سیاسی را چندپاره می‌کند و به تضعیف توان سیاسی‌سازی و قابلیت پاسخگویی نظام سیاسی می‌انجامد. مسئله چندپارگی و تشتت بنیادهای اجتماعی و مشکلات موجود فراروی فرایند ملت‌سازی در جهانی‌سازی جهان سوم، متغیر یکپارچگی و تکوین جنبش‌های قومی را دارای اهمیت اساسی کرده است (بوزان، ۱۳۹۴، ۴۶).

قوم‌مداری در اثر سیاست‌هایی که در قبال اقوام و قومیت‌ها اجرا می‌شود، یا به سمت تشدید شدن مصیبت‌ها پیش می‌رود و یا در جهت همزیستی مسالمت‌آمیز شکل می‌یابد. مسائل قومی با سیاست‌های امنیت ملی به‌طور ملموسی در ارتباط بوده و رویکردهای امنیت ملی نمی‌توانند فارغ از مباحث قومی نگاهی جامع را ارائه دهند. در چشم‌انداز آتی، قومیت‌ها یک مسئله جهانی و عامل تنش‌زا، باقی خواهند ماند. هرچند مسئله رویگردانی به

دولت‌های مرکزی به‌وسیله قومیت‌ها تحت جنبش‌های فروملی جدایی‌خواه از دوران جنگ سرد به اشکال مختلف رخ داده است؛ اما پس از جنگ سرد، رشد فزاینده این جنبش‌ها چشم‌گیر بوده است.

مسئله اقوام و هویت‌های قومی در جوامع توجهات زیادی را در امنیت ملی جلب کرده است. بوزان را می‌توان از افرادی نامید که در تبیین و واضح کردن تأثیر اقوام و هویت‌های قومی بر امنیت ملی، نقش مؤثری داشته است. در زمینه تأثیرگذاری اقوام بر امنیت ملی، مکتب کپنهاگ معتقد است: برای حفظ ثبات در جوامعی با اقوام دارای تنوعات فرهنگی و اجتماعی در جهت حفظ امنیت اجتماعی و ملی باید به حفظ الگوهای سنتی، زبان، فرهنگ، مذهب و هویت و عرف ملی با شرایط قابل قبولی از تحول، پرداخت.

بوزان و سایر محققین مکتب کپنهاگ معتقد هستند که مسائلی همچون مهاجرت، درگیری‌های قبیله‌ای، کثرت فرهنگی، وجود قومیت‌های مختلف در یک کشور، مذهب، هویت و ... مواردی هستند که با توجه به برهه‌های متفاوت زمانی می‌توانند در هر کشوری به یک مسئله امنیتی تبدیل شوند؛ اما یک حکومت کارآمد در مقابل هر چالشی آخرین گزینه (نیروی نظامی) را انتخاب نمی‌کند. به نظر می‌رسد جلوگیری از امنیتی کردن مسائل و حل اجتماعی - سیاسی مشکلات از طریق خود مردم می‌تواند هزینه کمتری را در برداشته باشد؛ بنابراین، نباید امنیت ملی را نوعی کمال مطلوب انگاشت. از پایه باید امنیت را به چشم امر سلبی و منفی و به معنای ناتوانی از برخورد با موضوعات به شیوه سیاست معمول انگاشت (همان، ۵۷). از این رو می‌توان گفت: در نگاه بوزان و همکارانش، کمال مطلوب امنیت ملی زمانی محقق می‌شود که دولت به حل معقولانه مشکلات از طریق اجتماع و گروه‌های اجتماعی بپردازد؛ بنابراین جوامع با اقوام متنوع، زمانی می‌توانند در دستیابی به امنیت اجتماعی و در ورای آن امنیت ملی موفق باشند که بدون اولویت‌بخشی به ارزش‌های مسلط، درصدد نگهداری و مراقبت از هویت گروه‌ها، برآیند و حیات معنوی و فرهنگی آن‌ها را تضمین کند (با اقتباس از واور، ۲۰۰۹، ۲۲۲).

### سیاست‌های قومی و امنیت:

مهم‌ترین نکته در سیاست‌گذاری و مدیریت قومی، ایجاد توازن و سازش میان تعلقات ملی و قومی است. ملیت در جوامع چندقومی و چندفرهنگی از انسجام اقوام و خرده‌فرهنگ‌ها حاصل شده و دولت ملی کارآمد، دولتی است که بتواند در درازمدت، مدیریت موفق در زمینه اقوام داشته باشد؛ چنانچه هدف از مدیریت تنوع قومی در کشور ما نیز، هدایت آن به سمت حفظ، تداوم و ارتقای همبستگی ملی کشور است (صالحی امیری، ۱۳۸۸، ۷۱). هرچه یک دولت-ملت منسجم‌تر و یکپارچه‌تر باشد، وضعیت امنیتی آن ثبات بیشتری دارد و در مقابل، دولت-ملت نامنجم، زمینه بالقوه مناسبی برای رفتارها و رخدادهای ضد امنیتی محسوب می‌شود؛ بنابراین در جوامع ضعیف و پاره و پاره، احتمال واگرایی و مرکزگریزی گروه‌های فروملی قابل ملاحظه است؛ بنابراین قومیت در ارزیابی امنیت ملی یک کشور متغیر مهمی محسوب می‌شود. برخی از عوامل چون درجه پایین انسجام و یکپارچگی اجتماعی، ساختار غیر مشارکتی و توزیع قدرت سیاسی، رفتارهای سیاسی تجزیه‌طلبانه، کاهش امنیت داخلی، افزایش حمایتگری خارجی، حامی‌پروری، ناهمسانی در علائق و ارزش‌های مشترک در تشدید تمایلات قومی بسیار مؤثرند (ایوبی، ۱۳۷۷، ۲۳).

در مفهوم‌بندی سیاست‌گذاری قومی باید گفت که شناخت و مطالعه سیاست‌گذاری قومی از مجرای بررسی کلیه سازوکارها، ابزارها و روش‌هایی که دولت برای نیل به اهداف خود، به شکل اعلام‌شده یا غیر اعلامی به کار می‌بندد، ممکن و میسر است. این سازوکارها ممکن است حقوقی و در لباس قوانین و مقررات باشند یا رویکردهای سیاسی که در قالب اعمال روش‌های خاص مدیریتی، نهادسازی، ایجاد فرصت‌ها یا سلب امکان مشارکت برای گروه‌های قومی و مذهبی تجلی می‌یابند. سیاست قومی یا در عرصه فرهنگ بروز و ظهور می‌یابد یا در حوزه اقتصاد، سیاست و یا اجتماعیات؛ شکل اعمال این سیاست‌ها می‌تواند رسمی یا غیررسمی، علنی یا غیر علنی، سخت‌افزاری یا نرم‌افزاری و یک‌بعدی یا چندبعدی باشد (حق پناه، ۱۳۹۴، ۷۲). مهم‌ترین نکته در سیاست‌گذاری و مدیریت قومی، ایجاد



توازن و سازش میان تعلقات ملی و قومی است. ملیت در جوامع چندقومی و چندفرهنگی از انسجام اقوام و خرده‌فرهنگ‌ها حاصل شده و دولت ملی کارآمد، دولتی است که بتواند در درازمدت، مدیریت موفق‌تری در زمینه اقوام داشته باشد؛ چنانچه هدف از مدیریت تنوع قومی در کشور ما نیز، هدایت آن به سمت حفظ، تداوم و ارتقای همبستگی ملی کشور است (صالحی امیری، ۱۳۸۸، ۷۱). دولت‌های چندقومی اغلب به‌منظور رسیدن به اهدافی به سیاست‌گذاری قومی روی می‌آورند؛ مانند کنترل سطح تکثرگرایی قومی و جلوگیری از تبدیل آن به خشونت قومی، حفظ همزیستی مسالمت‌آمیز گروه‌های تشکیل‌دهنده جمعیت کشور، ایجاد رویه مسالمت‌آمیز و مشروع در مواجهه با تقاضاهای قومی (گودرزی، ۱۳۸۵، ۲۴۷). با توجه به مطالب بیان‌شده، سه الگوی عمده ماهیت سیاست‌های قومی جوامع چند-ملیتی را در زمان‌های مشخص و معین معلوم می‌نماید. این سه الگو عبارت‌اند از: همانندسازی، تکثرگرایی حامی برابری و تکثرگرایی نابرابر (واکر، ۱۳۹۷، ۲۳۰-۲۲۹).

### الگو اول: همانندسازی

بر اساس تعریف ینگر همانندسازی فرایند تقلیل خط تمایز بوده و زمانی رخ می‌نماید که اعضا دو یا چند جامعه، گروه‌های نژادی یا گروه‌های اجتماعی کوچک‌تر با یکدیگر همسان می‌شوند (Yinger, 1985, 30)؛ بنابراین همانندسازی را می‌توان بسان غرض و یا (ایده‌آلی) منسجم‌ساز برشمرد که جوامع چندقومیتی به‌سوی آن حرکت کرده و سیاست‌های دولت و ایدئولوژی‌ها برای آن شکل می‌گیرند. هدف سیاست‌های همانندسازی (به گفته بارت و نوتل) عبارت است از: ترکیب میکروبی، فرهنگی، اجتماعی و روانی گروه‌های متمایز و منفرد به‌منظور ایجاد یک جامعه بدون تفاوت‌های قومی (Barth and Noel, 1972, 336). در نوع خشن همانندسازی، هویت و اصالت دیگری نادیده گرفته می‌شود و اقوام غیردولتی به لحاظ تمدنی، مادون و نابرابر محسوب می‌شوند. در نوع مسالمت‌آمیز نیز، همانندسازی بیشتر منبع اساسی فرهنگ‌سازی رسمی محسوب می‌شود، در حالی که اقلیت بیشتر نقش گیرنده و جذب‌کننده را بدون تأثیری بر فرهنگ اکثریت دارد (وزارت کشور، ۱۳۸۳، ۱۰). همانندسازی قومی به‌طور عموم بر دو بعد فرهنگی و

ساختاری استوار است. گوردون مراحل جذب گروه‌ها و همگون‌سازی اقوام با هسته مرکزی جامعه را در دو بعد فرهنگی و ساختاری، طی هفت مرحله می‌داند: ۱- همانندسازی فرهنگی. ۲- همانندسازی ساختاری. ۳- همانندسازی مادی. ۴- همانندسازی هویتی. ۵- همانندسازی ایستاری (بینشی). ۶- همانندسازی رفتاری. ۷- همانندسازی مدنی (مقصودی، ۱۳۷۸، ۷۱). این سیاست بیشتر در زمان حکومت پهلوی اول در منطقه ترکمن نشین اجرا شد؛ اما به دلایل زیادی کارایی لازم را نداشت.

### الگو دوم: تکثرگرایی حامی برابری

این الگو، نقطه مقابل همانندسازی محسوب شده و در نتیجه، تنوع گروهی و حفظ مرزهای جداکننده گروه‌های قومی از یکدیگر را تشویق می‌کند. در این الگو، تمام گروه‌های فرهنگی و قومی، پذیرفته شده هستند و از طریق مشارکت و همزیستی، در عین حفظ وجوه تمایز خود با یکدیگر، به یک نظام سیاسی و اجتماعی کلان‌تر تعلق خاطر دارند (صالحی امیری، ۱۳۸۸، ۹۴). در یک جامعه چندقومیتی که توسط اصول (تکثرگرایی مساوات‌طلبانه) هدایت می‌شود، گروه‌های قومی تبدیل به گروه‌های ذینفع سیاسی می‌شوند که بر سر منافع اجتماعی با یکدیگر رقابت می‌کنند. از لحاظ نظری نیز این تفاوت‌های رقابت‌برانگیز در متن مجموعه‌ای از ضوابط سیاسی که مورد قبول همگان قرار دارد، بوده و از این رو شکاف‌ها و تفاوت‌های جدی بین گروه‌ها را کاهش می‌دهد. بدین صورت که تمام گروه‌ها نسبت به یک سیستم سیاسی مشترک و واحد وفادار می‌باشند و در داخل سیستم اقتصادی واحدی مشارکت می‌جویند و در مجموعه یکسانی از ارزش‌های قومی را ادراک می‌کنند. تفاوت‌های فرهنگی - ساختاری موجود بین این گروه‌ها توسط دولت صیانت می‌شود و ضوابط سازمانی در جهت تشویق متناسب پاداش‌های اجتماعی بر اساس قومیت، تدارک دیده می‌شوند (Peterson, 1980; Taft, 1963 and Williams, 1977).

سیاست‌های ترجیحی قومی راهی در جهت ایجاد تکثرگرایی مساوات‌طلبانه می‌باشد. غرض از این سیاست‌ها و برنامه‌ها ارتقا وضعیت اقتصادی و آموزشی اقلیت‌های قومی است که در گذشته به‌سختی و بارها قربانی تبعیض بوده‌اند. برای جبران این لحظات، اقدام

به ترویج مساوات در دسترسی به نهادهای عمده و اصلی اجتماعی و توزیع مناسب‌تر قدرت و ثروت در جامعه دارای تنوع قومی شده است. سیاست‌هایی با اهداف مشابه در دیگر جوامع چندقومیتی به اجرا گذاشته شده است (Horowitz, 1985; Nevitte and Kennedy, 1986; Srinivas, 1966). این نظریه برای ایجاد همگرایی ملی و همبستگی ملی در قوم ترکمن می‌تواند به‌درستی مؤثر واقع شود.

### الگو سوم: تکثرگرایی نابرابر

تکثرگرایی نابرابر دلالت بر نتایج و فرایندهایی دارد که به‌وضوح برای گروه‌های قومی جامعه نابرابرانه است. سیستم‌نظام‌های تکثرگرایی نابرابر توسط سیاست‌هایی که گروه‌های قومی را از حیث ساختاری از یکدیگر مجزا و توزیع بسیار نابرابر قدرت و مزایا را تقویت می‌نمایند، هدایت می‌شوند. در حالی که سیاست‌های تکثرگرایی حامی نابرابری در درون سیستمی قرار دارند که گروه‌های متفاوت از روی جلب رضایت و طیب خاطر نسبت به دولتی مشترک و واحد ابراز وفاداری می‌کنند؛ اما سیاست‌های تکثرگرایی نابرابر بیشتر توسط اجبار دولت حمایت و تقویت می‌شوند. دولتی که ممکن است از سوی تمام گروه‌ها، مشروع شناخته نشود. محتوا و شکل سیاست در هر مورد در نهایت بستگی به اهداف گروه‌های قومی مسلط و اقلیت در جامعه دارد. بدیهی است که این دو می‌تواند در تضارب با یکدیگر باشند. هرگاه اهداف دو گروه موافق باشند نزاع از میانشان رخت برمی‌بندد و هرگاه مخالف هم باشند نزاع غیر قابل اجتناب خواهد بود (Kuper, 1969, 11). اگرچه سیاست‌های تکثرگرایی نابرابر در شکل افراطی خود، در جوامع چندقومیتی مدرن امروزی نادر هستند؛ اما اشکال مخفی و کم‌رنگ آن در بعضی از جوامع که انفکاک قومی در آنجا به‌طور کلی بیشتر بر پایه نژاد صورت می‌گیرد تا تمایزات فرهنگی، هویدا و آشکار است. در وضعیت‌های بردگی، کاستی یا استعماری قومیت و طبقه با یکدیگر مترادف هستند: یک گروه تمام قدرت و ثروت را در اختیار دارد؛ در نتیجه، موقعیت‌های شغلی دارای شأن و منزلت بالا را به انحصار خود درمی‌آورد؛ اما تحت شرایط روابط رقابتی - نژادی که ویژگی

جوامع صنعتی مدرن است، شکاف شغلی بین گروه‌های قومی در جریان انفکاک طبقاتی هرچه بیشتر گروه‌ها، کاهش می‌یابد (vandenBergh, 1978, 24 and willson, 1973, 63). در نهایت می‌توان گفت: کشوری در مدیریت تنوع قومی کارآمد محسوب می‌شود که بتواند وحدت ملی خود را از طریق احترام به تفاوت‌های قومی در تمامی ابعاد حفظ کرده و بالاتر ببرد. الگوی وحدت‌گرا در جوامع کثرت‌گرایی مانند ایران در صورت توجه به تمرکزگرایی نسبی دولت، بسیار کارآمدتر از دو الگوی همسان‌سازی و تکثرگرایی خواهد بود (مقصودی و دربندی، ۱۳۹۱، ۱۶۲).

### حکمرانی خوب:

حکمرانی در لغت به معنای اداره و تنظیم امور و رابطه میان شهروندان و حکومت-کنندگان اطلاق می‌شود. حکمرانی اشاره به پاسخگو بودن هم در حوزه سیاست‌گذاری و هم اجرا را دارد (شریفیان ثانی، ۱۳۸۰، ۱۴۹). بر این اساس حکمرانی مستلزم تعامل میان ساختار، فرایند و سنت است که بر اعمال و رابطه قدرت در مجموعه‌های نهادی و اجتماعی دلالت دارد و مفاهیم هدایت، کنترل و تنظیم فعالیت‌ها در جهت منافع مردم یا همه شهروندان، رأی‌دهندگان و کارکنان مستتر است (Plumpter, 1999, 3). می‌توان گفت جوهره حکمرانی به روابط اجزای درون حکومت و بخش‌های غیر حکومتی اشاره دارد (Kaufmann, 2010, 4). از نظر دانشمندان علوم سیاسی حکمرانی بر فراگرد مدیریت سیاسی اشاره دارد که مبانی هنجاری اقتدار سیاسی و سبک هدایت امور عمومی و به‌کارگیری منابع عمومی را در برمی‌گیرد. مفهوم حکمرانی وسیع‌تر از حکومت است، حکومت به‌طور مشخص با نقش مقامات سیاسی در حفظ نظم اجتماعی در سرزمین معین و اعمال قدرت اجرایی در محدوده آن سروکار دارد. همان‌طور که مشخص است در تعریف حکمرانی سه اصطلاح پاسخگویی و حساب‌پس‌دهی، مشروعیت و شفافیت مورد توجه قرار می‌گیرد (پورعزت، ۱۳۸۷، ۱۸-۱۹). در واقع موضوع اساسی در حکمرانی، تصمیم‌گیری در این باره است که چه کسی، چه چیزی، چگونه، کجا و چه هنگام به دست آورد (Sapru, 2006, 308).

حکمرانی خوب به‌عنوان پارادایم جدید در اداره بخش عمومی نقطه تلاقی و تعامل بین رشته‌های مختلف علوم انسانی مانند مدیریت، اقتصاد، علوم سیاسی، جامعه‌شناسی، حقوق، سیاست‌گذاری عمومی و روابط بین‌الملل را ایجاد کرده است. این الگو به‌خصوص از دهه ۱۹۸۰ میلادی به بعد توسط نهادهای بین‌المللی و در پاسخ به اوضاع نامطلوب جوامع در حال توسعه و حرکت آن‌ها به سوی توسعه ارائه شد. از نظر دی فرانسی (۲۰۰۹ م) الگو حکمرانی خوب، نحوه حکمرانی، کیفیت رابطه بین شهروندان و حکومت را نشان می‌دهد. در این نظریه دخالت منطقی دولت و نقش تسهیل‌گری و هماهنگ‌کنندگی آن تأکید دارد. در حقیقت حکمرانی خوب اصطلاحی است که نشانه تغییر پارادایم نقش حکومت است و اینکه اولویت‌های گوناگون بر مبنای نیازها و خواست سطوح و اجزا گوناگون یک جامعه تحقق پیدا می‌کند (Abdellatif, 2003, ۳-۵).

### نقش و جایگاه دولت در الگوی حکمرانی خوب

دولت در ادبیات حقوقی و سیاسی، دارای بار خاص معنایی است و اجزائی برای آن تعریف می‌کند که عبارت‌اند از: ۱- حکومت. ۲- حاکمیت. ۳- سرزمین. ۴- جمعیت. در این پژوهش دولت در قالب حکومت مدنظر است که در حقیقت فرایند اجرای منظم سیاست‌ها و تصمیمات مقامات اداری درون یک دستگاه سیاسی در قلمرو معین که اقتدار آن در اجرای سیاست‌هایش بر مبنای یک نظام حقوقی و با استفاده از زور حفظ می‌گردد. این نهاد بیشتر از سه بخش یا قوه که عبارت‌اند از قوه مقننه، قوه مجریه و قوه قضائیه تشکیل می‌شود (گیدنز، ۱۳۷۷، ۳۲۵-۳۲۴). البته در کنار این سه قوه می‌توان به مؤسسات و نهادهای عمومی غیر دولتی، شهرداری‌ها و قوای نظامی اشاره کرد.

در قالب الگوی حکمرانی خوب دولت به ظرفیت اجرایی یا فنی یا به عبارتی زیرساخت‌های قانونی و سازمانی نیازمندا است؛ از جمله نهادینه ساختن قوانین و هنجارهایی که به مقامات دولتی انگیزه می‌دهد تا طبق منافع جمعی عمل کنند و در عین حال فساد و فعالیت خودسرانه را محدود سازد. به قوه قضائیه مستقل، بازبینی‌ها و تراز کردن‌های نهادی از طریق تفکیک قوا و نظارت کارآمد وابسته است که بتواند با هم مانع از فساد و فعالیت

خودسرانه دولت شوند. ایجاد و پیش‌بینی دستمزد رقابتی برای کارمندان دولت، افراد مستعدتری در درون خود جذب می‌کند و تخصص‌گرایی و صداقت را افزایش می‌دهد (دفتر بررسی‌های اقتصادی مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۸۳، ۱۱۲).

می‌توان گفت: در حکمرانی خوب، دولت ساخت‌آفرینی است، به‌جای آنکه فقط خود را فعال در همه امور تلقی کند و متصدی همه امور شود به یکی از شرکای اداره امور مبدل می‌کند. دولت‌ها با دمیدن جان تازه در نهادهایشان، توانمندی خود را بهبود می‌بخشند؛ بنابراین دولت‌های فرایندها را هم در سطح ساختار و تشکیلات کلان و هم در جزء، به‌گونه‌ای پیاده‌سازی می‌کنند که شهروندان می‌توانند از خدمات بهتر و با کیفیت مناسب بهره‌مند شوند.

بر این اساس استگلیتز ده اصل را به‌مثابه خط‌مشی‌های اصلی حضور مکمل حکومت در کنار بخش‌های دیگر مدنظر قرار می‌دهد:

۱- حاکمیت قانون و هنجارهایی که موجب افزایش انگیزه کارکنان برای خدمت به منافع عامه می‌شوند.

۲- وجود قوه قضاییه مستقلی که موجب ایجاد ظرفیت قضایی مناسب برای نظارت بر اجرای قانون شود.

۳- تفکیک قوا و هم‌ترازسازی آن‌ها به‌گونه‌ای که امکان موازنه و مراقبه میان آن‌ها فراهم آید.

۴- استخدام و ترفیع افزایش حقوق کارگران بر اساس منطقی شایسته‌سالار.

۵- به پیمان‌سپاری فعالیت‌ها به‌گونه‌ای که موجب کاهش هزینه‌ها و افزایش کیفیت انجام کارها شود.

۶- استفاده از مزایده و مناقصه در معامله‌های دولتی به‌گونه‌ای که حتی‌المقدور منافع ملی را در هر معامله بیشینه سازد.

۷- توجه به عملکرد و نتایج در هنگام انعقاد قراردادها.

۸- تلاش برای نیل به اجماع در فراگرد خط‌مشی‌گذاری عمومی.

۹- تمرکززدایی و افزایش سطح مشارکت عمومی در اجرای طرح‌ها و برنامه‌ها. ۱۰- مبارزه با فساد و رفتارهای خودسرانه (پورعزت، ۱۳۹۳، ۲۷۰).

همان‌طور که ملاحظه می‌شود نقش دولت در شکل‌گیری زمینه‌های ساختی، نهادی و همچنین پیش‌بینی سیاست‌ها و راهبردهای کلان در الگوی حکمرانی خوب بسیار قاطع و برجسته است؛ بنابراین در جهت تحقق این موضوع کارکرد و ساختار دولت به طراحی فرایندهایی نیازمند است که عبارت‌اند از:

گام نخست: دولت ظرفیت‌ساز: در این مرحله دولت زمینه را برای تقویت ظرفیت‌های نهادی و سازمانی و همچنین سازوکارهای تقویت استقلال قوا و نهادها، احتراز از انسداد سیاسی را برای نظارت و کنترل به کار می‌بندد.

گام دوم: دولت انطباق‌گرا: در این مرحله به تقویت ظرفیت‌های استخراجی و پاسخگویی دولت پرداخته می‌شود تا از طریق نظام ملی، خود را با شرایط شمول داخلی و خارجی و پاسخگویی به نیازهای برآمده از مراحل قبل سازگار سازد. تقویت جنبه دولتی در بخش‌های پیشرفته، تقویت آزادی عمل نهادها و بازیگران اقتصادی و علمی داخلی با محیط بیرونی و همچنین تقویت سرمایه اجتماعی موضوعات مهمی تلقی می‌شود.

گام سوم: دولت رفاه‌گرا (عدالت‌محور): در این مرحله به تقویت ظرفیت‌های توزیعی و منابع فرصت‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی پرداخته می‌شود. دولت اقداماتی مانند افزایش منابع عمومی، برقراری توازن و تعادل در سطح توسعه مناطق مختلف، گسترش نظام جامع تأمین اجتماعی و فرایند دموکراتیک‌سازی از طریق پذیرش پلورالیسم سیاسی و توزیع قدرت سیاسی را انجام می‌دهد.

گام چهارم: دولت شهروندمدار- نهادگرا: در این مرحله تقویت ظرفیت‌های نمادین و فرهنگی توسط دولت پیگیری می‌شود. نقش عوامل غیر دولتی و غیر سیاسی در برقراری نظم، امنیت، ثبات و اداره عمومی افزایش می‌یابد و از نقش دولت در بخش‌های دیگر کاسته می‌شود؛ بنابراین دولت در این مرحله به تقویت نهادهای مدنی، مشارکت داوطلبانه و

فعال شهروندان، حکومت‌های محلی و افزایش تعامل میان نهادها و بازیگران مختلف می‌پردازد (جعفری و ذوالفقاری، ۱۳۹۳، ۸۹-۸۷).

### روش تحقیق:

روش پژوهش توصیفی-تحلیلی و شیوه جمع‌آوری اطلاعات آن مبتنی بر مطالعات کتابخانه‌ای می‌باشد. تعاریف و نظریه‌های ارائه‌شده، با استفاده از کتب، مقالات، منابع اینترنتی، طرح‌ها، پایان‌نامه‌ها و رساله‌ها استخراج شده است. همچنین یافته‌های تحقیق بر اساس مطالعات نظری و مشاهدات میدانی در سطح محدوده مورد مطالعه می‌باشد.

### یافته‌های تحقیق:

#### سیاست قومی ج.ا. ایران و رفتار سیاسی قوم ترکمن:

در این بحث در سایه توجه به رویکردهای سیاسی و ایدئولوژیک دولت‌های حاکم بر ایران در مقاطع مختلف بعد از انقلاب و سیاست‌گذاری‌های قومی این دولت‌ها متناسب با رویکردهای سیاسی و ایدئولوژیک خود تلاش می‌شود: نخست اینکه، روندها، شیوه‌ها و چگونگی اعمال سیاست‌های قومی مورد نظر از سوی این دولت‌ها در منطقه ترکمن‌صحرا تبیین گردد و دوم اینکه، رفتار سیاسی قومی ترکمن در مواجهه با سیاست‌های قومی در پیش گرفته‌شده از سوی دولت‌های حاکم مورد ارزیابی و واکاوی قرار گیرد، سوم اینکه، پیامدها و تأثیرات این کنش‌ها و واکنش‌های سیاسی متقابل میان دولت مرکزی و نخبگان قومی ترکمن بر دو مقوله محوری هویت‌یابی ملی-ایرانی و هویت‌جویی قومی ترکمن‌ها تبیین گردد. از آنجا که نقش اصلی و تعیین‌کننده در جهت‌گیری‌های سیاسی و اجتماعی مردمان قوم ترکمن در قبال سیاست‌های دولت مرکزی از جمله در زمینه مسائل قومی همواره بر عهده نخبگان قومی بوده است؛ بنابراین تأکید این نوشتار به‌طور کلی بر روی بررسی کنش‌ها و واکنش‌های سیاسی متقابل آن‌ها یا دولت‌های حاکم بر ایران در مقاطع مختلف تاریخ معاصر استوار است.



## دوره وضعیت انقلابی (۱۳۵۹-۱۳۵۸ ه.ش)

در آستانه پیروزی انقلاب اسلامی، این موج گسترده، ترکمن صحرا را- هرچند دیرتر از سایر نقاط ایران- به حرکت واداشت و به صف انقلابیون پیوند داد. با این وصف آنچه در این «پیوستن» ابتدا و بیش از هر چیز دیگری برای ترکمن‌ها از جذابیت برخوردار بود و آن‌ها را بر سر شوق می‌آورد، مسئله مطالبات و خواسته‌های قومی و فرهنگی بود که در چارچوب موضوعاتی؛ چون ضرورت احترام به حقوق اقلیت‌های قومی از طریق اعطای خودمختاری محلی، لزوم توجه به آزادی‌های اساسی و آموزش زبان و ادبیات قومی در کنار زبان رسمی و... مطرح می‌گردید (سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۷۸، ۵-۱). از آنجایی که این موضوعات، به‌طور عمده از سوی جریان‌های سیاسی- فرهنگی قوم‌گرا به‌ویژه در آذربایجان و یا نیروها و احزاب سیاسی مارکسیست همچون حزب توده ایران و سازمان چریک‌های فدایی خلق عنوان می‌گردید و ترکمن صحرا را نیز متأثر می‌ساخت، به‌طور طبیعی پس از پیروزی انقلاب اسلامی به‌طور عمده این نیروها و جریان‌های قومی و یا چپ-گرا بودند که توانستند در آن «وضعیت انقلابی» دست به کادرسازی از میان دانشجویان و جوانان تحصیل‌کرده ترکمن صحرا در قالب «کانون فرهنگی- سیاسی خلق ترکمن» زده و با بهره‌گیری از فضای سیاسی- تبلیغی سایر مناطق قومی ایران به‌ویژه آذربایجان و البته با حمایت ایدئولوژیک اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی، از نفوذ قابل توجهی در این منطقه برخوردار شده و به‌طور موقت جای پای برای خود در منطقه تدارک ببینند.<sup>۱</sup> نکته قابل توجه در مورد این دوره کوتاه اما پرتأثیر از تاریخ معاصر منطقه ترکمن صحرا آن است که نخبگان سیاسی و اجتماعی قوم‌گرا یا هواخواه مارکسیسم در منطقه ترکمن صحرا

۱ برای مطالعه انتقادی در زمینه فعالیت‌های سازمان چریک‌های فدایی خلق در منطقه ترکمن صحرا مراجعه کنید به حمیدیان، نقی، «سفر با بال‌های آرزو» به‌عنوان فرعی شکل‌گیری جنبش چریکی فدائیان خلق، استکهلم، انتشارات آرش، ۲۰۰۴ میلادی همچنین نگاه کنید به مقاله آهنگری، رشید، «نقدی بر یک کتاب، چند نکته پیرامون وقایع ترکمن صحرا» منتشره در وبلاگ ترکمن به تاریخ ۲۸ آذر ۱۳۸۳ هجری شمسی یا سلسله مقالات اورمان «جنبش سیاسی ترکمن‌ها، گذشته، حال، آینده»، نشریه تازه یول، شماره‌های

حتی در این «وضعیت انقلابی» و نیز علی‌رغم وجود شرایط سراسر مشابه با اوضاع آذربایجان و هم‌مرزی با جمهوری ترکمنستان اتحاد جماهیر شوروی هیچ‌گاه داعیه تجزیه-طلبی و یا رؤیای تشکیل «ترکمنستان واحد» را مطرح نکرده و خواسته‌های آنان هرگز از اعطای حق خودمختاری محلی در چارچوب حفظ تمامیت ارضی و یکپارچگی و وحدت ملی ایران فراتر نرفت. به نظر می‌رسد، همین احساس قوام‌یافته هویت‌مندی ملی بود که در کنار مصلحت‌جویی‌ها و خیرخواهی‌های مشفقانه و مؤثر علما و روحانیون ترکمن برای ترغیب جوانان قوم خود به همراهی با حضرت امام (ره) و انقلاب اسلامی و در رأس آن‌ها آیت‌الله نورمفیدی نماینده تام‌الاختیار حضرت امام (ره) در گرگان و دشت (استان گلستان فعلی) موجب شد نیروهای سیاسی قوم‌گرا و یا هوادار مارکسیسم به حاشیه رانده شوند (عموزاد خلیلی، ۱۳۹۵، ۶۳).

#### دوره جنگ تحمیلی (۱۳۶۷-۱۳۵۹ ه.ش):

در این مقطع، از جمله سیاست‌های تبلیغی که از سوی نظام جمهوری اسلامی در کنار تبلیغات عمومی و رسمی سراسری، به‌طور خاص و در راستای جلب حمایت و پشتیبانی مردم مناطق سنی‌نشین کشور از جمله منطقه ترکمن صحرا از سوی نهادهای انقلابی تبلیغ می‌شد، عبارت بودند از: تأکید بر تحمیلی بودن جنگ از سوی رژیم بعثی عراق بر مردم مسلمان ایران و در نتیجه ضرورت دفاع از جان، مال و ناموس هموطنان مسلمان؛ لزوم پاسداری از تمامیت ارضی کشور به‌عنوان یک اصل دینی اسلامی؛ بعثی بودن رژیم صدام حسین و تبیین ناسازگاری این ایدئولوژی با روح اسلام؛ حمایت همه‌جانبه قدرت‌های جهانی از رژیم بعثی و متجاوز عراق به‌مثابه سندی دال بر حقانیت و مظلومیت نظام جمهوری اسلامی؛ تأکید بر ایده جهان‌وطنی اسلام و ضرورت تقویت روحیه همکاری و برادری میان همه کشورهای اسلامی برای تحقق این ایده و مقابله با دشمن مشترک همه مسلمانان یعنی رژیم صهیونیستی و نجات

مردم مظلوم و ستم‌دیده فلسطین. سیاست‌های تبلیغی فوق در مجموع باعث متقاعد شدن مردم منطقه ترکمن صحرا و در نتیجه تمایل آن‌ها برای پشتیبانی مادی و معنوی و

حضور داوطلبانه در جبهه‌های جنگ و البته تقویت انگیزه جوانان ترکمن برای انجام خدمت نظام‌وظیفه در طول دوران هشت‌ساله دفاع مقدس گردید. در این رابطه، هرچند برخی از نیروهای تأثیرگذار قومی - مذهبی ترکمن، راهبرد سکوت و بی‌تفاوتی را در پیش گرفته و گاهی اوقات در محافل خصوصی به نقد محتاطانه سیاست‌های حاکم می‌پرداختند؛ اما این اعتراضات و ناخرسندی‌های کم‌اثر و غیر هدفمند به دلیل فضای سیاسی - امنیتی حاکم، چندان با اقبال عمومی و مردمی مواجه نمی‌شد و از این رو به کنش سیاسی خاصی نیز منتهی نمی‌گردید (قجری، ۱۳۹۰، ۱۹۸). در عرصه سیاست داخلی نیز در این برهه تاریخی، تأکید مستمر و همه‌جانبه نهادهای رسمی و غیررسمی نظام جمهوری اسلامی بر اولویت داشتن پیوند عقیدتی و دینی بر همه پیوندهای اجتماعی دیگر (نظیر نژاد، قومیت، زبان و ...) و تبیین اهمیت و ضرورت حفظ وحدت جامعه اسلامی در زیر لوای اسلام و قرآن، موجب تعمیق و نهادینه شدن رابطه علما و روحانیون ترکمن با نظام اسلامی و تبدیل این رابطه به رابطه‌ای ارگانیک گردید. این رابطه ارگانیک در سایه انتصاب برخی از علمای برجسته ترکمن به‌عنوان ائمه جمعه اهل سنت شهرهای مختلف ترکمن‌نشین و همکاری و ارتباط تنگاتنگ آنان و سایر روحانیون و طلاب ترکمن با نهادها و مراکز دینی رسمی همچون نهاد نمایندگی ولی فقیه در منطقه، مرکز بزرگ اسلامی شمال کشور و ... تداوم یافت (حزب جمهوری اسلامی، ۱۳۵۸، ۲۹). این امر موجب توجه بیش از پیش نخبگان و نیروهای سیاسی و اجتماعی ترکمن صحرا به مقوله «اشتراکات دینی» به‌عنوان یکی از وجوه اصلی و بنیادین هویت ملی ایرانیان گردید؛ بنابراین آن‌ها با تأکید بر وجه دینی نظام جمهوری اسلامی، مبادرت به طرح مطالبات اقتصادی و اجتماعی مردم منطقه کرده و از دامن زدن به مطالبات جمعی قومی‌گرایانه پرهیز می‌کردند (قجری، ۱۳۹۰، ۲۰۰).

### دوره سازندگی (۱۳۷۶-۱۳۶۷ ه.ش):

با پایان جنگ تحمیلی در پرتو سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی دولت سازندگی به ریاست آیت‌الله هاشمی رفسنجانی روند فوق، ابعاد و دامنه وسیع‌تری به خود گرفت. در این دوره به تدریج امکان اشتغال جوانان و افراد تحصیل کرده ترکمن در نهادهای دولتی،

برخورداری آنان از تحصیلات عالی (به‌ویژه با گسترش دانشگاه‌های آزاد اسلامی) و ... بیشتر از قبل فراهم گردید. در اواسط دوره اول ریاست جمهوری آیت‌الله هاشمی رفسنجانی با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و شکل‌گیری کشور مستقل جمهوری ترکمنستان در مجاورت مرز شمالی ایران مؤلفه مهم دیگری در روابط و مناسبات میان قوم ترکمن با دولت مرکزی ایران وارد شد. این امر اگرچه در ابتدا بیم و نگرانی‌هایی را در میان دولتمردان نظام جمهوری اسلامی ایران مبنی بر احتمال تحریک قوم ترکمن و طرح مجدد برخی دایعه‌های سیاسی-قومی در این منطقه به وجود آورد؛ اما مواجهه معقول و هوشمندانه دولت ایران با این موضوع از یک‌سو و تأکید و الزام طرف مقابل به رعایت اصل حسن هم‌جواری و تعهد عملی دولت این کشور به عدم حمایت و تقویت گروه‌های سیاسی قوم‌گرا در منطقه ترکمن صحرا، باعث افزایش اعتماد جمهوری اسلامی ایران به این کشور و تلاش دولت برای گسترش و تقویت روابط اقتصادی و تجاری دوجانبه با جمهوری ترکمنستان گردید. در پرتو مذاکرات و توافقات دیپلماتیک به‌عمل‌آمده و البته برقراری روابط صمیمانه و دوستانه و تا حدودی شخصی میان رؤسای جمهور دو کشور که یکدیگر را با عبارت «دوست و برادر» خطاب می‌کردند، پس از مدتی کوتاه، مرزهای میان دو کشور باز و با افتتاح و فعالیت گمرکات و بازارچه‌های مرزی از جمله در نوار مرزی اینچه برون از توابع شهرستان گنبد کاووس، در کنار مبادلات اقتصادی و تجاری عمده امکان تجارت چمدانی و مسافرت شهروندان دو کشور از طریق اخذ گذر مرزی نیز فراهم گردید (قجری، ۱۳۹۰، ۲۰۱). با افتتاح سفارت جمهوری اسلامی ایران در ترکمنستان برخی از هموطنان ترکمن در حوزه‌های مختلف سفارتخانه اعم از بازرگانی، اقتصادی و فرهنگی به کار گرفته شدند. با گسترش روابط حسنه و توأم با احترام و اعتماد متقابل میان دو کشور و تحت تأثیر فضای احساسی و شوق‌انگیز به‌وجودآمده، رفته‌رفته بیم و تردید نخبگان فرهنگی منطقه ترکمن صحرا نیز کاهش یافته و آنان علاقه‌مندی خود را برای سفر به این کشور نشان دادند (قجری، ۱۳۹۰، ۲۰۲). همکاری نخبگان فرهنگی و صاحب‌نظران اقتصادی ترکمن با دولت که در توسعه و پویایی روابط و گسترش مناسبات دیپلماتیک

میان ایران و جمهوری ترکمنستان مؤثر واقع شده بود، در بعد داخلی نیز از یکسو موجب افزایش سطح اعتماد دولت نسبت به آنان شد و از سوی دیگر باعث بالا رفتن روحیه خودباوری و اعتماد به نفس آن‌ها برای طرح و پیگیری جسورانه‌تر مطالبات اقتصادی و اجتماعی و تخصیص اعتبارات مناسب برای رشد و توسعه منطقه ترکمن صحرا گردید. در چنین فضایی، سیاست کلی قومی دولت در این دوره نیز متضمن «سیاست همانندسازی» بود و از همین رو به جای تأکید بر هویت‌های جمعی (به‌عنوان مثال: قومی، مذهبی و ...) بر هویت فردی و شهروندی صحنه گذاشته می‌شد؛ اما برخی تحولات حادث شده در این دوره همچون آمادگی دولت برای اعطای آزادی‌های اجتماعی بیشتر، گسترش دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی، منطقه‌ای بودن نظام گزینش دانشجو و ... امکان هویت‌یابی محدود اعضای گروه‌های قومی مختلف از جمله ترکمن‌ها را در قالب انجمن‌ها و محافل دانشجویی نظیر انجمن فرهنگی و ادبی دانشجویان ترکمن دانشگاه‌های تهران و ... به وجود آورده و زمینه را برای طرح مطالبات قومی به شیوه‌ای غیر سیاسی فراهم نمود (مرشدی‌زاده، ۱۳۸۲، ۲۷۵ - ۲۷۳).

#### دوره اصلاحات (۱۳۸۴-۱۳۶۷ ه.ش):

روی کار آمدن دولت سید محمد خاتمی رئیس‌جمهور اصلاح طلب ایران که به دلیل توجه خاص به مطالبات اقوام و اقلیت‌های مذهبی در انتخابات دوم خرداد ۱۳۷۶ هجری شمسی از حمایت چشم‌گیر گروه‌های قومی برخوردار بود، امیدواری‌های زیادی در مناطق قومی از جمله ترکمن صحرا برای برخوردار شدن از حقوق عام شهروندی و توسعه متوازن مناطق مختلف کشور به دور از اعمال هرگونه تبعیض‌های قومی - مذهبی را ایجاد کرد (مقصودی، ۱۳۹۱، ۱۶۸).

تحقق عملی اصل شوراها به‌عنوان یکی از اصول معطل مانده قانون اساسی که به نحو مؤثری شهروندان را در امر تصمیم‌گیری‌های محلی و ایفای حق تعیین سرنوشت خویش سهیم می‌نمود، با استقبال فراوان شهروندان ساکن مناطق قومی کشور روبه‌رو شده است (قجری، ۱۳۹۰، ۲۰۶). در این دوره، در حوزه مطبوعات نیز تغییرات محسوس رخ داد. در

کنار نشریات و روزنامه‌های سراسری، مجوز چاپ و انتشارات مطبوعات و هفته‌نامه‌های استانی و محلی زیادی نیز صادر شد. در استان گلستان بیش از پانزده هفته‌نامه محلی و چندین فصلنامه و ماهنامه مجوز گرفتند که برخی از آن‌ها همچون هفته‌نامه صحرا از گرایش‌ها تا حدودی تند قومی و برخی دیگر مانند فصلنامه بایراق از گرایش‌های قومی متعادل برخوردار بوده و تعداد دیگری نیز همچون هفته‌نامه‌های همزیستی، اقتصاد گلستان و... اگرچه نگاه قوم‌مدارانه بسیار کمتری داشتند؛ اما مدیران مسئول و برخی از اعضای هیئت تحریریه آنان از نخبگان فکری و تحصیل کرده ترکمن بوده و به اعتبار همین پایگاه و وابستگی قومی خود گاهی اوقات اخبار و رویدادهای منطقه ترکمن‌صحرا را با شور و اشتیاق بیشتر منعکس نموده و یا در برخی مقالات و نوشته‌های خود با ادبیاتی ملایم‌تر، بیشتر توجه به توسعه منطقه ترکمن‌صحرا و رفع محرومیت‌های این منطقه تأکید و تصریح می‌نمودند. در این دوره روابط جمهوری اسلامی ایران با کشور ترکمنستان، علاوه بر گسترش در حوزه‌های اقتصادی، تجاری و بازرگانی در زمینه‌های فرهنگی نیز به‌ویژه در سایه اصرار و ابراز تمایل مصرانه طرف ترکمنستانی، حداقل برای مدتی کوتاه، شکلی خاص و عملی‌تر به خود گرفت که این امر نگرانی دستگاه‌های امنیتی کشور نسبت به اهداف این کشور از طرح و پیگیری این‌گونه خواسته‌ها و پیامدهای چنین همکاری‌های فرهنگی مشترکی را برانگیخت. مراسمی در ۲۷ اردیبهشت ۱۳۷۸ هجری شمسی به مناسبت بزرگداشت دویست و شصت و هفتمین سال تولد مختوم‌قلی فراغی شاعر و عارف بزرگ ترکمنی در محل آرامگاه وی واقع در آق‌تقای از توابع شهرستان مراوه تپه استان گلستان با حضور صفرمراد نیازوف رئیس‌جمهور وقت ترکمنستان و هیئت بلندپایه همراه وی و همچنین عطاالله مهاجرانی، وزیر وقت فرهنگ و ارشاد اسلامی دولت اصلاحات، برگزار شد و با استقبال پرشور و گسترده مردم ترکمن‌صحرا نیز مواجه گردید؛ اگرچه این امر فی‌نفسه خالی از اشکال می‌نمود، اما به دلیل عدم رعایت تشریفات دیپلماتیک (هم‌سطح نبودن مقام استقبال‌کننده و میزبان با مقام استقبال‌شونده و میهمان) زمینه را برای بهره‌گیری عامدانه و رندانه طرف ترکمنستانی جهت تحریک احساسات قومی مردم ترکمن‌صحرا فراهم نمود

(همان، ۲۱۰-۲۰۹). هرچند که این موضوع در سال‌های آتی با تدبیر دولت ایران، مدیریت شد و از سطح نگرانی‌ها کاست؛ اما بیانگر میزان حساسیت و پیچیدگی مدیریت عالی سیاسی در جامعه چندفرهنگی ایران می‌باشد که در آن می‌بایست هم‌زمان و توأمان با توجه به خواسته‌ها و مطالبات خاص و مبتنی بر تفاوت‌های فرهنگی اقوام مختلف کشور ملاحظات سیاسی، امنیتی و استلزامات حفظ وحدت سیاسی و یکپارچگی ملی کشور نیز مورد امعان نظر قرار گیرد. البته شایان ذکر است که پس از مدتی به دلیل آشکارتر شدن ماهیت بسته، مستبد و اقتدارگرای نظام سیاسی حاکم بر ترکمنستان و آگاهی شهروندان ترکمن ایران از فقر فرهنگی شدید مردم رنج‌کشیده این کشور شور و شوق اولیه برخی از نخبگان قومی ترکمن در زمینه در سر پروراندن رؤیای نوستالژیک «اتحاد همه ترکمن‌ها در زیر لوای دولت واحد ملی» رنگ باخت و آنان را مصمم‌تر از قبل به زیست اجتماعی در کنار هموطنان ایرانی خود راغب‌تر ساخت. درنهایت تحت تأثیر عوامل مختلف از جمله توجه بیشتر و مؤثرتر به مطالبات عام شهروندی ترکمن‌ها در کنار سایر ایرانیان، پذیرش وجود تفاوت‌های فرهنگی میان اقوام مختلف ایران و اهتمام جدی نسبت به پاسخگویی به مطالبات خاص برآمده از این تفاوت‌ها و در نتیجه رنگ باختن رؤیای نوستالژیک اتحاد همه ترکمن‌ها در زیر لوای دولت واحد ملی، در دوره مورد بحث، احساس هویت‌مندی ملی در میان مردمان ترکمن ایران‌زمین تحکیم یافت و باعث شد آنان به دارا بودن هویت ملی ایرانی خود افتخار و مباهات نمایند (سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۷۸، ۲۹).

### **دولت مهرورزی (دولت نهم و دهم):**

تلاش‌های دولت نهم و دهم برای رفع محرومیت و کاهش فاصله طبقاتی میان اقشار و طبقات مختلف جامعه (امری که در مناطق قومی بیشتر از سایر نقاط کشور احساس می‌شود) و اعمال و اجرای بدون تبعیض و یکسان طرح‌هایی چون هدفمند کردن یارانه‌ها موجی از خرسندی را به‌ویژه در میان اقشار فرودست؛ از جمله در منطقه ترکمن‌صحرا به وجود آورد. به نظر می‌رسد، در صورت تداوم منطقی این برنامه‌ها و اتحاد سیاست‌ها و برنامه‌های اقتصادی مکمل و توجه و احترام بیشتر به حقوق برآمده از تفاوت‌های فرهنگی

اقوام می‌تواند در روند هویت‌یابی ملی به نحو بارزی مؤثر واقع شود. در شهرهای ترکمن- نشین مانند آق‌قلا و بندر ترکمن شاهد به‌کارگیری فرماندار ترکمن در این دوران هستیم که به‌نوعی می‌توان گفت در پاسخ به مطالبات مردمی در این زمینه بود. یکی از ویژگی‌های بارز این دولت حضور دولتمردان در مناطق محروم و دورافتاده و دیدار با خانواده‌های ساکن این مناطق بود که طی آن با آگاهی نسبت به محرومیت‌ها و عقب‌ماندگی این شهرها دستورات لازم برای حل برخی مشکلات مردم این مناطق صادر شد. یکی از مشکلات این مناطق مربوط به امور مسکن بود که دولت با ایجاد واحدهای مسکن مهر در شهرستان‌های مرزی و ترکمن‌نشین تا حدود زیادی مشکل مسکن مربوط به این مناطق را حل و فصل نمود (مشاهده محلی نگارنده، ۱۳۹۴). حمایت دولت از صنایع دستی و گردشگری و همچنین بیمه صنایع دستی که بسیاری از زنان ترکمن در این صنعت مشغول هستند، به‌نوبه خود مشکلات بزرگی را در واحدهای تولیدی خانگی صنایع دستی منطقه ترکمن‌نشین حل و فصل نمود. حضور شخص رئیس‌جمهور با لباس ترکمنی و حضور در میان این قوم به‌نوبه خود نشان‌دهنده احترام به فرهنگ این قوم و به‌طور نمادین تقویت‌کننده حس همبستگی ملی بود (عموزاد خلیلی، ۱۳۹۵: ۷۵).

### دولت تدبیر و امید:

با ارزیابی کارنامه دولت تدبیر و امید تاکنون، در خصوص پرداختن به امور قومیت‌ها و در اینجا قوم ترکمن، می‌توان با ذکر برخی اقدامات، ماهیت فرایند آغازشده اقدامات را شناخت و معرفی کرد. تحت تأثیر اعلامیه انتخاباتی دکتر روحانی مبنی بر حمایت از حقوق اقوام و اقلیت‌ها در شهرهای ترکمن‌نشین، در مجموع ترکمن‌ها با میانگین ۷۶/۲ درصد به ایشان رأی دادند. در دولت تدبیر و امید با بهبود برخی از شاخص‌ها در امور ترکمن‌ها مواجه هستیم. در این دوره، در پی سفرهای دستیار و مشاور ویژه رئیس‌جمهور در امور اقوام به استان گلستان، انتخاب فرمانداران ترکمن و همچنین یک ترکمن دیگر به سمت مدیرکل هماهنگی اقتصادی استانداری و انتخاب سه رابط ترکمن با عنوان سمت‌های مشاور استاندار در مناطق ترکمن‌نشین شرق استان، مشاور استاندار در مناطق ترکمن‌نشین



مرکزی استان و مشاور استاندار در مناطق ترکمن‌نشین غرب استان را می‌توان نقطه عطف و امری بی‌سابقه در بین ترکمن‌ها برشمرد (عموزاد خلیلی، ۱۳۹۸) و به‌نوعی می‌توان آن را به‌منزله اعتماد دوطرفه بین دولت تدبیر امید و ترکمن‌ها دانست؛ از جمله اقدامات در دست انجام دولت که مورد استقبال شدید مردم منطقه قرار گرفته و سهم مهمی در اشتغال و توسعه منطقه دارد، می‌توان به این موارد اشاره کرد: ۱- راه‌آهن مشترک ایران، ترکمنستان و قزاقستان که می‌تواند خطوط ریلی ایران را از طریق قزاقستان به چین و روسیه متصل کند و از سوی دیگر خطوط آهن این کشورها را از مسیر قزاقستان و ترکمنستان به جنوب ایران و خلیج فارس و حتی غرب ایران و در نهایت دریایی مدیترانه وصل کند. ۲- تصویب ایجاد یک منطقه آزاد در اینچه برون تا هم مرکزی برای انبار کالاهای مبادلاتی از خط آهن مشترک باشد و هم پایه تحول صنعتی در استان شود. ۳- تبدیل جزیره آشوراده به یک مرکز گردشگری که در سفر رئیس‌جمهور؛ آقای دکتر روحانی بر آن تأکید شد. در زمینه ارتباط با کشور ترکمنستان نیز می‌توان به اقدامات دولت و تلاش در جهت تأسیس کنسولگری ترکمنستان در استان گلستان اشاره کرد که می‌تواند بخشی از مشکلات موجود را در جهت ارتباط تجاری و اقتصادی با کشور ترکمنستان حل و فصل کند. در بخش سیاسی نیز ما شاهد توسعه ارتباط بین ایران و ترکمنستان هستیم که می‌توان به سفر رئیس‌جمهور به کشور ترکمنستان و بازدید از آن کشور و گفتگو با همتای ترکمن خود و همچنین نشست با فعالان اقتصادی و بازرگانان ایران و ترکمنستان و کاشت یک اصله نهال به نشان دوستی دو ملت اشاره نمود. همچنین می‌توان از سفر رئیس‌جمهور ترکمنستان به ایران به‌منظور شرکت در اجلاس سران کشورهای صادرکنندگان اشاره نمود که مورد استقبال شخص رئیس‌جمهور؛ دکتر حسن روحانی قرار گرفت (حمیدیان، ۲۸، ۱۳۹۴). این‌ها همه نشان‌دهنده ارتباط سازنده دو کشور و همکاری بین آن‌ها، عدم دخالت در امور داخلی یکدیگر می‌باشد، به‌طوری که در تمام سفرها مقامات سیاسی دو طرف بر این موارد تأکید شده است و زمینه‌ساز ثبات در منطقه می‌باشد.

## تأملی بر رفتار انتخاباتی ترکمن‌ها:

بی‌تردید یکی از مهم‌ترین و مؤثرترین عوامل برقراری وفاق، اقتدار و ارتقا ضریب امنیت ملی، «مشارکت سیاسی» در صحنه‌های گوناگون ملی است (شعبانی، ۱۳۸۰، ۴). مهم‌ترین حسن مشارکت سیاسی که امروزه تبدیل به یک ضرورت شده است، تضمین رشد سیاسی مردم و جامعه در عین حفظ ثبات رژیم سیاسی است (مسعودنیا، ۱۳۹۳، ۴). رأی‌دهی و مشارکت در انتخابات آشکارترین نوع مشارکت سیاسی برای اغلب شهروندان در جوامع مردم‌سالار می‌باشد (خاکی و علی‌محمدی، ۱۳۹۳، ۵۴-۳). عدم و یا کاهش مشارکت انتخاباتی از سوی گروه‌های قومی در بطن خود معنادار و حاوی پیام‌ها و زنگ خطرهایی است، مشارکت بسیج‌گونه احساسی، هیجانی، رماتیک و غیر قابل کنترل و مهار در قالب مشارکت حداکثری نیز با خود حاوی تردیدها و مخاطرات دیگری است (مقصودی، ۱۳۸۵، ۱۰۵). منطقه ترکمن‌صحرا با توجه به مسائل خاص سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و از همه مهم‌تر اقتصادی خویش، رفتار سیاسی خاص خود را دارد. آمارها و تجربه نشان می‌دهد که انتخابات در ترکمن‌صحرا، فردی و فاقد خصیصه گروهی است. بدین معنا که ملاک‌هایی چون گرایش سیاسی به احزاب مختلف کشور و تبعیت از فعالان انتخاباتی در آن دیده نمی‌شود؛ یا کم‌رنگ‌تر از حد آن است که بتوان اشاره به این نکته کرد. البته باید گفت که انتخابات در منطقه ترکمن‌صحرا در رقابت ریاست‌جمهوری به‌طور کامل از فضاها ملی و سیاسی تأثیر می‌گیرد؛ اما در زمینه شورا و انتخابات مجلس این تأثیر به حداقل می‌رسد. آمارها و توضیحاتی که در ادامه به آن اشاره می‌شود، نشان می‌دهد مشارکت این قوم در انتخابات همواره به‌طور متوسط بالای ۶۰ درصد بوده است. بی‌تردید این میزان مشارکت، به کاهش شکاف قومی و به دنبال آن، کاهش تنش و افزایش امنیت ملی کمک قابل ملاحظه‌ای می‌کند. در رأی‌گیری استان گلستان در انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۱۳۹۶ هجری شمسی، آمار مربوط به مناطق ترکمن‌نشین بسیار جالب توجه است. شهرهای بندر ترکمن ۷۹/۶۰ درصد، آق‌قلا ۷۰ درصد، کلاله ۶۹/۷

درصد و گنبد کاووس ۶۹/۳ درصد به آقای روحانی رأی داده‌اند. آن‌ها با رأی بالای خود در انتخابات متعدد گذشته نشان دادند که گرایش به مرکز و اتحاد ملی دارند و البته در این فرایند خواهان شایسته‌سالاری، عدالت اجتماعی، دین‌داری، عدم تبعیض بین اقوام هستند. جدول شماره (۱) که در مورد انتخابات در سه شهرستان ترکمن‌نشین و پنج استان دارای اقوام کرد، ترک و بلوچ کشور است. مقایسه درصد مشارکت اقوام ترکمن با سایر اقوام در کشور، بیانگر مشارکت بالای قوم ترکمن در دو انتخابات مورد مطالعه می‌باشد و این موضوع نشان می‌دهد که ترکمن‌ها خواستار وحدت ملی و یکپارچگی هستند و وحدت قومی خود را در طول وحدت ملی می‌دانند. همچنین طبق جدول زیر، شهرستان‌های بندر ترکمن و گمیشان که بیشترین میزان ترکمن را دارند، در انتخابات ریاست‌جمهوری در مقایسه با انتخابات نمایندگی مجلس فعال‌تر هستند.

جدول (۱) مقایسه درصد مشارکت مردم ترکمن و چند استان قوم‌نشین در انتخابات ریاست‌جمهوری

و مجلس شورای اسلامی

درصد مشارکت در انتخابات							
ریاست جمهوری دوازدهم				مجلس دهم و خیرگان پنجم			
استان‌های دارای اقوام		شهرستان ترکمن‌نشین استان گلستان		استان‌های دارای اقوام		شهرستان ترکمن‌نشین استان گلستان	
۵۹/۵۸	کرمانشاه	۷۹/۶	بندر ترکمن	۶۰	کرمانشاه	۷۸/۹۸	بندر ترکمن
۷۰/۸۵	کردستان	۷۰	آق‌قلا	۵۳/۳	کردستان	۷۸/۲۱	آق‌قلا
۷۳/۳۰	سیستان و بلوچستان	۶۹/۳	گنبد	۶۶/۳	سیستان و بلوچستان	۷۳/۳۱	گنبد
۵۷/۸۳	آذربایجان شرقی	۸۴	گمیشان	۶۲	آذربایجان شرقی	۸۱/۷	گمیشان
۶۷/۰۹	آذربایجان غربی			۶۵/۵	آذربایجان غربی		

با مروری بر نتایج انتخابات مجلس شورای اسلامی در حوزه‌های انتخاباتی استان گلستان درمی‌یابیم در انتخابات مختلف در برخی از حوزه‌ها به‌رغم وجود اکثریت جمعیت ترکمن نماینده غیر ترکمن به مجلس راه یافته و در برخی دیگر به‌رغم در اقلیت بودن ترکمن‌ها نماینده‌ای از جنس آن‌ها به مجلس راه یافته است. این امر نشان‌دهنده رشد و بلوغ سیاسی شهروندان و جایگزینی ملاحظات سنتی با ملاحظات مدرن در رفتار انتخاباتی آن‌ها و همچنین پیشرفت فرایند ادغام سیاسی در این منطقه است. هرچند نمی‌توان نقش قومیت را در رفتار انتخاباتی این مردمان انکار کرد؛ اما عوامل دیگری هم در انتخاب آن‌ها مؤثر بوده که گاهی اوقات عامل قومیت را تحت تأثیر قرار داده و آن را به حاشیه رانده است. شاید بتوان در این میان عواملی؛ چون شایستگی، ویژگی‌های شخصی، گرایش سیاسی، قدرت بسیج و... را نام برد که هرچه تأثیرگذاری آن‌ها بالاتر باشد موجبات ارتقای ضریب امنیت ملی و تحکیم همبستگی ملی را فراهم می‌آورد. اطلاعات انتخاباتی هر یک از حوزه‌های سیاسی استان گلستان به تفکیک به شرح زیر است: - حوزه مینودشت و کلاله: این حوزه دارای چهار شهرستان، مینودشت، کلاله، گالیکش و شهرستان مرزی مراوه‌تپه است. در این حوزه، ۵ دوره نماینده ترکمن و ۵ دوره نماینده از غیر ترکمن به مجلس راه یافته‌اند. - حوزه گنبد کاووس: حوزه گنبد کاووس با دارا بودن ۲ بخش و ۲ شهر و بیش از ۱۵۰ روستا یکی از حوزه‌های وسیع استان گلستان می‌باشد که دارای یک نماینده می‌باشد. از حوزه گنبد کاووس طی ۹ دوره، ۳ دوره غیر ترکمن‌ها و ۶ دوره ترکمن‌ها راهی مجلس شدند. - حوزه علی‌آباد کتول: در این حوزه که کم‌جمعیت‌ترین حوزه گلستان می‌باشد، ترکمن‌ها ۷ درصد آرا را به خود اختصاص داده‌اند. بزرگ‌ترین حوزه علمیه ترکمن - صحرا در قره‌بولاغ از توابع این شهرستان واقع است. در این حوزه انتخابی ترکمن‌ها نقش بسزایی در تعیین نماینده غیر ترکمن دارند. - حوزه گرگان - آق‌قلا: در این حوزه در دوره چهارم مجلس، موسی جرجانی از ترکمن‌های آق‌قلا، کاندیدای مجلس شد و رأی قابل ملاحظه‌ای کسب کرد. همان ایام گرگان و آق‌قلا تنها یک نماینده در مجلس داشتند. بعد از روی کار آمدن دولت خاتمی، نامزدهای ترکمن و تنی چند از علاقه‌مندان به مسائل

اجتماعی، سیاسی وارد گود انتخاب شدند که از این بین امانزاده و دکتر ایزدی برای دوبار وارد مرحله دوم انتخابات شدند. در دوره نهم، فرهاد توماج یکی از وکلای با تجربه با فاصله اندک از رسیدن به مرحله دوم بازماند. در دوره دهم نیز آقای امانزاده به دور دوم راه یافت و رقابت بسیار نزدیکی با دیگر کاندیداهای این منطقه داشت. - حوزه بندر ترکمن - کردکوی: از ۹ دوره قبل تنها ۴ دوره ترکمن‌ها به مجلس راه یافته و ۶ دوره غیر ترکمن‌ها توانستند آرای ترکمن‌ها را با خود همراه کنند و وارد مجلس شوند. در میان دوره-ای مجلس سوم، یوسف بسنجیده، برای اولین بار توانست از بین ترکمن‌ها وارد مجلس شود (عموزاد خلیلی، ۱۳۹۵، ۱۲۹).

### نتیجه‌گیری و پیشنهادات:

ایران اگرچه کشوری با اکثریت فارسی‌زبان می‌باشد (۶۰٪) ولی اقلیت‌های مختلفی در سرزمین پهناور خود جای داده است، از قبیل آذری‌ها، لرها، بلوچ‌ها، عرب‌ها و ترکمن‌ها که همه این اقلیت‌ها از نظر زبان و نژاد کمابیش متفاوت هستند؛ ولیکن عامل اصلی پیوند اجتماعی در ایران همان اشتراک دینی، تاریخی و سرزمینی است که باید تقویت شود. نکته مهمی که باید مورد توجه قرار گیرد، این است که وجود اقوام مختلف در یک کشور را نمی‌توان به تنهایی دلیل بر تحرکات مبتنی بر هویت‌جویی قومی و نژادی دانست. باید دید در چه صورتی اقلیت‌های قومی، هویت خود را در مقابل پیوند با دولت ملی قرار می‌دهند؛ به عبارت دیگر، در هر جامعه‌ای می‌توان سلسله‌ای از پیوندها را در نردبانی از تعلقات از نظر اهمیت و سلسله‌مراتب در مسیر حکمرانی خوب قرار داد. به‌طور کلی پیوند با دولت باید در رأس هرم پیوندها قرار گیرد و هیچ پیوند و تعلق دیگری نتواند با این پیوند رقابت کند. تا زمانی که پیوندهای مختلف قومی و زبانی در طول پیوند دولت هستند، مشکلی ندارند؛ اما در صورتی که پیوندهای مذکور خود را در عرض دولت ببیند و پیوند با دولت را در تعارضی با تعلق خاص خود بیابد، زمینه برای ایجاد تعارض و شکاف بین مرکز و حاشیه فراهم می‌شود و الگوی حکمرانی خوب دچار خدشه خواهد شد. در تمام دوران بعد از انقلاب اسلامی (گام اول انقلاب) ما شاهد همگرایی قوم ترکمن تحت لوای ملت

ایران و حضور آن‌ها در تمام عرصه‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی کشور هستیم که می‌توان به‌عنوان نمونه به موارد زیر اشاره کرد: حضور پررنگ در جنگ تحمیلی و دفاع از تمامیت ارضی کشور و تقدیم شهید و آزاده در راه دفاع از میهن، مشارکت گسترده در انتخابات متعدد، حضور نخبگان قوم در سطوح مختلف مدیریتی استان از جمله فرمانداری و نمایندگی مجلس که در سال‌های اخیر دامنه آن به سطح زنان ترکمن نیز گسترش یافته است و ... موارد فوق نشان‌دهنده این است که در استان گلستان یک نوع تعامل سازنده بین قوم ترکمن با دیگر مردم این استان وجود دارد که از هرگونه تنش جلوگیری می‌کند. در سطحی بالاتر یافته‌های پژوهش نشان از همگامی مردم این قوم با دیگر مردم ایران در عرصه‌های سیاسی و امنیتی کشور دارد که این امر، بعد سیاسی و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران را تقویت می‌کند. تمام موارد بالا تا حدودی نشان‌دهنده این است که سیاست‌های قومی و اقدامات دولت‌های مختلف جمهوری اسلامی در مسیر امنیت‌سازی و در راستای حکمرانی خوب در منطقه ترکمن صحرا در مسیر درستی قرار داشته که البته نیاز به تقویت و در برخی موارد بازنگری در فرایندها دارد. در همین چارچوب در جهت تقویت و تصمیم‌گیری و اجرای بهتر الگوی حکمرانی خوب در منطقه مورد مطالعه پیشنهادات زیر ارائه می‌شود: ۱- توسعه منطقه ترکمن صحرا می‌تواند یکی از مهم‌ترین عوامل تقویت همبستگی باشد و مردمان آنجا را به مشارکت و همکاری فعال در سطح ملی ترغیب کند (عالم، ۱۳۷۷، ۱۲۶). مشارکت مردم ترکمن در برنامه‌های توسعه اقتصادی و فرهنگی و اعتماد به آن‌ها در دادن مسئولیت کلیدی و حساس در سطوح بالای محلی و کشوری یکی از مهم‌ترین عواملی است که موجب حفظ وحدت و یکپارچگی این قسمت از سرزمین با سایر بخش‌های ایران می‌شود. ۲- رعایت اصل عدالت اجتماعی و توزیع عادلانه امکانات و ثروت بین اقوام مختلف در کشور و در منطقه ترکمن‌نشین در نگرش این قوم به‌عنوان یک اقلیت به‌طور کامل مؤثر است و باعث غلبه بر احساس حقارت و انزوا در میان آن‌ها می‌شود که این امر به نوبه خود پارامتر مهمی در تقویت همبستگی ملی در میان آن‌ها می‌باشد. ۳- یکی از مهم‌ترین عواملی که می‌تواند موجب تضعیف وحدت

ملی در منطقه ترکمن‌نشین شود، دامن زدن به اختلافات و تحریک احساسات مذهبی مردم ترکمن از طریق توهین و افترا به بزرگان اهل سنت و... می‌باشد. نگارنده در طی مصاحبه‌هایی که در فرایند مطالعه در جامعه تحقیق داشته، دریافت که آن‌ها نسبت به این موضوع بسیار حساسیت دارند؛ بنابراین لازم است در این زمینه مسئولین امر نهایت سعی را در حفظ حرمت مذهبی و احترام به بزرگان دینی در منطقه بنمایند و به‌خصوص در زمینه جذب روحانیون برای کارهای مختلف، تبعیضی بین روحانی شیعه و سنی قائل نشوند. ۴- در منطقه ترکمن‌نشین بیشتر پست‌های کلیدی در دست اقوام غیر ترکمن است؛ بنابراین لازم است که از نخبگان و شایستگان قوم ترکمن در احراز پست‌های حساس محلی و حتی ملی استفاده شود. تبعیض بین ترکمن‌ها و اقوام دیگر در احراز پست‌های کلیدی یکی از مهم‌ترین عواملی است که موجب تقویت روحیه همبستگی ملی در میان آن‌ها می‌شود. در نهایت می‌توان گفت: در منطقه مورد مطالعه ظرفیت‌های لازم سیاسی به سمت الگوی حکمرانی خوب وجود دارد که با برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری درست سیاست‌های قومی در منطقه مورد مطالعه و تمام مناطق قوم‌نشین کشور بر اساس منطق اولیه ساختار حکمرانی خوب می‌توان امنیت منطقه و در سطح کلان امنیت ملی کشور را تأمین کرد.

#### منابع:

۱. اینترنت: آرشیو حزب جمهوری اسلامی ایران، (۱۳۵۸).
۲. - اینترنت: آرشیو کانون فرهنگی - سیاسی خلق ترکمن، (۱۳۵۸)، بیانیه‌ای ۸ ماده‌ای.
۳. احمدی پور، زهرا؛ حیدری موصله، طهمورث؛ حیدری موصله، طیبه، (۱۳۸۹)، «تحلیل قومیت و هویت قومی در ایران، جهت امنیت پایدار»، فصلنامه علمی - پژوهشی انتظام اجتماعی، شماره ۱ (بهار)، ص ۲۴-۴۱.
۴. بوزان، باری، (۱۳۹۰)، مردم، دولت‌ها و هراس، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۵. بوزان، باری، (۱۳۷۸)، مردم، دوان و هراس، پژوهشکده مطالعات راهبردی.

۶. پورعزت، علی اصغر، (۱۳۹۳)، مبانی مدیریت دولتی، تهران، انتشارات سمت.
۷. پورعزت، علی اصغر، (۱۳۸۷)، مبانی دانش اداره دولت و حکومت، تهران، انتشارات سمت.
۸. پیردشتی، حسین، (۱۳۸۱)، پایان نامه کارشناسی ارشد «رفتار سیاسی قوم ترکمن» دانشکده ادبیات و علوم انسانی. تهران، دانشگاه تربیت مدرس تهران.
۹. جعفری، علی اکبر؛ ذوالفقاری، وحید، (۱۳۹۳)، «امنیت ملی و توسعه پایدار: پارادایم پساواشنگتنی»، فصلنامه سیاست جهانی، دوره سوم، شماره ۳، پاییز، صص ۹۴-۶۴.
۱۰. حمیدی، یونس، (۱۳۹۵)، جایگاه امنیت غذایی در تأمین امنیت ملی کجاست؟، اندیشکده تبیین.
۱۱. حق پناه، جعفر، (۱۳۹۴)، «سیاست گذاری قومی در جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه سیاست گذاری عمومی، شماره ۲ (تابستان)، صص ۸۸-۶۹.
۱۲. حق پناه، جعفر، (۱۳۸۲)، «روند تدوین سیاست های قومی در جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۱۹، صص ۲۵۲.
۱۳. خوشروزاده، جعفر، (۱۳۸۲)، مطبوعات و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، مجله اندیشه انقلاب اسلامی، ۱۳۸۲، سال چهارم، شماره ۶.
۱۴. دفتر بررسی های اقتصادی، (۱۳۸۳)، حکمرانی خوب؛ بنیان توسعه، به کوشش احمد میدری و جعفر خیرخواهان (ویراستاران)، تهران، مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی.
۱۵. سازمان مدیریت و برنامه ریزی، (۱۳۷۸)، اولین گزارش ملی توسعه انسانی جمهوری اسلامی ایران، تهران، مدارک اقتصادی - اجتماعی، صص ۲۹.
۱۶. شریفیان ثانی، مریم، (۱۳۸۰)، «مشارکت شهروندی، حکمرانی شهری و مدیریت شهری»، فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۸ (زمستان).



۱۷. شعبانی، محمدرضا، (۱۳۸۰)، «نقش مشارکت مردم در مدیریت بحران»، پایان‌نامه دکتری رشته مدیریت، تهران، دانشکده فرماندهی و ستاد پاسداران.
۱۸. صالح امیری، سیدرضا، (۱۳۸۸)، «مدیریت و منازعات قومی در ایران، تهران، مرکز تحقیقات استراتژیک».
۱۹. عموزاد خلیلی، سجاد، (۱۳۹۵)، «قوم ترکمن و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، بابلسر، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه مازندران.
۲۰. فکوهی، ناصر، (۱۳۸۰)، «تعارض سنت و مدرنیته در عرصه مسائل اجتماعی»، مجله انجمن جامعه‌شناسی ایران، شماره ۴ (تابستان)، ص ۲۲-۱.
۲۱. قجری، علی‌اکبر، (۱۳۹۰)، «چگونگی پاسخگویی به مطالبات قوم ترکمن در چارچوب وحدت ملی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته جغرافیا سیاسی، تهران، دانشگاه تربیت مدرس.
۲۲. کنعانی، محمدمین، (۱۳۷۹)، «ایرانیان ترکمن نگاهی به گذشته و حال»، فصلنامه مطالعات ملی، شماره ۴ (پاییز)، ص ۲۳۰-۲۰۹.
۲۳. گودرزی، حسین، (۱۳۸۵)، مفاهیم بنیادین در مطالعات قومی، تهران، انتشارات تمدن ایرانی.
۲۴. گیدنز، آنتونی، (۱۳۷۷)، جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران، نشر نی.
۲۵. مرشدزاده، علی، (۱۳۸۲)، روشنفکری آذری، هویت فکری و قومی، تهران، نشر مرکز.
۲۶. مسعودنیا، حسین، (۱۳۹۳)، «مشارکت سیاسی به‌مثابه حق و تکلیف و تأثیر آن بر امنیت ملی در جمهوری اسلامی ایران»، مجله نامشخص.
۲۷. مقصودی، مجتبی، (۱۳۷۸)، «نظریه استعمار داخلی و توسعه ناموزون در تحلیل منازعات قومی، اطلاعات سیاسی - اقتصادی»، شماره ۱۴۹ (تابستان)، ص ۸۸-۶۵.

۲۸. مقصودی، مجتبی؛ دربندی، انوشه، (۱۳۹۱)، «بررسی سیاست‌های قومی جمهوری اسلامی ایران در قبال کردها در دولت اصلاحات»، پژوهشنامه علوم سیاسی، شماره ۴ (پاییز)، ص ۱۷۸-۱۵۶.

۲۹. مولوی، عبدالعزیز، (۱۳۸۸)، «مشارکت سیاسی کردها در ایران»، نشریه روزف، شماره ۱۱ (تابستان)، ص ۲۳۸-۲۱۷.

۳۰. نصری، قدیر، (۱۳۹۰)، درآمدی بر امنیت جامعه‌ای، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

۳۱. واکر، کانر، (۱۳۷۹)، ملی‌گرایی قومی، مایرون ونیر و ساموئل هانتینگتون، درک توسعه سیاسی، تهران، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.

32. Abdellatif, Mohamad, (2003), Good Governance and its Relationship to Democracy and Economic Development, Ministry of Justice Republic of Korea, pp. 1-27.

33. Barth, E.A. and Noel Noel, D.L., (1972), Conceptual Frameworks For The Analysis of Race Relations, Social Forces, 50, pp 333-48.

34. Dani, A. and Haan, A., (2008), Social policy and structural inequalities, New frontiers of social policy, The international bank for reconstruction and development.

35. Horowitz, D.L., (1985), Ethnic Groups in Conflict. Berkeley, University of California Press.

36. Kuper, L. and Smith, M.G. (eds), (1969), Pluralism in Africa, Berkeley, University of California Press.

37. Moller, B., (2000), The concept of security: the pro and cons of Expansion and Contraction, Available at: [www. Ciaonet.org. article/ security](http://www.Ciaonet.org/article/security).

38. Nevitte, N. and Kennedy, C.H. (eds), (1986), Ethnic Preference and Public Policy in Developing States, Boulder, Lynne Rienner Publishers.

39. Kaufmann, Danial, (2010), "The World Wide Governance Indicators, Methodology and Analytical Issues", The World Bank Development Research Group Macro economics and Growth Team September.

40. Kymlicka, C., (2002), Multicultural citizenship, An Interdiction, Oxford University Press.

41. Petersen, W., (1980), Concepts of Ethnicity', in S. Ternstrom (ed.) Harvard Encyclopedia of American Ethnic Groups, Cambridge, Mass., Harvard University Press.

42. Plumptre, Tim and Jhon Graham, (1999), "Governance and Good Governance: International and Aboriginal Perspectives", Institute on Governance, December 3.
43. Sapru, R.K, (2006), Administration Theories and Management Thought, Delhi, Pubihshed by Prentice Hall of India.
44. Srinivas, M.N, (1966), Social Change in Modern India, Berkeley, University of California Press.
45. Taft, R, (1963), The Assimilation Orientation of Immigrants And Australians, Human Relations, 16, pp 276-93.
46. Vanden, Berghe, P. L, (1978), Race And Racism: A Comparative Perspective, 2thed., New York, John Wiley.
47. Waver, O, (2009), Waltz's Theory of Theory, Journals Permissions. nav Vol 23(2): 201-222.
48. Williams, R.M., Jr, (1977), Mutual Accommodation, Ethnic Conflict and Cooperation, Minneapolis, University of Minnesota Press.
49. Wilson, W.J, (1973), Power, Racism, and Privilege, New York, Free Press.

# ارزیابی میزان موفقیت حکمرانی خوب در گام اول انقلاب در اتحاد و همبستگی ملی اقوام با تأکید بر قوم ترکمن

سجاد عموزاد خلیلی

مرتضی علویان

علی اکبر جعفری



## چکیده

یکی از عوامل مهم در برقراری الگوی حکمرانی خوب، وحدت و همبستگی در بین جامعه به خصوص جوامع با اقوام مختلف است. ایران یکی از کشورهای با اقوام مختلف می‌باشد. لازمه وحدت ملی در ایران، وحدت و یکپارچگی بین اقوام و دولت مرکزی است. یکی از اقوام ایرانی، ترکمن‌ها هستند که در شمال و شمال شرقی کشور زندگی می‌کنند. این مقاله با روش کتابخانه‌ای- اسنادی و رویکرد توصیفی- تحلیلی نگاشته شده است؛ بنابراین سؤالی که در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفته این است که زمینه اصلی همگرایی قوم ترکمن با جامعه ایران در دستیابی به حکمرانی خوب چیست؟ طبق یافته‌های تحقیق، اقدامات دولت‌های مختلف جمهوری اسلامی در گام اول انقلاب در مسیر ایجاد حکمرانی خوب در منطقه ترکمن صحرا در مسیر درستی قرار داشته که البته نیاز به تقویت و در برخی موارد بازنگری در فرایندها دارد. در حالت کلی تمامی دولت‌ها با اقدامات خود سعی در ایجاد همبستگی ملی در منطقه مورد مطالعه داشته‌اند؛ اما به‌رغم این تلاش‌ها و کسب نتایج مهم، به نظر می‌رسد، میزان موفقیت حکمرانی خوب در دستیابی به اتحاد و همبستگی بین این اقوام با منطقه و کل کشور نیازمند تلاش و توجه بیشتری در گام دوم انقلاب می‌باشد.

**کلیدواژگان:** حکمرانی خوب؛ گام اول انقلاب؛ اتحاد و همبستگی؛ اقوام؛ قوم ترکمن.

Evaluating the success of good governance in the first step of the revolution in national unity and solidarity of ethnic with emphasis on the Turkmen people  
Amoozad khalili.s1,Gafari.A A 2,Alavian.M 3

Abstract.

One of the most important factors in establishing a good governance model is unity and solidarity among the community, especially communities with different ethnicities. Iran is one of the countries with different ethnicities. The necessity of national unity in Iran is the unity and solidarity between the tribes and the central government. One of Iranian ethnicities are Turkmen who live in the north and northeast of the country. This paper has been written using a library-documentary method and descriptive-analytical approach, so the question that has been examined in this study is what is the main context of the Turkmen people's convergence with Iranian society in achieving good governance?. According to the research findings, the actions of various governments of the Islamic Republic in the first phase of the revolution were on the right track in establishing a good governance in the Turkmensahra area, which of course needs to be strengthened and in some cases revised. In general, all governments have attempted to establish national solidarity in the area under study, but in spite of these efforts and important results, it appears that good governance has succeeded in achieving unity and solidarity among these tribes the region and the whole country, need more effort and attention in the second step of the revolution.

Keywords: Good governance; the first step of the revolution; unity and solidarity; ethnicity; Turkmen people.

## مقدمه و بیان مسئله:

همبستگی ملی یکی از مهم‌ترین عوامل حیات دولت‌های کنونی است که به واسطه آن هویت هر ملتی تکوین یافته و بقا و تداوم آن در طول زمان میسر می‌شود. بر همین اساس شناخت متغیرهای مؤثر بر آن بسیار حائز اهمیت است. وجود قومیت‌ها به‌عنوان قسمتی از خرده‌فرهنگ‌ها یکی از متغیرهای مهم و مؤثر بر همبستگی ملی است که در بطن خود و در صورت بی‌توجهی به آن، خطر بالقوه‌ای برای این مهم نیز است. همبستگی ملی در ایران نیز به‌عنوان کشوری کثیرالقوم، همواره در معرض تهدیدات گوناگونی و ازجمله مطالبات قومیتی بوده است؛ بنابراین از گذشته‌های دور، وحدت ملی همواره به‌عنوان یک هدف استراتژیک مورد توجه حکومت‌های ایران بوده و همچنان اولویت خود را حفظ کرده است.

نقش دولت و نهادهای کشوری در تسهیل حکمرانی خوب خلاصه می‌شود در تقویت مشارکت مردمی به‌منظور تأثیرگذاری بر سیاست‌گذاری‌های قومی و تسهیل‌کننده فعالیت‌های عمومی در فراهم‌سازی اتحاد و وحدت بین مردم به خصوص اقوام ساکن در کشورها. از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی تاکنون، احتمال وقوع سطوح متفاوتی از منازعات قومی در استان‌های قومی و به‌طور عمده مرزی کشور، همواره یکی از مهم‌ترین چالش‌های نظام جمهوری اسلامی ایران بوده است. اهمیت مسئله بدین جهت است که در حال حاضر به استناد آمارهای مختلف، بین ۴۰ تا ۵۰ درصد جمعیت ایران را اقوام غیر فارس تشکیل می‌دهند که وقوع منازعات بین آن‌ها، می‌تواند آثار و عواقب زیانباری بر این مناطق و نیز بر روابط و مناسبات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی اقوام وارد کند. به همین دلیل برای حکمرانی در سیاست‌گذاران سیاسی و اجتماعی کشور در سطوح عالی و میانی، ضروری است تا همواره درک درستی از چرایی بروز مناقشات قومی داشته و با ارائه راهکارهایی مناسب بتوانند ضمن از میان برداشتن این منازعات، گامی اساسی در جهت تحکیم همبستگی ملی بردارند (درویشی و امامی، ۱۳۹۰، ۲).



نقش دولت و نهادهای کشوری در تسهیل حکمرانی خوب خلاصه می‌شود در تقویت مشارکت مردمی به‌منظور تأثیرگذاری بر سیاست‌گذاری‌های قومی و تسهیل‌کننده فعالیت‌های عمومی در فراهم‌سازی اتحاد و وحدت بین مردم به خصوص اقوام ساکن در کشورها (UNDP, 1997).

مقاله حاضر به‌طور مشخص در صدد پاسخگویی به این سؤال اصلی است: نقش حکمرانی خوب ایران در گام اول انقلاب در اتحاد و همبستگی اقوام چگونه بوده است؟ فرضیه اصلی مقاله نیز این است: به نظر می‌رسد که جمهوری اسلامی ایران در گام اول انقلاب در ایجاد اتحاد و همبستگی بین اقوام (قوم ترکمن) موفق عمل کرده است.

### چارچوب نظری:

#### رویکردهای حکمرانی خوب در گام اول انقلاب به اقوام ایرانی

۱- فرصت دانستن تنوع اقوام: اکثر کشورهای دنیا با مقوله‌ی تنوع اقوام مواجه هستند و «بیشتر در کشورهای مختلف تعداد اقوام و قومیت‌ها یکی از نگرانی‌های آنهاست؛ در کشور ما به عکس است» (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۸۷). «تنوع اقوام را ما برای کشورمان یک فرصت به حساب می‌آوریم، این یک حقیقت است. به‌راستی برای ما تنوع اقوام یک فرصت است» (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۸۸). رهبر انقلاب از یک‌سو در رهنمودی به نمایندگان دوره هفتم مجلس شورای اسلامی می‌فرماید: «همه تمایلات منطقه‌ای و قومی و بخشی باید در پرتو نگاه ملی برآورده شود» (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۸۳)؛ و از سوی دیگر بر امکانات و ظرفیت‌های فرهنگی و اجتماعی مردم این مناطق به‌عنوان یک سرمایه و ثروت ملی نظر افکنده می‌شود: «زبان کردی یک ثروت ملی است، استعداد‌های علمی و هنری جوانان اینجا یک ثروت ملی است، استعداد ورزشی جوانان کردستان یک ثروت ملی است؛ از این ثروت‌های ملی باید استفاده بشود، بهره‌برداری بشود، به فعلیت برسد» (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۸۸).

۲- مخالفت با تبعیض میان اقوام: رهبر انقلاب درباره عدم تبعیض میان اقوام ایرانی می‌گوید: «نظام جمهوری اسلامی مطلقاً با نگاه تبعیض‌آمیز نگاه نمی‌کند؛ نه به کردستان و

نه به هر نقطه ویژه دیگری در سرتاسر کشور. نگاه نظام جمهوری اسلامی به تنوع قومی و تنوع مذهبی مطلقاً نگاه تعصب‌آمیز، قوم‌گرا، یک‌جانبه‌نگر نیست. این را به‌طور قاطع من اعلام می‌کنم. نه امروز هست که من از نیت خودم و دل خودم حرف می‌زنم، نه در طول زمان‌های گذشته در دهه ۶۰، زمان حیات مبارک امام رضوان الله تعالی علیه چنین چیزی نبوده». جمهوری اسلامی علاوه بر اینکه سیاست غلط رژیم گذشته را مبنی بر بیگانگی انگاشتن اقوام نفی نمود و «این نگاه را تصحیح کرد؛ نه فقط در سطح مسئولان، بلکه در سطح آحاد مردم»؛ و نگاه اسلامی را که مبتنی بر «برادری و اتحاد و ه‌الگوی و صمیمیت است» جایگزین آن نمود؛ بنابراین در تمام برنامه‌های اقتصادی و توسعه‌ای، تبعیضی میان مردم سراسر کشور به‌خصوص مناطق قومی قائل نشد؛ اما در سال‌های آغازین انقلاب با وجود برنامه‌ریزی برای حل مشکلات ناشی از رژیم گذشته، «حضور ضد انقلاب» و «ایجاد ناامنی در این مناطق» مانع از فعالیت نظام اسلامی و در نتیجه موجب عقب افتادن این مناطق از توسعه و به‌ویژه در حوزه زیرساخت‌ها شد و «ضد انقلاب این فرصت را متأسفانه برای مدت چند سال از دست نظام جمهوری اسلامی گرفت» (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۸۸).

۳- مشارکت اقوام ایرانی در سرنوشت خود: حاکم نبودن نگاه تبعیض‌آمیز به اقوام در نظام جمهوری اسلامی ایران موجب نقش‌آفرینی عموم مردم از اقوام مختلف و نخبگان در حوزه‌های گوناگون خواهد شد. وجود «انواع سلیقه‌ها و گرایش‌های سیاسی و اقوام ایرانی و پیروان ادیان و اهالی مناطق گوناگون کشور در مجلس» (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۸۳). نشان از حضور و نقش‌آفرینی تمامی اقوام ایرانی در قانون‌گذاری دارد. نبود مرزبندی قومی و مذهبی برای حضور در بسیج نیز نشانه دیگری از نقش اقوام ایرانی در یک جمع ارزشی و انقلابی و نقش‌آفرینی آن‌ها در دفاع از نظام اسلامی است. به فرموده رهبر انقلاب: «بسیج، مرز صنفی و مرز جغرافیایی و قومی نمی‌شناسد. همه اقوام ایرانی، همه اصناف گوناگون ملی در سطوح مختلف فکری از انسان‌های نخبه برجسته ممتاز در میان اهل علم و دانشجویان تا جوان‌های فعال و پرشور صحنه‌های دیگر، همه در بسیج جمع‌اند. بسیج نماد حضور ملی و مقاومت ملی و آگاهی یک ملت است» (بیانات رهبر

معظم انقلاب، ۱۳۸۴). رهبر معظم انقلاب بر استفاده از روحیه قومی برای پیشرفت ملی تأکید می‌کنند: «هر قومی از اقوام ایرانی، چه کرد، چه فارس، چه تُرک، چه بلوچ، چه عرب، چه ترکمن، چه لُر، سعی کند با همان روحیه قومی در جهت پیشرفت ملی، نه صرفاً پیشرفت قومی، گام‌های بلندتری بردارد» (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۸۸).

۴- اعطای حقوق مسلم اقوام: در نظام اسلامی مقوله «قومیت» و «مذهب» هیچ‌گاه مانع شناسایی و اعطای حقوق مسلم اقوام ایرانی نخواهد بود، بلکه «نظام جمهوری اسلامی محور قضاوتش، اسلام و ایرانی بودن است؛ اسلام و ایرانیت. همه مسلمان‌ها و همه ایرانی‌ها در این نگاه، در محدوده جغرافیایی کشور دارای ارزش هستند» (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۸۸)؛ بنابراین «ما وقتی که می‌خواهیم یک ایرانی را به‌عنوان یک ایرانی به حقوق حقه خودش برسانیم، از او سؤال نمی‌کنیم که مذهب و یا حتی دین تو چیست. نه، مواطن ماست و از حقوق همشهری‌گری با ما دارد استفاده می‌کند و در این مملکت زندگی می‌کند؛ چیزی باید بردازد، کاری باید بکند و حقوقی هم دارد. حق امنیت، حق زندگی، حق کار، حق تلاش، حق تحصیل و فرهنگ دارد» (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۷۰). از سوی دیگر «امنیت، حق عمومی و متعلق به همه مردم در سرتاسر کشور است و اقوام مختلف، زبان‌های مختلف، عادات مختلف و ادیان مختلف از آن بهره می‌برند» (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۷۹).

۵- جدا کردن حساب اقوام ایرانی از اشرار و فریب‌خوردگان: از سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران جدا دانستن حساب اقوام از اشرار و فریب‌خوردگان است. این سیاست در مقابله با تبلیغات دشمنانکه در تلاش بودند تحریکات علیه جمهوری اسلامی ایران را در مناطق قومی به حساب اقوام بگذارند، بسیار کارآمد و مؤثر بود؛ بنابراین حضور برخی از اشرار در بعضی مناطق نه‌تنها جمهوری اسلامی ایران را نسبت به مردم منطقه بدبین نمی‌کند، بلکه نظام را بر آن می‌دارد که منطقه را از لوٹ وجود آن‌ها با همکاری مردم منطقه پاک نماید. رهبر معظم انقلاب در دیدار با مردم سقز به این تفکیک اقوام از اشرار تأکید می‌کنند: «به عموم ملت ایران از اقوام گوناگون هم بگویم، مبدا به اشتباه بیفتند. مبدا رفتار

گروه‌های اندک شمار که پنجه به چهره انقلاب و جمهوری اسلامی می‌زدند، به حساب این مردم عزیز، این جمعیت انبوه، این دل‌های وفادار نوشته بشود. تعداد معدودی انسان‌های شریر یا فریب‌خورده که در هر نقطه‌ای پیدا می‌شوند، در کردستان و در غیر کردستان، حساب این‌ها از حساب متن مردم عزیز این استان به کلی جداست» و خود مردم با این افراد برخورد می‌کنند. وجود گروه «پیشمرگان کرد مسلمان» یکی از مصادیقی است که ایشان در اثبات این مطلب بیان می‌کنند: «در همان دورانی که در اینجا و جاهای دیگر، یک عده ایادی بیگانه به نام مردم کرد حرف‌هایی می‌زدند که مردم کرد روحشان از آن حرف‌ها خبر نداشت، آن روزی که در این استان و استان‌های هم‌جوار، دست‌های شیطنت‌آمیز دشمنان به فکر فتنه و برادرکشی بودند، خود مردم این استان در صفوف مقدم قرار گرفتند؛ یاد مجموعه رشید و پرافتخار پیشمرگان کرد مسلمان هرگز از خاطره آن کسانی که مجاهدات آن‌ها را دیدند، نخواهد رفت» (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۸۸).

۶- اهانت به مقدسات یکدیگر؛ خط قرمز نظام اسلامی: در نظام اسلامی «اهانت به ارزش‌ها و مقدسات گروه‌های مختلف قومی و مذهبی» که در قانون اساسی به رسمیت شناخته شده‌اند، به‌عنوان «خط قرمز» معرفی شده است. رهبر انقلاب در این باره می‌فرماید: «دشمن امید بسته است که بتواند پیروان مذاهب گوناگون را مقابل هم قرار بدهد. هیچ‌کس نباید تسلیم این نقشه خائنانه و خبثت‌آمیز دشمن بشود. آن‌ها می‌خواهند شیعه در مقابل سنی، سنی در مقابل شیعه، دل‌ها از هم چرکین، نسبت به هم بدبین، آن‌ها این را می‌خواهند. برای همین است که من اعلام کردم، باز هم تأکید می‌کنم خط قرمز از نظر نظام اسلامی و از نظر ما عبارت است از اهانت به مقدسات یکدیگر» (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۸۸). از سوی دیگر رهبر معظم انقلاب با «اعلام حرمت تقلید لهجه قومیت‌ها در صورت تمسخر لهجه»، به ریشه‌یابی این نقشه استعمار می‌پردازد: «غالب این شهرهایی که لهجه‌های آن‌ها تقلید می‌شود، شهرهایی هستند که دارای مردم غیرتمندی هستند که در حوادث مهم صد سال پیش در مقابل دشمنان و مهاجمین ایستاده‌اند. این تصادفی نیست. این تقلید هم سابقه ندارد؛ یعنی در هیچ‌یک از این کتاب‌های ادبی و طنز و غیره ما ندیدیم که یک

حرفی باشد که نشان‌دهنده تقلید لهجه باشد. این مال همین اواخر است؛ یعنی به‌طور مثال از صد سال پیش به این طرف؛ یعنی از وقتی که کشور ما در مواجهه با این دشمنی‌ها قرار گرفته، یکی از مناطقی که ایستادگی سرسخت کرده، مناطق شمال است، منطقه گیلان، یکی از مناطق، منطقه خراسان است؛ یکی از مناطق، مناطق آذربایجان است. این‌ها آنجاهایی هستند که مردمش سرسختی و سلحشوری نشان دادند. اتفاقاً سعی شده است که همین‌ها از لحاظ لهجه در بین مردم سبک بشوند؛ یعنی تقلید می‌شود» (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۸۹).

۷- هویت قومی، جزئی از هویت ملی ما است: تنوع قومی در ایران - به دلیل وجود مؤلفه‌های حقیقی همبستگی میان اقوام و قرار گرفتن هویت قومی به‌عنوان جزء لاینفک هویت ملی - یک فرصت قلمداد می‌شود. پس هرچه مؤلفه‌های هویت قومی با توجه به هویت ملی تقویت شود، هویت و همبستگی ملی نیز تقویت خواهد شد: «سنت‌های مختلف، آداب و عادات مختلف و استعداد‌های گوناگون و متنوع، یک فرصت است که اجزای گوناگون این ملت بتوانند یکدیگر را تکمیل کنند؛ با مراودات درست و با همزیستی و اتحاد کامل. برای ملت ما این یک افتخار است که چنین نگاهی به مسئله تنوع اقوام دارد. علت هم این است که اسلام منبع الهام این نظام است و در این نگاه اسلامی، بین نژادهای مختلف و زبان‌های مختلف، ولو از ملت‌های گوناگون، تفاوتی نیست؛ چه برسد به اقوام مختلف در میان یک ملت. نگاه اسلام این است و نگاه نظام اسلامی هم این است. لازم است ما به منطقه کردی، استان کردستان و مناطق اقوام دیگر با نگاه اسلامی نگاه می‌کنیم» (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۸۸).

### همگرایی ملی:

همگرایی ملی وضعیتی اجتماعی است که همبستگی اجتماعی را در ساختار اجتماعی و قدرت سیاسی و احساس تعلق ملی را میان گروه‌ها و افراد جامعه ایجاد و تقویت می‌کند. این وضعیت اجتماعی فرایند و سازوکاری است که قسمت‌ها و بخش‌های مختلف با عناصر متفاوت یک جامعه را به درون یک کلیت وارد می‌کند (موکی یلی، ۱۳۷۰، ۱۶۲). همبستگی

ملی، احساسی است که مفهوم هویت و وفاداری را دربردارد؛ بدین ترتیب در حس همبستگی ملی احساس مشترکی میان سرزمین و مردمان مختلف آن به وجود می‌آید بدون آنکه آن‌ها از لحاظ فرهنگی و فضایی به هم نزدیک باشند (بهفروز، ۱۳۷۴، ۱۱۲).

منظور از همبستگی ملی هماهنگی میان اجزای تشکیل‌دهنده کل نظام اجتماعی است. همبستگی در مفهوم بسیار اساسی و حداقلی آن هیچ‌گاه از بین نمی‌رود و البته در نظام اجتماعی هرگز رخ نمی‌دهد. همبستگی کامل به معنای فقدان هرگونه ناهماهنگی است؛ بنابراین می‌توان از درجات بالاتر و پایین‌تر همبستگی سخن گفت. همگرایی از نظر ساختاری محصول تعامل و هماهنگ شدن سه حوزه مهم معیشتی، نهادی و هویتی است. از آنجا که همگرا شدن کامل، متناسب و متقارن این عناصر بسیار مشکل است؛ بنابراین همگرایی را می‌توان پدیده‌ای نسبی دانست و نباید انتظار هم‌آمیختگی کامل از آن داشت. به همین دلیل همگرایی به‌طور دائمی وضعیتی کشسانی خواهد داشت. با این حال تحقق همگرایی در هر سطحی مستلزم این است که بین این عناصر سه‌گانه نوعی اتصالات محکم و مفصل‌بندی متعادل و متقارن شکل گیرد. جهت شناخت تأثیر ویژگی‌های اجتماعی - فرهنگی اقوام بر همگرایی و امنیت ملی، همگرایی هویتی مورد بررسی قرار می‌گیرد (عموزاد خلیلی، ۱۳۹۵، ۸۹). عوامل جغرافیایی، قومی، زبانی، اعتقادی، معیشتی، سرگذشت تاریخی، اعیاد و رسوم، حتی رنگ‌ها، نمادها و به‌طور کلی هنر و معماری سهم بسیار مهمی در شکل‌گیری همگرایی هویتی دارند. ثبات سیاسی و امنیت ملی کشورها نیز با مقوله همگرایی هویتی پیوند عمیقی دارد؛ در اساس هویت را می‌توان به مقوله‌های متعددی نظیر هویت فردی، قومی، ملی و جهانی دسته‌بندی کرد که در این پژوهش جهت شناخت مسئله مورد مطالعه، هویت قومی مدنظر می‌باشد.

### هویت قومی:

هویت قومی نوعی وضعیت روانی برانگیختگی است که در جریان آن اعضای گروه قومی، احساس پیوستگی و تعلق خاطر جدی (خیالی یا واقعی) بین خود و با سایر گروه‌ها

می‌کنند (برتون، ۱۳۸۴، ۲۷-۲۴). درگیری و فعالیت قومی<sup>۱</sup> (مشارکت اجتماعی و رفتار فرهنگی) مشارکت در زندگی اجتماعی و رفتارهای فرهنگی گروه قومی خودی که شاخص‌های آن زبان، دوستان، سازمان اجتماعی، مذهب، سنت‌های فرهنگی و سیاست است. علاوه بر این‌ها رفتارهای فرهنگی مثل موسیقی، رقص، پوشش، روزنامه‌ها، مجلات، کتب، ادبیات، غذا، آشپزی، اوقات فراغت، سنت‌های فامیلی و خویشاوندی، نقش‌های خانوادگی دیگر، ازدواج درون‌گروهی، دانش، فرهنگ و تاریخ قومی ملاک‌های مهم هویت قومی به شمار می‌آیند (پینی، ۱۹۹۰، ۱).

### حکمرانی خوب:

حکمرانی در لغت به معنای اداره و تنظیم امور و رابطه میان شهروندان و حکومت‌کنندگان اطلاق می‌شود. حکمرانی اشاره به پاسخگو بودن هم در حوزه سیاست‌گذاری و هم اجرا را دارد (شریفیان ثانی، ۱۳۸۰: ۱۴۹). بر این اساس حکمرانی مستلزم تعامل میان ساختار، فرآیند و سنت است که بر اعمال و رابطه قدرت در مجموعه‌های نهادی و اجتماعی دلالت دارد و مفاهیم هدایت، کنترل و تنظیم فعالیت‌ها در جهت منافع مردم یا همه شهروندان، رأی‌دهندگان و کارکنان مستتر است (Plumpton, 3, 1999). می‌توان گفت جوهره حکمرانی به روابط اجزای درون حکومت و بخش‌های غیر حکومتی اشاره دارد (Kaufmann, 2010: 4). از نظر دانشمندان علوم سیاسی حکمرانی بر فرگرد مدیریت سیاسی اشاره دارد که مبنای هنجاری اقتدار سیاسی و سبک هدایت امور عمومی و به‌کارگیری منابع عمومی را در برمی‌گیرد. مفهوم حکمرانی وسیع‌تر از حکومت است، حکومت به‌طور مشخص با نقش مقامات سیاسی در حفظ نظم اجتماعی در سرزمین معین و اعمال قدرت اجرایی در محدوده آن سروکار دارد. همان‌طور که مشخص است در تعریف حکمرانی سه اصطلاح پاسخگویی و حساب پس دهی، مشروعیت و شفافیت مورد توجه قرار می‌گیرد (پورعزت، ۱۳۸۷: ۱۸-۱۹). در واقع موضوع اساسی در حکمرانی،

تصمیم‌گیری در این باره است که چه کسی، چه چیزی، چگونه، کجا و چه هنگام به دست آورد (Sapru, 2006, 308).

حکمرانی خوب به عنوان پارادایم جدید در اداره بخش عمومی نقطه تلاقی و تعامل بین رشته‌های مختلف علوم انسانی؛ مانند مدیریت، اقتصاد، علوم سیاسی، جامعه‌شناسی، حقوق، سیاست‌گذاری عمومی و روابط بین‌الملل را ایجاد کرده است. این الگو به خصوص از دهه ۱۹۸۰ به بعد توسط نهادهای بین‌المللی و در پاسخ به اوضاع نامطلوب جوامع در حال توسعه و حرکت آن‌ها به سوی توسعه ارائه شد. از نظر دی فرانسی (۲۰۰۹) الگو حکمرانی خوب نحوه حکمرانی، کیفیت رابطه بین شهروندان و حکومت را نشان می‌دهد. در این نظریه دخالت منطقی دولت و نقش تسهیل‌گری و هماهنگ‌کنندگی آن تأکید دارد. در حقیقت حکمرانی خوب اصطلاحی که نشانه تغییر پارادایم نقش حکومت است و اینکه اولویت‌های گوناگون بر مبنای نیازها و خواست سطوح و اجزا گوناگون یک جامعه تحقق پیدا می‌کند (۵-۳، Abdellatif, 2003).

### حکمرانی خوب و اعتماد نفس فردی و همبستگی ملی:

الگوی حکمرانی خوب دارای ساختاری متوازن، همساز که تعامل و تعادل بین نیروهای اجتماعی نمود بارز آن است. با توجه به رفع تبعیض و بی‌عدالتی و همچنین حضور همه-گیر و فراگیر یکایک همه افراد در مناسبات اجتماعی و سیاسی تعلق به کشور و در نهایت انسجام ملی شکل می‌گیرد. حضور و اعتماد نفس فردی را بالا می‌برد و آن‌ها را برای رقابت در قالب‌های مشخص آماده می‌کند. در این نظام اجتماعی رفتار افراد ضابطه‌مند و در قالب قواعد و رویه‌های خاصی تعریف می‌شود و زمینه مفاهمه و اعتماد بین افراد ایجاد خواهد شد (Bendix, 1997, ۱۲۰).

ساختار الگوی حکمرانی خوب ضمن تأثیر در تأمین امنیت فیزیکی و مادی بر امنیت معنوی هم تأکید دارد و همان‌طور که گفته شد با قرار دادن افراد در نقش‌های متفاوت و متنوع در شخصیت‌سازی و رضایت درونی و به‌نوعی امنیت معنوی و درونی او مؤثر خواهد بود. شفافیت و پاسخگویی در الگوی حکمرانی خوب اعتماد و رضایت شهروندان



را فراهم می‌کند و در اتحاد و بسیج ملی می‌تواند راهگشا باشد. از طرفی دیگر آگاهی شهروندان یک جامعه از طرق مختلف مانند رسانه‌ها و حضور در شبکه‌ها و تشکل‌ها تقویت خواهد شد. مشارکت سازماندهی شده و منسجم، زمینه رفتاری و کارکردی باثبات و قابل پیش‌بینی در آن جامعه شکل می‌دهد؛ بنابراین زمینه برای همکاری و ارتباط بین افراد با حفظ حقوق و تعیین مسئولیت‌ها نسبت به یکدیگر فراهم خواهد شد. کارایی، پاسخگویی و فرهنگ سازمانی مرفقی که در قالب حکمرانی خوب در نظام اداری ایجاد خواهد شد بر شخصیت، مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی، حسن اعتماد بین افراد تأثیرگذار خواهد بود.

می‌توان یک رابطه دوجانبه بین فرهنگ و حکمرانی خوب ترسیم کرد؛ بینش و جهان‌بینی و رشد شخصیتی در سطح فردی و گروهی زمینه را برای ایجاد چشم‌اندازی چون حکمرانی خوب در تحولات عصر جدید پیش می‌آورد و به مجادلات گوناگون به شکل نهادی و ساختاری پاسخ می‌دهد؛ اما ساختار متوازن حکمرانی خوب و ویژگی‌های دولت نقش اصلی در رشد و شکوفایی شخصیت افراد خواهد داشت و انسان‌ها را در ارتباط با تحولات گوناگون اجتماعی همساز می‌کند (امامی‌زاده و همکاران، ۱۳۹۵، ۳۱).

### یافته‌های پژوهش:

عملکردهای جمهوری اسلامی ایران در ایجاد همبستگی و اتحاد ملی قوم ترکمن در گام اول انقلاب به شرح زیر می‌باشد:

### بعد اجتماعی فرهنگی

- هفته وحدت و مولودی پیامبر و جایگاه آن در میان ترکمن‌ها:

هفته وحدت یادگار بنیان‌گذار کبیر انقلاب اسلامی ایران بوده که از ۱۲ ربیع‌الاول سالروز میلاد پیامبر گرامی اسلام (ص) به روایت اهل سنت تا ۱۷ ربیع‌الاول سالروز ختم پیامبران حضرت محمد (ص) است. مولودی‌خوانی که از شاخص‌ترین آداب و رسوم ترکمن‌ها در هفته وحدت است، حال و هوای معنوی خاصی دارد که اکثر ترکمن‌ها با حضور در مساجد و مصالها و گاهی اوقات به صورت گروهی در خانه‌های خود به

مولودی‌خوانی می‌پردازند. طبق تحقیقات انجام‌شده از برادران ترکمن اهل سنت، فقط در یک شهر ترکمن‌نشین مانند گنبد کاووس بیش از یک‌صد آیین ازدواج برگزار می‌شود و دلیل آن نیز مبارکی و فرخندگی این میلاد بزرگ و عمل به سنت پیامبر اکرم در خصوص ازدواج است؛ اما از نکات مهم در برنامه‌های هفته وحدت در منطقه ترکمن‌صحرا برپایی آیین مشترک اهل سنت و اهل تشیع است که از جمله آن می‌توان به برپایی جنگ شادی، برگزاری مسابقات فرهنگی و هنری و حضور اقشار مختلف مردم و مسئولان در مساجد و شرکت در آیین مولودی‌خوانی است که نشان از عمق وحدت و یکدلی بین مردم شیعه و سنی این منطقه است. از نکات جالب توجه آیین گرامیداشت ویژه هفته وحدت در منطقه ترکمن‌صحرا و در یکی از شهرهای ترکمن‌نشین، شهر گنبد کاووس، مشارکت و حضور برادران شیعه به هنگام اجرای آیین ویژه جشن میلاد در مساجد برادران اهل سنت و یا بالعکس است که خود نشان وفاق و هالگوی در این مناطق می‌باشد (عموزاد خلیلی، ۱۳۹۵، ۱۲۵).

- نقش روحانیون مذهبی: آخوندها در گذشته نفوذ بسیار زیادی بر قبایل ترکمن داشتند. علمای مذهبی تقریباً همه‌کاره اقوام ترکمن بودند؛ ولی کم‌کم با پیشرفت علمی و فرهنگی جوامع ترکمن، نفوذ روحانیون نسبت به گذشته کم‌تر شد. هرچند امروز نیز دارای اهمیت و ارزش بالایی هستند. نفوذ روحانیون ترکمن در میان این اقوام می‌تواند عاملی در جهت وحدت هرچه بیشتر این قوم با دیگر مردم ایران باشد و زمینه کاهش تنش احتمالی و واگرایی را فراهم کنند. امروزه در جوامع ترکمن سه گروه نقش بسیار زیادی دارند: روحانیون، ریش‌سفیدان و نخبگان که نقش و نفوذ آخوندها یا روحانیون نسبت به دیگران بیشتر است (پیردشتی، ۱۳۸۱، ۱۰۲). قضاوت بین ترکمن‌ها هم بیشتر به وسیله آخوندها و یا بزرگان قوم انجام می‌شود؛ ولی آخوندها نقش زیادی در امر قضاوت داشتند. ترکمن‌ها به هنگام حل و فصل بیشتر مسائل مورد مناقشه بنا بر معمول به یاری میانجی متوسل می‌شوند (لوگاشوا، ۱۳۵۹، ۱۵۱).

علما و روحانیون اهل سنت و حنفی مذهب ترکمن بر وحدت و اتحاد مسلمانان و حرکت‌های افراطی و تند را که به نام اسلام صورت می‌گیرد را محکوم می‌کنند. برای نمونه چند تن از آخوندها و روحانیون بزرگ اهل سنت ترکمن در زیر اشاره می‌شود:

۱- آخوند عبدالجبار میرابی رئیس حوزه علمیه قره‌تپه بندر ترکمن در مورد وحدت این‌گونه بیان می‌کند: اگر مسلمانان پشت یکدیگر را داشته و از ارزش‌های اخلاقی، انسانی و اسلامی خود دفاع کنند، دشمنان مایوس و ناامید و نقشه‌های آنان نقش بر آب می‌شود. ایران اسلامی، نماد عملی وحدت بین مسلمانان به‌ویژه اهل شیعه و سنت است. میرابی با اشاره به وحدت عملی بین شیعه و اهل سنت در ایران اسلامی و استان گلستان بیان می‌کند: «این فرهنگ باید در جهان اسلام نیز نهادینه شود».

۲- آخوند عبدالباسط نوری‌زاد امام جمعه اهل سنت شهرستان گنبد کاووس در مورد وحدت در جامعه اسلامی اظهار داشت: «دشمنان از وحدت و انسجام امت اسلامی هراس و وحشت دارند و وحدت سبب رشد و تعالی جامعه و امت اسلامی می‌گردد». همچنین بیان می‌کند «در حال حاضر اهل سنت با فرقه‌های مختلف برادرانه در کنار هم و با هالگوی در کنار اهل شیعه زندگی می‌کنند».

۳- آخوند نظری<sup>۱</sup> رئیس حوزه علمیه بخش کمالان در مصاحبه خود این‌گونه ارتباط بین شیعه و سنی و ارتباط بین آن‌ها را توضیح می‌دهد. او در بیانات خود بر روابط حسنه و برادرانه شیعه و سنی و احترام به آیین و رسوم یکدیگر و شرکت در مراسمات عزاء و عروسی و حضور در اجتماعات مختلف مانند ۲۲ بهمن تأکید می‌کند. همچنین این روحانی در ادامه بر ارتباط خوب بین علما شیعه و سنی در منطقه به‌خصوص با نماینده ولی فقیه در منطقه گلستان تأکید می‌کند. آخوند نظری در مورد موضع‌گیری برادران اهل سنت نسبت به حرکت‌های افراطی، این‌گونه حرکت‌ها را مضحک و خلاف دین می‌داند (عموزاد خلیلی، ۱۳۹۵، ۱۴۳).

- ادبیات ترکمن:

انقلاب اسلامی در ادبیات ترکمن، تحول بنیادین در ارزش‌ها و دگرگونی اساسی در باورهای اجتماعی پدید آورد؛ چراکه این انقلاب از میان توده‌های مردم اعم از ترک، کرد، بلوچ، ترکمن و ... برخاسته بود. لحظه‌های سترگ و به‌یادماندنی انقلاب در دل تک‌تک مردم ایران جاودانه ماند و لحظه‌های هیجان و شور، لحظه‌های بزرگ و خطیر، لحظه‌های اضطراب و شوق و لحظه‌های شهادت و حیات، همه و همه در سروده‌ها و احساسات شاعران ترکمن خالی از تأثیر نبوده و نخواهد بود. سروده‌های انقلابی ترکمن که در اوایل انقلاب با حال و هوای صمیمانه سروده شده‌اند، آغازین شورها و هیجان‌ها و نخستین سروده‌های عصر انقلاب بوده‌اند. بعد از آن نیز در دوران جنگ تحمیلی که فرزندان انقلاب و امام، عاشقانه با بال شوق و عشق در جبهه‌های نبرد حضور داشته‌اند، شاعران نیز حضور داشته‌اند که با سرودن نغمه‌های الهی - آسمانی به یاری آنان شتافته‌اند. از این شاعران بزرگ می‌توان حبیب‌الله سبحانی، ادريس شاعری، عبدالکریم کلته، عبدالطیف گلی، عیدی اونق، ایری، آنه محمد قزل و ... نام برد که در زیر نمونه‌ای از شعرهای این شاعران ذکر می‌شود (عموزاد خلیلی، ۱۳۹۵، ۱۳۴):

عبدالکریم کلته: آنچا باتیر ییگیت لر ساواشدان و هم اتمه دی

آلدی ابایداغین، پیریاراحات یاتمادی

توپراغیندا بیرقاریش، جان پرسه هم ساتمادی

قوجاق آچدی اوقلارا، ایزین قایغی اتمه دی

ظالمار، آلدی عبرت اون بستان جبهه ده

ترجمه: چه بسیار بوده‌اند جوانانی که بی‌هیچ واژه‌ای بیرق اسلام را به دست گرفتند و جنگیدند. چه بسیار بوده‌اند جوانانی که به خاطر عزت و شرافت وطنشان حتی از یک وجب از سرزمینشان نگذشتند و با جان و دل در برابر گلوله دشمنان سینه سپر کرده‌اند و به ستمگران در جبهه‌های بستان درس سختی دادند.

عراز محمد ایری: دین یولینده حقه اوزین تانیدان دوسته قوات بریب دوشمان اولیدن

اسلامینگ یولینده، جانیندان اوتن ادییپ، برک چالیشان شهیدلر  
ترجمه: شهیدان راه خدا، آشنا حق هستند و یاور دوستان و درهم کوبنده دشمنان  
هستند. شهیدان در راه اسلام از جان خود مایه گذاشته‌اند و واگویان و سرفراز و مغرور  
جنگیدند.

در کنار این شاعران، شاعران دیگری نیز اشعاری سروده‌اند که عشق به وطن و عزت  
مجدد و عظمت روزافزون ملت و سرزمین ایران را آرزو کرده‌اند که در زیر نمونه‌ای از آن  
را ذکر می‌کنیم.

عیدی اونق: بو مقدس توپراغینگدا واطانیم سنینگ اوچین دوشان اوغول من  
قسم ادیان آق سویت برن انم دن ساویلسام هم سنگ یولینگدان ساویلما  
ترجمه: ای سرزمین من ای ایران در خاک مقدست زاده شده‌ام. فرزند تو و از آن تو  
هستم. سوگند اگر از مادر نیز بگذرم از تو هرگز نخواهم گذشت ای ایران.

- رسانه‌ها و مطبوعات ترکمن: حفظ وحدت در هر جامعه‌ای از وظایف اصلی  
مطبوعات و رسانه‌ها است و مطبوعات و رسانه‌ها می‌توانند در جهت تقویت همگرایی  
نقش مؤثری داشته باشند. مطبوعات و رسانه‌های محلی با احاطه بر مسائل و مشکلات  
مختلف محلی و اقوام با تأکید بر نکات مشترک و اتحادبرانگیز اقوام سراسر کشور، می-  
توانند در جهت همگرایی بیشتر آدم‌ها و اقشار مختلف مردم و مسئولان نقش مفیدی داشته  
باشند و قومیت‌ها و مذاهب را نسبت به هم وفادار کنند و هماهنگی آن‌ها را با تأکید بر  
اصول و جنبه‌های مشترکشان تشدید نمایند. نگاه به مطبوعات و رسانه‌های محلی با  
رویکرد تهدید و فرصت قابل تفسیر است.

الف- رسانه: اگرچه امروز دنیای مجازی فراگیر شده و البته ترکمن‌ها در این زمینه  
فعالیت خوبی دارند؛ اما در گذشته نیز در عرصه انتشارات کتاب و مطبوعات و دیگر  
رسانه‌ها فعالیت چشمگیری داشته‌اند. سابقه چاپ و نشر کتاب، مطبوعات و رسانه‌های  
سمعی و بصری در میان ترکمن‌ها به بیش از نیم‌قرن می‌رسد (جرجانی، ۱۳۹۴، ۷۸).

۱- پخش ترکمنی رادیو گرگان: بخش فارسی و ترکمنی رادیو گرگان به طور رسمی از سال ۱۳۳۸ هجری شمسی فعالیت خود را آغاز کرد. در سال ۱۳۶۵ هجری شمسی برنامه تلویزیونی راه اندازی شد که کار خود را در قالب برنامه های برون مرزی برای ترکمن های ترکمنستان اتحاد جماهیر شوروی سابق آغاز کرد. این برنامه در تهران زیر نظر معاونت برون مرزی صداوسیما جمهوری اسلامی ایران تولید و پخش می شود (پقه، ۱۳۹۲، ۴). برنامه های تلویزیونی ابتدا از هفته ای دو ساعت از ساعت ۸ تا ۱۰ صبح جمعه ها پخش می شود. در سال ۱۳۷۴ هجری شمسی در گرگان سیمای محلی راه اندازی شد تا اینکه در سال ۱۳۸۵ هجری شمسی پخش برنامه تلویزیونی استانی در گرگان آغاز شد که تا امروز ادامه دارد. امروزه شبکه گلستان روزانه ۲۰ ساعت برنامه به زبان فارسی و ترکمنی پخش می کند. پخش این برنامه ها در شبکه استانی می تواند گام مهم در جهت هالگوی وحدت این قوم با دیگر مردم استان می باشد و زمینه را برای آشنایی با آداب و رسوم و فرهنگ این قوم فراهم می کند (جرجانی، ۱۳۹۴، ۸۲).

ب- مطبوعات: سابقه روزنامه نگاری در میان ترکمن ها به سال ۱۳۶۲ هجری شمسی می رسد. در آن سال نشریه اتحادیه تراکمه شروع به فعالیت کرد. در دوره پهلوی به علت مشکلات گوناگونی که پیش رو فعالان مطبوعات وجود داشت، نشریات به صورت گهگاهی، فصلی، صنفی و سیاسی و غیر منظم چاپ می شدند و از این حیث می توان گفت عمرشان چندان طولانی نبوده است. پس از پیروزی انقلاب اسلامی و با بهبود شرایط فعالیت مطبوعاتی، شماری از روزنامه نگاران ترکمن در استان گلستان نیز مجوز فعالیت نشریاتی را از وزارت فرهنگ و ارشاد دریافت و فعالیت خود را در بخش رسانه استان گلستان آغاز کردند (جرجانی، ۱۳۹۴، ۷۹). به طور کلی بر اساس مطالعات انجام شده در باب تأثیر انواع رسانه در منطقه ترکمن صحرا، باید گفت: رسانه های دیداری و شنیداری ترکمن از آغاز انقلاب تاکنون همواره مردم این منطقه را به اتحاد و وحدت با کشور تشویق می کردند. این رسانه ها در زمان جنگ با دعوت آخوندهای ترکمن و بزرگان در برنامه های خود و یا با انتشار پیام و صحبت های آن ها مردم را تشویق به حضور در جبهه-

های می‌کردند. آخوندهای ترکمن در رسانه‌های مختلف با استدلال‌هایی مشابه که دفاع از وطن و از این جز فرایض، از نوامیس خمسه است و همچنین بیان می‌کردند همان‌طور که دفاع از دین جهاد محسوب می‌شود و هر کس در راه دین بمیرد، شهید محسوب می‌شود، آن را به دفاع از وطن نیز مطابقت می‌دادند و همگان را به دفاع از مرز میهن و مشارکت در جنگ و دفاع از سرزمین دعوت می‌کردند (عموزاد خلیلی، ۱۳۹۵، ۱۵۸). همچنین در زمینه چاپ و نشر کتاب نیز آخوندها و بزرگان اهل سنت ترکمن مانند آخوند نظری و آخوند قزل و دیگران بر این نکته تأکید می‌کنند که کتاب‌های اهل سنت نیز مانند دیگر مردم این سرزمین چاپ می‌شود و در این زمینه هیچ مشکلی وجود ندارد و حتی وزارت ارشاد یکسری تسهیلات نیز به آن‌ها پرداخت می‌کند. آن‌ها معتقد هستند در نمایشگاه‌های بین-المللی نیز کتاب اهل سنت از دیگر کشورهای اسلامی مانند پاکستان و لبنان در اختیار علاقه‌مندان قرار می‌گیرد (عموزاد خلیلی، ۱۳۹۵، ۱۵۹).

### بعد سیاسی

#### سیاست قومی در قوم ترکمن:

در تمام دوران بعد از انقلاب اسلامی (گام اول انقلاب) ما شاهد همگرایی قوم ترکمن تحت لوای ملت ایران و حضور آن‌ها در تمام عرصه‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی کشور هستیم که می‌توان به‌عنوان نمونه به موارد زیر اشاره کرد: حضور پررنگ در جنگ تحمیلی و دفاع از تمامیت ارضی کشور و تقدیم شهید و آزاده در راه دفاع از میهن، مشارکت گسترده در انتخابات متعدد، حضور نخبگان قوم در سطوح مختلف مدیریتی استان از جمله فرمانداری و نمایندگی مجلس که در سال‌های اخیر دامنه آن به سطح زنان ترکمن نیز گسترش یافته است و ... موارد فوق نشان‌دهنده این است که در استان گلستان یک نوع تعامل سازنده بین قوم ترکمن با دیگر مردم این استان وجود دارد که از هرگونه تنش جلوگیری می‌کند. در سطحی بالاتر یافته‌های پژوهش نشان از همگامی مردم این قوم با دیگر مردم ایران در عرصه‌های سیاسی و امنیتی کشور دارد که این امر بعد سیاسی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران را تقویت می‌کند. تمام موارد بالا تا حدودی نشان‌دهنده این

است که سیاست‌های قومی و اقدامات دولت‌های مختلف جمهوری اسلامی در مسیر اتحاد و همبستگی و در راستای حکمرانی خوب در منطقه ترکمن صحرا در مسیر درستی قرار داشته است (عموزاد خلیلی، ۱۳۹۵، ۱۱۴).

### بعد اقتصادی

#### اقدامات اقتصادی:

می‌توان گفت: در تمام دوران و در طول تاریخ، هر زمانی شاخص‌های مربوط به وضعیت اقتصادی اقوام بهبود یافت و فعالیت اقتصادی آنها وسیع‌تر شد، گرایش به واگرایی در آنها کمتر شد، به هر میزان که بتوان اقتصاد را تقویت نمود، به همان مقدار هم می‌تواند وحدت و هالگوی را بیشتر و میزان واگرایی در میان اقوام را کاهش داد، هرچه اشتغال افزایش در نتیجه فقر کاهش می‌یابد و زمینه برای مشارکت‌ها در مسائل مختلف از جمله مسائل سیاسی بیشتر می‌شود. اقتصاد ضعیف، زمینه را برای نفوذ دشمن و ترغیب اقوام در جهت ایجاد ناآرامی‌ها و تنش با دولت مرکزی و همچنین زمینه برای تحریکات اقوام علیه حکومت مرکزی را افزایش می‌دهد. در میان قوم ترکمن هم همین‌گونه است. اقوام ترکمن بعد از انقلاب پیشرفت‌هایی وسیعی در زمینه اقتصادی داشته‌اند، به همین دلیل ما میزان همگرایی وسیعی میان این قوم با اقوام دیگر و همراهی بیشتر آنها با حکومت را شاهد هستیم. بعد از انقلاب و به همت مسئولین پیشرفت‌های در اقتصادی این قوم که از جمله در زمینه صادرات قالی، اسب و همچنین خاویار و در بسیاری از زمینه‌هایی اقتصادی دیگر مانند صنایع دستی و گردشگری را شاهد هستیم. آمارها در زمینه وضعیت اقتصادی قوم ترکمن در بعد از انقلاب نشان‌دهنده جایگاه ممتاز اقتصادی این قوم در کشور ایران و در تولید کالاهای استراتژیک مانند گندم، ... می‌باشد. ترکمن‌ها در تولیدات دامی و ماهی با توجه به آمارهای موجود جایگاه خوبی در کشور دارند که با تلاش مسئولین و سرمایه‌گذاری بیشتر شاهد شکوفایی هرچه بیشتر و همچنین صادرات مازاد این محصولات در آینده نزدیک در این زمینه خواهیم بود (عموزاد خلیلی، ۱۳۹۵، ۸۵).



### نتیجه گیری:

کشور ایران از اقوام گوناگونی تشکیل شده است و هر یک از این اقوام دارای فرهنگ، آداب و رسوم مخصوص به خود هستند. برای ایجاد وحدت و همگرایی بیشتر اقوام در جهت حکمرانی خوب دولت کافی است، علاوه بر در نظر گرفتن فرهنگ و آداب و رسوم هر قوم تأکید بر نقاط مشترک (فرهنگی و آداب و رسوم) شود چون می تواند نقش مؤثری بر وحدت هر چه بیشتر این اقوام با دیگر مردم ساکن این سرزمین و در نتیجه افزایش وحدت و امنیت ملی را در پی داشته باشد. این نوشته که با هدف بررسی تأثیر حکمرانی خوب بر اتحاد و همبستگی اقوام (قوم ترکمن) در گام اول انقلاب نگاشته شده به این نتیجه رسیده است که، حکمرانی فعالیت های اقتصادی، اجتماعی - فرهنگی و سیاسی در جهت حفظ وحدت و همگرایی مردم منطقه با مجموعه ملت ایران می باشد. با این توصیف فعالیت ها و اقدامات کشور در گام اول انقلاب در بین اقوام این احساس را به آنها القاء می کند که جزئی از کشور خود هستند؛ بنابراین در این حالت اقوام امنیت ملی کشور را مقدم بر هر چیزی می دانند که این مهم را تهدید کند.

در نهایت باید گفت که یکی از مؤلفه های بسیار حائز اهمیت در راستای وحدت و همبستگی قوم ترکمن با ارتقا امنیت ملی استان گلستان و ایران، اجرای درست حکمرانی خوب در راستای اقدامات و فعالیت های انجام شده در منطقه است.

با این توصیف، باید گفت: در جهت اتحاد و وحدت بیشتر قوم ترکمن و ارتقا امنیت ملی در جهت حکمرانی خوب توجه بیشتر مسئولان استانی و در سطح کلان کشور (وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و اداره فرهنگ و ارشاد استان و شهرستان ها، صداوسیما ملی و استانی و ...) به مؤلفه های فرهنگی و اجتماعی، اقتصادی و سیاسی اشاره شده می - تواند در راه ارتقا و دستیابی به وحدت و اتحاد بیشتر کمک کند.

### منابع:

۱. امام جمعه زاده، سید؛ شهرام‌نیا، امیرمسعود؛ صفریانی، روح‌الله، (۱۳۹۵)، الگوی حکمرانی خوب جامعه همکار و دولت کارآمد در مدیریت توسعه، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، شماره ۳۶، ص ۲۶-۴۲.
۲. برتون، رولان، (۱۳۸۴)، قوم‌شناسی، ترجمه ناصر فکوهی، تهران، نشر نی.
۳. بهفروز، فاطمه، (۱۳۷۴)، زمینه‌های غالب در جغرافیای انسانی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول.
۴. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار کارگزاران نظام، ۱۳۸۰/۹/۲۱.
۵. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار جوانان استان اصفهان. ۱۳۸۰/۸/۱۲.
۶. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام، ۱۳۷۹/۴/۱۹.
۷. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار کارگزاران نظام به مناسبت عید سعید فطر، ۱۳۷۵/۱۱/۲۱.
۸. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار رؤسای سه قوه، کارگزاران نظام و شخصیت‌های خارجی شرکت‌کننده در کنفرانس بین‌المللی وحدت اسلامی، ۱۳۷۵/۵/۱۳.
۹. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام، ۱۳۷۹/۰۴/۱۹.
۱۰. بیانات رهبر معظم انقلاب در جمع مردم استان کردستان در میدان آزادی سنندج، ۱۳۸۸/۲/۲۲.
۱۱. پیام نوروزی رهبر معظم انقلاب به مناسبت حلول سال ۱۳۸۶.
۱۲. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار برگزیدگان استان کردستان، ۱۳۸۸/۲/۲۴.
۱۳. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار کارگزاران نظام، به مناسبت عید سعید فطر، ۱۳۷۵/۱۱/۲۱.
۱۴. پیام رهبر معظم انقلاب به مناسبت برگزاری کنگره عظیم عبادی سیاسی حج، ۱۳۷۵/۰۲/۰۴.

۱۵. بیانات رهبر معظم انقلاب در جمع مردم استان کردستان در میدان آزادی  
سنندج، ۱۳۸۸/۲/۲۲.
۱۶. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار برگزیدگان استان کردستان،  
۱۳۸۸/۲/۲۴.
۱۷. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با روحانیون دفتر نمایندگی ولی فقیه  
در امور اهل سنت سیستان و بلوچستان، ۱۳۷۰/۰۸/۲۷.
۱۸. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار بسیجیان استان فارس، ۱۳۸۷/۰۲/۱۴.
۱۹. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار برگزیدگان استان کردستان،  
۱۳۸۸/۲/۲۴.
۲۰. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام،  
۱۳۷۹/۰۴/۱۹.
۲۱. پیام رهبر معظم انقلاب به مناسبت آغاز به کار هفتمین دوره مجلس  
شورای اسلامی، ۱۳۸۳/۰۳/۰۷.
۲۲. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار مردم سقز، ۱۳۸۸/۲/۲۹.
۲۳. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار برگزیدگان استان کردستان،  
۱۳۸۸/۲/۲۴.
۲۴. بیانات رهبر معظم انقلاب در جمع مردم استان کردستان در میدان آزادی  
سنندج، ۱۳۸۸/۲/۲۲.
۲۵. پیام رهبر معظم انقلاب به مناسبت آغاز به کار هفتمین دوره مجلس  
شورای اسلامی، ۱۳۸۳/۰۳/۰۶.
۲۶. بیانات رهبر معظم انقلاب در میدان صبحگاه ستاد نیروی مقاومت بسیج،  
۱۳۸۴/۰۶/۰۲.
۲۷. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار استادان و دانشجویان کردستان،  
۱۳۸۸/۲/۲۷.

۲۸. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار برگزیدگان استان کردستان،  
۱۳۸۸/۲/۲۴.
۲۹. - بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با روحانیون دفتر نمایندگی ولی  
فقیه در امور اهل سنت سیستان و بلوچستان، ۱۳۷۰/۰۸/۲۷.
۳۰. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار اعضای شورای تأمین استان‌ها،  
۱۳۷۹/۱۱/۲۵.
۳۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار مردم سقز، ۱۳۸۸/۲/۲۹.
۳۲. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار مردم استان کردستان در میدان آزادی  
سنندج، ۱۳۸۸/۲/۲۲.
۳۳. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار مردم سقز، ۱۳۸۸/۲/۲۹.
۳۴. بیانات رهبر معظم انقلاب در جلسه درس خارج فقه درباره تقلید لهجه  
قومیت‌ها، ۱۳۸۹/۱/۳۱.
۳۵. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار مردم استان کردستان در میدان آزادی  
سنندج، ۱۳۸۸/۲/۲۲.
۳۶. پیردشتی، حسین، (۱۳۸۱)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رفتار سیاسی قوم  
ترکمن، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس تهران.
۳۷. پورعزت، علی‌اصغر، (۱۳۸۷)، مبانی دانش اداره دولت و حکومت،  
تهران، انتشارات سمت.
۳۸. بقیه، نازمحمد، (۱۳۹۲)، فرهنگ و شعر ترکمن، مجله نامعلوم، ص ۱۸-  
۱.
۳۹. جرجانی، موسی، (۱۳۹۴)، ایرانیان ترکمن، انتشارات دفتر پژوهش‌های  
فرهنگی، تهران، چاپ اول.

۴۰. درویشی، فرهاد؛ امامی، اعظم، (۱۳۹۰)، قومیت‌ها و همبستگی ملی در جمهوری اسلامی ایران / چالش‌ها و راهکارها، فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی، سال هفتم، شماره ۲۰، ص ۱-۲۲.
۴۱. شریفیان‌ثانی، مریم، (۱۳۸۰)، مشارکت شهروندی، حکمرانی شهری و مدیریت شهری، فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۸، ص ۱۶۲-۱۴۱.
۴۲. عموزاد خلیلی، سجاد، (۱۳۹۵)، قوم ترکمن و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد. بابلسر، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه مازندران.
۴۳. لوگاشوا، بی‌بی رابعه، (۱۳۵۹)، ترکمن‌های ایران، ترجمه سیروس ایزدی، انتشارات شباهنگ.
۴۴. موکی یلی، روزه، (۱۳۷۰)، پویایی گروه‌ها شناخت مسئله و کاربردهای علمی آن، ترجمه فریدونی، انتشارات آستان قدس رضوی، ص ۱۶۰-۱۸۱.

45. Abdellatif, M, (2003), Good Governance and its Relationship to Democracy and Economic Development, Ministry of Justice Republic of Korea, pp. 1-27.

46. Bendix, R, (1997), Nation Building and Citizenship, Berkeley: University of California Press.

47. Kaufmann, D, (2010), The World Wide Governance Indicators: Methodology and Analytical Issues, The World Bank Development Research Group Macro economics and Growth Team September.

48. Phinney, JS, (1990), Ethnic Identity in Adolescents and Adult, - Review of Research Psychological Bulletin, Vol 108, No. 3.

49. Plumptre, T, (1999), Governance and Good Governance: International and Aboriginal Perspectives, Institute on Governance, December 3.

50. Sapru, R.K, (2006), Administration Theories and Management Thought, Delhi, Published by Prentice Hall of India.

51. UNDP, (1997), Defining Core Characteristics of Good Governance, United Nations Development Programme, Management Development and Governance Division, Strengthening Capacity for People-Centred Development, UNDP, and New York.

